

ارمنغان اسلام

از سلسله منشورات نجفی

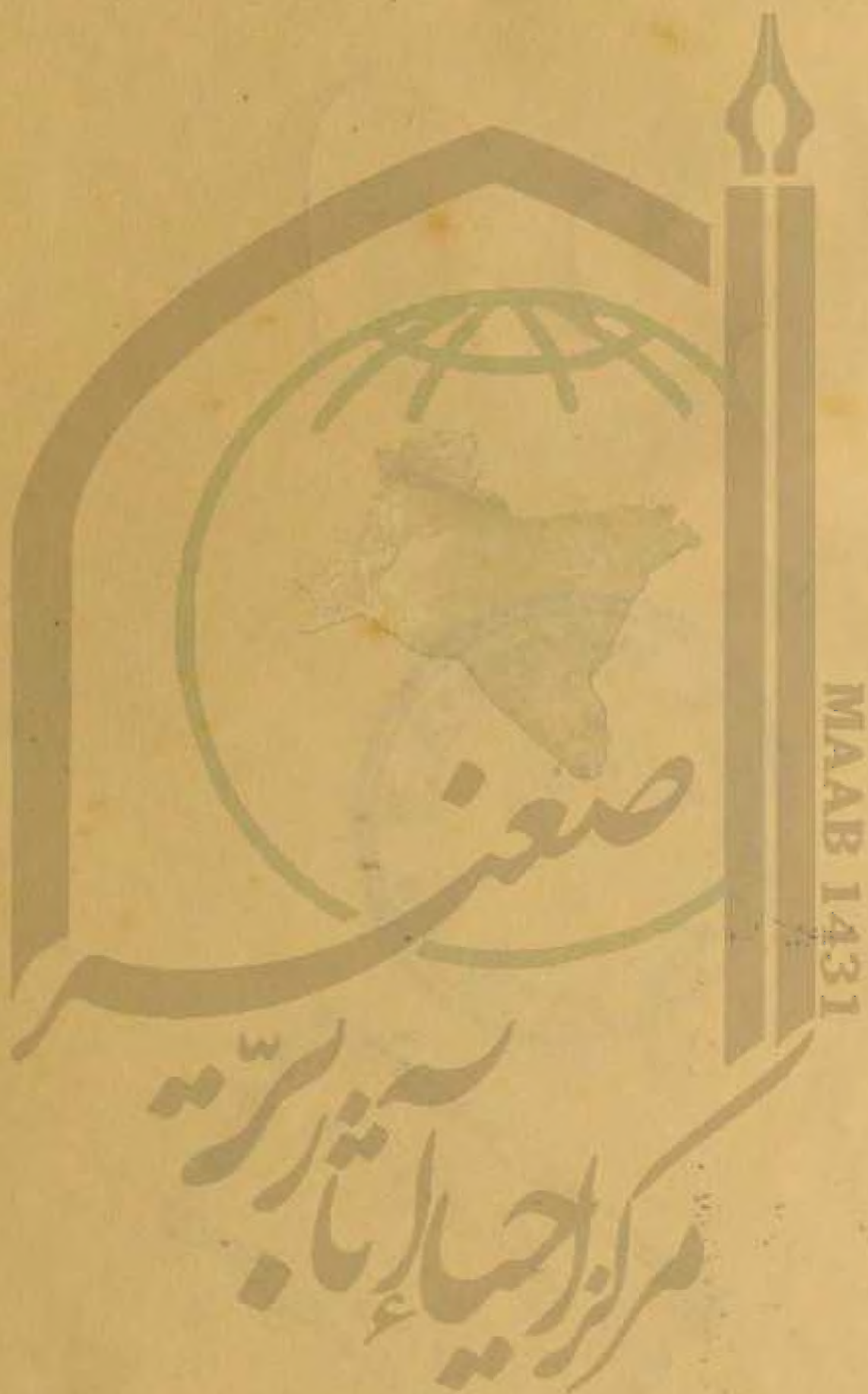
محمد حسن نجفی ... فارسی ... مطبع کتب ... ۱۹۵۰ء ... سن ۶۳۶

MAAB 1431

maablib.org

شماره ۱۸ پریمس بیلڈنگ

پست شماره ۳



maablib.org

۱۹۹۵

امید وارم در این هدیه و اعطای
 این ضابطه منظور حضرت آقا
 سید محمد باشم و مراد دعا را موی
 ۲۹

۱۳۷۳
۲۱
۲۱

ارمغان اسلام

کتابیت پاکیزه شتمل بر ستمی از احکام شریعت اسلام و فروع دین
و بیان برخی از نمازهای مستحبی و مختصری از مسائل و زیارات معصومین
صلوات الله علیهم اجمعین و دعاهای مختلف و ترجمه برخی از آن و بیان
بعض مطالب مفیده و غیره که برای خدمت بهم کیشان تألیف گردید
امید وارم که برادران و خواهران دینی از آن بهره مند شوند
و بانیان خیر را از دعا فراموش ننمایند
انشاء الله تعالی

شنبه و دوم ربیع الاول ۱۳۷۰ هجری مطابق
۳۱ آذرماه باستانی ۱۳۳۹ هجری شمسی

۱۲ ربيع الثانی ۱۲۵۰ م در مجلس

شماره ۱۸ پرینس بلیدینگ پست شماره ۳

محمد حسن نحفی

فہرست ارمغان اسلام

صفحہ		صفحہ
۱	آیۃ الکرسی	۹
۱	سورۃ نیس	۱۲
د	سورۃ الرحمن	۱۳
ط	سورۃ الواقعہ	۱۵
ل	سورۃ الجمعۃ	۱۵
م	سورۃ المنافقون	۱۶
س	سورۃ الملک	۱۶
ف	سورۃ الاعلیٰ	۱۶
ص	سورۃ الشمس	۱۷
ص	سورۃ القدر	۱۷
ص	سورۃ الزلزلہ	۱۸
ق	سورۃ العادیات	۱۹
ق	سورۃ الکافرون	۲۰
ق	سورۃ النصر	۲۰
س	سورۃ التوحید	۲۰
س	سورۃ الفلق	۲۰
س	سورۃ النکس	۲۱
۲	گفتاری چہ	۲۱
۴	دیباچہ ارمغان اسلام	۲۲
۶	آداب اسلام	۲۲
	فضایل قرآن	
	اعتماد بنفس	
	عقیدہ صحیح و اثر آن در زندگی	
	اصول اسلام	
	کلمہ شہادتین و ترجمہ آن	
	ضروری اسلام	
	اصول ایمان	
	اصول دین	
	معانی اصول پنجگانہ	
	صفات ثبوتیہ	
	صفات سلبیہ	
	در بیان تشریح باقی اصول دین	
	انبیاء	
	رسول	
	اولوالعزم و خاتم	
	امامت	
	چهارده معصوم	
	شرط رسالت و امامت	
	اصحاب کساء	
	ولایت اہل بیت	

صفحه		صفحه
۲۳	تاریخ چهارده معصوم	۴۲
۲۳	حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله	۴۵
۲۴	معجزات آنحضرت	۴۶
۲۵	کتابهای آسمانی	۴۶
۲۵	قرآن	۴۷
۲۶	تاریخ قرآن	۴۸
۲۶	حضرت فاطمه زهرا	۴۸
۲۷	اُمّه دوازده گانه	۴۸
	تاریخ ولادت و وفات دوازده امام علیهم السلام	۵۰
۲۸	اول حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام	۵۱
۲۹	دوم حضرت امام حسن علیه السلام	۵۱
۳۰	سوم حضرت امام حسین علیه السلام	۵۲
۳۱	چهارم حضرت امام زین العابدین علیه السلام	۵۲
۳۱	پنجم حضرت امام محمد باقر علیه السلام	۵۳
۳۲	ششم حضرت امام جعفر الصادق علیه السلام	۵۳
۳۳	هفتم حضرت امام موسی کاظم علیه السلام	۵۳
۳۴	هشتم حضرت امام رضا علیه السلام	۵۳
۳۵	نهم حضرت امام محمد تقی علیه السلام	۵۴
۳۶	دهم حضرت امام علی النقی علیه السلام	۵۴
۳۷	یازدهم حضرت امام حسن عسکری علیه السلام	۵۵
۳۸	دوازدهم حضرت قائم علیه السلام	۵۶
۳۹	امام غائب حضرت مهدی عجل الله فرجه و حیات وی	۵۸
	مختصری از اعمال حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه	
	یادآوری	
	غیبت صغری	
	نواب رابعه	
	غیبت کبری	
	ملاحظه	
	شیعه امامی اثنی عشری	
	تولید شیعه در اسلام	
	مذهب شیعه	
	مذهب جعفری	
	تقلید در شیعه	
	تقلید مجتهد عادل	
	عادل	
	مُقتی	
	مُقلد	
	مُقلد	
	تقلید	
	حقوق مجتهدین و علما	
	ضروری مذهب	
	تقیه در اسلام	
	ارشاد و هدایت	
	علامت بلوغ	

صفحه		صفحه	
۵۹	واجب	۷۵	در احکام طهارت سه گانه
۵۹	حرام	۷۶	وضو، غسل، تیمم
۵۹	مستحب	۷۷	شرایط وضو
۵۹	مکروه	۷۷	نواقض وضو
۵۹	مباح	۷۷	احکام جیره
			غسلهای واجب
	اقسام واجب	۷۸	غسل خابث
۶۰	واجب عینی	۷۸	غسل متینیت
۶۰	واجب کفائی	۷۸	غسل متینیت
۶۱	واجب تنخیری	۷۸	غسل حیض
۶۱	صحیح و باطل	۷۹	غسل نفاس
۶۱	عبادات	۷۹	غسل استحاضه اقسام و احکام استحاضه
۶۲	معاملات	۸۰	اقسام غسل و کیفیت آن
۶۲	پاکیزگی در اسلام	۸۱	غسلهای مستحبی
۶۳	مطهرات	۸۲	در احکام تیمم
۶۸	نجاسات	۸۳	کیفیت تیمم
۶۹	کیفیت تطهیر متنجس	۸۳	در لباس نمازگذار
۷۰	احکام بیت الخلاء	۸۴	جای نمازگذار
۷۱	فروع اسلام	۸۵	احکام قبله
۷۲	در فضیلت نماز و گناه تارک آن	۸۵	خونهای نیکه در نماز معفو است
۷۳	مقدمات نماز	۸۶	نمازهای پنجگانه شبانه روز و اوقات آن
۷۳	یادآوری	۸۷	یادآوری

صفحه		صفحه
۸۷	نماز جمعه در اسلام	۱۳۸
۸۹	کیفیت نماز جمعه و شرایط آن	دعای مبارک صبح و سندان
۹۰	در اذان و اقامه	دعای آیام هفته از طحقات صحیفه مبارکه سجادی
۹۱	طریق اذان	۱۴۸
۹۱	ملاحظه	دعای روز یکشنبه
۹۲	طریق اقامه	۱۴۹
۹۲	نیت و احکام آن	دعای روز دوشنبه
۹۳	واجبات نماز	۱۵۱
۹۴	رکن نماز	دعای روز سه شنبه
۹۴	چیزهاییکه بر آن سجده جائز است	۱۵۲
۹۵	شکایات نماز و اقسام آن	دعای روز چهارشنبه
۱۰۰	کیفیت نماز احتیاط	۱۵۳
۱۰۰	جائیه که سجده سهو واجب میشود	دعای روز پنجشنبه
۱۰۱	طریق سجده سهو	۱۵۵
۱۰۲	سجدهای واجب قرآنی	دعای روز جمعه
۱۰۲	مبطلات نماز	۱۵۶
۱۰۳	احکام سلام	دعای روز شنبه
۱۰۴	مستحبات نماز	۱۵۷
۱۰۹	صورت نماز و ترجمه آن	دعای برای طلب غایت از صحیفه مبارکه سجادی
۱۱۸	تعقیبات نماز	۱۵۹
۱۳۴	دعای سجده شکر	نوافل و اوقات آن
۱۳۵	زیارت مختصر چهارده معصوم بعد از تعقیبات	۱۶۱
		نماز شب
		۱۶۴
		احکام مسجد
		۱۶۶
		نماز جماعت و فضیلت آن
		۱۶۷
		شروط امامت
		۱۶۸
		احکام نماز جماعت
		۱۶۹
		احکام سفر
		۱۷۲
		نماز قصر
		۱۷۳
		نماز قضا و احکام آن
		۱۷۴
		نماز والدین
		۱۷۴
		نماز اجاره
		۱۷۵
		نماز آیات

صفحه	صفحه	صفحه	صفحه
استخاره با مصحف	۲۱۰	نماز عید فطر	۱۷۷
استخاره با تسبیح	۲۱۰	نماز عید قربان	۱۸۰
استخاره ذات الرقاع	۲۱۱	نماز میت و نماز طواف	۱۸۰
تفصیلت شب جمعه و برخی از اعمال آن	۲۱۲	نماز نذر و عهد و قسم	۱۸۰
دعای کسب و سندان	۲۱۶	کفاره نذر و عهد و قسم	۱۸۰
تفصیلت روز جمعه و احکام آن	۲۳۸	نمازهای مستحبی	۱۸۱
سند دعای عهدنامه	۲۵۲	نماز اول هراه	۱۸۲
دعای عهدنامه	۲۵۲	نماز فرزند برای پدر و مادر	۱۸۳
خلاصه ترجمه عهدنامه	۲۵۶	نماز مضطر	۱۸۳
قسمتی از توسلات	۲۶۰	نماز روز نوروز	۱۸۴
دعای توسل چهارده معصوم	۲۶۰	اعمال نوروز	۱۸۶
دعای الهی عظم البلاء برای خلاصی از زندان	۲۶۵	اعمال وقت تحویل	۱۹۰
ترجمه دعا	۲۶۶	طریقی شناختن وقت تحویل شمس برج حمل	۱۹۳
دعای اللهم بحق العرش برای خلاصی از زندان	۲۶۷	نماز حضرت امیر المؤمنین علیه السلام	۱۹۴
دعای طهوف و گرفتار	۲۶۸	نماز حضرت زهرا	۱۹۷
ترجمه دعا	۲۶۹	نماز حضرت جعفر طیار	۱۹۸
ختم آیه یونس	۲۷۰	نماز حضرت حجت در شب جمعه	۱۹۹
ختم دیگر	۲۷۰	نماز حاجت	۲۰۲
ختم آتمن بحیب المضطر	۲۷۰	نماز حاجت	۲۰۲
دعای یا من تحلل	۲۷۱	نماز حاجت	۲۰۳
تسبیحات در موقع گرفتاری	۲۷۳	احکام استخاره	۲۰۴
		مشوره نمودن در کارهای خود	۲۰۷

صفحه	موضوع	صفحه	موضوع
۲۷۴	برای قضاء حوائج	۳۳۴	برخی از وقایع تاریخی ماه شعبان
۲۷۴	برای دفع امراض	۳۳۵	اعمال ماه شعبان
۲۷۵	برای دفع تب	۳۳۷	اعمال مختص شب و روز ماه شعبان
۲۷۵	برای دفع تب	۳۴۰	اعمال شب و روز نیمه ماه شعبان
۲۷۶	خواص استغفار	۳۴۴	ماه رمضان المبارک
۲۷۹	حدیث شریف کساء	۳۴۶	استهلال و اعمال شب اول ماه
۲۸۵	ترجمه حدیث شریف کساء	۳۵۳	احکام افطار و نحر
۲۹۲	منظومه حدیث شریف کساء	۳۵۴	اعمال شبها و سحر ماه رمضان المبارک
۳۰۵	روزه در اسلام	۳۶۹	اعمال روزهای مبارک رمضان
۳۰۵	حقیقت روزه و مبطلات آن	۳۷۰	اعمال لیالی بیض
۳۰۶	احکام روزه و شرایط صحت آن	۳۷۱	فضیلت شبهای قدر
۳۰۸	مکروهات روزه	۳۷۲	اعمال شبهای قدر
۳۰۸	اقسام روزه	۳۸۷	اعتکاف و احکام آن
۳۱۲	احکام رؤیت هلال	۳۸۸	ماه شوال
۳۱۳	دعای رؤیت هلال	۳۹۱	برخی از وقایع تاریخی این ماه
۳۱۵	در احکام ماه رجب و فضیلت آن	۳۹۲	ماه ذیقعدة الحرام و برخی از وقایع تاریخی آن
۳۱۶	برخی از وقایع تاریخی ماه رجب	۳۹۴	برخی از اعمال ماه ذیقعدة الحرام
۳۲۱	اعمال ماه رجب	۳۹۷	در اعمال ماه ذیقعدة الحرام و بیان فضیلت آن
۳۲۲	اعمال مختص شب اول رجب	۴۰۳	بعضی از وقایع تاریخی این ماه
۳۲۷	لیلۃ الرغائب	۴۰۴	ماه محرم و حرمت آن
۳۲۸	اعمال مخصوص ایام و لیالی ماه رجب	۴۰۵	برخی از وقایع تاریخی ماه محرم
۳۳۳	ماه شعبان العظم		

صفحه		صفحه	
۴۸۱	در تذکیر حیوان است	۴۰۶	اعمال محرم
۴۸۳	در احکام ماهی است	۴۱۵	در بیان اعمال روز عاشورا
۴۸۳	در بیان حکم پزندگان حلال گوشت	۴۳۴	در فضیلت زیارت روز عاشورا
۴۸۴	در حیوان شکار شده	۴۴۵	ماه صفر
۴۸۵	در احکام نکاح است	۴۵۱	ماه ربیع الاول
۴۹۰	در احکام متعه	۴۵۴	ماه ربیع الثانی
۴۹۱	در احکام طلاق	۴۵۴	ماه جمادی الاول
۴۹۳	در وصیت بیماری عیادت	۴۵۵	ماه جمادی الثانی
۴۹۵	در احکام اموات	۴۵۶	اعمال همراه
۵۰۱	در احکام غسل میت	۴۵۷	عمل آب نسیان در راه رومی
۵۰۵	در احکام کفن	۴۵۸	آگهی
۵۰۹	نماز میت	۴۵۹	اوقات نیک و بد
۵۱۵	در احکام دفن	۴۶۰	در احکام ایام شهور
۵۲۶	نماز شب اول دفن	۴۶۲	اوقات خمس
۵۲۶	نماز دیگر است	۴۶۳	قر در عقب و طریق شناختن آن
۵۲۸	زیارت اموات	۴۶۵	در احکام زکوة
۵۲۸	طریق دیگر	۴۷۳	در بیان زکوة فطره
۵۲۸	طریق دیگر	۴۷۵	در احکام خمس
۵۳۱	امر معروف و نهی از منکر	۴۷۷	در احکام قربانی
۵۳۳	حج در اسلام	۴۷۸	دعای قربانی
۵۳۶	در احکام حج است	۴۷۹	در احکام عقیقه است
۵۳۶	میقات	۴۸۰	ترجمه دعای عقیقه

صفحه	صفحه
۵۳۷	در بیان احرام عمره تمتع
۵۴۱	در بیان محرمات احرام است
۵۴۲	در احکام حج تمتع است
۵۴۳	احکام عرفات
۵۴۴	احکام مشعر الحرام
۵۴۵	اعمال منی
۵۴۷	اعمال کعبه
۵۴۹	در احکام مدینه مطهره
۵۵۱	زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله
۵۵۶	زیارت حضرت صدیق طاهره فاطمه زهرا
	صلوات الله علیها
۵۵۸	زیارت ائمه بقیع
۵۶۱	زیارت ابراهیم خلیل و فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله
	علیه و آله
۵۶۴	زیارت جناب فاطمه بنت اسد و آله
	حضرت امیر علیه السلام
۵۶۶	زیارت حضرت حمزه عموی رسول خدا
	صلی الله علیه و آله
۵۶۸	زیارت شهدا رضوان الله علیهم
۵۶۹	خاتمه در امور که آوردن آن در مدینه مستحب است
۵۷۲	زیارت دوره حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام
۵۸۲	زیارت حضرت امام حسین علیه السلام
۵۸۸	زیارت حضرت عباس علیه السلام
۵۹۴	زیارت امام موسی کاظم علیه السلام
۵۹۸	زیارت امام محمد تقی علیه السلام
۶۰۱	زیارت امام رضا علیه السلام
۶۰۶	زیارت امام علی النقی و امام حسن عسکری علیهما السلام
۶۰۸	زیارت نرجس خاتون و والده حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه
۶۱۱	زیارت جناب خیر خاتون
۶۱۴	زیارت حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه
۶۱۶	مناجات امیر المؤمنین علی علیه السلام
۶۱۸	ترجمه مناجات امیر المؤمنین علی علیه السلام
۶۲۰	خاتمه کتاب ارشاد اسلام
۶۲۱	چهل حدیث
۶۲۷	ترجمه چهل حدیث

آيَةُ الْكُرْسِيِّ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ
 سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ
 عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ
 بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا
 يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ
 الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدْ
 اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ
 اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ
 كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُهُم مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ
 أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

سورة

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَس

يَس وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ " إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ " عَلَى صِرَاطٍ
 مُسْتَقِيمٍ " تَنْزِيلَ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ " لِنُنذِرَ قَوْمًا مَا أَنْذِرْنَا آبَاءَهُمْ

فَهُمْ غَافِلُونَ لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ عَلَى أَكْثَرِهِمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ
إِنَّا جَعَلْنَا فِي أَعْنَاقِهِمْ أَغْلَالًا فَهِيَ إِلَى الْأَذْقَانِ فَهُمْ مُقْمَحُونَ
وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَا أَعْيُنَهُمْ
فَهُمْ لَا يَبْصُرُونَ وَسَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أُنذِرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ
إِنَّمَا تُنذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَخَشِيَ الرَّحْمَنََ الْغَيْبَ فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرَةٍ وَأَجْرٍ كَرِيمٍ إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَى وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا
وَأَثَرَهُمْ وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ وَاصْرِبْ لَهُمْ
مَثَلًا أَصْحَابَ الْقَرْيَةِ إِذْ جَاءَهَا الْمُرْسَلُونَ إِذْ أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ
اثْنَيْنِ فَكَذَّبُوهُمَا فَعَزَّزْنَا بِثَالِثٍ فَقَالُوا إِنَّا إِلَيْكُمْ مُرْسَلُونَ
قَالُوا مَا أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا وَمَا أَنْزَلَ الرَّحْمَنُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ
إِلَّا تَكْذِبُونَ قَالُوا رَبُّنَا يَعْلَمُ إِنَّا إِلَيْكُمْ لَمُرْسَلُونَ وَمَا عَلَيْنَا إِلَّا
الْبَلَاغُ الْمُبِينُ قَالُوا إِنَّا نَقْطِرُ نَارَكُمْ لِنَنفِثَ بِهَا نَارًا نَزَّاجًا
وَلَيَمْسَسَنَّكُمْ مِنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ قَالُوا طَائِفُكُمْ مَعَكُمْ أِنْ أُرْسِلُوا
فَتَرْكَبُوا قَوْمٌ مُسْرِفُونَ وَجَاءَ مِنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَى قَالَ يَا
قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ اتَّبِعُوا مَنِ اتَّبَعْتُمْ أَجْرُهُمْ هَاهُنَا
وَهُمْ مُتَعَدُّونَ

وَمَا لِي لَا أَعْبُدُ الَّذِي فَطَرَنِي وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ؕ أَأَتَّخِذُ مِنْ دُونِهِ
الِهَةً إِنْ يُرِدْنِ الرَّحْمَنُ بِضُرٍّ لَا تُغْنِي عَنْهُمْ شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا وَلَا
يُنْقِذُونِ ؕ إِنَّي إِذَا لَفِيَ ضَلَالٍ مُبِينٍ إِنِّي أَمِنْتُ بِرَبِّكُمْ
فَأَسْمَعُونَ ؕ قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ ؕ قَالَ يَالَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ
بِمَا غَفَرْتُ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ ؕ وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَى قَوْمِهِ
مِنْ بَعْدِهِ مِنْ جُنْدٍ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا كُنَّا مُنْزِلِينَ ؕ إِنْ كَانَتْ إِلَّا
صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ خَامِدُونَ ؕ يَا حَسْرَةً عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ
مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ ؕ أَلَمْ يَرَوْا كَمَا أَهْلَكْنَا
قَبْلَهُمْ مِنَ الْقُرُونِ أَنَّهُمْ إِلَيْهِمْ لَا يَرْجِعُونَ ؕ وَإِنْ كُلٌّ لَمَّا جَمِيعٌ
لَدُنَّا مُحْضَرُونَ ؕ وَآيَةٌ لَهُمُ الْأَرْضُ الْمَيْتَةُ أَحْيَيْنَاهَا وَأَخْرَجْنَا
مِنْهَا حَبًّا فَمِنْهُ يَأْكُلُونَ ؕ وَجَعَلْنَا فِيهَا جَنَّاتٍ مِنْ نَخِيلٍ وَأَعْنَابٍ
وَفَجَّرْنَا فِيهَا مِنَ الْعُيُونِ لِيَأْكُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ وَمَا عَمِلَتْهُ أَيْدِيهِمْ
أَفَلَا يَشْكُرُونَ ؕ سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنْبِتُ
الْأَرْضُ وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ ؕ وَآيَةٌ لَهُمُ اللَّيْلُ نَسْلَخُ
مِنْهُ النَّهَارَ فَإِذَا هُمْ مُظْلِمُونَ ؕ وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا

ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ وَالْقَمَرَ قَدَرْنَا مَنَازِلَ حَتَّىٰ عَادَ الْعُرْجُونَ
 الْقَدِيمَ لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ
 النَّهَارِ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ وَآيَةٌ لَهُمْ أَنَّا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي
 الْفُلِّ الْمَشْحُونِ وَخَلَقْنَا لَهُمْ مِنْ مِثْلِهِ مَا يَرْكَبُونَ وَإِنْ نَشَاءُ
 نُغَرِّقْهُمْ فَلَا صَرِيحَ لَهُمْ وَلَا هُمْ يُنْقَذُونَ إِلَّا جَمْعًا وَصَتَاءً
 إِلَىٰ حِينٍ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّقُوا مَا بَيْنَ أَيْدِيكُمْ وَمَا خَلْفَكُمْ
 لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ وَمَا تَأْتِيهِمْ مِنْ آيَةٍ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا
 عَنْهَا مُعْرِضِينَ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ انْفِقُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالِ
 الَّذِينَ كَفَرُوا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ أَطَعَمَهُ
 إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ
 صَادِقِينَ مَا يَنْظُرُونَ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً تَأْخُذُهُمْ وَهُمْ يَخِصِّمُونَ
 فَلَا يَسْتَطِيعُونَ تَوْصِيَةً وَلَا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ يَرْجِعُونَ وَنُفِخَ فِي
 الصُّورِ فَإِذَا هُمْ مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ قَالُوا يَا وَيْلَنَا
 مَنْ بَعَثَنَا مِنْ مَرْقَدِنَا هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ
 إِنْ كُنْتُمْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ جَمِيعٌ لَدَيْنَا مُحْضَرُونَ فَالْيَوْمَ

لَا نُظَلَمُ نَفْسُ شَيْئًا وَلَا نُجْرُونَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ إِنَّ أَصْحَابَ
الْجَنَّةِ الْيَوْمَ فِي شُغُلٍ فَاكِهُونَ هُمْ وَأَزْوَاجُهُمْ فِي ظِلَالٍ عَلَى
الْأَرَائِكِ مُتَكِئُونَ لَهُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ وَلَهُمْ مَا يَدْعُونَ
سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ وَامْتَنَزُوا الْيَوْمَ أَيُّهَا الْمُجْرِمُونَ
أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ
عَدُوٌّ مُبِينٌ وَإِنْ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ وَلَقَدْ
أَضَلَّ مِنْكُمْ جِبِلًّا كَثِيرًا أَفَلَمْ تَكُونُوا تَعْقِلُونَ هَذِهِ جَهَنَّمُ
الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ إصْلَوْهَا الْيَوْمَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ الْيَوْمَ
نَخْتِمُ عَلَى أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ
بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ وَلَوْ نَشَاءُ لَطَمَسْنَا عَلَى أَعْيُنِهِمْ فَاسْتَبَقُوا
الصِّرَاطَ فَأَنَّى يُبْصِرُونَ وَلَوْ نَشَاءُ لَمَسَخْنَاهُمْ عَلَى مَكَانَتِهِمْ
فَمَا اسْتَطَاعُوا مُضِيًّا وَلَا يَرْجِعُونَ وَمَنْ نَعْمِرْهُ نُنَكِّسْهُ
فِي الْخَلْقِ أَفَلَا يَعْقِلُونَ وَمَا عَلَّمْنَاهُ الشِّعْرَ وَمَا يَنْبَغِي لَهُ
إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْآنٌ مُبِينٌ لِيُنذِرَ مَنْ كَانَ حَيًّا وَيَحِقَّ
الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا خَلَقْنَا لَهُمْ مِمَّا عَمِلَتْ

أَيْدِينَا أَنْعَامًا فَهُمْ لَهَا مَالٌ لَكُونَ وَذَلَّلْنَا لَهُمْ فَمِنْهَا رَكُوبُهُمْ
 وَمِنْهَا يَأْكُلُونَ وَلَهُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَمَشَارِبٌ أَفَلَا يَشْكُرُونَ
 وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لَعَلَّهُمْ يُنصَرُونَ لَا يَسْتَطِيعُونَ
 نَصْرَهُمْ وَهُمْ لَهُمْ جُنْدٌ مُخَضَّرُونَ فَلَا يَحْزَنُكَ قَوْلُهُمْ إِنَّا نَعْلَمُ
 مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ أَوَلَمْ يَرِ الْإِنْسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ نُطْفَةٍ
 فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُبِينٌ وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ
 يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ
 وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الشَّجَرَةَ الْأَخْضَرَ نَبَاتًا إِذَا
 أَنْتُمْ مِنْهُ تُوقِدُونَ أَوَلَيْسَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ
 بِقَادِرٍ عَلَى أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ بَلَىٰ وَهُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ إِنَّمَا أَمْرُهُ
 إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ
 مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

الرحمن

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سورة

الرَّحْمَنُ عِلْمُ الْقُرْآنِ خَلَقَ الْإِنْسَانَ عِلْمُهُ الْبَيَانِ الشَّمْسُ
 وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ وَالسَّمَاءُ رَفَعَهَا

وَوَضَعَ الْمِيزَانَ ۖ أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ ۚ وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ
 وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ وَالْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ ۚ فِيهَا فَاكِهَةٌ
 وَالنَّخْلُ ذَاتُ الْأَكْمَامِ ۚ وَالْحَبُّ ذُو الْعَصْفِ ۚ وَالرَّيْحَانُ فَبَائِي
 الْآءِ رَبِّكَ مَا تُكَذِّبِينَ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ ۖ وَخَلَقَ
 الْجَحَنَ مِنْ مَّارِجٍ مِنْ نَارٍ ۖ فَبَائِي الْآءِ رَبِّكَ مَا تُكَذِّبِينَ رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ
 وَرَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ ۖ فَبَائِي الْآءِ رَبِّكَ مَا تُكَذِّبِينَ مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ
 بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ ۖ فَبَائِي الْآءِ رَبِّكَ مَا تُكَذِّبِينَ يَخْرُجُ
 مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ ۖ فَبَائِي الْآءِ رَبِّكَ مَا تُكَذِّبِينَ وَلَهُ الْجَوَارِ
 الْمُنَشَّاتُ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ ۖ فَبَائِي الْآءِ رَبِّكَ مَا تُكَذِّبِينَ كُلُّ مَنْ
 عَلَيْهَا فَإِنَّ رَبِّي وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ ۖ فَبَائِي الْآءِ
 رَبِّكَ مَا تُكَذِّبِينَ يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ
 هُوَ فِي شَأْنٍ ۖ فَبَائِي الْآءِ رَبِّكَ مَا تُكَذِّبِينَ سَنَفَعُ لَكُمْ آيَةَ
 الثَّقَلَيْنِ ۖ فَبَائِي الْآءِ رَبِّكَ مَا تُكَذِّبِينَ يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ
 إِنَّ اسْتِطْعَمْتُمْ أَنْ تُتَفَادُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ
 فَانْفُذُوا ۖ وَالْأَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ ۖ فَبَائِي الْآءِ رَبِّكَ مَا تُكَذِّبِينَ

يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شَوْاظٌ مِّن نَّارٍ وَنُحَاسٍ فَلَا تَنْتَصِرَانِ ۚ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا
تُكَذِّبَانِ فَإِذَا انْشَقَّتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهَانِ ۚ فَبِأَيِّ
آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ فَيَوْمَئِذٍ لَا يُسْأَلُ عَنْ ذَنْبِهِ إِنْسٌ وَلَا جَانٌ
فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي
وَالْأَقْدَامِ ۚ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي يُكَذِّبُ
بِهَا الْمُجْرِمُونَ يَطُوفُونَ فِيهَا وَبَيْنَ حَمِيمٍ ۚ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا
تُكَذِّبَانِ وَلِمَن خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٌ ۚ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ
ذَوَاتَا أَفْنَانٍ ۚ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ فِيهِمَا عَيْنَانِ تَجْرِيَانِ
فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ فِيهِمَا مِنْ كُلِّ فَاكِهَةٍ زُرُجَانِ ۚ فَبِأَيِّ
آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ مُتَكَيِّفِينَ عَلَى فُرُشٍ بَطَائِنُهَا مِنْ إِسْتَبْرَقٍ ۚ
وَجَنَاتُ الْجَنَّتَيْنِ دَانٍ ۚ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ فِيهِنَّ قَاصِرَاتُ
الطَّرْفِ لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌ ۚ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا
تُكَذِّبَانِ كَانَتْهُنَّ الْيَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ ۚ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ
هَذَا جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ ۚ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ
وَمِنْ دُونِهِمَا جَنَّتَانِ ۚ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ مُدْهَمَمَتَانِ ۚ

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبِينَ فِيهِمَا عَيْنَانِ نَصَاحَتَانِ فَبِأَيِّ آلَاءِ
 رَبِّكُمَا تُكَذِّبِينَ فِيهِمَا فَاكِهَةٌ وَنَخْلٌ وَرُمَّانٌ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا
 تُكَذِّبِينَ فِيهِنَّ خَيْرَاتٌ حَسَنَاتٌ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبِينَ
 حُورٌ مَّقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبِينَ لَمْ
 يَطْمِثْهُنَّ إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبِينَ
 مُتَكِيَيْنَ عَلَى رُفُوفٍ خَضِرٍ وَعَبَقَرِيٍّ حَسَانٍ فَبِأَيِّ آلَاءِ
 رَبِّكُمَا تُكَذِّبِينَ تَبَارَكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ

سورة	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	الواقعة
إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ ۚ لَيْسَ لَوْعَتِهَا كَاذِبَةٌ خَافِضَةٌ رَافِعَةٌ ۚ إِذَا رُجَّتِ الْأَرْضُ رَجًا ۚ وَلُسَّتِ الْجِبَالُ لُسًّا فَكَانَتْ حَبَاءً مَنْبُتًا ۚ وَكَانَتْ أَنْزَارًا ثَلَاثَةً ۚ فَأَصْحَبُ الْيَمْنِ الْيَمْنُ ۚ وَأَصْحَبُ الشِّمَالِ الشِّمَالُ ۚ وَأَصْحَبُ الْمَشْأَمِ الْمَشْأَمُ ۚ وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ ۚ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ ۚ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ ثَلَاثَةٌ مِنْ الْأُولَى ۚ وَقَلِيلٌ مِنَ الْآخِرِينَ ۚ عَلَى سُرُرٍ مَوْضُونَةٍ مُتَكَبِّينَ عَلَيْهَا مُتَقَابِلِينَ ۚ يَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُخَلَّدُونَ ۚ بِأَكْوَابٍ		

وَأَبَارِئِقَ وَكَاسٍ مِنْ مَعِينٍ لَا يَصْدَعُونَ عَنْهَا وَلَا يَنْزِفُونَ
 وَفَاكِهَةٍ مِمَّا يَتَخَيَّرُونَ وَلَحْمِ طَيْرٍ مِمَّا يَشْتَهُونَ وَخَوْرَعِينَ
 كَأَمْثَالِ اللُّؤْلُؤِ الْمَكْنُونِ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ لَا يَسْمَعُونَ
 فِيهَا الْغَوَا وَلَا تَنَادِي أَلَا قِيلًا سَلَامًا سَلَامًا وَأَصْحَابُ الْمَيْمَنِ
 مَا أَصْحَابُ الْمَيْمَنِ فِي سِدْرٍ مَخْضُودٍ وَطَلْحٍ مَنضُودٍ وَظِلِّ
 مُمْدُودٍ وَمَاءٍ مَسْكُوبٍ وَفَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ لَا مَقْطُوعَةٍ وَلَا
 مَمْنُوعَةٍ وَفُرُشٍ مَرْفُوعَةٍ إِنَّا أَنشَأْنَاهُنَّ إِنِشَاءً فَجَعَلْنَاهُنَّ
 أَبْكَارًا عُرُبًا أَتْرَابًا لِأَصْحَابِ الْمَيْمَنِ ثَلَاثَةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَثَلَاثَةٌ
 مِنَ الْآخِرِينَ وَأَصْحَابُ الشِّمَالِ مَا أَصْحَابُ الشِّمَالِ فِي سَمُومٍ
 وَحَمِيمٍ وَظِلِّ مِنْ تَحْتُمُومٍ لَا بَارِدٍ وَلَا كَرِيمٍ إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ
 مُتْرَفِينَ وَكَانُوا يُصِرُّونَ عَلَى الْحِنثِ الْعَظِيمِ وَكَانُوا يَقُولُونَ
 أَئِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَئِنَّا لَمَبْعُوثُونَ أَوَابًا وَنَا الْأَوَّلُونَ
 قُلْ إِنَّ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ لَجُمُوعُونَ إِلَىٰ مِيقَاتٍ يَوْمَ مَعْلُومٍ
 ثُمَّ إِنَّكُمْ أَتُهَا الضُّالُّونَ الْمُكَذِّبُونَ لَا كَلُونَ مِنْ شَجَرٍ مِنْ زُقُومٍ
 فَمَا لِلْبُتُونِ مِنْهَا الْبُطُونُ فَشَارِبُونَ عَلَيْهِ مِنَ الْحَمِيمِ فَشَارِبُونَ

سُرِبَ إِلَيْهِمْ هَذَا زُلْهُمَ يَوْمَ الدِّينِ نَحْنُ خَلَقْنَاكُمْ فَلَوْلَا تُصَدِّقُونَ
أَفَرَأَيْتُمْ مَا تُمْنُونَ ؕ أَنْتُمْ تَخْلُقُونَهُ أَمْ نَحْنُ الْخَالِقُونَ نَحْنُ قَدَرْنَا
بَيْنَكُمْ الْمَوْتَ وَمَا نَحْنُ بِمُسْبِقِينَ ؕ عَلَى أَنْ يُبَدِّلَ أَمْثَالَكُمْ
وَنُنشِئَكُمْ فِي مَا لَا تَعْلَمُونَ وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ النَّشْأَةَ الْأُولَىٰ فَلَوْلَا
تَذَكَّرُونَ أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ ؕ أَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ
لَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَاهُ حُطًا مَا نَبْذَلُهُمْ تَفْكُهُمْ ؕ إِنْ أَلْمَزْتُمْ بِهِ
نَحْنُ مُخْرَجُونَ أَفَرَأَيْتُمُ الْمَاءَ الَّذِي تَشْرَبُونَ ؕ أَنْتُمْ أَنْزَلْتُمُوهُ
مِنَ الْمُزْنِ أَمْ نَحْنُ الْمُنْزِلُونَ لَوْ نَشَاءُ جَعَلْنَاهُ أُجَاجًا فَلَوْلَا
تَشْكُرُونَ أَفَرَأَيْتُمُ النَّارَ الَّتِي تُورُونَ ؕ أَنْتُمْ أَنْشَأْتُمْ
شَجَرَتَهَا أَمْ نَحْنُ الْمُنْشِئُونَ نَحْنُ جَعَلْنَاهَا تَذَكُّرًا وَرِزْقًا
لِّلْمُقِيمِينَ ؕ فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ فَلَا أُقْسِمُ بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ
وَإِنَّهُ لَقَسَمٌ لِّوَعْلَمُونَ عَظِيمٌ إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ ؕ فِي كِتَابٍ
مَّكْنُونٍ لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ ؕ تَنْزِيلٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ
أَفَبِهَذَا الْحَدِيثِ أَنْتُمْ مُدْهِنُونَ وَتَجْعَلُونَ رِزْقَكُمْ أَنْتُمْ
تُكَذِّبُونَ فَلَوْلَا إِذَا بَلَغَتِ الْخُلُقُومَ وَأَنْتُمْ حِينِيذٍ تَنْظُرُونَ

وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْكُمْ وَلَكِنْ لَا تُبْصِرُونَ فَلَوْلَا إِنْ كُنْتُمْ غَيْرَ
 مَدِينِينَ "تَرْجِعُونَهَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ
 الْمُقَرَّبِينَ "فَرُوحٌ وَرُيْحَانٌ وَجَنَّةٌ نَعِيمٌ وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ أَصْحَابِ
 الْيَمِينِ فَسَلَامٌ لَكَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ
 الْمُكَذِّبِينَ الضَّالِّينَ فَنُزُلٌ مِنْ حَمِيمٍ وَتَصْلِيَةٌ تَنْجِيهِ
 إِنَّ هَذَا لَهُوَ حَقُّ الْيَقِينِ "فَبَسِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ

سورة	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	الجمعة
------	---------------------------------------	--------

يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْعَزِيزِ
 الْحَكِيمِ هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ
 آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ
 لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ "وَأُخْرِينَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ وَهُوَ الْعَزِيزُ
 الْحَكِيمُ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ
 الْعَظِيمِ مَثَلُ الَّذِينَ حُمِلُوا الثَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ
 الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ
 وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا

اِنْ نَزَعْنَاهُمْ مِنْكُمْ اَوْلِيَاءُ لِلّٰهِ مِنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوُا الْمَوْتَ اِنْ
 كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۚ وَلَا يَمَنَّوْنَهٗ اَبَدًا اِمَّا قَدْ مَتَّ اَيْدِيَهُمْ وَاللّٰهُ
 عَلِيْمٌ بِالظّٰلِمِيْنَ ۚ قُلْ اِنَّ الْمَوْتَ الَّذِي تَفِرُّوْنَ مِنْهُ فَانْتُمُ الْمُلٰقِيْنَ
 ثُمَّ تُرَدُّوْنَ اِلَى عِلٰمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُوْنَ
 يَا اَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوا اِذَا تَوَدَّيْ لِلصَّلٰوةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا
 اِلَى ذِكْرِ اللّٰهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ۚ ذٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ اِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُوْنَ ۚ اِذَا
 قُضِيََتِ الصَّلٰوةُ فَانْتَشِرُوْا فِى الْاَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللّٰهِ
 وَاذْكُرُوا اللّٰهَ كَثِيْرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُوْنَ ۚ وَاِذَا رَاَوْا تِجَارَةً اَوْ
 اَمْلًا فَانْفَضُّوْا اِلَيْهَا وَتَرَكُوْا قَائِمًا قُلْ مَا عِنْدَ اللّٰهِ خَيْرٌ مِنَ اللّٰهُو
 وَمِنَ التِّجَارَةِ وَاللّٰهُ خَيْرُ الرَّٰزِقِيْنَ

سورة	بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ	المنافقون
اِذَا جَآءَكَ الْمُنٰفِقُوْنَ قَالُوْا نَشْهَدُ اَنَّكَ لِرَسُوْلِ اللّٰهِ وَاللّٰهُ يَعْلَمُ اَنَّكَ لِرَسُوْلِهِ ۗ وَاللّٰهُ يَشْهَدُ اَنَّ الْمُنٰفِقِيْنَ لَكَٰذِبُوْنَ ۚ اِتَّخَذُوْا اٰيْمَانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوْا عَنْ سَبِيْلِ اللّٰهِ اِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ ۚ ذٰلِكَ بِاَنَّهُمْ اٰمَنُوْا ثُمَّ كَفَرُوْا فَنُطِيعُ عَلٰى قُلُوْبِهِمْ فَمَنْ		

لَا يَفْقَهُونَ وَإِذَا رَأَوْهُمْ تَبَخَّجُوا بِكُلِّ جِثَامٍ وَإِنْ يَقُولُوا تَسْمَعُ
 لِقَوْلِهِمْ كَأَنَّهُمْ خُشُبٌ مُسْنَدَةٌ يُحَسِبُونَ كُلَّ صَاحَةٍ عَلَيْهِمْ
 هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرْهُمْ قَالَتْ لَهُمُ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ وَإِذَا قِيلَ
 لَهُمْ تَعَالَوْا يَسْتَغْفِرْ لَكُمْ رَسُولُ اللَّهِ لَوَّازُوا وَسَمُّوا وَرَأَيْتَهُمْ
 يَصُدُّونَ وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَسْتَغْفَرْتَ لَهُمْ
 أَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ لَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ
 الْفَاسِقِينَ هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلَى مَنْ عِنْدَ رَسُولِ
 اللَّهِ حَتَّى يَنْفَضُوا وَلِلَّهِ خَزَائِنُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنَّ
 الْمُنَافِقِينَ لَا يَفْقَهُونَ يَقُولُونَ لَئِنْ رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ
 لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ
 وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ
 أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ
 هُمُ الْخَاسِرُونَ وَأَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ
 أَحَدَكُمْ الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَا أَخَّرْتَنِي إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ
 فَأَصَّدَّقَ وَأَكُنْ مِنَ الصَّالِحِينَ وَلَنْ يُؤَخِّرَ اللَّهُ نَفْسًا إِذَا جَاءَ

أَجْلَهَا وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ

سورة

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الملك

تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ الَّذِي خَلَقَ
 الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْغَفُورُ الَّذِي
 خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا مَا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِنْ تَفَافُوتٍ
 فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِنْ فُطُورٍ ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ
 إِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِئًا وَهُوَ حَسِيرٌ وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا
 بِمَصَابِيحٍ وَجَعَلْنَاهَا حُجُومًا لِّلشَّيَاطِينِ وَأَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابَ
 السَّعِيرِ وَلِلَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَيُدْخِلُونَ فِيهَا
 إِذَا الْقَوَا فِيهَا سَمِعُوا لَهَا شَهِيقًا وَهِيَ تَفُورٌ تَكَادُ تَمَيَّزُ
 مِنَ الْغَيْظِ كُلَّمَا أُلْقِيَ فِيهَا فَوْجٌ سَأَلَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ
 نَذِيرٌ قَالُوا بَلَى قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَّبْنَا وَقُلْنَا مَا نَزَّلَ اللَّهُ مِنْ
 شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ كَبِيرٍ وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ
 مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ فَاعْتَرَفُوا بِذُنُوبِهِمْ فَسُحِقًا
 لِأَصْحَابِ السَّعِيرِ إِنَّ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ لَهُمْ

مَغْفِرَةٌ وَاجْرُ كَبِيرٌ وَأَسِرُوا قَوْلَكُمْ أَوِ اجْهَرُوا بِهِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ
الصُّدُورِ أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ هُوَ الَّذِي
جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ ذُلُولًا فَأَمْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ
وَالْيَهُ النُّشُورُ ءَأَمِنْتُمْ مِنْ فِي السَّمَاءِ أَنْ يَخْسِفَ بِكُمْ
الْأَرْضَ فَإِذَا هِيَ تَمُورُ ءَأَمِنْتُمْ مِنْ فِي السَّمَاءِ أَنْ يُرْسِلَ
عَلَيْكُمْ حَاصِبًا فَسَتَعْلَمُونَ كَيْفَ نَذِيرٍ وَلَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ
مِنْ قَبْلِهِمْ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ فَوْقَهُمْ
صَافَّاتٍ وَ يَقْبِضْنَ مَا يُمَسِّكُهُنَّ إِلَّا الرِّحْمُنُ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ بَصِيرٌ
أَمَّنْ هَذَا الَّذِي هُوَ جُنْدُكُمْ يَنْصُرُكُمْ مِنْ دُونِ الرَّحْمَنِ إِنَّ
الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي غُرُورٍ ءَأَمَّنْ هَذَا الَّذِي يَرْزُقُكُمْ إِنْ أَمْسَكَ
رِزْقَهُ بَلْ لَجُّوا فِي عُتُوٍّ وَنُفُورٍ ءَأَمَّنْ يَمْشِي مَكِيدًا عَلَى رِجْلَيْهِ
أَهْدَى ءَأَمَّنْ يَمْشِي سَوِيًّا عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ قُلْ هُوَ الَّذِي
أَنْشَأَكُمْ وَجَعَلَ لَكُمْ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا
تَشْكُرُونَ قُلْ هُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ فِي الْأَرْضِ وَإِلَيْهِ تُحْشَرُونَ
وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ قُلْ إِنَّمَا الْعِلْمُ

عِنْدَ اللَّهِ وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُبِينٌ فَلَمَّا رَأَوْهُ زُلْفَةً سَيِّئَتْ
وُجُوهُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَقِيلَ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَدَّعُونَ
قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَهْلَكَنِيَ اللَّهُ وَمَنْ مَعِيَ أَوْ رَحِمَنَا فَمَنْ يُجِيرُ
الْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ قُلْ هُوَ الرَّحْمَنُ أَمَّنَّا بِهِ وَعَلَيْهِ تَوَكَّلْنَا
فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ
مَاءُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ

سورة	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	الاعلى
------	---------------------------------------	--------

سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى وَالَّذِي قَدَّرَ
فَهَدَى وَالَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعَى فَجَعَلَ حُشَاءً آخُوهُ سَنَقِرُكَ
فَلَا تَنْسَى إِنْ أَمَّا شَاءَ اللَّهُ إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ وَمَا يَخْفَى وَيُخَوِّفُ
لِلْيَسْرِ فَذَكِّرْ أَنْ نَفَعَتِ الذِّكْرَى سَيِّدُكُمْ مَنْ يَخْشَى
وَيَتَجَنَّبُهَا الْأَشْقَى الَّذِي يَصْلَى النَّارَ الْكُبْرَى ثُمَّ لَا يَمُوتُ
فِيهَا وَلَا يَحْيَى قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى بَلْ
تُوَفِّرُونَ الْحَيَوَةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ خَيْرًا أَبْقَى إِنَّ هَذَا لَفِي
الصُّحُفِ الْأُولَى صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى

الشمس

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سورة

وَالشَّمْسُ وَضُحَاهَا ۝ وَالْقَمَرُ إِذَا تَلَّيَهَا ۝ وَالنَّهَارُ إِذَا جَلَّيَهَا ۝
وَاللَّيْلُ إِذَا يَغْشَاهَا ۝ وَالسَّمَاءُ وَمَا بَدَاهَا ۝ وَالْأَرْضُ وَمَا طَغَاهَا ۝
وَتَفَيَّسُ وَمَا تُسَوِّيهَا ۝ فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا ۝ قَدْ أَفْلَحَ مَنْ
زَكَّاهَا ۝ وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا ۝ كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَاهَا ۝ إِذِ
أَنْبَعَثَ أَشْقَاهَا ۝ فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ نَاقَةَ اللَّهِ وَسُقْيَاهَا ۝
فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا ۝ فَكَانَتْ مَدْمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُمْ يَذِيقُهُمْ فَسُوَاهَا ۝
وَلَا يَخَافُ عُقْبَاهَا

القدر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سورة

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ ۝ وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ ۝ لَيْلَةُ
الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ ۝ تَنْزِيلُ الْمَلَكَةِ وَالرُّوحِ فِيهَا يَأْذُنُ
رَبُّهُمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ سَلَامٌ ۝ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ

الزلزلة

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سورة

إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا ۝ وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا ۝ وَقَالَ
الْإِنْسَانُ مَا لَهَا ۝ يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا ۝ بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَى

لَهَا يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِيُرَوْا أَعْمَالَهُمْ فَمَنْ يَعْمَلْ
مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ

سورة بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ العاديات

وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحًا فَالْمُورِيَاتِ قَدْحًا فَالْمُغِيرَاتِ صُبْحًا
فَأَثَرُنَّ بِهِ نَقْعًا فَوْسَطُنَّ بِهِ جُمْعًا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ
وَأَنَّهُ عَلَىٰ ذَٰلِكَ لَشَهِيدٌ وَآلَهُ لَحَبُّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا
بُعِثَ مَافِي الْقُبُورِ وَحِصِّلَ مَافِي الصُّدُورِ إِنَّ رَبَّهُمْ بِهِمْ
يَوْمَئِذٍ لَّخَبِيرٌ

سورة بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الكافرون

قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ وَلَا أَنْتُمْ
عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَا عَبَدْتُمْ وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ
مَا أَعْبُدُ لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينٌ

سورة بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ النصر

إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي
دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا

سورة	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	التَّوْحِيد
قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ۝ اللَّهُ الصَّمَدُ ۝ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ ۝ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ		
سورة	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	الفلق
قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ ۝ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ ۝ وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ ۝ وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ ۝ وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ		
سورة	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	الناس
قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ ۝ مَلِكِ النَّاسِ ۝ إِلَهِ النَّاسِ ۝ مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ ۝ الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ ۝ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ		
maablib.org		

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

گفتاری چند

بعد از ستایش یزدان مهربان و درودی پامان بر روان مقدس حضرت
خاتم الانبیاء محمد مصطفی و اهل بیت پاکان و صلوات الله علیهم اجمعین
باعث برنگارش این کلمات آنست که چون نسخهای کتاب ارمنغان دینت
که طرف توجه عقیده مندان بدین واقع شده بود بی پایان رسید علاقمندان
مکرر آنرا درخواست و مطالبه آنرا مینمودند و نظر بانیکه رساله نامبرده اگر چه در
حد خود مفید میبود ولی چون خالی از بسیاری از مطالب لازم بود برای خدمت
بدین و هم کیشان اقامه شعائر دینی از آقای حجت الاسلام و الدی محترم
حاجی شیخ محمد حسن مجتهد کاشانی نجفی دام ظلّه العالی درخواست نمودم که کتابی
دانی مشتمل بر مطالب ارمنغان و بیانت و زیاده از آن تألیف نمایند که
بیشتر مورد استفاده خوانندگان در سفر و حضر شود ایشان خواهش مرا مورد
نظر قرار داده و در مقام تألیف این جامع مفیده که بارمنغان اسلام نامنها
شده برآمدند حقیر نیز با وجود و فوراً اشتغال و فراهم نبودن و سائل لازمته اهتمام در

تهیه اسباب کتابت و طبع و نشر آن برآمد و تا جائیکه ممکن میبود در خوبی ورق
و حسن کتابت کوشش کردم اگرچه بواسطه موانع متوارد و کامیابی تا جائیکه
منظور بود حاصل نشد و با وجود اتهام که کتاب زودتر دست رس عموم واقع
شود ممکن نگردید ولی باز هم خدا را شاکرم که توفیق شامل حال شد کتاب پایان
رسید و با کمال ظرافت و خوبی بدست آمد مخصوصاً از کسانی که این امر خیر را
با دلی باز هم رای نموده اند و مرا تشویق و نشر و طبع آن کرده اند شکر گذارم
و از خداوند استقامت بکلی را خوا بآنم و از خوانندگان محترم ملتسم که اگر سهوی
خطائی در کتاب ملاحظه شود چون قایم از خستیار است خورده نگیرند
و بانیان را بدعای خیر یاد کنند

محمد جواد کاشانی نجفی رحیمی

maablib

دوشنبه بیستم محرم الحرام ۱۳۷۱ هجری قمری

۲۲ اکتبر ۱۹۵۱ میلادی

۴۹ مهرماه باستانی ۱۳۳۳ هجری شمسی

ویباچه

ارمغان اسلام

بسم الله الرحمن الرحیم

سزاوار پرستش و بندگی یگانه ذات پاک است که هستی را با شمع جان^(۱)
چهار گانه جهان پوشانید و از میان مخلوقات خود گوهر کتای وجود انسانی را
در اثر لطف و مهربانی بجا نمود و به پر تو دانش و خردش برتری داد و بوسیله
راهنمایان حقیقی زشت و زیبای عالم طبیعت را باورسانید کیفیت بندگی و روزه
طاعت و چگونه زندگی زندگانی رسیدن بکالیف فطری را با و فهمانید - و روزه شما
بر روان پاک آنانیکه ما را به پاکی خوانند و از نا پاکی بیم دادند بوثره بر بهتر و محقران
آخرین پیغمبران حضرت محمد بن عبد الله بن عبد المطلب بن هاشم قرشی مکی
مدنی و برخانواده پاک آن بزرگوار صلوات الله علیه جمیعین که بر کزیدگان یزید
تا روز استاخیر و بعد چمن گوید بنده امیدوار بمهر پروردگار محمد حسن نجفی
ساکن مدینه فرزند مرحوم حاجی شیخ ابوالقاسم کاشانی نجفی طاب شاه

(۱) عناصر چهار گانه آب، خاک، هوا، آتش.

اینکه بسیاری از عقیده مندان دین و شریعت که اهتمام در پیروی احکام اسلام
و ارشادات صاحب شرع دارند مخصوصاً جوانانیکه متعبد بدیانت میباشند و مشغول
تحصیلات امروزه خود هستند و نیز بسیاری متدینین که بکارهای شخصی گرفتارند و نمی
توانند در مواقع عمل بموضوعات مختلف رجوع بکتاب متفرقه کنند و یا آنکه دست رس
بکتابهای مختلف راجع بامور شریعت از اصول دین و فروع دین و احکام اسلام تاریخ
معصومین صلوات الله علیه جمیع کتب ادعیه و زیارت و اعمال شهور و غیره ندارند
و استم که کتابی شتمل بر مطالب مذکوره تألیف شود و در دست رس همگی ایشان برسد
اینست که کتاب از منغان اسلام که در حقیقت کتاب سودمند جامع است و قسمت مهمی
از احکام و اخلاق و آداب اعمال دین و شریعت و ارشادات مذہبی و مطالبی که بر
عقیده مندان بدیانت و مذہب از مردوزن در حضور و سفر مفید است و دارا و بابودن
آن کتاب در خیلی مواقع سبب بی نیازی است از بسیاری مؤلفات مختلف بعنوان
خدمت بدین و نشر احکام آنرا تألیف نمودم امیدوارم که برادران و خواهران ایمانی با دلی پر از
محبت بدیانت مطالب آنرا از زیر نظر خود گذرانیده و در اعمال شرعی خود استفادہ از آن کنند
و روان گذشتگان را در امر عمل خود خوش نمایند و از نو اقصای آن که لازمہ کردہای بشری است
چشم پوشند و بانیان خیر را به نیکی یا کنند تا به نیکی یاد کرده شوند ان شاء الله تعالی

آداب اسلام

آداب اسلام یک قسم راهنمایی و ارشاد ذاتی است که شریعت اسلام برای پاکیزگی بشر و طهارت روح انسانی و آسایش و زندگی وی مقرر نموده . پیروی آداب اسلام نه تنها برای شخص را مذهب و با اخلاق و نیک نام نماید بلکه سبب خوش بختی خانواده و اقتدارات ملی و موجب سر بلندی در جامعه است . این بد بختی و فلاکت و خلی از اجتماعیات که دیده میشود . و این حیرت و سرگردانی که دامن گیر اشخاص و بسیاری از مردم میگردد و اثر بی پروائی بآداب اسلام است . خوش بختی و آسایش پول و دولت و نام و نشان و جاه و منصب مقام و غرتهای ظاهری نیست چه بسا از اینکوم مردم اند که دیده میشود بسبب بیعلاقگی بآداب اسلام به بدترین صورت پریشانی روزگار خود را میگذرانند و عمر خود را بسلخ گامی بی پایان میبرسانند . یگانه چیزی که انسان را در زندگی خوش بخت نماید و روزگار او را روشن میکند همان عمل نمودن بآداب اسلام است . اسلام یگانه دینی است که از برای زندگی شخصی

و اجتماعی و از برای پرورش روح و بدن و از برای تربیت اولاد و زن و عالم
و جاهل و زیر دست و از برای معاشرت با خودی و بیگانه و دوست و دشمن
و بزرگ و کوچک و دانا و نادان و امیر و مأمور و غیره آداب مقرر نموده.

اسلام دین پاکیزه ایست که امر ببطهارت ظاهری و پاکیزگی روح
و عفت نفس و اندیشه نیک و شجاعت و غیرتمندی و رحم و مروت و مهر
و محبت و دوستی و راستی و درستی و فروتنی و بردباری و قناعت
و احترام بزرگ و رحم بکوچک و خودداری از آزار رسانیدن ب دیگران و خرج
بیجا و امر بدستگیری از پیوه گان و یتیمان و ناتوانان و بیماران و سایر
افراد گان و بیچاره گان فرموده.

اسلام دین روشنی است که ما را امر بخوش روئی و خوش خلقی
و شکر گذاری و مال اندیشی و مشورت در کارها و امانت داری در هر چیز
و ترک صفتهای زشت از بخل و کینه جوئی و حسد و دوروئی و فساد و بیرحمی
و دروغ و قسم بیجا و غیره نموده. پوشیدن دیده و نگاه داری بآب
و گرفتن گوش از چیزهای ناشایسته و ستاری و فاش نکردن از مردم
و حمل بر صحت نمودن کردای برادر و خواهران دینی از تعلیمات اسلام است.

ملاحظه از خویشتان و دوستان و زیردستان و همسایگان پابندی
 بوعده و قول و بیهوده صرف نکردن وقت و عمر از آداب اسلام است
 اسلام امر نموده است بمعرفت و طلب علم و معاشرت بانسبگان و دانایان
 و اهل دیانت و رفتار و کردار نیک و ترک بیکاری و کار بستن بیکاران و گرفتن
 زبان از بیهوده گوئی و بهره سرائی و از خنده بجا و زار خوانی

اسلام امر نموده است بوقار و شرافت نفس و زناشوی مشروع
 و اجتناب نمودن از چیزهاییکه سبب بدگمانی دیگران میشود و نیز امر نموده
 است بکوشش نمودن برای تحصیل روزی و تجارت و کسب حلال و بار
 نشدن بر مردم و ترک گدائی و سؤال - اسلام دینی است روحی
 ما را امر نموده است بشرافت و کماره گیری از مردم بدکار و بدنام و عیب گو
 و عیب جو و نیز نهی کرده است از پرده دری و بدگمانی و خود نمائی و خود
 ستائی و تکبر و فخر و عجب و از رفتن بجایهای ناشایسته و شرکت در
 اجتماعیات زشت اسلام امر نموده است بمیانہ روی و رفتار و گفتار
 و خورد و خوراک و پوشاک و اقتصاد و زندگانی.

اسلام دینی است که از برای تمام وضعیات بشر آداب مقرر

فرموده و احکام معین نموده پس هم چنانیکه امر بجا شست از زندگی و عمل بآداب آن
 نموده و امر بشناختن یزدان و بندگی وی از نماز و روزه و دادن زکوة و حقوق
 و همراهی با نیازمندان و شرکت در اجتماعات مذهبی و حضور جماعات پیروی
 راهبران دین و مذهب و غیره فرموده . توجه بخداوند عالم و دعا کردن در
 درگاه او و یاد نمودن بزرگان و زیارت مقامات متقدس آنان از آداب
 اسلام است . یاد گرفتن و یاد دادن احکام مذهب و دین از آداب
 اسلام است . احترام قرآن و قبله و مساجد و یاد گرفتن کتاب آسمانی
 مسلمانان و یاد دادن آن و نیز خواندن و قرائت آن از آداب اسلام است .
 قرآن بزرگترین امانت بر حجت الهی است که مسلمانان را سلسله و
 بهم پیوند نموده و در اثر آن همه ما را یک جمعیت دینی گردانیده . از برای
 قرآن مزایا و فضائل است که اگر چه گنجایش بیان آن در این مختصر نیست
 ولی قسمتی از آن برای خوانندگان بیان میشود ان شاء الله تعالی

فضائل قرآن

بدانکه بهترین چیزیکه در عصر غیبت امام زمان علیه الصلوة والسلام
 سبب دل گرمی مسلمانان میباشد قرآن است . قرآن یگانه کتاب

آسمانی است که از میان یکصد و چهار کتاب آسمانی ممتاز و جامع تر میباشد
 قرآن آن کتاب آسمانی است که قانون زندگانی یعنی معاش و معاد انسانی را
 بطور وافی بیان مینماید قرآن کتاب هادی و راهنما است که پیروان خود را با تائید
 و تائیدش میرساند. قرآن دستور اساسی زندگی است که از برای تربیت بشر
 و پی بردن به خیر و شر در دنیا و آخرت چیز را فروگذار ننموده. امروزه اگر
 مسلمانان جهان پشت بهم میدادند به پیروی قرآن یکدل میشدند گوی
 سعادت و خوشبختی را از میان جهانیان می ربودند و با نام نیک زندگانی
 خود را به پایان میرسانیدند. قرآن نور است. قرآن شفاء است.
 رحمت است. دلیل است. هادی است. اخلاق است. احکام
 است. قصص است. عبرت است. امثال است. تسبیح است.
 دعا است. حذر است. توحید است. و روشن ترین راهنمای انسانی
 است زندگانی فطری با سعادت هر دانشمندی که از عرفیت با خبر است
 و پی بتفسیر و تاویل و ظاهر و باطن قرآن برسد و نسبت بناسخ و منسوخ
 و محکم و متشابه آن دانما باشد از گمراهی معانی و مطالب آن برخوردار شود.
 متأسفانه باین مراتب و روحانیت قرآن نوعاً نسبت بآن در غفلت میباشیم

و در موقع خواندن تفکر در آیات آن نکنیم. بلکه چپ از مردم خواندن قرآن را
 به تنهایی برای مردگان تصور کنند و یا خواندن آن را در ماه رمضان المبارک
 تخصیص دهند و در دوره سال بر طاق سیاحتش گذارند بلکه برخی بآنکه خود را
 از مسلمانان دانند از آموختن یا آموزانیدن آن بخورد سالان خود کوتاهی
 کنند و پروا ننمایند. بآنکه تعلیم قرآن از اسلام است
 رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده برای خدا حق واجب است
 بر هر ایمان آورنده خواه مرد باشد یا زن آزاد باشد یا بنده آنکه قرآن را
 بیاموزد و نسبت بآن دانا شود. تعلیم قرآن بفرزندان سبب خیر دنیا و آخرت
 و مهرزدان و نازل شدن رحمت پروردگار آنان است.

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که خواندن قرآن^(۱) از روی مصحف
 عذاب را از پدر و مادر سبک میکند و اگر چه آنها کافر باشند. مخصوصاً
 خواندن قرآن در خانه سبب آسایش اهل خانه و خیر و برکت و وسعت روزی
 آنهاست. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده. نورانی کنی خانه خود
 را بخواندن قرآن. و باز فرمود من چون در خانه خواندن قرآن زیاد شود

(۱) قرآن کلام خداست و نوشته آن را مصحف گویند

خیر و نیکی در آن خانه زیاد گردد و اهل آن خانه در گشایش و آسایش روند
 و باز فرمود ص. خانه که در آن قرآن خوانده شود اهل آن خانه در آسایش روند
 و خیر آن خانه زیاد گردد. و فرمود ص. ترک خواندن قرآن سبب تنگی بر
 اهل آن خانه شود و خیر آن خانه کم گردد و باشندگان آن خانه در زیان روند
 پس باین مناسبت لازم است که مسلمانان کوشش بر آموختن و آموزاندن
 قرآن و تربیت اولاد را بر آن نمایند و در موقع صبح چنانکه روایت نیز وارد
 شده قرآن در خانه بخوانند تا که خیر و برکت آن خانه زیاد شود و مخصوصاً
 از حفظ آن و یا حفظ برخی از سوره های کوچک که خواندن آن در نمازهای استحبی
 وارد گردیده خود داری نکنند پس باین مناسبت برای تسهیل خوانندگان
 این رساله آیه الکرسی و شماره از آیات و بعضی از سوره های کوچک را در آخرین
 رساله درج مینمایم. انشاء الله تعالی

اعتماد و نفیس

شناختن نفس یکی از تکالیف زندگانی بشری است که بسبب
 آن انسان خدا را خواهد شناخت و انشعبدانه و پرابندگی خواهد نمود بدیست
 کسیکه نفس خود را شناخت و دانست که تا چه اندازه مکلف و توانا است

و در امور زندگی خود راجع به عاقل و معاند سؤال است البته پس از توکل بخدا
با کمال اعتماد بنفس بدون آنکه بجا دیگران اعتماد کند خود را اداره نماید اینگونه
مردم دین و مذهب را بهانه سستی و تنبلی قرار دهند و دوره حیات خود را با کمال
شرافتمندی بگذرانند. کسیکه اعتماد بنفس کند و داند تا چه اندازه قدرت
اختیارات را بدست انسان واکند او نموده میتوان شود که بار برد گیران گردد اینگونه
مردم صاحب اراده و در اراده خود استقامت کنند بنام بندگی و عبادت
کناره گیری از کار نکنند اینگونه مردم که دارای حسن عقیده اند مطیع قانون دیانت
و مذهب اند بادیة باز نظر با اعتماد بنفس خود همیشه کوشش کنند که مسائل
زندگانی خود را برای حال و حسن استقبال فراهم آورند و مَنْ يَتَّوَكَّلْ عَلَى
اللّٰهِ فَهُوَ حَسْبُهُ

عقیده صحیح و اثر آن در زندگی

عقیده صحیح یک قسم حالت نفسانیت که در انسان بواسطه علاقه مند
بخدا و احکام وی تولید میشود. عقیده صحیح بسبب عقل سلیم و تربیت نیکو
در انسان پیدا میشود. کسی که دارای عقیده صحیح است بواسطه اطمینان
برحمت ایزدی و تعلیمات شریعت در کشاکش روزگار ناامید نشود. چنان

و سرگردان نگردد بلکه بواسطه اُمید واری بخدا و مهربانی با کمال آسایش زندگی
 کند. کسانی که دارای عقیده صحیح میباشند سزاوار معاشرت و قابل اطمینان
 اند پدر و مادر خود را احترام کنند روان آنها را خوشنود نمایند مرتبی و آموزگار
 و بزرگان دیانت و ملت و سایر حق داران را احترام کنند بر عکس کسانی که
 لایذیب و بی عقیده میباشند خیانت در نهاد آنها فطری است سزاوار
 دوستی نیستند. قابل اعتبار نمیباشند ملاحظه حقوق کسی را نکنند. دین
 و مذہب را بر شستی یاد کنند و در نظر دیگران رشتش نمایند و عقیده مندان را سخریه
 کنند پیشوایان مذہب و دین حق را طرف نفرت مردم قرار دهند تا که مانند
 آنان بی عقیده گردیده و زشت کاری عادی شوند. پس ازین گونه مردم
 باید دوری نمود. بر پدر و مادر و مربیان و کسانی که زمام تعلیم در دست آنهاست
 لازم است که کودکان را از معاشرت با اینگونه مردم نهی کنند و نیز از رفتن
 در بستانهایی که تولید بی عقیده گی در کودکان می نمایند جلوگیری کنند
 و کوشش نمایند که آنها را بر عقیده صحیح تربیت کنند تا که بسبب آن جامعه
 در هستی و نیستی خود بر خوردار گردد و بخیر دنیا و آخرت برسد و باید دانست
 که اساس عقیده صحیح بی بردن با اصول اسلام و فروع دین و عمل نمودن

آن است چنانکه بیان میشود

أُصُولُ اِسْلَامٍ^(۱)

بدانکه بهترین دینی که با فطرت بشر موافق است و خداوند پیروی آنرا بر هر
انسان بالغ عاقل واجب گردانیده دین اسلام است - دین اسلام
دارای اصول و فروع است - اصول آن سه چیز است :- اول - توحید
دوم - نبوت سوم - معاد

پس هر که نسبت باین اصول سه گانه عقیده مند شود و بظاهر اقرار نماید
و انکار ضروری از ضروریات اسلام را نکند مسلمان است و تمامی مسلمانان
مردانه و زنانه در دین برابر و برادر و خواهر اند

و هر غیر مسلمانی که اقرار باین اصول سه گانه نماید و منکر ضروری اسلام نشود
و کلمه شهادتین بر زبان جاری کند مسلمان میشود

کَلِمَةُ شَهَادَتَيْنِ وَ تَرْجُمَةُ اَنْ

لَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ مُحَمَّدٌ رَّسُولُ اللهِ مَنْ يَكْفُرْ اَشْهَدُ

اَنْ لَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ وَ اَشْهَدُ اَنْ مُحَمَّدًا رَّسُولُ اللهِ معنای آن گواهی

(۱) اصول جمع اصل است - پنج دیوار و پایه هر چیز را اصل گویند

میدهم اینک نیست خدائی مگر الله و گواهی میدهم بر اینکه محمد صلی الله علیه و آله
پیغمبر و فرستاده خدا است

ضروری اسلام

هر حکمی که در اسلام ثابت است آنرا ضروری اسلام گویند مثل نماز
روزه قبله قرآن زکوة حج و غیره که انکار آن سبب بیرون رفتن از اسلام
است. و باید دانست که مسلمانیکه عقیده مند باصول ایمان شود او را
مؤمن گویند

أصول ایمان

مراد از اصول ایمان همان سه اصل است با دو اصل دیگر عدل
و امامت پس هر که در دل عقیده مند باین پنج اصل شود و اقرار بآن نماید مؤمن
است وزن عقیده مند را مؤمنه گویند
و نظر بر اینکه این پنج امر در اسلام پایه دین و اصل ایمان میباشند
آنرا اصول دین گویند

أصول دین

أصول دین پنج است

اول توحید، دوم عدل، سوم نبوت، چهارم امامت،
پنجم معاد روز قیامت

معانی اصول پنجگانه

توحید یعنی خدا یک است. عدل یعنی خدا عادل
و دادگر است پس آنچه را که میاید و میدهد و میگیرد چه در دنیا و چه در آخرت
جمله از روی حکمت و عدل و انصاف است. نبوت یعنی پیغمبری
از جانب خدا حق است. امامت یعنی دوازده امام حق اند.
معاد یعنی در روز قیامت (درست‌انیز) خداوند بشر را بهمین بدن
زنده نموده و هر که را بمقتضای عملش سزا و جزا میدهد در برخی بهشت و بعضی را به
بهشت خواهد برد

صفات شپوئی

چون معنای توحید را دانستیم باید دانست که خدا را صفات بسیاری
است که سزاوار ذات او میباشد و آنها را صفات شپوئی گویند و آنها
هست اند

اول: قادر یعنی توانا است. دوم: عالم یعنی دانا است. سوم:

حی است یعنی خدا زنده است. چهارم :- مرید است یعنی دارای اراده
 است. پنجم :- مدرك است یعنی خدا بحقیقت همه چیز میرسد. ششم :-
 قدیم است و نیز خدا ازلی و ابدیست یعنی همیشه بوده و خواهد بود. هفتم :- متکلم
 است یعنی خدا توانا است بر آفریدن سخن چنانکه باموسی ع در طور سیناء
 و با حضرت محمد صلی الله علیه و آله در شب معراج تکلم نمود. هشتم :- صادق
 است یعنی راستگو است پس آنچه را که بوسیله انبیاء از عقاب و ثواب
 وعده داده است تحقق در آن نخواهد شد.

صفات سلبيه

مقصود از صفات سلبيه آن صفات است که خداوند از آن منزّه و پاکیزه
 است و آن هفت است
 اول :- آنکه خدا مرکب نیست یعنی هستی او دارای جزء نیست
 دوم :- خدا جسم نیست و جسم چیزیست که دارای طول و عرض
 و عمق باشد و خداوند از آن منزّه است.

سوم :- خدا مرئی نیست یعنی ذات یزدان دیدنی نیست

چهارم :- محل نیست یعنی ذات یزدان مورد عوارض مختلف مثل خواب

و بیداری و سستی و بیماری و صحت و جوانی و پیری و غفلت و فراموشی و غیره
 نیست و نیز ذات یزدان حلول در چیزی نکند چنانکه نصاری و غیره بر آن گفته اند
 پنجم: - خدای شریک است برای آنکه خدایی نیازاست و عاجز نیست
 محتاج بشریک و مددگار نیست.

ششم: - معانی نیست یعنی صفات ثبوتیه پروردگار عین ذات او
 و معانی قدیمه زائده بر ذات نیستند.

هفتم: - محتاج نیست یعنی غنی بالذات است.

در بیان تشریح باقی اصول دین

انبیاء^(۱)

انبیاء پیغمبرانی هستند که خداوند آنان را برای هدایت بشر فرستاد و شماره
 آنها یکصد و بیست و چهار هزار نبی باشد (۱۲۴۰۰۰) اول آنها حضرت
 آدم علیه السلام و آخر آنها حضرت خاتم الانبیاء محمد بن عبد الله بن عبد المطلب
 صلی الله علیه و آله وسلم است

(۱) انبیاء جمع نبی است و نبی در زبان عربی بمعنای خبر دهنده است

رسول

رسول پیغامبر را گویند از میان انبیاء سید و سیزده (۳۱۳) نفر
 رسول بوده اند و مقصود از رسول کسی است که بشریعت تازه پیغمبری از جانب
 خدا مبعوث شود مثل حضرت داود ع و سلیمان ع و ادیس ع و لوط ع
 و از میان رسولان شماره را اولوالعزم گویند

اولوالعزم و خاتم

اولوالعزم پیغمبرانی بوده اند که بشریعت سابق را بر طرف نموده و بشریعت
 تازه مردم را دعوت می نمودند و آنها پنج نفر بوده اند حضرت نوح ع حضرت
 ابراهیم ع حضرت موسی ع حضرت عیسی ع و حضرت محمد بن عبدالله
 صلی الله علیه و آله و سلم و چون پیغمبری بوجود مقتدرس این بزرگوار تمام شد
 آن حضرت را خاتم الانبیاء می نامند پس هر کس دعوی پیغمبری بعد از آن
 حضرت نماید دروغگو و کافر است

امامت

مراد از امامت پیشوائی امت است که بتصریح رسول خدا صلی الله
 علیه و آله در روایزه وجود مقتدرس معین گردید از این جهت آنها را دوازده

امام گویند و آنها جانشینان خاص رسول خدا صلی الله علیه و آله میباشند
که بنقض آن بزرگوار معین گردیده اند و باید دانست این بزرگواران و دو
وجود مقدس دیگر که جمله چهارده نفر میباشند معصوم اند

چهارده معصوم^(۱)

عصمت حق است و نامی پنجمین معصوم اند و در اسلام چهارده
وجود مقدس نیز معصوم میباشند و آنها جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله
محمد بن عبد الله و دو شیرۀ پاکیزه آن بزرگوار صدیقۀ علامه حضرت فاطمه زهرا
علیها سلام و دو اراده امام که نام هر یک گفته خواهد شد میباشند
و مراد از معصوم کسی است که گناه از او صادر نخواهد شد و از جمله شرائط
رسالت و امامت عصمت است

شرط رسالت و امامت

شرائط رسالت و امامت بسیار است از جمله آن عصمت است
و دیگر آنکه رسول و امام باید قدرت بر معجزه داشته باشد و مراد از معجزه
آوردن چیزی است که بشر از آوردن مثل آن عاجز باشد - و باید

(۱) و از جمله معصومین قبل از اسلام حضرت مریم مادر حضرت عیسی علیها السلام است.

پیغمبر از جانب خدا معین شود و امام را بحکم خدا بر مردم بشناساند و شرط است که اعلم
از تمامی مردم باشند به هر زبانی بتوانند سخن گویند و بنویسند بدون استاد
و باید در جمیع صفات پاکیزه از همه مردم برتری داشته باشند

اصحاب کساء

از میان چهارده معصوم پنج وجود مقدس را اصحاب کساء گویند
و آنها حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله محمد مصطفی حضرت امیر المؤمنین
علی بن ابی طالب حضرت فاطمه زهراء حضرت امام حسن و حضرت
امام حسین علیهما السلام میباشند با اتفاق جمیع مسلمانان این پنج وجود
مقدس در زیر کساء اجتماع نموده و آیه شریفه اِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ
عَنكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا در پاکیزگی
این بزرگواران نازل گردیده (آیه ۳۳ سوره احزاب).

ولایت اهل بیت

از جمله اموریکه در قرآن بر هر مسلمان فرض گردیده محبت و مودت
اهل بیت است پس دوست داشتن این خانواده و بنیراری جستن از
دشمنان آنان از اسلام و ایمان است. امام باقر ع فرمود بنای اسلام

پنج است نماز . روزه . زکوة . حج . ولایت اهل بیت یعنی
دوست داشتن آنان و آن بر همه مقدم است

تاریخ چهارده معصوم

نظر بر اینکه معرفت با احوال چهارده معصوم از دیانت است و دانستن
آن ولو بطور اجمال بر هر مسلمان لازم است تاریخ ولادت و وفاتهای آن
بزرگواران در این کتاب بطور اختصار بیان میشود ان شاء الله تعالی

حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم

حضرت رسول خدا محمد مصطفی صلی الله علیه و آله وسلم فرزند عبد الله

فرزند عبد المطلب فرزند هاشم است مادر کریمه اش حضرت آمنه دختر
وهاب است از جمله نامهای آن بزرگوار احمد است محمود از القاب اوست

کنیه مبارکش ابوالقاسم ^{۵۳} هجری پنجاه و سه قبل از هجرت در کوه معظه

متولد گردید در اوایل جوانی مسافرت نمود و مشغول تجارت شد و در سن

بیست و پنج سالگی با حضرت خدیجه کبری ^{۲۵} مملکه العرب

از دواج نمود و در سن چهل سالگی روز بیست و هفتم رجب سنه سیزده

قبل از هجرت مبعوث بر پیغمبری گردید در کوه حراء جبرئیل بر آن حضرت نازل

شد سیزده سال در مکه مکرمه و اطراف آن مردم را دعوت بتوحید و اسلام
 نمود و اثر مخالفت قریش و دعوت نمودن اهل مدینه آنجناب را حضرتش
 در اول ربیع الاول سال چهاردهم پیغمبری از مکه مهاجرت به مدینه طیبه نموده
 و ده سال در مدینه قیام به تبلیغ فرمود اسلام را نشر داد بشر را هدایت
 کرد امامت را معین فرمود اخیراً روز دوشنبه بیست و هشتم صفر
 سال یازدهم هجری در مدینه طیبه بعالم آخرت رحلت فرمود صلوات الله
 علیه و علی آله الطیبین عمر مبارک آنحضرت شصت و سه سال خریج
 آن بزرگوار در مدینه طیبه هزار عالم اسلامی است و آن بزرگوار را معجزات
 بسیار است

معجزات آنحضرت

آنحضرت را معجزات بسیاری بوده است که از جمله آن معراج و شق القمر
 و قرآن است و صد معجزه ای دیگر از آنحضرت ظاهر گردیده که جای بیان آن
 نیست جنابش از گذشته و پوشیده و آینده خبر داد و مردم را به تحقیق

(۱) معجزه ۱ - محدث شهیر محمد بن علی بن شهر آشوب که در ۸۷۰ هجری از دنیا رفت
 معجزات آنحضرت را متجاوز از چهار هزارمینوید

پایست نمود و قرآن را که کتاب آسمانی مسلمانان است بر مردم خواند و امر
بجمل نمودن با احکام آن فرمود

کتابهای آسمانی^(۱)

خداوند یکصد و چهار کتاب را بر انبیاء فرو فرستاد بر آدم ع ده صحیفه
و بر شیت فرزند آدم ع پنجاه صحیفه بر حضرت ادریس ع نسی صحیف
بر حضرت ابراهیم ع ده صحیفه تورات را بر موسی بن عمران ع زبور را بر داود ع
انجیل را بر حضرت عیسی ع و قرآن را بر حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله
و سلم فرو فرستاد.

قرآن

کتاب آسمانی مسلمانان قرآن است در عرض بیست و سه سال
دوره پیغمبری حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله و سلم بطور تدریج از
جانب خدا بر زبان عربی فصیح نازل گردید و قرآن دارای همه گونه احکام و شریعت
است قرآن دارای باطن و ظاهر و دارای اشاره لطایف حقایق
و عبارت است و از جمله معجزات مسلم حضرت پیغمبر خاتم صلی الله علیه و آله
قرآن است که تا قیام قیامت محفوظ و پابرجا خواهد بود.

(۱) این تعیین چنانیکه از احادیث معلوم میشود منافی نیست با آیه ۲۱۳ که در سوره بقره آمده.

تاریخ قرآن

اولین سوره که بر رسول خدا صلی الله علیه و آله در کوه حراء در موقع بعثت نازل گردید سوره اِقْرَأْ و آخرین آن سوره اِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ است تمام سوره های قرآن یکصد و چهارده سوره است و از میان سوره ها وَالضُّحَى و اَلَمْ نَشْرَحْ یک سوره و سوره فیل و لایلاف یک سوره بشمار میرود لذا در نماز هر دو سوره باید یکجا خوانده شود و این قرآنی که در دست میباشد همان قرآنی است که بر رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل گردید بدون کم و زیاد و ولی قرآنی که بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله سفارش آنحضرت ع جناب امیر المؤمنین علیه السلام جمع نمود همان ترتیبی بود که از آسمان فرود آمد

حضرت فاطمه زهرا

جنابش دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله میباشد و والده ماجده اش اُمّ المؤمنین حضرت خدیجه کبری بنت خویلد است ولادت با سعادت حضرتش در کوه عکله روز بیستم جمادی الثانی پنج سال بعد از بعثت پیغمبر صلی الله علیه و آله واقع گردید جنابش معصومه طاهره میبود از القاب آن مخدّره است سیدة النساء العالمین سیدة نساء اهل البیت

محدث بتول راضیه مرضیه صدیقہ کیفہ آنحضرت اُمّ الحسنین اُمّ ابیها
 و اُمّ الائمه است سال دوم هجرت در مدینہ طیبہ زواج آن مقدسہ
 با حضرت امیر المؤمنین علی علیہ السلام واقع گردید۔ سیزدهم یا چهاردهم
 و یا پانزدهم ماه جمادی الاول سنہ یازدهم ہجری در مدینہ طیبہ وفات نمود
 اولاد آنحضرت حسن حسین زینب و اُمّ کلثوم میباشند
 صلوات اللہ علیہم اجمعین

ائمہ دوازده گانہ

اما مہمای برحق کہ یکی بعد از دیگری اوصیاء رسول خدا صلی اللہ علیہ وآلہ
 میبودند دوازده نفر میباشند اول آنها امیر المؤمنین علی علیہ السلام
 دوم :- امام حسن علیہ السلام سوم :- امام حسین علیہ السلام چهارم :-
 امام زین العابدین علیہ السلام پنجم :- امام محمد باقر علیہ السلام ششم :-
 امام جعفر الصادق علیہ السلام ہفتم :- امام موسی کاظم علیہ السلام
 ہشتم :- امام رضا علیہ السلام نهم :- امام محمد تقی علیہ السلام دہم :-
 امام علی النقی علیہ السلام یازدهم :- امام حسن عسکری علیہ السلام
 دوازدهم :- امام غائب حضرت مہدی عجل اللہ فرجہ

تاریخ ولادت و وفات دوازده امام علیهم السلام

امام اول

امام اول حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام پدر بزرگوارش ابوطالب
 فرزند عبدالمطلب بن هاشم قرشی کنی والده ماجده اش فاطمه بنت اسد
 بن هاشم قرشی ولادت آن بزرگوار در کعبه در کوه کرمه روز جمعه سیزدهم
 ماه رجب سال ۲۳ قبل از هجرت واقع گردید در دامن جناب سولحدا
 صلی الله علیه و آله پرورش یافت در بزرگی او را وزیر و وصی خود قرار داد
 روز غدیر خم بیستم ذی الحجه سال دهم هجری در محضر یکصد و بیست هزار
 صحابی او را خلیفه و امام مقرر گردانید لقب او را امیر المؤمنین قرار داد از
 جمله القاب او یعسوب الدین حیدر مرتضی و از جمله کنیه های او ابوالحسن
 ابوالحسنین ابوتراب

علی علیه السلام اول کسی است که اسلام آورد و با پیغمبر نماز
 خواند از آنحضرت بسیار کرامات و معجزات ظاهر گردید از امورات پوشیده
 و آینده خبر میداد در راه اسلام مجاهده بسیار نمود در سنه سی و شش
 هجری مسلمانان با جنابش خلافت ظاهری بیعت نمودند پس از آن مهاجرت

بگفته نمود پس از چهار سال و نه ماه از خلافت در مبعیت و یکم ماه رمضان المبارک
 سنه چهل هجری در کوفه وفات نمود و سبب شهادت آنحضرت حضرت
 عبدالرحمن بن ملجم مرادی بود که در موقع نماز صبح در حالت سجده در نوزدهم ماه
 رمضان المبارک بر آنحضرت وارد گردید و فریاد متعسّس آنحضرت در نجف اشرف
 عیاش شد اولاد آن بزرگوار می و هشت روایت شده است

امام دوم

امام دوم: امام حسن علیه السلام پدر بزرگوارش علی علیه السلام
 والد و ماجده اش حضرت فاطمه دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله ولادت
 آنحضرت در مدینه طیبه شب نهم ماه رمضان سنه سه از هجرت واقع شد
 رسول خدا ص او را حسن نام نهاد از القاب آنحضرت است زکی مجتبی
 امین تقی و از کفیهای او ابوالقاسم ابو محمد جنابش بسیار حلیم و بصور
 و شجاع میبود در سال چهل هجری با معاویه صلح نمود از اینجا سیاست از
 دیانت و اسلام جدا گردید حضرتش ده سال بعد از پدر بزرگوارش امامت
 نمود در مبعیت و هشتم صفر سنه (پنجاه) در مدینه طیبه وفات نمود
 و سبب وفاتش زهری بود که معاویه نزد زوجة آنحضرت بخنده فرستاد

و صد هزار در هم نیز باوداد آنگاه جُده آنحضرت را زهر خورانید ضریح مقدّس
در مدینه طیبہ در بقیع است

امام سوم

امام سوم - امام حسین علیہ السلام پدر بزرگوارش علی علیہ السلام
والدہ ماجدہ اش حضرت فاطمہ دختر رسول خدا صلی اللہ علیہ وآلہ میباش
ولادت باسعادتش در سوم ماه شعبان سنہ چهار ہجری در مدینہ طیبہ
واقع گردید رسول خدا صی اورا حسین نام نهاد از القاب جنابش وفی
طیب زکی و مبارک است کنیہ آنحضرت ابو عبد اللہ و ابوعلی و ابوالائمہ
و ابوالساکین بعد از برادر خود امام حسن ع ۱۰ سال امامت نمود
آنگاه در دہم محرم سنہ شصت و یک ہجری در کربلائی معلی شہید شد سبب
شہادتش طغیان یزید بن معاویہ و ابن زیاد بود ضریح مقدّس در کربلائی
معلی مشہور و مزار سلیمین و دوستان خانوادہ رسالت است
امام صادق علیہ السلام میفرماید کسیکہ قبر حسین را زیارت کند برای
خدا خدا اورا از آتش جہنم آزاد خواهد کرد.

امام چهارم

امام چهارم :- امام زین العابدین نام آنحضرت علی است پدر
 بزرگوارش امام حسین ع والدۀ ماجده اش شهربانو دختر نریمان پادشاه
 ایران ولادت آن بزرگوار پنجشنبه یا جمعه پانزدهم ماه جمادی الاول ۳۸
 سی و هشت هجری واقع گردید از القاب آنحضرت است زین العابدین
 سید سجاد زین الصالحین و از کنیه های آنجناب ابوالحسن و ابو محمد
 بعد از پدر بزرگوار خود سی و چهار سال امامت نمود آنگاه بسبب زهر ولید بن
 عبد الملک در بیت و پنجم محرم ۹۵ هـ نو دینج هجری در مدینه طیبه وفات
 نمود ضریح مقدس آنجناب در بقیع است

امام پنجم

امام پنجم :- امام محمد باقر علیه السلام است پدر بزرگوارش حضرت
 امام زین العابدین علیه السلام والدۀ ماجده اش فاطمه دختر امام حسن
 مجتبی علیه السلام روز پنجشنبه غرة رجب ۵۷ هـ پنجاه و هفت هجری در
 مدینه طیبه متولد گردید از القاب جنابش شاکر و اادی است مشهورترین
 القاب آنحضرت باقر است کنیه آنجناب ابوجعفر است بعد از پدر

بزرگوارش نوزده سال امامت نمود آنگاه بزهر ابراهیم بن ولید اموی روز
دوشنبه هفتم ذی الحجه ۴۱۰ هجری قمریه و چهارده هجری و مدینه طیبه وفات نمود
و در بقیع مدفون گردید

امام ششم

نام آنحضرت جعفر علیه السلام است لقب آن بزرگوار صادق است
پدر بزرگوارش امام محمد باقر ع والدۀ ماجده اش فاطمه مشهور بام فروه
و دختر فاطمه بن محمد بن ابی بکر است ولادت با سعادتش در مدینه طیبه
طلوع فجر جمعه هفتم ربیع الاول ۸۳ هجری واقع گردید رسول خدا ص
از امامت آنحضرت بخبر داد و صادق لقب نمود صحابه، طاهر، فاضل از
آفتاب جنابش میباشد کفیه آنحضرت ابواسمعیل و ابو عبد الله است
مخصوصاً در روایات و احادیث باین کفیه نام برده میشود و چون مذهب
امامیه اثنی عشریه در محضر جنابش پیش از سابق انتشار یافت مذهب را
با آنحضرت نسبت دهند و مذهب جعفری گویند جنابش مرجع علماء
و دانشمندان اسلامی بود چهار هزار (۴۰۰۰) نفر شاگردان آنحضرت بود
که از آن جناب استفاذه علمی نموده نشانه احکام نموده کرامات و آیات

سیاری از آنحضرت ظاهر گردید سی و چهار سال بعد از پدر بزرگوارش
 امامت نمود و در عمر شصت و پنج سالگی بر سر منصور و وائیقی روز دوشنبه
 نیمه ماه رجب ۱۴۸ هجری در مدینه طیبه وفات نمود روضه آنحضرت
 در بقع مزار اهل ایمان است از فریادها و نوحه‌هاست که در موقع
 وفات فرمود هرگز نرسد شفاعت ما کسی که نماز را سبک شمارد.

امام هفتم

نام آنحضرت موسی علیه السلام لقب مشهور آنجناب کاظم پدر بزرگوارش
 حضرت امام جعفر الصادق ع والدۀ ماجده اش حمیده که افضل زنان عصر
 خود از جهت عقل و دیانت بود ولادت با سعادت آنجناب در ابواء که نزدیکی
 است بین مکه و مدینه روز یکشنبه هفتم ماه صفر ۱۲۸ هجری واقع گردید. امام
 صادق ع برای ولادت آنجناب سه روز اهل مدینه را بعنوان ولیمه اطعام
 نمود از القاب آن بزرگوار باب الحوائج، ملاذ الفقراء و المساکین، زمین
 المجتهدین، عبد الصالح، و الصابر و از کنیه‌های آنجناب ابوالحسن ابوالبراهیم
 ابوعلی ابواسحاق. تسبی و پنج سال بعد از پدر بزرگوارش امامت نمود
 و نشر احکام شریعت را فرمود اخیراً پس از چهار سال در حبس اربون ارتشید

در بغداد سندی بن شاکت بامروی آنحضرت راز هر خوانید روز بیست و پنجم
 رجب ۸۳۰^{هـ} وفات نمود عمر مبارکش پنجاه و پنج سال بود جنازه آنحضرت
 را با کمال احترام نقل بمقابر قریش که امروزه از برکت آنحضرت شهری گردیده
 و بنام کاظمین مشهور است نموده ضریح مقدس آن بزرگوار امروزه مزار شیعه
 و ملجأ خاص و عام است صلوات الله علیه

امام هشتم

نام آنحضرت علی است علیه السلام مشهور برضاغ پدر بزرگوارش
 حضرت امام موسی بن جعفر غ و والده ماجده آنحضرت نجمه است لقب
 آن مکرمه طاهره و کنیه اش ام البنین مشهورترین القاب آن بزرگوار رضا
 است و از القاب آنحضرت وفی، رضی، صابر کنیه انجناب ابوالحسن
 ولادت با سعادتش روز جمعه و در روایتی روز پنجشنبه یازدهم ماه ذیقعد^{الحرام}
 ۵۳۰^{هـ} هجری در مدینه طیبه واقع گردید جنابش در علم و عمل ممتاز و سرآمد
 بآنان عصر خود بود علمای اسلامی و جامعه شیعه بحضرتش رجوع مینمودند
 کرامات بسیاری از آن جناب ظاهر گردید در سال ۲۰^{هـ} هجری مأمون الرشید
 حضرتش را برای ولایت عهد از مدینه طیبه بخراسان دعوت کرد و مردم با

آنحضرت بیعت نمودند و پس از بیست سال امامت در عمر پنجاه و پنج سالگی
 روز سه شنبه هفدهم صفر ۳۵ هجری وفات نمود و سبب شهادت آنحضرت
 زهری بود که نامون در آب انگور یا آب انار تعبیه نموده و با آنحضرت خورانید و روضه
 مبارکه آنجناب در مشهد مقدس مرجع خاص و عام و مزار عموم امامیه و اولیاء
 کرام است زیارت آنحضرت مستحب مؤکده و موجب بخشش گنجایان است
 و مخصوصاً در ماه رجب بیست و سوم و بیست و پنجم ذیقعد زیارت آنحضرت وارد گردید

امام هفتم

نام آنحضرت محمد ع لقب مبارکش تقی پدر بزرگوارش حضرت امام
 رضا ع والده ماجده اش خیران کفیه آن سیده ام الحسن ولادت
 با سعادتش در مدینه طیبه روز جمعه یا شب جمعه دهم ماه رجب المرجب ۱۹۵ هجری
 و از القاب آنحضرت است جواد، مرتضی، منجیب کنیه آنحضرت
 ابو جعفر است (۱) حضرتش در عمر بیست و سه سالگی با امامت رسید در علم
 و حکمت همان مرتبه را داشت که خداوند به یحیی و عیسی علیهما السلام در کودکی
 عطا نمود پس از پدر بزرگوارش هفده سال امامت نمود از آن جناب

(۱) کنیه امام محمد باقر ع ابو جعفر است و باین مناسبت حضرت امام محمد تقی را ابو جعفر ثانی گویند.

آثار و علوم بسیاری ظاهر گردید مأمون الرشید دختر خود ام الفضل را با حضرت
 تزویج کرد چون معتصم^(۱) بخلافت رسید آن جناب را به بغداد دعوت نمود
 و کمال احترام را در باره آنحضرت مرعی میداشت بواسطه ام الفضل زوجة
 آن حضرت جنابش را بزرگوار گردانید و روز سه شنبه آخر ذی قعدة^{۲۲}
 هجری در بغداد وفات نمود و در کاظمین نزدیک روضه جد بزرگوارش حضرت
 موسی بن جعفر علیهما السلام مدفون گردید عمر شریفش بیست و پنج سال بود
 و آن حضرت را پنج اولاد بود موسی حلیمه حکیمه ام کلثوم و حضرت امام
 علی النقی

امام دهم

نام آنحضرت علی است لقب مبارکش نقی است پدر بزرگوارش
 امام محمد تقی والده فاطمه اش سمانه و کنیه آن سیده ام الفضل است
 جنابش در مدینه طیبه جمعه پانزدهم ذی الحجة^{۲۱} هجری متولد گردید و از
 القاب آن حضرت است ابدی، امین، مؤمن، متوکل، عسکری
 و کنیه آن جناب ابوالحسن و ابوالحسن ثالث میگفتند بعد از پدر بزرگوارش

(۱) معتصم بالله ابو محمد نقی پسر هرون الرشید

سی و سه سال امامت نمود متوکل خلیفه عباسی آنجناب را از مدینه طیبه
 دعوت بسامراء نمود و معتز در دوره خلافت خود آنحضرت را بر سر شهادت نمود
 عمر مبارکش چهل سال بود روز ووشنبه بیست و ششم جمادی الثانی
 ۲۵۴ هجری وفات نمود و در خانه خود در سامراء مدفون گردید از جمله اولاد ای
 آن حضرت سید محمد است که قبر وی در بکنه بین کاظمین و سامراء مشهور
 و منظر کرامات است و از جمله اولاد ای آن حضرت جعفر است که دعوی
 امامت نمود و مشهور بکذاب گردید و بعد ازاں تو به نمود و از جمله اولاد ای آنحضرت
 امام حسن عسکری علیه السلام است.

امام یازدهم

نام آنحضرت حسن مشهور بعسکری علیه السلام پدر بزرگوارش امام علی التقی
 والده ماجده اش سیده خدیثه و بعضی نویسندگان گفته اند از جمله القاب آن بزرگوار
 آدوی، صامت، زکی، سراج، عسکری میباشد کتبه مبارکش ابو محمد است
 جنابش در مدینه طیبه جمعه هجری ۲۳۲ هجری متولد گردید
 بیست و سه سال باید بزرگوارش بسربرد و بعد از پدر بزرگوارش

شش سال امامت نمود آثار و کرامات باهرا از آن حضرت ظاهر شد در جمعه
 هشتم ربیع الاول سنه ۲۶ هجری بواسطه زهر مقتد^(۱) شهید گردید روضه مبارکش
 در سامراء جنب ضریح مقدس پدید بزرگوارش مشهور و فرار دوستان
 اهل بیت و شیعیان امامیه میباش

امام دوازدهم

نام آنحضرت محمد از القاب مشهور آن جناب مهدی علیه السلام است
 والد بزرگوارش امام حسن عسکری ع والده ماجده اش زحس که او را ملکه
 می گفتند دختر یسوعا فرزند قیصر پادشاه روم از اولاد حواریین که نسبش بشمون
 وصی حضرت مسیح میرسد شب نیمه شعبان سنه ۲۵۵ در سامراء متولد گردید
 صاحب الزمان و هادی صاحب الامر قائم از القاب آنحضرت میباشد
 و کنیه آن جناب کنیه رسول خدا صلی الله علیه و آله ابوالقاسم است
 جنابش از همان کودکی دارای علم و حکمت و فصل الخطاب بود و در گهواره
 تکلم نمود چنانکه حضرت عیسی ع در گهواره تکلم کرد پدید بزرگوارش چون از دنیا
 رفت عمر آنحضرت پنج سال بود برای آنحضرت دو غیبت واقع شد یکی

(۱) مقتد المعتمد علی الله احمد پسر متوکل

غیبت صغری و دیگری غیبت کبری و در حقیقت خداوند آنجناب را یگانه و خیره

جهان قرار داد و او را چون عیسی ع و خضر ع عمر طولانی عطا نمود و از روی حکمت
از نظر او پوشیده داشت تا وقتی که مصلحت مقتضی شود برای اصلاح عالم ظاهر گردد

امام غائب حضرت مهدی عجل الله فرجه و حیات وی

هستی و غیبت امام زمان عجل الله فرجه بطریق صحیح ثابت شده

است یزدان پاک در کتاب آسمانی خود فرمود **إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ**

خَلِيفَةً من قرار دهنده هستم در زمین جانشینی را در این آیه مبارکه یزدان

مهربان وقت و زمان برای بودن خلیفه معین نمود بلکه با حالی فرمود که خلیفه بطور

همیشگی روی زمین خواهد بود

حضرت آدم ع و سلسله جلیله انبیاء و اوصیاء تا پیغمبر خاتم صلوات

الله علیهم اجمعین همه خلفای الهی بوده اند در روی زمین و بعد از پیغمبر اکرم

آئمه دوازده گانه اوصیاء آنحضرت خلفای الهی میبودند حضرت مهدی

عجل الله فرجه که دوازدهمین امام است پس از پدر بزرگوار خود بخلاف

الهی مقرر گردید علمای سنت و شیعه در کتابهای احادیث خود با اتفاق نقل

نموده اند که رسول خدا صلی الله علیه و آله از آمدن مهدی خبر داد و فرمود پیغمبر

وزین را پُر از عدل و داد کند چنانیکه پُر از جور و ظلم شده باشد. عمر طولانی حضرت
 مهدی و زندگانی‌ش باین اندازه از سال - جای تعجب نیست چه این
 معنی اختصاص با حضرت ندارد بلکه دیگران بیش از این عمر نموده اند.
 حضرت خضر غ چهار هزار سال تقریباً زنده است. الیاس زنده است
 عیسی بن مریم غ قریب دو هزار سال است زنده است. از مردودین
 که شیطان است تا بحال او هم زنده است. از گذشتگان حضرت نوح غ
 ۲۵۰۰ سال زندگانی نمود و فقط در میان قوم خود قبل از طوفان ۹۵۰
 سال بسر برد چنانیکه در قرآن میفرماید "فَلَبِثَ فِي قَوْمِهِ آلْفَ سَنَةٍ
 إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا" لقمان الاکبر ۵۰۰ سال عمر نمود. غرض اینکه
 زندگی حضرت مهدی باین اندازه از عمر امتازه نیست و نظیر آن بسیار
 است و اما غیبت وی پس مقصود از آن پوشیده شدن جنابش
 اندوخته ای به تنهایی نیست بلکه ممکن است که در میان مردم زیست نموده
 و توده او را شناسد و حکمت ناشناسی و غیبت حضرتش حفظ مردم
 از کفر و ارتداد و از بعضی امور دیگر که جای بیان آن نیست
 پس اگر جنابش ظاهر میبود مردم از وی خواهشاتی نمیدادند و حسب

مصلحت چون با خواهشهای آنان همراهی نمیفرمود البتة مخالف جنابش
 میشوند و یا اگر خواهش نمیدادند که حضرتش ظهور فرماید و چون موقع آن نرسیده
 ممکن است تکذیب آنحضرت میشد و این خود سبب میگردد که مردم از
 دیانت بدر شوند پس بدین سبب وجود امام اسباب معصیت و اختلاف
 میگردد ولی فعلا که در غیبت است غیبتش لطف و اسباب رحمت
 است برای همگی. و اما حتی بودن ظهورش علاوه بر روایات صحیح
 حکمتهای بسیاری برای آن میباشد که گنجایش بیان آن نیست همین
 قدر کافی است برای اهل دانش که این انقلاب عالم و اختلافیکه در میان
 بشر روز بروز در تزايد است اگر بحال خود بماند در نتیجه یا باید بشر فنا شود
 و سلسله نسل انسانی منقطع گردد. و یا آنکه باید مصلحی بیاید و عالم را بطور
 بی غرضانه اصلاح کند چنانکه در دوره سابق انبیاء ظاهری شدند
 و اصلاح می نمودند هم چنین در این دوره باید مصلح کمالی که خلیفه خدا
 و مهدی غائب عجل الله تعالی فرجه است ظاهر شود و عالم را اصلاح کند
 و آن بر حسب میزان و روایات وقتی خواهد بود که بواسطه فشار یکباره بر بشر
 رخ دهد مردم شب و روز آرزوی مصلحی کنند و روزگار خود را با انتظار وی

سربرند و البته آن وقتی است که دو قسمت از سه قسمت بشر یا هفت
قسمت از نه قسمت مردم نابود گردیده و دو قسمت دیگر بجا مانده باشند
چنانکه در روایات و اخبار آمده است.

مختصری از حالات حضرت مهدی عجل الله فرجه

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه یکی از آیات بزرگ پروردگار
میباشد. جنبش چون متولد گردید بر ذراع راستش جاء الحق و زهق
الباطل ان الباطل کان زهوقاً نوشته بود (یعنی ظاهراً گردید حق
و نابود شد باطل بدستیکه باطل نابود شدنی است) در آن موقع خدا
را سجده کرد شهادتین بر زبان جاری گردانید حکیمه خاتون عمه امام
حسن عسکری ع فرزند برادرزاده را بغل گرفته نزد امام ع برد. سخن
ورآمد شهادتین بر زبان جاری کرد رسول خدا صلی الله علیه و آله و آئمه را
یاد نمود. بعضی از آیات قرآن را قرائت کرد پس از آن بر حسب دستور
اسلامی امام علیه السلام بعثمان بن سعید عمری فرمود که گو سفندانی چند برای
آنحضرت عقیقه نماید نام آن بزرگوار محمد است و در روایات غنی
از برون آن بر زبان آمده و از القاب آنحضرت است مهدی.

صاحب الزمان، قائم. و چون این لقب بر زبان برده شود ایستادن
 بعنوان تعظیم و احترام از شعار امامیه است. جنابش هم چون حضرت
 یحیی ع و عیسی ع است که خداوند از کودکی بوی حکمت عطا نمود. در
 گهواره سخن در آمد یک شب پس از ولادت. نسیم خادم امام حسن
 عسکری ع بر آن جناب وارد گردید. در آن اثناء نسیم عطسه نمود، حضرت
 مهدی ع فرمود **يُوحِيكَ اللَّهُ** آنگاه بوی فرمود تو را بشارت میدهم
 ای نسیم که عطسه نمودن تا سه روز امان است از مرگ. حکیمه خاتون میگوید
 پس از چهل روز که بیدار برادرزاده رفتم کودک دو ساله را یافتم که در پیش
 امام ع راه میرفت من بشگفت آدم و گفتم ای سید من این فرزند دوساله
 است حضرت فرمود اولاد انبیاء و اوصیاء در حضور تکیه امام باشند
 نشوونمای آنها برخلاف نشوونمای دیگران است.

حضرت مهدی در شکل و شمایل و اخلاق مانند رسول خدا ص بود نام
 و کنیه اش نام و کنیه رسول خدا ص است در همان ایام کودکی از آنحضرت
 معجزاتی چند ظاهر گردید که کنجایش بیان آن نیست چون سال مبارکش
 پنج رسید پدر بزرگوارش امام حسن عسکری علیه السلام از دنیا رفت

قبل از وفات بشیعیان جنابش را معرفی نمود لذا بعد از وفات تمامی
 شیعه بجنابش رجوع نمودند و چون امام حسن عسکری ع از دنیا رفت
 جعفر کذاب که مدعی امامت شد خواست بر امام نماز بخواند ناگاه امام
 غایب ظاهر گردید و امن جعفر را گرفت و عقب نمود و گفت دور شو ای
 عمو که من اولی تر می باشم بنماز بپرداز خود. آنگاه ایستاد و نماز با جماعت
 بر پدر بزرگوار خود نماز خواند و از دیدگان غائب شد در آن هنگام عمر
 آنحضرت تقریباً پنج سال بود

و این غیبت در حدود هفتاد سال طول کشید و در این مدت چنانچه
 نائب از طرف آن جناب کارروائی مینمودند و در ماه شعبان ۳۲۹ هجری
 آخرین نواب از دنیا رفت و غیبت صغری پایان رسید

تا بحال جنابش زنده و در پشت پرده غیب موجود است
 و تا فرمان خدا نشود ظاهر نخواهد شد پس چون ظاهر شود عالم را اصلاح
 کند و آسایش را نشر دهد. البته در دوره غیبت جنابش مردم مظلومند که
 که بتکلیف خود عمل کنند خود و جامعه خود را بمقتضای زمان با حفظ قانون
 شرعی اداره نمایند و بهانه غیبت آنحضرت تنبلی و سستی و بی پروائی

نمایند امر معروف و نھی از منکر را از دست ندهند و تکالیف خود را
حواله بصر ظهور نکنند خداوند همگی را دیده و بینا و توفیق همیشگی عطا فرماید
و ظهور موفورالسرور جنابش را نزدیک فرماید انشاء الله تعالی.

اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَسَهِّلْ مَخْرَجَهُ وَاجْعَلْنَا مِنْ أَنْصَارِهِ
وَأَعْوَانِهِ آمِينَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ

یادآوری :- نظر بر اینکه از آثار عقیده و دیانت، زنده داشتن

نام و نشان بزرگان دیانت و نمایندگان مذهب است. و معلوم است
که اولین بزرگان دین و مذهب در اسلام چهارده معصوم صلوات الله علیهم
اجمعین میباشند. لازم است که دوستان و علاقمندان بانام نام
و نشان آنها را زنده دارند و در ایام ولادت آنان خوشنود و در ایام
وفات آنان غمگین باشند.

از دینی که امروزه برای زنده داشتن نام و نشان آنها با موقعیت
وقت مناسبت دارد آنست که در شب ولادت آن بزرگواران چراغهای
خود را زیاده از عادت خواه خانه دکان و یا جای دیگر اگر چه برای پنج دقیقه
باشد روشن نمایند. و در شبهای وفات تمام چراغهای خود را خاموش

کنند اگر چه برای یک دقیقه باشد تا که بسبب آن کوچک و بزرگ زن
و مرد متاثر شوند و از بزرگان دین و نمایندگان مذہب یاد کنند و رفته رفته
اطفال خود و نو باوگان نسبت بان آشنا گردیده و در اثر آن دین و مذہب
زنده بماند

غیبت صغری

غیبت صغری در شصت و نه الی هفتاد و سال بانتهاء رسید چه
از سن ۲۶ تا سن ۳۲۹ امتداد یافت در این مدت شماره اشرعیان
خاص حضرت مهدی را ملاقات نمودند و مخصوصاً چهار نفر نواب خاص و اسطه
بین آنحضرت و مردم بودند و آنهارا نواب اربعه گویند مرکز آنها بامام
علیه السلام بغداد مقرر گردید چنانکه امروزه قبور آنها در بغداد است
سوالات و حوائج و حقوق و هدایای شیعه را بامام علیہ السلام میرسانیدند
و جواب مسائل و احکام را از امام گرفته بانها میفهمانیدند

نواب اربعه

اول آنها عثمان بن سعید بود که پنجاه سال نیابت کرد و چون از دنیا
رفت پسرش محمد بن عثمان بامام نایب خاص گردید و در جمادی الثانی

۳۰۳ هـ از دنیا رفت پس از وی شیخ ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی
 بامام غ متصدی نیابت خاص شد و در شعبان ۳۲۶ هـ وفات نمود
 و پس از آن نائب چهارم علی بن محمد سمی بامام غ قیام به نیابت کرد
 و در نیمه شعبان ۳۲۹ هـ وفات نمود و مدت نیابت خاتمه و عصر غیبت
 صغری بانتهاء رسید و دوره غیبت کبری پیش آمد

غیبت کبری

در دهم شوال ۳۲۹ هـ غیبت کبری شروع گردید و تا امروزه که
 ۳۷۰ هـ می باشد تقریباً هزار و چهل و یک سال است که از غیبت
 آن بزرگوار میگذرد و مراد از غیبت کبری آنست که آن حضرت از نظرها
 پنهان است و او را کسی نمیشناسد ولی ممکن است بعضی از خواص خود
 آن جناب برسند و یا آنکه مردم او را ببینند و نشناسند و انتهای این غیبت
 کسی نمی داند مگر حضرت یردان تعالی شان و در عصر غیبت کبری مرجع امامت
 در احکام شریعت نواب عام آنحضرت میباشند
 و مراد از نواب عام علماء و مجتهدینی هستند که صلاحیت داشته باشند
 که شیعه امامیه در احکام شریعت با آنها رجوع نمایند.

ملاحظه :- انتظار ظهور آنحضرت یکی از امور است که موجب اجر و ثواب
 است چه در روایات وارد گردیده کسیکه بانتظار ظهور آنحضرت سربزد
 چنان است که در خیمه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در نزد آنحضرت شہید
 گردیده پس مناسب است که برادران و خواهران دینی تحویل ظهور آنحضرت
 را از خدا بخواهند - و از خواندن دعای عهد نامه که در این کتاب مندرج است
 کوتاهی نمایند

(۱) شیعه امامیه اثنی عشریه

هر مسلمانی که عقیده مند بخانواده رسالت باشد و پیروی آنها را ملزم
 گردد و با امامت دوازده امام معترف باشد او را شیعه امامی اثنی عشری گویند

شیعه در اسلام

از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است حضرتش مسلمانان را

(۱) در زبان عرب پیروان شخص و یاوران دوستان او را شیعه گویند و نیز بر فرقہ

جداگانه شیعه گفته میشود و در اسلام شیعه نام خاصی است برای پیروان علی علیه السلام

و کسانی که بدوستی اهل بیت مشهور اند

امر محبت علی علیه السلام و سائر اهل بیت تطهیر نمود آیات^(۱) بسیاری را که در شأن آنها فرود آمده طهارت و ولایت و پیشوائی آنها را بیان نموده بر آنها خواند مودت و دوستی آنها را که خدا بجز رسالت^(۲) قرار داد نهم ارشاد کرد پیروی و اطاعت آنان را بر ائمت واجب گردانید

(۱) در آیات الولایة هزار و یک آیه نقل نموده (الذریعة) و در نیابیح المودة شیخ سلیمان حنفی نقشبندی طبع قسطنطین ص ۱۲۶ ربع قرآن را نقل نموده که در حق اهل بیت نازل شده و علمای سنت رضی که از آن جمله است امام جلال الدین سیوطی شافعی در تاریخ الخلفاء . و احمد بن حجر حنفی در صواعق المحرقة . و شیخ سلیمان حنفی نقشبندی در نیابیح المودة شیخ صد آیه روایت نموده اند که درباره علی فرود آمده.

(۲) قل لا اسئلكم علیه اجرا الا المودة فی القربی (سوره شوری آیه ۲۳)

چون این آیه فرود آمد سوال نمودند که کیانند اقربای تو یا رسول الله فرمود علی و فاطمه و دو فرزند آن (حسن و حسین) از جمله علمای سنت که آن را روایت نموده اند در مؤلفات خود امام جلال الدین سیوطی شافعی در تفسیر و المنثور ج ۶ . زنجیری و تفسیر کشاف ج ۳ . امام فخر الدین رازی شافعی در تفسیر کبیر ج ۷ . ترمذی در جامع . محبت طبری در ذخائر العقبی . ابوالسعود در تفسیر خود . بیضاوی در تفسیر خود ج ۲ . احمد بن حجر حنفی در صواعق المحرقة . شیخ سلیمان حنفی نقشبندی در نیابیح المودة و غیره .

(۳) رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که من دو چیز سنگین را در میان شما می گذارم کتاب خدا و عترت من اهل بیت من پس اگر تشک با آنها کنید هرگز بعد از من گمراه نخواهید شد و این حدیث که مشهور بحديث ثقلین است متفق علیه است از جمله مؤلفات

و پیروان آنها را اهل جنت شمرده و فرمود یا علی^(۱) تو و شیعیان تو در جنت
 میباشید و فرمود شیعیان علی در قیامت نجات یافته گانند.
 و فرمود شیعیان علی را سبک شمارید که هر یک شفاعت کنند در قیامت
 باندازه قبیلہ ربیعہ و مضر. خوانندگان گرامی مراد از شیعه دوست
 و پیرواست پس باید کوشش در اطاعت و پیروی نمود تا در زمره
 شیعیان داخل گردید.

مذهب شیعه

مذهب طریقه ایست در احکام شرع که انسان ملتزم بآن می گردد و
 و مذهب شیعه همان احکام و شرعی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم
 بیان فرمود و ائمه علیهم السلام در عرض سیصد و نوزده سال امامت خود
 برای شیعه بیان نمودند.

اهل سنت که در آن حدیث ثقلین نقل شده، صحیح مسلم، جامع ترمذی، مسند
 احمد حنبل، شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، تفسیر فخر رازی (مفتاح الغیب)،
 حواشی المحرقه ابن حجر حنفی، تفسیر در المنثور امام جلال الدین شافعی، و تاریخ الخلفاء
 دی، و مستدرک حاکم، و منابع الموده، و سنن الکبریٰ بیہقی و غیره.
 (۱) احادیث و روایات کثرت یافته در فضیلت شیعه بسیار وارد شده و علمای سنت رضایان نقل نموده
 اند آنان جمله است ابن تیمیہ احمد بن عبد الجلیل حنبل در کتاب القصار السلول و امام سیوطی شافعی در

مذهب جعفری

از میان ائمه علیهم السلام چون زمان امام صادق جعفر بن محمد
علیهما السلام برای نشر احکام و بیان حلال و حرام تا اندازه بی مانع
و دشمنان آنان بخود مشغول^(۱) علما و محدثین و فقهاییکه شماره آنها چهار هزار^{۴۰۰۰}
نقل نموده از هر طرف برای گرفتن احکام در محضر امام حاضر گردیده و اخذ
علم و حدیث را از آنجناب می نمودند و چون حضرتش با کمال آزادی احکام
و نشر آن نمود و احکام را بیان کرد مذهب بجنابش نسبت داده شد
و مذهب امامیه مشهور بمذهب جعفری گردید.

تقلید در شیعه

کسی که مجتهد نیست و قانون عمل با احتیاط را چنانیکه و جای خود
مقرر است نداند تقلید مجتهد عادل بر او واجب است و باید دانست که
در اصول دین تقلید نیست بلکه بر هر شخصی لازم است که بقدر قوه از اصول
تفسیر و المنثور ج ۶ و محمد بن جریر شافعی در تفسیر جامع البیان و ابن اثیر جزری در کتاب نهج
و شیخ سلیمان حنفی در بیاض الموده و احمد بن حنبل در صواعق المحرقة،
(۱) چه در آن مدت دوره انقلاب و القراض دولت بنی امیه و روی کار آمدن دولت
بنی العباس بود و در ۱۳۳ هجری خلافت بنی العباس شروع گردید.

دین خود تحقیق کند خدا و رسول و امام را بشناسد - و اساساً عقیده مند
 بر وز قیامت گردد و نیز در ضروریات اسلام و مذهب تقلید نیست و مرا
 از ضروریات چیزهایی است که در دین و مذهب ثابت و روشن است مانند
 شماره نمازهای واجب و عدد رکعات آن و حقیقت قرآن و کعبه و ملائکه
 و بهشت و دوزخ و امثال آن - و اما باقی احکام اسلام مثل احکام
 طهارت و نجاست و مسائل نماز و روزه و خمس و زکوة و حج و سایر
 فروع و احکام آن که در رساله‌ها نوشته شده تقلید در آن واجب است کسی
 که ترک تقلید کند و خود مجتهد نیست و طریقه احتیاط را چنانکه گفته شده
 نداند عملش باطل است

تقلید مجتهد عادل

مجتهد کسی را گویند که بواسطه تحصیل علم اجتهاد میتواند احکام شریعت
 اسلام را مطابق مذهب جعفری از قرآن و احادیث معتبر بیرون آورده
 بیان کند

عادل :- عادل کسی را گویند که گناه کبیره نکند و اصرار بر گناه صغیره
 نداشته باشد.

پس پیروی مجتہد عادل و احکام او بفرمایش^(۱) امام غائب حضرت
مہدی عجل اللہ فرجہ بر تمام شیعیان واجب است و در زمان غیبت کبری
اونائب امام مع می باشد بشرط آنکہ مجتہد فرد بالغ عاقل عاقل علائق زاده باشد.
مُفْتًی :- چون مجتہد بیان احکام شرع را مینماید اورا مفتی گویند
(یعنی فتویٰ دہندہ) .

مُقَلَّد :- چون دیگران پیروی او را در احکام شرع میکنند
 او را مُقَلَّد (بفتح لام) گویند
 مُقَلِّد :- کسیکه پیروی مجتهد را میکند و بفتوی او عمل نماید او را
 مُقَلِّد (بکسر لام) نامند.
 تقلید :- پیروی نمودن مُقَلِّد مجتهد را تقلید گویند.

(۱) و اما من كان من الفقهاء صائنا لدينه مخالفا لهواه مطيعا لامر مولاه
فللعوام ان يقلدوه و فرمود فانهم جتبي عليكم و اما جهة الله عليهم و فرمود
الراد عليه كالراد علينا و الراد علينا كالراد على الله - مراد از فقهاء مجتهدینی هستند
که سزاوار تقلید میباشند - امام ع فرمود فقهاییکه نگاه دارند به دین خود میباشند
و مخالفت هوای نفس خود نکنند و امر مولای خود را اطاعت کنند بر عوام است آنان را تقلید
کنند - آنها ایند جهت من بر شما و من هستم تحت خدا بر آنها و بر آنها رد بر ما است و رد
بر ما رد بر خدا است.

حقوق مجتهدین و علماء

از عصر ائمه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین تا شروع غیبت کبری
و از آن زمان تا بحال و بعد ازین نیز علماء و مجتهدین مروجین احکام شرع و ناشر
و یانت اسلام و حافظ قوانین الهی و راهبران ملت بوده و خواهند بود
در این جهت است که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود علمای امت من
مثل انبیاء بنی اسرائیل عیاشند و فرمود سیاهی قلم علماء افضل
است از خون شهداء و فرمود است نفرانده که در قیامت شفاعت کنند
انبیاء و علماء و شهداء و فرمود شستن نزد عالم عبادت است و نظر بصورت وی مطابق
است با شصت سال عبادت. امام باقر علیه السلام فرمود عالمیکه منتفع بعلم او
شوند افضل است از هفتاد هزار عابد. اتفاق نمودن بر عالم از بسیاری اتفاقات
افضل و مطابق بهفت هزار محسوب میشود و نماز عقبی و مسجد جامع با صد هزار رکعت نماز مطابق است

ضروری مذهب

هر امریکه از طریق مذهب ثابت و روشن است آن را ضروری مذهب
گویند. پس کسیکه انکار ضروری مذهب کند از مذهب خارج میشود
از ضروریات مذهب امامت و خلافت بلا فصل جناب امیر المؤمنین

علی بن ابی طالب علیه السلام و امامت باقی ائمه و عصمت آنها و فضیلت آنها بر دیگران بعد از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و حیات امام فاضل و بقاء آنحضرت تا عصر ظهور (عجل الله فرجه)، و نیز از ضروریات مذهب است تقیه

تقیه در اسلام

تقیه پرهیز کردن است از دشمن برای حفظ جان، مال، ناموس و دین و آنچه که حفظ آن واجب است بر انسان عقلاً و شرعاً و تقیه امریست معقول مشروع. خداوند در قرآن بآن اشاره نموده و فرموده "لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً" آل عمران آیه ۲۸ و باز فرمود در باره مؤمن آل فرعون "وَقَالَ رَجُلٌ مُؤْمِنٌ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ إِيمَانَهُ" سوره مؤمن آیه ۲۹ یعنی و گفت مردی مؤمن از کسان فرعون که پنهان میداشت ایمان خود را و نبود کتمان ایمان در او مگر برای تقیه و حفظ جان و جمعی از علماء ائمت منت روایت نموده اند که "التقیه جائزه الى يوم"

(۱) آران جلد جلال الدین سیوطی شافعی در تفسیر «النشور» ج ۲ ص ۱۴ و تخری از شافعی تفسیر کبیر ج ۲ ص ۴۴

القيمة " و در رساله اعتقادیہ صدوق است که تقیّه واجب است
و رفع آن جائز نیست تا ظهور امام غائب عجل الله فرجه پس کسیکه آنرا
ترک کند از دین امامیه خارج شده است

ارشاد و هدایت

نظر بر اینکه از واجبات پدر و مادر و مربیان کودکان و فرزندان تربیت
نمودن آنان است با خلاق اسلام و با احکام شریعت مطهره و امور
مذهبی پس لازم است که قبل از بلوغ کودکان را با اندازه اقتدار آنان
بقسمتی از احکام آنها را آشنایند تا که در موقع بلوغ نسبت بدین
خود حیران نشوند و نیز تکلیف خود را در معاشرت و زندگی با مردم بدانند
و فریب در دامن راه حقیقت را نخورند، بزرگترین مسئولیتی که یزدان پاک
بر بندگان خود مقرر نموده تربیت اولاد و کودکان اسلامی است فرمود
اول چیزی که در قیامت از انسان سؤال کنند از تربیت اولاد و نگاهداری
عیال است - امام چهارم حضرت علی بن الحسین علیهم السلام فرمود
از حقوق اولاد تو آنست بدانی که او از تو است خیر و شر او در دنیا
بتو نسبت داده خواهد شد و تو مسئول تربیت او عیالشی و بر تو میباشد

که او را بآداب نیک تربیت دهی و بطرف پروردگار را هنمایی کنی و بر بندگی
وی او را مدد نمائی.

پس باید دانست نسبت با اولاد خود قسمی عمل نمائی که بدان نسبت
به نیکی و همراهی با وی اجرو مزد خواهی برد و بر بدی نسبت بوی سزا داده
خواهی شد و هم چنین در روایات دیگر نسبت به تربیت اولاد تاکید
اکیده و ارد گردیده که جای بیان آن نیست. پس پدر و مادر نباید
آنی غفلت از اولاد خود کنند در تربیت آنها باید کوشش نمایند مخصوصاً
از معاشرت با جنس و کسانی که مردم را بزبان فریب میدهند و از کردار نیک
و اوامر شرع باز دارند جلوگیری کنند و باید بفهمانند که اخلاق و دیانت بعمل
است بزبان خالی نیست پس کسانی که مردم میفهمانند که باید دل پاک باشد
این یک قسم را هنری است و بزرگترین وسیله گمراه نمودن جاہل است
برای آنکه نشان دل پاک عمل است، اگر کسی بنایش عمل برخلاف
شرعیت باشد چگونه میتواند او را پاک دل دانست پس پاک دل
کسی است که اندیشه او نیک و عمل او نیکو است. بهر حال انسان
باید کوشش کند فرزندان را از دخترو پسر شریف و نجیب پاکدامن

و عقیده مند مسلمان بار آورد و از همان ایام کودکی احکام اسلام را
گوش زد و آنها نمایند. بخواندن نماز و گرفتن روزه عادت دهند. مذهب را
ذهن نشین آنها نمایند مخصوصاً دختران را در همان هفت سالگی و پس از
را در ده سالگی عادت بخواندن نماز و گرفتن روزه دهند و بحرام و حلال
آشنا نمایند تا که در موقع بلوغ بتکلیف خود برسند.

علامت بلوغ

کودک چون بمرتبه از عمر رسد که زشت و زیبایا بشناسد او را
میز گویند و پوشانیدن نامحرم بدن خود را از میتر واجب است و چون
بمرتبه از عمر که بر او واجب میشود عمل نمودن با احکام شرع او را بالغ گویند
پس دختر وقتی بالغ شود که سال نهمین عمر وی تمام و در سال دهم دخل
شود و پسر بنا بر مشهور وقتی بالغ میشود که سال پانزدهمین عمر وی تمام
و در سال شانزدهم دخل شود و اگر قبل از شانزدهم محکم گردد و یا موی
درشت بر زهار وی روید نیز بالغ خواهد بود پس کودک پسر باشد یا دختر
چون بالغ شود بر او واجب میشود که عمل با احکام اسلام نماید و اگر پسر
نخستین زنده است بر او واجب است که ختنه نماید.

احکام اسلام

احکام اسلام پنج است اول واجب دوم حرام سوم مستحب
چهارم مکروه پنجم مباح

واجب :- آنرا میگویند که آوردن آن لازم و ترک آن جائز نیست
و ترک کفنده آن مستحق عذاب الهی میشود مثل نماز روزه و سایر
واجبات اسلام

حرام :- آنرا گویند که آوردن آن جائز نیست و آوردن آن مستحق
عذاب الهی است مثل خوردن شراب و کشتن نفس محترم و سایر محرمات
اسلامی و ترک واجبات

مستحب :- که آنرا استنابت نیز گویند چیزی است که آوردن آن
مستحق ثواب میشود و ترک آن گناه نیست مثل خواندن نمازهای مستحبی
و شستن دست در موقع خوراک و غیره .

مکروه :- آنرا گویند که برآوردن آن گناهی نیست ولی ترک آن
بهتر است مثل چیز خوردن در حال جنابت و نماز در حمام که موجب قلت ثواب است
مباح :- آنرا گویند که آوردن و نیاوردن آن با اختیار خود شخص است

مانند بسیاری از احوالات طبیعی و اجتماعی که همیشه انسان بان مشغول است
از قبیل خوردن و خوابیدن، نشستن، رفتن و غیره و کسیکه کار مباح را
برای خوشنودی خدا کند مستحب میشود و مستحق ثواب میگردد.

و باید دانست که حلال و حرام اسلام همین احکام پنجگانه اند که بیان
گردید و یاد گرفتن آن باندازه لزوم بر هر مسلمان واجب است و در دوره
غیبت امام زمان علیه السلام بر تمامی شیعه امامی اثناعشری که پیروان
مذهب حق میباشند واجب است که احکام شریعت را از مجتهد عادل
بگیرند و یا آنکه رجوع بر ساله مجتهد عادل نمایند و آنرا بیا موزند و هرگاه
کسی قابل اعتبار باشد و نقل احکام از مجتهد عادل یا رساله او کند
میتوان بقول او عمل نمود.

اقسام واجب

واجب بر چند قسم است

اول واجب عینی و آن عملی است که بر هر مکلف از مرد و زن

واجب میگردد مانند نماز، روزه و غیره

دوم واجب کفائی و آن عملی است که بر جمیع واجب است

تا وقتی که کسی قیام بان ننمود و پس همینکه دیگری قیام بان عمل نمود
 دیگران ساقط میگردد و مانند تجمیز اموات و نجات دادن غرق و امثال آن
 سوم واجب تخیری و آن واجب است که آوردن آن در میان
 چند چیز معین میگردد که شخص مختار است که هر کدام را عمل نماید مثل کفاره
 خوردن روزه ماه رمضان المبارک که انسان مختار است بین دو ماه روزه
 یا اطماع شصت مسکین یا آزاد نمودن یک بنده

صحیح و باطل

عملی که انسان آنرا بجا میآورد خواه واجب باشد یا مستحب اگر
 مطابق امر شرعیست آن را بجا آورد آن عمل را صحیح گویند و هرگاه مطابق
 حکم شرع آورده نشود آنرا باطل گویند

عبادات

هر عملی که در او نیت قربت شرط است آنرا عبادت گویند و مراد
 از قربت آنست که شخصی نیت کند این عمل را بجا میآورم برای خوشنودی
 خدا و تقرب بر حمت وی چنانکه در نیت نماز و روزه و امثال آن
 این معنی شرط است.

معاملات

هر عملیکه شرع برای آن قانون وضع نموده و نیت قربت را
در آن شرط نفرموده آنرا معامله گویند مثل تجارت، زراعت، اجاره
و سایر معاملات و اکتسابات.

پاکیزگی در اسلام

اسلام یگانه دینی است که بنای آن بر طهارت و پاکیزگی است
جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود "الطهور نصف الايمان"
یعنی پاکیزگی و طهارت نصف ایمان است و فرمود "بنی الاسلام
على النظافة" پایه اسلام بر پاکیزگی و نظافت گذارده شده است
و در حدیث است که فرموده حضرت باری است عز اسمه "بئس العبد
القاذورة" بدبنده ایست بنده پلید در قرآن آسمانی است
"إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ" خدا دوست
دارد توبه کنندگان و دوست دارد پاکیزگان را - پس بنا بر این
لازم است که برادران و خواهران دینی پاکیزگی و طهارت را منظور دارند
و از پلیدی و کثافت بپرهیزند و خانه خود را پاک و پاکیزه نگاه دارند.

اولاد خود را بطهارت ظاهری و معنوی بار آورند تا که گرفتاریها نیک در زندگانی
بسبب این پلیدیها صورت میگیرد و محفوظ بماند انشاء الله تعالی

مُطَهَّرَات

بدانکه مطهرات دوازده است

اول - آب - پاک میکند هر چیزی متنجس را که قابل پاک شدن
باشد بشرط آنکه آب نجس نباشد و مطلق باشد یعنی مضاف نباشد
و مراد از مضاف آب است که مخلوط با چیزی دیگر گردیده که بتنهائی آب گفته
نشود - و یا آنکه شیر و عرق چیزی باشد مانند شربت کلاب و آب
نارگیل و امثال آن که مضاف اند - نه پاک کننده اند و نمیشود بآن
وضوء و یا غسل نمود - و آب مضاف بملاقات نجاست نجس میشود
اگر چه صد بار گریاشد

و آب مطلق بر چهار قسم است اول آب جاری و آن
آب است که از زمین بیرون آمده در روان شود مانند رودخانه و غیر آن
دوم آب باران که در حکم آب جاریست سوم آب چاه چهارم
آب ایستاده مثل آب دریا و غدیر و کر - پس تمامی این آبها

پاک کننده گرانکه رنگ یا بوی یا مزه آن نجاست تغییر کند که در این
 صورت نه پاک و نه پاک کننده است ولی اگر آب ایستاده کمتر از
 گری باشد رسیدن نجاست یا متنجس بوی نجس خواهد شد و متنجس
 چیز نیست که عین آن پاک است ولی بسبب ملاقات نجاست نجس
 میشود مثل آب صابون و یا گلاب و یا آب قلیل مطلق که بملاقات بول
 و یا خون نجس میشود پس آنرا متنجس گویند و هرگاه چیزی باین متنجس
 متلاقی شود آن هم نجس خواهد شد. و اگر ظرفی است که اندازه آب
 گیران چهل و سه و جب الاثنی باشد خواه حوض باشد یا غیر آن.
 مربع باشد یا مستطیل، مثلث باشد یا مدور یا بهر شکلی که باشد پس
 اگر ظرفی که طول و عرض و عمق آن هر یک سه و جب و نیم باشد پس
 از ضرب در یکدیگر چهل و سه و جب الاثنی میشود که اندازه گری است.
 و حسب وزن اندازه آب گری یک هزار و دویست رطل عراقی است که بوزن
 بمبئی بیست و نه من و ربع^(۱) میشود و آب گری طاهر است و مطهر.
 پس اگر گری نجس شود. پاک میشود بر خنثی کردن دیگران و یا اتصال

(۱) من بمبئی ۲۸ رطل است و رطلی تصد شقال است.

آن باب جاری و یا آنکه پارسش بر آن بیمار و بشرط آنکه تغیر آن مرتفع شود
و آب چاه اگر متغیر شود نجاست باید با اندازه آب کشید که
تغیر آن بر طرف شود. و مخصوصاً در روایات برای نجس شدن چاه
اندازه معین گردیده پس اگر شراب یا هر مست کننده مایع
و یا فقلع و منی و یا یکی از خون حیض، نفاس، استحاضه و یا شتری
در آن بمیرد تمام آب چاه باید کشیده شود.

و اگر حیوانی چون گاو، اسب، قاطر، الاغ و امثال آن در
چاه بمیرد یک گز آب از آن باید کشید.

و از برای مردن انسان هفتاد دلو. و از برای نجاست خشک شدن
انسان که در آب مستهلک شود پنجاه دلو و برای ریخته شدن خون زیاد
مانند کشتن کوسفند روایت از سی^۳ الی چهل^۴ دلو وارد شده. و اگر
روباه یا خرگوش و خوک و گربه و سگ و امثال آن بمیرد چهل دلو باید
کشید و اگر نجاست انسان که مستهلک نشده باشد و خون بینی کم
در آن ریخته شود ده دلو باید کشید. و برای مردن کبوتر یا موش که ورم
کند و یا آنکه متلاشی شود. و بول پسر غیر بالغ و یا غسل نمودن جنب

در آن . و افتادن سنگ فرزند بیرون آمدن از چاه هفت دلو . و برای
مردن مار و موش که از هم پاشیده نشده باشد سه دلو . و برای مردن
کنجشک و امثال آن یک دلو . و اندازه دلو باید مناسبت چاه باشد .
و اما آب جاری اگر نجس شود پس از دور شدن نجاست و برطرف
شدن تغییر ظاهر خواهد شد .

دوم :- از مطهرات زمین است که پاک میکند کف پا و زیرپاوش
را خواه کفش یا نعلین و یا چکمه و امثال آن باشد که براه رفتن بر زمین
و دور شدن عین نجاست از آن پاک خواهد شد .

سوم :- آفتاب است که پاک میکند زمین و عمارت و در و پنجره
و اشجار و هر چه را که قابل نقل نمودن نیست . پس اگر عین نجاست
از آن دور شود و مرطوب باشد و آفتاب از آن خشک نمود پاک خواهد شد .
چهارم :- استحاله یعنی حقیقت چیز تغییر نموده چیز دیگر گردد مانند
آنکه فدره خاکستر و سنگ در نمک زار نمک شود .

پنجم :- گم شدن دو ثلث از فشرده آب انگور که با تشن در
جوش دادن گم شود . البته ثلث باقی مانده باطر و فیکه استعمال شد

پاک میگردود.

ششم :- انتقال مثل منتقل شدن خون نجس در بدن

حیوان پاک بقتیکه جزء بدن وی شود مانند خونیکه پشه از انسان بکشد

و یا آنکه نجاست در زراعت جزء زمین گردد

هفتم :- اسلام است که پاک میکند غیر مسلمانیکه اسلام آورد

و شهادتین بر زبان جاری کند.

هشتم :- تبعیت پس اگر کافر مسلمان شود اولاد نابالغ

وی تابع اویند باید حکم بطهارت آنها نمود

نهم :- زوال عین نجاست از بدن حیوان و باطن انسان

پس اگر منتفخ کبوتر و یا بدن حیوان نجاست ملوث شود انگاه دور

گردد و یا خون که از دهان و گوش و بینی انسان بیرون آمده و دور

گردد پاک خواهد شد.

دهم :- غیبت یعنی غائب شدن مسلم است که بدن لباس

و یا چیز دیگر که تعلق بوی دارد و میداند که نجس است چون غائب شود

در موقع مراجعت باید حکم بطهارت آن نماید.

یازدهم :- بیرون آمدن خون است از محل زنج حیوان یا محل زخم
 شتر بقدر متعارف پس خون باقی مانده در بدن حیوان محکوم ببطارت است.
 دوازدهم :- استبراء حیوان جلال یعنی حیوان نجاست خوار که
 با استبراء نمودن آن پاک میشود. و مراد از استبراء منع نمودن حیوان
 است از خوردن نجاست و استبراء در حیوانات فرق میکند مثلاً در
 شتر چهل روز. و در گاو شش روز. و در گوسفند ده روز. و مرغ
 آبی هفت روز. و مرغ خانگی شش روز. و استبراء غیر آن اندازه آن
 تا جائیست که از اسم نجاست خوار بیرون رود.

نجاسات

نجاسات یازده است
 اول و دوم :- بول و غایط انسان و هر حیوانیکه حرام گوشت
 و صاحب خون جهنده باشد یعنی در موقع زنج خون وی جستن کند.
 سوم و چهارم :- منی و خون حیوانیکه خوش جهنده باشد خواه
 حلال گوشت باشد یا حرام گوشت
 پنجم :- میته. یعنی مردار حیوانیکه خون او جهنده باشد حلال

گوشت باشد یا حرام گوشت ولی مانند ناخن، پشم، مُو، کرک و شاخ
و امثال آن که روح در آن حلول نمیکند پاک است.

ششم و هفتم :- سنگ و خوک صحرائی که تمامی اجزاء آن حتی

مُو و ناخن وی نجس است.

هشتم :- شراب و هر مست کننده که روان باشد اگرچه خشک شود

نهم :- فقلع که شراب مخصوصی است که غالباً از جو ساخته میشود.

دهم :- کافر است

یازدهم :- عرق شتر نجاست خوار بلکه هر حیوان نجاست خوا

و در نجاست عرق جنب از حرام اختلاف است. البته اجتناب
از آن را نباید ترک کرد.

کیفیت تطهیر متنجس

تطهیر متنجس خواه بدن باشد، لباس باشد، یا چیز دیگر با آب

کثیر خواه جاری باشد یا باران، یا آب گُر، یا آب دریا و امثال آن

پس از دور شدن نجاست از آن بیک فرا گرفتن آب آنرا کافی است

و در آب قلیل یعنی آب ایستاده کمتر از گُر بعد از رفع نجاست بر خنثی

دو مرتبه آب بر چیز نجس پاک میشود. در بول پنجه شیر خوار یک مرتبه
کافیست و چیزی که قابل فشار است در هر مرتبه باید فشار داده شود
پاک میشود

و اما ظروف نجس بعد از دور شدن نجاست بر نخلتن آب سه مرتبه
پاک میشود. و در صورتیکه بول و غسک نجس شده باشد. باید آنرا
خاک مالی نمود پس از آن با آب بشویند و در برخی احادیث است که
آشامیدن خوک هفت مرتبه باید ظرف را شست.

احکام بیت الخلاء

در موقع تخلی شخص باید جایی بنشیند که از نظر محفوظ بماند
و واجب است پوشیدن عورتین را از نامحرم و حرام است رو قبله
و یا پشت بقبله نشستن. و مکروه است رو بافتاب یا ماه یا طرف
دزدیدن هوا نشستن. و باید پس از فراغت استبراء نمود چه اگر استبراء
نشود و رطوبتی ظاهر گردد نجس است. و سبب شکستن وضوء است
و طریق استبراء آنست که از مقعد تابخ ذکر را فشار دهد و سه مرتبه از بیخ
تا سه حشفه و سه مرتبه سر آنرا فشار دهد آنگاه دو مرتبه و بهتر سه مرتبه

بر محل بول آب بریزد پاک میشود و اما محل غایط پس از ریختن آب از آن
 شدن نجاست پاک است و نیز شکسته کهنه پاک و یا شکسته کلنج و امثال
 آن پاک میشود بشرط آنکه حوالی آلوده نشده باشد و مکرره است در
 موقع تخلی چیز خوردن، آشامیدن، حرف زدن، مسواک کردن
 و مستحب است که در موقع دخول بیت الحلاء پای چپ را مقدم داشتن
 و نام خدا را در دل آوردن و سر خود را پوشانیدن.

فروع اسلام

بدانکه تمامی احکام اسلام را فروع دین میگویند. و فروع دین

ده است

۱. اول نماز

۲. دوم. روزه

۳. سوم. زکوة است. و تارک زکوة مثل تارک نماز است امروزه

اگر همه مردم زکوة میدادند فقراء پامال نمیشدند و اغنیا فقیر نمیکردند

و زکوة فطره یک قسم از زکوة است.

۴. چهارم. خمس، یعنی پنج کُت مال که پس از خرج سال آنچه

از عایدات بماند خمس آنرا باید داد و خمس دو قسمت میشود یک قسمت آن
 سهم امام علیه السلام است که بدست مجتهد عادل داده میشود و با اجازه
 وی صرف میگردد. و قسمت دیگر آن بسادات و علویات مستحق داده میشود
 پنجم. حج، که در عمری یک مرتبه بر کسی که قدرت داشته باشد
 واجب میشود.

ششم. جهاد است. و آن بامر پیغمبر و امام واجب میشود.
 هفتم. امر معروف است. یعنی مردم را به نیکی راهنمایی نمودن.
 هشتم. نهی از منکر است. یعنی مردم را از بدی منع کردن.
 نهم. تولی. یعنی دوست داشتن رسول خدا ص و اهل بیت
 آنحضرت و دوستان آنها را

دهم. تبرأ. یعنی دشمن داشتن دشمنان آنها را.
 در فضیلت نماز و گناه تارک آن

بدانکه نماز یکی از ارکان (یعنی ستون) دین اسلام است
 و از برای آن فضیلت بسیار است و از طریق شیعه و سنت روایات
 و احادیث بسیار در فضیلت آن وارد شده است چنانکه این

روایت را هر دو فرقی از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل نموده اند که آنحضرت
 تشبیه نمود نماز پنجگانه شبانه روز را بهر جاری که بر در منزل شخص باشد
 و روزانه پنج مرتبه خود را در آن بشوید پس آنحضرت ص فرمود . اگر
 روزی پنج مرتبه در آن نهر خود را شست و شو کنید ای دیگر بر شما کثافت
 میماند . یعنی هم چنین خواندن نمازهای پنجگانه شبانه روز گناهان را
 از نمازگذار دور میکند و او را از گناهان پاک و پاکیزه مینماید . و نیز
 فرمود ص نماز ستون دین است اگر قبول شود باقی اعمال قبول
 میشود و اگر رد شود باقی اعمال نیز رد خواهد شد . و هم چنین فضایل
 دیگر در باب نماز بسیار وارد شده است که گنجایش بیان آن
 در این کتابچه نیست . و اما نسبت به ترک کننده نماز . در اسلام
 روایات سخت وارد شده است . پیغمبر اکرم ص فرمود فرقی بین مسلم
 و اینکه کافر شود نیست مگر ترک نماز واجب عمدا و یا آنکه مستی کند نسبت
 بآن و آنرا بجا نیاورد . در حقیقت خلاصه روایت میرساند .
 نماز نشانه اسلام است و ترک آن
 نشانه کفر است

مقدمات نماز

بدانکه بر هر نماز گذاری قبل از نماز خواندن هشت چیز واجبست .
 اول . وضوء . دوم . پاک بودن لباس و بدن . سوم .
 شرعوتین . و از برای زنان پوشیدن تمام بدن است مگر چهره و
 کف دست و در قدیم بهتر پوشیدن است . چهارم . شناختن
 وقت نماز است . پنجم . قبله شناختن است و قبله کعبه است که
 در مکه معظمه میباشد . ششم . جای نماز غصبی نباشد . هفتم .
 جای سجده پاک باشد . هشتم . جای سجده هموار باشد یعنی پست
 و بلند نباشد مگر با اندازه چهار انگشت ضرر ندارد .

یادآوری

در صورتیکه غسل واجب است بر انسان باید قبل از نماز غسل کند
 و اگر وضوء واجبست باید وضوء بگیرد و اگر هر دو واجب است باید هر دو
 را بجا بیاورد و اگر چیزی مانع از استعمال آب باشد تیمم بگیرد

در احکام طهارت سه گانه وضوء، غسل و تیمم

واجب است وضوء و غسل و تیمم برای نماز واجب و طواف واجب
مسکن کتابت قرآن، و واجب میشود بنذر و عهد و قسم. و شرط است
در صحت نماز مستحبی وضوء یا غسل و تیمم. و برای هر چیزیکه وضوء یا
غسل یا تیمم گرفته میشود باید نیت نمود و در نیت خوشنودی خدا را باید
منظور داشت و در موقع شروع نمودن بوضوء مستحب است
بگوید "بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ وَ اجْعَلْنِي
مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ" و مستحب است بسمه کف آب مضمضه کند یعنی
دهن را بشوید و بسمه کف دیگر سه مرتبه استنشاق نماید یعنی بینی را
بشوید و مسواک کند اگرچه با انگشت باشد بعد از آن شروع بوضوء نماید
واجبست که وضوء را باین ترتیب بجا آورد اول صورت را از
رُستگاهه مُو تا چانه بطول و آنچه را که انگشت بزرگ و وسط فرا گیرد بعضی
صورت بشوید پس از آن بدست چپ از مرفق تا سر انگشتان دست
راست را بشوید انگاه بدست راست دست چپ را از مرفق تا سر انگشتان

بشوید پس ازان بهمان رطوبت پیش سر را با دست راست مسح کند
 و بهتر آنست که بر عرض سه انگشت باشد. بعد ازان پای راست را
 بدست راست و انگاه پای چپ را بدست چپ از سر انگشتان تا بلندی
 پشت پا مسح کند. و مستحب است بعد از فراغت وضوء بگوید:
 أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ
 مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَآيَةُ الْكُرْسِيِّ رَابِعًا. و مستحب است
 خواندن سوره انا انزلناه و بعضی دعای واره و دیگر در حال وضوء.
 و نیز مستحب است که مرد موقع شستن دستها از پشت دست
 و زن از باطن دست شروع کند.

شرائط وضوء

شرائط وضوء یازده است

اول. نیت چنانکه گفته شد. دوم. ترتیب. سوم. موالاة
 یعنی اعضای وضوء را پی در پی بجا آوردن. چهارم. در موقع امساک
 خود متصدی وضوء شدن. پنجم. آب وضوء مطلق باشد. ششم.
 پاک باشد و مستحب نجس نباشد. هفتم. مضاف نباشد. هشتم.

غصبی نباشد. نهم. خالی از ضرر باشد. دهم. اعضاء وضوء پاک
باشد. یازدهم. جائیکه وضوء میگیرد غصبی نباشد.

نواقض وضوء

مقصود از نواقض وضوء چیزهاییست که بسبب آن وضوء شکسته
میشود و آن یازده است

اول. بول. دوم. غایط. سوم. ریح (باد). چهارم.
جنابت. پنجم. خوابیکه بر چشم و گوش غلبه کند. ششم. دیوانگی.
هفتم. بیهوشی وستی. هشتم. بیرون آمدن رطوبت از محل
بول اگر استبراء نشده باشد. نهم. حیض. دهم. نفاس.
یازدهم. استحاضه.

احکام جبیره

در صورتیکه عضو وضوء گیرنده شکسته و بسته باشد آن را جبیره
گویند. و در حکم آنست زخمهاییکه از خارج بدن رسیده و یا بواسطه دمل
و غیره بسته باشد در این صورت شستن موضع وضوء و غسل لازم
نیست بلکه همان رطوبت مسح نمودن بر موضع جبیره کافی است و باید

محل مسح بر جیره پاک باشد. پس اگر نجس باشد پارچه پاکی بر آن نهاد
و دست را بهمان رطوبت بر آن کشند کافیت

غسلهای واجب

غسلهای واجب شش است.

اول. جنابت و آن حاصل میشود باحتلام یعنی در خواب دیدن
و بیرون آمدن منی از شخص و بازال منی در خارج. و بملاقات زوجین
بتفصیل که در کتب فقهیه و رسالهای عملیه آمده است.

دوم. غسل مس میت آدمی است بعد از سرد شدن بدن
و قبل از غسل دادن میت. پس در این صورت منس کننده باید
غسل نماید.

سوم. غسل میت است که در باب احکام اموات آمده است
چهارم. غسل حیض است. و حیض خونی است که زنان
هر ماه آنرا می بینند و اندازه کمتر آن سه روز است و بیشتر آن ده
روز است. و این خون بعد از بلوغ ظاهر میشود و در عمر پنجاه سالگی
بانتحاء میرسد. و چون زن حیض بیند نماز و روزه از او ساقط

است ولی بعد از پاکی روزه را باید قضا کند. و حائض نمیتواند طواف
کعبه. و تسکین کتابت قرآن نماید و از مسجد الحرام و مسجد پیغمبر ص
مروز نماید و در مساجد توقف کند. و مستحب است که زن حائض
در وقت نمازهای واجب وضوء بگیرد و در مصلائی خود باندازه وقت
نماز خود بنزد خدا مشغول شود و چون پاک شود غسل کند.

پنجم. غسل نفاس است. و آن خونبست که در موقع
ولادت ظاهر میشود و بیشتر آن ده روز است و احکام آن مثل
احکام حیض است.

ششم. غسل استحاضه است. و آن خونبست که بواسطه
بیماری و نقاهت و یا قبل از بلوغ و یا بعد از ایام نفاس و زمان
یأس از عادت حیض عارض میشود. و آن سه مرتبه دارد.

مرتبه اول. استحاضه قلیله. و نشانه آن چنان است که
خون از لثه که بخود گرفته است نگذرد. در این صورت باید لثه را عوض
کند و خود را طاهر نموده وضوء گرفته نماز بخواند.

مرتبه دوم. استحاضه متوسطه است که خون لثه را فرا گیرد

ولی زیادتی نکند باید برای نماز صبح لثه را عوض نموده خود را طاهر کند
و غسل نموده نماز بخواند.

مرتبه سوم. استحاضه کثیره است که خون از لثه می گذرد
و زیادتی نماید باید برای نماز صبح لثه را عوض نموده و خود را طاهر کند
و غسل نماید و همین ترتیب برای نماز ظهر و عصر غسل دیگر کند و برای
نماز مغرب و عشاء نیز غسل جداگانه نماید ولی باید برای هر نماز وضوی
علیحه بگیرد.

اقسام غسل و کیفیت آن

طریق غسل نمودن دو قسم است یکی ترتیبی که سه عمل است
و آن شستن تمام سر و گردن است اولاً پس از آن شستن طرف
نیمه راست بدن و بعد از آن شستن طرف نیمه چپ بدن و عورتین را
در ضمن شستن راست و چپ بشوید

و دیگری ارتعاسی است و مقصود از آن شستن تمام بدن است
بفرورفتن در آب یک مرتبه. و شرط است در غسل نیت قربت
و آنکه بدن و آب طاهر باشد. غصبی نباشد. مشتبیه نجس نباشد.

مضاف نباشد. استعمال آب خالی از ضرر باشد. مکان غسل
غصبی نباشد.

و در غسل جنابت لازم است که قبل از غسل استبراء ببول کند
تا که مجرای بول از منی خالی شود و هرگاه بعد از غسل استبراء شود باید
دوباره غسل کند و در تمامی غسلها برای نماز وضو واجب است مگر
غسل جنابت که وضو لازم نیست.

غسلهای مستحبی

غسلهای مستحبی بسیارند از جمله آن غسل روز جمعه که روایت
در وجوبش نیز آمده و وقت آن از طلوع فجر روز جمعه شروع می شود.
غسل شب عید فطر و روز آن که روز اول ماه شوال است و غسل روز
و حوالا روض که بیست و پنجم ذی قعدة الحرام و غسل روز ترویج هشتم
ذیحجه و روز عرفه نهم ذیحجه و روز عید قربان دهم ذیحجه و روز عید غدیر
یازدهم ذیحجه و روز مبارکه بیست و چهارم ذیحجه و روز عید مولود
پنجم ربیع الاول و روز عید نوروز و روز اول و نیمه آخر ماه
رجب و لیالی آنها و روز مبعث پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله بیست

و هفتم رجب و شب نیمه شعبان و شب اول ماه رمضان المبارک
 و شبهای طاق آن و شب نیمه و شبهای قدر نوزدهم و بیست و یکم^{۲۱}
 و بیست و سیم^{۲۳} و شب بیست و سوم و غسل است اول و آخر
 شب. و شبهای هفدهم و بیست و پنجم و بیست و هفتم و بیست
 و نهم ماه رمضان المبارک.

و بسیاری از غسلهای دیگر از قبیل غسل زیارت و غسل احرام
 و دخول مکه معظمه و مسجد الحرام و غسل توبه و غیره مستحب است و جای
 بیان زیاده از آن نیست.

در احکام تیمم

تیمم واجب میشود عوض غسل و وضوء در موقعیکه آب یافت
 نشود و یا آنکه آب طاهر و مباح نباشد. یا قدرت بر مهیا نمودن
 آب نداشته باشد. یا استعمال آب ضرر داشته باشد. و یا حیل
 آن اسباب ضرر باشد و یا که وقت برای غسل و وضو نباشد پس
 در این صورت تیمم نموده نماز بخواند و تیمم جائز نیست مگر بر زمین پاک
 و خاک پاک و اگر نباشد بر غبار نیز جائز است.

کیفیت تیمم

کیفیت تیمم آنست که باطن و دست را با هم بر زمین زند آنگاه پیشانی و دو جبین را از رُستگاه نمونا اول یعنی مسح کند پس از آن بیا
دست چپ پشت دست راست را و باطن دست راست پشت
دست چپ را از بند دستها تا سر انگشتان مسح کند و برای غسل دوباره
بضربت دیگر پشت دستها را مسح کند و نیز برای وضوء هم دو ضربت
وارد است و مستحب است که چون دستها را بر زمین زند قبل از مسح
تکان داده آنها را بهم زند. نیت و قصد قربت و شرایط و نواقضیکه
در وضوء گفته شده در تیمم جاریست و از جمله نواقض تیمم رسیدن
آب و یا رفع مانع است.

در لباس نمازگذار

واجبست بدن و لباس نمازگذار طاهر باشد و اگر مرد باشد
عورتین خود را بپوشانند و پوشانیدن از ناف تا ساق ترك نشود.
و بر زن واجبست پوشانیدن تمام بدن مگر چهره و کف دستها
و قدیم و بهتر است پوشانیدن قدیم اگر ممکن شود و شرط است

در لباس نمازگذار اگر مرد باشد آنکه حریر خالص نباشد طلا و زر باف
نباشد. و برای نمازگذار چه مرد باشد یا زن باید لباس غصبی و یا
جزء حرام گوشت نباشد. میتة یعنی مردار نباشد. مشتبه بنجس
نباشد و در صورتیکه سائر برای نمازگذار نباشد بانمودن نظر کننده ایستاده
نماز بخواند و الا نشسته بخواند و برای رکوع و سجود اشاره نماید.
و مستحب است آنکه نمازگذار برای نماز تخیل و زینت کند.

جای نمازگذار

جای نمازگذار باید مباح باشد یعنی غصبی نباشد و محل سجده
پاک باشد و جای نماز اگر نجس باشد و سرایت بدن و لباس نکند
باکی نیست. و مستحب است نماز در مسجد خوانده شود و برای زن در
خانه افضل است از مسجد و در بیت توی خانه افضل است از خانه
و در صورتیکه حضور او در مسجد منافی اخلاق و شریعت نباشد نماز در مسجد
برای او فضیلت دارد. و در موقع نماز خواندن باید فاصله بین مرد
و زن خواه محرم باشد یا نامحرم اقلاً ده ذراع باشد مگر آنکه زن
پشت سر مرد نماز خود را بخواند و هر که فاصله را ملاحظه نکند نماز هر کدام

که متأخر است باطل است.

احکام قبله

قبله در اسلام کعبه است که در مکه معظمه و در مسجد الحرام واقع گردیده و محل آن از عمق زمین تا آسمان به اندازه که بالا و یا پائین رود قبله است لذا نماز گذار چه در دریا یا صحرا یا در هوا یا جوف زمین و یا هر جا که باشد رو کعبه نماید توجّه بقبله است نمازش صحیح است. و واجبست توجّه بقبله در سه موقع اول برای نماز دوم توجّه دادن میت در موقع احتضار و خوابانیدن در قبر چنانیکه خواهد آمد سوم در موقع کشتن حیوان.

چیزهاییکه در نماز معفو است

خون کمتر از درهم اگر در لباس یا بدن نماز گذار باشد باکی نیست بشرط آنکه خون حیوان نجس العین مثل سگ و خوک و خون نفاس و حیض و استحاضه نباشد و اگر مبتلا بخون قروح مانند زخم و دهنبل و یا خون جروح مانند زخم چاقو و امثال آن گردد بودن آن در بدن و یا لباس نماز گذار ضرری ندارد و نمازش صحیح است.

نمازهای پنجگانه شبانه

روز و اوقات آن

اول. نماز صبح. و آن دو رکعت است و وقت آن از اول

طلوع صبح صادق است تا قبل از طلوع آفتاب

دوم. نماز ظهر است. و آن چهار رکعت است و وقت

آن از زوال ظهر است تا بمقدار چهار رکعت وقت بغروب مانده ولی

باندازه چهار رکعت از اول وقت مختص ظهر است

سوم. نماز عصر. و آن چهار رکعت است و وقت آن

گذشتن باندازه چهار رکعت از زوال ظهر است تا غروب آفتاب.

و چهار رکعت بغروب مانده وقت مختص عصر است و وقت قبل از آن مشرک

است بین ظهر و عصر

چهارم. نماز مغرب. و آن سه رکعت است و وقت آن

بعد از غروب آفتاب بگذشتن سرخی مشرقی که از بالای سر و بطرف

مغرب میگذرد و اندازه آن تقریباً دو آرد و دقیقه است، و باندازه

سه رکعت از ابتداء مغرب مختص نماز مغرب است انگاه وقت

نماز مغرب ممتد میشود تا نیمه شب.

پنجم. نماز عشاء. و آن چهار رکعت است و وقت آن بعد از نماز مغرب است تا بعد از نیمه شب و چون مقدار چهار رکعت که از آخر نیمه شب باقی مانده مختص نماز عشاء است.

یادآوری

تاخیر انداختن نماز را از اول وقت که فضیلت بسیار دارد و نماز و بی پروائی بشرع است. اخبار و احادیث معتبره در فضیلت خواندن نماز در اول وقت وارد گردیده پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده "أول الوقت رضوان الله و آخر الوقت غفران الله" (رضوان خوشنودی خدا و غفران گذشت بعد از گناه و تقصیر است) پس برادران و خواهران دینی را شایسته است که تا ممکن است خدا را خوشنود نموده نماز را در اول وقت بخوانند و اولاد را بر آن تربیت کنند.

نماز جمعه در اسلام

از جمله فریضهای اسلامی که وجوب آن مسلم است نماز جمعه است اگرچه در عصر غیبت نسبت بآن اختلاف شده است ولی

بسیاری از علمای متقدمین و متأخرین بر وجوب عینی آن چنانیکه در شریعت آمده است
 رفته اند رسول خدا صلی الله علیه و آله در خطبه خود فرمود و اعلموا ان الله فرض
 علیکم الجمعة الی یوم القیمة خداوند نماز جمعه را بر شما فرض نمود تا روز قیامت و فرمود
 من ترک ثلاث جمع متعمداً من غیر علة طبع الله علی قلبه بخاتم النفاق
 یعنی کسیکه سه جمعه را بدون سبب ترک کند خداوند دل او را بنفاق مهر خواهد نمود.
 و در ثواب نماز جمعه از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده
 است که فرمود در هر جمعه بر شما یک حج و یک عمره است پس حج آن
 روز رقتن نماز جمعه است و عمره آن روز انتظار نماز عصر است بعد از
 نماز جمعه. از امیر المؤمنین علیه السلام روایت شده که فرمود من
 ضامن شدم برای شش نفر که برخدا است از برای آنها بهشت یکی
 از آنها کسی است که برای نماز جمعه رود پس بمیرد برای او است
 بهشت. و از امام صادق روایت شده که فرمود نیست از قدمی
 که کوشش کند از برای نماز جمعه مگر آنکه خدا بدین او را بر آتش جهنم حرام
 گرداند. و روایات بسیاری در ثواب نماز جمعه و تأکید بجا آوردن
 آن وارد گردیده که گنجایش بیان آن نیست.

راستی اگر مسلمانان مخصوصاً شیعه امانت‌آینی عشریه بر این اجتماع
اسلامی و انجمنهای دینی، مفتگی در هر شهر قیام مینمودیم و پایند آوردن آن
میشدیم باین اندازه تنزل نمی نمودیم و از خود بی خبری گشتیم
کیفیت نماز جمعه و شرائط آن

در روز جمعه بجای نماز ظهر نماز جمعه خوانده میشود و در آن موقع باید
ترك معاملات و بیع و شر اگر در چنانیکه خداوند در قرآن پاک
سوره جمعه آیه ۹ بآن اشاره فرموده "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا
إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ
وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ" نماز جمعه باید
بجماعت آورده شود بکتر از پنج نفر با امام نمیشود پس لاقل چهار نفر
مأموم و یک نفر امام باید باشد و قبل از نماز باید خطیب ادا شود
و مستحب است که در موقع خطبه خطیب بر منبر یا عصا خطب را ادا کند
و باید وقت نمود وقت نماز جمعه نگذرد و الا جمعه ساقط میشود و دو
جمعه در یک شهر منعقد نمیکرد مگر بفواصل سیل
نماز جمعه بر زن و مسافرنیت و اگر حاضر شوند ثواب نماز

جمعه را خواهند برد بلکه مسافر ثواب صد نماز خواهد برد. و نیز نماز جمعه بر پیر
سالخورده، کور، لنگ، دیوانه، بیمار، بنده نیست. و بر کسی که شش
میل از جای انعقاد نماز دور است نماز جمعه نیست ولی اگر کمتر از شش
میل باشد باید حاضر شود.

نماز جمعه دو رکعت است مستحب است که در رکعت اول بعد از
حمد سوره جمعه و در رکعت دوم بعد از حمد سوره منافقون را بخواند و مستحب
است که قبل از رکوع رکعت اول قنوت بگیرد و در رکعت دوم چون سر
از رکوع بردارد قنوت دیگر را بجا آورد و نماز را تمام کند.

در اذان و اقامه

بدانکه مستحب است اذان برای آگاه نمودن وقت نماز که آنرا
اذان اعلام گویند و برای نمازهای پنجگانه شبانه روز. و اما در سایر
نمازهای واجبه مانند نماز عیدین و نماز میت و نماز آیات و غیره ۳ مرتبه
الصلوة گفتن کافیت و مستحب است که آرام در گوش راست
طفل تازه بدنیا آمده اذان گفتن و در گوش چپ وی اقامه گفتن.
و مستحب است که در نمازهای یومیّه قبل از نماز اذان و بعد از آن اقامه

طریق اقامه

اقامه مثل اذان است و لکن فرقی که دارد اینست که در اول عوض چهار مرتبه الله اکبر و دو مرتبه باید گفت و در آخر بعد از حی علی خیر العمل دو مرتبه قد قامت الصلوة و بعد از آن دو مرتبه الله اکبر و یک مرتبه لا اله الا الله بگوید اقامه تمام میشود. آنگاه نماز گذار نیت نموده داخل نماز میشود.

نیت و احکام آن

انسان با التفات هر کار را که میکند میداند چه میکند و برای چه میکند همان نیت اوست. پس در نماز و سایر عبادات نیت شرط است و در صورتیکه عبادت خواه نماز باشد یا غیر آن اگر بدون نیت آورده شود و یا آنکه در نیت ریا و خود نمائی و شهرت و فایده دنیائی و نمایش و امثال آن قصد شود عبادت باطل خواهد شد، بلکه در نیت عبادت خلوص و بندگی و قصد قربت شرط است و بدون آن عبادت صحیح نخواهد بود. و مراد از قصد قربت آنست که عمل را برای نزدیک شدن بر رحمت پروردگار و کسب رضا و خوشنودی او بجا آورد.

واجبات نماز

بدانکه واجبات نماز دوازده است

اول قیام . یعنی ایستادن برای نماز .

دوم تکبیرة الاحرام . یعنی الله اکبر گفتن بعد از نیت .

سوم قرائت . یعنی خواندن الحمد و یک سوره بعد از آن خواه .

قل هو الله احد باشد یا غیر آن .

چهارم رکوع . یعنی خم شدن و دستها را برزانو گذاردن و برای

زن بالای زانو گذاردن مستحب است .

پنجم بسجده رفتن یعنی پیشانی و دو کف دست و دو زانو و دو پشت

را روی زمین گذاردن .

ششم ذکر رکوع و سجود . یعنی گفتن سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ

و بِحَمْدِهِ در رکوع و گفتن سه مرتبه تَرک نشود . و در سجود گفتن سُبْحَانَ

رَبِّيَ الْأَعْلَى و بِحَمْدِهِ و آنرا نیز سه مرتبه گفتن ترک نشود .

و هرگاه نماز گذار سه مرتبه سُبْحَانَ اللَّهِ در رکوع و سجود بگوید کافی

است . و اما فرستادن صلوات در هر رکوع و سجود مستحب است .

هفتم خواندن تسبیحات اربعه در رکعت سوم و چهارم سه مرتبه و یا
عوض آن سوره الحمد بخواند.

هشتم تشهد

نهم سلام

دهم طأینة. یعنی بآرام نماز و اجزاء آنرا بجا آوردن.

یازدهم ترقیب. یعنی اجزاء نماز را یکی پس از دیگری بجا آوردن.

دوازدهم موالات. یعنی اجزاء نماز را پی در پی بجا آوردن و انیک

تفصیل نماز و صورت آن برای نمازگذار بیان میشود

رکن نماز

بدانکه ارکان نماز چیز است که بر یادتی یا یکی آن عمدا و یا سهوا نماز باطل

میشود. و آن تکبیرة الاحرام و قیام متصل برکوع. و رکوع و دو سجده از
یک رکعت است.

چیز هائیکه بر آن سجده جایز است

سجده باید بر زمین پاک یا آنچه از زمین است واقع شود بشرط آنکه معذنی

نباشد مانند نقره و طلا و فیروزه و امثال آن و پنجه نباشد چون سفال

و آجر و جایز است سجده نمودن بر آنچه از زمین روئیده بشرط آنکه خوردنی
و پوشیدنی مانند پنبه و کتان نباشد و جایز نیست بر برف و حریر و پشم
و سایر اجزاء حیوان.

و بهترین جای سجده که فضیلت بسیار دارد سجده بر تربت حضرت
سید الشهداء علیه السلام است.

شکایات نماز و اقسام آن

بدانکه نمازگذار چون مشغول بندگی است با تمام توجه نماز خود را به پایان
میرساند و تا ممکن است خود را از شك و سهو نگاه میدارد ولی چون گرفتار
شك و سهو شدن امر طبیعی است گاهی بی اختیار نمازگذار گرفتار شك
میشود و بسبب شك در میان نماز یا بعد از آن مرؤوس نماز خود میگردد و ازین
جهت است که برای شك کنندگان احکامی مقرر گردیده تا که نمازگذار
بسبب آن بتواند بتکلیف خود برسد.

و تمام اقسام شکایات را در بیت و یک شك معین نموده اند
پنج قسم آن اعتبار ندارد یعنی شك کنندگان اعتنا بشك خود نکنند
و نمازش صحیح است.

و هشت قسم آن باطل است یعنی نماز شك کننده در این هشت
موقع باطل و باید آنرا بهم زدند.

و هشت قسم آن صحیح است یعنی اگر کسی در این هشت موقع
شك کند با علاج نمازش صحیح است.

اما آن پنج قسم که اعتبار ندارد - اول - شك بعد از سلام
است که اعتنا نباید نمود و نمازش صحیح است مگر آنکه بسبب شك یقین
کند که رکعتهای نماز کم و زیاد گردیده مثل آنکه پس از فراغت از نماز چهار
رکعتی شك کند بین سه و پنج یعنی یقین کند که نماز وی سه رکعت و یا
پنج رکعت بوده در این صورت باید نماز را از سر گیرد.

دوم - شك بعد از محل یعنی اگر کسی شك در قسمتی از قسمتهای نماز
کند که محلتش گذشته است نمازش صحیح است.

سوم - شك بعد از وقت - پس بعد از گذشتن وقت نماز اگر
کسی شك در نماز خود کند اعتنا نکند نمازش صحیح است.

چهارم - شك کثیر الشك - یعنی کسیکه در نماز شك بسیار
میکند اعتنایی بشك خود نکند و نماز خود را به پایان رساند.

پنجم شك امام و مأموم با حفظ و گری . یعنی در نماز جماعت اگر امام شك کرد و مأموم در نظر دارد باید اعتنا بشك خود نکند و پیروی مأموم کند و اگر مأموم شك کند و امام در نظر دارد باید مأموم اعتنا بشك خود نکند و پیروی امام را نماید .

و اما آن هشت شك که باطل است . اول شك در نماز دور کعتی مثل نماز صبح و نماز جمعه و نماز هائی که در سفر دو رکعت میشود .
دوم :- شك در نماز سه رکعتی مثل نماز مغرب
سوم :- شك در نماز چهار رکعتی که پای یک در میان باشد یعنی نماز گذار شك کند که یک رکعت خوانده یا زیاده تر .
چهارم :- شك در نماز چهار رکعتی که پای دو در میان باشد انهم قبل از اکمال سجدتین .

پنجم :- شك در میان دو و پنج .
ششم :- شك در میان دو و شش .
هفتم :- شك در میان سه و شش .
هشتم :- شك در عدد رکعات یعنی نداند که چند رکعت خوانده .

و اما آن هشت شک که صحیح است و تمامی آن در نماز چهار رکعتی است
 اول :- شک در میان دو رکعت بعد از اكمال سجدتین یعنی بعد از تمام
 شدن دو سجده نماز گذار شک کند که آیا دو رکعت یا سه رکعت نماز خوانده
 پس بنا بر این گذارد و رکعت چهارم را بجا آورد و بعد از نماز یک
 رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت نشسته بخواند .

دوم :- شک میان دو رکعت و چهار است بعد از اكمال
 سجدتین پس بنا بر چهار گذارد و نماز را تمام کند انگاه دو رکعت نماز
 ایستاده و دو رکعت نشسته بخواند .

سوم :- شک میان دو و چهار است بعد از اكمال سجدتین
 بنا بر چهار گذارده نماز را تمام کند و بعد از نماز دو رکعت نماز ایستاده
 بجا آورد .

چهارم :- شک میان سه و چهار است در هر حال که باشد بنا بر
 بر چهار گذارده نماز را تمام کند و بعد از نماز یک رکعت ایستاده یا دو
 رکعت نشسته بجا آورد .

پنجم :- شک میان چهار و پنج است بعد از اكمال سجدتین بنا بر

بر چهار گذارد و نماز را تمام نموده دو سجده سهو واجب بجا آورد. و اگر این
شک در حال قیام باشد بنشینند و بنا بر چهار گذارد و نماز را تمام نمود
یک رکعت نماز ایستاده یا دو رکعت نشسته بجا آورد.

هشتم - شک در میان سه و پنج در حال قیام یعنی نماز
گذار شک کند که آیا سه رکعت خوانده یا پنج رکعت در این حال بنشینند
بنا بر چهار بگذارد و نماز را تمام کند و دو رکعت نماز ایستاده بجا آورد.
نهم - شک میان سه و چهار و پنج است در حال قیام پس
بنشینند و بنا بر چهار گذارد و نماز را تمام نموده دو رکعت ایستاده و دو
رکعت نشسته بجا آورد.

هشتم - شک میان پنج و شش است در حال قیام پس
بنشینند و بنا بر چهار گذارد و نماز را تمام کند و بعد از آن دو سجده سهو بجا
بیاورد و در غیر این هشت صورت

شک در هر جا واقع شود نماز باطل است. و باید چون شک
عارض نماز گذار شود قدری فکر کند تا یادش آید. و اگر فکرش بجائی
نرسید عمل با حکام شک کند چنانکه بیان شد.

کیفیت نماز احتیاط

در نماز احتیاط سوره نیست قنوت نیست اذان و اقامه ندارد
و طریقه اش اینست که بعد از نماز قبل از آنکه روزه بگیرد و یا حرنی
بگوید خواه نمازش شسته باشد یا ایستاده تکبیرة الاحرام بگوید حمد
را آهسته بخواند رکوع و سجود را بجا آورده تشهد و سلام بگوید - و هرگاه
یکی ازین دو سلام یعنی السَّلامُ عَلَیْنا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِیْنَ
و یا السَّلامُ عَلَیْکُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَکاتُهُ را بگوید کفایتست .

جا بایشیکه سجده سهو واجب می شود

بدانکه در پنج موقع است که بعد از نماز سجده سهو واجب میشود .
اول - فراموشش کردن یک سجده از یک رکعت پس باید
نماز گذار بعد از نماز یک سجده فراموش شده را بجا آورد و دو سجده سهو
نیز بنماید .

دوم - فراموشش کردن تشهد . پس یک تشهد یا اجزاء آنرا
فراموش کند بعد از نماز باید آنرا بجا آورد و نگاه دو سجده سهو نیز بنماید .
سوم - شک میان چهار و پنج بعد از اكمال سجده تین چنانیکه گفته

شد باید بعد از نماز دو سجده سهو بجا آورد.

چهارم - گفتن سلام در غیر محلش.

پنجم - کلام بیجا یعنی سهوا در نماز تکلم کند و چیزی خارج از نماز بگوید.

و یا چیزی از قسمتهای نماز را که غیر از رکن نماز است کم یا زیاد نماید باید دو

سجده سهو بعد از نماز بجا آورد.

طریق سجده سهو

نماز گذار چون خواهد سجده سهو بجا آورد همان قسمیکه بعد از تمام شدن نماز

نشسته است نیت سجده سهو را برای چیزی که فراموشش یا کم و زیاد نموده

بجا آورد انگاه بگیر بگوید و دو بار سجده رود و در سجده بگوید بِسْمِ اللَّهِ

و بِاللَّهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ و پس از سر برداشتن

از سجده دوم تشهد و سلام بگوید و تشهد چنین بگوید أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ

إِلَّا اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

وَآلِ مُحَمَّدٍ. انگاه بکلی از دو سلام که در نماز احتیاط گفته شد اکتفا

کند و بهتر آوردن هر دو سلام است.

سجدهای واجب قرآنی

در قرآن مجید چهار آیه است که بخواندن و یا شنیدن آن سجده واجب

می شود.

اول آیه پانزدهم از سوره سجده. دوم آیه سی و هفتم از سوره
حم سجده (فصلت). سوم آیه شصت و دو از سوره النجم. چهارم
آیه نوزدهم از سوره علق.

در وقت سجده بانیست پیشانی را بر زمین گذارد و ذکر و قبله شرط نیست
اگرچه مستحب است که چون بسجده رود بخواند لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقًّا
حَقًّا. لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِيْمَانًا وَتَصَدِيقًا. لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ
عِبَادِيَّةً وَرِقًّا سَجَدْتُ لَكَ يَا رَبِّ تَعَبُّدًا وَرِقًّا لَا
مُسْتَنْكِفًا وَلَا مُسْتَكْبِرًا بَلْ أَنَا عَبْدٌ ذَلِيلٌ خَائِفٌ
مُسْتَجِيرٌ چون سر بلند کند الله أكبر بگوید.

مبطلات نماز

آنچه که وضو را باطل کند نماز را نیز باطل میکند و بعلاوه دوازده چیز
دیگر است که نماز را باطل میکند.

اول و دوم :- خوردن و آشامیدن . نهم :- حرف زدن .
 چهارم :- روزه قبله برگردانیدن . پنجم :- دست روی دست
 گذاردن . ششم :- تمهید نمودن . هفتم :- گریه کردن . هشتم :-
 کاری کند که صورت نماز را بهم زند مانند بستن و غیره . نهم :- بفعل کثیر
 مشغول شود . دهم :- کم و زیاد کردن جزئی از اجزاء نماز را عمداً .
 یازدهم :- آئین گفتن بعد از سوره حمد . دوازدهم :- شکست نمودن در
 عدد رکعات نماز دو رکعتی و سه رکعتی و چهار رکعتی که پای دو در میان باشد
 قبل از اكمال سجده تین . و باید دانست جواب سلام داوود بر نمازگذا
 چنانکه در احکام سلام بیان میشود واجب است .

احکام سلام

افتاء سلام در عالم مستحبت است و جواب سلام واجب
 است . سلام بهترین چیز است برای تولید علاقه و دوستی و دور
 شدن نفرت و برطرف گردیدن اختلاف و نزدیک شدن مردم بیکدیگر و
 سلام از مشروعات مؤکد است .

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود قسم بانکه سیکه جانم در دست

قدرت اوست داخل بهشت نمیشوید مگر آنکه ایمان آورید و ایمان آورنده
 نیستید مگر آنکه محبت نسبت بیکدیگر نمائید میخواهید شمار را همنانی کنم
 بخیر که اگر آنرا بجا آورید محبت در میان شما پیدا خواهد شد سلام را بمن خود
 نشر دهید و باز آنحضرت فرمود برای سلام کننده یک ثواب و جواب
 دهنده را نود و نه ^{۹۹} اجر است. و از برای سلام چهار صیغه است سلام
 عليك، سلام عليكم، السلام عليك، السلام عليكم.
 و در جواب هر کدام و یا بعليكم السلام و رحمة الله و بركاته
 شود صحیح است. ولی برای نماز گذار است که جواب را مطابق گفته سلام
 کننده چنانیکه بیان شد بگوید گفتن عليكم السلام برای او سبب
 بطلان نماز میشود و اگر کسی سلام بر جماعتی کند یکی جوابش از همه کافیت

مستحبات نماز

ناممکن است برای نماز گذار اکتفا بواجبات نماز نکند بلکه علاوه بر آن
 مستحبات و آداب نماز را بجا آورد. با حال خوش و حضور قلب همیای
 نماز شود کسالت و سستی را از خود دور کند. با خضوع و خشوع مقابل
 قبله راست ایستاده همیای نماز شود. پس از نیت هفت تکبیر

افتتاحتیه را که یکی از آنها تکبیره الاحرام و واجب است بگوید. و بهتر
 آنست که تکبیر هفتمین را تکبیره الاحرام قرار دهد و دعای ای وارده بین آنرا
 بخواند و چون شروع بر تکبیر کند دستها را بلند نموده بقسمیکه کف دستها
 مقابل قبله بانگشتان منضم گمانگشت بزرگ واقع شود و بر سینه
 مقابل گوشش تکبیر تمام شود. نگاه دستها را روی ران مقابل زانو
 گذارد و پاها را قسمی گذارد که انگشتان مقابل قبله واقع شود و بین آنها
 یک و جب فاصله واقع شود و سنگینی بدن را بر هر دو پا قرار دهد و برای
 زن مستحب است که پاها را جفت نموده و دستها را روی پستانهای
 خود نهد. و با جمع بودن حواس نماز گذار مشغول نماز شود و نظر خود را بسجده
 توجه دهد و از نظر نمودن باطراف بهر پرهیزد.

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود ایامیست که کسی که التفات
 باطراف کند آنکه روی او را خدا بر گرداند و چون صورت چهار (خ) گرداند.
 سنت است که پس از داخل شدن در نماز قبل از قرائت آیه بگوید
 اَعُوْذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيْمِ - نگاه بسم الله را بجهت خواندن
 مشغول قرائت گردد و در آن موقع چانه را بطرف سینه برد و برای زن

مستحب است که در نمازهای جهریه بسم الله را آهسته بگوید و چون مشغول
 قرائت شود متوجه معانی آن گردیده و با کمال فصاحت و بلاغت قرائت
 نماید و چون از حمد فارغ شود لمحۃ سکوت و تنفسی نموده پس از آن مشغول
 سوره گردد و بعد از تمام شدن سوره تکبیر بگوید پس بر کوع رود و در هر
 تکبیر باید دستها را چنانیکه بیان شد تا مقابل گوش بلند کند و در رکوع
 دست راست را با انگشتان باز روی زانو راست و دست چپ را
 با انگشتان باز روی زانوی چپ بقبسی گذارد که دوارنج از پهلوها دور
 باشد و زانورا بعقب نموده و کمر را بطوری خم کند که مستقیم باشد و گردن
 کشیده شود و نظر بمیان دو قدم نماید و زن دستها را بران بالای زانو
 گذارد پس با کمال توجه بعظمت و جلال پروردگار مشغول ذکر گردد
 و تا ممکن است ذکر را تکرار کند و ذکر کبیر افضل است. ذکر راست یا پنج
 یا هفت بار یا بیشتر تکرار کند و البته از سه ذکر کمتر بگوید بهتر است
 و دعای وارده در رکوع را بگوید و مستحب است که در جماعت امام ذکر را
 بقبسی بخواند که ناموم بشنود و ناموم آهسته بخواند. و منفرود تابع قرائت
 اوست. پس از آن بآرامی سر از رکوع بلند نموده راست بایستد

و بگوید سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ - امام با و از و ما موم آهسته و منفرد می
است نگاه با کمال اطمینان اللَّهُ أَكْبَرُ گفته بطرف سجود سر از بر شود
و دستها را اول بر زمین رساند پس از آن دوزانو را گذارده بسجده رود
و سنگینی خود را بر تمامی اعضاء بهفتگانه مساوی نهد و افضل آنست که بر
ترتبت مقدس حضرت امام حسین علیه السلام سجده نماید و مستحب است
در حال سجود اعضاء و نیز دوزانو از هم باز باشد و نظر بطرف بینی کند و دستها
را با کف باز مقابل قبله با انگشتان متصل حتی ابهام محاذی گوشها بر زمین گذارد
و ذکر سجود را مکرر کند از است که کمتر بخواند پنج و هفت یا بیشتر خواندن مستحب
است نگاه سر بلند نموده بنشیند پس دستها را بلند نموده اللَّهُ أَكْبَرُ
بگوید و دستها را بردوزانو با انگشتان جمع گذارد و اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ
رَبِّي و اَتُوبُ إِلَيْهِ بگوید - و در آن حال نظر بطرف دامن باشد تکبیر
گفته بسجده دوم رود و مستحب است که در موقع نشستن خواه بعد از سجده
و یا موقع تشهد و سلام بطور تورك نشیند باین قسم که ران چپ را بر
زمین گذارده و پشت پای راست در باطن پای چپ نهد و سجده دوم
را مثل سجده اول بجا آورد - چون سر از سجده دوم بردارد شسته تکبیر

گفته و برخیزد و این نشستن را جلئه استراحت گویند و در موقع برخاستن دستهارا با انگشتان باز روی زمین گذارده نشسته نگاه را قبلاً بلند نموده و برخیزد و در آن حال بگوید بِحَوْلِ اللَّهِ وَقُوَّتِهِ أَقُومُ وَأَقْعُدُ - و زن چون از قیام بسجود رود مستحب است که راست بنشیند و بسجده رود و در سجده خود را جمع نموده و دستهارا پهن روی زمین گذارد و در موقع بلند شدن برای قیام بدون دست گذاردن بر زمین راست قیام نماید.

و از جلئه مستحبات نماز قنوت است و جای قنوت در رکعت دوم قبل از رکوع است پس چون نماز گذار از سوره فارغ شود با اطمینان تکبیر بگوید و دستهارا مقابل صورت تقسمی گیرد که با کف باز جفت رو با آسمان و انگشتان گمراهام بهم متصل باشد و نظر بر میان دست نموده مشغول دعا شود و در قنوت نماز مستحبی بغیر عربی نیز دعا میتوان خواند و مستحب است که قنوت را طول دهد و خواندن کلمات فرج در قنوت مستحب است و بیک صلوات نیز اکتفا میتوان کرد و این دعا را که از حضرت صادق روایت شده بخواند اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَعَافِنَا وَاعْفُ عَنَّا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

و گفتن صلوات قبل و بعد از دعاء موجب قبولی دعا است ان شاء الله تعالی
 و چون از دعای قنوت فارغ شود تکبیر گوید و بر کمر رود و هرگاه قنوت فراموش
 شود بعد از سر برداشتن از رکوع انرا میتواند بیاورد - و چون سلام دهد
 قصد خروج از نماز کند و مستحب است که در موقع سلام خود و انبیاء و ائمه
 و ملائکه و مؤمنین را قصد کند - و امام در سلام مأموین و مأموین امام را در
 نظر داشته باشد. و مستحب است که نمازگذار اگر منفرد باشد چون
 سلام دهد بگوشه چشم اشاره بطرف راست کند و در جماعت مستحب
 است یک سلام بطرف راست و سلام دیگر را بطرف چپ نماید اگر
 کسی باشد و امام بهمان حال سلام نماید و پس از فراغت از نماز مستحب است
 که مشغول تعقیب شود و ابتداء گفتن شمه مرتبه الله اکبر کند

صورت نماز و ترجمه آن

بدانکه تفصیل صورت نماز چهار رکعتی از اقامه تا سلام بطور مشروح

از این قرار است

اولاً. نمازگذار برای نماز بر میخیزد و مقابل قبله ایستاده اذان و اقامه

را چنانکه صورت هر دو بیان شد می گوید و اقامه را باین قسم شروع میکند

اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا

خدا بزرگتر است خدا بزرگتر است گواهی میدهم اینکه نیست خدائی مگر

اللَّهُ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ أَشْهَدُ

الله گواهی میدهم اینکه نیست خدائی مگر الله گواهی میدهم

أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا

اینکه محمد فرستاده خدا است گواهی میدهم اینکه محمد

رَسُولُ اللَّهِ أَشْهَدُ أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ

فرستاده خدا است گواهی میدهم اینکه امیر مؤمنان

عَلِيًّا وَلِيُّ اللَّهِ أَشْهَدُ أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ

علی ولی خدا است گواهی میدهم اینکه امیر مؤمنان

عَلِيًّا وَلِيُّ اللَّهِ حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ حَيَّ عَلَى

علی ولی خدا است بشتاب برای نماز بشتاب برای

الصَّلَاةِ حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ

نماز بشتاب برای رستگاری بشتاب برای رستگاری

حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ

بشتاب برای بهترین عمل بشتاب برای بهترین عمل

قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ

بتحقیق برپا شد نماز بتحقیق برپا شد نماز

اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

خدا بزرگتر است خدا بزرگتر است نیست خدائی مگر الله

انگاه چنین نیت کند که چهار رکعت نماز ظهر (مثلاً) بجا میآوردم قُرْبَةً إِلَى اللَّهِ
انگاه دستها را بلند نموده و بگوید

اللَّهُ أَكْبَرُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خدا بزرگتر است بسم خدای بخشننده مهربان

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تمام تعریف برای خدا پروردگار جهانیان بخشننده مهربان

مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ

خداوند روز جزاء تو را می پرستیم و از تو

نَسْتَعِينُ اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ

یارى میجوئیم هدایت کن مارا راه راست

صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ

راه آنانکه انعام کردی برایشان نه غضب شده

عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

برایشان و نه گمرازان بسم خدای بخشننده مهربان

قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ اللَّهُ الصَّمَدُ لَمْ يَلِدْ

بگو ای محمد اوست خدای یگانه خدای بی نیاز تراوده

وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ پس دستها

و نه زائیده شده و نیست او را همتا کسی

را بلند نموده و بگو اَللّٰهُ اَكْبَرُ و برکوع برو و دستها را روی

خدا بزرگتر است

زانو بگذار و بگو سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ

پاک است پروردگار بزرگ من و ستایش میکنم او را

پس بایست و بگو سَمِعَ اللّٰهُ لِمَنْ حَمِدَهُ

شنید خداوند کسی را که ستایش کرد او را

آنگاه دستها را بلند نموده و بگو اَللّٰهُ اَكْبَرُ آنوقت بسجده برو

خدا بزرگتر است

و بگو سُبْحَانَ رَبِّيَ الْاَعْلٰی وَبِحَمْدِهِ

پاک است پروردگار من که بالاتر از همه میباشد و ستایش میکنم او را

پس بنشین و بگو اَللّٰهُ اَكْبَرُ اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ

خدا بزرگتر است طلب آمرزش میکنم از خدا

رَبِّيْ وَاَتُوْبُ اِلَيْهِ آنگاه بگو اَللّٰهُ اَكْبَرُ

که پروردگار من است و رجوع میکنم بسوی او خدا بزرگتر است

و بار دیگر بسجده برو و بگو سُبْحَانَ رَبِّيَ الْاَعْلٰی

پاک است پروردگار من که بالاتر از همه میباشد

وَبِحَمْدِهِ پس نشین و بگو الله أكبر و بر خیز و در حال

وستایش میکنم او را خدا بزرگتر است

برخواستن بگو بحول الله وقوته اقوم واقعد

بقدرت خدا وقوت او برخیزم و بنشینم

پس از آن حمد و سوره قل هو الله یا سوره دیگر بخوان چون تمام

نمودی تکبیر بگو و دستها را برای قنوت بلند کن و پیش روی خود بسمی

بگیر که کف دست مقابل صورت رو با سمان واقع شود و بخوان

رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ

ای پروردگارا بده به ما در دنیا نیکی و در آخرت

حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ

نیکی و نگاه دار ما را از عذاب آتش (دوزخ) برحمت تو

يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ پس تکبیر گفته بر کوع برو و بگو

ای رحم کننده ترین رحم کنندگان

سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ پس سرا

پاک است پروردگار بزرگ من وستایش میکنم او را

بردار و راست بایست و بگو سَمِعَ اللهُ لِمَنْ حَمِدَهُ

شنید خدا کسی را که ستایش کرد او را

نگاه بگو الله اكبر پس برای سجده سر ازیر شو و سر بسجده بگذا

خدا بزرگتر است

وگو سبحان ربی الاعلی و بحمده پس سر را

پاک است پروردگار من که بالاتر از همه میباشد و ستایش میکنم او را

بردار و نشین وگو الله اكبر استغفر الله

خدا بزرگتر است طلب آمرزش میکنم از خدا

ربی و اتوب اليه پس بگو الله اكبر

که پروردگار من است و رجوع میکنم بسوی او خدا بزرگتر است

دوباره سر بسجده گذار وگو سبحان ربی الاعلی

پاک است پروردگار من که بالاتر از همه میباشد

و بحمده پس نشین وگو اشهد ان لا اله الا

و ستایش میکنم او را گواهی میدهم اینکه نیست خدائی مگر

الله وحده لا شريك له واشهد

خدای برحق در حالتیکه یکتا است و نیست شریکی از برای او و گواهی میدهم

ان محمدا عبده ورسوله اللهم صل

اینکه محمد بنده او و فرستاده اوست پروردگارا رحمت فرست

على محمد و آل محمد و تقبل شفاعته و ارفع

بر محمد و آل محمد و قبول فرما شفاعت او را و بلند نما

در جتّه پس بر خیز و در حال برخاستن بگو بِحَوْلِ اللَّهِ

مرتبه او را بقدرت خدا

وَقُوَّتِهِ أَقُومُ وَأَقْعُدُ پس بایست و سه مرتبه تسبیحات

و قوت او بر منجزیم و می نشینم

اربعه را بخوان سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا

پاک است خداوند و ستایش مخصوص خداست و نیست

إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ پس از آن تکبیر

خدائی سزاوارد برستش که خدای برحق بدستیکه خدا بزرگتر است

گفته بر کوع برو و در رکوع بگو سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ

پاک است پروردگار بزرگ من

وَبِحَمْدِهِ پس سر را بر وارد و بگو نَسْمِعُ اللَّهُ لِمَنْ

و ستایش میکنم او را شنید خدا کسی را

حَمْدَهُ اللَّهُ أَكْبَرُ نگاه بسجود رفت بگو سُبْحَانَ

که ستایش کرد او را خدا بزرگتر است پاک است

رَبِّيَ الْأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ پس نشین و تکبیر بگو

پروردگار من که بالاتر از همه میباشد و ستایش میکنم او را

پس بگو أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ

طلب آمرزش میکنم از خدا و توبه میکنم بسوی او

باز سجده برو و همان ذکر را تکرار کن و سر را بردار و تکبیر گفته برخیز و در حال

برخواستن بگو بحول الله وقوته اقوم واقعد و بایست

بقدرت خدا و قوت او برخیزم و می نشینم

و سه مرتبه همان تسبیحات اربعه را که در رکعت سوم خوانده شد بخوان

پس تکبیر گفته و برکوع برو و بگو سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ

پاک است پروردگار بزرگ من

و بحمده آنوقت سر را بردار و بایست بگو سَمِعَ اللهُ

و ستایش میکنم او را شنید خدا

لِمَنْ حَمْدُهُ اللهُ أَكْبَرُ و سجده رفته بگو سُبْحَانَ

کسی را که ستایش کرد او را خدا بزرگتر است پاک است

رَبِّيَ الْأَعْلَى و بحمده پس سر را بردار و بگو

پروردگار من که بالاتر از همه میباشد و ستایش میکنم او را

الله أَكْبَرُ أَسْتَغْفِرُ اللهَ رَبِّي وَأَتُوبُ

خدا بزرگتر است طلب آمرزش میکنم از خدائی که پروردگار من است و رجوع میکنم

إِلَيْهِ اللهُ أَكْبَرُ دوباره سر سجده گذارده و بگو سُبْحَانَ

پسوی او خدا بزرگتر است پاک است

رَبِّيَ الْأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ پس سر را بردارد و نشین

پرو و کار من که بالا تراز همه میباشد و ستایش میکنم او را

وَبِاسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ أَشْهَدُ أَنْ

بنام خدا و بذات پاک خدا و ستایش از برای خداست گواهی میدهم اینکه

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ

نیست خدائی مگر خدای معبود یکتا که نیست شریکی از برای او و گواهی میدهم

أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

که محمد من بنده او و فرستاده اوست پروردگار رحمت فرست بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ

محمد و آل محمد سلام بر تو ای پیغمبر

وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى

و رحمت خدا و برکت های او بر تو باد سلام بر ما و بر

عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ

بندگان خدا که شایسته اند سلام بر شما (باد)

وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ پس دست ها را سه مرتبه تا محاذی گوشها

و رحمت خدا و برکت های او

بلند کن و در هر مرتبه بگو اللَّهُ أَكْبَرُ

خدا بزرگتر است

تعقیبات نماز

مراد از تعقیب دعا نمودن بعد از نماز و آوردن تسبیح و اذکار است
که از معصومین صلوات الله علیهم اجمعین وارد گردیده و فائده آن عبادت
و بنده گی و خوشنودی خداوند بزرگوار شدن برحمت و اسعه وی و رسیدن
بخیر دنیا و آخرت است

تعقیب سبب دفع بلیات و برآورده شدن حاجات
و وسعت روزی و نجات از مقدرات بد است - دعا نمودن بعد از
نماز ای پنجگانه و آوردن اذکار و آورده خصوصاً بعد از نماز صبح و عصر
سبب کفایت مهمات است در کتاب و سائل الشیعه جلد
اول از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده که خدای عزوجل
میگوید - ای فرزند آدم مرا یاد کن ساعتی بعد از فجر و ساعتی بعد
از عصر کفایت مهمات تو را خواهد نمود - و نیز در آن کتاب است از
امام صادق ع که فرمود دعا مستجاب میشود در چهار موطن در وتر
و بعد از فجر - و بعد از ظهر - و بعد از مغرب - و در روایت دیگر فرمود
خدا فرض نمود بر شما نماز بارادر بهترین اوقات - پس بخواهید حاجتتان

خود را در عقب آن فرائض - و نیز در وسائل است که حضرت صادق
 از پدران خود از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت نموده که فرمود کسیکه
 نماز واجب را بجا آورد برای اوست نزد خدا دعای مستجابی - و در
 روایت سعد بن صدقه است از حضرت صادق ع که امام باقر علیه السلام
 فرمود مراد از فرمایش حق تعالی "فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ وَإِلَى
 رَبِّكَ فَارْغَبْ" (پس چون فارغ شوی پس رنج بکش و بسوی
 پروردگارت پس راغب شو) آنست که چون از نماز فارغ شوی در همان
 حال که نشسته مشغول دعا برای امر آخرت و دنیای خود باندازه شو که
 خسته شوی - و چون فارغ از دعا شدی رغبت نما بسوی خدای
 عز و جل تا که قبول نماید انرا از تو - بهر حال چون نماز گذار فارغ از نماز خود
 شود سه مرتبه الله اکبر بگوید و در هر مرتبه دستها را تا مقابل
 گوش بلند کند و بهمان هیئت که نشسته پیش از آنکه پای خود را ببرد
 سه مرتبه بگوید اَسْتَغْفِرُ اللهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ
 ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وَآتُوبُ إِلَيْهِ و مداومت بر آن بعد از هر
 نماز واجب سبب میشود که خدا او را حفظ کند از سوختن و خانه بر او خراب

شدن و غرق گردیدن. پس بخواند إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتُهُ يُصَلُّونَ
 عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا
 انگاه صلوات فرستاده مشغول تسبیح حضرت فاطمه زهراء صلوات الله
 علیها میشود و طریق آن گفتن سی و چهار مرتبه الله اکبر و سی و سه
 مرتبه الحمد لله و سی و سه مرتبه سبحان الله است و البته اگر
 تسبیح که بآن می تریبت حضرت سید الشهداء ع باشد افضل
 خواهد بود و از روایات معلوم میشود که تسبیح خود حضرت زهراء ع
 از ریمان پشی بود که بشماره تکبیرات گره بران زده شده بود پس از
 شهادت حضرت حمزه جانش از تربت وی تسبیح مهیا نمود و مردم
 متابعت نمود و تسبیح ساختند و بعد از شهادت حضرت سید الشهداء
 امام حسین ع از خاک تربت آنحضرت بجهت فضل و برتری آن تسبیح
 مهیا گردید. امام صادق ع فرمود "السبحة التي من طين
 قبر الحسين تسبيح بيد الرجل من غير ان يسبح" و در
 وسائل است که آنحضرت فرمود کردانیدن یک مرتبه تسبیح که از تربت
 حسین علیه السلام است باستغفار و یا غیر آن خدا برای او مینویسد

هفتاد برابر آنرا . و اثر سجده بر تربیت آنحضرت مشکافه حجابات هفتگانه
 را - بهر حال تسبیح حضرت زهراء بعد از هر نماز موجب فضیلت بسیار
 است - در وسائل از امام صادق ع روایت شده که فرمود تسبیح
 فاطمه علیها السلام هر روز عقب هر نماز بهتر است نزد من از آوردن
 روزی هزار رکعت نماز - و نیز در آن کتاب است که بابی هر روز یکی
 فرمود که ما امر میکنیم که دوکان خود را تسبیح فاطمه علیها السلام چنانکه امر
 میکنیم ایشانرا بنماز - پس مداومت کن بر آن چه نیست بنده که
 مداومت بر آن کند آنکه شقی و بدبخت شود - و در روایات معتبره
 است که ذکر کثیر " یعنی یاد بسیاری " که از حق جل و علا آمده همین
 تسبیح است پس هر کس بعد از نماز مداومت باین تسبیح کند خدا را
 بسیار یاد کرده و بایه کریمه "سوره جمعه" و اذکر و الله کثیراً
 لَعَلَّكُمْ تَفْلِحُونَ" (یعنی خدا را بسیار یاد کنید شاید رستگار
 شوید) عمل نموده .

و از جمله تعقیبات دعای شیهه ندلی است که خدمت پیغمبر اکرم
 صلی الله علیه و آله آمد و گفت یا رسول الله پیر شده ام و قوه ام

و فانی کنند که بیاورم اعمالی را که قبل بر این میاوردم از نماز، روزه، حج
و جهاد. پس تعلیم کن کلامی را که خدا مرا بان نفع بخشد و بر من سبک
و آسان باشد حضرت فرمود هرگاه از نماز صبح فارغ شوی ده مرتبه
گو سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ
إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ تا اینکه خدا تو را عافیت بخشد از برکت
آن از گوری و دیوانگی و خوره و پستی و پریشانی و خوف شدن شبیه
گفت یا رسول الله این برای دنیای من است برای آخرت من
چیزی بفرما حضرت فرمود که میخوانی بعد از هر نماز اللَّهُمَّ اهْدِنِي
مِنْ عِنْدِكَ وَأَقِضْ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ وَأَنْشُرْ عَلَيَّ مِنْ
رَحْمَتِكَ وَأَنْزِلْ عَلَيَّ مِنْ بَرَكَاتِكَ

از امام صادق ع وارد شده که فرمود کسی که این دعا را بعد از
هر نماز واجب بخواند خدا حفظ میکند او را و خانه و مال و اولاد او را.
أَجِيرُ نَفْسِي وَمَالِي وَوَلَدِي وَأَهْلِي وَدَارِي وَكُلَّ
مَا هُوَ مِنِّي بِاللَّهِ الْوَاحِدِ الْأَحَدِ الْقَمَدِ الَّذِي لَمْ يَلِدْ
وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ وَأَجِيرُ نَفْسِي وَمَالِي

وَلَدِي وَكُلُّ مَا هُوَ مِنِّي بِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ
وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ
وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ وَبِرَبِّ النَّاسِ مَلِكِ النَّاسِ
إِلَهِ النَّاسِ مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ الَّذِي يُوَسْوِسُ
فِي صُدُورِ النَّاسِ مِنَ الْخَنَّاسِ وَالنَّاسِ . انگاه
آیه الکرسی را تا آخر بخواند

و برای کامل شدن ایمان بعد از هر نماز واجب خواندن این
تغییب وارد گردیده رَضِيتُ بِاللّهِ رَبًّا وَبِ مُحَمَّدٍ نَبِيًّا
وَبِ الْإِسْلَامِ دِينًا وَبِ الْقُرْآنِ كِتَابًا وَبِ الْكَعْبَةِ قِبْلَةً
وَبِعَلِيٍّ وَلِيًّا وَبِ أَمَامًا وَبِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَعَلِيٍّ
بْنِ الْحُسَيْنِ وَ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ وَ جَعْفَرٍ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ مُوسَى
بْنِ جَعْفَرٍ وَ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى وَ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ وَ عَلِيٍّ
بْنِ مُحَمَّدٍ وَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَ الْحُجَّةَ بْنِ الْحَسَنِ صَلَوَاتُ
اللّهِ عَلَيْهِمْ أَئِمَّةً اللَّهُمَّ إِنِّي رَضِيتُ بِهِمْ أَئِمَّةً
فَارْضِنِي لَهُمْ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

رسول اکرم صلی الله علیه و آله تعلیم داد اصحاب خود را که بعد از
 هر نماز واجب سی نوبت بخواند سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ
 وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ که در اثر آن رفع می شود از
 انسان بلای خانه فرو شدن . و غرق گردیدن . و سوختن . و در چاه افتادن
 و ضرر درندگان و از مگرهای بد و ناگهانی و هر بلائیکه در آن روز از آسمان
 فرود آید انگاه فرمود اینها بندگان صالحاتی که حق تعالی در قرآن
 از آن یاد نموده و فرموده "الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ
 الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا
 وَخَيْرٌ أَمَلًا" یعنی مال و فرزندان آرایش زندگانی دنیا است
 و کردارهای نیک که اثر آن باقی میماند بهتر است نزد پروردگار تو از جهت
 ثواب و بهتر است از جهت آرزو (سوره کهف آیه ۴۴) و از حضرت
 صادق ع روایت شده که حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله
 در فتح مکه نزد حجر الاسود نماز ظهر را با اصحاب گذارد و چون سلام داد
 سه مرتبه تکبیر گفت و در هر نوبت دست برداشت و گفت لَا إِلَهَ
 إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ وَأَنْجَزَ وَعْدَهُ وَنَصَرَ عَبْدَهُ

وَأَعَزُّ جُنْدَهُ وَغَلَبَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ فَلَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ
الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ پس بعد
بجانب اصحاب نمود فرمود ترک کنید این تکبیر و این دعا را بعد از هر
نماز فرماید - زیرا که هر که چنین کند ادا کرده است شکر نعمت خدا را بر
تقویت اسلام و شکر اسلام - و بخوان سه مرتبه دعای را که جبرئیل
امین حضرت یوسف را در زندان تعلیم نمود موجب گشایش و نجات
و فرج است اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ
لِي مِنْ أَمْرِي فَرَجًا وَمَخْرَجًا وَارْزُقْنِي مِنْ حَيْثُ أَحْتَسِبُ
وَمِنْ حَيْثُ لَا أَحْتَسِبُ - و از جمله دعاهای که از کتب معتبره نقل
شده و در رساله الباقیات الصالحات از سید بن طاووس روایت
است دعای است که از جمیل بن دراج روایت شده مردی خدمت
امام صادق ع عرض کرد که سق من بالارفة و خویشا نام مرده اند
و منسی ندارم میترسم که مرگ مرا در یابد حضرت فرمود که برادران مؤمن
صلح برای انس گرفتن بهتر اند از اقارب و اگر درازی عمر خود و خویشا
و دوستان را خواهی این دعا را بعد از هر نماز بخوان اللَّهُمَّ صَلِّ

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اللَّهُمَّ إِنَّ رَسُولَكَ الصَّادِقَ الْمُصَدَّقَ
 صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ إِنَّكَ قُلْتَ مَا تَرُدُّونَ فِي
 شَيْءٍ أَنَا فَأَعِلهُ كَتَرَدُّدِي فِي قَبْضِ رُوحِ عَبْدِي الْمُؤْمِنِ
 فِي يَكْرَهُ الْمَوْتِ وَأَكْرَهُ مَسَائِتَهُ اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى
 مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ لَوْلِيَّتِكَ الْفَرَجَ وَالْعَافِيَةَ
 وَالنَّصْرَ وَلَا تَسُوْنِي فِي نَفْسِي وَلَا فِي أَحَدٍ مِنْ أَجْبَتِي .

و اگر خواهی یک یک از دوستان خود را نام بر - راوی گوید چون برای
 دعا مداومت کردم چندان عمر یافتم که از زندگانی ملول شده ام .

و از برای جمع خیر دنیا و آخرت چنانکه در روایت معتبره از حضرت
 امام علی النقی ع وارد شده بعد از هر نماز بخوان . اَعُوْذُ بِوَجْهِكَ
 الْكَرِيمِ وَعِزَّتِكَ الَّتِي لَا شَرَامَ وَقُدْرَتِكَ الَّتِي لَا يَمْتَنِعُ
 مِنْهَا شَيْءٌ مِنْ شَرِّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنْ شَرِّ الْاَوْجَاعِ كُلِّهَا
 از امام محمد باقر و امام جعفر الصادق علیهما السلام روایت شده که
 بعد از نماز واجب این دعا را بخوان اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ
 كُلِّ خَيْرٍ أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ وَأَعُوْذُ بِكَ مِنْ كُلِّ شَرٍّ أَحَاطَ

بِهِ عِلْمُكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ عَافِيَتَكَ فِي أُمُورِي كُلِّهَا
 وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ خِزْيِ الدُّنْيَا وَعَذَابِ الْآخِرَةِ - و نیز
 سنت است که چون از نماز فارغ شوی بگو اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى
 مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي مِنَ النَّارِ وَأَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ
 وَزَوِّجْنِي الْحُورِ الْعِينِ . و دیگر دعائست در مفاتیح که پیغمبر
 اکرم صلی الله علیه و آله با میرالمومنین ع تعلیم فرمود برای حافظه که بعد
 از هر نماز خوانده شود سُبْحَانَ مَنْ لَا يَعْتَدِي عَلَى أَهْلِ مَمْلَكَتِهِ
 سُبْحَانَ مَنْ لَا يَأْخُذُ أَهْلَ الْأَرْضِ بِالْوَانِ الْعَذَابِ
 سُبْحَانَ الرَّؤُفِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي فِي قَلْبِي
 نُورًا وَبَصَرًا وَفَهْمًا وَعِلْمًا إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
 و از جمله آیاتیکه بعد از هر نماز خواندن آن موجب ریختن گناهای و زیادهای
 حسنات است مخصوصا از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شد
 که هر کس سه مرتبه این آیات را بعد از نماز مغرب بخواند آنچه از ثواب
 در روز گذشته از او فوت شده باشد در یابد و نمازش مقبول گردد
 فَسُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ تُصْبِحُونَ وَلَهُ الْحَمْدُ

فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَعَشِيًّا وَحِينَ تُظْهِرُونَ يُخْرِجُ
الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَيُحْيِي الْأَرْضَ
بَعْدَ مَوْتِهَا وَكَذَلِكَ تُخْرَجُونَ سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ
عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ
رَبِّ الْعَالَمِينَ

وستحبت است خواندن دعائیکه ابوذر بر آن مداومت مینمود
وجبرئیل غ خبر بر رسول اکرم داد که در آسمانها معروف است
اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْإِيمَانَ بِكَ وَالنَّصْدِيقَ بِتَبِيِّكَ
وَالْعَافِيَةَ مِنْ جَمِيعِ الْبَلَاءِ وَالشُّكْرَ عَلَى الْعَافِيَةِ
وَالْغِنَى عَنِ أَشْرَارِ النَّاسِ

وبیداری من طلوع فجر صادق و طلوع آفتاب مستحب است
و روایات بسیار از اهل بیت علیهم السلام در فضیلت آن وارد شده
و آن سبب کشایش و وسعت روزی است و از خوابیدن در آن
وقت منع گردیده . از حضرت امام محمد باقر غ مرویست که خواب
در آن وقت شوم است و روزی را منع میکند زنگ رازد و متغیر

ینماید تا آنکه فرمود بدو پیرمیدار خواب در آن وقت و خواندن نماز صبح را
 در وقت فجر و اشتغال بتعقیب تا طلوع آفتاب تا کی شده و سبب
 اجر و ثواب است - از رسول خدا صلی الله علیه و آله منقولست که
 هر که از طلوع صبح تا طلوع آفتاب مشغول تعقیب باشد ثواب حج
 برای او نوشته میشود - و در روایت دیگر است که فرمود که خدا او را
 از آتش دوزخ مستور گرداند و وقت صبح صادق چون موقع اجتماع
 دو فرقه از ملائکه است . چه ملائکه شب با آسمان روند و ملائکه روز بر زمین
 می آیند خواندن نماز صبح در آن فضیلت بسیار دارد و پس از نماز تا
 طلوع آفتاب مشغول ذکر و تسبیح و دعا و قرآن و سایر تعقیبات شدن
 سبب آسایش و خیر دنیا و آخرت است . پس سزاوار است که
 نماز گذار پس از فراغت از نماز تا طلوع آفتاب مشغول تعقیب از تعقیباتی
 که بعد از نماز صبح وارد گردیده و در منهاج انرا روایت نموده و مداومت
 بر آن سبب وسعت محیثت و اداء دین و مجرب است ان شاء الله
 تعالی این دعا است تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ
 وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ

فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبِيرُهُ تَكْبِيرًا اللَّهُمَّ
 إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْبُؤْسِ وَالْفَقْرِ وَمِنْ غَلَبَةِ الدَّيْنِ
 وَالسُّقْمِ وَأَسْأَلُكَ أَنْ تُعِينَنِي عَلَى آدَاءِ حَقِّكَ إِلَيْكَ
 وَآدَاءِ حَقِّ النَّاسِ إِلَى النَّاسِ . وصاحب موعظ عددیه روات
 نموده . رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود کسیکه بعد از هر نماز صبح قصد
 مرتبه بگوید لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ خداوند است کار
 با او خواهد نمود سختی دنیا و آخرت را بر او آسان کند و از شر سلطان
 و شیطان نگاهداریش دارد و ایمان او بگناه نرود . و کسیکه بعد از
 نماز ظهر صد مرتبه اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ بگوید خدا
 با او همراهی در سه چیز کند گرفتار غرامت یعنی قرض نشود و اگر گرفتار
 گردد خدا او را اداء خواهد نمود . و حفظ میکند ایمان او را از زوال و نعمتهای
 خدا با او در دنیا داده است در قیامت از او سوال نخواهد شد . و کسیکه
 بعد از نماز عصر صد مرتبه أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ بگوید خدا
 با او در سه چیز همراهی خواهد نمود گناهای او را بپامزد و روزی ویرا
 وسیع کند و دعای او را مستجاب نماید . و کسیکه بعد از نماز مغرب

قَدْ مَرَّتْ بِهَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ بِكُودِ خَدَاوند بَاو
 در شش چیز برای خواهد نمود ایمان او بگناه نرود خدا از او خوشنود شود
 و از عذاب قبر مأمون گردد - و سیکه بعد از نماز عشاء قَدْ مَرَّتْ بِهَ سُبْحَانَ
 اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَلَا حَوْلَ
 وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ بگوید خداوند برای او می نویسد
 ده هزار حسنه و محو میکند از او ده هزار سیئه و بنای نماید برای او در بهشت
 منازل.

و بسندای معتبر از حضرت صادق و حضرت کاظم علیهم السلام
 منقولست که سیکه بعد از نماز صبح و مغرب پیش از آنکه سخن بگوید و حرکت
 کند هفت مرتبه این ذکر را بگوید هفتاد و نوع بلا از او دور گردد که سهلترین
 آنها خوره و پسی و شر شیطان و شر پادشاهان است بِسْمِ اللَّهِ
 الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ و در
 بعضی روایات معتبره است مرتبه نیز وارد شده ده مرتبه و قَدْ مَرَّتْ بِهَ نیز
 آمده - و از حضرت امام محمد باقر ع روایت شده که حضرت رسول خدا
 صلی الله علیه و آله فرموده که هر که هر روز عقب نماز صبح ده مرتبه بگوید

سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ
 الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ حق تعالی اور اعافیت دہ از کوری و دیوانگی و خور
 و پریشانی و خانہ بر سرش فرو آمدن و خرافت در ہنگام پیری ،

از جملہ تعقیبات است از حضرت امیر المؤمنین ع از رسول خدا
 صلی اللہ علیہ و آلہ منقولست کہ ہر کہ خواہد خدا در اجل او تأخیر کند و بر دشمنان
 یاری دہد و از مرگهای بد او را نگاہدارد ہر باید او پسین بر این دعا
 مداومت نماید

سے مرتبہ سُبْحَانَ اللَّهِ مِلْأَ الْمِيزَانِ وَمُنْتَهَى
 الْعِلْمِ وَمَبْلَغِ الرِّضَا وَزِينَةِ الْعَرْشِ وَسَعَةِ الْكُرْسِيِّ
 وَسے مرتبہ الْحَمْدُ لِلَّهِ مِلْأَ الْمِيزَانِ وَمُنْتَهَى الْعِلْمِ
 وَمَبْلَغِ الرِّضَا وَزِينَةِ الْعَرْشِ وَسَعَةِ الْكُرْسِيِّ
 وَسے مرتبہ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مِلْأَ الْمِيزَانِ وَمُنْتَهَى الْعِلْمِ
 وَمَبْلَغِ الرِّضَا وَزِينَةِ الْعَرْشِ وَسَعَةِ الْكُرْسِيِّ
 وَسے مرتبہ اللَّهُ أَكْبَرُ مِلْأَ الْمِيزَانِ وَمُنْتَهَى الْعِلْمِ
 وَمَبْلَغِ الرِّضَا وَزِينَةِ الْعَرْشِ وَسَعَةِ الْكُرْسِيِّ

و از حضرت امام موسی کاظم ع روایت است که برای برآوردن
 حاجات و باز شدن کارهای بسته بعد از هر نماز صبح ده مرتبه بگوید
 سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ
 وَأَسْأَلُهُ مِنْ فَضْلِهِ

و مستحب است خواندن سوره فاتحه و آیه الکرسی تا هم فیها خلدون
 و آیه شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو
 الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ
 إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ
 أَوْثَرُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْعِلْمُ بَغْيًا
 بَيْنَهُمْ وَمَنْ يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ
 و آیه مَلِكُ قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكُ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ
 تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ
 وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
 تُوَلِّجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَتُوَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَتُخْرِجُ
 الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَتَرْزُقُ مَنْ

تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ و یا زده مرتبه قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ بعد از
هر نماز و است مخصوصاً و ارد گردیده که خواندن آیه الکرسی بعد از هر
نماز فرضه موجب قبولی نماز است و خدا خواننده را از بلاها و گناهان
نگه میدارد.

در عده الداعی از امام صادق ع روایت است که فرمود سیکه
ایمان بخدا و قیامت دارد ترک نکند خواندن سوره قل هو الله احد
را در پی هر نماز واجب پس بدستیکه سیکه آنرا بخواند جمع میکند برای او
خیر دنیا و آخرت را و میآورد او را و والدین او را و کسانیرا که از آنها
تولید گردیده.

و نیز در عده الداعی از امام صادق ع روایت شده که فرمود سیکه
قل هو الله احد را در موقع رفتن از منزل ده مرتبه بخواند در حفظ
خدا خواهد بود تا اینکه بمنزل خود برگردد.

دعای سجدۀ شکر

مستحب است که نماز گذار بعد از تعقیبات و دعاهای خود که
فارغ شود بسجدۀ شکر رود و خدا را شکر کند و صد مرتبه شکر الله

یا شکر اُشکراً بگوید و اقل آن سه مرتبه گفتن است.

و نیز وارد است که در سجده شکر خوانده شود لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ
حَقًّا حَقًّا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِيْمَانًا وَتَصْدِيقًا لَا إِلَهَ
عِبُودِيَّةً وَرِقًّا سَجَدْتُ لَكَ يَا رَبِّ تَعَبُّدًا وَرِقًّا لَا
مُسْتَنْكِفًا وَلَا مُسْتَكْبِرًا بَلْ أَنَا عَبْدٌ ذَلِيلٌ خَائِفٌ
مُسْتَجِيرٌ و چون سر از سجده برداشت دست خود را بر
موضع سجده مالیده بصورت خود بکشد.

زیارت مختصر چهارده معصوم
بعد از تعقیبات

بعد از فراغت از تعقیب و سجده شکر سلام بر معصومین صلوات
اللَّهُ عَلَيْهِمْ اجمعین نمودن بسیار مناسب و موجب اجر و ثواب است
و خواندن این سلام که در مخارج از این باب بگوید روایت نموده مناسب است
اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ وَمِنْكَ السَّلَامُ وَلَكَ السَّلَامُ
وَالْيُكُ يَعُودُ السَّلَامُ سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا
يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ

الْعَالَمِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ
 وَبَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَى الْأَئِمَّةِ الْهَادِينَ الْمَهْدِيِّينَ
 السَّلَامُ عَلَى جَمِيعِ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَمَلَائِكَتِهِ
 السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ السَّلَامُ عَلَى
 عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامُ عَلَى الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ
 سَيِّدَي شَبَابِ هَلِ الْجَنَّةُ أَجْمَعِينَ السَّلَامُ عَلَى عَلِيِّ بْنِ
 الْحُسَيْنِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بَاقِرِ
 عِلْمِ النَّبِيِّينَ السَّلَامُ عَلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ
 السَّلَامُ عَلَى مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ الْكَافِي السَّلَامُ عَلَى عَلِيِّ
 بْنِ مُوسَى الرِّضَا السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْجَوَادِ السَّلَامُ
 عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْهَادِي السَّلَامُ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ
 الزَّكِيِّ الْعَسْكَرِيِّ السَّلَامُ عَلَى الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ الْفَائِزِ
 الْمَهْدِيِّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ .

هر حاجت که داری از خدا بطلب .

و از جمله زیارت‌های مختصره چهارده معصوم که خواندن آن از دوزخ

حضرت امام صادق ع روایت گردیده این زیارت است

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ الْمُرْسَلُ وَالْوَصِيُّ
 الْمُرْتَضَى وَالسَّيِّدَةُ الزَّهْرَاءُ وَالسَّبْطَانِ
 الْمُذْتَجَّانِ وَالْأَوْلَادُ وَالْأَعْلَامُ وَالْأَمَنَاءُ
 الْمُذْتَجَّبُونَ جِئْتُ أَنْقِطَاعًا إِلَيْكُمْ وَإِلَى
 آبَائِكُمْ وَوَلَدِكُمْ الْخَلْفِ عَلَى بَرَكَةِ
 الْحَقِّ فَقَلْبِي لَكُمْ مُسَلِّمٌ وَنُصْرَتِي لَكُمْ
 مُعَدَّةٌ حَتَّى يَحْكُمَ اللَّهُ لِدِينِهِ فَمَعَافَاكُمْ
 لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ إِنِّي لَمِنَ الْقَائِلِينَ بِفَضْلِكُمْ
 مُقَرَّرٌ بِرَجْعَتِكُمْ لَا أَنْكُرُ لِلَّهِ قُدْرَةً وَلَا
 أَرْعَمُ إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ سُبْحَانَ اللَّهِ ذِي
 الْمُلْكِ وَالْمَلَكُوتِ يُسَبِّحُ اللَّهَ بِأَسْمَائِهِ
 جَمِيعُ خَلْقِهِ وَالسَّلَامُ عَلَى أَرْوَاحِكُمْ وَأَجْسَادِكُمْ
 وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

دعای مبارک صبح و سنا آن

مرحوم مجلسی در کتاب بحار الانوار سندی برای دعای مبارک صبح

از سید شریف یحیی بن قاسم علوی نقل نموده که بخط امیرالمؤمنین
علی علیه السلام یافته است که رسول خدا صلی الله علیه و آله این دعا را
بعلی ع تعلیم فرمود. شریف مذکور نقل نموده که در آخر آن دعا حضرت
بخط خود نوشته بود و ترجمه آن اینست "نوشت علی بن ابی طالب
در آخر روز پنجشنبه یازدهم ذالحجه الحرام ۲۵۰ هجری
و دعا اینست

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

اللَّهُمَّ يَا مَنْ دَلَّعَ لِسَانَ الصَّبَاحِ بِنُطْقِ تَبَلُّجِهِ

ای آن کسی که بیرون آورد زبان صبح را بگفتار روشنائی آن

وَسَرَّحَ قِطْعَ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ بِغَيَاهِبٍ تَلَجُّجِهِ

و فرست و بارهای شب تاریک را به تاریکیهای حرکت و زوال آن

وَاتَّقَنَ صُنْعَ الْفَلَكَ الدَّوَّارِ فِي مَقَادِيرِ

دستور گردانید آفرینش آسمان گردون را در اندازهای

تَبْرِجِهِ وَشَعْشَعِ ضِيَاءِ الشَّمْسِ بِنُورِ تَابِجِهِ

نهور آن و بلند افروزانید روشنائی آفتاب بر روشنی افروختن در دوازده کشته

يَا مَنْ دَلَّ عَلَى ذَاتِهِ بِذَاتِهِ وَتَنَزَّاهُ عَنْ

ای آن کسیکه راه نمود بر ذاتش بذاتش و دور و پاک است از

مَجَانَسَةِ مَخْلُوقَاتِهِ وَجَلَّ عَنْ مَلَأْتَمَةِ

هم جنسی آفریده ایش و بزرگوار است از فراهم آوردن

كَيْفِيَّاتِهِ يَا مَنْ قَرَّبَ مِنْ خَوَاطِرِ الظَّنُونِ

چگونگیهایش ای آن کسی که نزدیک است از گذر گفتدای گمانها

وَبَعْدَ عَنْ مَلَا حِظَةَ الْعَيُونِ وَعِلْمَ بِمَا كَانَ

و دور است از گوشه چشم نگران شدن چشمها و دانست آنچه را میباش

قَبْلَ أَنْ يَكُونَ يَا مَنْ أَرْقَدَنِي فِي مِهَادِ أَمْنِهِ

پیش از آنکه شود ای آن کسی که خوابانید مرا در بستر امنش

وَأَمَانِهِ وَأَيَّقَظَنِي إِلَى مَا مَنَحَنِي بِهِ مِنْ

و امانش و بیدار کرد مرا بسوی آنچه بخشایشم نمود بآن از

مِنْهُ وَإِحْسَانِهِ وَكَفَّ أَكْفَ الشُّوْءِ عَنِّي

منتهایش و نیکی کردش و بازداشت دستهای بد را از من

بِيَدِهِ وَوَسْطَانِهِ صَلِّ اللَّهُمَّ عَلَى الدَّلِيلِ

بدست توانایش و پادشاهیست رحمت فرست بار خدایا بر آن کسی که راه نما است

إِلَيْكَ فِي اللَّيْلِ الْإِلَّيْلِ وَالْمَاسِكِ مِنْ أَسْبَابِكَ

بسوی تو در شب بسیار تار یک و آن کسی که چنگ زنده است از سببهاست

بِحَبْلِ الشَّرَفِ الْأَطْوَلِ وَالنَّاصِعِ الْحَسْبِ فِي

برسمان بلند مرتبه کی درازتر و آن کسی که خالص و پاکست شرافت نسبتش در

ذُرْوَةِ الْكَاهِلِ الْأَعْبَلِ وَالثَّابِتِ الْقَدَمِ

بلندی میانه دوشانه بزرگوارتر و آن کسی که ثابت است پایش

عَلَى زَحَالِيفِهَا فِي الزَّمَنِ الْأَوَّلِ وَعَلَى إِلِهِ

بر لغزشگاهش در روزگار نخست و بر آل او

الْأَخْيَارِ الْمُصْطَفَيْنِ الْأَبْرَارِ وَافْتَحِ اللَّهُمَّ

که خوبان و برگزیدگان نیکی کنندگان و بگشا بار خدایا

لَنَا مَصَارِيعَ الصَّبَاحِ بِمَفَاتِيحِ الرَّحْمَةِ

از برای ما درهای صبح را بکلیدهای بخشایش

وَالْفَلَاحِ وَالْبِسْنَا اللَّهُمَّ مِنْ أَفْضَلِ خَلْعٍ

و فیروزی و بپوشان ما را بار خدایا از افزون ترین خلعتهای

الْهِدَايَةِ وَالصَّلَاحِ وَأَغْرِسِ اللَّهُمَّ

هدایت و صلاح و بنشان بار خدایا

لِعَظَمَتِكَ فِي شَرْبِ جَنَانِي يَنْابِيعَ الْخُشُوعِ

از برای بزرگواریت در آبخورش و لم چشمه های زاری را

وَأَجِرْ اللَّهُمَّ لِهَيْبَتِكَ مِنْ أَمَائِي زَفَرَاتِ

و روان گردان بار خدایا از برای ترس خودت از گوشه‌های چشمم نهرهای پر آب

الدُّمُوعِ وَأَدِّبِ اللَّهُمَّ نَزَقَ الْخُرْقِ مِنِّي

اشکهارا و ادب کن بار خدایا سبکی و بدخونی که از من است

بِأَزْمَةِ الْقُنُوعِ إِلَهِي إِنْ لَمْ تَبْتَدِئْنِي الرَّحْمَةُ

بهارهای خورسند ای بار خدای من اگر پیشی نیکرفت مرا بخشایش

مِنْكَ بِحُسْنِ التَّوْفِيقِ فَمَنْ السَّالِكُ بِي إِلَيْكَ

از تو به نیکی توفیق پس کیست راه بر مرا بسوی تو

فِي وَاضِحِ الطَّرِيقِ وَإِنْ أَسَلَمْتَنِي أَنَا تُكَ

در راه روشن و اگر واگذار ده مرا علم تو

لِقَائِدِ الْأَمَلِ وَالْمُنَى فَمِنْ الْمُقِيلِ عَثْرَاتِي

از برای کشاننده امید و آرزومندی پس کیست عفو کننده لغزشم

مِنْ كِبْوَةِ الْهَوَىٰ وَإِنْ خَذَلَنِي نَصْرُكَ عِنْدَ

از روی افتادن بهوس هوا و اگر فروگذار ده مرا یاری تو نزد

مُحَارَبَةِ النَّفْسِ وَالشَّيْطَانِ فَقَدْ وَكَلَنِي

جنگ کردن با نفس و شیطان پس بجهت تو که و گذارده مرا

خِذْلًا لَكَ إِلَى حَيْثُ النَّصَبِ وَالْحُجْرَانِ إِلَهِي

فرد گذاشتنت بسوی جانب رنجوری و بل بهره‌ی امان ای خدای من

اَتَرَانِي مَا اَتَيْتُكَ اِلَّا مِنْ حَيْثُ الْاَمَالِ اَمْ

آیای منی مرا که نیادم ترا مگر از جهت امید آیا

عَلِقْتُ بِاطْرَافِ حَبَالِكَ اِلَّا حِينَ بَاعَدْتَنِي

پیوستم بطرفهای ریسمانهایت مگر هنگامی که دور کرد مرا

ذُنُوبِي عَنْ دَايِرِ الْوَصَالِ فَبَسَّ الْمِطْيَةَ الَّتِي

گناهانم از سرای پیوستن بتو پس بد مرکبی است آن چنانکه

اَمْتَطَيْتُ نَفْسِي مِنْ هَوَاهَا فَوَاهَا لِمَا سَوَّلَتْ

مرکبی که ساخته است نفسم از هوسهایش پس ای حسرت از برای آنچه زینت داده

لَهَا ظُنُونَهَا وَمَنَاهَا وَتَبَّالْهَاجِرَاتُهَا عَلَى

از برای خود گمانهایش و آرزوهایش و زیان باد از برای دلیریش بر

سَيِّدِهَا وَمَوْلَاهَا اِلٰهِي قَرَعْتَ بَابَ رَحْمَتِكَ

خواجده اش و آقایش ای خدای من کو بیدم دروازه بخشایش را

بَيِّدِ رَجَائِي وَهَرَبْتُ اِلَيْكَ لَا حِيَا مِنْ فَرْطِ

بدست آمیدم و گریختم بسوی تو در حالتی که پناه آورنده ام از بسیاری

اَهْوَانِي وَعَلِقْتُ بِاطْرَافِ حَبَالِكَ اَنَا مِلَّ

هوسها و آویختم بطرفهای ریسمانهایت سرانگشتان

وَلَا اِنِّي فَاصْفَحِ اللّٰهُمَّ عَمَّا اَجْرَمْتُهُ مِنْ

دوستییم را پس درگذر بار خدایا از آنچه بد کرده ام آنرا از

زَلَّيْ وَخَطَايِي وَأَقِلْنِي اللَّهُمَّ مِنْ صَرَعَةٍ رَدَّائِي

لغزشم و خطایم و گنهار مرا بار خدایا از افتادگی و درجالت

فَإِنَّكَ سَيِّدِي وَمَوْلَايَ وَمُعْتَمِدِي وَرَجَائِي

پس بدستیکه تو خواجه منی و آقایم و تکیه گاه منی و امیدم

و غَايَةُ مَنَائِي فِي مُنْقَلَبِي وَمَثْوَايَ إِلَهِي كَيْفَ

و منتهای آرزوهای منی و مکان بازگشتم و جایگاهم بار خدایا چگونه

تَطُودُ مَسْكِينًا التَّجَاعُ إِلَيْكَ مِنَ الذَّنُوبِ

دور کنی درویشی را که پناه آورد بسوی تو در حالتی که از گناہان

هَارِبًا أَمْ كَيْفَ تَحْيِي مَسْتَرِشِدًا قَصْدًا إِلَى

گریزان است یا چگونه بی بهره سازی طلب کننده راه حق را که آهنگ کرده بسوی

جَنَابِكَ سَاعِيًا أَمْ كَيْفَ تَطُودُ ظَمَانًا وَرَدَ

جنابت در حالتی که سعی کننده است آیا چگونه دور کنی تشنه را که آمده باشد

إِلَى جِيَاظِكَ شَايِرًا كَلًّا وَجِيَاظِكَ مُتَرَعَةً

بسوی حوضایت در حالتی که آشفانده است در چنان است حال آنکه حوضایت پر کرده شده است

فِي ضَنْكِ الْمَحُولِ وَبَابُكَ مَفْتُوحٌ لِلطَّلَبِ

در تنگی محول و دروازه تو باز است از برای جویائی کردن

وَالْوُغُولِ وَأَنْتَ غَايَةُ السُّؤْلِ وَنَهَايَةُ الْمَأْمُولِ

و در آمدن و تویی منتهای طلب و نهایت امید (و آرزوی من)

إِلَهِ هَذِهِ أَرْمَةٌ نَفْسِي قَدْ عَقَلْتُهَا بِعَقَالٍ

ای خدای من این مهارای نفس من است که بستمش به بندهای

مَشِيَّتِكَ وَهَذِهِ أَعْبَاءُ ذُنُوبِي دَرِاقَتُهَا

خواهش تو و این بارهای سنگین گناهان من است که دفعش کردم

بِرَحْمَتِكَ وَهَذِهِ أَهْوَاؤِي الْمُضِلَّةُ وَكَلَّتُهَا

برحمت تو و این هوسهای گمراه کننده من است باز گذاشتمش

إِلَى جَنَابِ لُطْفِكَ فَاجْعَلِ اللَّهُمَّ صَبَاحِي

بسوی جناب لطف تو پس بگردان بار خدایا این صبح مرا

هَذَا نَازِلًا عَلَيَّ بِضِيَاءِ الْهُدَى وَالسَّلَامَةِ

فرودا آمده بر من باروشنائی هدایت و باسلامتی

فِي الدِّينِ وَالْدُّنْيَا وَمَسَائِي جَنَّةً مِنْ كَيْدِ

در دین و دنیا و فراود اسپری برای دفع کد

الْعَدُوِّ وَوَقَايَةً مِنْ مُرَدِّيَاتِ الْهَوَى إِنْكَ

دشمنان و نگاهداشتن از مملکات هوا و هوس بدرستی که تو

قَادِرٌ عَلَى مَا تَشَاءُ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ

توانائی بر آنچه خواهی می بخشی پادشاهی را بهر کسی که میخواهی

وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتَحْزُمُنْ تَشَاءُ

و میستانی پادشاهی از کسی که خواهی و درجند کنی کسی را که خواهی

وَقَدْ لُ مِنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ

و خوار میکنی کسی را که خواهی بدست تست خیر تحقیق کرده بر هر چیزی

قَدِيرٌ تَوَلَّجَ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَتَوَلَّجَ النَّهَارَ

توانائی می آوردی شب را در روز و می آوردی روز را

فِي اللَّيْلِ وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَمِيتِ وَتُخْرِجُ

در شب و بیرون می آوردی زنده را از مرده و بیرون می آوردی

الْمَمِيتَ مِنَ الْحَيِّ وَتَرْزُقُ مَنْ تَشَاءُ بِغَيْرِ

مرده را از زنده و روزی میدی هر که را خواهی بی

حِسَابٍ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ

شمار نیست خدائی مگر تو منزّه و پاک میدانمت بار خدایا

وَبِحَمْدِكَ جَلَّ ثَنَاءُكَ مَنْ ذَا يَعْلَمُ قَدْرَ تَعَالَى

و یاد می کنم بستايش کيست اينکه بداند توانائيت را

فَلَا يَخَافُكَ وَمَنْ ذَا يَعْلَمُ مَا أَنْتَ فَلَا يَهَابُكَ

پس نه ترسد از تو و کيست اينکه بداند چيست تو پس خوف نکند از تو

أَلْفَتْ بِقَدَرِكَ الْفِرْقَ وَفَلَقْتَ بِرَحْمَتِكَ

هم خوردی بتوانائيت گروهها را و شکافتی برحمت

الْفَلَقَ وَأَنْزَلْتَ بِكَرَمِكَ دِيَاجِي الْغَسَقِ

سفيدی صبح را و روشن گردانیدی بکرميت تاريجهای ظلمت شب را

وَأَنْهَرْتَ الْمِيَاهَ مِنَ الصُّمِّ الصَّيَاحِ خِدْعًا

و روان گردانیدی آبها را از صلیبهای سنگ سخت شیرین

وَأَجَاجًا وَأَنْزَلْتَ مِنَ الْمُعْصِرَتِ مَاءً ثَجَّاجًا

و تلخ و فرود آوردی از ابرهای فشارنده آب بسیار ریزنده

وَجَعَلْتَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ لِلْبَرِّيَّةِ سِرَاجًا وَهَّاجًا

و گردانیدی آفتاب و ماه را از برای آفریدگان چراغ درخشنده

مِنْ غَيْرِ أَنْ تَمَارِسَ فِيمَا ابْتَدَأْتَ بِهِ لُغُوبًا

بی آنکه کوشش نمائی در آنچه آغاز کرده بآن درماندگی

وَلَا عِلَاجًا فَيَا مَنْ تَوَحَّدَ بِالْعِزِّ وَالْبَقَاءِ وَفَهَرِ

و نه درمانی را پس ای آن کسی که یگانه است با عزت و پابندگی و مغلوب ساخته

عِبَادَهُ بِالْمَوْتِ وَالْفَنَاءِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

بندگان را برگزینی رحمت فرست بر محمد و آل او

الْأَتَقِيَاءَ وَاسْمَعْ نِدَائِي وَاسْتَجِبْ دُعَائِي وَحَقِّقْ

که پرهمیزکارانند و بشنو ندای مرا و بپذیر دعای مرا و حق گردان

بِفَضْلِكَ أَمَلِي وَرَجَائِي يَا خَيْرَ مَنْ دُعِيَ لِكُشْفِ

بافزونی کرمت آرزوی مرا و امید مرا ای بهترین کسی که خوانده شد برای دور نمودن

الضَّرِّ وَالْمَأْمُولِ لِكُلِّ عُسْرٍ وَلَيْسَ بِكَ أَنْزَلْتُ

ضرر و کسی که امید داشته شد از برای هر دشواری و آسانی و بسوی تو فرود آوردم

حَاجَتِي فَلَا تُرُدَّنِي مِنْ سَنِي مَوَاهِبِكَ خَائِبًا

نیازم را پس بازگردانم از بلند مرتبه بخششهایت ناامید

يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

ای کریم ای کریم ای کریم بهرمانیت ای رحم کننده ترین رحم کنندگان

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

و درود خدا بر آقای ما محمد و آل او که پاکیزه گانند (باران)

پس بسجده رود و بگوید اَللّٰهُمَّ قَلْبِيْ مَحْجُوْبٌ وَنَفْسِيْ مَعْيُوْبٌ

بارخدا یا دل من در حجاب غفلت رفته و نفس من معیوب شده

وَعَقْلِيْ مَغْلُوْبٌ وَهَوَايَايْ غَالِبٌ وَطَاعَتِيْ قَلِيْلٌ

و عقل من (بسیج کوی شیطان) مغلوب گزیده و هوای من غالب (خدا یا) بنده کی من کم است

وَمَعْصِيَّتِيْ كَثِيْرٌ وَلِسَانِيْ مُقَرَّبٌ بِالذَّنُوْبِ

معصیت من زیاد است / زبان من به گناهانم اقرا کنند و است

فَكَيْفَ حِيلَتِيْ يَا سَتَّارَ الْعِيُوْبِ وَيَا عَلَامَ الْغِيُوْبِ

پس نیدانم که چگونه باید تدبیر نمایم ای پوشاننده عیبهای و ای دانایانترین برهمنش

يَا كَاشِفَ الْكَرُوْبِ اِغْفِرْ ذُنُوْبِيْ كُلَّهَا بِحَرَمَةِ

ای دورکننده غمها بخش تمامی گناهان مرا بهر توبه نزدیکی

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ يَا غَفَّارُ يَا غَفَّارُ

محمد و آل محمد ای بخشنده ای بخشنده ای بخشنده

بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

(در گذرازی من) برحمت مهربانیت ای مهربان ترین مهربانان

دعای ایام هفته از ملحقات صحیفه سجاویه

دعای روز یکشنبه بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا أَرْجُو إِلَّا فَضْلَهُ وَلَا أَخْشَى إِلَّا

عَدْلَهُ وَلَا أَعْتَمِدُ إِلَّا قَوْلَهُ وَلَا أُمِسُّكَ إِلَّا بِحَبْلِهِ

بِكَ أَسْتَجِيرُ يَا ذَا الْعَفْوِ وَالرِّضْوَانِ مِنَ الظُّلُمِ

وَالْعُدْوَانِ وَمِنْ غَيْرِ الزَّمَانِ وَتَوَاتُرِ الْأَحْزَانِ وَطَوَارِقِ

الْحَدَثَانِ وَمِنْ انْقِضَاءِ الْمُدَّةِ قَبْلَ التَّأَهُّبِ وَالْعُدَّةِ

وَأَيَّكَ أَسْتَرْشِدُ لِمَا فِيهِ الصَّلَاحُ وَالْإِصْلَاحُ وَبِكَ

أَسْتَعِينُ فَيَا يَقْتَرِنُ بِهِ النَّجَاحُ وَالْإِنْجَاحُ وَأَيَّكَ

أَرْغَبُ فِي لِبَاسِ الْعَافِيَةِ وَمَا مِمَّا وَشُمُولِ السَّلَامَةِ

وَدَوَائِمِهَا وَأَعُوذُ بِكَ يَا رَبِّ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ

وَأَحْتَرِمْ بِسُلْطَانِكَ مِنْ جَوْرِ السَّلَاطِينِ فَتَقَبَّلْ مَا

كَانَ مِنْ صَلَواتِي وَصُومِي وَاجْعَلْ غَدِي وَمَا بَعْدَهُ

أَفْضَلَ مِنْ سَاعَتِي وَيَوْمِي وَأَعِزَّنِي فِي عَشِيرَتِي وَقَوْمِي
 وَاحْفَظْنِي فِي يَقْظَتِي وَنَوْمِي فَأَنْتَ اللَّهُ خَيْرُ حَافِظٍ
 وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَبْرَأُ إِلَيْكَ فِي يَوْمِي
 هَذَا وَمَا بَعْدَهُ مِنَ الْأَحَادِ مِنَ الشِّرْكِ وَالْإِلْحَادِ وَأَخْلَصُ
 لَكَ دُعَائِي تَعَرُّضًا لِلْإِجَابَةِ وَأُقِيمُ عَلَى طَاعَتِكَ رَجَاءً
 لِلْإِثَابَةِ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ خَيْرِ خَلْقِكَ الدَّاعِي إِلَى
 حَقِّكَ وَأَعِزَّنِي بِعِزِّكَ الَّذِي لَا يُضَامُ وَاحْفَظْنِي
 بِعَيْنِكَ الَّتِي لَا تَنَامُ وَاخْتِمُ بِالْإِنْقِطَاعِ إِلَيْكَ أَمْرِي
 وَبِالْمَغْفِرَةِ عُمْرِي إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ

دُعَايَ زُرْدُوشْتِ بْنِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يُشْهَدْ أَحَدًا حِينَ فَطَرَ السَّمَوَاتِ
 وَالْأَرْضَ وَلَا اتَّخَذَ مَعِينًا حِينَ بَرَأَ النُّسَمَاتِ لَمْ
 يُشَارِكْ فِي الْإِلَهِيَّةِ وَلَمْ يُظَاهَرْ فِي الْوَحْدَانِيَّةِ كَلَّتِ
 الْأَلْسُنُ عَنْ غَايَةِ صِفَتِهِ وَالْعُقُولُ عَنْ كُنْهِ مَعْرِفَتِهِ
 وَتَوَاضَعَتِ الْجَبَابِرَةُ لِهَيْبَتِهِ وَعَنَتِ الْوُجُوهُ لِخَشْيَتِهِ

وَأَنْقَادَ كُلِّ عَظِيمٍ لِعَظَمَتِهِ فَلَكَ الْحَمْدُ مُتَوَاتِرًا مُتَسِقًا
وَمُتَوَالِيًا مُسْتَوْسِقًا وَصَلِّ وَاتَّعِزَّ عَلَى رَسُولِهِ أَبَدًا وَسَلَامُهُ
دَائِمًا سَرْمَدًا اللَّهُمَّ اجْعَلْ أَوَّلَ يَوْمِي هَذَا صَلَاحًا
وَأَوْسَطَهُ فَلَاحًا وَآخِرَهُ نَجَاحًا وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ يَوْمٍ أَوَّلُهُ
فَرْعٌ وَأَوْسَطُهُ جَزَعٌ وَآخِرُهُ وَجَعٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ
لِكُلِّ نَذْرٍ نَذَرْتُهُ وَكُلِّ وَعْدٍ وَعَدْتُهُ وَكُلِّ عَهْدٍ
عَاهَدْتُهُ ثُمَّ لَمْ أَفِ بِهِ وَأَسْأَلُكَ فِي مَظَالِمِ عِبَادِكَ
عِنْدِي فَإِنَّمَا عَبْدٌ مِنْ عِبِيدِكَ أَوْ أَمَةٌ مِنْ إِمَائِكَ
كَانَتْ لَهُ قَبْلِي مَظْلَمَةٌ ظَلَمْتُهَا آيَاهُ فِي نَفْسِهِ أَوْ فِي
عَرْضِهِ أَوْ فِي مَالِهِ أَوْ فِي أَهْلِهِ وَوَلَدِهِ أَوْ غَيْبَةً
اِغْتَبْتُهُ بِهَا أَوْ تَحَامَلُ عَلَيْهِ بِمِثْلِ أَوْ هَوَى أَوْ أَنْفَةٍ
أَوْ حِمِيَّةٍ أَوْ رِيَاءٍ أَوْ عَصِيَّةٍ غَائِبًا كَانَ أَوْ شَاهِدًا
وَحَيًّا كَانَ أَوْ مَيِّتًا فَقَصُرَتْ يَدِي وَضَاقَ وَسْطِي عَنْ
رَدِّهَا إِلَيْهِ وَالتَّحَلُّلُ مِنْهُ فَأَسْأَلُكَ يَا مَنْ يَمْلِكُ
الْحَاجَاتِ وَهِيَ مُسْتَجِيبَةٌ لِمَشِيتِهِ وَمُسْرِعَةٌ إِلَى

ارادته ان تصلي على محمد وال محمد وان ترضيه
 عني بما شئت وتهب لي من عندك رحمة انه
 لا تقصك المغفرة ولا تضرك الموهبة يا ارحم
 الراحمين اللهم اولني في كل يوم اثنين نعمتين
 منك اثنتين سعادة في اوله بطاعتك ونعمة في اخيره
 بمغفرتك يا من هو الاله ولا يغفر الذنوب سواه
 دعاء روز سه شنبه بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 الْحَمْدُ لِلَّهِ وَالْحَمْدُ حَقُّهُ كَمَا يَسْتَحِقُّهُ حَمْدًا كَثِيرًا
 وَأَعُوذُ بِهِ مِنْ شَرِّ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ
 إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي وَأَعُوذُ بِهِ مِنْ شَرِّ الشَّيْطَانِ الَّذِي
 يَزِيدُنِي ذَنْبًا إِلَى ذَنْبِي وَاحْتَرِزُ بِهِ مِنْ كُلِّ جَبَّارٍ فَاجِرٍ
 وَسُلْطَانٍ جَائِرٍ وَعَدُوِّ قَاهِرٍ اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ
 جُنْدِكَ فَإِنْ جُنْدَكَ هُمُ الْغَالِبُونَ واجْعَلْنِي مِنْ حَزْبِكَ
 فَإِنْ حَزْبَكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ واجْعَلْنِي مِنْ أَوْلِيَاءِكَ فَإِنْ
 أَوْلِيَاءَكَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ اللَّهُمَّ اصْلِحْ لِي

دِينِي فَإِنَّهُ عَصِمَهُ أَمْرِي وَأَصْلَحَ لِي أِخْرَتِي فَإِنَّهَا دَارُ
 مَقَرِّي وَإِلَيْهَا مِنْ مَجَاوِرَةِ اللَّيْلِ مَقَرِّي وَاجْعَلِ الْحَيَاةَ
 زِيَادَةً لِي فِي كُلِّ خَيْرٍ وَالْوَفَاةَ رَاحَةً لِي مِنْ كُلِّ شَرٍّ اللَّهُمَّ
 صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَتَمَامِ عِدَّةِ الْمُرْسَلِينَ
 وَعَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَأَصْحَابِهِ الْمُتَجَبِّينَ
 وَهَبْ لِي فِي الثَّلَاثَةِ ثَلَاثًا لَا تَدْعُ لِي ذَنْبًا إِلَّا غَفَرْتَهُ
 وَلَا عَمَلًا إِلَّا أَذْهَبْتَهُ وَلَا عَدُوًّا إِلَّا دَفَعْتَهُ بِسْمِ اللَّهِ
 خَيْرَ الْأَسْمَاءِ بِسْمِ اللَّهِ رَبِّ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ اسْتَدْفِعْ
 كُلَّ مَكْرُوهٍ أَوَّلَهُ سَخَطُهُ وَاسْتَجْلِبْ كُلَّ مَحْبُوبٍ أَوَّلَهُ
 رِضَاهُ فَاخْتِمْ لِي مِنْكَ بِالْغُفْرَانِ يَا أَوْلِيَ الْأَحْسَانِ

دُعَايَ رَوْزِ جَهَارِ شَبَّهِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ اللَّيْلَ لِبَاسًا وَالنَّوْمَ سُبَاتًا
 وَجَعَلَ النَّهَارَ نُشُورًا لَكَ الْحَمْدُ أَنْ بَعَثْتَنِي مِنْ مَرْقَدِي
 وَلَوْ شِئْتَ جَعَلْتَهُ سَرْمَدًا حَمْدًا دَائِمًا لَا يَنْقُطِعُ أَبَدًا
 وَلَا يُحْصَى الْخَلَايِقُ عَدَدًا اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ أَنْ خَلَقْتَ

فَسَوَّيْتُ وَقَدَّرْتُ وَقَضَيْتُ وَأَمَتُّ وَأَحْيَيْتُ وَأَمَرْتُ
 وَشَفَيْتُ وَعَافَيْتُ وَأَبْلَيْتُ وَعَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَيْتُ
 وَعَلَى الْمُلْكِ احْتَوَيْتُ أَدْعُوكَ دَعَاءَ مَنْ ضَعُفَتْ سَيْلَتُهُ
 وَأَنْقَطَعَتْ حِيلَتُهُ وَاقْتَرَبَ أَجَلُهُ وَتَدَانِي فِي الدُّنْيَا
 أَمَلُهُ وَاسْتَدَدْتُ إِلَى رَحْمَتِكَ فَاقْتَتِهِ وَعَظُمَتْ لِنَفَرِيطِهِ
 حَسْرَتُهُ وَكَثُرَتْ زَلَّتُهُ وَعَثَرَتُهُ وَخَلَصَتْ لَوْجُجِهِ
 تَوْبَتُهُ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ
 الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَأَرْزُقْنِي شَفَاعَةَ مُحَمَّدٍ صَلَّى
 اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَلَا تَحْرِمْ مِنِّي صُحْبَتَهُ إِنَّكَ أَنْتَ أَرْحَمُ
 الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ اقْضِ لِي فِي الْأَرْبَعَاءِ أَرْبَعًا اجْعَلْ
 قُوَّتِي فِي طَاعَتِكَ وَنَشَاطِي فِي عِبَادَتِكَ وَرَغْبَتِي فِي
 فِي ثَوَابِكَ وَزُهْدِي فِي مَا يُوجِبُ لِي أَلِيمَ عِقَابِكَ إِنَّكَ
 لَطِيفٌ لِمَا تَشَاءُ

دُعَايُ رَوْزِ خُشْنَبِه بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ اللَّيْلَ مُظْلِمًا بِقُدْرَتِهِ

وَجَاءَ بِالنَّهَارِ مُبْصِرًا بِرَحْمَتِهِ وَكَسَانِي ضِيَاءَهُ وَأَنَافِي
 نِعْمَتِهِ اللَّهُمَّ فَكَمَا أَبْقَيْتَنِي لَهُ فَأَبْقِنِي لِأَمْثَالِهِ
 وَصَلِّ عَلَى النَّبِيِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَلَا تَفْجَعْنِي فِيهِ وَفِي
 غَيْرِهِ مِنَ اللَّيَالِي وَالْأَيَّامِ بِارْتِكَابِ الْحَاوِرِ وَالْكُتُوبِ
 الْمَأْتَمِّ وَأَرْزُقْنِي خَيْرَهُ وَخَيْرَ مَا فِيهِ وَخَيْرَ مَا بَعْدَهُ
 وَأَصْرِفْ عَنِّي شَرَّهُ وَشَرَّ مَا فِيهِ وَشَرَّ مَا بَعْدَهُ اللَّهُمَّ
 إِنِّي بِذِمَّةِ الْإِسْلَامِ أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ وَبِحُرْمَةِ الْقُرْآنِ
 أَعْتَمِدُ عَلَيْكَ وَبِحُكْمِ الْمُصْطَفَى صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
 أَسْتَشْفَعُ لَدَيْكَ فَأَعْرِفِ اللَّهُمَّ ذِمَّتِي الَّتِي رَجَوْتُ
 بِهَا قَضَاءَ حَاجَتِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ اقْضِ لِي
 فِي الْخَمْسِ خَمْسًا لَا يَتَسَعُّ لَهَا إِلَّا كَرَمُكَ وَلَا يُطِيقُهَا
 إِلَّا نِعْمُكَ سَلَامَةٌ أَقْوَى بِهَا عَلَى طَاعَتِكَ وَعِبَادَةٍ
 أَسْتَحِقُّ بِهَا جَزِيلَ مَثُوبَتِكَ وَسَعَةً فِي الْحَالِ مِنْ
 الرِّزْقِ الْكَالِلِ وَأَنْ تُؤْمِنَنِي فِي مَوَاقِفِ الْخَوْفِ بِأَمْنِكَ
 وَتَجْعَلَنِي مِنْ طَوَارِقِ الْهُمُومِ وَالْغُمُومِ فِي حِصْنِكَ وَصَلِّ

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَجْعَلْ تَوَسُّلِي بِهِ شَافِعًا يَوْمَ

الْقِيَمَةِ نَافِعًا إِنَّكَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ

دُعَايِ رُؤُوسِ جَمْعِهِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَلْحَمْدُ لِلَّهِ الْأَوَّلِ قَبْلَ الْإِنْشَاءِ وَالْآخِرِ

بَعْدَ فَنَاءِ الْأَشْيَاءِ الْعَلِيمِ الَّذِي لَا يَنْسِي مَنْ ذَكَرَهُ

وَلَا يَنْقُصُ مَنْ شَكَرَهُ وَلَا يَخِيبُ مَنْ دَعَاهُ وَلَا يَقْطَعُ

رَجَاءَ مَنْ رَجَاهُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ وَكَفَى بِكَ

شَهِيدًا وَأَشْهَدُ جَمِيعَ مَلَائِكَتِكَ وَسُكَّانِ سَمَوَاتِكَ

وَحَمَلَةِ عَرْشِكَ وَمَنْ بَعَثْتَ مِنْ أَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ

وَأَنْشَأْتَ مِنْ أَصْنَافِ خَلْقِكَ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّكَ أَنْتَ

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ وَلَا عَدِيلَ

وَلَا خُلْفَ لِقَوْلِكَ وَلَا تَبْدِيلَ وَأَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ

عَلَيْهِ وَآلِهِ عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ أَذَى مَا حَمَلْتَهُ إِلَى

الْعِبَادِ وَجَاهِدْ فِي اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ حَقَّ الْجِهَادِ وَأَنَّهُ بَشَرٌ

بِمَا هُوَ حَقٌّ مِنَ الثَّوَابِ وَأَنْذِرْ بِمَا هُوَ صِدْقٌ مِنَ الْعِقَابِ

اللَّهُمَّ ثَبِّتْنِي عَلَى دِينِكَ مَا أَحْيَيْتَنِي وَلَا تُزِعْ قَلْبِي بَعْدَ
 إِذْ هَدَيْتَنِي وَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ
 صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي مِنْ أَتْبَاعِهِ
 وَشِيعَتِهِ وَأَحْشِرْنِي فِي زُمْرَتِهِ وَوَفِّقْنِي لِإِدَاءِ فُرْصِ
 الْجُمُعَاتِ وَمَا أَوْجَبَتْ عَلَيَّ فِيهَا مِنَ الطَّاعَاتِ وَقَسِّمْتَ
 لِأَهْلِهَا مِنَ الْعَطَاءِ فِي يَوْمِ الْجَزَاءِ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ
 دُعَايَ رُؤُوسِهِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 بِسْمِ اللَّهِ كَلِمَةُ الْمُعْتَصِمِينَ وَمَقَالَةُ الْمُتَحَرِّزِينَ
 وَأَعُوذُ بِاللَّهِ تَعَالَى مِنْ جَوْرِ الْجَائِرِينَ وَكَيْدِ الْكَاسِدِينَ
 وَبَغْيِ الظَّالِمِينَ وَأَحْمَدُهُ فَوْقَ حَمْدِ الْكَامِدِينَ اللَّهُمَّ
 أَنْتَ الْوَاحِدُ بِلَا شَرِيكَ وَالْمَلِكُ بِلَا تَمْلِكُ لَا تُضَادُّ
 فِي حُكْمِكَ وَلَا تُنَازِعُ فِي مُلْكِكَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى
 مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَأَنْ تُوزِعَنِي مِنْ شُكْرِ نِعَمِكَ
 مَا تَبْلُغُنِي غَايَةَ رِضَاكَ وَأَنْ تُعِينَنِي عَلَى طَاعَتِكَ
 وَلِزُومِ عِبَادَتِكَ وَأَسْتَخْفِقُ مَثُوبَتِكَ بِلُطْفِ عِنَايَتِكَ

وَتَرَحَّمَنِي بِصَدِّدِي عَنْ مَعَاصِيكَ مَا أَحْيَيْتَنِي وَتَوَفَّقَنِي

لِمَا يَنْفَعُنِي مَا أَبْقَيْتَنِي وَأَنْ تَشْرَحَ بِكِتَابِكَ صَدْرِي

وَتَحُطَّ بِتِلَاوَتِهِ وَزُرِّي وَتَمُنَّ حَيَّ السَّلَامَةِ فِي دِينِي

وَنَفْسِي وَلَا تُوحِشْ بِي أَهْلَ أَنْسِي وَتَتِمَّ إِحْسَانُكَ قَبْلاً

بَقِي مِنْ عُمْرِي كَمَا أَحْسَنْتَ قِيَامَ مَضَى مِنْهُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

وَعَايَ طَلَبَ عَافِيَةٍ أَرْصِيفَةً سَجَّادِيَّةً

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ - اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

وَالِهِ وَالْبُسْنِي عَافِيَتَكَ وَجَلِّلْنِي عَافِيَتَكَ وَخَصِّنِي

بِعَافِيَتِكَ وَآكِرْمَنِي بِعَافِيَتِكَ وَأَغْنِنِي بِعَافِيَتِكَ

وَتَصَدَّقْ عَلَيَّ بِعَافِيَتِكَ وَهَبْ لِي عَافِيَتَكَ وَأَفْرِشْنِي

عَافِيَتَكَ وَأُصْلِحْ لِي عَافِيَتَكَ وَلَا تَفَرِّقْ بَيْنِي وَبَيْنَ

عَافِيَتِكَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

وَعَافِنِي عَافِيَةً كَافِيَةً شَافِيَةً عَالِيَةً نَامِيَةً عَافِيَةً

تُولِدُنِي فِي بَدَنِي الْعَافِيَةَ عَافِيَةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ اللَّهُمَّ

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَمِّنْ عَلَيَّ بِالصَّحَّةِ وَالْأَمْنِ وَالسَّلَامَةِ

فِي دِينِي وَبَدَنِي وَالْبَصِيرَةَ فِي قَلْبِي وَالنَّفَازِي فِي أُمُورِي
 وَالْخَشْيَةَ لَكَ وَالْخَوْفَ وَالْوَجَلَ مِنْكَ وَالْقُوَّةَ عَلَى مَا
 أَمَرْتَنِي بِهِ مِنْ طَاعَتِكَ وَالْإِجْتِنَابَ لِمَا نَهَيْتَنِي
 عَنْهُ مِنْ مَعْصِيَتِكَ اللَّهُمَّ وَأَمِنْ عَلَى بَالِحِجٍّ وَالْعُمَرَاءِ
 وَزُرَّابَةِ قَبْرِ رَسُولِكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَرَحْمَتُكَ وَبَرَكَاتُكَ
 عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ وَآلِ رَسُولِكَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَبَدًا مَا
 أَبْقَيْتَنِي فِي عَامِي هَذَا وَفِي كُلِّ عَامٍ وَاجْعَلْ ذَلِكَ
 مِنِّي مَقْبُولًا مَشْكُورًا مَذْكُورًا لَدَيْكَ مَذْخُورًا عِنْدَكَ
 وَأَنْطِقْ بِحَمْدِكَ وَشُكْرِكَ وَذِكْرِكَ وَحَسَنِ الثَّنَاءِ عَلَيْكَ
 لِسَانِي وَأُشْرَحْ لِمُرَاشِدِ دِينِكَ قَلْبِي وَأَعِزَّنِي وَذَرِّبْنِي
 مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وَمِنْ شَرِّ السَّامَةِ وَالْهَامَةِ
 وَالْعَامَةِ وَالْأَلَامَةِ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ
 وَمِنْ شَرِّ كُلِّ سُلْطَانٍ عَنِيدٍ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ ضَعِيفٍ
 وَشَدِيدٍ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ مُتَرَفٍّ حَفِيدٍ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ
 شَرِيفٍ وَضَيْعٍ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ صَغِيرٍ وَكَبِيرٍ وَمِنْ شَرِّ

كُلِّ قَرِيبٍ وَيَعِيدُ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ مَنْ نَصَبَ لِرَسُولِكَ
 وَلِأَهْلِ بَيْتِهِ حَرْبًا مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ
 دَابَّةٍ أَنْتَ أَخِذُ بِنَاصِيذِهَا إِنَّكَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَمَنْ أَمَرَ دُنِيَ بِسُوءٍ فَأَصْرِفْهُ
 عَنِّي وَادْحَرْ عَنِّي مَكْرَهُ وَادْرَعْ عَنِّي شَرَّهُ وَرُدِّ كَيْدَهُ
 فِي نَحْرِهِ وَاجْعَلْ بَيْنَ يَدَيْهِ سَدًّا حَتَّى تَحْمِي عَنِّي
 بَصَرَهُ وَتُصَمِّمَ عَنْ ذِكْرِي سَمْعَهُ وَتُقْفِلَ دُونَ إِيحَاثِي
 قَلْبَهُ وَتُخْرِسَ عَنِّي لِسَانَهُ وَتَقْتَمِعَ رَأْسَهُ وَتُذِلَّ عِزَّهُ
 وَتَكْسِرَ جَبْرُوتَهُ وَتُذِلَّ رَقَبَتَهُ وَتَقْطَعَ كِبَرَهُ
 وَتُؤْمِنَنِي مِنْ جَمِيعِ ضَرِّهِ وَشَرِّهِ وَغَمِّهِ وَهَمِّهِ وَلَمَزِهِ
 وَحَسَدِهِ وَعَدَاوَتِهِ وَحِبَائِلِهِ وَمَصَائِدِهِ وَرَحِيلِهِ وَخِيَلِهِ
 إِنَّكَ عَزِيزٌ قَدِيرٌ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ

نوافل و اوقات آن

نماز نافله شب باندر روز سنت مؤکداست و آوردن آن از علامت

ایمان است خداوند آن را قرار داد که اگر کسی در نماز واجب شده باشد و خواب

نمازندان جای آنرا بگیرد و تمامی نوافل با نافله شب ^ع و چهار رکعت است
هر دو رکعت بیک سلام.

هشت رکعت نافله ظهر است مقدم بر ظهر. و هشت رکعت نافله
عصر است مقدم بر عصر. و چهار رکعت نافله مغرب بعد از مغرب است.
و دو رکعت نشسته نافله عشاء که یک رکعت حساب میشود و آنرا و تیره
گویند که بعد از نماز عشاء خوانده میشود. و هشت رکعت نافله شب است
و دو رکعت بعد از آن نماز شفع و یک رکعت نماز و تراست انگاه دو رکعت
نماز نافله صبح است که قبل از نماز صبح خوانده میشود.

و اول وقت نافله ظهر از زوال آفتاب است تا وقتی که سایه شاخص
باندازه دو هفتم شاخص بر سایه وقت زوال افزوده شود در جائیکه
وقت زوال شاخص سایه داشته باشد. و اما در جائیکه برای شاخص
سایه نمی ماند پس اول وقت نافله ظهر همان وقتی است که سایه شاخص
معدوم شود و آخر آن وقتی است که سایه بعد از عدم بدو هفتم شاخص
و اول وقت نافله عصر فراغ شدن است از نماز ظهر است که در اول وقت
گذارده شود و آخر آن وقتی است که سایه شاخص بمقدار چهار هفتم

شاخص برسد.

و اول وقت نافله نماز مغرب فارغ شدن از نماز مغرب است که
 در اول وقت گذارده شود و آخر آن بر طرف شدن سرخی است که در جانب
 مغرب بهم میرسد. و اول وقت نافله نماز عشاء تمام شدن اذان نماز
 است اگر در اول وقت گذارده شود و آخر آن تا نصف شب است
 و وقت نماز شب از نصف شب است تا طلوع فجر دوم و بهر
 اندازه که بفجر نزدیک شود فضیلت آن بیشتر است و هرگاه بعد از گذاردن
 چهار رکعت نماز شب فجر دوم طالع شود باقی را مخفف بیاورد و اگر قبل از
 گذاردن چهار رکعت فجر طالع شود نافله شب را ترک نموده و نافله صبح را
 بجا آورده و بنماز صبح مشغول شود.

نماز شب

وقت نافله شب از نیمه شب است تا طلوع فجر صادق و آن مستحب
 مؤکد است و برای نماز شب فوائد و ثواب بسیار است. رسول خدا
 صلی الله علیه و آله فرمود که خواندن نماز شب موجب خوشنودی پروردگار
 و محبت ملائکه است. نماز شب سنت انبیاء و نور معرفت و پایه ایمان

و راحت بدن و سبب خشم شیطان است. فرمود نماز شب سلاح بروشنی
و سبب استجاب شدن دعا و قبول شدن اعمال و وسیله برکت روزیست
و شفیع است بین نمازگذار و ملک الموت و در قبر چراغ و موسس است تا روز
قیامت و جواب منکر و نکیر است و در روایت دیگر است که نماز شب سبب
آسانی سکرات مرگ و وسعت روزی و صحت بدن و روشنائی چهره
و طول عمر است. فوائد نماز شب بسیار و گنجایش بیان زیاده از این
نیست. پس سزاوار است که انسان تا بتواند آنرا ترک نکند و در دل
شب با خدای خود خلوت نموده و از او بخواهد تا اصلاح امر دین و دنیای او
شود ان شاء الله تعالی.

نماز شب یازده رکعت است هر دو رکعت بیک سلام در هر
رکعت یک حمد و یک سوره بخواند و افضل آنست که در رکعت اول بعد
از حمد شئی مرتبه قل هو الله بخواند و در رکعت دوم بعد از حمد قل یا ایها
الکافرون بخواند. و بهر اندازه که نماز طولانی شود فضیلت آن بیشتر است
و قنوت در هر چهار نماز مستحب است و در نماز پنجم که آنرا شفیع گویند قنوت
نیست. و بعد از نماز شفیع نماز وتر است و آن یک رکعت است

بعد از حمد یک سوره بخواند و بهتر آنست که سه مرتبه قل هو الله احد و یک مرتبه
 قل اعوذ برب الفلق و یک مرتبه قل اعوذ برب الناس بخواند انگاه
 قنوت گیرد و دعای قنوت بخواند و گفتن هفصد مرتبه استغفر الله
 ربی و اتوب الیه و صد مرتبه افضل است و هفت مرتبه مستحب
 است بگوید استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القيوم
 من جمیع ظلمی و جرمی و اسرانی علی نفسی و اتوب الیه
 پس از برای چهل نفر از مؤمنین طلب مغفرت نموده نام آورد و مستحب
 است شی صد مرتبه العفو العفو بگوید و در صورتیکه نتواند آنچرا
 که گفته شد بعمل آورد هر چه را که میتواند بیاورد و در قنوت نماز و ترعا
 کردن برای خود و برادران و والدین و همسایگان و ارحام و غیره زند
 و مرده سنت است و خیلی مفید و مؤثر است. اگر شخصی نتواند زیارت
 عربی دعا کند بهتر بانی که میداند خدا را یاد نموده دعا کند البته خدا مستجاب
 خواهد نمود ان شاء الله تعالی. و زیاده از چهل نفر مؤمن را در قنوت و تر
 نام آوردن باکی نیست و اگر مؤمنات را نیز علاوه بر چهل نفر مؤمن یاد کند
 و طلب مغفرت برای آنها نماید موجب اجر است باین طریق اگر طلب مغفرت

شود نیک است اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِفُلَانٍ و بجای فلان نام شخص را بیاورد
خواه مرده باشد یا زنده - و هرگاه نتواند ایستاده بخواند نشسته
میتواند بخواند

احکام مسجد

إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنِ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ

جز این نیست که عمارت میکند مسجد های خدا را کسی که گروید بخدا و روز

الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَجْشِ إِلَّا

باز پسین و برپا داشت نماز را و داد زکوة را و نترسید مگر

اللَّهُ فَعَسَىٰ أَوْلَىٰكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ

از خدا پس شاید انخا که باشند از راه یافتگان

تأسیس نمودن مسجد و آباد کردن آن یکی از احکام اسلام است که شارع

مقدس اُمت را به ایت بآن فرموده و امر با ورودن نماز های پنجگانه در آن

خصوصاً برای همایگان سنت نموده نمود. و دست درك الوسائل است

از امیر المؤمنین ع "لا صلوة لجار المسجد الا في المسجد الا ان

يكون له عند ربه علة" عرض کردند کیست همای مسجد فرمود

کسیکه ندای مؤذن را بشنود. امام باقر ع فرمود کسیکه سجده باندازه
 خوابگاه قطاطی^(۱) بنا کند خدا برای او در بهشت خانه بنا خواهد کرد. امام
 صادق ع فرمود چیزی را که خلاصه آن آنست که چون بدر مسجد رسیدی
 بدان که خانه پادشاهی بزرگی را در دل گرفته ای که قدم نمیکند از در بساط او
 مگر پاکیزگان و اذن داده نمیشود برای شستن در آن مگر صدیقین پس در موقع
 رفتن بطرف مسجد بهیبت خدا را در دل گیر مانند بهیبت پادشاهان چه در
 این موقع اگر غفلت نمودی بر حال خطرناک عظمی خواهی بود رسول خدا صلی
 الله علیه و آله بایوب فرمود ای ابوبکر کلمه پاکیزه صدقه است (یعنی ثواب
 صدقه را دارد) و هر قدمی را که بطرف مسجد میگذاری و میروی صدقه است
 ای ابوبکر کسیکه داعی خدا را (یعنی اذان مؤذن) اجابت نماید و مساجد
 خدا را آباد کند میباشد برای او نزد خدا بهشت ابوبکر عرض کرد چگونه
 مساجد خدا را باید آباد نمود فرمود آواز در آن بلند نشود و گفتگوی باطل
 در آن نشود و خرید و فروش در آن واقع نگردد و تا وقتی که در مسجد میباشی
 از امر بیوده خود داری کن پس اگر آنچه را که گفتم ننمودی ملامت مکن در روز

(۱) قطاط، بحر بی پرندۀ است که بفارسی آنرا سنگوار گویند.

قیامت مگر خود را و باز فرمود پاکیزه کنید مساجد خود را از کوکبان و دیوانگان
 و خرید و فروش در آن - آواز دادن در مسجد برای گم شده و خواندن شعر
 و خوابیدن و استعمال سلاح و غیره مکروه است. پس باید مسجد را برای
 چیزی قرار دیم که بجهت آن وضع شده است مخصوصاً تعاهد تعلیم یعنی
 دیدن تخته کفشها را و موقع ورود مسجد امر شده است تا که کفش خالی
 از کثافت باشد و مستحب است که نمازگذار قبل از همه حاضر شود و آخر از همه
 بیرون آید و در آن موقع مشغول عبادت از نماز و قرآن و ذکر و دعا و امثال
 آن باشد در وقت دخول مسجد پای راست را و در موقع خروج پای
 چپ را مقدم دارد - در مصباح الفقه است که رسول خدا صلی الله علیه
 و آله چون داخل مسجد میشد صلوات میفرستاد و میگفت اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي
 ذُنُوبِي وَافْتَحْ أَبْوَابَ فَضْلِكَ و چون بیرون میآمد همین را نیز میخواند
 نماز جماعت و فضیلت آن

از جمله احکامیکه در اسلام سنت مؤکد است آوردن نمازهای پنجگانه
 شبانه روز است بجماعت حتی بر شخص نابینا نیز مؤکد گردیده و بجماعت
 آوردن نماز صبح و مغرب و عشاء زیاده تأکید شده و در فضیلت نماز جماعت

احادیث بسیار رسیده از آنجمله فرمایش پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله که فرمود
 کسیکه مسجد برای نماز جماعت برود برای اوست در هر قدمی هفتاد حسنه
 و بلند میشود برای او در هر قدمی هفتاد درجه. و فرمود هر رکعتی بیست و چهار
 رکعت محسوب میشود که هر رکعتی از آن نزد خدا محبوبتر است از چهل سال
 عبادت. کسیکه برای نماز جماعت حاضر شود خداوند احوال روز قیامت را
 بر او سبک گرداند و امر نموده او را به بهشت برند.

و در فضیلت نماز جماعت وارد است که با آنکه نماز در مسجد کوفه مقابل
 است با هزار نماز که در بیرون آن آورده شود نماز جماعت افضل است
 از نماز فرادای مسجد کوفه. مخصوصاً در فضیلت نماز مغرب فرموده که ثواب
 نماز مغرب با جماعت برابر است با حجه مقبوله و عمره مقبوله. و برای بقیه
 نمازهای نیز فضائی خاص وارد گردیده و نیز وارد است که نماز پشت سر عالم
 برابر است با هزار نماز. پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود کسیکه نماز خود
 را بجماعت پشت سر عالم بجا آورد مثل آنست که بمن و ابراهیم خلیل الله انمود
 شروط امامت

و شرط است در امام جماعت آنکه مرد. بالغ. عاقل. مؤمن. عادل

باشد و انا بقرائت و احکام لازم نماز باشد و در صورتیکه فقیه اوج
باشد بهتر است.

وامامت زن برای زنان جائز است و امام راتب^(۱) مسجد اولی است
از دیگران و در صورت معارضه بین دو امام برای کسب ثواب آخرت
نه امر دنیائی واقع شود کسی را که مأمومین طالبند مقدم دارند.

احکام نماز جماعت

در صورت اجتماع مردان و زنان برای جماعت. زنان بعد از مردان
صف بندی کنند و مستحب است که پس از مردان سر از سجده بردارند
و سنت است که صفوف نماز را راست و مستقیم بدارند. دوش بدوش
بایستند و بین آنها خالی نباشد که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود شیطان
در بین آنها داخل میشود. و مستحب است افضل و اعلم و اکمل از دیگران
در صف اول بایستند و باید حایلی مانند پرده بین امام و مأموم نباشد مگر
آنکه مأموم زن باشد.

مأموم وقتی اقتدا کند که امام نیت نموده و داخل نماز شده باشد

(۱) مقصود از امام راتب همان امامی است که برای مسجدی معین گردیده.

در حال قیام یا بر کوع رفته باشد. و باید بین امام و مأموم دوری فوق العاده نباشد پس اگر بین جای ایستادن امام و جای سجده مأموم و نیز بین جای ایستادن مأموم جلوس جای سجده مأموم باندازه یک گام باشد باکی نیست. و واجب است در دو رکعت اول مأموم سکوت کند و گوشش بقرائت امام دهد و اگر آواز امام حتی همه را نشنود میتواند آهسته قرائت بخواند و یا مشغول ذکر و تسبیح شود و در دو رکعت اول نماز ظهر و عصر که امام قرائت را آهسته میخواند مستحب است که مأموم مشغول تسبیح و ذکر گردد.

و لازم نیست در نماز جماعت یومیه آنکه نوع نمازی که باشد پس اقتدا بنمازهای یومیه یکی بدیگری مثل نماز ظهر را بعصر و عشاء را بمغرب و امثال آن جائز است. و جائز است اقتداف نمودن نماز تمام را بنماز قصر امام و برعکس و نماز قصر را باداء و ادا را بقضاء.

احکام سفر

بدانکه بر مسافر لازمست که با اخلاق نیکو بهر برخورد و در شدائد تحمل کند با پیش آمد های نا بهنجار با کمال متانت برخورد نماید. از رفقا و مصاحبین خود ملاحظه کند و آنان را بر خود مقدم دارد و با حالت یگانگی

با آنها سرزد. و سائل سفر و توشه خود را قبلاً مهیا نموده تا که بار برد گیران نشود
و حسن معاشرت را با هم سفران از دست ندهد بلکه با طبقات مردم خوش رفتاری
کند. پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود مدارا نمودن با مردم نصف ایمان
است و با نرمی و مهربانی رفتار کردن با آنها نصف عیش است. امام
صادق ع فرمود با هم نشین خود خوش رفتاری کن اگر چه یهودی باشد
و مستحب است که مسافر با خود عصائی از چوب بادام تلخ بگیرد.
و داشتن بعضی تعویذات واروده و موجب حفظ از بدیها است و داشتن
ترتبت حضرت سید الشهداء علیه السلام مستحب است.

امام صادق علیه السلام فرمود گرفتن تسبیح ترتبت امام حسین ع
با خود موجب امان از خوف است. داشتن انگشتر عقیق سبب ایمنی در
سفر است. از خواص عقیق واروده که فقر و درویشی و نفاق را دور
میکند. و پوشیدن آن مبارک است و امید است که موجب عاقبت
بخیری شود و با خود داشتن قرآن مستحب است. و چون شخصی اراده
سفر کند دو رکعت نماز بخواند و دعا برای سلامتی خود و بازماندگان خود نماید
و در موقع بیرون آمدن از خانه تسبیح حضرت زهرا صلوات الله علیها

و سورة حمد و آية الكرسي را بخواند و برای سلامتی صدقه بدد که موجب طول عمر
و دفع بلا و حفظ است. رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود نیست چیزی
مثل صدقه که عمر را زیاد کند و نیست چیزی مثل دعا که بلا را دور میکند و نیست
چیزی که بنده را نورانی کند مثل خلق نیکو و نیست چیزی که گناهان را برود مثل
استغفار. و دادن صدقه ستری است از آتش جهنم و سبب گذشتن
از صراط و ایمنی از عذاب است.

در موقع بیرون آمدن از خانه و یا شھر توکل نموده بیرون آمده بگوید
أَمِنْتُ بِاللّٰهِ وَتَوَكَّلْتُ عَلَى اللّٰهِ مَا شَاءَ اللّٰهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ
و آنچه از آیات قرآنی و دعا و ادوار او که در نظر دارد و بخواند که موجب سلامتی است
انشاء الله تعالی و باید دانست که از آداب مسافرت و اخلاق نیک
سفر یکی آنست که دوستان و علاقه مندان را قراموش نکند و در موقع دعا
آنها را یاد کند و بوسیله کتابت طلاق مندان را از سلامتی خود خوش نماید
و جواب خطوط آنان را بدد.

در اصول کافی از امام صادق ع روایت است که فرمود جواب
خط مثل جواب سلام واجب است روایت محمول است بر شدت

تأکید جواب.

و از جمله آداب سفر آنست که در موقع مراجعت مخصوصاً برای اهل
 و اولاد بقدر قوه خود تحفه آورد و آنها را خوش کند که البته موجب شگفتی
 خداست.

نماز قصر (یعنی گنیم شدن نماز در سفر)

بر مسافر لازمست دانستن برخی از تکالیفی را که در سفر حکم آن تغییر
 خواهد کرد مانند نماز و روزه. پس نماز ظهر و عصر و عشاء هر کدام که چهار
 رکعت است دو رکعت میشود. اما نماز صبح و مغرب همان حال میماند و روزه
 باید ترک شود بشرط آنکه سفر شرعی باشد. و در سفر شرعی پنج شرط است
 اول: آنکه مسافر قصد مسافت شرعی کند و آن بیست و چهار میل^{۲۴}
 شرعی است که معادل با بیست و هفت میل^{۲۷} عادیست. و هر یک میل^{۲۷}
 شرعی یک فرسخ میشود.

دوم: آنکه سفر حرام نباشد مانند سرزدی یا قتل نفس و یا
 قصد کاری که خلاف شرع باشد مثل سفر برای قمار و امثال آن و سفر
 زن بدون اجازه شوهر جائز نیست مگر آنکه سفر حج واجب باشد که جائز است

سوم: آنکه کثیر السفر نباشد یعنی همیشه در سفر باشد

چهارم: آنکه خانه گرد نباشد

پنجم: در بین سفر قصد اقامه نکند چه اگر قصد ماندن ده روز در جایی

نمود. نماز را باید تمام و روزه را بگیرد و اگر مرد و بماند تا شش روز نماز را قصر بخواند

و چون شش روز تمام شود باید نماز را تمام بخواند و روزه را بگیرد اگر چه برای

یک روز بماند.

نماز قضا و احکام آن

واجبست بر کسیکه نماز وی فوت شده باشد عذرا یا سهوا و یا بجهت

بیماری و یا نبودن طهارت یا آنکه نماز را بصورت باطل آورده. آنکه نماز خود را

قضا کند و بهتر آنست که نماز فوت شده خود را قبل از نماز فریضه بجا آورد

و در صورت تنگی وقت نماز اول باید فریضه را آورد بعد از آن نماز فوت شده

را بقسیمی که از او فوت شده قضا نماید. پس اگر قصر است قصر قضا

کند اگر چه در حضر باشد و اگر نماز تمام فوت شده باید تمام قضا نماید اگر چه

در سفر باشد و قضای نمازهای نافله بریه مستحب است.

نماز والدین

نمازیکه از پدر بسبب مرض یا عذر دیگری فوت شود قضاء آن بعد از موت وی بر پدر بزرگ نیز واجبست بلکه قضا نمودن تمام نمازهای فوت شده پدر و قضاء نمازهای مادر را نیز پدر بزرگ نیز منطور بدارد سبب اجر خواهد بود چه خدمت بوالدین بهر عنوانی که باشد در حیات و یا بعد از موت آنها سبب تولید خیر و سعادت در دنیا و آخرت برای فرزند خواهد بود ان شاء الله تعالی

نماز اجاره

جائز است اجیر شدن بعنوان نیابت برای آوردن نماز و یا عبادات دیگر جهت میت چنانکه تبرع یعنی بدون هیچ عوض هم جائز است پس اگر کسی از طرف میت قربة الی الله نمازهای او را قضا کند و میت فارغ میشود و نایب نیز مأجور خواهد بود ان شاء الله تعالی

امام صادق غ فرمود چه بسیار میشود که میت در تنگی و سختی است ولی خداوند بسبب آن نماز قضا میت را آسایش میدهد و باو گفته میشود که این تنگی بر تو تخفیف یافت بجهت فلان برادر تو.

و در نماز قضا جائز است که زن از طرف مرد و مرد از طرف زن قضا

نماید و هر کدام باید بتکلیف خود عمل نماید. و اجیر باید عاقل و بالغ باشد و متق
یعنی قابل اعتبار باشد مجتهد باشد یا آنکه تقلید کند و یا آنکه بتواند مطابق
احتیاط عمل کند و در ولی میت خواه پس بزرگ باشد یا دیگری جائز
است که نماز را خود بخواند و دیگری را اجیر نموده که نمازهای میت را بجا آورد.
اجیر نمیتواند دیگری را اجیر کند مگر با اجازه کسی که او را اجیر نموده. و جائز
است اشخاص متعدد اجیر برای عبادت یک نفر شوند مگر در حج که باید
یک نفر حج را بعنوان نیابت بجا آورد.

نماز آیات

مقصود از آیات گرفتن آفتاب که آن را کسوف و گرفتن ماه که
آنرا خسوف گویند و زلزله و طوفان و بادهای سخت و رعد و برف و هر چه
که سبب ترس و خوف نوع مردم شود پس در این صورت خواندن نماز
آیات بر مکلف واجب است. و آن دو رکعت است در هر رکعتی
پنج رکوع است باین ترتیب که بعد از نیت الله اکبر گوید آنگاه حمد
و سوره خوانده بر رکوع رود پس از ذکر رکوع سر بلند نموده حمد و سوره بخواند
باز بر رکوع رود و بعد از ذکر رکوع سر بلند نموده و باز حمد و سوره بخواند و بر رکوع

رود و باز بعد از ذکر سر بلند نموده حمد و سوره بخواند و بر رکوع رود پس از ذکر
 رکوع سر بلند نموده حمد و سوره بخواند و بر رکوع رود و بعد از ذکر رکوع سر
 بلند نموده سَمِيعَ اللّٰهِ لِمَنْ حَمِدَهُ و تکبیر گفته بسجود رود و بعد از سجده ثانی
 برای رکعت دوم بر میخیزد در رکعت دوم را مانند رکعت اول بجا آورد و بعد
 از سجده ثانی تشهد و سلام دهد و مستحب است که بعد از حمد و سوره قبل از
 رکوع دوم و چهارم در رکعت اول - و قبل از رکوع اول و سوم و پنجم
 رکعت دوم قنوت بخواند و اگر قبل از رکوع پنجم و دهم دو قنوت بیاورد
 نیز جایز است.

و طریق دیگر نماز آیات آنست که در هر رکعت یک حمد بخواند و یک
 سوره را بر پنج قیام قسمت نماید باین قسم که حمد را در همان قیام اول بخواند
 و شروع بسوره کند و قسمتی از آنرا بخواند و بر رکوع رفته بلند شود و قسمت دیگر
 سوره را بخواند و بر رکوع رود و سر بلند نموده قسمت دیگر سوره را بخواند
 تا پنج مرتبه چنین کند و چون در رکعت دوم داخل شود نیز چنین نماید
 و نماز را تمام کند

مثلاً - بعد از حمد بگوید بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ قُلْ هُوَ اللّٰهُ

أَحَدُ بَرَكُوعٍ مِيرُود و سِر بلند میکند بگوید اللَّهُ أَكْبَرُ بَرَكُوعٍ مِيرُود و سِر
 بلند نموده بگوید اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ و بگوید و اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
 رُو و بعد از سِر بلند نمودن بگوید و اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ و اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
 بَرَكُوعٍ رَفْتَه و سِر بلند نموده و نماز را تمام کند - و در صورتیکه نماز خسوف
 و کسوف فوت شود قضای آن واجب است مگر آنکه از گرفتن آن
 بی خبر باشد و هرگاه تمام قرص گرفته شود قضای آن واجب است اگرچه
 بعد باخبر شود و اما باقی آیات پس آوردن آن واجب است در هر
 وقت که ممکن شود.

نماز عید فطر

عید فطر روز اول ماه شوال است و وقت نماز آن از طلوع
 آفتاب است تا زوال و مستحب است که پس از بلند شدن آفتاب شروع
 بنماز کند و با جماعت بخواند و در صورتیکه فوت شود قضای ندارد - و آن دو
 رکعت است و در رکعت اول بعد از حمد سوره تَبَارَكَ اسْمُ رَبِّكَ الْأَعْلَى
 بخواند پس دستها را بلند نموده پنج قنوت بگیرد و در هر قنوت دعای قنوت
 را بخواند و در رکعت دوم بعد از حمد سوره وَالشَّمْسُ بخواند پس از آن

چهار قنوت بگیرد و همان دعا را بخواند انگاه برکوع و سجود رفته نماز را تمام کند
و دعای قنوت اینست اَللّٰهُمَّ اَهْلَ الْکِبَرِیَّاءِ وَالْعَظَمَةِ
وَاَهْلَ الْجُودِ وَالْجَبَرُوتِ^(۱) وَاَهْلَ الْعَفْوِ وَالرَّحْمَةِ وَاَهْلَ
التَّقْوٰی وَالْمَغْفِرَةِ اَسْئَلُکَ بِحَقِّ هَذَا الْیَوْمِ الَّذِیْ جَعَلْتَهُ
لِلْمُسْلِمِیْنَ عِیْدًا وَرَحْمَةً صَلِّیْ اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ ذُرَّیًّا
وَشَرَفًا وَکَرَامَةً وَمَزِیْدًا اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِ
مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَدْخُلْنِیْ فِیْ کُلِّ خَیْرٍ اَدْخَلْتَ فِیْهِ مُحَمَّدًا
وَاٰلَ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُخْرِجَنِیْ مِنْ کُلِّ سُوْءٍ اَخْرَجْتَ مِنْهُ مُحَمَّدًا
وَاٰلَ مُحَمَّدٍ صَلِّوْا نَکَ عَلَیْهِ وَعَلِیْهِمُ اللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُکَ خَیْرَ
مَا سَأَلْتُکَ بِهٖ عِبَادُکَ الصَّالِحُوْنَ وَاَعُوْذُ بِکَ مِنْمَا اسْتَعَاذَ
مِنْهُ عِبَادُکَ الْمُخْلَصُوْنَ .

ترجمہ دعا :- بارخدا یا توئی سزاوار بزرگی و بزرگواری سزاوار
سخا و جبروت و سزاوار بخشش و رحمت و سزاوار تقوی و آمرزش

(۱) جبار :- صاحب شان و بزرگ در ملک و سلطنت را گویند و نیز کسی را گویند که
اصلاح حال بندگان را نماید .

سؤال میکنم تو را بحق این روز انچه نیکه قرار دادی ان را از برای مسلمانان
عید و از برای محمد صلی الله علیه و آله ذخیره و شرافت و بزرگی و افزونی
اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه داخل نمائی مراد هر خوبی که
داخل نمودی در آن محمد و آل محمد را و اینکه بیرون آوری از آن محمد
و آل محمد را در و باد بر او و بر روان اهل بیت او خدایا سؤال میکنم
از تو بهترین چیزی را که سؤال نمودند از تو بندگان شایسته تو و پناه
میرم بتو از هر چیزی بدی که پناه بردند از آن بندگان مخلص تو.

و در صورتیکه آن دعا را نداند هر دعائی را که میداند بخواند - و میشود
دیگری این دعا را بخواند و او همراهی نماید و ممکن است از روی نوشته
خوانده شود و بعد از نماز و خطبه آورده شود و ترک آن در عصر غیبت
جائز است و در این نماز اذان و اقامه نیست ولی مستحب است که
ثوذن سه مرتبه الصلوة بگوید و در صورتیکه دو سوره را نداند هر سوره که میداند
میتواند بخواند و مستحب است که امام بقرائت جهر نماید و در حال تکبیرات
و استهوار بلند کند و نیز مستحب است که این نماز در صحراء باشد مگر در مکانی
که آوردن آن در مسجد الحرام مستحب میباشد.

نماز عید قربان

که روز دهم ذوالحجه است مانند نماز عید فطر است برخی از علماء
مثل مجلسی در زاد المعاد این دو نماز را در عصر غیبت امام زمان علیه السلام
با جماعت واجب دانسته اند و کسیکه نتواند با جماعت بخواند فرادانیز
میتواند بخواند و خطبه بر او نیست.

و اما باقی نمازهای واجب - پس نماز میت و نماز طواف
در احکام اموات و حج بیان شده است و اما نمازی که بنذر و عهد
و قسم واجب میشود پس باید کیفیت آن مخالف کیفیت نمازهای
متعارف شرع نباشد و بگفتن نَذَرْتُ لِلّٰهِ عَلَيَّ كَذَا نذر منعقد
میشود یعنی نذر نمودم برای خدا چنین كذا گنایه است از آنچه که بر خود بنذر
واجب گردانیده و در عهد بگفتن عَاهَدْتُ اللّٰهَ منعقد میگردد
و بغیر عربی هم صحیح است و هرگاه خلاف نذر یا عهد و یا قسم واقع شود
کفاره واجب میگردد و کفاره خلاف نذر مثل کفاره افطار
نمودن یک روز از ماه رمضان است پس منجز است بین آنکه بنذر
آزاد کند یا دو ماه پی در پی روزه گیرد و یا آنکه شصت مسکین را خوراک دهد

و کفاره قسم آزاد کردن یک بنده یا خوراک دادن ده مسکین یا
جامه دادن آنها است. و اگر از هر دو عاجز شود سه روزه روزه گیرد.
و کفاره خلاف عهد مانند کفاره قسم است.

نمازهای مستحقی

نمازهای مستحقی دو قسم است. یک قسم آن از شرع رسیده
مثل نمازهای نیکه بیان میشود و قسم دیگر آن نمازهای دور کعتی است که
برای کسب ثواب بجا آورده میشود و آوردن نوع آن از طرف شرع
مجاز است چه فرمود نماز بهترین موضوعی است هر که خواهد کم یا زیاد بخواند
میتواند. و این قسم نماز را مبتدئه میگویند و آوردن آن در پنج وقت
مکروه است اول: بعد از نماز صبح تا طلوع آفتاب دوم: وقت
طلوع آفتاب تا پهن شدن آن سوم: وقت بلند شدن آفتاب
که وقت رسیدن آنست بدائرة نصف النهار تا زوال چهارم: بعد
از نماز عصر پنجم: وقتی که آفتاب میل بزدی کند تا غروب.

و اما نمازهای مستحقی که بطور خاص از طرف شرع وارو شده بسیار
است و آوردن هر یک خصوصیتی خاص و اثری جداگانه دارد. از جمله آن

نماز اول هر ماه است که برای سلامتی ماه وارده است.

نماز اول هر ماه

وآن دو رکعت است رکعت اول بعد از حمدی مرتبه قل هو الله احد و رکعت دوم بعد از حمدی مرتبه انا انزلناه بخواند پس از نماز این آیات را بخواند بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِی الْاَرْضِ اِلَّا عَلٰی اللّٰهِ رِزْقُهَا وَیَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا كُلُّ فِیْ کِتَابٍ مُّبِیْنٍ . بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ وَاِنْ یَمْسَسْکَ اللّٰهُ بَصْرَیْ فَلَکَ اَشْفَ لَهٗ اِلَّا هُوَ وَاَنْ یُّرِدْکَ بِخَیْرٍ فَلَیْسَ اَرَادَ لِفَضْلِهٖ یُصِیْبُ بِهٖ مَنْ یَّشَآءُ مِنْ عِبَادِهٖ وَهُوَ الْغَفُوْرُ الرَّحِیْمُ . بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ سَیَجْعَلُ اللّٰهُ بَعْدَ عُسْرٍ یُسْرًا مَا شَآءَ اللّٰهُ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ حَسْبُنَا اللّٰهُ وَنِعْمَ الْوَكِیْلُ وَاُفَوِّضُ اَمْرِی اِلَى اللّٰهِ اِنَّ اللّٰهَ بِصِرِّ الْعِبَادِ لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَکَ اِنِّیْ کُنْتُ مِنَ الظَّالِمِیْنَ رَبِّ اِنِّیْ لِمَا اَنْزَلْتَ اِلَیَّ مِنْ خَیْرٍ فَقِیْرٌ رَبِّ لَا تَذَرْنِیْ فَرْدًا وَاَنْتَ خَیْرُ الْوَارِثِیْنَ

پس از آن صدقه دهد ان شاء الله سلامتی آن ماه را خریده است
و اگر روز اول ماه ممکن نشد روز بعد از آن تا هر وقت ممکن شود بخواند.

نماز فرزند برای پدر و مادر

و آن دو رکعت است رکعت اول بعد از حمد ده مرتبه سُبْحَانَكَ رَبِّیَّ

اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ

(یعنی ای پروردگار من پیامر مرا و پدر و مادر مرا و ایمان آورندگان را

روزی که برپا میشود حساب) و رکعت دوم بعد از حمد ده مرتبه سُبْحَانَكَ رَبِّیَّ

اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ

وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ (یعنی پروردگار ای پیامر مرا و پدر

و مادر مرا و کسی که در خانه من وارد شده از ایمان آورندگان (مردانه و زنانه)

و چون سلام دهد ده مرتبه بگوید رَبِّیَّ ارْحَمْهُمَا کَمَا رَبَّتَانِي صَغِيرًا

(یعنی پروردگار ای پیامر از آنها را چنانکه تربیت نمودند مرا در کودکی).

نماز مضطر

و آن چهار رکعت است بدو سلام. رکعت اول بعد از حمد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ و پنج مرتبه بگوید اُنْفِضْ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ (یعنی واکندار نمودم

کار خود را بخدا) و در رکعت دوم بیست و پنج مرتبه بگوید لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ
سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ فَاسْتَجِبْنَا لَهُ وَنَجِّنَاهُ
مِنَ الْغَمِّ وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ (یعنی نیست خدائی مگر تو،
منزهی تو بدستیکه بوم من از ظلم کنندگان. پس استجاب نمودیم برای
او و نجات دادیم او را از غم و این چنین نجات میدادیم ایمان آورانندگان را)
و در رکعت سوم و چهارم بعد از حمد بیست و پنج مرتبه بگوید حَسْبِيَ اللَّهُ
وَنِعْمَ الْوَكِيلُ (یعنی کافیت برای من خدا و نیکو و کیلی است
برای من) و بعد از سلام بیست و پنج مرتبه بگوید اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ و عرض مطلب کند انشاء الله برآورده است.

نماز روز نوروز

نوروز روز اول حمل است که اول ماه فروردین باستانی
است و از برای آن نماز نیست از حضرت امام جعفر الصادق علیه السلام
روایت شده که بعلی بن خنیس فرمود چون روز نوروز شود - روزه بگیر غسل
کن و پاکیزه ترین جامه های خود را بپوش و به بهترین بوی خود را خوشبو
کن و چون از نماز ظهر و عصر و نافله آنها فارغ شوی چهار رکعت نماز کن

هر دو رکعت بیک سلام رکعت اول بعد از حمد ده مرتبه اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ
 و رکعت دوم بعد از حمد ده مرتبه قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ و رکعت سوم
 بعد از حمد ده مرتبه قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ و رکعت چهارم بعد از حمد ده مرتبه
 قُلْ اَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ و قُلْ اَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ بخوان چون
 از نماز فارغ شوی بسجده رُو و خدا را شکر کن و این دعا را بخوان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
 وَآلِ مُحَمَّدٍ إِلَّا وَصِيَّاءَ الْمَرْضِيِّينَ وَعَلَى جَمِيعِ أَنْبِيَائِكَ
 وَرُسُلِكَ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ وَبَارِكْ عَلَيْهِمْ بِأَفْضَلِ
 بَرَكَاتِكَ وَصَلِّ عَلَى أَرْوَاحِهِمْ وَأَجْسَادِهِمْ
 اللَّهُمَّ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ لَنَا فِي يَوْمِنَا
 هَذَا الَّذِي فَضَّلْتَهُ وَكَرَّمْتَهُ وَشَرَّفْتَهُ وَعَظَّمْتَ
 خَطَرَهُ اللَّهُمَّ بَارِكْ لِي فِيْمَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ حَتَّى
 لَا أَشْكُرَ أَحَدًا غَيْرَكَ وَرَتِّعْ عَلَيَّ فِي رِزْقِي يَا ذَا الْجَلَالِ
 وَالْإِكْرَامِ اللَّهُمَّ مَا غَابَ عَنِّي فَلَا يَغِيبَنَّ عَنِّي عَوْنُكَ
 وَحِفْظُكَ وَمَا فَقَدْتُ مِنْ شَيْءٍ فَلَا تُفْقِدْنِي عَوْنُكَ


عَلَيْهِ حَتَّى لَا آتَكَ كَلْفَ مَالٍ أَوْ حَاجُ إِلَيْهِ يَأْذَا الْجَلَالِ
وَالْإِكْرَامِ چُون چنین کنی گناهان پنجاه ساله تو آمرزیده شود
انگاه فرمود ای معلى در این روز بسیار بگو یا ذا الجلال والاکرام
اعمال روز نوروز

در منهج العارفين قسمتی از اعمال روز نوروز را نقل نموده که در
کتاب مشهوره روایت نشده و چون خواندن دعا بقصد رجاء و امیدواری
برحمت حق مطلوب است در اینجا ایراد میشود از آن جمله روایت
نموده که در روز نوروز بعد و ایام سال بخوان اللَّهُمَّ هَذِهِ
سَنَةٌ جَدِيدَةٌ وَأَنْتَ مَلِكٌ قَدِيمٌ أَسْأَلُكَ خَيْرَهَا
وْخَيْرَ مَا فِيهَا وَأَعُوذُ بِكَ شَرِّهَا وَشَرِّ مَا فِيهَا وَاسْتَكْفِيكَ
مُؤْنَتَهَا وَشُغْلَهَا يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ - و نیز روایت
نموده که این دعا را در روز نوروز وقت طلوع آفتاب باید خواند اللَّهُمَّ
إِنِّي أَعُوذُ بِنُورِ قُدْسِكَ وَعَظْمَةِ طَهَارَتِكَ وَبَرَكَاتِ
جَلَالِكَ مِنْ كُلِّ آفَةٍ وَعَاقِبَةٍ وَمِنْ طَوَارِقِ اللَّيْلِ
وَالنَّهَارِ وَالْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَالْأَطَارِقِ يَطْرُقُ بِخَيْرٍ

يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ اللَّهُمَّ أَنْتَ غِيَاثِي فَبِكَ أَعُوذُ وَأَنْتَ
 عِيَاذِي فَبِكَ أَعُوذُ وَأَنْتَ مَلَاذِي فَبِكَ أَلُوذُ يَا مَنْ
 ذَلَّتْ لَهُ الْجَبَابِرَةُ وَخَضَعَتْ لَهُ أَعْنَاقُ الْفَرَاغَةِ
 وَأَعُوذُ بِجَلَالِ وَجْهِكَ مِنْ خِزْيِكَ وَمِنْ كَشْفِ سِتْرِكَ
 وَمِنْ نِسْيَانِ ذِكْرِكَ وَتَقْصِيرِ مِنْ شُكْرِكَ أَنَا فِي حِرْزِكَ
 لَيْلِي وَنَهَارِي وَنَوْمِي وَقَدَارِي وَوَطَنِي وَاسْفَارِي
 وَذِكْرِكَ شِعَارِي وَشَاوُكَ دِتَارِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ تَنْزِيهَا
 لِاسْمِكَ وَتَكْرِيماً لِسُبْحَاتِ وَجْهِكَ أَجْرِي مِنْ خِزْيِكَ
 وَمِنْ سُوءِ عِقَابِكَ وَقِنِي مِنْ سَيِّئَاتِ عَذَابِكَ
 وَأَدْخِلْنِي فِي حِفْظِكَ وَعِنَايَتِكَ وَعُدْ عَلَيَّ بِخَيْرِ
 مِنْكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى
 مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ وَنِزْمِ رُوسِيتِ که در روز نوروز این
 دعا را سه مرتبه بر آب پاک بخوان و از آن آب تو و اهل خانه ات
 بیاشامید و در چهار گوشه های خانه بپاشید خدا شما را از همه بلاها
 و آفتها محافظت خواهد نمود بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُ رَبِّي اللَّهُ رَبِّي رَبِّي اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ رَبِّي اللَّهُ
 يُحْيِي وَيُمِيتُ حَسْبُنَا رَبُّنَا رَبِّي رَبِّي رَبِّي رَبِّي رَبِّي
 رَبِّي رَبِّي اللَّهُمَّ احْفَظْنَا مِنَ الْقَحْطِ وَالطَّاعُونِ
 وَالْغَرَقِ وَالْحَرَقِ وَالْمَوْتِ وَسُوءِ الْقَضَاءِ وَشِمَاتَةِ
 الْأَعْدَاءِ وَشَرِّ كِتَابٍ سَبَقَ رَبُّنَا كُشِفَ عَنْنَا
 الْعَذَابُ إِنَّا مُوقِنُونَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
 ودر تحفه العوام است که از انا موقنون تا آخر هفته آن را تکرار کند
 و دارد است که این دعا را روز نوروز بشک و در عفران نوشته و در
 آب اندازد هر کس از آن آب بخورد خدا او را از قحط و طاعون و وباء
 و شماتت اعداء و مرگ مفاجات و همه آفات و بلیات در حفظ و حمایت
 خود نگاه دارد و جمیع شدتها و المها و غمها و همتهای او را زایل گرداند
 و تا سال دیگر بر دشمنان غالب باشد بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 رَبِّي اللَّهُ رَبِّي الْوَاحِدُ رَبِّي الْحَيُّ الْقَيُّومُ رَبِّي الَّذِي
 يُحْيِي وَيُمِيتُ رَبِّي الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ حَسْبُنَا رَبُّنَا
 حَسْبِيَ رَبِّي اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ مِنَ الطَّعْنِ وَالطَّاعُونِ

وَالْوَبَاءَ وَالْبَلَاءَ وَمَوْتَ الْفُجَاءَةِ وَسُوءَ الْقَضَاءِ وَشِمَاتَةَ
 الْأَعْدَاءِ وَمِنْ شَرِّ مَا سَبَقَ رَبَّنَا صَرَفَ عَنَّا الْعَذَابَ
 إِنَّا مُؤْمِنُونَ حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ نِعْمَ الْمَوْلَى
 وَنِعْمَ النَّصِيرُ فَاللَّهُ خَيْرٌ حَافِظًا وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ
 وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَعَلَّتْهُ الطَّيِّبَاتُ
 الطَّاهِرَاتُ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ - و نیز وارد است

که روز نوروز هر که این کلمات را بنویسد و با خود دارد هیچ موزنی باو
 اذیت نتواند رساند لاحول و لا قوه الا بالله العلی العظیم
 اَعُوذُ بِرَبِّ السُّهَى وَالشَّهِيَّةِ مِنَ الْعَقَرِ وَالشَّارِقِ
 وَالْحَيَّةِ اَاه و  و در تحفه العوام است

که خواندن هفت سوره در روز نوروز موجب سلامتی از آفات
 و بلیات است تا سال آینده سوره بنی اسرائیل ، نور ،
 حدید ، حشر ، صف ، معارج ، اعلی و از برای وقت
 تحویل نیز اعمالی نقل نموده اند چنانکه بیان میشود.

اعمال وقت تحویل آفتاب برج حمل

احکام نوروز بر دو قسم است یکی راجع بر روز نوروز که بیان شد
 و دیگری راجع بوقت تحویل آفتاب است برج حمل علامه مجلسی علیه الرحمه
 در زاد المعاد مینویسد که در کتب غیر مشهوره روایت شده وقت تحویل
 این وعار بسیار بخواند و بعضی سیصد و شصت و شش مرتبه گفته اند
 يَا مُحَوِّلَ الْحَوْلِ وَالْأَحْوَالِ حَوِّلْ حَالَنَا إِلَى أَحْسَنِ
 الْحَالِ (یعنی ای تغییر دهنده سبال و حالات برگردان حال ما را
 به بهترین حالات) و بروایت دیگر است يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ
 وَالْأَبْصَارِ يَا مُدَبِّرَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ يَا مُحَوِّلَ الْحَوْلِ
 وَالْأَحْوَالِ حَوِّلْ حَالَنَا إِلَى أَحْسَنِ الْحَالِ - و در منهل ج
 العارفین است که خواندن این دعا بعد دایم سال در وقت تحویل
 شمس برج حمل وارد شده يَا مُفَتِّحَ الْأَبْوَابِ وَيَا مُسَبِّبَ
 الْأَسْبَابِ وَيَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ وَيَا مُدَبِّرَ
 اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ يَا مُحَوِّلَ الْحَوْلِ وَالْأَحْوَالِ حَوِّلْ حَالَنَا
 إِلَى أَحْسَنِ الْحَالِ يَا غَنِيَّ يَا غَنِيَّ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ

يَا دَلِيلَ الْمُتَحَيِّرِينَ يَا رَاحِمَ الْمَسَاكِينِ تَوَكَّلْتُ عَلَيْكَ
يَا رَبِّ وَقَوَّضْتُ أَمْرِي إِلَيْكَ يَا رَبِّ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ
إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ ^{٢٧} وَإِيضًا ابْنُ عَبَّاسٍ وَهَفَّتْ مَرَّةً
وَارِدًا اسْتَبْسَمَ اللَّهُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ يَا كَرِيمُ اللَّهُمَّ
بَارِكْ لَنَا هَذِهِ السَّنَةَ وَبَلِّغْنَا مِنْ أَوَّلِ هَذِهِ السَّنَةِ
إِلَى آخِرِهَا سَلَامِينَ وَاحْفَظْنَا مِنْ شَرِّ الظَّالِمِينَ بِحَقِّ
حِفْظِنَا هَامِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ وَبِحَقِّ سَلَامٍ قَوْلًا
مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ وَبِحَقِّ نَا لَلَّهِ خَيْرُ حَافِظًا وَهُوَ أَرْحَمُ
الرَّاحِمِينَ وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَالْأَئِمَّةِ
الْمَعْصُومِينَ الْهَادِينَ الْمُهْدِيِّينَ يَا مُحَوِّلَ الْحَوْلِ
وَالْأَحْوَالِ حَوِّلْ حَالَنَا إِلَى أَحْسَنِ الْحَالِ يَا مُقَلِّبَ
الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ وَيَا مُدَبِّرَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ يَا مُحَوِّلَ
الْحَوْلِ وَالْأَحْوَالِ حَوِّلْ حَالَنَا إِلَى أَحْسَنِ الْحَالِ يَا
عَزِيزُ يَا غَنِيُّ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ يَا مُغِيثُ يَا
مُغِيثُ يَا مُغِيثُ يَا غَوْثَاهُ يَا غَوْثَاهُ وَسَّ مَرَّةً

بگوید و اُقَوِّضُ امْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ
 و س مرتبه بگوید یا ارحمن و س مرتبه یا ارحم الراحمین
 یا ارحم الراحمین و ایضا مرویست که هر کس این دعا را
 هفت مرتبه در اول سال بخواند خدا و ملک را موکل او گرداند که تا
 آخر سال او را محافظت کند بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 اللَّهُمَّ أَنْتَ الْبَدِيُّ الْقَدِيمُ وَالْحَيُّ الْكَرِيمُ الْحَنَّانُ
 الْمَنَّانُ هَذِهِ سَنَةٌ جَدِيدَةٌ وَأَنْتَ مَلِكٌ قَدِيمٌ أَسْأَلُكَ
 فِيهَا الْعِصْمَةَ مِنَ الشَّيْطَانِ وَالنَّجَاةَ مِنَ النَّيِّرَانِ
 وَالْعَوْنَ عَلَى هَذِهِ النَّفْسِ الْأَمَّارَةِ بِالسُّوءِ وَالْإِسْتِغَاثَ
 بِمَا يُقَرِّبُنِي لَدَيْكَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ بِرَحْمَتِكَ
 يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ و ایضا این دعا هفت مرتبه وارداست
 اللَّهُمَّ هَذِهِ سَنَةٌ جَدِيدَةٌ وَأَنْتَ مَلِكٌ قَدِيمٌ أَسْأَلُكَ
 حُبَّكَ وَحُبَّ مَنْ يُحِبُّكَ وَحُبَّ كُلِّ عَمَلٍ يُقَرِّبُنِي إِلَيْكَ
 يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ و ایضا وارداست که در این
 وقت سیصد و شصت نوبت آیه الکرسی را بخواند و هفت نوبت

دقیقه و پنجاه و نه که مقدار دوره سال است از تحویل آفتاب سال
گذشته بگذرد باز آفتاب برج حمل سال نو داخل میشود و آن ساعت
تحویل و اول سال جدید است پس اگر این واقعه صبح الی قبل از زوال
واقع شود همان روز روز نوروز است - و اگر تحویل از زوال بعد واقع گردد
پس نوروز که عید باستانی و اول فروردین است روز بعد واقع
خواهد شد.

نماز حضرت امیر المؤمنین ع

از حضرت صادق ع روایت شده هر که نماز امیر المؤمنین ع را
بجا آورد از گناهان بیرون آید مانند طفلی که از مادر متولد شود و حاجت‌هایش
برآورده شود و آن چهار رکعت است در هر رکعت حمد یک مرتبه و پنجاه
مرتبه قل هو الله احد و چون فارغ شود این دعا را بخواند سُبْحَانَ
مَنْ لَا تَبْدِيدُ مَعَالِمُهُ سُبْحَانَ مَنْ لَا تَنْقُصُ خَزَائِنُهُ
سُبْحَانَ مَنْ لَا إِضْمِحُّ حَلَالُ لِفَخْرِهِ سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنْفَدُ
مَا عِنْدَهُ سُبْحَانَ مَنْ لَا انْقِطَاعَ لِمُدَّتِهِ سُبْحَانَ

مَنْ لَا يُشَارِكُ أَحَدًا فِي أَمْرِهِ سُبْحَانَ مَنْ لَا إِلَهَ غَيْرُهُ
 بِسْ وَعَاكُنْ وَبَعْدُ كَبُودِ يَا مَنْ عَفَا عَنِ الشَّيْئَاتِ وَلَمْ يُجَازِ
 بِهَا أَرْحَمَ عَبْدِكَ يَا اللَّهُ نَفْسِي نَفْسِي أَنَا عَبْدُكَ يَا سَيِّدَهُ
 أَنَا عَبْدُكَ بَيْنَ يَدَيْكَ يَا رَبَّاهُ إِلَهِي بِكُنُوتِكَ يَا أَمْلَأَ
 يَا رَحْمَانَاهُ يَا غِيَاثَاهُ عَبْدُكَ عَبْدُكَ لَا حِيلَةَ لَهُ يَا مُنْتَهَى
 رَغْبَتَاهُ يَا مُجَرِّي الدَّمِ فِي عُرْوِي عَبْدُكَ يَا سَيِّدَاهُ يَا مَالِكَاهُ
 يَا هُوَا يَا هُوَا يَا رَبَّاهُ عَبْدُكَ عَبْدُكَ لَا حِيلَةَ لِي وَلَا غِنَى
 لِي عَنْ نَفْسِي وَلَا أَسْتَطِيعُ لَهَا ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَلَا أَجِدُ مَنْ
 أَصَانِعُهُ تَقَطَّعَتْ أَسْبَابُ الْخَدَايِعِ عَنِّي وَاضْمَحَلَّ كُلُّ
 مَظْنُونٍ عَنِّي أَفَرَدَنِي الدَّهْرُ إِلَيْكَ فَقُمْتُ بَيْنَ يَدَيْكَ
 هَذَا الْمَقَامَ يَا إِلَهِي بِعِلْمِكَ كَانَ هَذَا كُلُّهُ نَكِيفَ أَنْتَ
 صَانِعُ بِي وَلَيْتَ شِعْرِي كَيْفَ تَقُولُ لِدُعَائِي أَتَقُولُ نَعَمْ
 أَمْ تَقُولُ لَا فَإِنْ قُلْتَ لَا فَيَا وَيْلِي يَا وَيْلِي يَا وَيْلِي يَا عَوْلِي
 يَا عَوْلِي يَا عَوْلِي يَا شَقَوْتِي يَا شَقَوْتِي يَا شَقَوْتِي يَا ذُلِّي
 يَا ذُلِّي يَا ذُلِّي إِلَى مَنْ وَمِمَّنْ أَوْعِنْدَ مَنْ أَوْ كَيْفَ أَوْ مَاذَا أَوْ

إِلَى أَيْ شَيْءٍ الْجَاوِمِ مِنْ أَرْجُو وَمَنْ يَجُودُ عَلَيَّ بِفَضْلِهِ حِينَ
 تَرْفُضُنِي يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ وَإِنْ قُلْتَ نَعَمْ كَمَا هُوَ الظَّنُّ بِكَ
 وَالرَّجَاءُ لَكَ فَطُوبَى لِي أَنَا السَّعِيدُ وَأَنَا الْمَسْعُودُ فَطُوبَى لِي
 وَأَنَا الْمَرْحُومُ يَا مُتَرَحِّمُ يَا مُتَرَفِّفُ يَا مُتَعَطِّفُ يَا مُتَجَبِّرُ يَا
 يَا مُتَمَلِّكُ يَا مُقْسِطُ لَا عَمَلَ لِي أَبْلُغُ بِهِ نَجَاحَ حَاجَتِي
 أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي جَعَلْتَهُ فِي مَكْنُونِ غَيْبِكَ وَأَسْتَقِرُّ
 عِنْدَكَ فَلَا تَخْرُجْ مِنْكَ إِلَى شَيْءٍ سِوَاكَ أَسْأَلُكَ بِهِ وَبِكَ
 وَبِهِ فَإِنَّهُ أَجَلُ وَأَشْرَفُ أَسْمَائِكَ لَا شَيْءَ لِي غَيْرُ هَذَا وَلَا
 أَحَدَ أَعُوذُ عَلَى مِنْكَ يَا كَيِّنُونَ يَا مُكُونُ يَا مَنْ عَرَّفَنِي
 نَفْسَهُ يَا مَنْ أَمَرَنِي بِطَاعَتِهِ يَا مَنْ نَهَانِي عَنْ مَعْصِيَتِهِ
 وَيَا مَدْعُو يَا مَسْئُولُ يَا مَطْلُوبًا إِلَيْهِ رَفُضْتُ وَصِيَّتَكَ
 الَّتِي أَوْصَيْتَنِي وَلَمْ أُطِيعَكَ وَلَوْ أَطَعْتُكَ فَمَا أَمَرْتَنِي
 لَكَفَيْتَنِي مَا قُمْتُ إِلَيْكَ فِيهِ وَأَنَا مَعَ مَعْصِيَتِي لَكَ
 رَاجِعٌ فَلَا تَحُلْ بَيْنِي وَبَيْنَ مَا رَجَوْتُ يَا مُتَرَحِّمُ لِي
 أَعِزَّنِي مِنْ بَيْنِ يَدَيَّ وَمِنْ خَلْفِي وَمِنْ فَوْقِي وَمِنْ

تَحْتِي وَمِنْ كُلِّ جِهَاتِ الْإِحَاطَةِ يَا اللَّهُمَّ بِمُحَمَّدٍ سَيِّدِي
وَبِعَلِيِّ وَلِيِّي وَبِالْإِثْمَةِ الرَّاشِدِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ اجْعَلْ
عَلَيْنَا صَلَوَاتَكَ وَرَأْفَتَكَ وَرَحْمَتَكَ وَأَوْسِعْ عَلَيْنَا مِنْ
رِزْقِكَ وَأَقْضِ عَنَّا الدَّيْنَ وَجَمِّعْ حَوَائِجَنَا يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ
يَا اللَّهُ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

نماز حضرت زهراء صلوات الله عليها

دو رکعت است رکعت اول بعد از حمد مرتبه سوره قدر و دو

رکعت دوم بعد از حمد مرتبه سوره توحید و ارد است و چون سلام میدا
این دعا را بخواند سُبْحَانَ ذِي الْعِزِّ الشَّامِخِ الْمُنِيفِ سُبْحَانَ
ذِي الْجَلَالِ الْبَازِخِ الْعَظِيمِ سُبْحَانَ ذِي الْمُلْكِ الْفَاخِرِ
سُبْحَانَ مَنْ لَبَسَ الْبَهْجَةَ وَالْجَمَالَ سُبْحَانَ مَنْ تَرَدَّى
بِالنُّورِ وَالْوَقَارِ سُبْحَانَ مَنْ يَرَى أَثَرَ النَّمْلِ فِي الصَّفا سُبْحَانَ
مَنْ يَرَى وَقَعَ الطَّيْرِ فِي الْهَوَاءِ سُبْحَانَ مَنْ هُوَ كَذَا
لَا هَكَذَا غَيْرُهُ و چون فارغ شد زانو ها و ذرا عمارا برهنه کند
و مواضع سجود را بر زمین بچسپاند و حاجت خود را طلب کند و پس از آن

در میان حال سجده گوید یا مَنْ لَيْسَ غَيْرُهُ رَبُّ يَدْعِي يَا مَنْ لَيْسَ
 فَوْقَهُ إِلَهٌ يُخْشَى يَا مَنْ لَيْسَ دُونَهُ مَلِكٌ يُتَّقَى يَا مَنْ
 لَيْسَ لَهُ وَزِيرٌ يُؤْتِي يَا مَنْ لَيْسَ لَهُ حَاجِبٌ يُرْشَى يَا مَنْ
 لَيْسَ لَهُ بَوَّابٌ يُعْشَى يَا مَنْ لَا يَزِدُّهُ عَلَى كَثْرَةِ السُّؤَالِ
 إِلَّا كَرَمًا وَجُودًا وَعَلَى كَثْرَةِ الذُّنُوبِ إِلَّا عَفْوَ وَصَفْحًا
 صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ پس حاجات خود را از خدا طلب نما
 نماز حضرت جعفر طیارغ برادر جناب امیر المؤمنین علیه السلام
 که رسول خدا صلی الله علیه و آله بوی تعلیم داد و افضل اوقات آن
 اول روز جمعه است و آن چهار رکعت است هر دو رکعت بیك
 سلام رکعت اول بعد از حمد سوره اِذَا زُلْزِلَتْ و در رکعت دوم بعد
 از حمد سوره وَالْعَادِيَّات و در رکعت سوم بعد از حمد سوره اِذَا جَاءَ
 نَصْرُ اللَّهِ و در چهارم بعد از حمد سوره قُلْ هُوَ اللَّهُ بخواند و در هر رکعت
 بعد از فراغ از حمد و سوره پانزده مرتبه سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ
 وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ گوید و در رکوع این تسبیحات
 ده مرتبه و پس از سر برداشتن از رکوع ده مرتبه و در سجده اول و بعد از

سر برداشتن و در سجده دوم و بعد از سر برداشتن پیش از آنکه برخیزد و در
 تسبیحات را بخواند و در بقیه رکعات نیز چنین نماید که مجموع آن تسبیح
 تسبیح میشود. و در روایت از حضرت صادق علیه السلام است که در
 سجده آخر رکعت چهارم بعد از فراغ از تسبیحات بخوان سُبْحَانَ مَنْ
 لَيْسَ الْعِزُّ وَالْوَقَارُ سُبْحَانَ مَنْ تَعَطَّفَ بِالْمُجْدِ وَتَكْرَمَ
 بِهِ سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنْبَغِي التَّسْبِيحُ إِلَّا لَهُ سُبْحَانَ مَنْ
 أَحْصَى كُلَّ شَيْءٍ عِلْمُهُ سُبْحَانَ ذِي الْمَنِّ وَالنِّعَمِ
 سُبْحَانَ ذِي الْقُدْرَةِ وَالْكَرَمِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
 بِمَعَاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ وَمُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ
 وَإِسْمِكَ الْأَعْظَمِ وَكَلِمَاتِكَ الثَّامَنَاتِ الَّتِي تَقْتَضِي صِدْقًا
 وَعَدًّا لَا صِلَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآهْلِ بَيْتِهِ أَكْثَرُ حَاجَاتِ خَدِّكَ الْغَلْبِ
 نماز حضرت حجت علیه السلام در شب جمعه

در هیچ الدعوات سید بن طاووس است که از ناحیه مقدسه حضرت

صاحب الزمان علیه السلام بیرون آمد که هر کس را حاجتی بسوی خدا باشد
 پس در شب جمعه بعد از گذشتن از نیمه شب غسل کند و بسوی جانماز خود

رفته دو رکعت نماز بخواند در رکعت اول حمد بخواند چون بَرِایَاكَ نَعْبُدُ
 وَایَاكَ نَسْتَعِیْنُ برسد صد مرتبه آن را تکرار کند و بعد از آن حمد را تمام
 کند و قل هو الله بخواند و پس از آن رکوع و سجود را بجا آورد و ذکر
 سجود و رکوع را هفت مرتبه تکرار کند و رکعت دوم را نیز چنین بجا آورد
 و بعد از تمام شدن نماز این دعا را که مطابق دعای صحیح الدعوات سید
 بن طاووس است بخواند بدستیکه حق تعالی البته حاجت او را بر آورد
 و دعایست اَللّٰهُمَّ اِنْ اَطَعْتُكَ فَالْمَحْمَدَةُ لَكَ وَ اِنْ
 عَصَيْتُكَ فَالْحُجَّةُ لَكَ مِنْكَ الرُّوحُ وَمِنْكَ الْفَرْجُ
 سُبْحَانَ مَنْ اَنْعَمَ وَ شَكَرَ سُبْحَانَ مَنْ قَدَّرَ وَ غَفَرَ اَللّٰهُمَّ
 اِنْ كُنْتُ عَصَيْتُكَ فَاِنِّيْ قَدْ اَطَعْتُكَ فِيْ اَحَبِّ الْاَشْيَاءِ
 اِلَيْكَ وَ هُوَ الْاِيْمَانُ بِكَ لَمْ اَتَّخِذْ لَكَ وَلَدًا و لَمْ اَدْعُ لَكَ
 شَرِيْكًَا مِّنَّا مِنْكَ بِهِ عَلَيَّ لَا مَنَّا مِّنِّيْ بِهِ عَلَيْكَ وَ قَدْ
 عَصَيْتُكَ يَا اِلٰهِيْ عَلَى غَيْرِ وَجْهِ الْمَكَابِرَةِ و لَا الْخُرُوجِ
 عَنْ عِبُوْدِيَّتِكَ و لَا الْجُحُوْدِ لِرُبُوْبِيَّتِكَ و لٰكِنْ اَطَعْتُ
 هَوَايَ وَاَزَلَنِي الشَّيْطَانُ فَلَكَ الْحُجَّةُ عَلَيَّ و الْبَيَانُ

فَإِنْ تُعَذِّبْنِي فَلَا تُؤَيِّدْ غَيْرَ ظَالِمٍ لِي وَإِنْ تَغْفِرْ لِي
 وَتَرْحَمْنِي فَإِنَّكَ جَوَادٌ كَرِيمٌ و بعد از آن تا نفس و فاکند
 یا کریم را مکرر کند - و بگوید یا اَمِنَّا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ اَسْأَلُكَ بِاَمْنِكَ
 مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَخَوْفٍ كُلِّ شَيْءٍ مِنْكَ وَكُلِّ شَيْءٍ مِنْكَ
 خَائِفٌ حَذِرٌ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ
 تُعْطِيَنِي اَمَانًا لِنَفْسِي وَاَهْلِي وَاَوْلَادِي وَسَائِرِ مَا اَنْعَمْتَ
 بِهِ عَلَيَّ حَتَّى لَا اَخَافُ احَدًا وَلَا اَحْذَرُ مِنْ شَيْءٍ اَبَدًا
 اِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ حَسْبُنَا اللهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ
 یا کافی ابراهیم نمرود یا کافی موسی فرعون اَسْأَلُكَ
 اَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُكْفِيَنِي شَرَّ فُلَانٍ
 بَنِ فُلَانٍ و اینجنانام شخصی را که از آن ترسان باشی بانام پدرش بزبان
 جاری کن و از خداوند دفع ضرر او را بخواه که برآورده خواهد شد و یا آنکه
 از چیز دیگر باشد اسم آنرا بزبان جاری کن که خداوند کفایت شر آنرا
 از تو خواهد نمود و بعد از آن بسجده رُو و طلب حاجت کن که برآورده است
 ان شاء الله تعالی.

نماز حاجت

و برای رسیدن بخیری از مال دنیا وارد است که دو رکعت نماز
بجا آورد هر رکعت بعد از حمد سوره الم نشرح را هفت مرتبه بخواند و
دوازده مرتبه ^(۱) اَمَّ عِنْدَهُمْ خَزَائِنُ رَحْمَةِ رَبِّكَ الْعَزِيزِ الْوَهَّابِ
اَمَّ لَهُم مَّلَكُ السَّمَوَاتِ وَالْاَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَلْيَرَقُوا فِي الْاَسْبَابِ
و بعد از سلام و قبل از روگردانیدن از قبله و تکلم هزار بار یا وهَّاب بگوید
وارد است مطلوب خود را در همان هفته خواهد یافت ان شاء الله تعالی

نماز حاجت

در دارالسلام برای قضا و حوائج و ابتلاء در محالک و غای فرج
وارد شده دو رکعت نماز بخواند و بعد از نماز بگوید یا مَنْ اَظْهَرَ
الْجَمِيلَ وَ سَتَرَ الْقَبِيحَ يَا حَسَنَ الْجَاوِزِ يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ
يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ يَا مُنْتَهَى كُلِّ نَجْوَى يَا غَايَةَ
كُلِّ شَكْوَى يَا عَوْنَ كُلِّ مُسْتَعِينٍ يَا مُبْتَدَأَ النِّعَمِ قَبْلَ
اِسْتِحْقَاقِهَا پس ده مرتبه بگوید یا سَرَّام و ده مرتبه یا مُنْتَهَى

غَايَةِ رَغْبَتَاهُ بَعْدَ بَوِيدِ اسْتِثْلَاكِ بِحَقِّ هَذِهِ الْأَسْمَاءِ وَبِحَقِّ
 مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ إِلَّا مَا كَشَفْتَ
 كُرْبِي وَنَفَسْتَ هَمِّي وَفَرَجْتَ غَمِّي وَأَصْلَحْتَ حَالِي
 آن وقت بهر طریق که خواهی دعا کن ان شاء الله تعالی برآورده است
 انگاه گونه راست را بر زمین گذار و صد مرتبه بگو یا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ
 يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ اكْفِيَانِي وَانْصُرَانِي فَإِنَّكُمَا نَاصِرَايَ
 پس گونه چپ را بر زمین گذار و صد مرتبه بگو اَدْرِكْنِي وَاِذَا بَسَارَ
 مَكَرَكُنْ وَبَعْدَ اَزَانِ الْغَوْثِ الْغَوْثُ بگو تا نفس منقطع شود.

نماز حاجت

در خزان نراقی از حضرت صادق علیه السلام منقول است که
 هرگاه شدتی رخ دهد نزد زوال دو رکعت نماز بخوان رکعت اول بعد
 از حمد قل هو الله و سوره اِنَّا فَتَحْنَا رَاۤءَا وَنِصْرَكَ اللهُ نَصْرًا عَرَبِيًّا
 بخوان و در دوم بعد از حمد و قل هو الله و سوره اَلَمْ نَشْرَحْ رَاۤءَا
 و نماز را تمام کن.

احکام استخاره

حقیقت استخاره طلب نمودن خیر است از خدا در مقامات امور و
 چیزائیکه شخص نسبت بآن مراد باشد. سید بن طاووس و دیگران از حضرت
 امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده اند که حق تعالی میفرماید از
 شقاوت بنده من است که در کار خود طلب خیر از من نمیکند. کلینی بسند
 صحیح از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که داناترین مردم نزد خدا
 تعالی کسی است که راضی تر باشد بقضای او. پس استخاره گفتن
 در هر امر که اراده نماید باید تفویض بخدا نموده و راضی باشد بآنچه را که
 رؤییدد زیرا که خدائی خواهد برای بنده مگر خیر او را چنانیکه از حضرت صادق
 علیه السلام روایت است که فرمود هر که یک مرتبه خیر خود را از خدای
 غائب بطلبد و راضی باشد بآنچه را که خدای تعالی برای او میسر نموده
 البته آنچه خیر او است برایش میسر خواهد نمود

علی بن ابراهیم در تفسیر خود در حمیری در قرب الاسناد از علی
 بن اسباط روایت نموده اند که گفت رفتم بخدمت امام رضا علیه السلام
 و گفتم میخواهم بسفر مصر بروم و نمیدانم از راه دریا و یا صحرا بروم حضرت فرمود

برو بسجده حضرت رسول صلی الله علیه و آله در غیر وقت نماز واجب دو رکعت
نماز بجا آور و بعد از آن صد و یک مرتبه بگو استخیر الله و اگر استخیر
الله بر حمتیه خیره فی عافیه گوید بهتر است و آنچه در وقت افتاد
بآن عمل کن که همان نتیجه استخاره است.

و بسند معتبر روایت شده که محمد طیار بخدمت حضرت صادق علیه السلام
عرض کرد که بیمار رسیده است که شافرموده اید هر که در امری صد مرتبه خیر خود را
از خدا بطلبد البته خداوند خیر او را بنزد او میاورد و حضرت فرمود که اگر یک مرتبه
نیز خیر خود را بطلبد البته خدا خیر او را بوی میرساند (یعنی آنچه خیر و صلاح او
است در دل او خواهد انداخت)

و نیز از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که پدرم هرگاه
اراده استخاره میکرد وضو میساخت و دو رکعت نماز میکرد و مشغول
استخاره میشد و اگر در آشنای استخاره کسی با او سخن میگفت سبحان
الله میگفت و سخن با کسی نمیکفت تا فارغ میشد

و از عبوط و نهاییه شیخ طوسی نقل شده که سنت است آدمی
در امری که اراده نموده قبل از دو رکعت نماز در هر رکعت حمد هر سوره که خواهد بخواند و قنوت

آن را بیاورد بعد از سلام هر دعا که خواهد بخواند و مطلب خود را گفته بسجده
رود و صد مرتبه بگوید **أَسْتَخِيرُ اللَّهَ فِي جَمِيعِ أُمُورِي** - (آنچه خیر او
است در دل او خواهد آمد ان شاء الله تعالی)

و بسند صحیح از محمد بن مسلم روایت شده که اراده شام نمودم حضرت
صادق علیه السلام مرا امر کرد که این دعا را بخوان **اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ هَذَا
الْوَجْهُ الَّذِي هَمَمْتُ بِهِ خَيْرًا لِي فِي دِينِي وَ دُنْيَايَ
وَعَاقِبَةِ أَمْرِي وَ لِحَمِيعِ الْمُسْلِمِينَ فَيَسِّرْهُ لِي وَ بَارِكْ لِي
فِيهِ وَإِنْ كَانَ ذَلِكَ شَرًّا لِي فَأَصْرِفْهُ عَنِّي إِلَى مَا هُوَ خَيْرٌ لِي
مِنْهُ فَإِنَّكَ تَعْلَمُ وَ لَا أَعْلَمُ وَ تَقْدِرُ وَ لَا أَقْدِرُ وَ أَنْتَ عَلَّامُ
الْغُيُوبِ** پس صد مرتبه بگوید **أَسْتَخِيرُ اللَّهَ** چون چنین کردم از رفتن
شام منصرف شدم و همان تهنیه را برای سفر حج کردم.

بروایت دیگر چنانکه مجلسی در رساله خود بسند معتبر از امام صادق
روایت فرموده که فرمود هر که هفتاد مرتبه این دعا را برای طلب خیر از
خدای تعالی بخواند البته آنچه خیر او است برای او مقدر کند یا **أَبْصِرَ الْبَاطِنَ**
وَيَا أَسْمَعَ السَّمَاعِينَ و یا **أَسْرِعَ الْحَاسِبِينَ** و یا **أَرْحَمَ**

الرَّاحِمِينَ يَا أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآهِلِ بَيْتِهِ
وَنَجَّرَنِي فِي الْأَمْرِ الَّذِي آرَدْتُ. و در مکارم الاخلاق است که در
آخرش گفته بسجده رود و صد مرتبه بگوید اَسْتَغِيثُ بِاللَّهِ بِرَحْمَتِهِ
وَأَسْتَقْدِرُ بِاللَّهِ فِي عَافِيَةٍ وَيَقْدِرُ عَلَيَّ. انگاه متوجه آن کار شود هر چه
رُو میدهد خیر تو در آن است و مشتم ندارد پروردگار خود را در آنچه برای تو مقدر
نموده - و بدان البته خیر تو در آن خواهد بود.

مشوره نمودن در کارهای خود

بهترین وسیله ایست که مساعد انسان است در اموریکه طرف خیرت
میکرد و چنانیکه فرمود "مَا حَارَمَ مِنْ اسْتِخَارَةٍ وَلَا نَدَمٍ مِنْ اسْتِشَارَةٍ"
بآنکه رسول اکرم صلی الله علیه و آله صاحب عقل کُل و مبیط اسرار و حی الہی
بود خطاب بوی رسید و شاورهم فی الامر فاذا عزممت فتوکل
عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ (یعنی باصحاب مشوره کن
در امریکه اراده آنرا مینمائی پس چون عزم نمودی باوردن آن توکل بر خدای
تعالی نما) و کار خود را با و واگذار کن) بدستیکه خدای تعالی دوست میدارد
توکل کنندگان را).

و در حدیث دیگر است که فرمود یا علی کسیکه طلب خیر خود را از خدای
تعالی میکند - در کار خود حیران نمی شود - و کسیکه در کارها با مردم مشورت کند
پشیمان نمیشود - و باید دانست که مشوره با کسانی باید نمود که سزاوار این
امر باشند.

بسنده معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت است که مشوره
نباید نمود مگر با چهار نفر که اگر کسی رعایت آن کند منتفع میگردد و الا ضررش
بر مشوره کننده است

۱^ا اول با کسی مشوره کند که عاقل باشد

۲^د دوم آزاد و متدین و صالح باشد

۳^س سوم دوست و برادر مؤمن باشد

۴^چ چهارم کسی باشد که اعتماد بر او باشد که راز تو را نزد مردم افشا و ظا

نمکند - و از آنحضرت مرویست که از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدند

که خرم و دُور بینی در چیست فرمود در مشوره کردن با صاحبان عقل و ری

نیک و متابعت ایشان کردن. و در حدیث دیگر است که پیغمبر

اکرم صلی الله علیه و آله فرمود که هیچ معاوضتی بهتر از مشوره کردن نیست

و هیچ عقلی بهتر از تدبیر نیست .

و از حضرت صادق غ مرویست که مشوره کن با مردان عاقل پرهیزگار
زیرا که امر نمیکند تو را مگر به نیکی و زینهار که مخالفت ایشان مکن که مخالفت نمودن
دنا ی پرهیزگار باعث فساد دین و دنیا است . در سائل اشیه است
جلد دوم که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود "استترشد و العاقل
ولا تعصوا فتندموا" (یعنی طلب راهنمایی از عاقل بنماید و برخلاف
او نروید که پشیمان خواهید شد) .

و از حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله مرویست که مشوره مکن با تر
که راه را بر تو تنگ میکند و بسبب ترسی که دارد راه را بتو نمی نماید . و مشوره
مکن با آدم بخیل که مانع میشود تو را از رسیدن بمقصود خود و مشوره مکن با سیکه
حرص و نیا داشته باشد زیرا که جلوه میدهد برای تو بدترین رایها را و جواب
است بر سیکه طرف مشوره واقع میشود خیانت نکند و خلاف
صلاح مشوره کننده را نگوید که عند الله مؤاخذه خواهد بود و ضرر خواهد دید
چنانیکه بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که برادر
مؤمنش با او مشوره کند و آنچه خیر است در آن داند و نگوید حق تعالی

عقل و رایس از او سلب خواهد نمود

در مکارم الاخلاق از حضرت صادق ع روایت است که هرگاه
امری را اراده کنی پس با کسی مشوره کن تا با خدای تعالی مشوره کنی پرسیدند
چگونه با پروردگار خود مشوره کنیم فرمود که صد مرتبه بگو **اَسْتَخِيرُ اللَّهَ** پس
از آن بامردم مشوره نما تا خدای تعالی خیر تو را بر زبان هر که خواهد جاری کند.
و علاوه بر آنچه بابت استخاره رسیده است استخاره با قرآن
و تسبیح و ریگ نیز وارد گردیده.

استخاره با مصحف

بعد از طلب خیر از خدا مصحف را باز نموده و آیه اول صفحه دست
راست را ملاحظه کن اگر آیه رحمت یا امر بخیر باشد خوب است و اگر آیه
غضب یا نهی و یا عقوبت باشد بد است و اگر دو جفتین یا مشتبه
باشد میانه است.

استخاره . تسبیح

علامه مجلسی از والد ماجدش از استادش شیخ بهائی که از مشایخ
نقل کرده و سند میدهد بحضرت حجت عج در طرق استخاره با تسبیح که سه

مرتبہ صلوات بر محمد و آل محمد بفرستند و یک قبضہ از تسبیح را بگیرد و دو تا و یا
بشارد اگر طاق بماند خوب است و اگر جفت بماند بد است

استخاره ذات الرقاع

و از جمله استخارات معتبره است که بسند های معتبر از حضرت امام

جعفر صادق علیه السلام روایت شده فرمود هرگاه امری را اراده کنی شش

رقعه کاغذ بگیر و در ته نامی آنرا بنویس (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خَيْرَةٌ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ لفلان بن فلانة افعل)

بحای فلان بن فلانة اسم استخاره کفند و ماورش را بنویس و در ته

رقعه دیگر بنویس (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ خَيْرَةٌ مِنَ اللَّهِ

الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ لفلان بن فلانة لاتفعل) پس آن رقعه را

را در زیر مصلائی خود بگذار و دو رکعت نماز کن و چون فارغ شوی بسجده فرته

صد مرتبه بگو اَسْتَخِيرُ اللَّهَ بِرَحْمَتِهِ خَيْرَةٌ فِي عَافِيَةِ پسرش

و بگو اَللّهُمَّ خَرِّبْ وَاخْتَرِبْ لِي فِي جَمِيعِ اُمُورِي فِي يَسَرِّ مِنْكَ

و عَافِيَةٍ پس رقعه را مخلوط نموده یکی یکی آنها را بیرون آور و ملاحظه کن

اگر سه افعل پای بیرون آمد آن کار را بکن که اراده کرده و اگر سه

لَا تَفْعَلْ پیایی بیرون آمد آن کار را مکن و اگر بعضی اَفْعَلْ و بعضی لَا
تَفْعَلْ بیرون آید تا پنج رقعہ اگر اَفْعَلْ بیشتر است عمل کن و اگر لَا
تَفْعَلْ بیشتر است ترک و احتیاج به بیرون آوردن رقعہ ششم نیست

در فضیلت شب جمعه و برخی از اعمال آن

از جمله اوقات با فضیلت که عبادت و دعا در آن دار و گردیده شب
جمعه است و از برای شب و روز جمعه نزد خدا امتیاز است بر سایر شبها
و روزهای دیگر - از حضرت صادق ع روایت شده که فرمود هر که بیرون
زوال روز پنجشنبه تا زوال روز جمعه خدا پناه میدهد او را از فشار قبر - و از
آنحضرت منقولست که جمعه راحتی و حرمتی است عظیم پس زنهار که ضائع مکن
آنرا و کوتاهی مکن در عبادت آن روز و نزدیکی جوی بسوی پروردگار بعملهای
شایسته و ترک نما جمیع محرمات خدا را زیرا که خدا ثواب طاعات را مضاعف^{نصف}
میکرد و عقوبت گناهان را محو میکند و درجات مؤمنان را در دنیا و عقبی
بلند میکند و شبش در فضیلت مانند روز است اگر توانی شب جمعه را
در نماز و دعا و بیداری بگذرانی بجا آورد بدستیکه خداوند ملائکه را برای فرید
کرامت مؤمنان باسمان اول میفرستد که حسنات آنان را زیاد گردانند

و گناهان آنان را از بین برد و حق تعالی واسع العطا و کریم است
 و در حدیث معتبر از آنحضرت مرویست که گاه هست مؤمن دعا میکند
 برای حاجتی و حق تعالی بر آوردن حاجت او را تأخیر میکند تا اینکه در روز جمعه
 حاجت او را بر آورد - و فرمود چون برادران یوسف غ از حضرت یعقوب غ
 استدعای طلب آمرزش گناهان خود کردند گفت (سَوْفَاَسْتَغْفِرُ
 لَكُمْ رَبِّي) یعنی بعد ازین استغفار برای شما خواهم کرد از خدای خود - حضرت
 فرمود تأخیر نمود برای آنکه در سحر شب جمعه دعا کند تا مستجاب گردد.

از حضرت امیر المؤمنین غ منقولست که حق تعالی جمعه را از همه روزها
 برگزیده و روزش را عید نمود و شبش را مثل روزش گردانید - و از حضرت
 صادق غ روایت شده که فرمود به پرهیزد از گناهان در شب جمعه که عقوبت
 گناهان در آن شب مضاعف است چنانچه ثواب خنات دو برابر است
 و هر که معصیت خدا را در شب جمعه ترک کند حق تعالی گناهان گذشته او را
 بیامزد و هر که در شب جمعه گناهی را علانیه نماید خداوند او را بگناهان جمیع
 عمرش عذاب کند و عذاب آن گناه را بر او مضاعف گرداند و برای
 صلوات در شب جمعه فضیلت بسیار وارد شده چنانکه از حضرت

صادق غ مرویست که صلوات بر محمد و آل محمد در شب جمعه برابر است با هزار
 حسنه و محو میکند هزار سیئه را و بالا میبرد هزار درجه و مستحب است آنکه
 بگوید اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ
 وَأَهْلَكَ عَذَابَهُمْ مِنَ الْجَحِيمِ وَالْإِنْسِ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ
 و قد مرتبه گفتن این صلوات بعد از عصر پنجشنبه تا آخر روز جمعه فضیلت بسیار
 دارد. و استغفار در این شب نیز فضیلت بسیار دارد و خواندن این
 سوره یا یکی از آنرا در شب جمعه ثواب و فوائد بسیار روایت شده
 بنی اسرائیل، کهف، و سه طسین، الم سجده، یس،
 ص، احقاف، واقعه، حم سجده، حم دخان، طور،
 اقتریت، جمعه. و خواندن نماز حضرت امیر المؤمنین غ در این شب
 نیز رواست. و دیگر دو رکعت نماز در هر رکعت حمد و پانزده مرتبه
 اذان و اذان روایت گردیده پس هر که این نماز را بجا آورد این گرداند
 خدا او را از عذاب قبر و از هولهای روز قیامت.

در حدیث صحیح از حضرت صادق غ منقولست که خواندن شری
 روزه دار و محرم و در حرم و در روز جمعه و شبهای آن مکروه است،

راوی عرض کرد هر چند شعر حق باشد فرمود اگر چه شعر حق باشد و نیز
 از حضرت صادق ع منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله
 فرمود که هر که یک شعر در شب جمعه یا روز جمعه بخواند در آن شب و در آن
 روز بجزه از ثواب بخیر آن خواهد داشت - و نیز از حضرت رسول صلی الله
 علیه و آله منقولست که هر که این دعا را در شب جمعه یا روز آن هفت مرتبه
 بخواند اگر در آن شب یا روز بمیرد داخل بهشت میشود - بِسْمِ اللَّهِ
 الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. اللَّهُمَّ أَنْتَ رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ خَلَقْتَنِي
 وَأَنَا عَبْدُكَ وَأَبْنُ أَمَتِكَ وَفِي قَبْضَتِكَ وَنَاصِيَّتِي بِيَدِكَ
 أَصَبْتُ عَلَى عَهْدِكَ وَوَعْدِكَ مَا اسْتَطَعْتُ أَعُوذُ بِرِضَاكَ
 مِنْ شَرِّ مَا صَنَعْتُ أَبُوءُ بِنِعْمَتِكَ بِعَمَلِي وَأَبُوءُ بِذُنُوبِي
 فَاعْفِرْ لِي ذُنُوبِي إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ .
 و از جمله دعا ها نیکی خواندن آن در شب جمعه وارد گردیده دعا
 کبیل - و دعای اللهم یا شاهد کل تجوی است که در شب
 عرفه خوانده میشود .

دعای کحیل و سندان

این دعای مبارک را دعای خضر گویند و چون حضرت امیرالمؤمنین
 علیه السلام آن را یکی از خواص اصحاب خود کحیل بن زیاد نخعی تعلیم فرمود
 مشهور بدعای کحیل گردید. علمای امامیه رضوان الله علیهم در مؤلفات
 خود آن را نقل نموده مجلسی در بحار الانوار آن را بهترین دعاها فرموده
 سید بن طاووس در اقبال آن را روایت نموده. خلاصه روایت
 آنست که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در مسجد بصره بجامعی از
 اصحاب خود فرمود کسیکه در شب نیمه شعبان خدا را بدعای خضر بخواند
 دعای او مستجاب میشود. پس از آن کحیل شرفیاب خدمت حضرت
 امیرالمؤمنین ع گردید و سوال از دعای حضرت خضر نمود. امام ع
 دعای مذکور را بوی تعلیم داد خواندن آن در شب نیمه شعبان و در هر شب
 جمعه برای کفایت از شر دشمنان و کشایش روزی و آمرزش گناهان
 وارد گردیده. و دعای شریف اینست

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم خداوند بخشنده مهربان

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسِعَتْ

خداوند بدوستی که سوال میکنم ترا برحمت تو که فراگرفته است

كُلِّ شَيْءٍ وَبِقُوَّتِكَ الَّتِي قَهَرْتَ بِهَا كُلَّ شَيْءٍ

هر چیزی را و بتوانائی تو که قهر کرده بآن هر چیزی را

وَخَضَعَ لَهَا كُلَّ شَيْءٍ وَذَلَّ لَهَا كُلَّ شَيْءٍ

و منقاد شده برای آن هر چیزی و خوار و ذلیل شد برای آن هر چیزی

وَبِجَمْرُوتِكَ الَّتِي غَلَبْتَ بِهَا كُلَّ شَيْءٍ

و به بزرگواری تو که غلبه کرده بسبب آن هر چیزی را

وَبِعِزَّتِكَ الَّتِي لَا يَقُومُ لَهَا شَيْءٌ وَبِعَظَمَتِكَ

و بعزّت آنچنانی تو که برابری نکند بآن چیزی و به بزرگواری

الَّتِي مَلَأْتَ كُلَّ شَيْءٍ وَبِإِسْطَانِكَ الَّذِي عَلَا

آنچنانی تو که پُر نموده است هر چیزی را و به پادشاهی تو که برتری دارد

كُلِّ شَيْءٍ وَبِوَجْهِكَ الْبَاقِي بَعْدَ فَنَاءِ كُلِّ شَيْءٍ

بر هر چیزی و بوجه تو که باقی است بعد از فناء هر چیزی را

وَبِأَسْمَائِكَ الَّتِي مَلَأْتَ أَرْكَانَ كُلِّ شَيْءٍ

و بنامهای آنچنانی تو که پُر کرده اند اجزاء و ارکان هر چیزی را

وَبِعِلْمِكَ الَّذِي أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ وَبِنُورِ وَجْهِكَ

و بدانائی آنچنانی تو که فراگرفته است هر چیزی و بنور وجه تو

الَّذِي أَضَاءَ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ يَا نُورُ يَا قُدُّوسُ يَا

که روشن شده با آن هر چیز یا نور ای منزّه ای

أَوَّلَ الْأَوَّلِينَ وَيَا آخِرَ الْآخِرِينَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ

بیشتر از پیشینیان و ای آخر آخر ماندگان خداوندایا بیامرز

لِيَ الذُّنُوبِ الَّتِي تَهْتِكُ الْعِصَمَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ

برای من گناهانی را که می درد پرده عصمت را خداوندایا بیامرز

لِيَ الذُّنُوبِ الَّتِي تُنْزِلُ النِّقَمَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ

برای من گناهانی را که فرود آورد عذاب را خداوندایا بیامرز

لِيَ الذُّنُوبِ الَّتِي تُغَيِّرُ النِّعَمَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ

برای من گناهانی را که تغییر میدهد نعمتها را خداوندایا بیامرز

لِيَ الذُّنُوبِ الَّتِي تُحْبِسُ الدُّعَاءَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ

برای من گناهانی را که نگاه میدارد دعا را خداوندایا بیامرز

لِيَ الذُّنُوبِ الَّتِي تُنْزِلُ الْبَلَاءَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ

برای من گناهانی را که فرود می آورد بلا را خداوندایا بیامرز

لِيَ الذُّنُوبِ الَّتِي تَقْطَعُ الرَّجَاءَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي

برای من گناهانی را که می بُرد اُمید را خداوندایا بیامرز برای من

كُلِّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ وَكُلِّ خَطِيئَةٍ أَخْطَأْتُهَا

هر گناهی که کرده ام و هر خطائی که بنادانی بجا آورده ام آنرا

اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِذِكْرِكَ وَاسْتَشْفِعُ

خداوندا بدستیکه نزدیکی میجویم بسوی تو بیاوردن تو و شفیعی می گویم

بِكَ إِلَى نَفْسِكَ وَأَسْأَلُكَ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ أَنْ تُدْنِيَنِي

ترا بسوی تو دمی پرسم ترا از بخشایش تو و از کرم تو که نزدیک گردانی مرا

مِنْ قُرْبِكَ وَأَنْ تُؤَنِّرَ عَنِّي شُكْرَكَ وَأَنْ تُلْهِمَنِي

بقرب خود و توفیق دهی مرا برای شکر خود و الهام نمائی مرا

ذِكْرَكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ سُؤَالَ خَاصِّ

یاد خود را خداوندا سوال میکنم از تو مانند سوال کردن کسی فروتن

مُتَذَلِّلٍ خَاشِعٍ أَنْ تُسَاحِبَنِي وَتَرْحَمَنِي وَتَجْعَلَنِي

که اظهار ذلت و خشوع نماید آنکه سهل گیری بمن و رحم کنی بمن و برگردانی مرا

بِقِسْمِكَ رَاضِيًا قَانِعًا وَفِي جَمِيعِ الْأَحْوَالِ

بقسمت خود خشنود و قانع و در تمامی حالات

مُتَوَاضِعًا اللَّهُمَّ وَأَسْأَلُكَ سُؤَالَ مَنْ اشْتَدَّتْ

تواضع کننده خداوندا در میخواهم از تو مانند درخواست کسی که شدید شده

فَاقْتُهُ وَأَنْزَلَ بِكَ عِنْدَ الشَّدَايِدِ حَاجَتَهُ

ببچارگی او و فرود آورده بسوی تو نزد سختی ها حاجت خود را

وَعَظُمَ فِي مَا عِنْدَكَ رَغْبَتُهُ اللَّهُمَّ عَظُمَ

و بزرگ شده در آنچه نزد توست رغبت او خداوندا بزرگ است

سُلْطَانُكَ وَعَلَامَةُ مَكَانِكَ وَخَفِي مَكْرُكَ وَظَهَرَ

پادشاهی تو و علامت مکان تو و پنهانی است مکر تو و هویدا است

أَمْرُكَ وَغَلَبَ قَهْرُكَ وَجَرَتْ قُدْرَتُكَ وَلَا يُمْكِنُ

امر تو و غالب است قهر تو و جاری شد توانائی تو و ممکن نیست

الْفِرَارُ مِنْ حُكُومَتِكَ اللَّهُمَّ لَا أَجِدُ لَكَ نُورِي

گمختن از حکومت تو خداوندای نمی یابم برای گناهان خود

غَافِرًا وَلَا لِقَبَائِحِي سَائِرًا وَلَا لِشَيْءٍ مِنْ عَمَلِي

آمرزنده و نه برای بدیهای خود پوشنده و نه چیزی از عملهای من

الْقَبِيحِ بِالْحَسَنِ مَبْدَلًا غَيْرُكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

که بد است به نیکویی بدل کننده غیر از تو نیست خدائی مگر تو

سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ ظَلَمْتُ نَفْسِي وَجَرَّاتُ

منزه میدانم ترا و یاد تو میکنم بتاقت ستم کردم بخود و جرئت کردم

بِجَهْلِي وَسَكَنْتُ إِلَى قَدِيرِ ذِكْرِكَ لِي وَمِنْكَ عَلَيَّ

بنادانی خود و قرار گرفتم بسوی درین ذکر تو از برای خود و انعامت بر من

اللَّهُمَّ مَوْلَايَ كَمْ مِنْ قَبِيحٍ سَتَرْتَهُ وَكَمْ مِنْ

خداوندای من چه بسیار از بدیها که پوشانیدی و چه بسیار از

فَادِحٍ مِنَ الْبَلَاءِ أَقْلَتَهُ وَكَمْ مِنْ عِثَارٍ وَقَيْتَهُ

بلاهای گران که زائل و برطرف کردی آن را و چه بسیار از لغزشهایی مرا که نگاه داشتی

وَكَمْ مِنْ مَكْرُوهٍ دَفَعْتَهُ وَكَمْ مِنْ ثَنَاءٍ جَمِيلٍ

و چه بسیار از ناخوشیها که دفع کردی و چه بسیار از تعریف خوب

لَسْتُ أَهْلًا لَهُ نَشْرَتَهُ اللَّهُمَّ عَظُمَ بِلَائِي

که نبودم سزاوار آن را و پهن کردی آن را خداوند بزرگ است بلای من

وَأَفْرَطَ بِي سُوءُ حَالِي وَقَصُرَتْ بِي أَعْمَالِي وَقَعَدَتْ

و از حد گذشته بدی حالی من و نارساست از نجات من کردای من و زمین گیر کرده

بِي أَغْلَا لِي وَحَبَسَنِي عَنْ نَفْعِي بَعْدَ أَمَالِي

مرا غلبای من و منع کرده از نفع من دُور و دراز منی

وَحَدَّ عَنِّي الدُّنْيَا بَغْرُورَهَا وَنَفْسِي بِخِيَانَتِهَا

و فریب داده مرا دُنیا بفریب خود و نفس من بخیانت خود

وَمِطَالِي يَا سَيِّدِي فَاسْأَلْكَ بِعِزَّتِكَ أَنْ

و سل انگاری من تبارک کردای من پس سوال می کنم از تو بعزت تو اینگ

لَا يَحْجِبَ عَنْكَ دَعَائِي سُوءُ عَمَلِي وَفِعَالِي

منع نه کند از تو دعای مرا بدی اعمال و افعال من

وَلَا تَقْضَ حَنِيَّ بِخَفِيِّ مَا أَطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنْ

و رُسوا مکن مرا به پنهانی آنچه خبردار شده بر آن از

سِرِّي وَلَا تُعَاجِلْنِي بِالْعُقُوبَةِ عَلَى مَا عَمِلْتَهُ

راز من و زود بگیر مرا بعذاب آنچه من نموده ام آنرا

فِي خَلَوَاتِي مِنْ سُوءِ فِعْلِي وَإِسَاءَتِي وَدَوَامِ

در خلوتهای خودم از بدی کردار من و بدی خود و دایم بودن

تَفْرِيطِي وَجَهَالَتِي وَكَثْرَةَ شَهَوَاتِي وَغَفْلَتِي

در تقصیر خود و نادانی خود و بسیاری شهوتهای من و غفلت خود

وَكَنِ اللَّهُمَّ بِعِزَّتِكَ لِي فِي الْأَحْوَالِ كُلِّهَا رُفًا

و باش خداوند ب عزت خود از برای من در همه احوال مهربان

وَعَلَيَّ فِي جَمِيعِ الْأُمُورِ عَطُوفًا إِلَهِي وَرَبِّي مَنْ لِي

و بر من در همه کارها رحم کننده خدای من کیست برای من

غَيْرُكَ أَسْأَلُهُ كَشْفَ ضُرِّي وَالنَّظَرَ فِي أَمْرِي

غیر از تو که سؤال کنم از او برداشتن بدی حالم را و نظر کردن در کار من

إِلَهِي وَمَوْلَايَ أَجَرْتِ عَلَيَّ حَكْمًا أَتَّبَعْتُ فِيهِ

خدای من و آقای من جاری ساختی بر من حکمی را که پیروی کردم در آن

هَوَى نَفْسِي وَلَمْ أَحْتَرِسْ فِيهِ مِنْ تَزْوِينِ

خواهش نفس خود را و نگاها داری نکردم در آن حکم از زینت دادن او

عَدُوِّي فَغَرَّنِي بِمَا أَهْوَى وَأَسْعَدَهُ عَلَى ذَلِكَ

که دشمن من است پس فریب داد مرا ب آنچه خواست و مدد کرد او را بر این

الْقَضَاءُ فَتَجَاوَزْتُ بِمَا جَرَى عَلَيَّ مِنْ ذَلِكَ

امر قضا را پس تجاوز کردم بسبب آنچه جاری شد بر من از این قضا

بَعْضَ حُدُودِكَ وَخَالَفْتُ بَعْضَ أَوْامِرِكَ

پاره حدود و احکام ترا و نافرمانی کردم پاره اوامر ترا

فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَىٰ فِي جَمِيعِ ذَلِكَ وَلَا حُجَّةَ لِي

پس برای تست حمد بر من در همه اینها نیست جمعی از برای من

فِيمَا جَرَىٰ عَلَيَّ فِيهِ قَضَاؤُكَ وَالزَّمَنِي فِيهِ

در آنچه جاری شد بر من در آن قضای تو و لازم شد مرا

حُكْمُكَ وَبَلَاءُكَ وَقَدْ أَتَيْتُكَ يَا إِلَهِي بَعْدَ

حکم تو و امتحان تو تحقیق که آدم بسوی تو ای خدای من بعد از

تَقْصِيرِي وَإِسْرَافِي عَلَىٰ نَفْسِي مُعْتَذِرًا نَادِمًا

تقصیر خود و فرورسانیدن بر خود در حالتی که عذر خواهم و پشیمانم

مُنْكَسِرًا مُسْتَقِيلًا مُسْتَغْفِرًا مُنِيبًا مُقِرًّا مُذْعِنًا

و درمانده و شکسته عالم و طلب کننده ام آرزویش پاک شده ام بسوی تو و آوار کننده بخواه خود اذعان

مُعْتَرِفًا لَا أَجِدُ مَفْرَأًا مَّا كَانَ مِنِّي وَلَا مَفْزَعًا

دارم و اقرار ببدی خود نمی یابم گریزگاهی از آنچه از من سرزده و نه جای پناهی

أَتَوَجَّهُ إِلَيْهِ فِي أَمْرِي غَيْرَ قَبُولِكَ عُذْرِي

که رو کنم بسوی او در کار خود غیر از قبول فرمودن تو عذر مرا

وَادْخَالِكَ إِلَيَّ فِي سَعَةٍ مِنْ رَحْمَتِكَ اللَّهُمَّ

و داخل کردن مرا در پهنادری رحمت خود بار خدایا

فَاقْبَلْ عَذْرِي وَارْحَمْ شِدَّةَ ضُرِّي وَفُكْنِي

قبول کن عذر مرا و رحم کن شدت و بد حالی مرا و رها کن مرا

مِنْ شِدَّةِ وَثَاقِي يَا رَبِّ ارْحَمْ ضَعْفَ بَدَنِي وَرِقَّةَ

از بند گناہان که مرا مقید کرده ای پروردگار من رحم فرما بر ضعف بدن من و نازکی

جِلْدِي وَدِقَّةَ عَظْمِي يَا مَنْ بَدَأَ خَلْقِي وَذِكْرِي

پوست مرا و استخوان مرا ای آنکه ابتدا فرمودی بآفریدن من و یاد کردن من

وَتَرْبِيَّتِي وَبِرِّي وَتَغْذِيَّتِي هَبْنِي لِابْتِدَاءِ كَرَمِكَ

و تربیت من و نشوونمای من و غذا دادن من بخش بر من بجهت ابتدای کرم خود

وَسَالِفِ بَرَكَتِي يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي وَرَبِّي

و برای نیکبختی که بر من کرده ای خدای من و آقای من و پروردگار من

اتْرَاكَ مَعْدِي بِي بِنَارِكَ بَعْدَ تَوْحِيدِكَ وَبَعْدَمَا

آیامی بمنی خود را عذاب کننده من به آتش خود بعد از یگانگی دانستن من ترا و بعد از آنچه

انطوى عَلَيْهِ قَلْبِي مِنْ مَعْرِفَتِكَ وَلِهَاجٍ بِهِ

پنهان شده است دل من از معرفت تو و گویا شده بآن

لِسَانِي مِنْ ذِكْرِكَ وَاعْتَقَدَهُ ضَمِيرِي مِنْ حَبْلِكَ

زبان من از یاد تو و سخت شده بآن خاطر من از محبت تو

وَبَعْدَ صِدْقِ اعْتِرَافِي وَدُعَائِي خَاضِعًا

و بعد از راستی اقرار من و خواندن من ترا با خضوع

لَوْ بَدَيْتَ هَيْهَاتَ أَنْتَ أَكْرَمُ مِنْ أَنْ

برای پروردگاری تو بسیار دور است این امر از تو تو کرامی تری از این که

تَضِيعَ مَنْ رَبَّيْتَهُ أَوْ تَبْعِدَ مَنْ أَدْنَيْتَهُ أَوْ

ضایع کنی کسی را که تربیت کردی او را یا برانی کسی را که نزدیک کرده او را یا

تُسِرُّدَ مَنْ أَوَيْتَهُ أَوْ تَسْلِمَ إِلَى الْبَلَاءِ مَنْ كَفَيْتَهُ

فرار دهی کسی را که پناه دادی او را یا بسیاری به چنگ بیا کسی را که کفایت کردی او را

وَرَحْمَتَهُ وَلَيْتَ شَحْرِي يَا سَيِّدِي وَالْهِجْ

و رحم کردی بر او و کاش میدانستم ای آقای من و خدای من

وَمَوْلَايَ أَتَسْلُطُ النَّارُ عَلَى وَجْهِ خَرَّتْ لِعَظَمَتِكَ

و صاحب من آیا مسلط کنی آتش را بر رویهایی که در افتاده اند بجهت عظمت تو

سَاجِدَةً وَعَلَى السُّنَنِ نَطَقْتُ بِتَوْحِيدِكَ صَادِقَةً

در حال سجده و بر زبانهای که گویا شده اند به یگانگی تو راست گوین

وَبَشْكِرَكَ مَا دَحَاةٌ وَعَلَى قُلُوبٍ اعْتَرَفَتْ بِالْهَيْبَتِكَ

و بشکر تو هیچ کسان و بر دلهائی که اقرار کرده اند بر خدائی تو

مُحَقِّقَةً وَعَلَى ضَمَائِرِ حَوْتٍ مِنَ الْعِلْمِ بِكَ حَقِّي

از روی یقین و بر دلهائی که احاطه کرده اند از دانائی بتو تا آنکه

صَارَتْ خَاشِعَةً وَعَلَى جَوَارِحٍ سَعَتْ إِلَى أَوْطَانِ

گردیده اند باخشوع و بر عضوی چند که سعی کرده اند بجانب مکانهای

تَعْبُدُكَ طَائِعَةً وَأَشَارَتُ بِاسْتِغْفَارِكَ مُذْعِنَةً

عبادت تو بر غبت و اشاره کرده بطلب آمرزش از تو از روی اذعان

مَا هَكَذَا الظَّنُّ بِكَ وَلَا أَخْبِرْنَا بِفَضْلِكَ عَنْكَ

و اعتقاد نیست چنین گمان ما بتو و ز چنین خبر داده شده ایم بفضل تو از تو

يَا كَرِيمُ يَا رَبِّ وَأَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفِي عَنْ قَلِيلٍ

ای کریم ای پروردگار من و تو میدانی ناتوانی مرا از اندکی

مِنْ بَلَاءِ الدُّنْيَا وَعُقُوبَاتِهَا وَمَا يَجْرِي فِيهَا مِنْ

از بلاهای دنیا و عذابهای آن و آنچه جاری میشود در آن از

التَّكَارُهْ عَلَى أَهْلِهَا عَلَى أَنَّ ذَلِكَ بَلَاءٌ وَمَكْرُوهٌ

کمروات بر اهل آن با آنکه این بلا و ناخوشی

قَلِيلٌ مَكْثُهُ يَسِيرُ بَقَاؤُهُ قَصِيرٌ مَدَّتُهُ

اندک است ماندن آن و کم است بقای آن کوتاه است مدت آن

فَكَيْفَ إِحْتِمَالِي لِبَلَاءِ الْآخِرَةِ وَجَلِيلٌ قُوعٌ

پس چگونه است تحمل من از برای بلای آخرت و بزرگ است واقع شدن

التَّكَارُهْ فِيهَا وَهُوَ بَلَاءٌ تَطُولُ مَدَّتُهُ وَيَدُومُ

ناخوشیهای که در آنست و آن بلائی است که دراز است مدت آن و دائمی است

مَقَامُهُ وَلَا يُخَفَّفُ عَنْ أَهْلِهِ لِأَنَّهُ لَا يَكُونُ

آقامت آن و سبک نمیشود از اهل آن زیرا که آن نمی باشد

إِلَّا عَنْ غَضَبِكَ وَإِنِّي تَقَامِمُكَ وَسَخَطُكَ وَهَذَا مَالًا

مگر از غضب تو و انتقام کشیدن تو و خشم تو و چنین امری نمی

تَقُومُ لَهُ السَّمُومَاتُ وَالْأَرْضُ يَا سَيِّدِي فَكَيْفَ

تواند در برابر آن بایستند آسمانها و زمین ای آقای من پس چگونه من تاب

بِي وَأَنَا عَبْدُكَ الضَّعِيفُ الدَّلِيلُ الْحَقِيرُ

آورم و من بنده توام ناتوان ذلیل بی مقدار

الْمُسْكِينُ الْمُسْتَكِينُ يَا إِلَهِي وَرَبِّي وَسَيِّدِي

تنگدست و شکسته حال ای خداوند من و رب من و آقای من

وَمَوْلَايَ لَا يَلِيَّ الْأُمُورَ إِلَيْكَ أَشْكُو وَلِمَا مِنْهَا

و مولای من از برای کدام کارها بسوی تو شکایت کنم و برای کدام یک از آنها

أَصِجُّ وَأَبْكِي لَا لِيَمِ الْعَذَابِ وَشِدَّتِهِ أَوْ لَطُولِ

ناله کنم و گریه نمایم برای دردناکی عذاب و سختی آن یا برای درازی

الْبَلَاءِ وَمُدَّتِهِ فَلَمَّا صَيَّرْتَنِي فِي الْحَقُوبَاتِ

بلا و مدت آن پس اگر گردانی مرا در عذابها

مَعَ أَعْدَائِكَ وَجَمَعْتَ بَيْنِي وَبَيْنَ أَهْلِ بَلَاءِكَ

با دشمنان خود و جمع کردی میان من و میان اهل بلای خود

وَفَرَّقْتَ بَيْنِي وَبَيْنَ أَحِبَّائِكَ وَأَوْلِيَاءِكَ فَهَبْنِي

و جدائی افکنی زبان من و میان دوستان و اولیای خود پس گرفتم

يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ وَرَبِّي صَبَرْتُ عَلَى

ای خدای من و آقای من و صاحب من و پروردگار من که صبر کردم بر

عَذَابِكَ فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَلَى فِرَاقِكَ وَهَبْنِي

عذاب تو پس چگونه صبر کنم بر جدائی تو و گفتم که

صَبَرْتُ عَلَى حَرِّ نَارِكَ فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَنِ النَّظَرِ

صبر کردم بر حرارت آتش تو پس چگونه صبر کنم بر محرومی از نظر

إِلَى كِرَامَتِكَ أَمْ كَيْفَ أَسْكُنُ فِي النَّارِ وَرَجَائِي

بسوی کرامت تو یا چگونه ساکن شوم در آتش و اُمید من که

عَفْوِكَ فَبِعِزَّتِكَ يَا سَيِّدِي وَمَوْلَايَ أَقْسِمُ

عفو تو باشد پس قسم بعزت تو ای آقای من و صاحب من سوگند خورم

صَادِقًا لِّئِنْ تَوَكَّلْتُ نَاطِقًا لَا ضَجْنَ إِلَيْكَ بَيْنَ

براستی که اگر گذاری مرا سخن گو البسته می نالم بسوی تو میان

أَهْلِهَا ضَجِيجَ الْأُمِلِينَ وَلَا صُرْخَانَ إِلَيْكَ صَرَاحَ

اهل آن مانند ناله اُمیدواران و زاری کنم بسوی تو مانند زاری

الْمُسْتَصْرِخِينَ وَلَا بُكْيَانَ عَلَيْكَ بُكَاءَ

استغاث کنندگان و هراتینه گریه کنم بر تو مانند گریه آنانکه

الْفَاقِدِينَ وَلَا نَادِيَنَّكَ آيُنُ كُنْتَ يَا وَلِيَّ

مظلوم خود گم کرده باشند و هراتینه ندا کنم ترا البته که کجائی ای صاحب اختیار

الْمُؤْمِنِينَ يَا غَايَةَ أَمَالِ الْعَارِفِينَ يَلْغِيَاثَ

مؤمنان وای نهایت آرزوی عارفان ای فریادرس

الْمُسْتَغِيثِينَ يَا حَبِيبَ قُلُوبِ الصَّادِقِينَ

بار جویان ای دوست دلهای راستگویان

وَيَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ أَفْتُرَاكَ سُبْحَانَكَ يَا إِلَهِي

وای خداوند عالمیان آیا یافت میشوی پاک میدانت ای خداوند من

وَبِحَمْدِكَ تَسْمَعُ فِيهَا صَوْتَ عَبْدٍ مُسْلِمٍ سَجِنَ

و ستایشت می کنم میشنوی در جهنم صدای بنده مسلمانی را که حبس شده

فِيهَا بِمُخَالَفَتِهِ وَذَاقَ طَعْمَ عَذَابِهَا بِمَعْصِيَتِهِ

در آن بسبب نافرمانی خود و چشید مزه عذاب آنرا بجهت معاصی خود

وَحُبْسَ بَيْنَ أَطْبَاقِهَا بِجُرْمِهِ وَجَرِيرَتِهِ وَهُوَ

و حبس شده در میان طباقهای آن بجرم و جنایت خود و او

يَضْجُ إِلَيْكَ ضَجِجَ مُؤْمِلٍ لِرَحْمَتِكَ وَيَنَادِيكَ

می نالد بسوی تو نالیدن امیدوار برای رحمت تو و ندا میکند ترا

بِلِسَانِ أَهْلِ تَوْحِيدِكَ وَيَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِرُبُوبِيَّتِكَ

بزبان اهل توحید تو و توسل جوید بسوی تو به پروردگاری تو

يَا مَوْلَايَ فَكَيْفَ يَبْقَى فِي الْعَذَابِ وَهُوَ يَرْجُو

ای صاحب اختیار من پس چگونه میماند در عذاب و او امید دارد

مَا سَلَفَ مِنْ حِلْمِكَ وَرَأْفَتِكَ وَرَحْمَتِكَ أَمْ

آنرا که پیش یافته بود از حلم تو و مهربانی تو و بخشایش تو یا

كَيْفَ تَوَلَّيْتَهُ النَّارَ وَهُوَ يَأْمُلُ فَضْلَكَ وَرَحْمَتَكَ

چگونه بدو را آوردی آتش و او امید میدارد فضل ترا و رحمت ترا

أَمْ كَيْفَ يَحْرِقُهُ لَهَبُهَا وَأَنْتَ تَسْمَعُ صَوْتَهُ وَتَرَى

یا چگونه بسوزد او را شعله او و تو میشنوی صدای او را و می بینی

مَكَانَهُ أَمْ كَيْفَ يَشْتَمِلُ عَلَيْهِ زَفِيرُهَا وَأَنْتَ

مکان او را یا چگونه فرا می گیرد او را خروش آتش و تو

تَعْلَمُ ضَعْفَهُ أَمْ كَيْفَ يَتَغَلَّغِلُ بَيْنَ أَطْبَاقِهَا

میدانی ناتوانی او را یا چگونه مضطرب میشود میان طبقات آن

وَأَنْتَ تَعْلَمُ صِدْقَهُ أَمْ كَيْفَ تَرْجُرُهُ زَبَانِيَّتُهَا

و تو میدانی راستی او را آیا چگونه زجر کند شعله او

وَهُوَ يَنَادِيكَ يَا رَبِّهِ أَمْ كَيْفَ يَرْجُو فَضْلَكَ فِي

و او ندای می کند ترا که ای پروردگار من یا چگونه که امید دارد فضل ترا و

عَتِيقَهُ مِنْهَا فَتَتْرُكُهُ فِيهَا هَاهُنَا مَا ذَلِكَ

آزاد کردن او از جهنم خواهی گذاشت او را در آن دور است این و چنین نیست

الظَّنُّ بِكَ وَلَا الْمَعْرُوفُ مِنْ فَضْلِكَ وَلَا

گمان بتو و شناخته نشده از فضلت و نه

مُشَبَّهٌ لِّمَا عَامَلْتُ بِهِ الْمُؤَحِّدِينَ مِنْ بَرِّكَ

شبهه است آنچه معامله کرده با یگانه پرستان از نیکی تو

وَأَحْسَانِكَ فَبِالْيَقِينِ أَقْطَعُ لَوْلَا مَا حَكَمْتَ بِهِ

و احسان تو پس یقین قطع دارم که اگر نه آن بود که حکم کرده

مِنْ تَعْدِيْبٍ جَاحِدِيكَ وَقَضَيْتَ بِهِ مِنْ إِخْلَادٍ

از عذاب کردن منکران خود و حکم کرده بخلود و دایم بودن

مُعَانِدِيكَ لَجَعَلْتَ النَّارَ كُلَّهَا بَرْدًا وَسَلَامًا

و دشمنان خود در آتش هر آینه میگردانیدی آتش را تمام سرد و سلامت

وَمَا كَانَتْ لِأَحَدٍ فِيهَا مَقَرًّا وَلَا مَقَامًا لِيَكُنَّكَ

و نبود از برای احدی در آن قرار و مقامی لیکن تو که

تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ أَقْسَمْتُ أَنْ تَمْلَأَهَا مِنْ

پاک است نامهای تو قسم یاد نموده اینکه پُر کنی جهنم را از

الْكَافِرِينَ مِنَ الْجَنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ وَأَنْ

کافران از جن و مردم یکی و دایم

تُخْلَدَ فِيهَا الْمُعَانِدِينَ وَأَنْتَ جَلَّتْ ثَنَائُكَ قُلْتَ

و همیشه بداری در آن دشمنان را و تو که بزرگ است ثنای تو فرموده

مُبْتَدَأً وَتَطَوَّلْتَ بِالْإِنْعَامِ مُتَكَرِّمًا أَفَمَنْ كَانَ

در ابتداء امر و بخشش کرده بنحمت دادن در حالتی که کرم کننده بودی آیا کسی که باشد

مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ إِلَهِي

نؤمن مثل کسی است که باشد فاسق البته مساوی نیستند ای خدای من

وَسَيِّدِي فَاسْأَلُكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتِي قَدَّرْتَهَا

و آقای من پس سوال میکنم ترا بتقدیری که مقدر کرده آنرا

وَبِالْقَضِيَّةِ الَّتِي حَكَمْتَهَا وَحَكَمْتَهَا وَغَلَبْتَ

و بجنگی که حتم و واجب کرده آنرا و حکم کرده آنرا و غالب شده

مَنْ عَلَيْهِ أَجْرُيْتَهَا أَنْ تَهَبَ لِي فِي هَذِهِ

برکسی که بر آن کس آن حکم را جاری کرده اینکه بدبخشی بمن در این

الَّيْلَةِ وَفِي هَذِهِ السَّاعَةِ كُلَّ جُرْمٍ أَجْرَمْتَهُ

شب و در این ساعت هر جرمی که کرده ام

وَكُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتَهُ وَكُلَّ قَبِيحٍ أَسْرَرْتَهُ وَكُلَّ

و هر گناهی که نموده ام و هر بدی که پنهان داشته ام و هر

جَهْلٍ عَمِلْتُهُ كَتَمْتُهُ أَوْ أَعْلَنْتُهُ وَأَخْفَيْتُهُ

نادانی که کرده ام پوشانیده ام او را یا آشکار یا پنهان

أَوْ أَظْهَرْتُهُ وَكُلَّ سَيِّئَةٍ أَمَرْتُ بِإِثْبَاتِهَا الْكِرَامَ

یا ظاهر کرده ام و هر بدی که امر فرموده به اثبات آن کرام

الْكَاتِبِينَ الَّذِينَ وَكَّلْتَهُمْ بِحِفْظِ مَا يَكُونُ مِنِّي

الکاتبین را که موکل کرد آینده آنها را به نگاه داشتن آنچه از من سر میزند

وَجَعَلْتَهُمْ شُهَدَاءَ عَلَيَّ مَعَ جَمِيعِ جَوَارِحِي وَكُنْتُ

و گردانیده ایشانرا گواهان بر من با جمیع اعضای بدن من و بوده

أَنْتَ الرَّقِيبُ عَلَيَّ مِنْ رَأْيِهِمُ وَالشَّاهِدُ لِمَا خَفِيَ

تو خبردار بر من از غیر ایشان و گواه بر آنچه پنهان شده

عَنْهُمْ وَبِرَحْمَتِكَ أَخْفَيْتَهُ وَبِفَضْلِكَ سَتَرْتَهُ

بر ایشان و بخشایش خود پوشیده آنرا و بفضل خود پرده کشیده بر آن

وَأَنْ تُوفِّرَ حَظِّي مِنْ كُلِّ خَيْرٍ تُنْزِلُهُ أَوْ إِحْسَانٍ

اینکه زیاده کنی قسمت مرا از هر خیری که فرود آری او را یا خوبی که

تَفْضِلُهُ أَوْ بِرِّ تَنْشُرُهُ أَوْ رِزْقٍ تَبْسُطُهُ أَوْ ذَنْبٍ

تفضل کنی آنرا یا نیکی کنی که پهن کنی آنرا یا رزقی که کشایشی همی آنرا یا گناهی که

تَغْفِرُهُ أَوْ خَطَايَا تَسْتُرُهُ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا

بیامرزی آنرا یا خطائی که پوشانی آنرا ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من ای

إِلَهِي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ وَمَالِكِ مِرْقِي يَا مَنْ

خدای من و آقای من و صاحب من و مالک بندگی من ای آنکه

بِيَدِهِ نَاصِيَّتِي يَا عَلِيمًا بِضُرِّي وَمَسْكِنَتِي يَا

بدست اوست ثنوی پیشانی من ای دانا به بد حالی من و نیچسارگی من ای

خَيْرًا بِفَقْرِي وَفَاقَتِي يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ

مطلع به تنگدستی من و احتیاج من ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من

أَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ وَقُدْسِكَ وَأَعْظَمِ صِفَاتِكَ

سؤال میکنم از تو بحق تو و پاکی تو و بزرگترین صفات تو

وَأَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ أَوْقَاتِي فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ

و نامهای تو اینکه بگردانی وقتهای مرا در شب و روز

بِذِكْرِكَ مَعْمُورَةً وَبِخِدْمَتِكَ مَوْصُولَةً وَأَعْمَالِي

بیاد خودت معمور و آباد و بخدمت تو پیوسته و کردار من

عِنْدَكَ مَقْبُولَةً حَتَّى تَكُونَ أَعْمَالِي وَأَوْسَادِي

نزد تو قبول شده تا آنکه بوده کارهای من و درودهای من

كُلُّهَا وَرَدًّا وَاحِدًا وَحَالِي فِي خِدْمَتِكَ سَرْمَدًا

تماماً و در واحد و حال من در خدمت تو پیوسته و اایم

يَا سَيِّدِي يَا مَنْ عَلَيْهِ مُعَوَّلِي يَا مَنْ إِلَيْهِ

ای آقای من ای آن کسی که بر اوست اعتماد من و کسی که بسوی او

شَكْوَتُ أَحْوَالِي يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ قَوْعِي

شکایت میکنم احوال خود را ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من تو انا کن بر

خِدْمَتِكَ جَوَارِحِي وَاشْدُدْ عَلَى الْعِزِّ مِمَّةَ جَوَارِحِي

خدمت خودت اعضای مرا و سخت محکم گردان بر عزم بندگی خود دل مرا

وَهَبْ لِي الْبَحْدَ فِي خَشْيَتِكَ وَالذَّوَامَ فِي

و بخشش بر من بحد و جدی در خوف از خود و همیشه در

الْإِتِّصَالِ بِخِدْمَتِكَ حَتَّى أَسْرَحَ إِلَيْكَ فِي

متصل داشتن وقت خود را بنده گزاری تو تا آنکه شتاب نمایم بسوی تو

مَيَّادِينَ السَّابِقِينَ وَأُسْرِعَ إِلَيْكَ فِي الْمَبَادِيرِ

میدان و عرصه بندگی پیش رونندگان و سرعت نمایم بسوی تو در زمره شتاب کنندگان

وَأَشْتَاقَ إِلَى قُرْبِكَ فِي الْمَشْتَاقِينَ وَأَدْنُو مِنْكَ

و مشتاق شوم بقرب تو در جملة مشتاقان و نزدیک شوم بتو

دُنُو الْمُخْلِصِينَ وَأَخَافُكَ مَخَافَةَ الْمُوقِنِينَ

نزدیکی بندگان با اخلاص تو و برترسم از تو رسیدن صاحبان یقین

وَأَجْتَمِعَ فِي جَوَارِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ اللَّهُمَّ

و جمع شوم در همسایگی تو با گروه مؤمنان بار خدایا

وَمَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ فَأَيِّرْهُ وَمَنْ كَادَنِي فَكِدْهُ

هر کس اراده کند بمن بدی را پس اراده کن او را بیدی و هر که کارد بمن بدی را او را بدی کن

وَأَجْعَلْنِي مِنْ أَحْسَنِ عِبَادِكَ فَصِيبًا عِنْدَكَ

و بگردان مرا از نیکوترین بندگان خود از جهت بهره نصیب در نزد تو

وَأَقْرِبِهِمْ مَنَزِلَةً مِنْكَ وَأَخْصِهِمْ زَلْفَةً لَدَيْكَ

و نزدیک ترین آنان از جهت مقام و منزلت از تو و مخصوص ترین آنان در تقرب بنزد تو

فَإِنَّهُ لَا يَنَالُ ذَلِكَ إِلَّا بِفَضْلِكَ وَجُدْ لِي بِجُودِكَ

بدرستی که باین کرامات نیرسد مگر بفضل احسان تو پس عطا کن آنها بمن بفضل و کرم خود

وَأَعْطِفْ عَلَيَّ بِمَجْدِكَ وَاحْفَظْنِي بِرَحْمَتِكَ

و مهربانی کن بامن به بزرگواری خود و حفظ کن مرا بر رحمت خود

وَأَجْعَلْ لِسَانِي بِذِكْرِكَ لَهْجًا وَقَلْبِي بِحُبِّكَ

و بگردان زبان مرا بذكر خود گویا و دل مرا بدوستی خودت

مَتَّيْمًا وَمِنْ عَلَيَّ بِحُسْنِ إِجَابَتِكَ وَأَقِلْنِي

مشغول و بیایب منت گذار بر من بخوبی اجابت خود و در گذر

عَثْرَتِي وَاعْفِرْ لِي زَلَّتِي فَإِنَّكَ قَضَيْتَ عَلَيَّ عِبَادَكَ

از لغزش من و بیامرز گناه مرا بدستی که تو حکم فرموده بر بندگان خود

بِعِبَادَتِكَ وَأَمْرَتِهِمْ بِدُعَائِكَ وَضَمِنْتَ لَهُمْ

به پرستش خود و امر فرموده ایشانرا بدعای خود و ضامن شده برای ایشان

الْإِجَابَةَ فَإِلَيْكَ يَا رَبِّ نَصَبْتُ وَجْهِي

اجابت را پس بسوی تو ای پروردگار من باز داشته ام روی خود را

وَالَيْكَ يَا رَبِّ مَدَدْتُ يَدِي فَبِعِزَّتِكَ اسْتَجِبْ

و بسوی تو ای پروردگار من کشیده ام دستهای خود را قسم میدهم ترا بعزت تو که قبول کن

لِي دُعَائِي وَبَلِّغْنِي مَنَائِي وَلَا تَقْطَعْ مِنْ فَضْلِكَ

برای من دعای مرا و برسان مرا به آرزوهای من و قطع نه کن از فضل و کرم خودت

رَجَائِي وَاكْفِنِي شَرَّ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ مِنْ أَعْدَائِي

امید مرا و کفایت کن مرا از شرّ جنّ و انس از دشمنان من

يَا سَرِيعَ الرِّضَا اغْفِرْ لِمَنْ لَا يَمْلِكُ إِلَّا الدُّعَاءُ

ای زود خوشنود شونده از بند تو بسیار مر بنده را که مالک نیست مگر دعا کردن را

فَإِنَّكَ فَتَعَالَى لِمَا تَشَاءُ يَا مَنْ اسْمُهُ دَوَاءٌ وَذِكْرُهُ

پس بدستیکه تو بجا آورنده هر چیزی را که خواهی ای یکد نام او دواست و یاد او

شِفَاءٌ وَطَاعَتُهُ غِنَى إِرْحَمْ مَنْ رَأْسُ مَالِهِ الرَّجَاءُ

شفاء است و فرمانبرداری او بی نیازی از هر چیزی است رحم کن بر کسی که سرایه امیدواری است

وَسِلَاحُهُ الْبُكَاءُ يَا سَابِغَ النِّعَمِ يَا دَافِعَ النِّقَمِ

وسلاح او گریه است ای دهنده نعمتها ای دفع کننده ناخوشیها

يَا نُورَ الْمُسْتَوْحِشِينَ فِي الظُّلَمِ يَا عَالِمَ الْإِيْعَمِ

ای روشنی وحشت یافتگان در تاریکیها ای دانایکس که کسی نیاموخته

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ

درود و رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و بفرمای کن بمن آنچه را که تو اهل آنرا داری

وَصَلِّ عَلَى اللَّهِ عَلَى رَسُولِهِ وَالْأَيُّمَةِ الْمِيَامِينَ

و درود خدا باد بر رسول او و امامانیکه صاحب میمنت میباشند

مِنْ آلِهِ وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا كَثِيرًا كَثِيرًا

از اهل بیت او و سلام خدا باد بر آنها سلام بسیار بسیار

در فضیلت روز جمعه و احکام آن

از جمله آیام متبرکه که امر با احترام آن گردیده روز جمعه است. احادیث و اخبار صحیح از خاصه و عامه در فضیلت روز جمعه باندازه وارد گردیده که هیچ وجه قابل اختلاف نیست.

جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود روز جمعه سید آیام است و روز جمعه افضل است از روز عید فطر و اضحی. آفتاب بر هیچ روزی طلوع ننموده افضل از روز جمعه باشد. جمعه روزیست که برای سلیمین عید مقرر گردید و خدا آنرا از سایر آیام اختیار فرمود و آنرا اشرف آیام قرار داد و در احادیث دیگر است که در روز جمعه خدا زمین و آسمان و ما بین آنها و ستارگان و ملائکه را خلق نمود. در روز جمعه بود که حضرت آدم ع ایستاد و روح در بدنش دمید و ملائکه او را سجده نمودند و بهشت داخل شد و در همان روز بود که حوای برای آدم خلق شد و جمع بین حوا و آدم گردید. روز جمعه بود که آدم ع از جنت بیرون و بر زمین فرود آمد. و در همان روز بود که توبه وی مقبول شد. و در روز جمعه بود که آدم ع از دنیا رفت. روز جمعه آتش فرو

بر حضرت ابراهیم خلیل غ سرود شد و خطاب یا نارا کوئی بر دأ و سلاما
 رسید. و در آن روز دعای حضرت یعقوب غ مستجاب شد و بلا از
 حضرت ایوب غ رفع گردید. خدا برای اسماعیل غ در آن روز فدائست
 روز جمعه روزیست که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم حضرت امیر المؤمنین
 علی علیه السلام را در غدیر خم نصب بخلاف نمود. و قائم آل محمد ص در
 آن روز ظهور خواهد نمود و در آن روز قیامت برپا شود. اولین و آخرین
 را خداوند در آن جمع نماید. چنانکه در قرآن فرمود **يَوْمَ يَجْمُوعُ لَهُ
النَّاسُ وَذَلِكَ يَوْمُ مَشْهُودٍ** یعنی روزیست که مردم در آن
 روز جمع شوند و روزیست مشهود. روز جمعه روزی است که خدا عبادت
 کنندگان را در آن روز میآمرزد و رحمت بر آنها نازل میکند پس مشغول
 بخیزی غیر از عبادت نشوید. در روز جمعه ساعتی است که دعا در آن
 مستجاب میشود که هرگز رو نخواهد شد. حسنات در آن روز مضاعف
 میگردد. گناهان محو میشود. درجات مرتفع خواهد شد و بسیاری از
 گناهکاران را در آن روز خدا از آتش جهنم خلاص مینماید. امام صادق غ
 فرمود که بیست و چهار ساعت شب و روز جمعه از برای خداوند است

هفتاد هزار آزاد کرده از آتش جهنم کسیکه در روز جمعه گناه کند
 گناه وی مضاعف میشود چنانکه ثواب کار نیک در آن مضاعف خواهد شد
 و در بعضی احادیث است که ثواب عمل خیر در روز جمعه ده چندان از سایر
 ایام محسوب میشود. حضرت امام صادق ع فرمود از برای روز جمعه حقیقت
 مبادا حق آنرا ضائع کنی و در چیزی از عبادات خدا و از تقرب بسوی او
 و عمل صالح و از ترک محرمات کوتاهی نمایند بدستیکه خداوند حسنات
 را در آن مضاعف ینماید و سیئات را محو میکند و درجات را بلند
 میگرداند. در روایت دیگر است کسیکه استخفاف بر روز جمعه کند و حرمت
 آنرا نگذارد و حق آنرا ضائع نماید بر خداوند است که او را در آتش جهنم
 اندازد مگر آنکه توبه کند.

در حدیث دیگر است هر مؤمنی که در روز یا شب جمعه ببرد و شهادت
 داده است و از عذاب قبر و فشار آن محفوظ میماند و در قیامت با امن
 مشغور میشود و بدون حساب داخل بهشت میگردد. پس بر مسلمانان
 لازم است که احترام شب و روز جمعه را نگه دارند و چون سایر ایام
 آنرا نشمارند و در آن بکاری مشغول نشوند که سبب خشم پروردگار و عذاب

دنیا و آخرت شود.

صحابه حضرت رسول اکرم ص با اندازه نسبت بروز جمعه اهتمام
میداشتند که از پنجشنبه مهمیای اعمال در آن میشدند. و غسل روز
جمعه مستحب مؤکد و ترک آن خلاف احتیاط است بلکه قول بوجوب دارد
پس تا ممکن است ترک نشود. جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم
فرمود یا علی در هر جمعه غسل کن اگر چه قوت روزی خود را بفروشی و آب
بخری و غسل کنی و اگر سینه بانی زیرا که هیچ شستن ازین بزرگتر نیست.
در حدیث دیگر که غسل روز جمعه کفاره گناهان است تا جمعه دیگر. و در روایت
دیگر از امام صادق ع است که فرمود "لَا يَتْرُكُ غُسْلَ الْجُمُعَةِ
إِلَّا فَاسِقٌ" ترک غسل جمعه نمیکند مگر شخص بدکار. و در حدیث دیگر
از آنحضرت روایت شد فرمود هر یک از شما باید زینت نماید در روز جمعه
و غسل کند و بوی خوش استعمال نماید و ریش خود را شانه زده و بهترین
لباس خود را بپوشد و با کمال سکینه و وقار مهمیای نماز جمعه گردیده بندگی
پروردگار خود را نیک نماید خداوند خشنات او را مضاعف مینماید.
و وقت غسل روز جمعه پس از فجر صادق است تا زوال ظهر

و هر چه بزوال نزدیک تر شود فضیلت آن بیشتر خواهد بود و هر گاه ممکن نشود
 بعد از زوال تا شام قربه الی الله غسل را بجا آورد - نیت قضا و ادا
 نکند و اگر روز جمعه ممکن نشود روز شنبه آنرا قضا کند و در صورتیکه شخص
 بداند که روز جمعه غسل برایش ممکن نیست میتواند روز پنجشنبه غسل نماید
 و از جمله اعمال روز جمعه ناخن گرفتن است پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله
 و سلم فرمود کسیکه روز جمعه ناخن بگیرد خدا در درازانگشتان او بیرون
 کند و دوار او را در انگشتانش داخل نماید - فرمود کسیکه روز جمعه ناخن بگیرد
 عمر و مال او زیاد میگردد - و در حدیث دیگر است کسیکه روز جمعه ناخن
 بگیرد مبتلا بجنون و جذام و پستی نخواهد شد - حضرت صادق علیه السلام فرمود
 کسیکه ناخن بگیرد در روز جمعه خدا او را این میبارد و از خوره و دیوانگی
 و پستی و کوری - و فرمود هر که در روز جمعه شارب و ناخن بگیرد و سر خود را
 با خطمی بشوید فقرا از او دور میگردد و روزی وی بسیار میگردد و سنت
 است در وقت ناخن گرفتن از خضر یعنی انگشت کوچک دست چپ
 شروع شود و بدست راست ختم گردد - مکرره است ناخن را بدندان
 محرفتن چه در بعضی روایات است که تولید گره در کار نمینماید - و این دعا را

در وقت ناخن گرفتن بخواند - بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ
 اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ از مستحبات روز جمعه است
 استحمال بوی خوش پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرمود نباید
 بوی خوش را ترک کرد بلکه در حدیث دیگر است که نماز با بوی خوش
 مقابل است با هفتاد نماز که در آن بوی خوش نباشد و از جمله وظایف
 روز جمعه نماز جمعه است که سابقاً اشاره شد و صدقه دادن در روز جمعه
 مستحب مؤکد است و مقابل است با هزار برابر اوقات دیگر
 مسافرت در روز جمعه قبل از ظهر مکروه است و از جمله مستحبات
 روز جمعه زیارت اهل قبور است مخصوصاً در روز شنبه یا دوشنبه
 یا عصر پنجشنبه و یا روز جمعه سنت مؤکد است و در احکام اموات
 بیان شد

خوردن انار در روز جمعه و شب آن موجب فضیلت و اثر بسیار
 است و صلوات بر محمد و آل محمد در روز جمعه از افضل ترین عبادت است
 از حضرت امام محمد باقر علیه السلام مرویست که هیچ عبادتی در روز جمعه
 نزد من محبوبتر از صلوات بر محمد و آل محمد نیست - و نیز رسول خدا صلی الله

علیه وآله و ائمه هدی را در این روز زیارت کند چنانکه در ص ۱۳۷ ذکر شد
و خواندن دعای ندبه و نیز خواندن دعای سمات بعد از عصر روز جمعه که
وقت استجاب دعا است وارو شده و در مغایح از مصباح شیخ آن را
نقل نموده است و دعا اینست

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ الْأَعِزِّ الْأَجَلِّ
الْأَكْرَمِ الَّذِي إِذَا دُعِيتَ بِهِ عَلَى مَخَالِقِ أَبْوَابِ السَّمَاءِ
لِلْفَتْحِ بِالرَّحْمَةِ انْفَتَحَتْ وَإِذَا دُعِيتَ بِهِ عَلَى مَضَائِقِ
أَبْوَابِ الْأَرْضِ لِلْفَرَجِ انْفَرَجَتْ وَإِذَا دُعِيتَ بِهِ عَلَى
الْعُسْرِ لِلْيُسْرِ تَيَسَّرَتْ وَإِذَا دُعِيتَ بِهِ عَلَى الْأَمْوَاتِ لِلْحَيَاةِ
انْتَشَرَتْ وَإِذَا دُعِيتَ بِهِ عَلَى كَشْفِ الْبَاسِ انْكَشَفَ
الْوَجْهُ الَّذِي عِنْتُ لَهُ الْوُجُوهُ وَاعِزُّ الْوُجُوهِ
وَحَاشَتْ لَهُ الْأَصْوَاتُ وَوَجَلَتْ لَهُ الْقُلُوبُ مِنْ
مَخَافَتِكَ وَبِقُوَّتِكَ الَّتِي بِهَا تُمَسِّكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ
عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِكَ وَتُمَسِّكُ السَّمُومَاتِ وَالْأَرْضَ

أَنْ تَزُولَا وَبِمَشِيَّتِكَ الَّتِي دَانَ لَهَا الْعَالَمُونَ وَبِكَلِمَتِكَ
 الَّتِي خَلَقْتَ بِهَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَبِحِكْمَتِكَ الَّتِي
 صَنَعْتَ بِهَا الْجَحَائِبَ وَخَلَقْتَ بِهَا الظُّلُمَةَ وَجَعَلْتَهَا
 لَيْلًا وَجَعَلْتَ اللَّيْلَ سَكَنًا وَخَلَقْتَ بِهَا النُّورَ وَجَعَلْتَهُ
 نَهَارًا وَجَعَلْتَ النَّهَارَ نُشُورًا مُبْصِرًا وَخَلَقْتَ بِهَا
 الشَّمْسَ وَجَعَلْتَ الشَّمْسَ ضِيَاءً وَخَلَقْتَ بِهَا الْقَمَرَ
 وَجَعَلْتَ الْقَمَرَ نُورًا وَخَلَقْتَ بِهَا الْكَوَاكِبَ وَجَعَلْتَهَا
 نُجُومًا وَبُرُوجًا وَمَصَابِيحَ وَزِينَةً وَرُجُومًا وَجَعَلْتَ لَهَا
 مَشَارِقَ وَمَغَارِبَ وَجَعَلْتَ لَهَا مَطَالِعَ وَمَجَارِي
 وَجَعَلْتَ لَهَا فَلَكَ وَمَسَابِجَ وَقَدَّرْتَ لَهَا فِي السَّمَاءِ مَنَازِلَ
 فَأَحْسَنْتَ تَقْدِيرَهَا وَصَوَّرْتَهَا فَأَحْسَنْتَ تَصْوِيرَهَا
 وَأَخْصَيْتَهَا بِأَسْمَائِكَ إِحْصَاءً وَدَبَّرْتَ لَهَا بِحِكْمَتِكَ
 تَدْبِيرًا وَأَحْسَنْتَ تَدْبِيرَهَا وَسَخَّرْتَهَا بِسُلْطَانِ اللَّيْلِ
 وَسُلْطَانِ النَّهَارِ وَالسَّاعَاتِ وَعَدَدِ السِّنِينَ وَالْحِسَابِ
 وَجَعَلْتَ رُؤْيَهَا لِجَمِيعِ النَّاسِ مَرًى وَاحِدًا وَأَسْأَلُكَ

اللَّهُمَّ بِمَجْدِكَ الَّذِي كَلَّمْتَ بِهِ عَبْدَكَ وَمُرْسُوكَ
 مُوسَى بْنَ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْمُقَدَّسِينَ فَوْقَ
 إِحْسَاسِ الْكَرُوبِيِّينَ فَوْقَ غَمَائِمِ النُّورِ فَوْقَ تَابُوتِ
 الشَّهَادَةِ فِي عَمُودِ النَّارِ وَفِي طُورِ سَيْنَاءَ وَفِي جَبَلِ حُورَيْثَ
 فِي الْوَادِ الْمُقَدَّسِ فِي الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ
 الْأَيْمَنِ مِنَ الشَّجَرَةِ وَفِي أَرْضِ مِصْرَ بِتَسْعِ آيَاتِ بَيِّنَاتٍ
 وَيَوْمَ فَرَّقْتَ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ وَفِي الْمُنَبِّجَاتِ الَّتِي
 صَنَعْتَ بِهَا الْعَجَائِبَ فِي بَحْرِ سُوفٍ وَعَقَّدْتَ مَاءَ الْبَحْرِ
 فِي قَلْبِ الْغَمْرِ كَالْحِجَارَةِ وَجَاوَزْتَ بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ
 وَتَمَّتْ كَلِمَتُكَ الْحُسْنَى عَلَيْهِمْ بِمَا صَبَرُوا وَأَوْثَقَتْهُمْ
 مَشَارِقُ الْأَرْضِ وَمَغَارِبُهَا الَّتِي بَارَكْتَ فِيهَا لِلْعَالَمِينَ
 وَأَغْرَقْتَ فِرْعَوْنَ وَجُنُودَهُ وَمَرَّكِهَ فِي الْيَمِّ وَبِاسْمِكَ
 الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ الْأَعَزِّ الْأَجَلِّ الْأَكْرَمِ وَبِمَجْدِكَ الَّذِي
 تَجَلَّيْتَ بِهِ لِمُوسَى كَلِيمِكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي طُورِ سَيْنَاءَ
 وَلَا بُرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ خَلِيلِكَ مِنْ قَبْلُ فِي مَسْجِدِ الْخَيْفِ

وَلَا تُنْحَى صَفِيَّتُكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي بَيْتِ شَيْعٍ وَلِيَعْقُوبَ
نَبِيِّكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي بَيْتِ إِيْلِ وَأَوْقَيْتَ لِابْرَاهِيمَ عَلَيْهِ
السَّلَامُ بِمِثْلِكَ وَلَا تُنْحَى بِخَلْفِكَ وَلِيَعْقُوبَ بِشَهَادَتِكَ
وَلِلْمُؤْمِنِينَ بِوَعْدِكَ وَلِلدَّاعِينَ بِأَسْمَائِكَ فَاجْبُتْ
وَبِمَجْدِكَ الَّذِي ظَهَرَ لِمُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ
عَلَى قُبَّةِ الرُّمَّانِ وَبِآيَاتِكَ الَّتِي رَقَعْتَ عَلَى أَرْضِ مِصْرَ
بِمَجْدِ الْعِزَّةِ وَالْعُلْبَةِ بِآيَاتِ عَزِيزَةٍ وَبِسُلْطَانِ الْقُوَّةِ
وَبِعِزَّةِ الْقُدْرَةِ وَبِإِشَارِ الْكَلِمَةِ الثَّامَّةِ وَبِكَلِمَاتِكَ
الَّتِي تَفَضَّلْتَ بِهَا عَلَى أَهْلِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ أَهْلِ الدُّنْيَا
وَأَهْلِ الْآخِرَةِ وَبِرَحْمَتِكَ الَّتِي مَنَنْتَ بِهَا عَلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ
وَبِاسْتِطَاعَتِكَ الَّتِي أَقَمْتَ بِهَا عَلَى الْعَالَمِينَ وَبِنُورِكَ
الَّذِي قَدْ خَرَمِنْ فَرْعِهِ طُورُ سَيْنَاءَ وَبِعِلْمِكَ وَجَلَالِكَ
وَكِبَرِيَّاتِكَ وَعِزَّتِكَ وَجَبَرُوتِكَ الَّتِي لَمْ تَسْتَقِلْهَا الْأَرْضُ
وَانْخَفَضَتْ لَهَا السَّمَوَاتُ وَانْزَجَرَتْ لَهَا الْعُمُقُ الْأَكْبَرُ
وَرَكَدَتْ لَهَا الْبَحَارُ وَالْأَنْهَارُ وَخَضَعَتْ لَهَا الْجِبَالُ وَسَكَنَتْ

لَهَا الْأَرْضُ بِمَنَّا كَيْهًا وَاسْتَسْلَمَتْ لَهَا الْخَلَائِقُ كُلُّهَا
وَحَقَّقَتْ لَهَا الرِّيحُ فِي جَرِيَانِهَا وَخَمَدَتْ لَهَا النَّيِّرَانُ
فِي أَوْطَانِهَا وَبِإِطْلَاقِكَ الَّذِي عُرِفَتْ لَكَ بِهِ الْغَلْبَةُ
دَهْرَ الدُّهُورِ وَحُمِدَتْ بِهِ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَيْنِ
وَبِكَلِمَتِكَ كَلِمَةُ الصِّدْقِ الَّتِي سَبَقَتْ لِأَبْنَاءِ آدَمَ
عَلَيْهِ السَّلَامُ وَذُرِّيَّتِهِ بِالرَّحْمَةِ وَأَسْأَلُكَ بِكَلِمَتِكَ الَّتِي
غَلَبَتْ كُلَّ شَيْءٍ وَبُنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي تَجَلَّى بِهِ لِلْجَبَلِ
فَجَعَلْتَهُ دَكًّا وَخَرَّ مُوسَى صَعِقًا وَبِمَجْدِكَ الَّذِي ظَهَرَ
عَلَى طُورِ سَيْنَاءَ فَكَلَّمْتَ بِهِ عَبْدَكَ وَرَسُولَكَ مُوسَى
بَنَ عِمْرَانَ وَبِطُلْعَتِكَ فِي سَاعِ عِيرٍ وَظُهُورِكَ فِي جَبَلِ
قَارَانَ بِرَبَّوَاتِ الْمُقَدَّسِينَ وَجُنُودِ الْمَلَائِكَةِ الصَّافِينَ
وَحُشُوعِ الْمَلَائِكَةِ الْمُسَبِّحِينَ وَبِبَرَكَاتِكَ الَّتِي بَارَكْتَ
فِيهَا عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَبَارَكْتَ لِإِسْحَاقَ صَفِيِّكَ فِي أُمَّةٍ
عِيسَى عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَبَارَكْتَ لِيَعْقُوبَ إِسْرَائِيلَ

فِي أُمَّةٍ مُوسَى عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَبَارَكْتَ لِحَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ
 صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي عِثْرَتِهِ وَذُرِّيَّتِهِ وَأُمَّتِهِ اللَّهُمَّ
 وَكَمَا غَبْنَا عَنْ ذَلِكَ وَلَمْ نَشْهَدْهُ وَأَمَنَّا بِهِ وَلَمْ نَرَهُ صِدْقًا
 وَعَدًّا لَا أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُبَارِكَ عَلَى
 مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَرْحِمَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَأَنْفَضِلِ مَا
 صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرْحِمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ
 إِنَّكَ حَمِيدٌ مُجِيدٌ فَعَالَ إِمَامُ تَرْبِيدٍ وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
 پس حاجت خود را ذکر میکنی و میگوئی اللَّهُمَّ بِحَقِّ هَذَا الدُّعَاءِ وَبِحَقِّ
 هَذِهِ الْأَسْمَاءِ الَّتِي لَا يَعْلَمُ تَفْسِيرَهَا وَلَا يَعْلَمُ بَاطِنَهَا
 غَيْرُكَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ
 وَلَا تَفْعَلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ وَاعْفِرْ لِي مِنْ ذُنُوبِي مَا تَقْدَرُ
 مِنْهَا وَمَا تَأَخَّرَ وَوَسِّعْ عَلَيَّ مِنْ حَلَالِ رِزْقِكَ وَاصْفِنِي
 مِنْ مَوْنَةِ إِنْسَانٍ سَوْءٍ وَجَارٍ سَوْءٍ وَفَرِيقٍ سَوْءٍ وَسُلْطَانٍ
 سَوْءٍ إِنَّكَ عَلَى مَا تَشَاءُ قَدِيرٌ وَبِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ آمِينَ
 رَبِّ الْعَالَمِينَ مؤلف گوید که در بعض نسخ است بعد از و أَنْتَ عَلَى

كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ كَمَا جِئْتُ دَارِي ذِكْرُكَ يَا كَبِيرُ يَا اللَّهُ يَا حَسَنُ يَا
 مَنَّانُ يَا بَدِيعَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ
 يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ بِحَقِّ هَذَا الدُّعَاءِ تَأَخَّرَ وَعَلَامَةُ مُجَلِّسِي
 از صبح سیدین باقی نقل کرده که بعد از دعای سمات این دعا بخواند
 اللَّهُمَّ بِحَقِّ هَذَا الدُّعَاءِ وَبِحَقِّ هَذِهِ الْأَسْمَاءِ الَّتِي لَا يَعْلَمُ
 تَفْسِيرَهَا وَلَا تَأْوِيلَهَا وَلَا بَاطِنَهَا وَلَا ظَاهِرَهَا غَيْرُكَ أَنْ
 تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُزِنَ قَنِي خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
 پس حاجات خود را بطلبد و بگوید وَافْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَلَا
 تَفْعَلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ وَانْتَقِمْ لِي مِنْ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ وَنَامِثٍ
 رَاكِبٍ وَاعْفِرْ لِي مِنْ ذُنُوبِي مَا تَقَدَّمَ مِنْهَا وَمَا تَأَخَّرَ وَلِوَالِدَيَّ
 وَلِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَسَبِّحْ عَلَيَّ مِنْ حَلَالٍ رِزْقَكَ
 وَاكْفِنِي مَوْنَةَ إِنْسَانٍ سَوْءٍ وَجَارٍ سَوْءٍ وَسُلْطَانٍ سَوْءٍ
 وَقَرِينٍ سَوْءٍ وَيَوْمٍ سَوْءٍ وَسَاعَةٍ سَوْءٍ وَانْتَقِمْ لِي مِنْ
 يَكِيدُنِي وَمَنْ يَبْغِي عَلَيَّ وَيُرِيدُنِي وَبِأَهْلِي وَأَوْلَادِي
 وَإِخْوَانِي وَجِيرَانِي وَقَرَابَاتِي مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ

ظُلْمًا إِنَّكَ عَلَى مَا نَشَاءُ قَدِيرٌ وَبِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ أَمِينَ رَبِّ
 الْعَالَمِينَ بِسْمِكَ يَا اللَّهُمَّ بِحَقِّ هَذَا الدُّعَاءِ تَفَضَّلْ عَلَى
 فَقَرَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالْغِنَى وَالثَّرْوَةِ وَعَلَى مَرْضَى
 الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالشِّفَاءِ وَالصِّحَّةِ وَعَلَى أَحْيَاءِ
 الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِاللُّطْفِ وَالْكَرَامَةِ وَعَلَى أَمْوَاتِ
 الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالْمَغْفِرَةِ وَالرَّحْمَةِ وَعَلَى
 مُسَافِرِي الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالرَّيِّدِ إِلَى أَوْطَانِهِمْ سَالِمِينَ
 غَانِمِينَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا
 مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَعِثْرَتِهِ الطَّاهِرِينَ وَسَلَامٌ تَسْلِيمًا
 كَثِيرًا وَشَيْخُ بْنُ فَهْدٍ كَفَّهَ كَمَا سَتَبَّحَ اسْتَ بَعْدَ زَوْعَايَ بِمَا سَتَبَّحَ بُوْنِي
 اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحُرْمَةِ هَذَا الدُّعَاءِ وَبِمَافَاتِ مِنْهُ
 مِنَ الْأَسْمَاءِ وَبِمَا يَشْتَمِلُ عَلَيْهِ مِنَ التَّفْسِيرِ وَالتَّذْوِيرِ
 الَّذِي لَا يُحِيطُ بِهِ إِلَّا أَنْتَ أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا
 وَبِحَايِ كَذَا وَكَذَا حَاجَتِ خُودِ رَا بِنُحْوَاهُ

سند دعای عهدنامه

شیخ کفعمی رحمه الله علیه در کتاب مصباح که در ۸۹۵ هجری از تألیف

آن فارغ شده از امام صادق علیه السلام دعای عهدنامه روایت

کرده است سید حبیبیل محسن امین در جلد سوم مفتاح الجنات خود از

سید بن طاووس آنرا نقل نموده که آن سید بزرگوار از امام جعفر صادق

علیه السلام روایت کرده است که آنحضرت فرمود کسیکه بخواند خدا را

چهل روز باین عهدنامه هر آئینه خواهد بود از یاوران قائم ماعلیه السلام

پس اگر میرد قبل از ظهور آنحضرت بیرون خواهد آورد خدا او را از گور او

وزنده ینماید او را برای یاری آنحضرت و پاداشش ینماید خواننده را بهر کلمه

هزار نیکی و دور میکند از او هزار بدی را

دعای عهدنامه

اللَّهُمَّ رَبَّ التَّوْحِيدِ الْعَظِيمِ وَرَبَّ الْكَرْسِيِّ الرَّفِيعِ
وَرَبَّ الْبَحْرِ الْمَسْجُورِ وَمُنْزِلَ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ
وَالزَّبُورِ وَرَبَّ الظِّلِّ وَالْحَرُورِ وَمُنْزِلَ الْقُرْآنِ
الْعَظِيمِ وَرَبَّ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَالْأَنْبِيَاءِ

وَالْمُرْسَلِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ
وَبِنُورِ وَجْهِكَ الْمُنِيرِ وَمُلْكِكَ الْقَدِيمِ يَا حَيُّ
يَا قَيُّوْمُ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي أَشْرَقَتْ بِهِ
السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضُونَ وَبِاسْمِكَ الَّذِي يَصْلُحُ
بِهِ الْآوَلُونَ وَالْآخِرُونَ يَا حَيُّ أَقْبَلَ كُلِّ حَيٍّ وَيَا
حَيُّ أَبْعَدَ كُلِّ حَيٍّ وَيَا حَيُّ أَحْيِنِ لِي يَا مُحْيِي
الْمَوْتِ وَمُحْيِي الْأَحْيَاءِ يَا حَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ
اللَّهُمَّ بَلِّغْ مُوَلَانَا الْإِمَامَ الْهَادِيَ الْمَهْدِيَّ
الْقَائِمَ بِأَمْرِكَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ
الطَّاهِرِينَ عَنْ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ
فِي مُشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا سَهْلِهَا
وَجَبَلِهَا وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا عَنِّي وَعَنْ وَالدِّي
وَوَلَدِي وَإِخْوَانِي وَإِخْوَاتِي مِنَ الصَّلَوَاتِ
وَالْتَّحِيَّاتِ نَزْنَةَ عَرْشِ اللَّهِ وَمِدَادِ كَلِمَاتِهِ

له وبعض نسخ إخواني وإخواتي موزنية. لله عدد خـ لـ

وَمَا أَحْصَاهُ كِتَابُهُ وَآحَاطَ بِهِ عِلْمُهُ اللَّهُمَّ
إِنِّي أُجَدِّدُ لَهُ فِي صَبِيحَةِ يَوْمِي هَذَا وَمَا
عِشْتُ مِنْ أَيَّامِي عَهْدًا أَوْ عَقْدًا وَبَيْعَةً لَهُ
فِي عُنُقِي لَا أَحُولُ عَنْهَا وَلَا أَنْزُولُ أَبَدًا اللَّهُمَّ
اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ وَالذَّاكِرِينَ عَنْهُ
وَالْمُسَارِعِينَ إِلَيْهِ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِهِ
وَالْمُتَمَثِّلِينَ لِأَمْرِهِ وَنَوَاهِيهِ وَالْمُحَامِلِينَ
عَنْهُ وَالسَّابِقِينَ إِلَى إِرَادَتِهِ وَالْمُسْتَشْهِدِينَ
بَيْنَ يَدَيْهِ اللَّهُمَّ إِنْ حَالَ بَيْنِي وَبَيْنَهُ الْمَوْتُ
الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَى عِبَادِكَ حَتْمًا مُقْضِيًّا
فَاخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِي مُؤْتِزًّا كَفَيْتَنِي شَاهِرًا
سَيْفِي مُجَرَّدًا قَاتِي مَلَبِّيَا دَعْوَةَ الدَّاعِي فِي
الْحَاضِرِ وَالْبَادِي اللَّهُمَّ أَرِنِي الطَّلَعَ الرَّشِيدَ
وَالْغُرَّةَ الْحَمِيدَةَ وَالْحُلَّ نَاطِرِي بِنَظَرَةٍ مِنِّي
إِلَيْهِ وَعَجَلُ فَرْجِهِ وَسَهْلُ مَخْرَجِهِ وَأَوْسَعُ

مِنْهَجَهُ وَاسْلُكْ بِي مَحَجَّتَهُ وَأَنْفِذْ أَمْرَهُ
 وَأَشْدُدْ أَنْزَرَهُ وَأَعْمِرِ اللَّهُمَّ بِهِ بِلَادَكَ وَأَحْيِي
 بِهِ عِبَادَكَ فَإِنَّكَ قُلْتَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ ظَهَرَ
 الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي
 النَّاسِ فَأَظْهِرِ اللَّهُمَّ لَنَا وَلِيَّكَ وَابْنَ بَيْتِ
 نَبِيِّكَ الْمُسَمَّى بِاسْمِ رَسُولِكَ حَتَّى لَا يَظْفَرُ
 بِشَيْءٍ مِنَ الْبَاطِلِ إِلَّا مَزَقَهُ وَيُحَقِّقَ الْحَقَّ وَيُحَقِّقَهُ
 وَاجْعَلْهُ اللَّهُمَّ مَفْزَعًا لِمَظْلُومِ عِبَادِكَ وَنَاصِرًا
 لِمَنْ لَا يَجِدُ لَهُ نَاصِرًا غَيْرَكَ وَمُجِدِّدًا لِمَا عَقَلْ
 مِنْ أَحْكَامِ كِتَابِكَ وَمُشَيِّدًا لِمَا وَرَدَ مِنْ أَعْلَامِ
 دِينِكَ وَسُنَنِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
 وَاجْعَلْهُ اللَّهُمَّ مِمَّنْ حَصَّنْتَ مِنْ بَاسِ
 الْمُحْتَدِينَ اللَّهُمَّ وَسِّرْ نَبِيَّكَ مُحَمَّدًا صَلَّى
 اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِرُؤْيَيْهِ وَمَنْ تَبِعَهُ عَلَى دَعْوَتِهِ
 وَارْحَمِ اسْتِكَانَتَنَا بَعْدَهُ اللَّهُمَّ اكْشِفْ هَذِهِ

الْغُمَّةَ عَنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ بِحُضُورِهِ وَعَجَّلْ لَنَا
ظُهُورَهُ إِنَّمَا يَرُونَهُ بَعِيدًا وَنَرَاهُ قَرِيبًا
بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

آنگاه که مرتبه دست خود را بران راست خود میزنی و در هر مرتبه میگوئی
اَلْعَجَلُ الْعَجَلُ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ

خلاصه ترجمه عهدنامه

خدایا توئی پروردگار نور و با عظمت و پروردگار کرسی بارفت پروردگار
دریای مخلوق و فرود آورنده تورات و انجیل و زبور و پروردگار سایه و گرمی
و فرود آورنده قرآن بزرگ و (توئی) پروردگار فرشتگان مقرب و تمامی
پیغمبران و فرستادگان مرسل، خدایا بدستیکه من سوال میکنم تو را بدست
گرامی تو و بنور ذات نور و مهنده و ملکست قدیم تو، ای زنده و ای بی مانند
(تو را سوگند میدهم) بنام آنچنانی تو که روشن نمودی به سبب آن آسمانها
و زمینها را و بنام آنچنانی تو که صلاحیت و درستی پیشینیان و فرجامیان
بسبب آن بوده و می باشد ای (کسیکه) زنده پیش از هر زنده
و ای کسیکه زنده می باشی پس از هر زنده و ای کسیکه زنده در هنگامی که

(بیچ) زنده نیست ای زنده کننده مردگان و میراننده زندگان ای زنده
 کننده نیست خدائی مگر تو برسان بولا و امام من که هدایت کننده است
 و نیز بسبب او هدایت می یابند و گیران، و قائم است بامر تو که درود
 خداوند بر او و بر پدران پاک او باد از تمامی مؤمنین و مؤمنات که در باختر
 زمین و خاورهای آن و نیز در زمینهای هموار و کوهسارها و بیابانها و دریاهای
 می باشند و نیز برسان از من و از پدر و مادر من و فرزندان و برادران
 و خواهران من (باندازه) از درود که بوده باشد به سنگینی عرش خدا
 و مداو کلمات خدا و آنچه را که بشمار در آورده است علم او و آنچه را که فرا
 گرفته است کتاب او آن را - خدا یابد و ستیکه من در صبحگاه این روز
 تازه خود و در هر روز که زندگی می نمایم در آن از روزهای زندگانی خود متاثر
 می کنم با او عهد و پیمان و بیعتی که از برای او است در گردن من تا که از آن
 روگردان نشوم - و از آن گاهی بزرگم خداوند اقرار کرده مرا از یاوران
 و مددکاران او و دور کننده گان از او و نیز از سرعت کننده گان در
 کار و آئی او و از کسی که برای فرمانها و بازداشتن های او مطیع میباشند

خداوند اقرار داده مرا از کسانی که پشتیبان باشند و از کسانی که سبقت
 می نمایند بسوی اراده او و از کسانی که حاضر میشوند در پیش روی او خداوند
 اگر در میان من و میان او مرگ درآید - آنچه ان مرگی که قرار داده آنرا
 حتم بر بندگان خود پس بیرون آورم از گورم در حالتی که بخود گرفته باشم
 کفنم را و ظاهر نموده باشم شمشیرم را و آماده نموده باشم نیزه ام را برای همراهی
 با او (مراد از شمشیر و نیزه وسائل مددکاری و نشان اطاعت فرمانبردار است)
 در حالتی که دعوت دعوت کنندگان او را خواه در بادیه و یا شهر
 اجابت نمایم - ای پروردگار چهره روشن او را بمن نشان ده و طلعت
 پاکیزه او را بمن ظاهر نما و بنیانی مرا بسور منظر باور روشن کن خداوند اشتیاق
 کن در فرج او و آسان نما ظهور او را و باز کن طریقه او را و بسبب من
 راه بر حجت و دلیل او را و امر او را نافذ کن و محکم نما توانائی او را - خدا یا آباد
 کن بسبب او شهرهای خودت را و بسبب او زنده نما بندگانست را
 بدستیکه تو گفته (در قرآن پاکت) ظاهر گردید فساد در دریا و صحرا بسبب
 کردای مردم پس خداوند اظا هر نما از برای ما و لی خودت را که پسر پیغمبر تو
 می باشد و نام او نام پیغمبر تو است که در دای تو بر او و بر آل او باد

خداوند باندازه او را توانائی ده که بر هیچ باطلی ظفر نیابد مگر آنکه او را نابود
 نماید - خداوند او را توانائی ده که حق را ثابت و پابرجا کند - خداوند او را
 پناه گاه بندگان مظلوم خود قرار ده و نیز او را مددگار قرار ده از برای
 کسانی که مددگاری نمی یابند غیر از تو - خداوند اندازه نابسبب و احکام
 کتاب خودت را که در میان بندگانست بیکار مانده است نیز بسبب او
 محکم کن آنچه را که رسیده است از احکام دین تو و ستمهای پیغمبر تو
 که درود و سلام تو بر او و بر آل او باد - خداوند او را نگهدار از زیان
 آزارکنندگان و خوشنودنهای پیغمبر خود محمد صلی الله علیه و آله و سلم را
 که درود تو بر او و بر آل او باد و بیدار او و دیدار کسانی که پیروی نموده اند
 دعوت او را - پروردگار رحیم کن ناتوانی ما را و غیبت او - خداوند او را
 کن از این اُمت این گرفتگی و اندوه را بسبب حضور او و تعجیل نما
 از برای ما ظهور او را بدستیکه می بینند آنان (یعنی دشمنان) آن را دور
 می بینیم ما آنرا نزدیک ای مهربان ترین مهربانان بهربانی خود از ما قبول نما
 آنگاه سه مرتبه دست خود را بران راست خود میزنی و در هر مرتبه میگوئی
 اَلْعَجَلُ اَلْعَجَلُ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ

قسمتی از توسلات

قسمتی از توسلات است که در موقع گرفتاری و حاجت خواندن آن سودمند است - خدا در کلام پاک خود میفرماید يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ ای کسانی که ایمان آوردید پرستیز کنید از مخالفت احکام خدا و بجوئید بسوی او وسیله - او عیبه وارده در توسلات بسیار است که از جمله آن دعای توسل چهارده معصوم علیهم السلام است که در مفاتیح از علامه مجلسی نقل نموده که فرمود در بعضی از کتب معتبر نقل کرده اند از محمد بن بابویه که این دعاء توسل را از ائمه روایت کرده و گفته است که در هیچ امری نخواهم مگر آنکه اثر اجابت را برود می یافتم و دعای من است اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ وَأَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَا أَبَا الْقَاسِمِ يَا رَسُولَ اللَّهِ يَا إِمَامَ الرَّحْمَةِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدْ مَنَّكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا يَا وَجِيهَهَا عِنْدَ اللَّهِ اشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ يَا أَبَا الْحَسَنِ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ

يَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَيَا
مَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ
وَقَدْ مَنَّاكَ بَيْنَ يَدَيِ حَاجَاتِنَا يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ اشْفَعْ
لَنَا عِنْدَ اللَّهِ يَا فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ يَا بِنْتَ مُحَمَّدٍ يَا قُرَّةَ
عَيْنِ الرَّسُولِ يَا سَيِّدَتَنَا وَمَوْلَاتِنَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا
وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدْ مَنَّاكَ بَيْنَ
يَدَيِ حَاجَاتِنَا يَا وَجِيهَةً عِنْدَ اللَّهِ اشْفَعْ لَنَا عِنْدَ
اللَّهِ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ يَا حَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ أَيُّهَا الْمُحْتَسِبِيُّ يَا بْنَ
رَسُولِ اللَّهِ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا
إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدْ مَنَّاكَ
بَيْنَ يَدَيِ حَاجَاتِنَا يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ اشْفَعْ لَنَا عِنْدَ
اللَّهِ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَا حُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ أَيُّهَا الشَّهِيدُ
يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا
إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدْ مَنَّاكَ
بَيْنَ يَدَيِ حَاجَاتِنَا يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ اشْفَعْ لَنَا عِنْدَ

اللَّهُ يَا أَبَا الْحَسَنِ يَا عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ يَا نَرِينَ الْعَابِدِينَ يَا بْنَ
 رَسُولِ اللَّهِ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا
 تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدْ مَنَّاكَ
 بَيْنَ يَدَيِ حَاجَاتِنَا يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ اشْفَعْ لَنَا عِنْدَ
 اللَّهِ يَا أَبَا جَعْفَرٍ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ أَيُّهَا الْبَاقِرُ يَا بْنَ رَسُولِ
 اللَّهِ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا
 وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدْ مَنَّاكَ بَيْنَ يَدَيِ
 حَاجَاتِنَا يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ اشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ يَا أَبَا
 عَبْدِ اللَّهِ يَا جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ أَيُّهَا الصَّادِقُ يَا بْنَ رَسُولِ
 اللَّهِ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا
 وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدْ مَنَّاكَ بَيْنَ يَدَيِ
 حَاجَاتِنَا يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ اشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ يَا أَبَا
 الْحَسَنِ يَا مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ أَيُّهَا الْكَافِرُ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ
 يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا
 وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدْ مَنَّاكَ بَيْنَ يَدَيِ

حَاجَاتِنَا يَا وَجِيهَهَا عِنْدَ اللَّهِ اشفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ يَا أَبَا
 الْحَسَنِ يَا عَلِيَّ بْنَ مُوسَى أَيُّهَا الرِّضَا يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ يَا
 حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا
 وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدْ مَنَّاكَ بَيْنَ
 يَدَيْ حَاجَاتِنَا يَا وَجِيهَهَا عِنْدَ اللَّهِ اشفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ
 يَا أَبَا جَعْفَرٍ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ أَيُّهَا النَّقِيُّ الْجَوَادُ يَا بْنَ
 رَسُولِ اللَّهِ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا
 تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدْ مَنَّاكَ
 بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا يَا وَجِيهَهَا عِنْدَ اللَّهِ اشفَعْ لَنَا عِنْدَ
 اللَّهِ يَا أَبَا الْحَسَنِ يَا عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ أَيُّهَا الْهَادِي النَّقِيُّ
 يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا
 وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ
 وَقَدْ مَنَّاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا يَا وَجِيهَهَا عِنْدَ اللَّهِ
 اشفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ يَا حَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ أَيُّهَا
 الزَّكِيُّ الْعَسْكَرِيُّ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى

خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا
وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدْ مَنَّكَ بَيْنَ يَدَيِ حَاجَاتِنَا
يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ اشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ يَا وَصِيَّ الْحَسَنِ
وَالْخَلَفِ الْحُجَّةِ أَيُّهَا الْقَائِمُ الْمُنْتَظَرُ الْمَهْدِيُّ يَا بَنَ
رَسُولِ اللَّهِ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا
إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدْ مَنَّكَ
بَيْنَ يَدَيِ حَاجَاتِنَا يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ اشْفَعْ لَنَا
عِنْدَ اللَّهِ فِي حَاجَاتِ خُودِ الْبَطْلِكِ بِرَأْوَدِهِ مَشُودِنَا شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى وَدَرَدَا
وَكَمُورِ وَارْدِ شَدَّ كِهْ بَعْدَ زَايِنِ كَمُودِ يَا سَادَاتِي وَهَوَالِيَّ إِنِّي تَوَجَّهْتُ بِكُمْ
أَيْعَتِي وَعُدَّتِي لِيَوْمِ فَقْرِي وَحَاجَتِي إِلَى اللَّهِ وَتَوَسَّلْتُ بِكُمْ
إِلَى اللَّهِ وَاسْتَشْفَعْتُ بِكُمْ إِلَى اللَّهِ فَاشْفَعُوا لِي عِنْدَ اللَّهِ
وَاسْتَنْقِذُونِي مِنْ ذُنُوبِي عِنْدَ اللَّهِ فَإِنَّكُمْ وَسِيلَتِي إِلَى
اللَّهِ وَنَجَاتِي وَبِقُرْبِكُمْ أَرْجُو نَجَاةً مِنَ اللَّهِ فَكُونُوا عِنْدَ اللَّهِ حَاجِي
يَا سَادَتِي يَا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ وَلَعَنَّ اللَّهُ
أَعْدَاءَ اللَّهِ ظَالِمِيهِمْ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ آمِينَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ

دعای الهی عظم البلاء :- برای خلاص شدن از جسد خوانده
 میشود - کفعمی در بلد الامین آنرا روایت کرده - در مفاتیح و غیره نیز نقل شده
 و آن دعای حضرت صاحب الامر علیه السلام است که تعلیم فرمود
 بشخصیکه مجبوس بود و در اثر خواندن آن نجات یافت

إِلَهِی عَظُمَ الْبَلَاءُ وَبَرِحَ الْخَفَاءُ وَأُنْكَشَفَ الْغَطَاءُ
 وَأُنْقَطَعَ الرَّجَاءُ وَضَاقَتْ الْأَرْضُ وَمُنِعَتِ السَّمَاءُ
 وَأَنْتَ الْمُسْتَعَانُ وَإِلَيْكَ الْمُشْتَكِي وَعَلَيْكَ الْمُعْوَلُ
 فِي الشَّدَّةِ وَالرَّخَاءِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
 أُولَى الْأُمُورِ الَّذِينَ قَرَضْتَ عَلَيْنَا طَاعَتَهُمْ وَعَرَفْتَنَا
 بِذَلِكَ مَنْزِلَتَهُمْ فَفَرِّجْ عَنَّا حَقِيقَهُمْ فَرَجًا عَاجِلًا
 قَرِيبًا كُلِّمَجِ الْبَصِيرَ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ يَا عَلِيُّ
 يَا مُحَمَّدُ اكْفِيَانِي فَإِنَّكُمَا كَافِيَانِ وَأَنْصُرَانِ فَإِنَّكُمَا
 نَاصِرَانِ يَا مَوْلَانَا يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ الْغَوْثَ الْغَوْثَ
 الْغَوْثَ أَدِيرْ كُنِّي أَدِيرْ كُنِّي أَدِيرْ كُنِّي السَّاعَةَ السَّاعَةَ
 السَّاعَةَ الْعَجَلَ الْعَجَلَ الْعَجَلَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

ترجمہ وعابہ۔ خدایا بزرگ شد گرفتاری و ظاہر شد پوشیدہ
 و برداشته شد پرده (و پوشش) و بریده شد امید و تنگ گردید
 (برما) زمین و منع کرده شد آسمان و توئی مددگار و بسوی تو است شکایتها
 و بر تو است امیدواری و اعتماد و سختی و آسایش، خداوند اور و دفرست
 بر محمد و آل محمد که صاحبان حکم انجنانین که واجب نموده بر ما پیروی آنها را
 و بسبب آن شناسانیده بمرتبه آنها را پس سوگند میدهم ترا بحق آنها
 که فرج نمائی بر ما (از این گرفتاری) فرج باشتاب نزدیکی که باندازه چشم
 بر ہم زدنی یا آنکه او نزدیک تر باشد از آن ای محمد و ای علی و ای علی و ای
 محمد شنائید و و نفر کفایت کنندگان من۔ پس کفایت نمائید مرا بدو
 کنید مرا پس بدستیکه شنائید و و نفر یاری کنندہ من، ای مولای من
 ای امام زمان (استغاثہ می نمایم تو) ای یاری کنندہ، ای یاری
 کنندہ، ای یاری کنندہ، بفریاد من برس، بفریاد من برس،
 بفریاد من برس، در این وقت، در این وقت، در این وقت،
 بزودی، بزودی، بزودی، ای مهربان ترین مهربانان (از من شنو

این توسل را و قبول کن) آن را بر تبه محمد و اهل بیت پاکان وی

و عای دیگر برای خلاصی از زندان وارد شده و در

مفتاح آن را نقل نموده که سید بن طاووس در مهج الدعوات میگوید

روایت شده که شخصی مدت طولانی در شام مجوس بود در خواب دید

حضرت زهراء سلام الله علیها را که با او تعلیم نمود پس خواند و از بند

خلاص گردید و دعا اینست

اللَّهُمَّ بِحَقِّ الْعَرْشِ وَمَنْ عَلَيْهِ وَعِ بَحَقِّ الْوَحْيِ وَمَنْ أَوْحَاهُ

و بِحَقِّ النَّبِيِّ وَمَنْ نَبَّأَهُ وَ بِحَقِّ الْبَيْتِ وَمَنْ بَنَاهُ يَا سَامِعَ كُلِّ

صَوْتٍ يَا جَامِعَ كُلِّ قَوْمٍ يَا بَارِيَّ الْنُفُوسِ بَعْدَ الْمَوْتِ صَلِّ

عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ أَتِنَا وَ جَمِيعَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ

فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا فَ رَجَّائُنَا عِنْدَكَ عَاجِلًا

بِشَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ وَ عَلَى ذُرِّيَّتِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ

وَ سَلَّمَ تَسْلِيمًا كَثِيرًا.

دعای ملهوف و گرفتار

و نیز در مفاتیح است که شیخ کفعمی در بلد الامین دعائی را از حضرت
امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده که هرگاه غمگین و محزون و ملهوف
و گرفتار و ترسان آن را بخواند - خدای تعالی او را فرج کرامت فرماید -

انشاء الله تعالی و دعا اینست

يَا عِمَادَ مَنْ لَا عِمَادَ لَهُ وَيَا ذُخْرَ مَنْ لَهُ ذُخْرٌ لَهُ وَيَا سِنْدَ
مَنْ لَا سِنْدَ لَهُ وَيَا حِزْرَ مَنْ لَا حِزْرَ لَهُ وَيَا غِيَاثَ مَنْ
لَا غِيَاثَ لَهُ وَيَا كَنْزَ مَنْ لَا كَنْزَ لَهُ وَيَا عِزَّ مَنْ لَا عِزَّ لَهُ
يَا كَرِيمَ الْعَفْوِ يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ يَا عَوْنَ الضُّعْفَاءِ يَا
كَتْرَ الْفُقَرَاءِ يَا عَظِيمَ الرَّجَاءِ يَا مُنْقِذَ الْغَرَقِ يَا
مُنْجِيَ الْهَلَكِ يَا مُحْسِنُ يَا مُجْمِلُ يَا مُنْعِمُ يَا مُفْضِلُ
أَنْتَ الَّذِي سَجَدَ لَكَ سَوَادُ اللَّيْلِ وَنُورُ النَّهَارِ
وَضَوْءُ الْقَمَرِ وَشُعَاعُ الشَّمْسِ وَحَفِيفُ الشَّجَرِ
وَدَوِيُّ الْمَاءِ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ
وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ يَا رَبَّاهُ يَا اللَّهُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

وَالْحَمْدُ وَافْعَلْ بِمَا أَنْتَ أَهْلُهُ

پس بطلب هر حاجتی را که داری

ترجمه و عاء. - ای تکیه گاه کسی که نیست برای او تکیه گاهی، ای ذخیره
کسی که نیست برای او ذخیره، ای تکیه کسی که نیست برای او تکیه، ای
نگهبان کسی که نیست برای او نگهبانی، ای فریادرس کسی که نیست
برای او فریادرس، ای کنج کسی که نیست برای او کنجی، ای قوه کسی که
نیست برای او قوه، ای صاحب بخشش گرامی ای بخشنده بینی،
ای یاری کننده بیچارگان، ای خزینه نیازمندان، ای طرف امیدواری
بزرگ، ای دریابنده غرق شده گان، ای نجات دهنده از بلاکت ای
احسان کننده، ای نیکی کننده، ای نعمت دهنده، ای برتری دهنده
توئی آنچه آن کسی که سجده نمود برای تو تاریکی شب و پرتو روز و روشنایی
ماه و شعل آفتاب و آواز درخت و صدای آب، ای خدا، ای خدا،
ای خدا، نیست خدائی مگر تو یگانه تو که نیست شرکی برای تو، ای پروردگار
من، ای خدا درود فرست بر محمد و آل محمد و بجا بیاور با ما آنچه را که توئی
سزاوار آن.

ختم آیه یونس

د از جمله وسائل رسیدن بخواج خواندن آیه مبارکه لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ
 سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ (یعنی نیست خدائی مگر تو
 منزهی بدرستی که من هستم از ستمگاران) یونس علیه السلام مفاد آنرا
 در شکم ماهی خواند و از آن زندان نجات یافت. در کتب ادعیه وارو
 شده که هفتصد و سی بار خواندن برای اداء قرض و دفع دشمن و دور
 شدن بيم و غم و صحت بيماران و خلاصی از دشمنان مفید است و باید
 با وضو و رو قبله خوانده شود.

و برای هر مصلحتی دو هزار و یکصد و شصت و دو مرتبه بخواند سَرِ
 أَنِّي مَغْلُوبٌ فَأَنْتَ تَنْصِرُ یعنی پروردگار ابد رستیکه من مغلوب میشوم
 پس طلب یاری میکنم از تو برای خوف از دشمن نقل شده و خواندن آن
 انشاء الله تعالی مؤثر است ولی در یک مجلس با وضو و قبله بخواند
 بهتر است.

ختم آمن بحیب المضطر

برای دفع بلا و نجات از گرفتاری و دفع دشمن و برطرف شدن ظالم

و نخیتهما و حفظ جان و هستی و قضاء حوائج مشروع مجرب است و با خود نگه
داشتن آن موجب نجات و حفظ از موقع خطر خواهد بود و طریقی که فتن ختم مذکور
است که یک نفر یا جمعی در یک مجلس با وضو و بقبله دو آزارده هزار
مرتبه بخواند و بهتر آنست که قبل از شروع دو رکعت نماز حاجت بجا آورد
و صلوات فرستاده شروع نماید و پس از فراغت از ختم مناسب است
که صلوات فرستاده شود و مرسوم است که حدیث کسارا میخوانند
انگاه دعا برای مقصد خود نمایند **أَمَّنْ يَحْبِبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ**
وَيَكْشِفُ السُّوءَ (سوره النمل آیه ۶۲) یعنی ای اکیست که اجابت نماید
پیشان را زمانی که میخواند او را و دور کند از او بدی را.

دعای یَا مَنْ تَحُلُّ

کفعمی در مصباح دعای نقل نموده که سید بن طاووس در مهج

الدعوات برای امینی از شر سلطان و بلا و ظهور اعداء و خوف فقر و تنگی
سینه ذکر کرده و آن از ادعیه صحیفه سجادیه است. پس اگر از
ضرر آنچه را که ذکر شد رسیدی آن را بخوان **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ**
يَا مَنْ تَحُلُّ بِهِ عُقْدُ الْمَكَارِهِ وَيَا مَنْ يُفْشِي بِهِ حَدَّ الشَّدَائِدِ

وَيَا مَنْ يَلْتَمِسُ مِنْهُ الْمَخْرَجُ إِلَى رُوحِ الْفَرَجِ ذَلَّتْ لِقُدْرَتِكَ
الصَّعَابُ وَتَسَبَّتَ بِلُطْفِكَ الْأَسْبَابُ وَجَرَى بِقُدْرَتِكَ
الْقَضَاءُ وَمَضَتْ عَلَى إِرَادَتِكَ الْأَشْيَاءُ فَهِيَ بِمَشِيَّتِكَ
دُونَ قَوْلِكَ مُؤْتَمِرَةٌ وَإِرَادَتِكَ دُونَ تَكْهِيكَ مُنْزَجِرَةٌ أَنْتَ
الْمَدْعُوُّ لِلْمُهَيَّمَاتِ وَأَنْتَ الْمَفْزَعُ فِي الْمُلِيمَاتِ لَا يَنْدَفِعُ
مِنْهَا إِلَّا مَا دَفَعْتَ وَلَا يَنْكَشِفُ مِنْهَا إِلَّا مَا كَشَفْتَ وَقَدْ
نَزَلَ بِي يَا رَبِّ مَا قَدْ تَكَادَنِي ثِقَلُهُ وَالْمَ بِي مَا قَدْ بَهَظَنِي
حَمْلُهُ وَبِقُدْرَتِكَ أَوْرَدْتَهُ عَلَيَّ وَبِسُلْطَانِكَ وَجَّهْتَهُ إِلَيَّ
فَلَا مُصْدِرَ لِمَا أَوْرَدْتَ وَلَا صَائِرَ لِمَا وَجَّهْتَ وَلَا فَاتِحَ
لِمَا أَغْلَقْتَ وَلَا مُغْلِقَ لِمَا فَتَحْتَ وَلَا مُبَيِّرَ لِمَا عَسَرْتَ وَلَا
نَاصِرَ لِمَنْ خَذَلْتَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَافْتَحْ لِي يَا رَبِّ
بَابَ الْفَرَجِ بِطَوْلِكَ وَاكْسِرْ عَنِّي سُلْطَانَ الْمَصِّ بِحَوْلِكَ وَأَنْلِنِي
حُسْنَ النَّظَرِ فِيمَا شَكُوتُ وَأَذِقْنِي حَلَاوَةَ الصُّنْعِ فِيمَا
سَأَلْتُ وَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَفَرَجًا هَيِّئْهُ وَاجْعَلْ
لِي مِنْ عِنْدِكَ مَخْرَجًا وَجَيًّا وَلَا تَشْغَلْنِي بِالْإِهْتِمَامِ عَنْ

تَعَاهِدِ فُرُوضِكَ وَاسْتِعْمَالِ سُنَّتِكَ فَقَدْ ضَيَّعْتَ لِمَا
 نَزَلَ بِكَ يَا رَبِّ ذُرْعًا وَامْتَلَأْتَ بِحِمْلِ مَا حَدَّثَ عَلَيَّ هَمًّا
 وَأَنْتَ الْقَادِرُ عَلَى كَشْفِ مَا مُنِيتُ بِهِ وَدَفْعِ مَا وَقَعْتُ
 فِيهِ فَأَفْعَلْ بِي ذَلِكَ وَإِنْ لَمْ أَسْتَوْجِبْهُ مِنْكَ يَا ذَا الْعَرْشِ
 الْعَظِيمِ وَذَا الْمَنِّ الْكَرِيمِ فَأَنْتَ قَادِرٌ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
 آمِينَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ *

تسبیحاتیست که در موقع گرفتاری خوانده میشود

در جلد اول مستدرک الوسائل از خصال صدوق از امام صادق

علیه السلام روایت نموده چیزی را که خلاصه آن آنست که فرمود عجب میکنم
 از کسی که از چهار چیز خوفناک شود چگونه پناه نگیرد بسوی چهار - انگاه فرمود
 عجب میکنم از کسی که خائف و ترسناک باشد چگونه پناه نگیرد بقول خدا
 حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ برای آنکه در این موقع فرمود فَاثْقَلُوا
 بِنِعْمَةِ اللَّهِ مِنْ اللَّهِ وَفَضْلٍ لَمْ يَمَسَّ لَهُمْ سُوءٌ (۱) و عجب میکنم
 از کسی که غمگین باشد پناه نگیرد بسوی قول خدا در آنجا که میفرماید لَا إِلَهَ
 إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ چه در پی آن فرمود

وَنَجِّنَاكَ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَلِكَ نُخَيِّجُ الْمُؤْمِنِينَ ^(۱) و عجب میکنم از کسی که
 گرفتار کرد و گمرازان شود چگونه پناه میرسد بسوی قول خدا که فرمود وَاُقْوِضُ
 أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ بدستیکه در پی آن فرمود
 فَوَقَّيْهِ اللَّهُ سَيِّئَاتٍ مَا مَكَرُوا ^(۲) و عجب میکنم از کسی که دنیا
 و زمینت آزا خواهد چگونه تمسک نمیکند بسوی قول خدا مَا شَاءَ اللَّهُ لَا
 قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ إِنْ تَرَىٰ أَنَا أَتَّكِلُ مِنْكَ مَا لَا وِلْدًا چه شنیدیم
 خداوند در پی آن فرمود فَقَعَسَىٰ رَبِّي أَن يُؤْتِيَنِي خَيْرًا مِنْ جَنَّتِكَ ^(۳)
 و نیز برای قضاء حاجت : وارد است که چون شخص متوجه حاجت
 خود شود و ده مرتبه بگوید اللَّهُمَّ أَنْتَ لَهَا وَلِكُلِّ حَاجَةٍ فَاقْضِهَا
 بِفَضْلِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مَا يَفْتَحُ اللَّهُ لِلنَّاسِ
 مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا

و عا برای دفع امراض : و نیز وارد شده است که برای
 دفع امراض مجرب است که صاحب مرض در عقب نماز صبح بگوید :
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ
 الْخَالِقِينَ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ
 بعد از آن دست خود را بر موضع درد ببالد یا ذین الله تعالی شفا یابد
 انشاء الله تعالی.

دعا برای دفع تب :- نیز وارد است و مکرر تجربه رسیده
 که اگر کسی تب داشته باشد این سه آیه را بر سه پارچه کاغذ نوشته و هر روز
 یکی را بر ریش بخواند انشاء الله تب دور خواهد شد

روز اول :- بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَا تَخَفُ نَجَوْتَ مِنَ
 الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (۱)

روز دوم :- بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَا تَخَفُ إِنَّكَ
 أَنْتَ الْأَعْلَى (۲)

روز سوم :- بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ
 وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ (۳)

و نیز برای دفع تب :- در هیچ الدعوات سید بن طاووس

(۱) القصص آیه ۲۵ - (۲) الاعراف آیه ۵۳ - (۳) طه آیه ۷۱

روایتی است از سلمان فارسی که حضرت فاطمه علیها سلام آموخت
 بوی دعائی را که رسول خدا صلی الله علیه و آله با آن حضرت آموخته بود که در وقت
 صبح و شام بخواند و فرمود اگر میخواهی در دنیا هرگز توراتب نگیری و مداومت
 کن بر آن و آن اینست :-

بِسْمِ اللَّهِ النَّوْرِ بِسْمِ اللَّهِ نُورِ النَّوْرِ بِسْمِ اللَّهِ نُورِ
 عَلَى نُورٍ بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي هُوَ مَدِيرُ الْأُمُورِ بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي
 خَلَقَ النَّوْرَ مِنَ النَّوْرِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ النَّوْرَ مِنَ النَّوْرِ
 وَآتَى النَّوْرَ عَلَى الظُّلُمِ فِي كِتَابٍ مَسْطُورٍ فِي رَقٍّ مَنْشُورٍ
 بِقَدْرِ مَقْدُورٍ عَلَى نَبِيِّ مَحْبُورٍ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هُوَ بِالْعَزِّ
 مَذْكُورٌ وَبِالْفَخْرِ مَشْهُورٌ وَعَلَى السَّيِّئِ وَالضَّرَّاءِ مَشْكُورٌ
 وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ
 گفت چون از حضرت فاطمه علیها سلام آموختم بخدا قسم به بیشتر از هزار
 نفر از اهل مکه و مدینه که مبتلا به تب بودند آموختم و همه شفا یافتند باذن
 خدای تعالی .
 خواجه قصه استغفار

و از جمله اذکار مجربه که در روایات معتبره آوردن آن بخوابانیدن و آرد

شده استغفار است و مستدرک الوسائل در ابواب ذکر روایت
نموده که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود از برای هر دردی دوا نیست
و دوا ای گناهان استغفار است چه استغفار محو میکند گناه را - باز
روایت نموده که جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود کسی که بسیار
استغفار کند خدا از هر مصلحتی برای او فرج خواهد نمود و از هر تنگی کشایشی خواهد
داد و روزی او را از جانی خواهد رسانید که گمان نداشته باشد

در تفسیر سوره نوح در منہج الصادقین است که مردی نزد امیر المؤمنین
علیه السلام آمد و گفت یا امیر المؤمنین گناه بسیار نموده ام و صحیفه
اعمال خود را سیاه کرده ام دعا کن تا خدا مرا بیاورد حضرت فرمود برو
استغفار کن - دیگری آمد و عرض کرد زمینهای من بواسطه کمی آب خشک
شده دعا کن تا خدا باران بفرستد فرمود برو استغفار کن - دیگری عرض کرد
مردی ندارد و از فقر بی طاقت شده ام دعا نما تا خدا تعالی از لطف عمیم
خود مرا انعامی فرماید فرمود برو استغفار کن - مرد چهارمین عرض کرد مال
بسیاری دارم و فرزندی ندارم دعا کن تا حق تعالی مرا فرزندی عطا کند
فرمود برو استغفار کن - دیگری برپای خواست و گفت یا سید المستعین

باغ و بوستان من میوه کم میدهد و عاکن و از خدا طلب کن کثرت آنرا
 فرمود استغفار نما شخصی دیگر گفت یا علی در ناحیه ما چشمها خشک شد
 و کاریزها بکوه فرو رفته و قحطی پیدایشده از حضرت تو التماس عا دارم
 فرمود برو استغفار کن - ابن عباس گوید که من در خدمت آنحضرت بودم
 گفتم یا امیرالمؤمنین! از تو سوالات مختلف کردند و تو همه را یک جواب
 دادی فرمود یا بن عم اما سمعت قول الله تعالی فَقُلْتُ
 اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا وَيُرْسِلُ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ
 مِدْرَارًا وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ
 وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا (سوره نوح آیه ۱۰، ۱۱، ۱۲) یعنی پس گفتم آمرزش
 طلبید از پروردگار خود و توبه کنید بدو استیکه او است آمرزنده گناهان
 (چون توبه کنید) و بفرستد ابرار از آسمان برای شما بسیار بارند و پنی در پی
 دهد و دشمنان را بالها و فرزندان و بدد شمارا بوستانهای (ملکوت از اشجار و انهار)
 و بدد و جاری گرداند برای شما جویهای آب.

باز روایت نموده که شخصی نزد حضرت ابو جعفر علیه السلام آمد عرض

(۱) کاریز راه آب روان بر زمین که بعرابی قنات گویند در محل گاه دیز بوده که برای امتحان جریان
 آب گاه میرنجته اند تا معلوم شود

خود یابن رسول الله جعلت فداک من مردی استم که حق سبحانه و تعالی
مال بسیاری بن ارزانی داشته اما هیچ فرزندی ندارم - ایاه مسیح
تدبیری و علاجی در این باب میباشد - فرمود بلی خدا را در آخر شب استغفا
کن تا یکسال هر شب صد مرتبه پس اگر نتوانستی در آخر شب بیاوری
در روز آن را بیاور که بدستیکه خدا میفرماید استغفر واسر تکم.

حدیث شریف کساء

واقعه کساء بر حسب روایات معتبره از طریق سنت و شیعه از متواترات
است و باعث باران علماء اسلام اتفاق کرده اند - و معلوم میشود که آن
واقعه مکرراً صورت گرفته در خانه ام المومنین ام سلمه و خانه حضرت فاطمه
صلوات الله علیهما - رسول خدا صلی الله علیه و آله ابلیت را یعنی علی
و فاطمه حسن و حسین را در زیر کساء جمع نمود و آیه شریفه تطهیر را بر آنها
خواند "إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ
وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا" (سوره احزاب آیه ۳۳) بر آنها قراشت کرد

این حدیث شریف را مسلم در صحیح خود ج ۲ ص ۳۲۱ و جلال الدین سیوطی

شافعی در تفسیر المنثور ج ۵ ص ۱۹۸ و احمد حنبل در مسند ج ۱ ص ۳۳ و ج ۴

ص ۱۰۷ وج ۶ ص ۲۹۲ و ص ۳۲۳ و ترمذی در جامع ص ۵۴ و ص ۵۵ و ابن حجر

حقی در صواعق المحرقة ص ۸۸ و ص ۱۴ و بغوی در مصابیح الشیخ ج ۲ ص ۲۰۱

و امام رازی شافعی در تفسیر کبیر ج ۲ (مفتاح الغیب) ص ۷۰ و ثعالبی در تفسیر حواصیر

الحسان ج ۳ ص ۲۲۷ و محبت طبری در ذخائر العقبی ص ۲۱ و ابن عبد ربّه اندلسی

در عقد الفرید ج ۵ ص ۶۹ و علامه زنجبیری در کشف الاستور و تفسیر خود و غیره از نقل نموده اند

و اما حدیث کساء مشهور که در موقع گرفتاری و توسل خواندن آن

معروف است پس در برخی از مؤلفات امامیه عیناً چنین نقل گردیده است:

رَوَى عَنْ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهَا قَالَتْ دَخَلَ

عَلَيَّ أَبِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

فِي بَعْضِ الْأَيَّامِ وَقَالَ لِي يَا فَاطِمَةُ إِنِّي لَأَجِدُنِي بِدَنِي

ضَعْفًا فَقُلْتُ لَهُ أَعِيذُكَ بِاللَّهِ يَا أَبَتَا مِنَ الضَّعْفِ

فَقَالَ لِي يَا فَاطِمَةُ أَيَّتَنِي بِالْكِسَاءِ الْيَمَانِي وَغَطِّينِي

بِهِ قَالَتْ فَاطِمَةُ سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهَا فَأَتَيْتُهُ بِالْكِسَاءِ

وَوَغَطَّيْتُهُ بِهِ فَصُرْتُ أَنْظُرُ إِلَيْهِ وَإِذَا وَجْهُهُ يَتَلَأَلُ

نُورًا كَأَنَّهُ الْبَدْرُ فِي لَيْلَةٍ تَمَامِهِ وَكَمَالِهِ قَالَتْ فَاطِمَةُ

سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهَا فَمَا كَانَتْ إِلَّا سَاعَةً وَإِذَا بَوَلَدِي
الْحَسَنَ قَدْ أَقْبَلَ وَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَّاهُ فَقُلْتُ
وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا وَلَدِي وَفُرَّةٌ عَيْنِي فَقَالَ يَا أُمَّاهُ
إِنِّي أَشَمُّ عِنْدَكَ رَائِحَةٌ طَيِّبَةٌ كَأَنَّهَا رَائِحَةُ جَدِّي
رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قُلْتُ نَعَمْ إِنَّ جَدَّكَ
نَائِمٌ تَحْتَ الْكِسَاءِ فَأَقْبَلَ الْحَسَنُ نَحْوَ الْكِسَاءِ وَقَالَ
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا جَدَّاهُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ
أَتَأْذَنُ لِي أَنْ أَدْخُلَ مَعَكَ تَحْتَ هَذَا الْكِسَاءِ قَالَ
نَعَمْ قَدْ أَذِنْتُ لَكَ فَدَخَلَ الْحَسَنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَعَهُ
تَحْتَ الْكِسَاءِ قَالَتْ فَاطِمَةُ سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهَا فَمَا كَانَتْ
إِلَّا سَاعَةً وَإِذَا بَوَلَدِي الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَدْ
أَقْبَلَ وَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَّاهُ فَقُلْتُ وَعَلَيْكَ
السَّلَامُ يَا فُرَّةُ عَيْنِي وَثَمَرَةٌ فَوَادِي فَقَالَ يَا أُمَّاهُ
إِنِّي أَشَمُّ عِنْدَكَ رَائِحَةٌ طَيِّبَةٌ كَأَنَّهَا رَائِحَةُ جَدِّي
رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قُلْتُ نَعَمْ إِنَّ جَدَّكَ

وَأَخَاكَ تَحْتَ الْكِسَاءِ فَأَقْبَلَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ
نَحْوَ الْكِسَاءِ وَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا جَدَّاهُ السَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَتَأْذِنُ لِي أَنْ أَدْخُلَ مَعَكُمْ
تَحْتَ الْكِسَاءِ قَالَ نَعَمْ قَدْ أَذِنْتُ لَكَ فَدَخَلَ
الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَعَهُمَا تَحْتَ الْكِسَاءِ
فَمَا كَانَتْ إِلَّا سَاعَةً وَإِذَا بَابِي الْحَسَنَيْنِ عَلَيَّ
عَلَيْهِ السَّلَامُ قَدْ أَقْبَلَ فَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ فَقُلْتُ وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا أَبَا
الْحَسَنَيْنِ فَقَالَ يَا فاطمةُ إِنِّي أَشْتَمُ عَنْدَكَ
رَائِحَةً طَيِّبَةً كَأَنَّهَا رَائِحَةُ أَخِي وَابْنِ عَمَّتِي
رَسُولِ اللَّهِ قُلْتُ نَعَمْ هَاهُوَ مَعَ وَلَدِيكَ تَحْتَ
الْكِسَاءِ فَأَقْبَلَ عَلَيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ نَحْوَ الْكِسَاءِ
وَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ
يَا مَنْ اخْتَارَهُ اللَّهُ أَتَأْذِنُ لِي أَنْ أَدْخُلَ مَعَكُمْ
تَحْتَ الْكِسَاءِ قَالَ نَعَمْ قَدْ أَذِنْتُ لَكَ فَدَخَلَ عَلَيَّ

عَلَيْهِ السَّلَامُ تَحْتَ الْكِسَاءِ ثُمَّ أَقْبَلَتْ فَاطِمَةُ سَلَامُ
 اللَّهُ عَلَيْهَا تَحْوِ الْكِسَاءِ وَقَالَتْ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَتَاهُ
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَتَأْذَنُ لِي أَنْ أَدْخُلَ مَعَكُمْ
 تَحْتَ هَذَا الْكِسَاءِ قَالَ نَعَمْ قَدْ أَذِنْتُ لَكَ فَدَخَلَتْ
 فَاطِمَةُ مَعَهُمْ تَحْتَ الْكِسَاءِ فَلَمَّا اكْتَمَلُوا أَجْمَعًا
 تَحْتَ الْكِسَاءِ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى يَا مَلَأْنِيكَ وَسُكَّانَ
 سَمَوَاتِي وَعِزَّتِي وَجَلَالِي إِنِّي مَا خَلَقْتُ سَاءَ مَبْنِيَّةٍ
 وَلَا أَرْضًا مَدْحِيَّةً وَلَا قَمَرًا مُنِيرًا وَلَا شَمْسًا مُضِيَّةً
 وَلَا فَلَكَائِدًا وَرَّوْلاً بِحَرٍّ يَجْرِي وَلَا فَلَكَائِسَ رِيٍّ إِلَّا
 فِي مُحَبَّةٍ هَؤُلَاءِ الْخَمْسَةُ الَّذِينَ هُمْ تَحْتَ الْكِسَاءِ
 فَقَالَ جَبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا رَبِّ وَمَنْ تَحْتَ الْكِسَاءِ
 قَالَ اللَّهُ تَعَالَى هُمْ أَهْلُ بَيْتِ النَّبُوَّةِ وَمَعْدِنُ الرِّسَالَةِ
 هُمْ فَاطِمَةُ وَأَبُوهَا وَبَعْلُهَا وَابْنَاهَا فَقَالَ جَبْرِئِيلُ
 يَا رَبِّ أَتَأْذَنُ لِي أَنْ أَهْبِطَ إِلَى الْأَرْضِ لِأَكُونَ لَهُمْ
 سَادِسًا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى نَعَمْ قَدْ أَذِنْتُ لَكَ فَهَبَّطَ

الْأَمِينُ جِبْرِيلُ وَأَقْبَلَ نَحْوَ الْكِسَاءِ وَقَالَ السَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ اخْتَارَهُ
اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُقَرِّبُكَ السَّلَامُ وَيَخْصُّكَ
بِالتَّحِيَّةِ وَالْإِكْرَامِ وَيَقُولُ لَكَ وَعِزَّتِي وَجَلَالِي إِنِّي
مَا خَلَقْتُ سَمَاءً مُبْدِيَةً وَلَا أَرْضًا مُدْحِجَةً وَلَا
قَمَرًا مُنِيرًا وَلَا شَمْسًا مُضِيئَةً وَلَا فَلَكَائِدًا وَرُ
وَّ لَا بَحْرًا يَجْرِي وَلَا فَلَكَائِسِرِي إِلَّا لِأَجْلِكُمْ وَمَحَبَّتِكُمْ
وَقَدْ آذِنَ لِي أَنْ أَدْخُلَ مَعَكُمْ تَحْتَ هَذَا الْكِسَاءِ
فَهَلْ تَأْذِنُ لِي أَنْتَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ نَعَمْ قَدْ
أَذِنْتُ لَكَ فَدَخَلَ جِبْرِيلُ مَعَهُمْ تَحْتَ الْكِسَاءِ
وَقَالَ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَدْ أَوْحَى إِلَيْكُمْ يَقُولُ إِنَّمَا
يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ
وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا فَقَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا
رَسُولَ اللَّهِ أَخْبِرْنَا مَا لِجُلُوسِنَا هَذَا تَحْتَ الْكِسَاءِ
مِنَ الْفَضْلِ عِنْدَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فَقَالَ رَسُولُ

اللَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَا ذَكَرَ خَيْرًا هَذَا فِي مُحْفَلٍ
 مِنْ مُحَافِلِ أَهْلِ الْأَرْضِ وَفِيهِ جَمْعٌ مِنْ شِيعَتِنَا
 وَمُحِبِّينَا إِلَّا وَنَزَلَتْ عَلَيْهِمُ الرَّحْمَةُ وَحَفَّتْ بِهِمُ
 الْمَلَائِكَةُ وَاسْتَغْفَرَتْ لَهُمْ إِلَى أَنْ يَتَفَرَّقُوا
 فَقَالَ عَلِيٌّ إِذَا وَاللَّهِ فُزْنَا وَفَانَرْتُ شِيعَتُنَا وَرَبِّ
 الْكَعْبَةِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ يَا عَلِيُّ وَالَّذِي بَعَثَنِي
 بِالْحَقِّ نَبِيًّا وَاصْطَفَانِي بِالرِّسَالَةِ نَحْيَا مَا ذَكَرَ
 خَيْرًا هَذَا فِي مُحْفَلٍ مِنْ مُحَافِلِ أَهْلِ الْأَرْضِ وَفِيهِ
 جَمْعٌ مِنْ شِيعَتِنَا وَمُحِبِّينَا وَفِيهِمْ مَهْمُومٌ إِلَّا
 وَفَرَّجَ اللَّهُ هَمَّهُ وَلَا مَغْمُومٌ إِلَّا وَكَشَفَ اللَّهُ غَمَّهُ
 وَلَا طَالِبُ حَاجَةٍ إِلَّا وَقَضَى اللَّهُ حَاجَتَهُ فَقَالَ
 عَلِيُّ إِذَا وَاللَّهِ فُزْنَا وَسُعِدْنَا وَكَذَلِكَ شِيعَتُنَا
 فَانَرُوا وَسُعِدُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ .

ترجمہ حدیث شریف کساء

برای آنکه ترجمہ تحت اللفظی چندان فہمیدہ نہی شود و خلاصہ ترجمہ

روایت شده است از جناب فاطمه زهرا سلام الله علیها
 آنکه گفتم وارد شد بر من پدرم رسول خدا صلی الله علیه و آله
 و سلم در روزی از روزها و بمن فرمود ای فاطمه بدرستی که میام
 من در خود ضعف و ناتوانی را - پس گفتم من ای پدر پناه میبرم
 بخدا از شستی و ناتوانی تو - آنگاه فرمود بمن ای فاطمه بیاؤ
 برای من کساء یمانی را و پوشان بر من آن را پس گفتم فاطمه
 سلام الله علیها که من آوردم کساء یمانی را و پوشانیدم
 او را و نظرمی نمودم آنجناب را پس در آن هنگام یافتیم
 که صورت مبارکش همچون ماهی که در شب تمام و کمال که خشنده
 است تابان میباشد - آنگاه فاطمه سلام الله علیها
 فرمود که ساعتی بیش نگذشت که ناگهان فرزندم حسن از در آمد
 و گفت سلام بر تو باد ای مادر (گرامی) من گفتم بوی بر تو باد
 سلام ای فرزند من و ای نور دیده من پس حسن گفت ای
 مادر (گرامی) میایم من در نزد تو بوی خوشی را همچون بوی جدم

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم گفت من بلی بدستیکه جد تو
 در زیر کساء یانی آرام نموده پس آنگاه حسن بطرف کساء روان
 گردید و گفت سلام بر تو باد ای جد (بزرگوار) من سلام بر تو باد
 ای فرستاده پروردگار (من) آیا رخصت میدهی مرا که داخل
 شوم با تو در زیر این کساء رسول خدا فرمود که اذن و ادم ترا پس
 در ای باب من در زیر (کساء) آنگاه حسن در زیر کساء داخل گردید
 و با جد خود آرام گرفت پس فاطمه سلام الله علیها فرمود
 که ساعتی پیش گذشته است که ناگهان فرزندم حسین از در درآمد و
 سلام بر تو باد ای مادر (گرامی) پس گفتم من با تو سلام باد
 ای نور دیده و ای ثمره دل من پس گفت ای مادر (گرامی) میا
 در نزد تو بوی خوشی را که همچون بوی جد من رسول خدا صلی الله علیه
 و آله وسلم میباشد گفتم من بلی بدستیکه جد تو در زیر کساء
 آرام نموده اند آنگاه حسین روانه بطرف کساء گردید و گفت
 سلام بر تو باد ای جد (بزرگوار) من سلام بر تو باد ای فرستاده
 پروردگار (من) آیا رخصت میدهی مرا اینکه داخل شوم با تو در زیر

این کساء یانی رسول خدا فرمود که رخصت دادم ترا پس درای
 بامن در زیر کساء انگاه حسین در زیر کساء درآمد و با جد خود آرام
 نمود فاطمه سلام الله علیها فرمود پس نگذشت مگر ساعتی که ناگهان
 علی علیه السلام از در درآمد و گفت سلام بر تو باد ای دختر
 رسول خدام پس گفتم من بر تو باد سلام ای پدر (دو فرزندم) حسین
 انگاه فرمود ای فاطمه بدرستی که بیایم من در نزد تو بوی خوشی را
 همچون بوی برادر و فرزند عم رسول خدام گفتم من بلی بدرستی که
 پس عمت با دو فرزندت زیر کساء آرام نموده اند پس علی روان
 بطرف کساء گردید و گفت سلام بر تو باد ای رسول خدام سلام
 بر تو باد ای کسیکه اختیار نمود خدا او را (برای رسالت) آیار رخصت
 میدهی مرا اینکه داخل شوم با شما در زیر این کساء رسول خدا فرمود
 که من رخصت دادم ترا (پس درای در زیر کساء) پس علی
 علیه السلام در زیر کساء درآمد (و بار رسول خدام و دو فرزندش
 آرام گرفت) انگاه فاطمه سلام الله علیها و بطرف کساء آورد
 و گفت سلام بر تو باد ای پدر (بزرگوار) من سلام بر تو باد ای

فرستاده پروردگار (من) آیا رخصت میدهی مرا اینکه داخل شوم باشا
 وزیر این کساء رسول خدام فرمود تحقیق اذن دادم ترا آنگاه فاطمه
 وزیر کساء درآمد و آن پختن پاک جمع گردیدند پس ناگهان مصدر
 جلال خطاب بملائکه شد ای ملائکه من ای ساکنان آسمانهای
 من سوگند بجزت و جلالم بدستیکه من نیا فریدم آسمانهای بنا شده
 را و نه زمین گسترده را و نه ماه تابنده را و نه خورشید درخشنده را
 و نه فلکهای دوزرنده را و نه دریای جاری شونده را و نه کشتی
 سیرکننده را اگر بجهت محبت (و دوستی) این پختن پاک آنچنانیکه
 وزیر کساء آرام گرفته اند پس جبرئیل (امین) عرض کرد ای
 پروردگار من کیانند وزیر کساء خطاب از مصدر جلال بجبرئیل
 (امین) رسید آنها بندگان اهل بیت نبوت و معدن رسالت
 آنها بندگان فاطمه و پدر فاطمه و شوهر فاطمه و دو فرزند فاطمه پس
 جبرئیل (امین) عرض کرد ای پروردگار من آیا رخصت میدهی
 مرا اینکه بطرف زمین روانه شوم و ششمین آنها گردم (خطاب
 رسید که ای جبرئیل) تحقیق ترا اذن دادم پس جبرئیل (امین)

بطرف زمین فرو و آمد و رو بکساء آورد (سلام نمود) و گفت
 سلام بر تو ای فرستاده خدا سلام بر تو ای کسیکه اختیار نمود
 او را (برای پیغمبری) بدستیکه خدای عز و جل ترا سلام میرساند
 و تحت و اکرام خود اختصاص میدهد و میگوید بعزت و جلال
 سوگند که بدستیکه من ایجاد نه نمودم آسمان بنا شده و نه زمین گسترده
 و نه ماه تابان و نه خورشید درخشانده و نه افلاک دور زننده و نه
 دریای جاری شونده و نه کشتیهای سیرکننده را مگر از برای وجود
 شما و محبت شما (پنجتن پاک) و تحقیق اذن داد مرا اینکه باشما
 در زیر این کساء درآیم پس آیا تو ای رسول خدام رخصت میدی
 مرا (اینکه باشما درآیم در زیر این کساء) رسول خدام فرمود بلی تحقیق
 اذن دادم ترا پس جبرئیل داخل شد با آن (پنجتن پاک) و زیر
 کساء و گفت بدستیکه خدای تعالی وحی فرستاد بسوی شما
 و میگوید إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ
 أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا (سوره احزاب آیه ۳۳)
 (ترجمه نیست) بخزاین نیست میخواهد خدا اینکه ببرد از شما بدی را

(ای) اهل بیت (نبوت) و پاک گردانند شمارا پاک گردانیدنی
 (آنگاه) علی علیه السلام (بسجده درآمد) و بر رسول خدام عرض کرد
 یا رسول الله خبر ده مارا که از برای اجتماع ما در زیر این کساء چه فضیلتی
 است نزد خدای تبارک و تعالی رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود
 بدان که یاد کرده نمیشود خبر این مجلس مادر هیچ مجلسی از مجالس اهل
 زمین که در آن جماعتی از شیعیان و دوستان ما جمع شده باشند
 مگر آنکه فرود آید بر آنها رحمت (پروردگار) و فراگیرد آنها را
 ملائکه و طلب مغفرت کنند برای آنها تا آنکه متفرق شوند (چون
 علی علیه السلام این بشارت را از رسول خدام شنید) گفت
 سوگند بخدای (عزوجل) که رستگار شدیم و رستگار شدند شیعیان
 (و پیروان) ما قسم پروردگار که پس پیغمبر فرمود یا علی قسم
 بآن کسیکه مرا برستی به پیغمبری فرستاد و برگزید مرا مخصوص برست
 (خود) یاد کرده نشد خبر مجلس مادر هیچ محفلی از محافل اهل زمین که در او
 جمعی باشند از شیعیان و دوستان ما و در آن مهمومی باشد
 مگر آنکه خداوند دور میکند هم او را و نه مهمومی باشد و در آنها مگر آنکه

خداوند بر طرف مینماید غم او را و اگر طالب حاجتی باشد خداوند
برمی آورد حاجت او را آنگاه علی علیه السلام گفت قسم بخدای
(عزوجل) که در این هنگام رستگار شدیم و سعادت یافتیم و همچنین
شیعیان مارستگار شدند و سعادت مند گردیدند در دنیا و آخرت

منظومه حدیث شریف کساء

مرحوم والد حجة الاسلام آقای حاجی شیخ ابوالقاسم کاشانی نجفی
طاب ثراه که در کربلای معلی چهارشنبه بیست و هشتم صفر ۱۳۵۰ هجری
برحمت الهی واصل گردید و در رواق حضرت سید الشهداء مدفون شد
حدیث شریف کساء را بفارسی در مبعی در ماه ربیع الثانی ۱۳۱۸ هجری
بطرز شیرین نظم کرده و اینک از منظومه آن مرحوم نقل باین ساله میشود
(مؤلف)
و منظومه حدیث شریف کساء این است

بسم الله الرحمن الرحيم

بشنو از من تا بخوانم بی خطر	لیک حدیث جان فرامی معتبر
لیک باشد اعتبارش ز شستبار	زانکه نبود را و یانش آشکار
شد روایت از جناب فاطمه	ناجی اهل ولا از حاطم

گفت روزی از در آمد باب من
گفت ای زهرا بسیار از بهر من
زانکه می یابم به تن ضعیف گران
گفتمش بابا خدا بادت پناه
پس بیاوردم کسار باشتاب
چون نهان شدم چه بدر اندر سحاب
عقل کل در پرده چون محجوب گشت
پیکر پاکش چه نهان شد به فرش
پس ببالید از شرف بر عرش خاک
چون پیمبر آر میدو شد بخواب
جلوه گری پرده شد در پرده دوست
مگر نبود ی بیم شرکی در میان
ذات احمد با احد گشتی قرین
این سخن بشنو بجان دل سپار

معدن علم و حیا فخر ز من
آن یانی فرشت بر روم فکن
که تو انم شد بسی زان نا توان
دور بادا از رفت ضعیف نگاه
بر فکندم روی آن عالی جناب
راست شد حتی تو آرت بالیجباب
روح امکان و مکان مجذوب گشت
بوسه زد بر گوشه آن فرش عرش
زانکه بروی شد مقبر جان پاک
عرش گفتا لیکنی کننت تراب
پس بر آمد آنچه خاطر خواه دوست
گفتمی در پرده واجب شد نهان
مگر نبود ی در میان یک از بعین
کس نشد واقف ز اسرار و دیار

الغرض فرمود زهرسرای بتول
 ناگهان دیدم جبین اطهرش
 ساعتی نگذشت کز در جسلوه گر
 گفت ای مادر سلامم بر تو باد
 گفتش ای میوه دل روح تن
 گفت مادر میوز و بوی عبیر
 گفتم آری جدت اینک خفته است
 چون شنیدی سوی او آورد روی
 پس سلامش کرد و شنیدش جواب
 بعد از آن آمد حسینم ناگهان
 گفت ای مادر سلامم بر تو باد
 میوز و بوی خوشی زین نجسمن
 گفتش بان جدت اینک خسته است
 چون شنیدی شد روان سوی بساط
 گفت یا جد سلامم بر تو باد

چون نهان شد پیر پاک رسول
 شد در خشان هم چه مهر انورش
 شد حسن آن منبع فضل و هنر
 جانت از آفات گردون دور با
 بر تو باد اہم سلامم ہر ز من
 هست گویا بوی جد بی نظیر
 در کسا و از ضعف حال آشفته است
 بارخی گلزار و موی مشکبوی
 خواست دستوری بدوش بہر خواب
 ہم چه غنچه بر کشود آنکہ لبان
 و از بلا حق نگھدار تو باد
 هست گویا بوی جسد ممتحن
 با حسن زیر کسایش خفته است
 ارغوانی چہرہ از قرط ز شط
 دید گانت روشن و دل شاد باد

السلام ای آنکه مختار خداست

از وجودت آدم آمد در وجود

ما سوی الله را و کیل مطلق

هر که بر تابد ز فرمان تو سر

خاک فعلت توتیای دیده است

قابض الارواح بی حکمت چنان

ز آفرینش نیست منظوری بسواک^{له}

میدهی اذنم تو ای جسد کریم

گفت آری دادمت اذن احمی سین

پس حسینم رفت در زیر کساء

بعد از آن از در آمد بوالحسن

پس سلام کرد و برد اوم جواب

بوی طیبی بر مشامم میرسد

گفتم اینک ابن عمت مصطفی^م

رهنمای گمراه از راه خداست

بهر شریفیت ملک گردش وجود

حکم تو فرض است بر هر متقی

شد شقی و جای گاهش در سفر

صد سیحار روان بخشیده است

می تواند قبض فرماید روان

أَنْتَ لِلْأَعْلَى وَالْأَدْنَى مَلَاك

تا و آیم باشا تحت گیم

سوی ما بشتاب ای نور دوعین

شد قرین با مصطفی و مجتبی

چهره اش گلگون چه گلزار چمن

گفت آنکه آن شه عالیجناب

مر تو گوئی بومی بن عستم و زد

با دو پورت آرمیده در کاه

له غیر از تو له توئی از برای اعلی و از برای ادنی تکیه گاه -

پس علی رو کرد سوی آن بساط
 پس گفت یا رسول الله سلام
 گرا جازت باشد از لطف و وفا
 هم علی را از عنایت بار داد
 چون در آمد شمسوار لو کشف
 پس اصول چار و هشت و هشت و چار
 عالم امکان ز چار شس شد پدید
 گشت اوضاع دو عالم برقرار
 نمر نه فرع و اصل با هم شد و چار
 ورنه بودی دو و نه با هشت و یک
 زمین رقم بسیار باشد در برم
 پس خرامان رفت زهراسوی باب
 از کرم دستوریم ده ای پدر
 هم بداد او را جازت مصطفی
 اجتماع ماه و پروین گشت رست

با کمال اشتیاق و انبساط
 بر تو با و از من الی یوم القیام
 تا در آیم با شما تحت کساء
 و از کمال لطف او را جای داد
 شد مکمل چار ارکان شرف
 در بیط کون بگرفت آن قرار
 هم شش و هشتی بر آنها شد مزید
 شد مدار چرخ گردون استوار
 علت و معلول کی آمد بکار
 نه ملک بودی بجان نه فلک
 لیک اولی آنکه ز آنها بگذرم
 عرض نمود ای شه علیجناب
 تا در آیم با شما تحت طمر
 پس بشد خیر النساء تحت کسا
 غفل از لاهوتیان بر پای خواست

در زمان از مصدر حق شد خطاب
 گای گروهِ ساکنانِ نُه فلک
 محرمان خاص خلوتگاهِ قدس
 آن بدانید اینک کلّ مایه‌سوی
 ما فریدم آسمانی فی زمین
 نه بحار و کشتی و فی مرکبی
 لوح محفوظ و نه کرسی و سلم

سوی املاک سما در هر حجاب
 وی سفیر پیشوایانِ ملک
 شاهدان بزم محفل گاه اُنس
 از طفیل این جماعت شد پیا
 نه قمر نه شمس و فی عرش برین
 نه ملک نه نُه فلک نه کوکبی
 نه حجابات و نه انوار و سلم

جَبْرِ الْحَبِثِ هُوَ لَا إِلَهَ إِلَّا تَقِيَّةُ
 الَّذِينَ اسْتَدْرَجُوا تَحْتَ الْكَلَّةِ

جبرئیل از حق چه شنید این بیان
 عرض نمود ای اله مقتدر
 در رسید از مصدر حقش جواب
 اهل بیتی که نبوت معدنند
 فاطمه باب و دو فرزند و علی

خواست کایش از شناسد بالعیان
 کجاست کاندرا این کاشد شتر
 جبرئیل اهل بیت مستطاب
 و از رسالت معدنند و مخزنند
 آنکه سازد دین حق را منجلی

له مگر از برای محبت این پرهنز گاران ۱۴ آنچنانیکه پوشیده شده اند در زیر کساء

گفت جبریل ای خدای فرشتگان
 که شوم من سادس این پنج نور
 برتر آید رتبه ام از ز فلک
 در صوامع بر نمایم آشکار
 کاین منم جبریل کاز فیض حبیب
 عرض انرش کرو و آنکه داد گوش
 جبیر نیلا از کرم کردم قبول
 شکر حق را گفت نزدیک بال و پر
 پس بگفتا یا رسول الله سلام
 عالی اعلی سلامت می کند
 کای حبیب من بجاه و غرتم
 نه سمانی آفریدم فی زمین
 فی فلک رانی تنی ز افلاکیان
 ماسوی الله را نیاوردم پدید
 جز طفیل نور ذات پاکتان

ده اجازت تا شوم در زیر فرش
 سر بدر بانی نهم شام و سحر
 سر فراز آیم آبز جن و ملک
 در جوامع هم از این فضل افتخار
 خدمت آل العبایم شد نصیب
 ناگهان آمد بگوشش این سروش
 خواہشت این سوی مقصد کنز دل
 حاضر آمد نزد ایشان مختصر
 بر تو باد از من ای فخر انام
 و از عنایت هم پیامت می کند
 ہم با جلال مقام و رتبت
 ز بلال شمس فی عرش کمین
 فی بحار کشتی و کشتی رسان
 فی شقی و مشقی و فی سعید
 ہم ز بهر اعتلای نامتان

عرض دیگر این کیسند چاکرت
اینکه باشم باشا شش در کساء

کرده از درگاه حق یک مسئلت
بر تو آیم زین شرف ز اهل سما

از کرم کرد او سؤالم را قبول
هَلْ تَرَى مِنْ رُحَصَةٍ لِي يَا رَسُولَ

گفت آری جبرئیل اندر آی
چون شنید این مرده بشکفت از شعف
پس گفت اینک سروشی در رسید
حق همی خواهد که از فیض عیمم
از مفاد انما الله یُرید
پس علی گفتا که یا خیر البشر
کز برای جلسه مادر کساء
گفت آن سرور بذات آن کسی
خاتم پیغمبران فرموده است
هر که سازد این حکایت را بیان
رحمت حق می گراید ز آسمان

در کناری بهر خود بنمای جای
رفت در زیر بساط از یک طرف
آیتی در شانسان آمد پدید
پاک گرداند شمارا از خویم
شد پدید از هر پیدی طاهر
همکنان را از کرم بنما خیر
چسبست از فضل و شرف نزد خدا
برگزیده از کرم بر هر کسی
رهنمای گمرازان نموده است
در محل و مجمعی از شیعیان
گیرد ایشان را فرو چون طلیسان

پس فرود آیند افواج ملک
 ذکرشان باشد همی عفو از خدا
 چون شنیدی این فضیلت را علی
 پس بجز و شکر حق لب بر کشود
 زان پس گفتا بربت مستجار
 شیعیان مابذات کردگار

بهر طوف آن جماعت از فلک
 بهر ایشان تا شوند از هم جدا
 شد رخس زین مژده مانند گلی
 هم پیوسته را ثنا گفت و درود
 ما شدیم اینک سعید و رستگار
 جللی گشتند با ما رستگار

با علی بار در گفتار رسول
 يَا أَبَا السَّبْطَيْنِ يَا نَوْجَ الْبَتُولِ

مان بذات ایزد پاکم قسم
 هر که خواند این خبر را بر ملا
 و اندر ایشان یک تنی و قید هم
 یا که باشد حاجتی را و طلب
 بر طرف سازد خداوند از کرم
 حاجتش را جللی سازد روا
 پس علی گفتا بذات کردگار

کا و رسالت کرده بر من مختتم
 در میان مجمعی ز اهمل و لا
 یا گزفتار شکنج و ام و غم
 یا اسیر محنت و رنج و تعب
 هم و غم و رحمت و رنج و الم
 حافظش گردد ز آفات سما
 ما شدیم اینک سعید و رستگار

شیعیان و هر که مارادوستند
 قصه آل عبا کردم تمام
 در مدینه دوم سال هزار
 گرچه نبود این پریشان نظم من
 لیک هستم مژتجی ز آل رسول
 زانکه ایشان خاندان رحمتند
 فیضشان بر ما سوی الله شامل است
 خامه گردد گریستان جهان
 هفت دریای جهان گردد
 پس نیاید فضل ایشان در شمار
 شاهباز و هم ارباب عقول
 فاش میگویم بدون التباس
 کمی تواند هم چه من با این قصود
 الغرض با حالت شوریدگی
 با وفور اشتعال و اختلال

در دو گیتی رستگارند رستگار
 دادم اندر سلک درش انتظام
 سیصد و هجده ز هجرت بر شما
 لایق دربار و قدر پنج تن
 از کرم سازند کالایم قبول
 والی خلق ولی نعمتند
 هر کس ناکس از ایشان نایل است
 نامه گردد گریزین و آسمان
 ما سوا ایشان هم محاسب در عدد
 گرچه بشمارند تا روز شمار
 بال و پر شکست در ماند از وصول
 وصفشان نماید به میزان قیاس
 مدحشان گوید به این چندی سطور
 نظم کردم فی دم آسودگی
 بادی اندوهمین و پر طلال

از ستمهای زمان و اهل آن

رنجها بُردم در این عالم بسی

رازِ دل بنهفتم از هر شیخ و شهاب

چون نمی دیدم دلی بی ازیاب

حاسدان را نیست کاری جز حسد

این حسد در دینست کافر افام نیست

رانده شد ابله پس از کبر و حسد

این حسد نارسیست دین را سوخته

بهر درد دی علاج و چاره ایست

هر مرض را هست درمانی جز خدا

از زبان پُریان حاسدان

گاه گاهی شور و سودا بر سرم

گاه از باب حوائج پشت باب

هم چه کشتی در میان چار موج

و از تقلبهای گوناگون دهر

و از تظاولهای خسل ناکسان

خون دل خوردم ز دست هر کسی

کام را بستم ز گفتار صواب

پس خموشی را بوقت آمد نصاب

بسته برگردن چه خجل من مسد

حاسدان را چاره جز اعدام نیست

تا بدشد گمراه از راه رشتد

بهر حاسد دوزخی افرخته

جز حسد کان چاره اش بیچاره گیت

جز حسد درمان او مرگ از خدا

الامان و الامان و الامان

گاه انواع عسلیق در برم

کای فلان و جیبی بده بهر ثواب

یا که صیدی در میان چار فوج

دو و آهیم میکشیدی تا سپهر

زین سبب چندان پریشان گفتم
خاک بر فرق من و اشعار من
خام ام شکست و شد طبعم ملول
چونکه پای حق بیاید در میان
با هزاران عجز و فقر و انکسار
عرض بنمایم که یا خیر الویری

ای بهترین اهل عالم

یَوْمَ حَشْرِيْ وَ اُنْشَارِيْ لِلْحِسَابِ

روز محسور شدنم و بیرون آمدنم برای حساب

یَوْمَ تَاتِيْنِيْ اَسَاطِيْرُ الْعَمَلِ

روزی که میآید مرا نوشتهای عمل من

یَوْمَ اَلْقِيْ سَيِّئَاتِيْ بِالشَّمَالِ

روزی که می یابم گناهان خود را بدست چپ

یَوْمَ لَا يَنْفَعُنِيْ مَالٌ وَلَا

روزی که سود ندهد مرا مالی و نه

و از چکاره گوهری ناسفته ام
چاک با و اخامه و گفتار من
ز این سخنهای پریشان و فضول
تمح کرد و کام ابناء زمان
رو نمایم سوی باب هشت و چار
کن شَفِيعِيْ يَوْمَ اُحْشَى فِي الثَّرَى

بوده باشم شفاعت کننده من در روزی که در خاک نهفته شوم

یَوْمَ اَعْدُ وَاُسْتَعِذُّ بِالْجَوَابِ

روزی که صبح می نمایم برای میاشدن جواب

لَيْسَ فِيْهَا مَا يُرْحِمُنِيْ الْاَمَلِ

نیست در آن چیزی که امیدوار کند آرزوی مرا

حَامِلًا وِزْرِيْ عَلٰی ضَيْقِ الْمَجَالِ

بردارنده باشم گناهان خود را با تنگانی موقع

وَالِدًا وَّلَدًا وَاَوْعَمَلًا

پدر و نه فرزندی و نه آرزوی

حُبُّكُمْ يَا آلَ بَيْتِ الْمُصْطَفَى

محبت شما ای خانواده مصطفی

سَادَتِي قَدْ ضَاقَ بِي ذَرْعًا وَقَدْ

آقایان من تحقیق تنگی گرفت سینه من تحقیق

لَيْسَ لِي إِلَّا وَلَا كُمْ شَافِعُ

نیست برای من شفاعت کننده مگر دوستی شما

آلَ بَيْتِ الْمُصْطَفَى نَفْسِي فِدَا

ای خانواده مصطفی جان من فدای

حُبُّكُمْ دُخْرِي لِيَوْمِ الْإِفْتِقَارِ

دوستی شما ذخیره من است در روز قیامت

جَنَّةُ لِي أَتَقِي نَارَ اللَّظَى

سیر است برای من پرهنر میکنم بسبب آتش سوزنده را

حَلَّ فِي جِسْمِي نُحُولٌ لَا يُعَدُّ

فرو آمد در جسم من لاغری بی شمار

وَهُوَ لِي يَوْمَ التَّنَادِي نَافِعُ

و آن برای من در روز قیامت سودمند است

كُمُ فَإِنَّكُمْ بُغْيَتِي يَوْمَ النِّدَا

شما باد پس شما بی مقصود من روز قیامت

أَمَلِي فِيكُمْ إِذَا خَانَ الدِّمَارُ

آرزوی من شما است زمانیکه خیانت نماید حمایت کننده

قَدْ تَوَجَّهْتُ إِلَيْكُمْ يَا فِخَامَ

تحقیق توجه کردم بسوی شما ای بزرگان

فَا رَحْمَتِي وَاشْفَعُوا لِي يَا كِرَامَ

پس رحم کنید مرا و شفاعت نمایند مرا ای گرامی مردم

روزه در اسلام

یکی از فروع دین اسلام روزه است امام باقر علیه السلام فرمود
اسلام بر پنج چیز بنا شده است نماز، روزه، زکوة، حج، ولایت
(یعنی دوست داشتن محمد و آل محمد)، از برای روزه حکمت‌های بسیار است
صحت بدن، سلامتی عقل، برطرف شدن رطوبات زیاد و دماغ،
تویر فکر، رسیدن بفشار گرسنگی و تشنگی و عادت نمودن بر آن، و پی بردن
باحوال فقرا و ناداران، و مواسات با آنها، و کم شدن شهوات نفسانی،
و روشن شدن دل، و تولید فروتنی و تواضع، و توجه بخدا، و رحم و مروت
و یاد نمودن گرسنگی و تشنگی قیامت - در شب معراج خداوند به پیغمبر
خطاب نمود بهترین چیزیکه وسیله تقرب بنده است بمن روزه و سکوت است

حقیقت روزه و مبطلات آن

حقیقت روزه ترک چیزهاییست که شریعت امر بترک آن نموده
در وقت محقق به نیت روزه برای خوشنودی خدا - و مراد از وقت محقق
شروع فجر صادق است تا مغرب شرعی - و مبطلات روزه چیزهاییست
که آوردن آن عمار روزه را باطل میکند و آن خوردن، آشامیدن،

جماع نمودن، استمنا کردن، غبار غلیظ و امثال آن بخلق رسانیدن، و با
 جنابت عمدًا تا طلوع فجر ماندن، سرد آب فرو بردن، عمداتی کردن
 دروغ برخدا و رسول و معصومین صلوات الله علیهم اجمعین گفتن، فتوی
 ناحق دادن، و یحییٰ آبکی حقنه نمودن.

وزن چون در شب از حیض و نفاس پاک شود قبل از فجر غسل
 نماید. وزن مستحاضه که غسل بر او واجب است قبل از فجر باید غسل نماید
 و بیدار شدن بعد از احتلام در روز روزه را باطل نمیکند. و اگر عمدًا یکی از
 مبطلات روزه آورده شود باطل میشود. و باید آنرا قضا نمود و کفاره
 داد. و کفاره باطل نمودن یک روز از ماه رمضان عمدًا بنده آزاد کردن
 یا دو ماه پی در پی روزه گرفتن و یا شصت مسکین اطعام نمودن است
 و باطل نمودن روزه را بحرام چون شراب و امثال آن پس باید روزه
 راقضا کند و هر کفاره داده شود.

احکام روزه و شرایط صحت آن

از جمله احکام روزه نیت است و باید نیت تا قبل از فجر واقع شود
 و اگر در شب اول ماه مبارک برای تمام ماه نیت کند و در هر شب آن را

تجدید کند بهتر است و در صورتیکه نیت فراموش شود تا قبل از ظهر هر وقت
یاوش آمد نیت کند - و اگر بعد از ظهر یاوش آمد بعد از ماه رمضان
باید قضا کند.

و شخص مسافر چون محل اقامت خود قبل از ظهر برسد و چیزی نخورده
باشد نیت نموده روزه را تمام کند و اگر بعد از ظهر برسد باید آنرا قضا کند
و در صورتیکه شخص حاضر قصد سفر داشته باشد تا در محل اقامت خود میماند
باید روزه باشد پس اگر قبل از ظهر مسافرت کند چون از حد ترخص گذشته است
روزه را بخورد و اگر بعد از ظهر سفر کند باید روزه را تمام کند - و مراد از حد ترخص
دور شدن از بلد اندازه متعارف است و از شرائط صحت روزه اسلام
و ایمان و آنکه روزه گیر دیوانه نباشد - خالی از حیض و نفاس باشد
بتلای غش و بیهوشی نباشد - و اما غیر بالغ پس روزه او برای وی صحیح
است - ولی وقتی روزه بر او واجب میشود که بالغ گردد - و پیرا توان
زن یا مرد باشد روزه برای او صحیح نیست عوض هر روز یک نذ کند یا
مانند آن تصدق دهد قیمت را نیز میتوان داد (۲۰۰ ع) و توله جزئی کم است
و توله مساوی دو مثقال و نیم است و مثقال بیت و چهار نخود است)

و هرگاه شخص گرفتار مرض تشنگی گردد که نتواند تحمل نماید در عوض هر روزی
باید یک نذکندم و یا مانند آن دهد - و چون عذر بر طرف شود قضا نماید -
و زنیکه از روزه گرفتن بر حمل خود بترسد و یا روزه سبب ضرر لطفل شیرخوار
که او را شیر میدهد شود باید ترک روزه کند - و عوض هر روز یک نذکندم
و یا مانند آن و یا قیمت آنرا دهد - و در موقع امکان روزه را قضا کند -

مکروهات روزه

مکروه است برای روزه دار بوئیدن یا حین و سرمه کشیدن و بیرون
آوردن خون از بدن - حمام رفتن که سبب ضعف شود - و مکروه است
انفییه اگر یقین نکند که بخلق میرسد - مکروه است نشستن زن در آب -
و استعمال بوی خوش چون عطر گل برای روزه دار مستحب است آن
تخت روزه دار است -

اقسام روزه

واجب - حرام - سنت - مکروه

روزه های واجب :- اول روزه ماه رمضان المبارک است

که بعد از ثبوت هلال بر هر بالغ عاقل حاضر صحیح واجب میشود -

دوم : روزه قضای ماه صیام است که بعد از ماه صیام تا قبل از رسیدن ماه رمضان آینده آورده شود. پس اگر کسی عمداً آنرا تا خیر اندازد تا ماه رمضان سال بعد برسد باید بجهت هر روزی که برفته او هست یک نذکند و یا مانند آن کفاره دهد و احتیاطاً دو نذ است و بعد از ماه رمضان قضا نماید و کسیکه قضای ماه رمضان را قبل از ظهر باطل کند اگر وقت ضیق نباشد باکی نیست و در وقت ضیق جائز نیست و اگر قضا را بعد از ظهر باطل نماید وقت ضیق باشد یا نباشد علاوه بر قضا واجب است ذاه مسکین اطعام کند یا جامه دهد و اگر عاجز باشد سه روز پی در پی روزه بدارد.

سوم : قضای روزه پدر است بر پسر بزرگ و روزه قضا مادر نیز ترک نشود

چهارم : روزه اجاره است که شخص اجیر میشود برای میت روزه گیرد پنجم : روزه ایست که شخص آنرا بر خود واجب میکند بنذر یا عهده یا قسم. و این بر دو قسم است مطلق یعنی در آن تعیین زمان و مکان نشود و یا معین که تعیین زمان و یا مکان گردد. مثل روزه اول رجب یا

روزه در عتبات یا روزه رجب در نجف اشرف مثلاً و کفاره خلاف
نمودن نذر و عهد و قسم بیان گردید.

ششم: روزه سه روز بدل هدی است در حج تمتع که بیا
آن انشاء الله در احکام حج خواهد آمد.

هفتم: روزه اعتکاف است که بیان میشود انشاء الله تعالی

هشتم: روزه کفاره است که اشاره بآن گردید.

و از جمله روزه کفارات، یحجه^{۱۸} روز روزه است بر کسی که در ایام

حج روز عرفه قبل از غروب آفتاب عمداً از عرفات بیرون رود پس بر او است

دادن بدنه (شتر) و اگر عاجز شود باید یحجه^{۱۸} روز روزه بگیرد.

و اما روزه های حرام: یکی روز عید ماه رمضان است که روز

اول ماه شوال واقع میشود. دوم روز عید قربان که در دهم ذالحجه است

سوم روزه یوم الشک که نمیداند اول ماه رمضان است یا آخر شعبان

بنیت ماه رمضان. اما اگر بنیت شعبان و یا قضاء آورده شود پس

جایز است. چهارم روزه مستحبی برای زن بدون اجازه شوهر پنجم

روزه مرضی که برای وی مفتر باشد ششم روزه مسافر مکرر روزه سه

روز عوض قربانی که در موقع حج حیوان قربانی یافت نشود و روزه بیست و هفتم روز
بذل بدنه که بآن اشاره گردید هفتم روزه ایام تشریق یعنی روزه
یازدهم، دوازدهم و سیزدهم ذالحجه برای کسی که در منی باشد هشتم
دو روز متصل بدون باز نمودن روزه نهم روزه عاشورا بدعت تبرک.
و اما روزه های مستحبی بسیار است از آن جمله است روزه
روز ولادت پیغمبر صلی الله علیه و آله در هفدهم ربیع الاول. دوم
پانزدهم جمادی الاول. سوم روز مبعث در بیست و هفتم رجب
چهارم روزه ماه رجب. پنجم روزه ماه شعبان. ششم شش روز
بعد از عید ماه رمضان المبارک. هفتم روزه روز وحوالارض (یعنی بین
شدن زمین از زیر کعبه) بیست و پنجم ذیقعد. هشتم روز اول ذالحجه تا
روز نهم. نهم روزه روز تروی که هشتم ذالحجه است. دهم روزه روز
عرفه که نهم ذالحجه است. یازدهم روزه روز عید غدیر که بیست و یکم ذالحجه است
دوازدهم روزه روز مبارکه که بیست و چهارم ذالحجه است. سیزدهم
روزه محرم از غرة تا نهم. چهاردهم سه روز از هر ماه پنجشنبه اول و نه
اول ماه و پنجشنبه آخر ماه و چهارشنبه اول و نه دوم. پانزدهم

ایام البیض که سیزدهم، چهاردهم و پانزدهم هر ماه است. شانزدهم
روزه هر پنجشنبه و جمعه. هفدهم ^{بیاض} روزه نوروز است.

و اما روزه های مکروه :- پس روزه روز عرفه است اگر شک

در اول ماه باشد. و نیز اگر روزه سبب ضعیف و مانع شدن از اعمال

گردد. دوم روزه مستحبی همان بدون رخصت میزبان سوم روزه مستحبی

پسر بدون اذن پدر و در صورتیکه نمی باشد روزه را باید ترک کند

احکام رؤیت هلال

خدا در قرآن میفرماید یَسْأَلُونَكَ عَنِ الْإِهْلَةِ قُلْ هِيَ

مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ الخ سورة بقره آیه ۱۸۵ یعنی سوال میکنند

تو از ماههای نو بگو هلالها نشانهای وقتهاست شناختن ایام و ایامی

عبادت. روز و شبهای مقدس بسته بشناختن هلال است. لذا است

که امر باستحلال یعنی تحقیق نمودن هلال مخصوصاً در شب اول ماه رمضان

گرمیده و برخی آنرا واجب دانسته اند. گرفتن روزه و دادن فطره

در عید و آوردن اعمال حج و عمالیکه در ایام مخصوص از طرف شرع معین

گرمیده و امثال آن بسته بمعرفت هلال است. پس پی بردن ثبوت

هلال از تکالیف شرعیة اسلامیه که بر هر مکلف در موقعش از احکام دینی و
بشمار میرود.

ثبوت هلال ماه نو بهی از چهار چیز مسلم میشود: اول: گذشتن نیمی
روز از ماه گذشته که روزی و یکم غرة ماه تازه است دوم: دیدن هلال
سوم: گواهی دو شاهد عادل بر دیدن ماه چهارم: شایع است
یعنی در میان شهر شهرت پیدا کند که هلال شب اول دیده شده است باندازه
که خلاف آن ممکن نباشد و هرگاه علم بر ثبوت هلال حاصل شود عمل بآن
میتوان و حکم حاکم شرع در ثبوت هلال نیز راهیست برای مکلف - و تحقیق
هلال بدور بین و یافقین در هوا پیا و امثال آن ضرور نیست چه بنای اسلام
بر ظواهر و امورات عادیست - و هم چنین اعتبار در ثبوت هلال بافق
باشندگان شهر و افق نزدیک است نه بافق دور - امام صادق علیه السلام
میفرماید "انما عليك مشرقك ومغربك وليس على الناس
ان يبحثوا".

دعای رؤیت هلال

و مستحب است که در موقع دیدن هلال این دعا را که در صحیفه سجادیه

وارود شده بخواند بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَيُّهَا الْخَلْقُ
الْمُطِيعُ الدَّائِبُ السَّرِيعُ الْمُتَرَدِّدُ فِي مَنَازِلِ التَّقْدِيرِ
الْمُتَصَرِّفُ فِي فَلَكَ التَّدْوِيرِ أَمَنْتُ بِمَنْ تَوَكَّلَ بِكَ الظُّلَمُ
وَأَوْضَحَ بِكَ الْبُهْمَ وَجَعَلَكَ آيَةً مِنْ آيَاتِ مُلْكِهِ وَعَلَامَةً
مِنْ عِلْمَاتِ سُلْطَانِهِ فَحَدِّثْ بِكَ الزَّمَانُ وَامْتَهِنَكَ
بِالْكَمَالِ وَالنَّقْصَانِ وَالطُّلُوعِ وَالْأُفُولِ وَالْإِنَارَةِ وَالْكَسُوفِ
فِي كُلِّ ذَلِكَ أَنْتَ لَهُ مُطِيعٌ وَإِلَى إِرَادَتِهِ سَرِيعٌ سُبْحَانَهُ
عَمَّا عَجَبَ مَا دَبَّرَ مِنْ أَمْرِكَ وَالْطَّفَ مَا صَنَعَ فِي شَأْنِكَ
جَعَلَكَ مِفْتَاحَ شَهْرٍ حَادِثٍ لِأَمْرٍ حَادِثٍ فَاسْئَلُ اللَّهَ
رَبِّي وَرَبَّكَ وَخَالِقِي وَخَالِقَكَ وَمُقَدِّرِي وَمُقَدِّرَكَ
وَمُصَوِّرِي وَمُصَوِّرَكَ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَأَنْ يَجْعَلَكَ هِلَالَ بَرَكَةٍ لَا تَحْقُقُهَا إِلَّا يَوْمُ وَطْهَارَةٍ لَا
تَدْنِسُهَا إِلَّا ثَامُ هِلَالٍ آمِنٍ مِنَ الْآفَاتِ وَسَلَامَةٍ مِنَ
السَّيِّئَاتِ هِلَالٍ سَعْدٍ لَا تَحْسُ فِيهِ وَيُؤْمِنُ لَا تَكْذَمُ مَعَهُ
وَلَيْسَ لَا يَمَازِجُهُ عُسْرٌ وَخَيْرٌ لَا يَشُوبُهُ شَرٌّ هِلَالٍ آمِنٍ وَإِيمَانٍ

وَنِعْمَةً وَإِحْسَانٍ وَسَلَامَةً وَإِسْلَامٍ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَالِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنَا مِنْ أَرْضِي مَنْ طَلَعَ عَلَيْهِ وَأَنْزَلِي مَنْ
نَظَرَ إِلَيْهِ وَأَسْعَدَ مَنْ تَعَبَّدَ لَكَ فِيهِ وَوَفَّقْنَا اللَّهُمَّ فِيهِ
لِلطَّاعَةِ وَالتَّوْبَةِ وَأَعِصْمْنَا فِيهِ مِنَ الْإِثَامِ وَالْحَوْبَةِ وَأَوْزِعْنَا
فِيهِ شُكْرَ النِّعَةِ وَالْبِسْنَافِيهِ جُنْنَ الْعَافِيَةِ وَأَتِمِّمْ عَلَيْنَا
بِاسْتِكَمَالِ طَاعَتِكَ فِيهِ الْمِنَّةَ إِنَّكَ أَنْتَ الْمَنَّانُ الْحَمِيدُ
وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَإِلَيْهِ الطَّيِّبِينَ وَاجْعَلْ لَنَا فِيهِ عَوْنًا
مِنْكَ عَلَى مَا نَدُبُتْنَا إِلَيْهِ مِنْ مُفْتَرَضِ طَاعَتِكَ وَتَقَبَّلْهَا
إِنَّكَ الْأَكْرَمُ مِنْ كُلِّ كَرِيمٍ وَالْأَرْحَمُ مِنْ كُلِّ وَحِيمٍ أَمِينَ أَمِينَ
رَبِّ الْعَالَمِينَ

در احکام ماه رجب و فضیلت آن

ماه اول از سه ماه طاعت - ماه رجب است و رجب بخای

تعظیم است و در جاهلیت آنرا محترم می شمرده و آن یکی از چهار ماه
حرام که ذیقعدة الحرام و ذیحجة الحرام و محرم الحرام و رجب است که
جدا واقع شده است از این جهت است که آن را رجب الفرد گویند

و چون جنگ و قتال در آن حرام میبود و آوار سلاح و مستغیث در آن شنیده
 نمیشد آن را رجب الاضم گفته اند (اضم بمعنی کز می باشد) و چون رحمت حق
 بر بندگان در آن فرو میریزد و آنرا رجب الاصب گویند چه اصب بمعنی ریزش
 است و رجب نام نهریست در بهشت که روزه داران ماه رجب از آن نهر
 خواهند آشامید. رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود ماه رجب ماه بزرگ
 خداست هیچ ماهی در حرمت و فضیلت بآن نمیرسد نماز و دعا و تسبیح
 و زیارت و اعمال بخوانی بسیار در آن وارد گردیده.

برخی از وقایع تاریخی ماه رجب

در ماه رجب سال نهم هجری بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله با شش هزار لشکر
 روانه تبوک^(۱) گردید علی علیه السلام را در مدینه قائم مقام خود قرار داد و چون از
 جدانشدن آنحضرت متأثر گردید رسول خدا ص او را نازل منزله خود قرار داد و فرمود
 "أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي" این حدیث
 متفق علیه بر این یقین است روز اول ماه رجب نوح در کشتی قرار گرفت روز اول رجب^{۵۷}

(۱) موضعی است نزدیک شام و نام حصن و چشمه ایست که شکر اسلام تا آنجا درخت
 پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله رفته اند.

امام پنجم حضرت امام محمد باقر علیه السلام متولد گردید - روز نهم رجب
 روز ولادت ابوالفضل علیه السلام گرفته میشود و در برخی آثار است
 ولادت آنحضرت روز چهارم ماه شعبان^{۳۶} واقع گردید - روز
 جمعه دهم رجب^{۱۹۵} ولادت با سعادت حضرت امام نهم حضرت
 محمد تقی علیه السلام است - روز سیزدهم ماه رجب^{۲۸۹۳} قبل از
 هجرت ولادت حضرت ابراهیم علیه السلام در قریه کوثی^(۱) بابل عراق
 واقع گردیده و در روز سیزدهم رجب ولادت با سعادت حضرت
 امیرالمؤمنین علی علیه السلام در کعبه معظمه نسی سال بعد از عام الفیل واقع شد
 روز پانزدهم ماه رجب^۳ هجری قبل از بیت المقدس بطرف کعبه
 تحویل گردید و آیه شریفه قَوْلٍ وَجَّهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ
 نازل شد و در این روز وفات امام ششم حضرت جعفر صادق علیه السلام
 در مدینه طیبه^{۳۸} واقع گردید و در روز هجدهم سال دهم هجری
 ابراهیم فرزند پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله که از ماریه قبطیه بود و عمرش

(۱) قریه بوده که در ارضی بابل میبود و بابل چند مایلی شهر حله که امروزه از شهرهای مهم عراق عرب
 بشمار میرود میباشد ولی بابل امروزه جز آثار تپه و پست و بلندی چیزی دیگر بنظر نمیرسد.

شانزده ماه بود وفات نمود. روز بیست و سوم^{۲۲} جراح بن سنان بنجر
 زهرآلود را ن مبارک امام حسن علیه السلام را مجروح نمود. روز بیست
 و چهارم^{۲۴} فتح خیبر واقع شد و در این روز جعفر بن ابی طالب
 علیه السلام از حبشه مراجعت نمود رسول خدا صلی الله علیه و آله با کمال بشت
 او را در آنغوش گرفت و اظهار خوشنودی از رسیدن او کرد و نماز جعفر را
 بوی یاد داد. روز بیست و پنجم^{۲۵} ماه رجب^{۸۳} هجری شهادت امام
 هفتم حضرت موسی بن جعفر علیهم السلام واقع گردید روز بیست و هفتم^{۲۷}
 سیزده سال قبل از هجرت لطف خداوندی شامل حال بشرد گردید حضرت
 محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب را مبعوث بر سالت گردانید عوالم بشری
 روشن و منور بوجود مقدس او گشت شب بیست و هفتم^{۲۷} ماه رجب
 چند سال قبل از هجرت معراج رسول خدا صلی الله علیه و آله از مکة معظمه
 واقع گردید شب و روز بیست و هفتم^{۲۷} از جمله لیالی و ایام تبرک است
 ابو عبدالله محمد بن عبدالله طنج^(۱) مراکشی که سی و دو سال در سیاحت بود
 و در^{۷۵۳} هجری از سیاحت فارغ شد در سفرنامه خود مشهور بر حله ابن بطوطه

(۱) طنج شهریت در شمال مراکش و مراکش مملکتی است در شمال غربی آفریقا.

میگوید چیرا که خلاصه آن آنست که پس از زیارت مکه معظمه و مدینه طیبه
 نجف اشرف مشرف گردید االی نجف تا مارافضی میباشند و از برای
 روضه مبارکه کراماتی است - از آن جمله در شب بیست و هفتم ماه رجب
 از عراقین و خراسان و بلاد فارس و روم مثل و مفلوج و زمین گیر جمع
 میشوند از آنها قریب سی و چهل نفر که جمع شده بودند مشاهد نمودم نزد
 ضریح مقدس در آن شب جمع می شوند - و مردم غمگین و غمناک شدند آنها
 هستند و این مردم بعضی نماز میخوانند و بعضی ذکر و بعضی قرآن تلاوت
 میکنند و بعضی تماشای روضه نمایند تا آنکه نصف شب یا دو ثلث آن
 میگذرد - این بتلایان و زمین گیران که حرکت نمیتوانستند بکنند بر میخیزند
 و در حالیکه صحیح و تندرست میباشند و غلغله و غوغای جماعتی را من
 یافتم که در آنجا بودند چون شب بیست و هفتم رسیده بودند با تظافر
 شب بیست و هفتم ماه رجب سال آینده بسر میبردند روز بیست
 و هشتم روضه بجزی حضرت امام حسین علیه السلام از مدینه طیبه
 روانه مکه گردید.

و در شب اول ماه رجب واقعه نور باران حرم کاظمین علیه السلام

رُخ داد - فقیه اجل حاجی ملا احمد زرقی صاحب مستند و معراج السعاده که
 در حدود ۱۲۴۳ هجری وفات نموده در کتاب خزانة تفصیلی نقل نموده که از آنجمله
 است که وقتی پاشای بغداد که از اهل سنت میبود با کلید دار حرم کاظمین
 مقرر نمود که شب اول ماه رجب برای دیدن نور باران آن مقام شریف بحرم
 کاظمین مشرف خواهد شد قریب غروب بود که پاشا وارد حرم شد
 آن مکان مقدس را خالی از اغیار نمودند پاشا و شیخ محمد کلید دار
 و پدرش کلید دار سابق در حرم ماندند تمامی درها بسته گردید و چراغها
 بامر پاشا خاموش و مشغول نماز شد پاسی از شب گذشته بود که دفعتاً
 فضای تاریک حرم زویر و شنائی آورد باندازه نور و روشنائی در آن
 حرم مظهر پدیدار گردید مثل آن بود که از بالای ضریح بیت هزار شمع و چراغ
 در آن مکان مقدس پیدایشد پاشا بی اختیار بلند شده و بصلوات
 مشغول گردید و میگفت صلی الله علی النسبی و آله کلید دار را در آغوش
 گرفت و گفت بسیار مخدوم بزرگواری داری و پس از آن نور غائب
 شد و چراغها را روشن نمودند .

اعمال ماه رجب

بجا آوردن عمره مفرده در ماه رجب ثوابش بیشتر است از ثواب
 عمره در تمام سال و طریق عمره مفرده را اعمال حج بیان شده است از امور است
 مستحبه ماه رجب زیارت حضرت امام رضا علیه السلام است
 که در بیست و سوم و بیست و پنجم ماه ذیقعد نیز نقل شده - روزه این
 ماه مستحب مؤکد است و روزه اول آن آتش جهنم را باندازد یکسال
 راه از روزه گیرنده دور میکند و گرفتن روزه سه روز ماه رجب بهشت را
 برای روزه گیر واجب مینماید - امام صادق علیه السلام فرمود که هر که یک
 روز از آخر رجب را روزه بدارد خدا او را از شدت سکرات مرگ هول
 بعد مرگ و عذاب قبر نیک میدارد و هر که دو روز آخر آن را روزه گیرد بر هر طریقی
 باسانی بگذرد - و یکشنبه روز آخر رجب را روزه گیرد این کردار
 ترس بزرگ روز قیامت و از شدت تها و هولهای آن روز و برائت
 بیزاری از آتش جهنم بوی عطا شود و هر که قادر بر روزه گرفتن نباشد صد مرتبه
 بگوید سُبْحَانَ إِلَهِ الْجَلِيلِ سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنْبَغِي التَّسْبِيحُ
 إِلَهِ سُبْحَانَ الْأَعَزِّ الْأَكْرَمِ سُبْحَانَ مَنْ لَيْسَ الْعِزُّ وَهُوَ لَهُ أَهْلٌ

خداوند ثواب روزه با وعطا فرماید

اعمال مختصر شب اول رجب :- احیاء شب اول رجب

بعبادت و غسل و زیارت حضرت امام حسین علیه السلام مستحب است
و بعد از نماز مغرب در شب اول بیست رکعت نماز هر دو رکعت بیک سلام

و در هر رکعت حمد و توحید یک مرتبه بخواند تا محفوظ ماند خود و اهل و مال

و اولادش و از عذاب قبر و رنپناه باشد و از صراط بی حساب بر عت

بگذرد و بعد از نماز عشاء دو رکعت نماز وارد است در رکعت اول

بعد از حمد الم نشرح یک مرتبه و توحید سه مرتبه و در رکعت دوم بعد از

حمد الم نشرح و توحید و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس

بخواند و بعد از سلام نسی مرتبه لا اله الا الله و نسی مرتبه صلوات بگوید

تا خدا پیامزد او را مانند روزیکه از مادر متولد گردیده و از حضرت امام محمد جواد

علیه السلام روایت شده که در شب اول بعد از عشاء آخره بخواند

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَنَّكَ مَلِكٌ وَأَنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ

مُقْتَدِرٌ وَأَنَّكَ مَا تَشَاءُ مِنْ أَمْرٍ يَكُنُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَوَجَّهُ

إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

يَا مُحَمَّدُ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّي أَتَوَجَّهُ بِكَ إِلَى اللَّهِ رَبِّكَ وَرَبِّي
لِيُنْجِحَ لِي بِكَ طَلِبَتِي اللَّهُمَّ بِذِيكَ مُحَمَّدٍ وَالْأُمَّةَ مِنْ
أَهْلِ بَيْتِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ أَنْجِ طَلِبَتِي وَحَاجَتِي
خود را طلب نما.

و از جمله اعمال این ماه است که از رسول خدا صلی الله علیه و آله روا
شده که فرمود هر که در تمامی ماه رجب هزار مرتبه لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ بگوید خدا
صد هزار حسنه باو عطا کند و برای او بنا کند در بهشت صد شهر و در تمام ماه
خواندن هزار مرتبه قل هو الله احد مستحب است و در وقت صبح
هفتاد مرتبه اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ گفتن مستحب است و چون
تمام کند دستها را بلند نموده و بگوید اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَتُبْ عَلَيَّ
پس اگر در ماه رجب بمیرد خدا از او راضی باشد و آتش جهنم باو نرسد
و از جمله دعاها نیز که در تمام ماه رجب خواندن آن مستحب است يَا مَنْ
يَمْلِكُ حَوَائِجَ السَّائِلِينَ وَيَعْلَمُ خُمَيْرَ الصَّامِتِينَ لِكُلِّ
مَسْئَلَةٍ مِنْكَ سَمْعٌ حَاضِرٌ وَجَوَابٌ عَتِيدٌ اللَّهُمَّ
وَمَوَاعِيدُكَ الصَّادِقَةُ وَإِيَادُكَ الْفَاضِلَةُ وَرَحْمَتُكَ

الوَاسِعَةُ نَأْسُئُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَأَنْ تَقْضِيَ حَوَائِجِي لِلدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

واین دعا را حضرت صادق علیه السلام در هر روز ماه رجب میخواندند
خَابَ الْوَافِدُونَ عَلَى غَيْرِكَ وَخَسِرَ الْمُتَعَرِّضُونَ إِلَّا لَكَ
وَضَاعَ الْمُلِمُّونَ إِلَّا بِكَ وَاجْتَدَبَ الْمُتَجِيعُونَ إِلَّا مِنْ
اِتِّجَاعِ فَضْلِكَ بِأَبْكَ مَفْتُوحٍ لِلرَّاغِبِينَ وَخَيْرِكَ مَبْدُولٍ
لِلطَّالِبِينَ وَفَضْلِكَ مُبَاحٍ لِلشَّائِلِينَ وَفَيْلِكَ مُتَاحٍ
لِلْأُمِلِينَ وَرِزْقُكَ مَبْسُوطٌ لِمَنْ عَصَاكَ وَحِلُّكَ مُعْتَرِضٌ
لِمَنْ تَأَوَّكَ عَادُتُكَ الْإِحْسَانُ إِلَى الْمُسِيئِينَ وَسَبِيلُكَ
الْإِبْقَاءُ عَلَى الْمُعْتَدِينَ اللَّهُمَّ فَاهِدِنِي هُدَى الْمُهْتَدِينَ
وَأَرْزُقْنِي اجْتِهَادَ الْمُجْتَهِدِينَ وَلَا تَجْعَلْنِي مِنَ الْغَافِلِينَ
الْمُبْعَدِينَ وَاعْفِرْ لِي يَوْمَ الدِّينِ - واز جمله دعا های هر روزه ماه
رجب است اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ صَبْرَ الشَّاكِرِينَ لَكَ
وَعَمَلَ الْخَائِفِينَ مِنْكَ وَتَقِيْنَ الْعَابِدِينَ لَكَ اللَّهُمَّ أَنْتَ
الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ وَأَنَا عَبْدُكَ الْبَائِسُ الْفَقِيرُ أَنْتَ الْغَنِيُّ

الْحَمِيدُ وَأَنَا الْعَبْدُ الذَّلِيلُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
 وَأَمْنُنْ بَعْنَاكَ عَلَى فَقْرِي وَبِحِلْمِكَ عَلَى جَهْلِي وَبِقُوتِكَ
 عَلَى ضَعْفِي يَا قَوِي يَا غَزِي اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
 الْأَوْصِيَاءِ الْمَرْضِيِّينَ وَكَفِّنِي مَا أَهَمَّنِي مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا
 وَالْآخِرَةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَتَبَرَّكَ ذِي الْمَآدِرِ رَجَبِ خَوَانِدَن
 ابْنِ دَعَاوَارِ دَاسْتِ اللَّهُمَّ يَا ذَا الْمَنِّ السَّابِغَةِ وَالْأَلَاءِ
 الْوَازِعَةِ وَالرَّحْمَةِ الْوَاسِعَةِ وَالْقُدْرَةِ الْجَامِعَةِ وَالنِّعَمِ
 الْجَسِيمَةِ وَالْمَوَاهِبِ الْعَظِيمَةِ وَالْإِبَادَى الْجَمِيلَةَ وَالْعَطَايَا الْجَزِيلَةَ
 يَا مَنْ لَا يَنْعَتُ بِتَمَثِيلٍ وَلَا يُمَثَّلُ بِنَظِيرٍ وَلَا يُغْلَبُ بِظَهِيرٍ
 يَا مَنْ خَلَقَ فَرَزَقَ وَالْهَمَّ فَأَنْطَقَ وَابْتَدَعَ فَشَرَعَ وَعَلَا
 فَأَرْتَفَعَ وَقَدَّرَ فَأَحْسَنَ وَصَوَّرَ فَأَتَقَنَ وَاحْتَجَّ فَأَبْلَغَ
 وَأَنْعَمَ فَأَسْبَغَ وَأَعْطَى فَأَجْزَلَ وَمَنَحَ فَأَفْضَلَ يَا مَنْ سَمَّا
 فِي الْعِزِّ فَنَاتَ نَوَاطِرَ الْأَبْصَارِ وَدَنَا فِي اللَّطْفِ نَجَاسَ
 هَوَاجِسِ الْأَفْكَارِ يَا مَنْ تَوَحَّدَ بِالْمُلْكِ فَلَا يَدَّ لَهُ فِي مَلَكَوَتِ
 سُلْطَانِهِ وَتَفَرَّدَ بِالْأَلَاءِ وَالْكَبَرِيَاءِ فَلَا ضِدَّ لَهُ فِي

جَبُرَتْ شَأْنُهُ يَا مَنْ حَارَتْ فِي كِبَرِيَاءِ هَيْبَتِهِ دَقَائِقُ
لَطَائِفِ الْأَوْهَامِ وَانْحَسَرَتْ دُونَ إِدْرَاكِ عَظَمَتِهِ خَطَائِفُ
أَبْصَارِ الْأَنَامِ يَا مَنْ عَنَتِ الْوُجُوهُ لَهَيْبَتِهِ وَخَضَعَتِ الرِّقَابُ
لِعَظَمَتِهِ وَوَجَلَّتِ الْقُلُوبُ مِنْ خِيفَتِهِ أَسْأَلُكَ بِهَذِهِ
الْمَدْحَةِ الَّتِي لَا تَذْبَعِي إِلَّا لَكَ وَبِمَا وَآيَتْ عَلَى نَفْسِكَ لِذَعْبِكَ
مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَبِمَا ضَمِنْتَ الْإِجَابَةَ فِيهِ عَلَى نَفْسِكَ
لِلدَّاعِينَ يَا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ وَأَبْصَرَ النَّاطِرِينَ وَأَسْرَعَ
الْحَاسِبِينَ يَا ذَا الْقُوَّةِ الْمَتِينِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ خَاتَمِ
النَّبِيِّينَ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ وَأَقْسِمُ لِي فِي شَهْرِنَا هَذَا خَيْرَ مَا
قَسَمْتَ وَاحْتَمَ لِي فِي قَضَائِكَ خَيْرَ مَا حَتَمْتَ وَاحْتَمَ لِي
بِالسَّعَادَةِ فِيمَنْ حَتَمْتَ وَاحْتَمَ لِي مَا أَحْيَيْتَنِي مَوْفُورًا
وَأَمِتَنِي مَسْرُورًا وَمَغْفُورًا وَتَوَلَّ أَنْتَ نَجَاتِي مِنْ مُسَائِلِهِ
الْبُزْرِخِ وَادْرَأْ عَنِّي مُنْكَرًا وَنَكِيرًا وَارْعِنِي مُبَشِّرًا وَنَشِيرًا
وَأَجْعَلْ لِي إِلَى رِضْوَانِكَ وَجْهَانِكَ مَصِيرًا وَعَيْشًا قَرِيرًا
وَمُلْكًا كَبِيرًا وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ كَثِيرًا وَرَسِّدْ صَعْدَتِي

خوانده میشود و خواندن این دعا عقب هر نماز فریضه در ماه رجب از امام
صادق علیه السلام وارو گردیده یا مَنْ أَرْجُوهُ لِكُلِّ خَيْرٍ وَأَمِنْ
سَخَطِهِ عِنْدَ كُلِّ شَرٍّ يَا مَنْ يُعْطِي الْكَثِيرَ بِالْقَلِيلِ يَا مَنْ
يُعْطِي مَنْ سَأَلَهُ يَا مَنْ يُعْطِي مَنْ لَمْ يَسْأَلْهُ وَمَنْ لَمْ يَعْرِفْهُ
تَحَنَّنْ مِنْهُ وَرَحْمَةً أَعْطِنِي بِمَسْئَلَتِي إِيَّاكَ جَمِيعَ خَيْرِ الدُّنْيَا
وَجَمِيعَ خَيْرِ الْآخِرَةِ وَأَصْرِفْ عَنِّي بِمَسْئَلَتِي جَمِيعَ شَرِّ الدُّنْيَا
وَشَرِّ الْآخِرَةِ فَإِنَّهُ غَيْرُ مَنْقُوصٍ مَا أَعْطَيْتَ زِدْ دُنِي مِنْ فَضْلِكَ
یا کریم پس حضرت محاسن شریف خود را در دست چپ خود گرفت و با
حال تضرع و حرکت دادن انگشت سبابه دست راست ^{گفت} یا ذَا الْجَلَالِ
وَالْإِكْرَامِ یا ذَا النِّعَمَاءِ وَالْجُودِ یا ذَا الْمَنِّ وَالطُّوْلِ حَرِّمُ شَيْئَتِي
عَلَى النَّارِ

لَيْلَةُ الرِّغَائِبِ بِ شَبِّ جُمُعَةِ أَوَّلِ مَاهِ رَجَبِ الرِّسَالَةِ

الرغائب نامند. و رغائب جمع رغبته بمعنی بخشش است و این شب
است که ملائکه آسمانها و زمینها در بیت المعمور که در آسمان چهارم محاذی کعبه
واقع گردیده جمع شوند و بجهت اُمت پیغمبر آخر الزمان طلب آمرزش کنند

پس سجد است که پیشینه روز اول ماه راروزه دارند چون شب جمعه
 شود بین نماز مغرب و عشاء دو ازده رکعت نماز هر دو رکعت بیک سلام
 بجاء آورده و در هر رکعت بعد از حمد سه مرتبه انا انزلناه و دو ازده مرتبه
 قل هو الله احد بخوان چون از نماز فارغ شوی هفتاد مرتبه میگوئی
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ وَعَلَى آلِهِ پس سجد
 رفته و هفتاد مرتبه میگوئی سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ
 پس سجد سجد برواشته و هفتاد مرتبه میگوئی رَبِّ اغْفِرْ لِي رَحْمَةً
 وَتَجَاوِزَ عَمَّا تَعْلَمُ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيُّ الْأَعْظَمُ پس باز سجد
 رفته و هفتاد مرتبه میگوئی سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ
 پس حاجت خود را طلبیده انشاء الله تعالی برآورده خواهد شد

اعمال مخصوص ایام و لیالی ماه رجب :- روز اول ماه رجب
 از روزهای مخصوصی است که غسل و زیارت امام حسین غ در آن مستحب
 است و موجب آمرزش گناهاست و نماز حضرت سلمان در آن مستحب است
 و آن ده رکعت است هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت حمد یک مرتبه
 و قل هو الله سه مرتبه و قل یا ایها الکافرون سه مرتبه و بعد از هر سلام

و ستھارا بلند نموده و بگوید لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ
 لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ
 بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ پس بگوید اللَّهُمَّ لَا مَانِعَ
 لِمَا أَعْطَيْتَ وَلَا مُعْطِيَ لِمَا مَنَعْتَ وَلَا يَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْكَ
 الْجَدُّ. انگاہ و ستھارا بصورت خود کشیده و حاجت خود را بخواند و در
 نیمه ماه که پانزدهم رجب باشد این نماز را بهین کیفیت بخواند ولی بعد از
 علی کل شیء قدیر بگوید إلهًا واحدًا فردًا صمدًا لم يتخذ
 صاحبةً ولا ولدًا. و در آخر ماه نیز این نماز را بخواند ولیکن بعد از
 علی کل شیء قدیر بگوید صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ
 وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ پس و ستھارا
 بر روی خود بکشد و حاجت بطلبد و برای حضرت سلمان نمازی دیگر است
 که در اول ماه رجب خوانده میشود و فضیلت آن بسیار است از آنجمله
 آمرزش گناهان و محفوظ ماندن از فتنه قبر و عذاب روز قیامت و برطرف
 شدن جذام و برص و ذات الجنب است و آن ده رکعت است
 هر دو رکعت بیک سلام در هر رکعت حمد یک مرتبه و قل هو الله أحد

سه مرتبه بخواند - روزه روز سیزدهم، چهاردهم و پانزدهم که آیام
 البیض است و اعمال شبهای آن و عمل ام و او و در روز پانزدهم
 برای رسیدن بمطالب و حاجات روایت شده و در شبهای ایام البیض
 ماه رجب و شعبان و رمضان نماز است که بروایت امام صادق علیه السلام
 هر کس آنرا بجا آورد فضیلت این سه ماه را دریابد و گناهانش مگر شرک
 آمرزیده میشود پس در لیل سیزدهم دو رکعت و در لیل چهاردهم
 چهار رکعت و در لیل پانزدهم شش رکعت هر دو رکعت بیک سلام
 در هر رکعت بعد از حمد یک مرتبه یس و تبارک الملک و توحید بخواند
 و در شب نیمه ماه چند عمل است اول غسل دوم بیداری آن شب
 بعبادت سوم زیارت امام حسین علیه السلام چهارم شش رکعت
 نماز که بیان شد پنجم خواندن نماز که از حضرت صادق علیه السلام رسیده
 و فرمود که بجا میآوری در شب نیمه رجب و دوازده رکعت نماز هر دو رکعت
 بیک سلام که در هر رکعت حمد و سوره میخوانی چون فارغ شوی از نماز میخوانی
 حمد، قل اعوذ برب الفلق، قل اعوذ برب الناس، قل هو الله
 احد و آیه الكرسی را هر کدام را چهار مرتبه و میگوئی چهل مرتبه

سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَبِسْمِ
الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُ اللَّهُ رَبِّي لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا وَمَا شَاءَ اللَّهُ
لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ ^{كسبت} در نیمه ماه رجب که روز مبارک است
در آن چند عمل است: غسل و زیارت حضرت امام حسین علیه السلام
نماز حضرت سلمان چنانکه بیان شد و چهار رکعت نماز بدو سلام چون
فارغ شدی دست خود را باز نموده و بخوان اللَّهُمَّ يَا مُدِيلَ كُلِّ
جَبَّارٍ وَيَا مُعِزَّ الْمُؤْمِنِينَ أَنْتَ كَهْفِي حِينَ تُغَيِّبُ الْمَذَاهِبَ
وَأَنْتَ بَارِي خُلُقِي رَحْمَةً بِي وَقَدْ كُنْتَ عَنْ خَلْقِي غَنِيًّا وَلَوْ
لَا رَحْمَتُكَ لَكُنْتُ مِنَ الْهَالِكِينَ وَأَنْتَ مُؤَيِّدِي بِالنَّصْرِ
عَلَى أَعْدَائِي وَلَوْ لَا نَصْرُكَ إِيَّايَ لَكُنْتُ مِنَ الْمَفْضُوحِينَ
يَا مُرْسِلَ الرَّحْمَةِ مِنْ مَعَادِنِهَا وَمُنْشِئَ الْبَرَكَاتِ مِنْ
مَوَاضِعِهَا يَا مَنْ خَصَّ نَفْسَهُ بِالشُّمُوحِ وَالرِّفْعَةِ فَأَوْلِيَائِهِ
بِعِزَّةٍ يَتَعَزَّزُونَ وَيَا مَنْ وَضَعْتَ لَهُ الْمُلُوكَ نِيرَ
الْمَذَلَّةِ عَلَى أَعْنَاقِهِمْ فَمَا مِنْ سَطَوَاتِهِ خَائِفُونَ أَسْأَلُكَ
بِكُنُودِنِيِّتِكَ الَّتِي اسْتَقْقَتْهَا مِنْ كِبَرِيَّاتِكَ وَأَسْأَلُكَ

يَكْبِرِيَاثُكَ الَّتِي اسْتَقَقْتَهُمَا مِنْ عِزَّتِكَ وَأَسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ
الَّتِي اسْتَوَيْتَ بِهَا عَلَى عَرْشِكَ فَخَلَقْتَ بِهَا جَمِيعَ خَلْقِكَ
فَهَمَّ لَكَ مُذْ عِنُونِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ

روایت است که هر صاحب غمی این دعا را بخواند حق تعالی او را از غم
و اندوه رهایی دهد۔ و شب بیست و هفتم رجب از لیالی مبارکه و شب بیست

است و اعمال و انشب اجر عمل شصت سال است و از حضرت ابو جعفر

امام محمد جواد علیه السلام از عمل آن سوال شد و او از ده رکعت نماز سیاه^{۱۲}

فرمود و وقت آنرا بعد از عشاء تا قبل از نیمه شب معین نمود و فرمود بخوانی

هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت حمد و سوره از سوره های کوچک

مفصل (که از سوره محمد است تا آخر قرآن) و بعد از فراغ از نمازها میخوانی

حمد و چهار قل^(۱) و انا انزلناه و آیه الکرسی هر کدام را هفت مرتبه

نگاه میخوانی الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ

فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبِيرُهُ تَكْبِيرًا اللَّهُمَّ

إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَعَاقِدِ عِزَّتِكَ عَلَى أَرْكَانِ عَرْشِكَ وَمُنْتَهَى

الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ وَبِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ

(۱) چهار قل عبارت است از صر قل هو الله احد، قل اعوذ برب الفلق، قل اعوذ برب الناس، قل یا ایها الکافرون

وَذَكَرَكَ الْأَعْلَى الْأَعْلَى وَبِكَلِمَاتِكَ التَّامَّاتِ أَنْ
 تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَنْ تَفْعَلَ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ بِ
 بخوان هر دعا که خواستی - و غسل در این شب و خواندن دوازده رکعت
 نماز که از حضرت صادق علیه السلام که در اعمال شب نیمه رجب ذکر شد
 مستحب است - و زیارت حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام افضل
 اعمال این شب است خواندن دعای شب مبحث که گفتمی در بلد الامین
 روایت نموده و در مفاتیح آمده مستحب است - و اما اعمال روزمیت
 و هفتم روزه و غسل و بسیار صلوات فرستادن و زیارت حضرت
 رسول و امیر المؤمنین علیهما و آلهما السلام است - و خواندن نماز یک و ده
 شب نیمه ذکر آن بیان شد (دوازده رکعت)

ماه شعبان المعظم

دومین ماه عبادت است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فضیلت آنرا

بیان فرموده - روزه آنرا وصل بر روزه ماه رمضان مینمورد و میفرمود که ماه

شعبان ماه من است و روزه یک روز آن بهشت واجب میکرد و

و در روایات دیگر است که روزه ماه شعبان موجب برطرف شدن

شتر و شمان و اصلاح امر معیشت است

برخی از وقایع تاریخی ماه شعبان

روز اول ماه یا اوائل آن عَشْرَه هجری ولادت عقیده القریش

حضرت زینب کبری صلوات الله علیها وارد شده روز دوم ماه

سال دوم هجری روزه ماه رمضان المبارک واجب گردید و آیه کُتِبَ

عَلَيْكُمْ الصِّيَامُ فَرُود آمد روز پانزدهم سوم شعبان عَشْرَه هجری ولادت

باسعادت حضرت امام حسین علیه السلام واقع شد در ماه شعبان عَشْرَه

هجری غزوه رسول اکرم صلی الله علیه و آله بابن المصطلق واقع شد نفاق

عبدالله بن ابی ظاهر گردید چه در نیت داشت که بعد از مراجعت رسول خدا

صلی الله علیه و آله بدین آنحضرت را با همرازان بیرون کند سوره منافقون

فرود آمد و منافقین رسوا گردیدند عبدالله فرزند عبدالله بن ابی منافق

رخصت خواست که پدر خود را بقتل رساند پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله

امر بدارائی با وی فرمود شب جمعه پانزدهم شعبان عَشْرَه هجری نزدیک

طلوع فجر در سامراء ولادت باسعادت بقیة الله امام عصر حضرت

حجت بن الحسن عظیم السلام گردید.

اعمال ماه شعبان

اعمال مشترک شب و روز ماه شعبان :- در این ماه اعمالی

چند است که بهترین آن استغفار است از آن جمله گفتن هفتاد مرتبه

در هر روز **أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَسْأَلُهُ التَّوْبَةَ** چه هفتاد مرتبه استغفار

در این مقابل است با هفتاد هزار در ماههای دیگر. و در این ماه زیاده تصدق

دادن مستحب است و سبب میشود که جهنم حرام میشود بر صدقه دهند.

و نیز در این ماه وارد شده گفتن هزار مرتبه **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَلَا**

نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ

ثواب هزار سال عبادت در نامه اعمال نوشته میشود. و دو رکعت نماز

در هر پنجشنبه بجا آورد در هر رکعت بعد از حمد صد مرتبه توحید و بعد از

سلام صد بار صلوات بفرستد تاحق تعالی هر حاجتی که داشته باشد

از امور دین و دنیا بر آرد و ان شاء الله. و در هر روز شعبان در وقت

زوال و در شب نیمه آن خواندن این صلوات که از حضرت امام زین العابدین

علیه السلام روایت شده مستحب است **اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ**

وَالْحَمْدُ شَجَرَةُ النَّبُوَّةِ وَمَوْضِعُ الرِّسَالَةِ وَتُخْتَلَفُ

الْمَلَائِكَةِ وَمَعْدِنِ الْعِلْمِ وَأَهْلِ بَيْتِ الْوَحْيِ اللَّهُمَّ صَلِّ
 عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْفُلْكِ الْجَارِيَةِ فِي الْبَحْرِ الْغَامِرَةِ
 يَا مَنْ مِنْ رِكَبِهَا وَيَغْرُقُ مَنْ تَرَكَهَا الْمُتَقَدِّمَ لَهُمْ مَآرِقُ
 وَالْمُتَأَخِّرُ عَنْهُمْ مَزَاهِقُ وَاللَّا نَزِمُ لَهُمْ لَاحِقُ اللَّهُمَّ صَلِّ
 عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْكَهْفِ الْحَصِينِ وَغِيَاثِ الْمُضْطَرِّ
 الْمُسْتَكَيْنِ وَمَلِجِ الْهَارِبِينَ وَعِصْمَةِ الْمُعْتَصِمِينَ اللَّهُمَّ
 صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلَوةً كَثِيرَةً تَكُونُ لَهُمْ رِضًا
 وَلِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ آدَاءً وَقَضَاءً بِحَوْلِ مِنْكَ وَقُوَّةِ
 يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الطَّيِّبِينَ
 الْأَبْرَارِ الْأَخْيَارِ الَّذِينَ أَوْجَبَتْ حُقُوقُهُمْ وَفَرَضَتْ طَاعَتَهُمْ
 وَوَلَّيْتَهُمُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاعْمُرْ قَلْبِي
 بِطَاعَتِكَ وَلَا تُخْرِجْنِي بِمَعْصِيَتِكَ وَأَرْزُقْنِي مُوَاسَاةَ مَنْ
 قَتَرْتَ عَلَيْهِ مِنْ رِزْقِكَ بِمَا وَسَّعْتَ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ وَنَشَرْتَ
 عَلَيَّ مِنْ عَذْلِكَ وَأَحْيَيْتَنِي تَحْتَ ظِلِّكَ وَهَذَا شَهْرُ نَبِيِّكَ
 سَيِّدِ رُسُلِكَ شُعْبَانُ الَّذِي حَفَفْتَهُ مِنْكَ بِالرَّحْمَةِ

وَالرِّضْوَانِ الَّذِي كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ
 يَدُأْبُ فِي صِيَامِهِ وَقِيَامِهِ فِي لَيَالِيهِ وَأَيَّامِهِ بِخُوعًا لَكَ فِي
 إِكْرَامِهِ وَأَعْظَامِهِ إِلَى مُحَلِّ حَمَامِهِ اللَّهُمَّ فَاعِنَّا عَلَى الْإِسْتِنَانِ
 بِسُنَّتِهِ فِيهِ وَنَيْلِ الشَّفَاعَةِ لَدَيْهِ اللَّهُمَّ وَاجْعَلْهُ لِي
 شَفِيعًا مُشَفَّعًا وَطَرِيقًا إِلَيْكَ مَهِيئًا وَاجْعَلْنِي لَهُ مُتَّبِعًا
 حَتَّى أَلْقَاكَ يَوْمَ الْقِيَمَةِ عَنِّي رَاضِيًا وَعَنْ ذُنُوبِي غَاضِيًا
 قَدْ أَوْجَبْتَ لِي مِنْكَ الرَّحْمَةَ وَالرِّضْوَانِ وَأَنْزَلْتَنِي دَارَ الْقَرَارِ
 وَمَحَلَّ الْأَخْيَارِ

اعمال مختصة شب و روز ماه شعبان به دست است در

روز سوم که روز تولد حضرت امام حسین علیه السلام و روز مبارک است خواندن
 این دعا و روزه گرفتن آن اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْمَوْلُودِ فِي
 هَذَا الْيَوْمِ الْمَوْعُودِ بِشَهَادَتِهِ قَبْلَ اسْتِهْلَالِهِ وَوِلَادَتِهِ
 بَكْتُهُ السَّمَاءُ وَمَنْ فِيهَا وَالْأَرْضُ وَمَنْ عَلَيْهَا وَلَمَّا يَطَأُ
 لَابَتِيهَا قَتِيلَ الْعَبْرَةِ وَسَيِّدِ الْأُسْرَةِ الْمَمْدُودِ بِالنُّصْرَةِ
 يَوْمَ الْكُرَى الْمُعَوَّضِ مِنْ قَتْلِهِ أَنَّ الْأَئِمَّةَ مِنْ نَسْلِهِ وَالشَّفَاعَةَ

فِي تَرْبَتِهِ وَالْفَوْزَ مَعَهُ فِي أَوْبَتِهِ وَالْأَوْصِيَاءَ مِنْ عِثْرَتِهِ بَعْدَ
 قَائِمِهِمْ وَغَيْبَتِهِ حَتَّى يَذُرُوا الْأَوْتَارَ وَيُثَارُوا وَتُضَوَّ
 الْجَبَّارُ وَيَكُونُوا خَيْرَ أَنْصَارٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ مَعَ اخْتِلَافِ
 اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ اللَّهُمَّ فَحَقِّقْهُمْ إِلَيْكَ أَتَوْسَلُ وَأَسْئَلُ
 سُؤَالَ مُقْتَرِفٍ مُعْتَرِفٍ مُسِيئٍ إِلَى نَفْسِهِ مِمَّا فَرَطَ
 فِي يَوْمِهِ وَأَمْسِهِ يَسْأَلُكَ الْعِصَّةَ إِلَى مَحَلِّ رُمْسِهِ اللَّهُمَّ
 فَصِّلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعِثْرَتِهِ وَأَحْشُرْنَا فِي زُمْرَتِهِ وَيَوْمُنَا مَعَهُ
 دَارَ الْكَرَامَةِ وَمَحَلَّ الْإِقَامَةِ اللَّهُمَّ وَكَمَا أَكْرَمْتَنَا بِمَعْرِفَتِهِ
 فَأَكْرَمْنَا بِزُلْفَتِهِ وَأَرْزُقْنَا مُرَافَقَتَهُ وَسَابِقَتَهُ وَاجْعَلْنَا مِنْ
 يُسَلِّمُ لِأَمْرِهِ وَيُكْثِرُ الصَّلَاةَ عَلَيْهِ عِنْدَ ذِكْرِهِ وَعَلَى جَمِيعِ
 أَوْصِيَائِهِ وَأَهْلِ أَصْفِيَائِهِ الْمَمْدُودِينَ مِنْكَ بِالْعَدَدِ
 الْإِثْنَى عَشَرَ النُّجُومِ الزُّهَرِ وَالْحُجَّجِ عَلَى جَمِيعِ الْبَشَرِ اللَّهُمَّ
 وَهَبْ لَنَا فِي هَذَا الْيَوْمِ خَيْرَ مَوْهَبَةٍ وَاجْجَحْ لَنَا فِيهِ كُلَّ
 طَلِبَةٍ كَمَا وَهَبْتَ الْحُسَيْنَ لِحَمْدِ جَدِّهِ وَعَاذَ فُطْرُسُ بْنُ مُحَمَّدٍ
 فَتَحْنُ عَائِدُونَ بِقَبْرِهِ مِنْ بَعْدِهِ نَشْهَدُ تَرْبَتَهُ وَنَنْتَظِرُ

اَوْبَتَهُ اَمِيْنُ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ پس بخوانی بعد از این بدعا حسین
 علیه السلام و این آخر دعاء آنحضرت است در روز که بسیار شده بود
 دشمنان او یعنی روز عاشورا اللهم متعالی المکان عظیم الجبروت
 شدید المحال غنی عن الخلاق عریض الکبریاء قادی علی ما
 قریب الرحمة صادق الوعد سابع النعمة حسن البلاء
 قریب اذا دعیته محیط بما خلقت قابل التوبة لمن تاب الیک
 قادی علی ما اردت ومدد یرک ما طلبت وشکور اذا شکرت
 وذکور اذا ذكرت ادعوک محتاجا وارغب الیک فقیرا وافرغ
 الیک خائفا وابکی الیک مکرر با واستعین بک ضعیفا
 واتوکل علیک کافیا احکم بیننا و بین قومنا بالحق فانهم
 غررنا و خدعونا و خذلونا و غدروا بنا و قتلونا و نحن عثره
 نبیک و ولد حبیبک محمد بن عبد الله الذی صطفیتہ
 بالرسالة و ائتمنتہ علی و حیک فاجعل لنا من امرنا فرجا
 و مخرجا برحمتک یا ارحم الراحمین ابن عیاش گفت شنیدم
 از حسین بن علی بن سفیان بن زوفری که میگفت حضرت صادق علیه السلام

میخوانند این دعا را در این روز و فرموده که این دعا از دعاهای روز نهم شعبان
است و آن روز ولادت حسین علیه السلام است شب سیزدهم اول
لیالی بیض است و کیفیت نماز امشب و دو شب بعد در ماه رجب گذشت.

اعمال شب در روز نهم شعبان :- و شب نهم شعبان شب بسیار
مبارک است و فضیلت آن بعد از شبهای قدر از شبهای دیگر بیشتر است
شبی است که خدا قسم یاد نمود که هیچ سائلی را در آن شب از درگاه خود
باز دست خالی برنگرداند مگر آنکه سوال وی معصیت باشد. غسل و احیای
آن شب مستحب است و در احادیث است که هر که احیا نماید آن شب را
نمیرد دل او در روزی که دلها میرود. زیارت حضرت امام حسین علیه السلام
در آن شب از فضل اعمال آن شب بشمار میرود و موجب آمرزش
گناهان است. و اقل زیارت آنحضرت در آنشب آنست که بیامی
برآید بجانب راست و چپ نظر نموده رو بآسمان کند آنگاه آنحضرت را
باین کلمات زیارت کند **اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَا اَبَا عَبْدِ اللهِ السَّلَامُ**
عَلَیْكَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَکَاتُهُ . امید است که ثواب حج و عمره
برای زیارت کنندۀ نوشته شود. و نیز زیارت مخصوصی است برای

آن شب که در جای خود بیان شده است و این دعا را که بمنزله زیارت
 امام زمان علیه السلام بخواند اللَّهُمَّ بِحَقِّ لَيْلَتِنَا هَذِهِ وَمَوْلُودِهَا
 وَحُجَّتِكَ وَمَوْعُودِهَا الَّتِي قَرَنْتَ إِلَى فَضْلِهَا فَضْلاً فَتَمَّتْ
 كَلِمَتُكَ صِدْقاً وَعَدْ لَّا لَامُبْدِلَ لِكَلِمَاتِكَ وَلَا مُعَقِّبَ
 لِآيَاتِكَ نُورُكَ الْمُتَالِقُ وَضِيَاءُكَ الْمُشْرِقُ وَالْعِلْمُ النُّورُ فِي
 طَحْيَاءِ الدِّيَجُورِ الْغَائِبِ الْمُسْتَوْرِ جَلَّ مَوْلِدُهُ وَكَرَّمَ حُجَّتُهُ
 وَالْمَلَائِكَةُ شُهَدَاؤُهُ وَاللَّهُ نَاصِرُهُ وَمُؤَيِّدُهُ إِذَا أَنْ مِيعَادُهُ
 وَالْمَلَائِكَةُ أَمْدَادُهُ سَيْفُ اللَّهِ الَّذِي لَا يَنْبُو وَنُورُهُ الَّذِي
 لَا يَخْبُو وَذُو الْحِلْمِ الَّذِي لَا يَصْبُو مَدَارُ الدَّهْرِ وَنَوَامِيسُ الْعَصْرِ
 وَوَلَاةُ الْأَمْرِ وَالْمَنْزِلُ عَلَيْهِمْ مَا يَنْزِلُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَأَصْحَابُ
 الْحَشْرِ وَالنَّشْرِ تَرَاجِمُهُ وَحِيَّهُ وَوَلَاةُ أَمْرِهِ وَتَهْيِيهِ اللَّهُمَّ
 فَصِّلْ عَلَى خَاتِمِهِمْ وَقَائِمِهِمُ الْمُسْتَوْرِ عَنْ عَوَالِمِهِمُ اللَّهُمَّ
 وَأَدِيرْ بِنَا أَيَّامَهُ وَظُهُورَهُ وَقِيَامَهُ وَاجْعَلْنَا مِنْ أَنْصَارِهِ
 وَأَقْرِنْ نَارَ نَبَايَشَارِهِ وَاكْتُبْنَا فِي أَعْوَانِهِ وَخُلَصَائِهِ وَأَحْيِنَا
 فِي دَوْلَتِهِ نَاعِمِينَ وَبُصْحَتِهِ غَائِمِينَ وَبِحَقِّهِ قَائِمِينَ وَمِنْ

السُّوءِ سَالِمِينَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
 وَصَلَوَاتُهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ خَاتِمِ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ
 وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الصَّادِقِينَ وَعِترته النَّاطِقِينَ وَالْعَن
 جَمِيعَ الظَّالِمِينَ وَأَحْكُم بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ يَا أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ
 وخواندن دعای کمیل در این شب مستحب است - و خواندن این تسبیحات
 صد مرتبه در این شب مستحب است سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ
 لِلَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ خداوند گناهان اورا بیامزد
 و حاجت های اورا بر میآورد - خواندن نماز جعفر در این شب مستحب است
 و نمازهای خدی در این شب وارد شده که خواندن آن مستحب است
 از آن جمله چهار رکعت نماز در هر رکعت حمد یک مرتبه و قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ
 صَدْرَ مَرْتَبَةٍ و بعد از فراغت از نماز میگوید اللَّهُمَّ إِنِّي إِلَيْكَ فَقِيرٌ وَمِنْ
 عَذَابِكَ خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ اللَّهُمَّ لَا تُبَدِّلْ اسْمِي وَلَا تُغَيِّرْ
 جِسْمِي وَلَا تُجْهِدْ بِلَائِي وَلَا تُشِمِتْ بِي أَعْدَائِي أَعُوذُ
 بِعَفْوِكَ مِنْ عِقَابِكَ وَأَعُوذُ بِرَحْمَتِكَ مِنْ عَذَابِكَ وَأَعُوذُ
 بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْكَ جَلَّ شَأْنُكَ أَنْتَ

كَمَا أَثْنَيْتَ عَلَى نَفْسِكَ وَفَوْقَ مَا يَقُولُ الْقَائِلُونَ - درین
 شب است که اُمّ المؤمنین عایشه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را
 دید و سجده است مانند جامه که جسدیده شده است بر زمین و می خواند
 سَجْدَ لَكَ سَوَادِي وَخِيَالِي وَآمَنَ بِكَ قَوَادِي هَذِهِ يَدَايِ
 وَمَا جَنَيْتُهُ عَلَى نَفْسِي يَا عَظِيمًا تُرْجَى لِكُلِّ عَظِيمٍ اغْفِرْ
 لِي الْعَظِيمَ فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ إِلَّا الرَّبُّ
 الْعَظِيمُ پس بلند کرد و سر خود را و دوباره سر سجده گذاشت و خوا
 اَعُوذُ بِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي أَضَاءَتْ لَهُ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُونَ
 وَأُنْكَشَفَتْ لَهُ الظُّلُمَاتُ وَصَلَحَ عَلَيْهِ أَمْرُ الْآلِ الْوَلِيِّينَ
 وَالْآخِرِينَ مِنْ فَجَاءَةِ نِقْمَتِكَ وَمِنْ حَوِيلِ عَافِيَتِكَ وَمِنْ
 نَرْوَالِ نِعْمَتِكَ اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي قَلْبًا تَقِيًّا نَقِيًّا وَمِنْ
 الشَّرِكِ بَرِيًّا لَا كَافِرًا وَلَا شَقِيًّا پس برخاک نهاد و دو طرف
 روی خود را و گفت عَفَرْتُ وَجْهِي فِي التُّرَابِ وَحَقِّي لِي أَنْ
 أَسْجُدَ لَكَ پس رسول خدا ص بعایشه فرمود در این شب نوشته
 میشود روزیها و نوشته میشود اجلها و روزندگان پنج و میامرز و خدا درین

شب از خلق بیشتر از عدد موی قبیله کلب و میفرستد خدای تعالی
 ملائکه خود را از آسمان بسوی زمین در که - و روز پانزدهم روز مبارک است
 زیارت امام غائب علیه السلام دارد شده است و بخواند دعای ندبه را در این
 روز که مجلسی در زاد المعاد آن را نقل نموده و گرفتن روزه سه روز آخر ماه شعبان
 که متصل بماه رمضان شود ثواب روزه دو ماه متوالی دارد و بروایت
 حضرت امام رضا علیه السلام که بابی القصلت هرودی در جمعه آخر ماه شعبان
 فرمود بسیار خواندن این دعا در بقیه این ماه مستحب است اللَّهُمَّ إِن لَّمْ
 تَكُنْ غَفْرَتَ لَنَا فِيمَا مَضَى مِنْ شَعْبَانَ فَاعْفِرْ لَنَا فِيمَا بَقِيَ مِنْهُ
 بدستیکه حق تعالی در این ماه آزاد میگرداند بندای بسیار از آتش جهنم برای
 حرمت ماه مبارک رمضان

ماه رمضان المبارک

غفلت آن نسبت بماههای دیگر بیشتر و احترام آن بزرگتر است روزه
 آن در دوم ماه شعبان سال دوم هجری واجب گردید آیة شریفه کُتِبَ
 عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ فَرَوَ اَنَّ مُسْلِمَانِ
 متی برای روزه آن شدند در شب اول ماه رمضان المبارک صحف ابراهیم

و در شب ششم تورات و در شب شانزدهم انجیل و در شب بیست و چهارم آن
قرآن فرود آمد. و در روایت دیگر است که پس از گذشتن بیست و هشت روز ازین ماه
زبور و او و نازل شد

روز سوم ماه رمضان المبارک ۲۰^{هـ} هجری نامون (هفتمین خلیفه عباسی)
حضرت امام رضا علیه السلام را مجبور بولایت عهد نمود لباس سبز را شعار
گروانید سکه بنام آنحضرت زد و خطبه بنام جنابش خواندند در دهم ماه
سال قبل از هجرت خدیجه کبری در مکه وفات نمود و در حجون مدفون گردید
این سیده بزرگ خدمتها با سلام نمود جان فشانیها کرد و از هستی خود
در این راه گذشت پس یاد نمودن وی در این ماه مبارک بنماز و قرآن و دعا
و غیره موجب اجر و ثواب و اداء حقوق میباشد. در سه شنبه یازدهم
ماه سال دوم هجرت ولادت امام حسن علیه السلام در مدینه طیبه واقع
گردید در شب ولادت آنحضرت برای تعظیم شعائر الله بربو شنائی خود
افزوده و کودکان را بمقام آنحضرت آشنانماید. روز هفدهم ماه ۲۰^{هـ}
هجری جنگ بدر واقع شد و مسلمانان بفتح عظمی مفتخر شدند روز بیستم ماه
سال هشتم هجری رسول خدا ص بدون جنگ گم مظلوم رافع نمود و اسلام

در جزیره العرب انتشار یافت چون رسول خدا ص بکند درآمد و اردو کعبه شد
 نماز خواند صورتهای انبیاء را که در آن نقش نموده بودند محو نمود و فرمود
 قَاتِلِ اللّٰهُ قَوْمًا يَصُوِّرُونَ مَا لَا يَخْلُقُونَ چون بیرون آمد
 حلقه درب کعبه را گرفت و خطابه خواند در ضمن فرمود ای مردم شما را آدم و آدم
 از خاک است گرامی ترین شما نزد خدا پرستیزگارترین شما است در روایت
 دیگر است میفرماید هیچ برتری برای عرب بر عجم و نه برای سفید است بر سیاه
استهلال - و اعمال شب اول ماه

در شب اول ماه مبارک رمضان سخت است و قول بوجوب
 وارد امام صادق علیه السلام فرمود چون هلال ماه رمضان المبارک دیدی
 بانگشتان خود با شاره بان نما و لکن متوجه بقبله شود دستهای خود را
 بسوی آسمان بلند کن و خطاب بهلال نموده و بگو رَبِّی وَرَبُّكَ اللّٰهُ
 رَبُّ الْعَالَمِیْنَ اَللّٰهُمَّ اِهْلَا عَلَیْنَا بِالْاَمْنِ وَالْاِیْمَانِ
 وَالسَّلَامَةِ وَالْاِسْلَامِ وَالْمُسَارَعَةِ اِلَى مَا تُحِبُّ وَرَضِیَ اللّٰهُمَّ
 بِاَمْرِكَ لَنَا فِی شَهْرِ نَاهِدَا وَارْزُقْنَا خَیْرَةً وَعَوْنَةً وَاصْرِفْ عَنَّا
 ضَرَّهُ وَشَرَّهُ وَبَلَاءَهُ وَفِتْنَتَهُ - و از واجبات در هر شب تا قبل از

صبح صادق باید غبت واقع شود. و اگر شب اول نیت کند و در هر شب تجدید کند
 بهتر است و هرگاه نیت را فراموش نمود تا قبل از ظهر اگر ببادش نیت کند صحیح است
 و مسافر اگر قبل از ظهر حاضر شود و مفطری نیاورده نیت روزه نماید و هرگاه بعد
 از ظهر حاضر شود قضاء آن روز واجب است. و شب اول ماه غسل استحباب
 است و سبب حفظ از غارش است تا ماه رمضان آینده و نیز وارد است
 که در آب جاری غسل نموده و (۳۰) کف آب بر سر ریزد با طهارت
 معنوی تا ماه رمضان آینده خواهد ماند. و نیز زیارت امام حسین علیه السلام
 در آن شب مستحب است سبب رنجته شدن گناہان است و ثواب حج و عمره
 آن سال را دریابد و بعد از نماز مغرب شب اول این دعا را که از حضرت امام
 جواد علیه السلام وارد گردیده بخواند اللَّهُمَّ يَا مَنْ يَمْلِكُ التَّدْبِيرَ
 وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ يَا مَنْ يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي
 الصُّدُورُ وَرَوْحُكَ الضَّمِيرُ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا
 مِنْ نَوَى فَعَمَلٍ وَلَا تَجْعَلْنَا مِنْ شَقَى فَكَسَلٍ وَلَا مِنْ هَوَى عَلَى
 غَيْرِ عَمَلٍ يَتَكَلَّلُ اللَّهُمَّ صَبِّحْ أَبَدَانَنَا مِنَ الْعِلَلِ وَأَعْيُنَنَا عَلَى
 مَا اقْتَرَضْتَ عَلَيْنَا مِنَ الْعَمَلِ حَتَّى يَنْقُضِيَ عَنَّا شَهْرُكَ هَذَا

وَقَدْ آدَيْنَا مَفْرُوضَكَ فِيهِ عَلَيْنَا اللَّهُمَّ أَعِنَّا عَلَى صِيَامِهِ وَفِقْنَا
 لِقِيَامِهِ وَنَشْطِنَا فِيهِ لِلصَّلَاةِ وَلَا تَحْجُبْنَا مِنَ الْقِرَاءَةِ وَسَهِّلْ
 لَنَا فِيهِ إِيْتَاءَ الزَّكَاةِ اللَّهُمَّ لَا تُسَلِّطْ عَلَيْنَا وَصَبًا وَلَا تَعْبًا
 وَلَا سَقَمًا وَلَا عَطَبًا اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا الْإِفْطَارَ مِنْ رِزْقِكَ
 الْحَلَالِ اللَّهُمَّ سَهِّلْ لَنَا فِيهِ مَا قَسَمْتَهُ مِنْ رِزْقِكَ وَبَسِّرْ
 مَا قَدَّرْتَهُ مِنْ أَمْرِكَ وَاجْعَلْهُ حَالًا لَا طَيْبًا نَقِيًّا مِنَ الْأَثَامِ
 خَالِصًا مِنَ الْأَصَارِ وَالْأَجْرَامِ اللَّهُمَّ لَا تَطْعِمْنَا إِلَّا طَيْبًا غَيْرَ
 خَبِيثٍ وَلَا حَرَامٍ وَاجْعَلْ رِزْقَكَ لَنَا حَالًا لَا لَا يَشُوبُهُ دَنَسٌ
 وَلَا آسَقَامٌ يَا مَنْ عَلِمَهُ بِالسِّرِّ كَعَلِيهِ بِالْإِعْلَانِ يَا مُتَفَضِّلًا عَلَى
 عِبَادِهِ بِالْإِحْسَانِ يَا مَنْ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَبِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ
 خَيْرُ الْهِمَمِ نَاذِرُكَ وَجَنِّبْنَا عُسْرَكَ وَأَنْلِنَا يُسْرَكَ وَاهْدِنَا
 لِلرَّشَادِ وَوَفِّقْنَا لِلسَّدَادِ وَاعْصِمْنَا مِنَ الْبَلَايَا وَصُنَّا مِنَ
 الْأَوْرَارِ وَالْخَطَايَا يَا مَنْ لَا يَغْفِرُ عَظِيمَ الذُّنُوبِ غَيْرَهُ
 وَلَا يَكْشِفُ الشُّوْءَ إِلَّا هُوَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَآكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ
 صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ وَاجْعَلْ صِيَامَنَا مَقْبُولًا

وَبِالْبِرِّ وَالتَّقْوَى مَوْصُولًا وَكَذَلِكَ فَاجْعَلْ سَعْيًا مَشْكُورًا
وَقِيَامًا مَبْرُورًا وَقُرْءَانًا مَرْقُوعًا وَدُعَاءَنَا مَسْمُوعًا وَاهْدِنَا
لِلْحُسْنَى وَجَنِّبْنَا الْعُسْرَى وَلَيَسِّرْ لَنَا الْيُسْرَى وَأَعِزَّنَا الدَّرَجَاتِ
وَضَاعِفْنَا الْحَسَنَاتِ وَأَقْبِلْ مِنَّا الصَّوْمَ وَالصَّلَاةَ وَاسْمَعْ
مِنَّا الدَّعَوَاتِ وَاعْفِرْ لَنَا الْخَطِيئَاتِ وَتَجَاوَزْ عَمَّا السَّيِّئَاتِ
وَأَجْعَلْنَا مِنَ الْعَامِلِينَ الْفَائِزِينَ وَلَا تَجْعَلْنَا مِنَ الْمَغْضُوبِ
عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ حَتَّى يَنْقُضِيَ شَهْرُ رَمَضَانَ عَنَّا وَقَدْ
قَبِلْتَ فِيهِ صِيَامَنَا وَقِيَامَنَا وَنَزَّكَيْتَ فِيهِ أَعْمَالَنَا وَغَفَرْتَ
فِيهِ ذُنُوبَنَا وَأَجَزَلْتَ فِيهِ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ نَصِيبُنَا فَإِنَّكَ الْإِلَهُ
الْمُجِيبُ وَالرَّبُّ الْقَرِيبُ وَأَنْتَ بِكُلِّ شَيْءٍ مُجِيطٌ وَدَرِّسْ
ابْنَ دَعَارَكَ أَرَامًا صَادِقًا عَلَيْهِ السَّلَامُ رَسِيدَهُ وَدُرِّمَنْغَلِيخَ أَرَا قَبَالَ رَوَاتِ
نُودَهُ نَجْوَانَا اللَّهُمَّ رَبِّ شَهْرِ رَمَضَانَ مُنَزَّلَ الْقُرْآنِ هَذَا شَهْرُ
رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَتْ فِيهِ الْقُرْآنَ وَأُنْزِلَتْ فِيهِ آيَاتُ بَيِّنَاتٍ
مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا صِيَامَهُ وَعِزَّنَا عَلَى قِيَامِهِ
اللَّهُمَّ سَلِّمْهُ لَنَا وَسَلِّمْ نَافِيَهُ وَتَسَلِّمْهُ مِنِّي يُسِّرْ مِنْكَ

وَمَعَا فَافَةٍ وَاجْعَلْ نِيَامًا تَقْضِي وَتُقَدِّرُ مِنَ الْأَمْرِ الْمُخْتَوِّمْ وَفِي مَا
تَفَرِّقُ مِنَ الْأَمْرِ الْحَكِيمِ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ مِنَ الْقَضَاءِ الَّذِي لَا
يُرَدُّ وَلَا يُبَدَّلُ أَنْ تَكْتُبَنِي مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ الْمَبْرُورِ
حُجَّتِهِمُ الْمَشْكُورِ سَعِيهِمُ الْمَغْفُورِ ذُنُوبِهِمُ الْمَكْفَرِ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ
وَاجْعَلْ فِي مَا تَقْضِي وَتُقَدِّرُ أَنْ تُطِيلَ لِي فِي عُمْرِي وَتُوسِّعَ عَلَيَّ
مِنَ الرِّزْقِ الْحَالِلِ - وَخَوَانِدَن دُعَايَ حَمَلٍ وَچهارم صحیفه کامله نیز مستحب
است - و در این شب نیز بخواند اللَّهُمَّ إِنَّهُ قَدْ دَخَلَ شَهْرُ رَمَضَانَ
اللَّهُمَّ رَبَّ شَهْرِ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَتْ فِيهِ الْقُرْآنَ
وَجَعَلْتَهُ بَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ اللَّهُمَّ فَبَارِكْ لَنَا
فِي شَهْرِ رَمَضَانَ وَاعِنَّا عَلَى صِيَامِهِ وَصَلَوَاتِهِ وَتَقَبَّلْهُ مِنَّا
و در شب اول رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم این دعا را می خواند
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَكْرَمَنَا بِكَ أَيُّهَا الشَّهْرُ الْمُبَارَكُ اللَّهُمَّ فَقِّمْنَا
عَلَى صِيَامِنَا وَقِيَامِنَا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ
اللَّهُمَّ أَنْتَ الْوَاحِدُ فَلَا وَلَدَ لَكَ وَأَنْتَ الصَّمَدُ فَلَا شِبْهَ لَكَ
وَأَنْتَ الْعَزِيزُ فَلَا يُعْزِزُكَ شَيْءٌ وَأَنْتَ الْغَنِيُّ وَأَنَا الْفَقِيرُ وَأَنْتَ

الْمَوْلَىٰ وَأَنَا الْعَبْدُ وَأَنْتَ الْغَفُورُ وَأَنَا الْمَذْنِبُ وَأَنْتَ الرَّحِيمُ وَأَنَا
 الْمُخْطِئُ وَأَنْتَ الْخَالِقُ وَأَنَا الْمَخْلُوقُ وَأَنْتَ الْحَيُّ وَأَنَا الْمَيِّتُ
 أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ أَنْ تَغْفِرَ لِي وَتَرْحَمَنِي وَتَجَارَ عَنِّي إِنَّكَ عَلَىٰ
 كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ و در ذرا اول ماه غسل مستحب است و غسل و داب جاری
 و ریختن (شستنی) کف آب بر سر سبب ایمنی از جمیع درو با و بیماریهای تمام سال
 است و ریختن کفی از گلاب بر چهره در آن روز سبب دور شدن پریشانی
 و خارش است و هرگاه قدری گلاب بر سر ریخته شود در آن سال از سر سالم
 محفوظ بماند ان شاء الله تعالی و دو رکعت نماز اول ماه را که در ص ۲۸۲ این کتاب
 آمده بخواند و تصدق برای سلامتی ماه کند و کسی که روز اول ماه رمضان دو رکعت
 نماز بخواند رکعت اول بعد از حمد انا فتحنا و در دوم بعد از حمد هر سوره که بخواند بخواند
 جمیع بدیهای آن سال از او دور شود و در حفظ خدا بپاشد تا سال آینده
 ان شاء الله تعالی و بعد از طلوع فجر روز اول ماه رمضان بخواند اللَّهُمَّ قَدْ حَضَرَ
 شَهْرُ رَمَضَانَ وَقَدْ افْتَرَضْتَ عَلَيْنَا صِيَامَهُ وَاتَزَلَتْ فِيهِ الْقُرْآنُ
 هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ اللَّهُمَّ ارْعِنَا
 عَلَى صِيَامِهِ وَتَقَبَّلْهُ مِنَّا وَتَسَلِّمْهُ مِنَّا وَسَلِّمْهُ لَنَا فِي يُسْرِ

مِنْكَ وَعَافِيَةٌ لَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

و باید روزه دار کوشش کند که تمامی اعضای وی بهره از روزه گیرند چشم
و گوش و زبان و دل و سایر قسمتهای بدن را از محرمات نگاه دارد و جناب
امیر المؤمنین علیه السلام فرمود چه بسیار روزه دار است که بهره از روزه ندارد مگر
تشنگی و کرسنگی و چه بسیار عبادت کننده که نیست او را بهره از عبادت مگر
خستگی پس ای عزیز چشم خود را از حرام و زبان خود را از غیبت و سایر گفتارهای بد
و گوش را از آنچه شایسته نیست نگه دار روزه خود را بطور خلوص به پایان رسان و قسمتی
از اوقات خود را با استغفار و ذکر و خواندن قرآن بگذران - پیغمبر اکرم ص فرمود خواندن
یک آیه قرآن در این ماه ثواب خواندن یک ختم قرآن را دارد که در ماههای دیگر خوانده
شود - مستحب است هر سه روز یک ختم بخواند و اگر ممکن شود روزی یک ختم بخواند بهتر
است - در موقع قرائت ترتیل تدبر در آیات و صحبت عبارات را منظور دارد - و اگر نتواند
بخواند گوش بقرائت دیگران دهد تا ثواب آن برسد - در این ماه مبارک گذشتگان خود را یاد کند
قرآن برای آنان و صاحبان حق و ائمه عظیم السلام بخواند البته ثواب آن بسیار خواهد بود و در
خواهد آمد که ما نیز با انتظار خیرات دیگران خواهیم که سانی که قرآن را ندانند گوش کنند قرآن را یاد گیرند
اگر چه چمن سال باشند تا که شفاعت قرآن مایل گردند ان شاء الله تعالی

احکام افطار و سحر

مستحب است که بعد از نماز شام افطار نمودن مگر آنکه کسی در انتظار

باشد و یا آنکه ناتوان باشد و مستحب است بخرد و یا بخلد و آب و یا

آب گرم و یا رطب افطار نماید و در وقت افطار سوره انا انزلناه

بخواند و بگوید اللَّهُمَّ لَكَ صُمْتُ وَعَلَى رِزْقِكَ أَفْطَرْتُ

وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ تَاخُذَ عَطَاكَ بِأَوْثَابٍ وَهَر كَسَى رَاكَ دَرَايِن رُوزِ رُوزِ

داشتند - و در روایت دیگر است که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام

افطار نموده و میگفت بِسْمِ اللَّهِ اللَّهُمَّ لَكَ صُمْنَا وَعَلَى رِزْقِكَ أَفْطَرْنَا

فَتَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ و در لقمه اول گوید بِسْمِ

اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ اغْفِرْ لِي تَاخُذَ أَوْرَا

بیامزد - و مستحب است خواندن سوره انا انزلناه - و در وقت

افطار تصدق کند و افطار دهد روزه داران را اگر چه بچند عدد خرما یا

شربت یا از آب باشد - و خوردن سحری اگر چه آشامیدن آب یا

خوردن خرما باشد ترك نشود چه حق تعالی شأنه را ملائکه بر سحری خوردگان

درود میفرستند و در وقت سحر خواندن انا انزلناه ثواب بسیار دارد -

اعمال شبها و سحر ماه رمضان المبارک

مستحب است که در هر شب ماه رمضان المبارک این دعا را بخواند

که موجب آمرزش گناهان چهل ساله است اللَّهُمَّ رَبِّ شَهْرِ
رَمَضَانَ الَّذِي أَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْآنَ وَافْتَرَضْتَ عَلَى
عِبَادِكَ فِيهِ الصِّيَامَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَأَرْزُقْنِي حُجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ فِي عَامِي هَذَا وَفِي كُلِّ عَامٍ
وَأَغْفِرْ لِي تِلْكَ الذُّنُوبَ الْعِظَامَ فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُهَا غَيْرُكَ
يَا رَحْمَنُ يَا عَلَّامُ - و دعاى افتتاح را که بهترين دعايست که در شبها

ماه رمضان المبارک از امام غائب عجل الله تعالى فرجه سيده بخواند
اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغِيثُكَ بِمُحَمَّدٍ وَأَنْتَ مُسَدِّدُ لِلصَّوَابِ
بِمَنِّكَ وَأَيَقُنْتُ أَنَّكَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ فِي مَوْضِعِ الْعَفْوِ
وَالرَّحْمَةِ وَأَشَدُّ الْمُعَاقِبِينَ فِي مَوْضِعِ النِّكَالِ وَالنَّقِمَةِ
وَأَعْظَمُ الْمُتَجَبِّرِينَ فِي مَوْضِعِ الْكِبْرِيَاءِ وَالْعِظَمَةِ اللَّهُمَّ
أَذِنْتَ لِي فِي دُعَائِكَ وَمَسْئَلَتِكَ فَاسْمَعْ يَا سَمِيعُ مِدْحَتِي
وَأَجِبْ يَا رَحِيمُ دَعْوَتِي وَأَقِلْ يَا غَفُورُ عَثْرَتِي فَكَمْ يَا إِلَهِي

مِنْ كُرْبَةٍ قَدْ فَرَّجَتْهَا وَهَمُومٍ قَدْ كَشَفَتْهَا وَعَثْرَةٍ قَدْ أَقْلَتْهَا
 وَرَحْمَةٍ قَدْ نَشَرَتْهَا وَحَلَقَةٍ بَلَاءٍ قَدْ فَكَّكَهَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
 لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ
 وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبِيرًا الْحَمْدُ لِلَّهِ بِجَمِيعِ
 تَحَامِيدِهِ كُلِّهَا عَلَى جَمِيعِ نِعَمِهِ كُلِّهَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا
 مُضَادَّ لَهُ فِي مُلْكِهِ وَلَا مُنَازِعَ لَهُ فِي أَمْرِهِ الْحَمْدُ لِلَّهِ
 الَّذِي لَا شَرِيكَ لَهُ فِي خَلْقِهِ وَلَا شَبِيهَ لَهُ فِي عَظَمَتِهِ
 الْحَمْدُ لِلَّهِ الْفَاشِي فِي الْخَلْقِ أَمْرُهُ وَحَمْدُهُ الظَّاهِرُ
 بِالْكَرَمِ مَجْدُهُ الْبَاسِطُ بِالْجُودِ يَدُهُ الَّذِي لَا تَنْقُصُ خَزَائِنُهُ
 وَلَا تَزِيدُهُ كَثْرَةُ الْعَطَاءِ الْإِجْوَدُ أَوْ كَرَمًا إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ
 الْوَهَّابُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ قَلِيلًا مِنْ كَثِيرٍ مَعَ حَاجَةٍ
 بِي إِلَيْهِ عَظِيمَةٍ وَرَغْنًاكَ عَنْهُ قَدِيمٌ وَهُوَ عِنْدِي كَثِيرٌ
 وَهُوَ عَلَيْكَ سَهْلٌ يَسِيرُ اللَّهُمَّ إِنَّ عَفْوَكَ عَنْ ذُنُوبِي
 وَتَجَاوُزَكَ عَنْ خَطِيئَتِي وَصَفْحَكَ عَنْ ظُلْمِي وَسِتْرَكَ عَلَيَّ
 قَبِيحِ عَمَلِي وَحِلْمَكَ عَنْ كَثِيرِ جُرْمِي عِنْدَ مَا كَانَ مِنْ خَطَايَا

وَعَمْدِي أَطْعَمَنِي فِي أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَا اسْتَوْجِبُهُ مِنْكَ
الَّذِي زَرَقَنِي مِنْ رَحْمَتِكَ وَأَرَيْتَنِي مِنْ قُدْرَتِكَ وَعَرَفْتَنِي
مِنْ إِجَابَتِكَ فَصِرْتُ أَدْعُوكَ أَمِنًا وَأَسْأَلُكَ مُسْتَأْنِسًا لَا
خَائِفًا وَلَا وَجَلًا مَدًّا لَكَ عَلَيْكَ فِيمَا قَصَدْتُ فِيهِ إِلَيْكَ فَإِنْ
أَبْطَاعَنِي عَتَبْتُ بِجَهْلِي عَلَيْكَ وَلَعَلَّ الَّذِي أَبْطَاعَنِي هُوَ
خَيْرٌ لِي لِعِلْمِكَ بِعَاقِبَةِ الْأُمُورِ فَلَمْ أَرْمَوْهُ كَرِيمًا أَصْبَرَ
عَلَى عَبْدٍ لَيْسَ مِنْكَ عَلَيَّ يَا رَبِّ إِنَّكَ تَدْعُونِي فَأَرْبِي عَنْكَ
وَتَحَبُّبُ إِلَيَّ فَاتَّبِعْضُ إِلَيْكَ وَتَتَوَدَّدْ إِلَيَّ فَلَا أَقْبَلُ مِنْكَ كَانَ
لِي التَّطَوُّلُ عَلَيْكَ فَلَمْ يَمْنَعْكَ ذَلِكَ مِنَ الرَّحْمَةِ لِي وَالْإِحْسَانِ
إِلَيَّ وَالْتَفَضُّلِ عَلَيَّ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ فَارْحَمْ عَبْدَكَ الْجَاهِلَ وَجَدُّ
عَلَيْهِ بِفَضْلِ إِحْسَانِكَ إِنَّكَ جَوَادُ كَرِيمُ الْحَمْدُ لِلَّهِ مَا لَكَ
الْمَلِكُ مُجْرَى الْفُلْكِ مُسَيَّرُ الرِّيحِ قَالِقُ الْإِصْبَاحِ دَيَّانُ الدِّينِ
رَبُّ الْعَالَمِينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى جَلِّهِ بَعْدَ عَلَيْهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ
عَلَى عَفْوِهِ بَعْدَ قُدْرَتِهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى طَوْلِ أَنْاقَتِهِ فِي
غَضَبِهِ وَهُوَ قَادِرٌ عَلَى مَا يُرِيدُ الْحَمْدُ لِلَّهِ خَالِقِ الْخَلْقِ بِاسِطِ

الرِّزْقِ فَالِقِ الْإِصْبَاحِ ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وَالْفَضْلِ وَالْإِنْعَامِ
 الَّذِي بَعْدَ فَلَا يُرَى وَقَرِيبَ فَشْهَدِ الْجَنُودِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى
 الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَيْسَ لَهُ مُنَازِعٌ يُعَادِلُهُ وَلَا شَبِيهٌ يُشَاكِلُهُ
 وَلَا ظَهِيرٌ يُعَاوِدُهُ قَهَرُ بَعِزَّتِهِ الْأَعَزَّاءِ وَتَوَاضَعُ لِعَظَمَتِهِ
 الْعُظَمَاءُ قَبْلَ بَلْغِ قُدْرَتِهِ مَا يَشَاءُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُخَيِّفُنِي
 حِينَ أُنَادِيهِ وَيُسِّرُّ عَلَيَّ كُلَّ عِوَرَةٍ وَأَنَا أَغْصِيهِ وَيُعْظِمُ
 النِّعَمَةَ عَلَيَّ فَلَا أَجَازِيهِ فَكَمْ مِنْ مُوْهِبَةٍ هَنِيئَةٍ قَدْ
 وَعَظِيمَةٍ مَخُوفَةٍ قَدْ كَفَانِي وَبَهْجَةٍ مُوْنِقَةٍ قَدْ أَرَانِي فَائِزَةٍ
 عَلَيْهِ حَامِدًا وَآذْكُرُهُ مُسَبِّحًا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يُهْتَكُ
 حِجَابُهُ وَلَا يُغْلَقُ بَابُهُ وَلَا يَرُدُّ سَائِلُهُ وَلَا يَخْتَبُ أَمَلُهُ الْحَمْدُ
 لِلَّهِ الَّذِي يُؤْمِنُ الْخَائِفِينَ وَيُنْجِي الصَّالِحِينَ وَيَرْفَعُ
 الْمُسْتَضْعِفِينَ وَيَضَعُ الْمُسْتَكْبِرِينَ وَيُهْلِكُ مُلُوكًا
 وَيَسْتَخْلِفُ آخَرِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ قَاصِمِ الْجَبَّارِينَ مُبِيرِ الظَّالِمِينَ
 مُدْرِكِ الْهَارِبِينَ نَكَالِ الظَّالِمِينَ صَرِيحِ الْمُسْتَضْرِحِينَ
 مُوَضِّعِ حَاجَاتِ الظَّالِمِينَ مُعْتَمِدِ الْمُؤْمِنِينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ

الَّذِي مِنْ خَشْيَتِهِ تُرْعَدُ السَّمَاوُ وَتُسَكَّنُهَا وَتَرْجُفُ
الْأَرْضُ وَعِمَارُهَا وَتَمُوجُ الْبَحَارُ وَمَنْ يَسْبَحُ فِي غَمَرَاتِهَا
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ
هَدَانَا اللَّهُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يَخْلُقُ وَلَمْ يَخْلُقْ وَيَرْزُقْ
وَلَا يَرْزُقْ وَيُطْعِمُ وَلَا يُطْعَمُ وَمَيِّتُ الْأَحْيَاءُ وَيُحْيِي الْمَوْتَى
وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَآمِينَكَ
وَصَفِيِّكَ وَحَبِيبِكَ وَخَيْرِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَحَافِظِ سِرِّكَ
وَمُبْلِغِ رِسَالَاتِكَ أَفْضَلَ وَأَحْسَنَ وَأَجْمَلَ وَأَكْمَلَ وَازِلِ
وَانْحَى وَأَطْيَبَ وَأَطْهَرَ وَأَسْنَى وَأَكْثَرَمَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ
وَرَحَّمْتَ وَتَحَنَّنْتَ وَسَلَّمْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ عِبَادِكَ
وَأَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَصَفْوَتِكَ وَأَهْلِ الْكَرَامَةِ عَلَيْكَ
مِنْ خَلْقِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَصِيِّ
رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ عَبْدِكَ وَوَلِيِّكَ وَآخِي رَسُولِكَ
وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ وَأَيَّتِكَ الْكُبْرَى وَالنَّبَا الْعَظِيمَ

وَصَلِّ عَلَى الصِّدِّيقَةِ الطَّاهِرَةِ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ
وَصَلِّ عَلَى سِبْطِي الرَّحْمَةِ وَإِمَامِي الْهُدَى الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ
سَيِّدَي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَصَلِّ عَلَى أَيْمَةِ الْمُسْلِمِينَ
عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَمُوسَى
بْنِ جَعْفَرٍ وَعَلِيِّ بْنِ مُوسَى وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ
وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَالْخَلَفِ الْهَادِي الْمَهْدِيِّ حُجَّجِكَ عَلَى
عِبَادِكَ وَأُمَنَّاؤِكَ فِي بِلَادِكَ صَلَوَةٌ كَثِيرَةٌ دَائِمَةٌ اللَّهُمَّ
وَصَلِّ عَلَى وَلِيِّ أَمْرِكَ الْقَائِمِ الْمُؤَمَّلِ وَالْعَدْلِ الْمُنْتَظَرِ
وَحُفَّةِ بَمَلَايِكِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَأَيْدِهِ بِرُوحِ الْقُدُسِ يَا
رَبَّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ الدَّاعِيَ إِلَى كِتَابِكَ
وَالْقَائِمِ بِدِينِكَ اسْتَخْلِفْهُ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفْتَ
الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِ مَكِّنْ لَهُ دِينَهُ الَّذِي ارْتَضَيْتَهُ لَهُ
أَبَدًا لَهُ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِ آمَنَّا بِعَبْدِكَ لَا يُشْرِكُ بِكَ شَيْئًا
اللَّهُمَّ اعِزَّهُ وَاعِزِّزْ بِهِ وَأَنْصُرْهُ وَأَنْصُرْ بِهِ وَأَنْصُرْهُ نَصْرًا
عَزِيزًا وَافْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًا وَاجْعَلْ لَهُ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا

نَصِيرًا اللَّهُمَّ اظْهِرْ بِهِ دِينَكَ وَسُنَّةَ نَبِيِّكَ حَتَّى لَا
 يَسْتَخْفِيَ بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخَافَةً أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ اللَّهُمَّ
 إِنَّا نَرْغِبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ تُعِزُّ بِهَا الْإِسْلَامَ وَأَهْلَهُ
 وَتُذِلُّ بِهَا النِّفَاقَ وَأَهْلَهُ وَتَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى
 طَاعَتِكَ وَالْقَادَةِ إِلَى سَبِيلِكَ وَتَرْزُقُنَا بِهَا كِرَامَةَ الدُّنْيَا
 وَالْآخِرَةِ اللَّهُمَّ مَا عَرَفْنَا مِنْ الْحَقِّ فَجَعَلْنَاهُ وَمَا قَصُرْنَا عَنْهُ
 فَبَلِّغْنَاهُ اللَّهُمَّ الْمُسْمَى بِهِ شَعَبْنَا وَاشْعَبْ بِهِ صَدْعُنَا
 وَارْتُقْ بِهِ فَتَقْنَا وَكَثِّرْ بِهِ قِلَّتَنَا وَاعِزُّ بِهِ ذِلَّتَنَا وَاعْنِ
 بِهِ عَائِلَتَنَا وَاقْضِ بِهِ عَنْ مُغْرَمِنَا وَاجْبُرْ بِهِ فَقْرَنَا وَسُدِّ
 بِهِ خَلَّتَنَا وَيَسِّرْ بِهِ عُسْرَتَنَا وَبَيِّضْ بِهِ وَجْوهَنَا وَفُكِّ بِهِ
 أَسْرَنَا وَابْحِجْ بِهِ طَلِبَتَنَا وَابْحِرْ بِهِ مَوَاعِيدَنَا وَاسْتَجِبْ
 بِهِ دَعْوَتَنَا وَأَعْطِنَا بِهِ سُؤْلَنَا وَبَلِّغْنَا بِهِ مِنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
 أَمَالَنَا وَأَعْطِنَا بِهِ فَوْقَ رَغْبَتِنَا يَا خَيْرَ الْمُسْتُولِينَ وَأَوْسَعَ
 الْمُعْطِينَ اشفِ بِهِ صَدُّورَنَا وَادْهَبْ بِهِ غَيْظَ قُلُوبِنَا
 وَاهْدِنَا بِهِ لِمَا اخْتَلَفَ فِيهِ مِنَ الْحَقِّ يَا ذِيكَ إِنَّكَ تَهْدِي

مَنْ تَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ وَافْضُرْنَا بِهِ عَلَى عَدُوِّكَ وَعَدُوِّنَا
 إِلَهَ الْحَقِّ أَمِينَ اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقَدْ بَيَّضْنَا صُلُوكَ
 عَلَيْهِ وَإِلَيْهِ وَغَيْبَةَ وَلِيِّنَا وَكَثْرَةَ عَدُوِّنَا وَقِلَّةَ عَدَدِنَا
 وَشِدَّةَ الْفِتَنِ بِنَاوَتِظَاهِرِ الزَّمَانِ عَلَيْنَا فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
 وَإِلَيْهِ وَاعِنَّا عَلَى ذَلِكَ بِفَتْحٍ مِنْكَ تُجَمِّلُهُ وَبِضَرٍّ تَكْشِفُهُ
 وَنَصْرٍ تُعِزُّهُ وَسُلْطَانٍ حَقٍّ تُظْهِرُهُ وَرَحْمَةٍ مِنْكَ تُجَمِّلُنَاهَا
 وَعَافِيَةٍ مِنْكَ تُلَبِّسُنَاهَا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
 وَتَحْتِ اسْتِ دَعَائِيكُمْ بَرَاءِ وَقْتِ سَحَرٍ وَارُودِ شَدِيدِ اسْتِ تَاجَائِيكُمْ مَيُتُونَ

بخوانند مثل دعای ابو حمزه ثمالی که از حضرت امام زین العابدین علیه السلام وارد
 گردیده و نیز دعائیکه از امام محمد باقر علیه السلام وارد شده است بخوانند
 اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ بَهَائِكَ بِأَبْهَاهُ وَكُلِّ بَهَائِكَ
 بِحَيِّ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِبَهَائِكَ كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ
 جَمَالِكَ بِأَجْمَلِهِ وَكُلِّ جَمَالِكَ جَمِيلٍ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِجَمَالِكَ
 كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ جَلَالِكَ بِأَجْلَلِهِ وَكُلِّ جَلَالِكَ جَلِيلٍ
 اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِجَلَالِكَ كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ عَظَمَتِكَ

بِأَعْظَمِهَا وَكُلُّ عَظَمَتِكَ عَظِيمَةٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
 بِعَظَمَتِكَ كُلِّهَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ نُورِكَ بِأَنْوَرِهِ
 وَكُلِّ نُورِكَ نَوِيرٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِنُورِكَ كُلِّهِ
 اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ رَحْمَتِكَ بِأَوْسَعِهَا وَكُلِّ
 رَحْمَتِكَ وَاسِعَةٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ كُلِّهَا
 اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ كَلِمَاتِكَ بِأَتْمَمِّهَا وَكُلِّ كَلِمَاتِكَ
 تَامَّةٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِكَلِمَاتِكَ كُلِّهَا اللَّهُمَّ إِنِّي
 أَسْأَلُكَ مِنْ كَمَالِكَ بِأَكْمَلِهِ وَكُلِّ كَمَالِكَ كَامِلٌ اللَّهُمَّ
 إِنِّي أَسْأَلُكَ بِكَمَالِكَ كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ
 أَسْمَائِكَ بِأَكْبَرِهَا وَكُلِّ أَسْمَائِكَ كَبِيرَةٌ اللَّهُمَّ إِنِّي
 أَسْأَلُكَ بِأَسْمَائِكَ كُلِّهَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ عِزَّتِكَ
 بِأَعَزِّهَا وَكُلِّ عِزَّتِكَ عِزَّةٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ
 كُلِّهَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ مَشِيَّتِكَ بِأَمْضَاهَا
 وَكُلِّ مَشِيَّتِكَ مَاضِيَةٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَشِيَّتِكَ كُلِّهَا
 اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ قُدْرَتِكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتِي اسْتَطَلَّتْ

بِهَاعَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكُلُّ قُدْرَتِكَ مُسْتَطِيلَةٌ اللَّهُمَّ إِنِّي
أَسْأَلُكَ بِقُدْرَتِكَ كُلِّهَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ عِلْمِكَ
بِأَنْفَعِهِ وَكُلِّ عِلْمِكَ نَافِعٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعِلْمِكَ
كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ قَوْلِكَ بِأَرْضَاةٍ وَكُلِّ قَوْلِكَ
رَاضٍ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِقَوْلِكَ كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي
أَسْأَلُكَ مِنْ مَسَائِلِكَ بِأَحَبِّهَا إِلَيْكَ وَكُلِّ مَسَائِلِكَ
إِلَيْكَ حَبِيبَةٍ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَسَائِلِكَ كُلِّهَا
اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ شَرَفِكَ بِأَشْرَفِهِ وَكُلِّ شَرَفِكَ شَرِيفٍ
اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِشَرَفِكَ كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ
سُلْطَانِكَ بِأَدْوَمِهِ وَكُلِّ سُلْطَانِكَ دَائِمٍ اللَّهُمَّ إِنِّي
أَسْأَلُكَ بِسُلْطَانِكَ كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ
مُلْكِكَ بِأَفْخَرِهِ وَكُلِّ مُلْكِكَ فَأَخِرُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
بِمُلْكِكَ كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ عُلُوكَ بِأَعْلَاهُ
وَكُلِّ عُلُوكَ عَالٍ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعُلُوكَ كُلِّهِ
اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ مَنِّكَ بِأَقْدَمِهِ وَكُلِّ مَنِّكَ قَدِيمٍ

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَنِّكَ كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ
 آيَاتِكَ بِأَكْرَمِهَا وَكُلِّ آيَاتِكَ كَرِيمَةً اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
 بِآيَاتِكُ كُلِّهَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَا أَنْتَ فِيهِ مِنَ الشَّانِ
 وَالْجَبَرُوتِ وَأَسْأَلُكَ بِكُلِّ شَأْنٍ وَحْدَهُ وَجَبَرُوتٍ وَحْدَهَا
 اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَا تُحِبُّنِي حِينَ أَسْأَلُكَ فَأَجِبْنِي
 يَا اللَّهُ وَخَوَانِدَن دَعَايَ يَا عُدَّتِي فِي كُرْبَتِي وَيَا صَاحِبِي فِي شِدَّتِي
 وَيَا وَلِيَّيَّ فِي نِعَمَتِي وَيَا غَايَتِي فِي رَغْبَتِي أَنْتَ السَّاتِرُ عَوْرَتِي
 وَالْمُؤَمِّنُ رَوْعَتِي وَالْمُقِيلُ عَثْرَتِي فَاعْفِرْ لِي خَطِيئَتِي اللَّهُمَّ
 إِنِّي أَسْأَلُكَ خُشُوعَ الْإِيمَانِ قَبْلَ خُشُوعِ الدَّلِّ فِي النَّارِ
 يَا وَاحِدُ يَا أَحَدُ يَا صَمَدُ يَا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ
 كُفُوًا أَحَدٌ يَا مَنْ يُعْطِي مَنْ سَأَلَهُ تَحَنُّنًا مِنْهُ رَحْمَةً
 وَيَتَذَكَّرُ بِالْخَيْرِ مَنْ لَمْ يَسْأَلْهُ تَفَضُّلاً مِنْهُ وَكَرَمًا بِكَرَمِكَ
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَهَبْ لِي رَحْمَةً وَاسِعَةً
 جَامِعَةً أَبْلُغُ بِهَا خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ
 لِمَا تَذَكَّرْتُ إِلَيْكَ مِنْهُ ثُمَّ عُدْتُ فِيهِ وَأَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ خَيْرٍ

أَرَدْتُ بِهِ وَجْهَكَ فَخَالَطَنِي فِيهِ مَا لَيْسَ لَكَ اللَّهُمَّ صَلِّ
 عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاعْفُ عَن ظُلُمِي وَجُرْمي بِجَلِيلِكَ
 وَجُودِكَ يَا كَرِيمُ يَا مَنْ لَا يَحْبِبُ سَائِلُهُ وَلَا يَنْفَعُ نَائِلُهُ يَا مَنْ
 عَلَا فَلَاشَيْءَ فَوْقَهُ وَدَنَى فَلَاشَيْءَ دُونَهُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
 وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْحَمْنِي يَا فَالِقَ الْبَحْرِ لِمُوسَى اللَّيْلَةَ اللَّيْلَةَ
 اللَّيْلَةَ السَّاعَةَ السَّاعَةَ اللَّهُمَّ طَهِّرْ قَلْبِي مِنَ
 النِّفَاقِ وَعَمَلِي مِنَ الرِّيَاءِ وَلِسَانِي مِنَ الْكِذْبِ وَعَيْنِي مِنَ
 الْخِيَانَةِ فَإِنَّكَ تَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ يَا
 رَبِّ هَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ بِكَ مِنَ النَّارِ هَذَا مَقَامُ الْمُسْتَجِيرِ
 بِكَ مِنَ النَّارِ هَذَا مَقَامُ الْمُسْتَغِيثِ بِكَ مِنَ النَّارِ هَذَا مَقَامُ
 الْهَارِبِ إِلَيْكَ مِنَ النَّارِ هَذَا مَقَامُ مَنْ يَبُوءُ لَكَ بِخَطِيئَتِهِ
 وَيَعْتَرِفُ بِذَنْبِهِ وَيَتُوبُ إِلَى رَبِّهِ هَذَا مَقَامُ الْبَائِسِ الْفَقِيرِ
 هَذَا مَقَامُ الْخَائِفِ الْمُسْتَجِيرِ هَذَا مَقَامُ الْخَزُونِ الْمَكْرُوبِ
 هَذَا مَقَامُ الْمَغْمُومِ الْمَهْمُومِ هَذَا مَقَامُ الْغَرِيبِ الْغَرِيقِ
 هَذَا مَقَامُ الْمُسْتَوْحِشِ الْفَرِيقِ هَذَا مَقَامُ مَنْ لَا يَجِدُ لِدَنْبِهِ

غَافِرًا غَيْرَكَ وَلَا لِضَعْفِهِ مُقَوِّيًا إِلَّا أَنْتَ وَلَا إِلَهَ مَعَهُ مُفَرِّجًا سَوْأَكَ
 يَا اللَّهُ يَا كَرِيمٌ لَا تُحْرِقْ وَجْهِي بِالنَّارِ بَعْدَ سُجُودِي لَكَ وَتَعْفِيرِي
 بِغَيْرِ مَنِّ مَنِّي عَلَيْكَ بَلْ لَكَ الْحَمْدُ وَالْمَنْ وَالْتَفَضُّلُ عَلَى أَحْمَرِ
 أَيِّ رَبِّ أَيِّ رَبِّ أَيِّ رَبِّ (بگوید تا آنکه نفس قطع شود) ضَعِيفِي
 وَقِلَّةَ حِيلَتِي وَرِقَّةَ جِلْدِي وَتَبَدُّدَ أَوصَالِي وَتَنَاقُضَ لَحْمِي
 وَجِسْمِي وَجَسَدِي وَوَحْدَتِي وَوَحْشَتِي فِي قَبْرِي وَجَزَعِي
 مِنْ صَغِيرِ الْبَلَاءِ أَسْأَلُكَ يَا رَبُّ قُوَّةَ الْعَيْنِ وَالْإِغْتِبَاطَ
 يَوْمَ الْحَسْرَةِ وَالنَّدَامَةِ بَيِّضُ وَجْهِي يَا رَبُّ يَوْمَ تَسْوُدُ فِيهِ
 الْوُجُوهُ أُمْنِي مِنَ الْفَرَجِ الْأَكْبَرِ أَسْأَلُكَ الْبُشْرَى يَوْمَ
 تُقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ وَالْبُشْرَى عِنْدَ فِرَاقِ
 الدُّنْيَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَرْجُوهُ عَوْنًا فِي حَيَاتِي وَأَعِذُّهُ
 ذُخْرًا لِيَوْمِ فَاتَتِي الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَدْعُوهُ وَلَا أَدْعُو غَيْرَهُ
 وَلَوْ دَعَوْتُ غَيْرَهُ لَخِيبَ دُعَائِي الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَرْجُوهُ
 وَلَا أَرْجُو غَيْرَهُ وَلَوْ رَجَوْتُ غَيْرَهُ لَأَخْلَفَ رَجَائِي الْحَمْدُ
 لِلَّهِ الْمُنْعِمِ الْمُحْسِنِ الْمُجْمِلِ الْمُفْضِلِ ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ

وَلِيَّ كُلِّ نِعْمَةٍ وَصَاحِبِ كُلِّ حَسَنَةٍ وَمُنْتَهَى كُلِّ رَغْبَةٍ
 وَقَاضِي كُلِّ حَاجَةٍ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
 وَارْزُقْنِي الْيَقِينَ وَحُسْنَ الظَّنِّ بِكَ وَاثْبِتْ رَجَائَكَ فِي
 قَلْبِي وَاقْطَعْ رَجَائِي عَنْ سِوَاكَ حَتَّى لَا أَرْجُو غَيْرَكَ وَلَا
 أَتَقَرُّ إِلَّا بِكَ يَا لَطِيفُ لِمَا يَشَاءُ الطُّفْلُ لِي فِي جَمِيعِهَا حَوَالِي بِمَا
 تُحِبُّ وَتَرْضَى يَا رَبِّ إِنِّي ضَعِيفٌ عَلَى النَّارِ فَلَا تُعَذِّبْنِي بِالنَّارِ
 يَا رَبِّ ارْحَمْ دُعَائِي وَتَضَرُّعِي وَخَوْفِي وَذُلِّي وَمَسْكَنَتِي
 وَتَعْوِذِي وَتَلَوِذِي يَا رَبِّ إِنِّي ضَعِيفٌ عَنْ طَلَبِ الدُّنْيَا
 وَأَمْتٌ وَاسِعُ كَرِيمٌ أَسْأَلُكَ يَا رَبِّ بِقُوَّتِكَ عَلَى ذَلِكَ
 وَقُدْرَتِكَ عَلَيْهِ وَغِنَاكَ عَنْهُ وَحَاجَتِي إِلَيْهِ أَنْ تَرْزُقَنِي
 فِي عَامِي هَذَا وَشَهْرِي هَذَا وَيَوْمِي هَذَا وَسَاعَتِي هَذِهِ
 زَهْرًا تُغْنِينِي بِهِ عَنْ تَكْلِيفِ مَا فِي أَيْدِي النَّاسِ مِنْ
 مِنْ رِزْقِكَ الْخَلَالِ الطَّيِّبِ أَيُّ رَبِّ مِنْكَ أَطْلُبُ وَإِلَيْكَ
 أَرْغَبُ وَإِيَّاكَ أَرْجُو وَأَنْتَ أَهْلُ ذَلِكَ لَا أَرْجُو غَيْرَكَ وَلَا
 أَتَقَرُّ إِلَّا بِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ أَيُّ رَبِّ ظَلَمْتُ نَفْسِي

فَاعْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَعَافِنِي يَا سَامِعَ كُلِّ صَوْتٍ وَيَا جَامِعَ
 كُلِّ قَوْتٍ وَيَا بَارِي النَّفُوسِ بَعْدَ الْمَوْتِ يَا مَنْ لَا تَغْشَاهُ الظُّلُمَاتُ
 وَلَا تَشْتَبِهُهُ عَلَيْهِ الْأَصْوَاتُ وَلَا يَشْغُلُهُ شَيْءٌ عَنْ شَيْءٍ
 آعِطِ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَفْضَلَ مَا سَأَلْتُكَ وَأَفْضَلَ
 مَا سَأَلْتُكَ وَأَفْضَلَ مَا أَنْتَ مُسْتَوِلٌ لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ
 وَهَبْ لِي الْعَافِيَةَ حَتَّى تُهَيِّئَ لِي الْمَعِيشَةَ وَارْحَمْنِي بِخَيْرِ
 حَتَّى لَا تُضُرَّنِي الذُّنُوبُ اللَّهُمَّ رَضِّنِي بِمَا قَسَمْتَ لِي
 حَتَّى لَا أَسْأَلَ أَحَدًا شَيْئًا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ
 مُحَمَّدٍ وَافْتَحْ لِي خَزَائِنَ رَحْمَتِكَ وَارْحَمْنِي رَحْمَةً لَا تُعَذِّبُنِي
 بَعْدَهَا أَبَدًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَارْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ
 الْوَاسِعِ رِزْقًا حَلَالًا طَيِّبًا لَا تُفْقِرُنِي إِلَى أَحَدٍ بَعْدَ سِوَاكَ
 تَرِيدُنِي بِذَلِكَ شُكْرًا وَآلِيكَ فَاقَةً وَفَقْرًا وَبِكَ عَمَّنْ
 سِوَاكَ غِنًا وَتَعَفُّفًا يَا مُحْسِنُ يَا مُجْمِلُ يَا مُنْعِمُ يَا مُفْضِلُ
 يَا مَلِيكَ يَا مُقْتَدِرُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْحَمْنِي
 اللَّهُمَّ كُلَّهُ وَارْضُ لِي بِالْحُسْنَى وَبَارِكْ لِي فِي جَمِيعِ أُمُورِي

وَاقْضِ لِي جَمِيعَ حَوَائِجِي اللَّهُمَّ يَسِّرْ لِي مَا أَخَافُ تَعْسِيرَهُ
 فَإِنْ تَيْسَّرَ مَا أَخَافُ تَعْسِيرَهُ عَلَيْكَ سَهَّلَ يَسِيرَ وَسَهَّلَ
 لِي مَا أَخَافُ حُزُونَتَهُ وَنَفَسَ عَنِّي مَا أَخَافُ ضَيْقَهُ وَكَفَّ
 عَنِّي مَا أَخَافُ هَمَّهُ وَأَصْرَفَ عَنِّي مَا أَخَافُ بَلِيَّتَهُ يَا
 أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ أَمْلَأْ قَلْبِي حُبًّا لَكَ وَخَشْيَةً
 مِنْكَ وَتَصَدِّقًا لَكَ وَإِيمَانًا بِكَ وَفِرْقَانًا مِنْكَ وَشَوْقًا إِلَيْكَ
 يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ اللَّهُمَّ إِنَّ لَكَ حُقُوقًا فَتَصَدَّقْ بِهَا
 عَلَيَّ وَلِلنَّاسِ قَبْلِي تَبِعَاتٌ فَحَمَلَهَا عَنِّي وَقَدْ أَوْجَبْتَ
 لِكُلِّ ضَيْفٍ قَرْنِي وَأَنَا ضَيْفُكَ فَاجْعَلْ قَرَارِي اللَّيْلَةِ الْجَنَّةَ
 يَا وَهَّابَ الْجَنَّةِ يَا وَهَّابَ الْمَغْفِرَةِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ

اعمال روزهای مبارک رمضان

و اما اعمال روزهای ماه رمضان المبارک دعاها نیست که واروشد

از آنجمله است روایت از امام محمد تقی علیه السلام که مستحب است

آنکه بسیار بگوئی در هر وقت از شب در روز ماه رمضان از اول ماه تا آخر

يَا ذَا الَّذِي كَانَ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ ثُمَّ خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ ثُمَّ يَبْقَى

وَيَفْنِي كُلَّ شَيْءٍ يَا ذَا الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ يَا ذَا الَّذِي
لَيْسَ فِي السَّمَوَاتِ الْعُلَى وَلَا فِي الْأَرْضِينَ السُّفْلَى وَلَا
فَوْقَهُنَّ وَلَا تَحْتَهُنَّ وَلَا بَيْنَهُنَّ إِلَهٌ يَعْبُدُ غَيْرُهُ لَكَ
الْحَمْدُ حَمْدًا لَا يَقْوَى عَلَى احْصَائِهِ إِلَّا أَنْتَ فَصَلِّ عَلَى
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلَوةً لَا يَقْوَى عَلَى احْصَائِهَا إِلَّا أَنْتَ

و شیخ کفعمی در مصباح روایت نموده سیکه بخواند این دعا را در هر روز
ماه رمضان می آموزد و خدا گناہان چهل ساله او را اللہم رب شہر
رمضان الذی أنزلت فیہ القرآن و افترضت علی عبادک
فیہ الصیام و ارزقنی حج بیتک الحرام فی ہذا العام
و فی کل عام و اغفر لی الذنوب العظام فانہ لا یغفرها
غیرک یا ذالجلال و الاکرام۔ و در ستمہای ماه رمضان است کہ
در ہر روز صد مرتبہ صلوات فرستد و اگر زیادتر شود فضل است در مفاتیح

از مفتاح شیخ مفید آن را روایت نموده

اعمال لیالی بیض

شب سیزدهم اول لیالی بیض است و غسل در آن مستحب است

و چهار رکعت نماز در آن خواندن مستحب است در هر رکعت یک حمد و سوره
 پنج مرتبه توحید بخواند و خواندن دو رکعت نمازی که در شب ^{۱۳} نوزدهم
 رجب و شعبان خوانده میشود و سابقاً بیان شد و در هر رکعت بعد از حمد
 یس و تبارک الملك و توحید بخواند - و در شب چهاردهم این نماز را
 چهار رکعت بدو سلام بجا آورد - و در شب پانزدهم این نماز را شش
 رکعت دو دور رکعت بجا آورد مخصوصاً شب پانزدهم غسل و زیارت امام
 حسین علیه السلام مستحب است.

فضیلت شبهای قدر

شب نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سوم ماه رمضان شب قدر
 است و عمل در آن بهتر است از هزار ماه عمل که در غیر آن شب واقع شود
 در آن شب است که مقدرات محین میگردد از راق و اجال محتوم میشود
 دعا و نماز در آن شب فوائد بسیار دارد مخصوصاً دعا نمودن برای خود و پدر
 و مادر و برادران و خویشان و وابستگان بلکه برای جامعه اسلامی
 و پیشوایان دین و مذہب را نباید فراموش نمود - بدیهی است که در
 اثر دعا برای خود و دیگران عمر زیاد میشود روزی وسیع میگردد و بلا دور

میشود از شر ظالم محفوظ می ماند پس در آن شب از دعا و نماز و تسبیح
 و خواندن قرآن نباید غفلت نمود در شب قدر است روح که اعظم ملائکه
 است با افواجی از ملک باذن پروردگار بر زمین فرود آیند حمد و ثنای الهی
 را که بندگان کنند می شنوند روز نوزدهم سال چهل و هجری در موقع نماز صبح
 بود که عبدالرحمن بن ملجم مرادی بضرب شمشیر فرق مبارک جناب امیر المومنین
 علی علیه السلام را مجروح نمود در اثر آن ضربه جنابش در شب بیست و یکم
 ماه رمضان وفات نمود صلوات الله و سلامه علیه پس زیارت
 و سوگاری بر آن حضرت و در شب وفات آنحضرت تاریک نمودن منازل
 و دکاکین خود و بوی برای یک دقیقه یا کمتر و سکوت و فکر نمودن در مناجات
 و فضائل آن بزرگوار موجب اجر و ثواب است و از تعظیم شعائر الله بشما
 میرود و بسبب آن فرزندان و کودکان و بی خبران متوجه باین امر مهم میشوند
 اعمال شبهای قدر

بیداری در شبهای قدر و مشغول بودن تسبیح و دعا و نماز سنت
 است و سبب آمرزش گناهان است و در این شبها است که
 باید طلب آمرزش برای پدر و مادر و خویشان و صاحبان حق و پیشوایان

دین و غیره نمود در این شبها است که باید مشغول باذکار و تسبیح و صلوات
 گردید و بذكر پروردگار و لهای خسته را چنانیکه در قرآن است اَلَا بِذِكْرِ
 اللّٰهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ آسایش داده خواهد شد و در این شبها
 است که باید دعای عافیت و عاقبت بخیری نمود و طلب وسعت رزق
 از درگاه حق کرد - خواندن جوشن کبیر در این شبها دارد گردیده مخصوصا
 شب بیست و سوم از دوشب دیگر افضل است و غسل در این شب
 مستحب است علامه مجلسی غسل این شبها را مقارن غروب آفتاب
 بهتر دانسته است و شب بیست و سوم و غسل دارد شده یکی
 اول شب و دیگری آخر شب و از جمله اعمال این شبها است دو رکعت
 نماز که بعد از حمد در هر رکعت هفت مرتبه قُلْ هُوَ اللّٰهُ أَحَدٌ بخواند و بعد از
 فراغ از نماز هفتاد مرتبه اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ وَاَتُوبُ اِلَيْهِ بگوید چه در حد
 نبوی است کسیکه چنین کند قبل از آنکه از جای خود برخیزد خدای تعالی او
 و پدر و مادرش را خواهد آمرزید و صد رکعت نماز هر دو رکعت بیک سلام
 در این سه شب وارد شده است و فضیلت آن بسیار است و آوردن
 نماز قضاء خود و یا والدین و یا دیگری را بجای آن جائز است و مقدم داشتن

واجب برستی اولی است و اگر نتواند قضا و هم صدر کعت مستحقی را بجا آورد
ثواب آن بیشتر خواهد بود

نابوده رنج گنج میسر نمیشود مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد

و از توستل نمودن بقرآن و اهل بیت علیهم السلام در این سه شب نباید

خود داری کرد پس در هر سه شب قرآن مجید را باز نموده و در مقابل چهره گرفته

و بگوید اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِكِتَابِكَ الْمُنْزَلِ وَمَا فِيهِ

وَفِيهِ أَسْأَلُكَ الْأَكْبَرُ وَأَسْأَلُكَ الْحُسْنَى وَمَا يَخَافُ وَيَرْجُو

أَنْ تَجْعَلَ لِي مِنْ عُقَّتِكَ مِنَ النَّارِ تَرْجَمَ پروردگار را بدستیکه سوار

میکند تو را بکتابی که فرو فرستاده شده است (بر پیغمبر ص) تو) و آنچه در آن

است و در آن است بزرگترین نام تو و نامهای نیکوی تو و آنچه سبب ایم

و امید است اینکه مرا قرار دهی از آزاد شدگان از آتش جهنم پس هر

حاجت که خواهد طلب کند آنگاه مصحف را بر سر گذارد و بگوید اللَّهُمَّ جَعَلِي

هَذَا الْقُرْآنَ وَبِحَقِّ مَنْ أَرْسَلْتَهُ بِهِ وَبِحَقِّ كُلِّ مُؤْمِنٍ

مَدْخَتَهُ فِيهِ وَبِحَقِّكَ عَلَيْهِمْ فَلَا أَحَدَ أَعْرِفُ بِحَقِّكَ

مِنْكَ ترجمه پروردگارا تو را (سوگند میدهم) بحق این قرآن و بحق کسیکه

فرستادی اور باین قرآن و بحق ہر مومنی کہ اور امح نمودی در این قرآن
 و تحقیق تو بر آنها داری پس نیست کسی و انا تراز تو بحقیقہ برای تو است
 پس **وَدَّ مَرْتَبَ بگوید بِكَ يَا اللَّهُ** و **وَدَّ مَرْتَبَ بِمُحَمَّدٍ** و **وَدَّ مَرْتَبَ بِعَلِيٍّ**
وَدَّ مَرْتَبَ بِفَاطِمَةَ و **وَدَّ مَرْتَبَ بِالْحَسَنِ** و **وَدَّ مَرْتَبَ بِالْحُسَيْنِ** و **وَدَّ**
مَرْتَبَ بِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ و **وَدَّ مَرْتَبَ بِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ** و **وَدَّ مَرْتَبَ**
بِجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ و **وَدَّ مَرْتَبَ بِمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ** و **وَدَّ مَرْتَبَ**
بِعَلِيِّ بْنِ مُوسَى و **وَدَّ مَرْتَبَ بِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ** و **وَدَّ مَرْتَبَ بِعَلِيِّ بْنِ**
مُحَمَّدٍ و **وَدَّ مَرْتَبَ بِالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ** و **وَدَّ مَرْتَبَ بِالْحُجَّةِ** پس
 ہر حاجت داری طلب کن امید است کہ مستجاب شود ان شاء اللہ تعالیٰ
 زیارت حضرت امام حسین علیہ السلام در این شبہا فضیلت بسیار
 دارد می آموزد خدا ہر کسی را کہ در این شبہا زیارت آنحضرت را نماید و در
 زیارت آنحضرت بگوید **السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ**
عَلَيْكَ يَا بْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ الصِّدِّيقِ
الطَّاهِرَةِ فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ
يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ أَشْهَدُ أَنَّكَ

قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ
 عَنِ الْمُنْكَرِ وَتَلَوْتَ الْكِتَابَ حَقَّ تِلَاوَتِهِ وَجَاهَدْتَ فِي اللَّهِ
 حَقَّ جِهَادِهِ وَصَبَرْتَ عَلَى الْأَذَى فِي جَنْبِهِ مُحْتَسِبًا حَتَّى
 آتَيْكَ الْيَقِينَ أَشْهَدُ أَنَّ الَّذِينَ خَالَفُوكَ وَحَارَبُوكَ وَالَّذِينَ
 خَذَلُوكَ وَالَّذِينَ قَتَلُوكَ مَلْعُونُونَ عَلَى لِسَانِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ
 وَقَدْ خَابَ مِنْ أَفْتَرَى لَعَنَ اللَّهُ الظَّالِمِينَ لَكُمْ مِنْ
 الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَضَاعَفَ عَلَيْهِمُ الْعَذَابَ أَلَيْمَ آتَيْتُكَ
 يَا مُوَلَايَ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ زَائِرًا عَارِفًا بِحَقِّكَ مُوَالِيًا
 لِأَوْلِيَائِكَ مُعَادِيًا لِأَعْدَائِكَ مُسْتَبْصِرًا بِالْهُدَى الدِّينِيَّةِ
 أَنْتَ عَلَيْهِ عَارِفًا بِضَلَالَةِ مَنْ خَالَفَكَ فَاشْفَعْ لِي عِنْدَ رَبِّكَ

پس چنان خود را بر قبر و روی خود را بر آن گذار پس میروی بجانب سر
 مقدس و میگوئی السَّلامُ عَلَیْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ
 وَسَلَامُهُ صَلِّ اللَّهُ عَلَى رُوحِكَ الطَّيِّبِ وَجَسَدِكَ الطَّاهِرِ
 وَعَلَيْكَ السَّلامُ يَا مُوَلَايَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ پس چنان
 خود را بر قبر و بوس آنرا و بگذار صورت خود را بر آن و بگرد بجانب سر پس دو

رکعت نماز زیارت گذار و نماز کن بعد از آن دو رکعت آنچه میسر شود ترا پس از آن
 برو سمت پاو زیارت کن علی بن الحسین علیهما السلام را و بگو السَّلامُ
 عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ وَابْنَ مَوْلَايَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ
 لَعَنَ اللَّهُ مَنْ ظَلَمَكَ وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ وَضَاعَفَ
 عَلَيْهِمُ الْعَذَابَ الْآلِيمُ و دعا کن یا نجی یا نجوای پس زیارت کن شهدا
 را و حالیکه میل کنی از سمت پا بطرف قبا پس بگو السَّلامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا
 الصِّدِّيقُونَ السَّلامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الشُّهَدَاءُ الصَّابِرُونَ
 أَشْهَدُ أَنَّكُمْ جَاهِدْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَصَبَرْتُمْ عَلَى الْآذَى
 فِي جَنْبِ اللَّهِ وَنَصَحْتُمْ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ حَتَّى أَتَاكُمْ الْيَقِينُ
 أَشْهَدُ أَنَّكُمْ أَحْيَاءُ عِنْدَ رَبِّكُمْ تَرْزُقُونَ فَجَزَاكُمْ اللَّهُ عَنِ
 الْإِسْلَامِ وَأَهْلِهِ أَفْضَلَ جَزَاءِ الْمُحْسِنِينَ وَجَمَعَ بَيْنَنَا
 وَبَيْنَكُمْ فِي مَحَلِّ النِّعَمِ پس میروی زیارت عباس بن امیر المؤمنین
 علیهما السلام همینکه رسیدی آنجا و ایستادی نزد آنجناب بگو السَّلامُ
 عَلَيْكَ يَا بْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ
 الْمُطِيعُ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ جَاهَدْتَ وَنَصَحْتَ

وَصَبَرْتُ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ لَعَنَ اللَّهُ الظَّالِمِينَ لَكُمْ
مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَالْحَقُّهُمْ بِدُرُكِ الْحَمْدِ مِنْ نَمَازِ تَطَوُّعٍ
کند در مسجد انجناب هر چه خواهد و بیرون رود ایستد دو رکعت نماز زیارت
ترک نشود - و در این شبها خواندن این دعا وارد است اللَّهُمَّ
إِنِّي أَمْسَيْتُ لَكَ عَبْدًا دَاخِرًا لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي
نَفْعًا وَلَا ضَرًّا وَلَا أَصْرِفُ عَنْهَا سُوءَ الشَّهْدِ بِذَلِكَ
عَلَى نَفْسِي وَأَعْتَرِفُ لَكَ بِضَعْفِ قُوَّتِي وَقِلَّةِ
حِيلَتِي فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَانْجِزْ
لِي مَا وَعَدْتَنِي وَجَمِّعْ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ
مِنَ الْمَغْفِرَةِ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ وَأَقِمِّمْ عَلَيَّ
مَا أَتَيْتَنِي فَإِنِّي عَبْدُكَ الْمُسْكِينُ الْمُسْتَكِينُ
الضَّعِيفُ الْفَقِيرُ الْمُهِنُ اللَّهُمَّ
لَا تَجْعَلْنِي نَاسِيًا لِدُكْرِكَ فِيمَا أَوْلَيْتَنِي
وَلَا لِأَحْسَانِكَ فِيمَا أَعْطَيْتَنِي وَلَا لِإِسَاءَةٍ
مِنْ إِجَابَتِكَ وَإِنْ أَبْطَأَتْ عَنِّي فِي

سَرَّاءَ أَوْ ضَرَّاءَ أَوْ شِدَّةَ أَوْ رَخَاءَ أَوْ عَافِيَةَ أَوْ بِلَاءَ أَوْ بُؤْسَ أَوْ
نَعْمَاءَ إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ وَمُخَوِّصَادِ شَبِّ نَزْدِهِمْ كَشَبِّ قَدْ
أَوَّلَ اسْتَضْمَرْتَهُ اسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ وَتَصَدَّقْ
مَرْتَبَةُ اللَّهِ الْعَنْ قَتْلَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ كَبُودِ وَنَحْوَانِ إِذَا الَّذِي
كَانَ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ ثُمَّ خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ چنانکه در ص ۳۶۹ بیان
شد پس بگوید اللَّهُ أَجْعَلْ فِيمَا تَقْضِي وَتُقَدِّرُ مِنَ الْأَمْرِ
الْمَحْتَمِومِ وَفِيمَا تَفْرُقُ مِنَ الْأَمْرِ الْحَكِيمِ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ
وَفِي الْقَضَاءِ الَّذِي لَا يُرَدُّ وَلَا يُبَدَّلُ أَنْ تَكْتُبَنِي مِنْ
حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ الْمَبْرُورِ حُجَّتُهُمْ الشُّكُورِ سَعِيَّهُمْ
الْمَغْفُورِ ذُنُوبُهُمْ الْمُكَفَّرِ عَنْهُمْ سَيِّئَاتُهُمْ وَاجْعَلْ
فِيمَا تَقْضِي وَتُقَدِّرُ أَنَّ تُطِيلَ عُمُرِي وَتُوسِّعَ عَلَيَّ فِي
رِزْقِي أَنْ وَقْتُ حَاجَتِ خُودِ رَا نَحْوَاهُ - واین دعا را که در شب بیست و یکم
وار و گردیده و از کفعمی نقل شده میخوانی اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَالْحَمْدُ وَاقْسِمْ لِي جِلْمًا يَسُدُّ عَنِّي بَابَ الْجَهْلِ وَهَدِّ
تَمَنُّ بِهِ عَلَيَّ مِنْ كُلِّ ضَلَالَةٍ وَغِنِّي تَسُدُّ بِهِ عَنِّي بَابَ كُلِّ

فَقَرِّ رِقْوَةً تَرُدُّ بِهَا عَنِّي كُلَّ ضَعْفٍ وَعِزًّا تُكْرِمُنِي بِهِ عَنْ كُلِّ
ذُلٍّ وَرِفْعَةً تَرْفَعُنِي بِهَا عَنْ كُلِّ ضَعْفَةٍ وَأَمْنًا تَرُدُّ بِهِ عَنِّي كُلَّ
خَوْفٍ وَعَافِيَةٍ تَسْتُرُنِي بِهَا عَنْ كُلِّ بَلَاءٍ وَعِلْمًا تَفْتَحُ لِي بِهِ
كُلَّ يَقِينٍ وَيَقِينًا تَذْهَبُ بِهِ عَنِّي كُلَّ شَكٍّ وَدُعَاءً
تَبْسُطُنِي بِهِ الْإِجَابَةَ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ وَفِي هَذِهِ السَّاعَةِ
السَّاعَةِ السَّاعَةِ السَّاعَةِ يَا كَرِيمٌ وَخَوْفًا تَنْشُرُنِي بِهِ كُلَّ
رَحْمَةٍ وَعِصْمَةٍ تَحُولُ بِهَا بَيْنِي وَبَيْنَ الذُّنُوبِ حَتَّى أَفْلَحَ
بِهَا عِنْدَ الْمُعْصُومِينَ عِنْدَكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
وَايْنَ دُعَائِهِ وَارْدَا سَتِ يَأْمُوجُ اللَّيْلِ فِي النَّهَارِ وَمُوجُ
النَّهَارِ فِي اللَّيْلِ وَمُخْرِجُ الْحَيِّ مِنَ الْمَيِّتِ وَمُخْرِجُ الْمَيِّتِ
مِنَ الْحَيِّ يَا رَازِقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ
يَا اللَّهُ يَا رَحِيمُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى
وَالْأَمْثَالُ الْعُلْيَا وَالْكَبَرِيَاءُ وَالْأَلَاءُ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ
عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ
فِي السُّعْدَاءِ وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ وَأُحْصَانِي فِي عِلِّيِّينَ

وَأَسْأَلُكَ مَغْفُورَةً وَأَنْ تُهَبَّ لِي يَقِينًا تُبَاشِّرُ بِهِ قَلْبِي
وَأَيْمَانًا يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنِّي وَتَرْضِيَنِي بِمَا قَسَمْتَ لِي رَاتِنَا
فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ
الْحَرِيقِ وَارْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ الْإِثَابَةَ
وَالتَّوْفِيقَ لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَالْمُحَمَّدَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ
وَدَرْ شَبِ بَيْتِ ^{۲۳} وَسُومُ مَخْصُوصًا خَوَانِدَن سُوْرَةُ عَنْكَ بَوْت وروم واروشد
امام صادق ع فرمود کسی که بخواند این دو سوره را در این شب از اهل بهشت
است و خواندن سوره دخان در این شب مستحب است و خواندن
هزار مرتبه سوره انا انزلناه و ارد است و بخواند اللَّهُمَّ اَمْدُدْ لِي
فِي عُمْرِي وَاَوْسِعْ لِي فِي رِزْقِي وَاَصْحَ لِي جِسْمِي وَبَلِّغْنِي
اَمَلِي وَاِنْ كُنْتُ مِنَ الْاَشْقِيَاءِ فَاُخْرِجْنِي مِنَ الْاَشْقِيَاءِ وَاَكْتُبْنِي
مِنَ السَّعْدَاءِ فَاِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ الْمُنْزَلِ عَلٰى نَبِيِّكَ
الرُّسُلِ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ يَخُوَاللهُ مَا يَشَاءُ وَيُشِيتُ
وَعِنْدَهُ اُمُّ الْكِتَابِ وَتَحْتِ است دعای شب بیت ^{۲۳} وَسُومُ
را بخواند يَا رَبِّ لَيْلَةَ الْقَدْرِ وَجَاعِلَهَا خَيْرًا مِنْ اَلْفِ شَهْرِ

وَرَبِّ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْجِبَالِ وَالْبَحَارِ وَالظُّلَمِ وَالْأَنْوَارِ
 وَالْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ يَا بَارِيُّ يَا مُصَوِّرُ يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ يَا
 اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا اللَّهُ يَا قَيُّوْمُ يَا اللَّهُ يَا بَدِيعُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ
 يَا اللَّهُ لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَالْأَمْثَالُ الْعُلْيَا وَالْكِبْرِيَاءُ
 وَالْأَلَاءُ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ
 تَجْعَلَ اسْمِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعْدَاءِ وَرَوْحِي مَعَ
 الشُّهَدَاءِ وَأُحْصِيَني فِي عِلِّيِّينَ وَأَسْأَلُكَ مَغْفُورَةً وَأَنْ تَهَبَ
 لِي يَقِينًا تَبَاشِّرُ بِهِ قَلْبِي وَإِيمَانًا يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنِّي وَرِضًى
 بِمَا قَسَمْتُ لِي وَأَتَيْنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً
 وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ الْخَرِيقِ وَأَرْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ
 وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَالْإِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفِيقَ لِمَا وَفَّقْتَ
 لَهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ دَايِنٌ وَعَاكِلٌ دَرِبُهُ شَبَّازُ رَوْحِ
 أَخُوَاهِ رَمَضَانَ الْمُبَارَكِ أَرْحَضَتْ صَادِقَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَارْدُ كَرِيمِهِ نَجْوَانَهُ
 أَعُوذُ بِجَلَالِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ أَنْ يَنْقُضِيَ عَنِّي شَهْرُ رَمَضَانَ
 أَوْ يَطْلُعَ الْفَجْرُ مِنْ لَيْلَتِي هَذِهِ وَلَكَ قَبْلِي ذَنْبٌ أَوْ تَبِعَةٌ

تَعَذِّبُنِي عَلَيْهِ - وَنِيرِ نَحْوَانِدِ دَعَايِ وَهَمَّ آخِرًا كَمَا دَرَسْتُ مِنْ رَحْمَتِ
صَادِقٍ عَ وَارِدٍ كَرِيمٍ اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا حَقَّ مَا مَضَى مِنْ شَهْرِ
رَمَضَانَ وَارْحَمْنَا بِمَا تَقْصِيرْنَا فِيهِ وَتَسَلَّمْنَا مِنْهُ مَقْبُولًا
وَلَا تُؤَاخِذْنَا بِمَا سَرَفْنَا عَلَى أَنْفُسِنَا وَاجْعَلْنَا مِنَ
الْمُرْحُومِينَ وَلَا تَجْعَلْنَا مِنَ الْمَحْرُومِينَ - وَدَرْشِ بَيْتِ
دَوِّمِ نَحْوَانِدِ يَا سَالِحَ النَّهَارِ مِنَ اللَّيْلِ فَإِذَا احْنُ مُظْلِمُونَ
وَمُجْرِي السَّمْسِ لِمُسْتَقَرِّهَا بِتَقْدِيرِكَ يَا عَزِيزُ يَا عَلِيمُ
وَمُقَدِّرُ الْقَبْرِ مَنْ أَرَادَ حَتَّى عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ يَا نُورَ
كُلِّ نُورٍ وَمُنْتَهَى كُلِّ رَغْبَةٍ وَوَلِيَّ كُلِّ نِعْمَةٍ يَا اللَّهُ يَا
رَحْمَنُ يَا اللَّهُ يَا قُدُّوسُ يَا أَحَدُ يَا وَاحِدُ يَا فَرْدُ يَا اللَّهُ
يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَالْأَمْثَالُ الْعُلْيَا
وَالْكِبَرِيَاءُ وَالْأَلَاءُ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآهِلِ
بَيْتِهِ وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعَدَاءِ
وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ وَأَحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ وَإِسَائَتِي
مَغْفُورَةً وَأَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا تَبَا شَرِيه قَلْبِي وَإِيمَانًا

يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنِّي وَتَرْضِيَنِي بِمَا قَسَمْتَ لِي وَاتِّنَانِي فِي
الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ
الْحَرِيقِ وَأَرْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ
وَالْإِنَابَةَ وَالتَّوْفِيقَ لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ
عَلَيْهِمُ السَّلَامُ - وَرَشَبَ مِيسَتٍ وَجْهَارِمْ أَيْنَ دَعَارِ ابْخَوَانِدِ يَا
فَالِقَ الْإِصْبَاحِ وَجَاعِلَ اللَّيْلِ سَكَنًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ
حُسْبَانًا يَا عَزِيزُ يَا عَلِيمُ يَا ذَا الْمُنِّ وَالطَّلُولِ وَالْقُوَّةِ وَالْحَوْلِ
وَالْفَضْلِ وَالْإِنْعَامِ وَالْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ
يَا اللَّهُ يَا فَرْدُ يَا وَتَرُ يَا اللَّهُ يَا ظَاهِرُ يَا بَاطِنُ يَا حَيُّ لَا إِلَهَ
إِلَّا أَنْتَ لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَالْأَمْثَالُ الْعُلْيَا وَالْكِبَرِيَاءُ
وَالْآلَاءُ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ
تَجْعَلَ أَسْمِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعْدَاءِ وَرُوحِي مَعَ
الشُّهَدَاءِ وَأُحْسِنِي فِي عِلِّيِّينَ وَأَسْأَلُكَ مَغْفُورَةً وَأَنْ
تَهَبَ لِي يَقِينًا تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي وَإِيمَانًا يَذْهِبُ بِالشَّكِّ
عَنِّي وَرِضًى بِمَا قَسَمْتَ لِي وَاتِّنَانِي فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي

الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيقِ وَأَرْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ
 وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَالْإِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفِيقَ لِمَا
 وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ
 وَوَرَشِبَ بِسْمِ اللَّهِ وَنَحْمُكَ يَا دُعَاوَارِ دَوَاسِتِ يَا جَاعِلَ اللَّيْلِ لِبَاسًا
 وَالنَّهَارَ مَعَاشًا وَالْأَرْضَ مَهَادًا وَالْجِبَالَ أَوْتَادًا يَا اللَّهُ يَا
 قَاهِرُ يَا اللَّهُ يَا جَبَّارُ يَا اللَّهُ يَا سَمِيعُ يَا اللَّهُ يَا قَرِيبُ يَا اللَّهُ
 يَا مُحِيبُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى
 وَالْأَمْثَالُ الْعُلْيَا وَالْكِبَرِيَاءُ وَالْأَلَاءُ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ
 عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ
 فِي السُّعْدَاءِ وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ وَأُحْسِنِي فِي عِلِّيِّينَ
 وَأَسْأَلُكَ مَغْفُورَةً وَأَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي
 وَإِيمَانًا يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنِّي وَرِضًى بِمَا قَسَمْتَ لِي وَأَتَيْنَا فِي
 فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ
 الْحَرِيقِ وَأَرْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ
 وَالْإِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفِيقَ لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ

عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَدَرِشَبِ بِسْمِ اللَّهِ وَهُفْتُمْ نِزْ غَسْلٍ وَارِدِ اسْتِ وَایْنِ دَعَا
 اَرْحَضَتْ اِمَامِ زَيْنِ الْعَابِدِیْنَ عَلَیْهِ السَّلَامُ رَوَايَتِ شَدَهْ كِهْ اَزْ اَوَّلِ اَیْنِ
 شَبِ تا اَخِرِ اَنْ مِیْخَوَانْدَنْدِ اَللّٰهُمَّ اَرْزُقْنِیْ التَّجَانِیْ عَنِ دَارِ الْغُرُورِ
 وَالْاِنَابَةِ اِلَى دَارِ الْخُلُودِ وَالْاِسْتِعْدَادَ لِلْمَوْتِ قَبْلَ
 حُلُولِ الْقَوْتِ - رَوْزِ جَمْعَهْ اَخِرِ ماهِ مَبَارَكِ اَیْنِ دَعَا اَزْ جَابِرِ اَزْ رَسُوْلِ خُدا
 صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّم وَارِدِ شَدَهْ كِهْ خَوَانْدَنْ اَنْ مَسْتَحَبِّ اسْتِ -
 رَسُوْلِ خُدا ص قَرْمُوْدِ كِسِیْمَهْ بَخَوَانْدَنْ اَنْ رَا سَبَبِ رَسِیْدَنْ بِمَاهِ رَمَضَانَ اَیْنِدَهْ
 وِیَا اَمْرِشْ وَرَحْمَتِ خُدا اسْتِ اَكْرَارِ دُنْیَا رُوْدِ اَللّٰهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ اَخِرَ
 الْعَهْدِ مِنْ صِيَامِنَا اَيَّاهُ فَاِنْ جَعَلْتَهُ فَاجْعَلْنِیْ مَرْحُوْمًا
 وَلَا تَجْعَلْنِیْ مَحْرُوْمًا - وَدَرِشَبِ اَخِرِ ماهِ رَمَضَانَ غَسْلِ وَزِیَارَتِ اِمَامِ
 حَسَنِ عَلَیْهِ السَّلَامُ وَارِدِ اسْتِ وَتَعْدِ مَرْتَبَهْ اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ وَاَتُوبُ
 اِلَیْهِ بَكْوِیْدِ وَمَسْتَحَبِّ اسْتِ خَوَانْدَنْ سُوْرَهْ النِّعَامِ وَكَهْفِ وِیْسِ -
 وَبَخَوَانْدَنْ اَیْنِ شَبِ دَعَا ثِیْ رَا كِهْ اَزْ اِمَامِ صَادِقِ عَلَیْهِ السَّلَامُ رَوَايَتِ شَدَهْ
 اَللّٰهُمَّ هَذَا شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِیْ اَنْزَلْتَ فِیْهِ الْقُرْآنَ
 وَقَدْ تَصَرَّمْتَ وَاَعُوْذُ بِوَجْهِكَ الْكَرِیْمِ یَا رَبِّ اَنْ یُّطْلَعَ الْفَجْرُ

مِنْ كَيْلَتِي هَذِهِ أَوْ تَصَرَّمْ شَهْرَ رَمَضَانَ وَلَكَ قَبْلِي
تَبِعَةٌ أَوْ ذَنْبٌ تُرِيدُ أَنْ تُعَذِّبَنِي بِهِ يَوْمَ الْقِيَامِ -
و نیز از آنحضرت وارد شد که بخواند اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ
الْعَهْدِ مِنْ صِيَامِي لِشَهْرِ رَمَضَانَ وَأَعُوذُ بِكَ أَنْ
يُطْلَعَ فُجْرُهُ هَذِهِ اللَّيْلَةَ إِلَّا وَقَدْ غَفَرْتَ لِي مِائَةَ مَرَّةٍ

اورا پیش از آنکه صبح کند و روزی نماید اورا توبه و انابه

اعتكاف واحكام آن

مقصود از اعتكاف بسر بردن روزه دار است سه روز یا بیشتر در مسجد

جامع بقسمیکه بیان میشود - اعتكاف در دهه آخر ماه رمضان مستحب است

چنانیکه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و برخی از صحابه همه ساله اعتكاف

مینمودند - و اعتكاف مستحب مؤکد است ولی بنده و عهد و قسم واجب

میشود - و اعتكاف در وقتیکه روزه داران صبح است جایز است و افضل ماه

رمضان است - و افضل آن دهه آخر است - و شرط در اعتكاف بلوغ

عقل و ایمان و خالی بودن از حیض و نفاس و آنکه در مسجد جامع واقع شود

و بهتر آنست که در یکی از چهار مسجد باشد مسجد الحرام و مسجد نبوی، مسجد کوفه

مسجد بصره که در آن جناب امیر المؤمنین علی علیه السلام نماز خوانده و امروز
 مجبور و از شهر دور است - و هرگاه اعتکاف در غیر ماه رمضان واقع شود باید
 معتکف روزه بگیرد و اقل آن سه روز است پس شخص میتواند مکرراً در
 مسجد معتکف شود و باین قسم که سه روز بعنوان اعتکاف نیت نموده و در
 مسجد بماند و روزه بگیرد - و باید معتکف نیت قربت کند و نیت باید قبل
 از فجر واقع شود و نمیتواند در این سه روز از مسجد خارج شود مگر از برای امر
 ضروری و یا قضاء حاجت مؤمن - و در اعتکاف مستحب روز اول و دوم
 میتواند بهم زندولی چون دو روز روزه گرفت و ماند روز سوم را واجباً باید تمام کند

ماه شوال

و همین ماه اسلامی است - شب اول آن شب عید فطر است
 و مستحب است خواندن دعای بلال وقت دیدن ماه - غسل مستحب است
 زیارت امام حسین ع در آن شب فضیلت بسیار دارد و مستحب است
 که بعد از نماز مغرب و عشاء و نماز صبح و نماز عید این تکبیرات خوانده شود :-
 اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ
 اللَّهُ أَكْبَرُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا هَدَانَا

وَلَهُ الشُّكْرُ عَلَى مَا أَوْلَيْنَا وَتَكَرَّرَ أَنْ بَعْدَ نَمَازٍ بِقَدَرِ امْكَانٍ سَجْدَةٍ

است - و سجدت است که پس از نماز مغرب و نافله آن دستخار بلند نمود

و بگوید يَا ذَا الْمَنِّ وَالطُّوْلِ يَا ذَا الْجُودِ يَا مُصْطَفَى مُحَمَّدٍ

و نَاصِرِهِ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاعْفِرْ لِي

كُلَّ ذَنْبٍ أَحْصَيْتَهُ وَهُوَ عِنْدَكَ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ

پس سجده رفته و صد مرتبه بگوید اَتُوبُ إِلَى اللَّهِ آنگاه حاجتهای خود را

از خدا بخواهد انشاء الله برآورده خواهد شد - و در این شب دو رکعت

نماز وارد گردیده رکعت اول بعد از حمد هزار مرتبه قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ

و در رکعت دوم بعد از حمد یک مرتبه قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ بخواند و بعد از

سلام سه سجده نهاده و صد مرتبه بگوید اَتُوبُ إِلَى اللَّهِ آنگاه بگوید

يَا ذَا الْمَنِّ وَالْجُودِ يَا ذَا الْمَنِّ وَالطُّوْلِ يَا مُصْطَفَى مُحَمَّدٍ

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ آنگاه حاجت

خود را از خدا بخواهد - و حدیث است که امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که هر که

این نماز را بجا آورد هر حاجت که از خدا طلب کند بوی عطا خواهد شد انشاء الله تعالی

و در روایت دیگر بجای هزار مرتبه صد مرتبه توحید نیز وارد شده است

پس از ثابت شدن هلال شوال زکوة فطره بر هر مکلف عاقل قادر واجب
 میشود که از طرف خود و هر کس که در عیالات وی داخل میباشد بدو تفصیل
 آن در باب زکوة بیان خواهد شد انشاء الله تعالی

روز اول ماه شوال که عید فطر است روز بسیار مبارکی است و از
 اعیاد بزرگ اسلامی است و روزه آن حرام است غسل در این روز مستحب
 است و وقت آن از فجر صادق است تا وقت نماز عید و کیفیت نماز عید در
 باب نمازهای واجبی بیان گردید و ناممکن است این نماز ترک نشود چه آوردن
 آن یکی از آثار بزرگ اسلامی است و سبب تولید روابط و تقویت اجتماع
 و تظاهر شکوته می است - قبل از رفتن نماز خواندن این دعا مستحب
 است اللَّهُمَّ مَنْ تَهَيَّأَ فِي هَذَا الْيَوْمِ أَوْ تَعَبَّأَ أَوْ أَعَدَّ
 وَاسْتَعَدَّ لِرَفَادَةٍ إِلَى مَخْلُوقٍ رَجَاءَ رِفْدِهِ وَتَوَافَلَ
 وَفَوَاضَلَ وَعَطَايَاهُ فَإِنَّ إِلَيْكَ يَا سَيِّدِي تَهَيَّئْتِي
 وَتَعَبَّئْتِي وَاعْدَدَدِي وَاسْتَعْدَدَدِي رَجَاءَ رِفْدِكَ
 وَجَوَائِزِكَ وَتَوَافِلِكَ وَفَوَاضِلِكَ وَفَضَائِلِكَ وَعَطَايَاكَ
 وَقَدْ غَدَدْتُ إِلَى عِيدٍ مِنْ أَعْيَادِ أُمَّةِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ

صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ وَلَمْ أَفِدْ إِلَيْكَ الْيَوْمَ بِعَمَلٍ صَالِحٍ
 أَتَقِي بِهِ قَدَمَتَهُ وَلَا تَوَجَّهْتُ بِمَخْلُوقٍ أَقْلَتُهُ وَلَكِنْ
 اتَّيْتُكَ خَاضِعًا مُقَرَّبًا بِذُنُوبِي وَإِسَاءَتِي إِلَى نَفْسِي فَيَا
 عَظِيمُ يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ اغْفِرْ لِي الْعَظِيمَ مِنْ ذُنُوبِي فَإِنَّهُ لَا
 يَغْفِرُ الذُّنُوبَ الْعِظَامَ إِلَّا أَنْتَ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ يَا
 أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ودر این روز پوشیدن لباسهای نیکو و پاکیزه
 و خوشبو نمودن خود و سنت میباشد. و مستحب است که پیش از نماز عید
 ناشتا خورده شود و ناشتا شیرینی و یا خرما وارد گردیده. و بعد از نماز
 عید خواندن دعای چهل و ششم صحیفه سجادیه وارد است. و نیز زیارت
 امام حسین علیه السلام در این روز مستحب است. و روزه شش روز
 متوالی بعد از عید مستحب است.

برخی از وقایع تاریخی این ماه

در این ماه واقعاتی چند رخ داده که بیان آن خالی از مناسبت نیست.
 روز هفتم ماه شوال ۳ هجری جنگ اُحد واقع گردید و حمزه عموی پیغمبر
 در این روز شهید شد و نیز غزوة خندق در ماه شوال ۵ هجری

واقع گردید - روز دهم ماه ۳۲۹ غیبت کبری امام زمان عجل الله تعالی فرجه
 واقع شد - روز پانزدهم شوال عذاب بر قوم یونس فرود آمد و توبه
 و انابه آنها قبول شد و عذاب مرتفع گردید - و نیز روز پانزدهم ماه شوال
 آفتاب برای علی علیه السلام برگشت - برگشتن آن را علمای شیعی
 روایت نموده اند - از آن جمله احمد بن حجر حنفی مکی در کتاب صواعق المحرقة طبع
 مصر صفحه ۸۸ روایت نموده اند

ماه شوال سنه اول هجری زفاف رسول خدا ص با ام المؤمنین عا
 واقع گردید - و نیز ازدواج رسول خدا ص با ام المؤمنین ام سلمه و ام المؤمنین
 میمونیه واقع شد - ام سلمه نایبش هندو یکی از زنان بزرگ اسلامیست
 که بسیار علاقمند بخانواده رسالت میبود در عمر هشتاد سالگی در شوال ۲۷
 وفات نمود و در بقیع دفن شد در آخر ماه شوال عذاب بر قوم یهود فرود
 آمد و در ۳۱ قبل از هجرت یهود وفات نمود

ماه ذیقعدة الحرام و برخی از وقایع تاریخی آن
 ماه ذیقعدة یکی از چهار ماه حرام است که خدا جنگ را در آن حرام گردانید
 در اول این روز خدا موسی بن عمران را برای شبی بطور خواند و بچهل شب

به پایان رسید - رسول خدا صلی الله علیه و آله در دو شب غره و یقعد
 الحرام عیش و شش برای عمره بمکه روانه گردید چون بحدیقه نیمی رسید
 کفار قریش مانع گردیدند - همراهان آنحضرت که در حدود هزار و پانصد نفر
 بودند از جهت کمی آب فشار آمد رسول خدا ص تیری بجای فرورد و معجزه آنحضرت
 آب بجوشید و باندازه بالا آمد که مردم بدست آب از چاه میگرفتند اصحاب
 رسول خدا ص با آنحضرت در زیر شجره رضوان بیعت بجان برای مقابل با قریش
 نمودند - آیه شریفه لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ (سور فتح)
 آیه ۱۸) فرود آمد صلح با کفار واقع شد و بدون آنکه عمره بجای آورند
 مراجعت بمدینه نمودند و بر حسب صلح سال دیگر در ماه ذیقعد رسول خدا
 صلی الله علیه و آله وسلم با دو هزار نفر روانه بمکه گردید و عمره القضا را بجای آورد
 روز یازدهم ماه ۱۴۸ هـ حضرت امام رضا ع در مدینه طیب به متولد شد -
 شب ولادت آنحضرت را باید احترام نمود و خانه ها و دکانهای خود را روشنایی
 برای پنج دقیقه یا زیاده نمایند که موجب تعظیم شعائر الله و تربیت کودکان است
 بر محبت اهل بیت که آن رکن ایمان است - روز بیست و پنجم ماه زمین
 از زیر کعبه پهن شد و مثل آن روز آدم ابو البشر ع در سزمین هندی (سیلان)

از بهشت فرود آمد و بروایت حضرت امام رضا ع در آن روز ابراهیم و عیسی ع
 متولد گردیدند پنج روز با خرمایه مانده سالنه ده هجری رسول خدا ص بحجۃ الوداع
 تشریف برد و این آخرین حج بود که رسول اکرم ص بجا آورد و روز آخر ذیقعد
 ۲۲۰ سالنه دویست و بیست هجری حضرت امام محمد جواد (امام محمد تقی) در عمر
 بیست و پنج سالگی در بغداد بزم معتصم هشتمین خلیفه عباسی شهید گردید.
 روضه مقدسش در حرم کاظمین پشت سر جدش حضرت موسی بن جعفر
 علیهما السلام میباشد. در شب وفات آنحضرت چراغهای خود را بپا و مظلومیت
 آنحضرت خاموش کنید کودکان و بی خبران را بآن توجه دهید تا مشمول مراحم
 پروردگار شوید ان شاء الله تعالی

برخی از اعمال ماه ذیقعدة الحرام

سید بن طاووس در کتاب اقبال روایت نموده که در روز یکشنبه ماه
 ذیقعدة مستحب است غسل نموده و چهار رکعت نماز هر دو رکعت بیک سلام
 بجا آورد و در هر رکعت بعد از حمد سه مرتبه قل هو الله احد و یک مرتبه
 قل اعوذ برب الناس و یک مرتبه قل اعوذ برب الفلق بخواند
 بعد از نماز هفتاد مرتبه استغفار کند. آنگاه بگوید لا حول ولا قوة الا

بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ پس گوید یا عَزِيزُ یا غَفَّارُ اغْفِرْ لِي
 ذُنُوبِي وَذُنُوبَ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ فَإِنَّهُ لَا
 يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ سید از رسول خدا ص از برای این
 نماز فضائل بسیار نقل نموده از آن جمله است که فرمود هر که آن را بجا آورد
 توبه اش قبول میشود گناهش آمرزیده میگردد و از زیر عرش آواز
 داده خواهد شد که ای بنده خدا بر تو و برای تو ذریه توبرکت داده شد
 و منادی دیگری ندا میکند ای بنده خصمان تو روز قیامت از تو راضی
 خواهند گردید و خدا خواهد بخشید تو را و پدر و مادر و ذریه تو را و تو در آسایش
 روزی خواهی بود در دنیا و آخرت جبرئیل او را ندا کند که من باملك الموت
 (در وقت مردن تو) خواهم آمد و او را امر کنم که مدارا کند با تو و بتو رساند
 اثر مرگ را و روح تو بیرون آید باسانی از بدن تو - برخی عرض کردند بجا
 آوردن این عمل در غیر این ماه همین ثواب برای او خواهد بود و پیغمبر اکرم ص
 فرمود همین ثواب برای او خواهد بود

شب پانزدهم از شبهاست که عبادت در آن مستحب است
 و وارد شده است که در آن شب خدا بنظر رحمت بسوی بندگانش توجّه

نماید و عبادت کنند در آن شب ثواب صد نفر صالح یعنی روزه دار
 که لازم مسجد باشد که معصیت نکرده باشد خدا را باندازه چشم بر هم زدن
 بعضی از روایات است که هر حاجتی که در این شب طلب کند خدا خواهد داد
 زیارت حضرت امام رضا علیه السلام در روز بیست و سوم ماه اردو روز ^{۲۳}
 مستحب است پس ترک نشود. و سید بن طاووس در اقبال آنرا نقل نموده
 و نیز در مفاتیح از رساله اربعه آیام مرحوم میرداماد نقل نموده که زیارت
 حضرت امام رضا علیه السلام در روز بیست و پنجم که روز و حوالا رض است
 افضل اعمال مستحبه و اکدا و اب مسنونه است و هم چنین زیارت آنحضرت
 روز اول ماه رجب مؤکد است و غسل در آن روز مستحب است و شب آن از
 شبهای متبرکه است عبادت در آن مستحب مؤکد است کسی که خدا را در
 آن شب بندگی و روز آن را روزه دارد برای او عبادت صد سال نوشته
 شود مخصوصاً روزه این روز ثواب شصت ماه روزه را دارد. و در زیارت
 دیگر است که ثواب هفتاد سال عبادت دارد و در این روز رحمت خدا
 بر بنده گان نازل میشود. و دو رکعت نماز در وقت چاشت دارد است هر
 رکعت بعد از حمد پنج مرتبه سوره و اشمس بخواند و بعد از سلام بگوید لا حول

وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ پس دعا کند و بخواند یا
 مُقِيلَ الْعَثَرَاتِ أَقْلِنِي عَثَرَتِي يَا مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ
 أَجِبْ دَعْوَتِي يَا سَامِعَ الْأَصْوَاتِ اِسْمَعْ صَوْتِي
 وَارْحَمْنِي وَتَجَاوَزْ عَن سَيِّئَاتِي وَمَا عِنْدِي يَا ذَا الْجَلَالِ
 وَالْإِكْرَامِ - در روزه بیست و نهم ماه مستحب مؤکد است و ثواب
 آن مطابق با هفتاد سال روزه را دارد.

در اعمال ماه ذالحجه الحرام و بیان فضیلت آن

ذیحجه دوازدهمین ماه سال اسلامی است و از ماههای شریف
 است - و هه اولش ایام معلومات است که در قرآن آمده و از شب اول
 تا شب دهم دو رکعت نماز مابین مغرب و عشاء وارد گردیده - در هر رکعت
 بعد از حمد یک مرتبه توحید و آیه و وَاَعِدْ نَامُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً
 وَآتَمَمْنَاَهَا بِعَشْرِ فِتْمٍ مِيقَاتٍ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً
 وَقَالَ مُوسَى لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي
 وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ را بخواند یکصد و پنجاه مرتبه

کند با ثواب حاجیان شریک خواهد بود - روزه نه روز اول آن ثواب روزه
 تمام عمر را دارد - و روزه دهم آن حرام است و مخصوصاً بروایت امام کاظم
 صلوات الله علیه روزه اول ماه ذیحجه که روز بسیار مبارک است ثواب ششاد
 ماه روزه دارد - و خواندن نماز حضرت زهراء علیها السلام در این روز مستحب
 است و آن چهار رکعت است بدو سلام مثل نماز حضرت امیر المومنین ع و در
 هر رکعت بعد از حمد پنجاه مرتبه سوره توحید بخواند و بعد از سلام تسبیح حضرت زهراء
 صلوات الله علیها بخواند انگاه بگوید سُبْحَانَ ذِي الْعِزِّ الشَّامِخِ
 الْمُنِيفِ سُبْحَانَ ذِي الْجَلَالِ الْبَازِخِ الْعَظِيمِ سُبْحَانَ
 ذِي الْمُلْكِ الْفَاحِشِ الْقَدِيمِ سُبْحَانَ مَنْ يَرَى أَثَرَ النَّمْلَةِ
 فِي الصَّفَا سُبْحَانَ مَنْ يَرَى وَقَعَ الطَّيْرِ فِي الْهَوَاءِ
 سُبْحَانَ مَنْ هُوَ كَذَاوَلَا هَكَذَا غَيْرُهُ - و وارو است که هر که از
 ظالمی بترسد در این روز بگوید حَسْبِيَ حَسْبِيَ مِنْ سُؤَالِي
 عَلَيْكَ بِحَالِي حَقَّ تَعَالَى كَفَايَتُ شَرِّ ظَالِمٍ رَا از او مینماید - و در روز اول
 نیز دو رکعت نماز وارو است که پیش از زوال به نیم ساعت بخواند - و در هر
 رکعت حمد یک مرتبه و توحید و آیه الکرسی و قدر را ده مرتبه بخواند و مستحب است

در هر روز از ده اول این پنج دعا را که جبرئیل ع برای حضرت عیسی ع آورد بخواند
 أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ
 الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
 (۲) أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ أَحَدًا
 صَدًّا لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا (۳) أَشْهَدُ أَنْ لَا
 إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ أَحَدًا صَدًّا لَمْ يَلِدْ
 وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ (۴) أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ
 إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ
 يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ
 عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۵) حَسْبِيَ اللَّهُ وَكَفَى سَمِعَ اللَّهُ
 لِمَنْ دَعَا لَيْسَ وَرَاءَ اللَّهِ مُنْتَهَى أَشْهَدُ لِلَّهِ بِمَا دَعَا
 وَأَنَّهُ بَرِيٌّ مِمَّنْ تَبَرَّءَ وَأَنَّ لِلَّهِ الْآخِرَةَ وَالْأُولَى - پس
 حضرت عیسی ع ثواب بسیاری نقل کرد برای خواندن هر یک از این پنج دعا
 راضی مرتبه و دور نیست چنانکه علامه مجلسی رفته فرموده اگر کسی هر روز هر یک از این
 دعا را راضی مرتبه بخواند عمل بروایت کرده باشد و اگر هر روز هر یک راضی مرتبه

نخواند بهتر خواهد بود - و نیز مستحب است در هر روز این ده تهلیلات را که

منقول است از حضرت امیرالمؤمنین ع و ثواب آن بسیار است بخواند

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَدَدَ اللَّيْلِ وَاللَّهْوِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ
عَدَدَ أَمْوَاجِ الْخَوَافِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَرَحْمَتُهُ خَيْرٌ مِمَّا
يَجْمَعُونَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَدَدَ الشُّوكِ وَالشَّجَرِ لَا إِلَهَ إِلَّا
اللَّهُ عَدَدَ الشَّعْرِ وَالْوَبْرِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَدَدَ الْحَجَرِ وَالْمَدَرِ
لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَدَدَ لَمْحِ الْعَيْنِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ فِي اللَّيْلِ
إِذَا عَسَعَسَ وَفِي الصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَدَدَ
الرِّيَاحِ فِي الْبَرَارِ وَالصُّخُورِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مِنَ الْيَوْمِ إِلَى
يَوْمٍ يَنْفَخُ فِي الصُّورِ

روز هشتم روز ترویبه است غسل در این روز مستحب است

و روزه آن ثواب شصت سال روزه دارد و شب نهم از شبهای تیره که

است و شب دعا و توبه و مناجات است - در آن شب است که حاجیان

در منی مجتمع و در بندگی خدا شب را بسر برند ثواب عبادت در این شب که شب

عرفه است مقابل هفتاد سال عبادت است و خواندن دعای ^{نیل} اللَّهُمَّ يَا

شَاهِدِ كُلِّ نَجْوَى که در شبهای جمعه نیز خوانده میشود مستحب است -

وزیارت امام حسین علیه السلام در این شب مستحب است و کسیکه

آنحضرت را در کربلا زیارت کند و تا روز عید بماند خدا او را از شر آن سال نگاه

میدارد - روز نهم که روز عرفه است از اعیان و عظیمه اسلامی است اگر چه مشهور

بعید نیست ولی در این روز روزه و عبادت مستحب مؤکداست مگر کسی که روز

او را از اعمال آن روز مانع شود پس ترک روزه نموده و عبادت مشغول شود -

غسل و زیارت امام حسین ع در این روز مستحب مؤکداست و ثواب آن

مقابل است با هزار حج و هزار عمره و هزار جهاد بلکه بالاتر از آن و در زیر قبّه مقدسه

آنحضرت بودن ثوابش کمتر از کسیکه در عرفات باشد نیست - مستحب است

که بعد از نماز عصر قبل از آنکه مشغول دعا یا ای عرفه شود دو رکعت نماز زیر آسمان

بجا آورد اعتراف بگناهان خود کند تا بخواهد اهل عرفات فائز شود و گناهانش

آمرزیده گردد و آنگاه با اعمال و ادعیه که از حج طاهره صلوات الله علیه

اجمعین رسیده مشغول شود - در این روز وارد است که چون از نماز ظهر و عصر

فارغ شود دو رکعت نماز بجا آورد رکعت اول بعد از حمد و توحید و در رکعت دوم

بعد از حمد قل یا ایها الکافرون بخواند شب و نهم از لیالی متبرکه است

زنده داشتن آن شب برای عبادت مستحب است زیارت امام حسین
 علیه السلام در این شب سنت مؤکد است و روز دهم که روز عید قربان است
 غسل سنت است و بعضی واجب گفته اند و در این روز آوردن نماز عید
 با جماعت از شعائر بزرگ اسلام است و کیفیت نماز عید در باب نماز آمده
 و خواندن این تکبیرات عقب پانزده نماز برای کسانی که در منی میباشند و عقب
 ده نماز برای کسانی که در غیر آن میباشند مستحب است و شروع آن از نماز ظهر
 عید است تا نماز صبح روز دوازدهم برای کسانی که در شهر میباشند و تا نماز
 صبح روز سیزدهم برای حاجیان و منی و تکبیرات موافق روایت کافی
 اینست اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ
 أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ وَلِلَّهِ الْحَمْدُ اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا
 هَدَيْنَا لِلَّهِ أَكْبَرُ عَلَى مَا رَزَقْنَا مِنْ بَهِيمَةٍ الْأَنْعَامِ
 وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أَبْلَاَنَا وَتَكَرَّرَ فِي تَكْبِيرَاتِ عَقِبِ نَمَازٍ بِاِقْدَرِ
 امكان مستحب است و مستحب است در این روز که ناشتا بعد از نماز
 عیدانهم از گوشت قربانی واقع شود و قربانی در این روز سنت مؤکد است
 و احکام آن در باب قربانی آمده.

بعضی از وقایع تاریخی این ماه

از واقعات ماه ذیحجه بر حسب روایت ابن شهر آشوب در مناقب
 ترویج حضرت فاطمه زهراء با امیر المومنین علیه السلام در اول ذیحجه سال دهم
 واقع شد روز سوم توبه آدم ع قبول شد. و در سوم ذیحجه سال نهم امیر المومنین
 علی ع با مر رسول خدا ص تسلیخ سوره براءه را در آن موقع اجتماع نمود.
 روز هفتم ذیحجه سده یکصد و چهارده در مدینه طیبه امام پنجم حضرت محمد باقر
 وفات نمود و در این روز موسی بن عمران بر سحره غالب شد. روز هشتم
 امام حسین ع حج را بدل عمره نمود و روانه عراق گردید و در این روز مسلم بن عقیل
 در کوفه بختک ابن زیاد مشغول شد. و روز نهم شهید گردید. روز هشتم را ترویج
 گویند برای اینکه بار هفتم خلیل از جانب خدا امر رسید که اب گیری برای ایام حج کند
 بعد از این رسم جاری ماند. روز نهم بر حسب وحی از جانب خدا با مر رسول اکرم ص
 تمامی دروازه های خانه های مهاجرین که مسجد باز میشد بسته شد مگر دروازه خانه علی
 را که امر شد باقی بماند. روز دهم الواح بر حضرت موسی ع فرود آمد روز یازدهم
 و دوازدهم و سیزدهم را ایام شریفی گویند. بنا بر بعضی روایات مراد از ایام
 سعادت در قرآن همین ایام است. روز جمعه پانزدهم ۱۵ ولادت

حضرت امام علی النقی علیه السلام در مدینه طیبه واقع شد - روز یازدهم شوال
 هجری رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم بامر پروردگار علی علیه السلام را در غدیر
 خم که در حوضه سی سالی نکه بطرف مدینه است بخلافت نصب نمود و جمعیت حاضرین
 را که یکصد و بیست هزار روایت نموده اند با حضرت بیعت کردند - آیه تبلیغ^{۱۲۰}
 و تکمیل نازل گردید - روز بیست و چهارم ماه واقعه مبارکه واقع شد و آیه^{۲۴}
 مبارکه در شان ائمه بیت نازل شد و نیز در همین روز علی علیه السلام انگشت بشارت
 داد و آیه ولایت فرود آمد - روز بیست و پنجم بعد از گذشتن سه روز ایام روزه^{۲۵}
 و دادن ائمه علیهم السلام افطار خود را با سیر، یتیم و فقیر سوره هل اتی
 درباره آنها فرود آمد.

ماه محرم و حرمت آن

محرم اولین ماه سال اسلامی است - خداوند آن را یکی از چهار ماه حرام که
 سه ماه دیگران رجب، ذی قعدة و ذی الحجه است قرار داد - در کتاب آسمانی خود
 فرمود ان عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنِي عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ
 اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرُمٌ
 (سوره توبه آیه ۳۶) بدستیکه شماره ماهها نزد خدا و از ده ماه است در کتاب خدا^{۱۲۱}

روزی که آفرید آسمانها و زمین را چهار ماه آن (ماه) حرام است

روزه اول ماه محرم تا روز نهم مستحب است - حضرت زکریا ع روز

اول آن را روزه گرفت و از حق تعالی فرزند طلب نمود و عایش مستجاب شد

یحیی را بوی عطا کرد - حضرت امام رضا علیه السلام بر تیان بن شعیب فرمود

کسیکه روز اول آن را روزه گیرد و دعا کند دعایش مستجاب میشود چنانکه دعا

زکریا در آن مستجاب گردید -

برخی از وقایع تاریخی ماه محرم

روز سوم ماه یوسف از چاه نجات یافت روزه آن برای دفع غمها

و آسان شدن کارها و خلاصی از بوم وارد گردیده - روز پنجم ماه حضرت موسی

بن عمران از دریا گذشت - و روز هفتم ماه بنی جات رفت - روز نهم یونس از

شکم ماهی نجات یافت و در یقعد نیز روایت شده - روز هفدهم همان سالیکه

رسول اکرم صلی الله علیه و آله متولد شده و اقحوا صحاب فیل پیش آمد برای

خراب کردن کعبه بسر کردگی شیخ پادشاه مین آمده بودند خدا همه را بلاك کرد چنانکه

سوره فیل بآن اشاره مینماید - در بیستم محرم ۶۵۶ هـ هلاکوخان تمار بغداد را

فتح نمود و مستعصم آخرین خلیفه عباسی را کشت و خلافت بنی العباس بعد از ۵۲۴

سال پایان رسید در محبت و تحمیل و وفات امام زین العابدین علیه السلام واقع
 گردید و بعضی نیز ۱۲ محرم ۹۵ هجری وفات آنحضرت را نوشته اند - و بزرگترین
 واقعات این ماه همان واقعه جانسوز کربلا است روز دوم محرم ۶۱ هجری
 امام حسین علیه السلام وارد کربلا شد روز ششم محرم عمر بن سعد بن وقاص
 با شش هزار لشکر وارد کربلا گردید و تا عصر روز نهم بروایات معتبره سی هزار نفر
 که خود را مسلمان میگفتند برای کشتن فرزند پیغمبر خود صلی الله علیه و آله و سلم در آن
 سرزمین جمع شدند - حرمت رسول خدا صلی الله علیه و آله را نسبت با اهل بیت
 آنحضرت مراعات نمودند با آنکه حرمت محترم در جاهلیت و اسلام باندازه بود که
 شخص بکشته پدر دست درازی نمی نمود این مردم پخوا از کشتن فرزندان رسول خدا
 ننمودند خلاف سفارش آنحضرت آنچه توانستند بآنها ظلم کردند و اهل بیت جنابش
 را اسیر نموده و یار بدار شهر بشهر گردانیدند - پس شیعیان آل محمد ص و بردوستان
 آنان است که بغض ای آنحضرت قیام کنند و در حزن و غم و گریه تافتی بر رسول
 خدای و آفته هدی نمایند - و از دشمنان آنها بیزارى جویند .

اعمال محرم

شب اول محرم در موقع دیدن هلال خواندن این دعا مستحب است

اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ رَبِّي وَرَبُّكَ اللَّهُ لَا
 إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَالَمِينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَنِي وَخَلَقَكَ
 وَقَدَّرَنِي وَقَدَّرَكَ فِي مَنَازِلِكَ وَجَعَلَكَ آيَةً لِلْعَالَمِينَ
 يُبَاهِي اللَّهُ بِكَ الْمَلَائِكَةَ اللَّهُمَّ أَهْلُهُ عَلَيْنَا بِالْأَمْنِ
 وَالْإِيمَانِ وَالسَّلَامَةِ وَالْإِسْلَامِ وَالْغُبْطَةِ وَالشُّرُورِ وَالْبَهْجَةِ
 وَثَبَّتْنَا عَلَى طَاعَتِكَ وَالْمُسَارَعَةِ فِيمَا يَرْضِيكَ اللَّهُمَّ بَارِكْ
 لَنَا فِي شَهْرِنَا هَذَا وَارْزُقْنَا خَيْرَهُ وَبَرَكَتَهُ وَبُيُوتَهُ وَقَوْنَهُ
 وَأَصْرِفْ عَنَّا شَرَّهُ وَبَلَاءَهُ وَفِتْنَتَهُ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ
 الرَّاحِمِينَ

و در این شب چند نماز وارد شده از اینچند نمازی است که از
 رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت گردیده و سید و اقبال آنرا نقل نموده
 و آن صد رکعت است هر دو رکعت بیک سلام در هر رکعت حمد و قل هو الله
 بخواند - فرمود کسی که این نماز را بخواند و روز اول محرم را روزه گیرد خیر آن سال
 برای او می ماند و از فتنه های آن محفوظ خواهد ماند و اگر در آن سال بیرون بشت
 رود - و دیگر نمازیست که از آنحضرت روایت شده و آن دو رکعت است
 در هر رکعت بعد از حمد یا زده مرتبه سوره قل هو الله بخواند - و دیگر دو رکعت نماز

است که باز از آنحضرت روایت شده در رکعت اول بعد از حمد سوره انعام و در
رکعت دوم بعد از حمد سوره نیس بخواند.

روز اول محرم دو رکعت نماز مستحب است مجلسی در زاوالمعاد آن را
نقل نموده از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که جناب رسول خدا
صلی الله علیه وسلم روز اول محرم دو رکعت نماز بجا میآورد چون فارغ می شد
دست بدعا بر میداشت و این دعا است مرتبه بخواند اللَّهُمَّ أَنْتَ الْإِلَٰهُ
الْقَدِيمُ وَهَذِهِ سَنَةٌ جَدِيدَةٌ وَأَسْأَلُكَ فِيهَا الْعِصْمَةَ
مِنَ الشَّيْطَانِ وَالْقُوَّةَ عَلَى هَذِهِ النَّفْسِ الْأَمَّارَةِ بِالشُّوْعِ
وَالْإِشْتِغَالِ بِمَا يُقَرِّبُنِي إِلَيْكَ يَا كَرِيمُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ
يَا عِمَادَ مَنْ لَا عِمَادَ لَهُ يَا ذَخِيرَةَ مَنْ لَا ذَخِيرَةَ لَهُ يَا حُرَّ
مَنْ لَا حُرَّ لَهُ يَا غِيَاثَ مَنْ لَا غِيَاثَ لَهُ يَا سَنَدَ مَنْ لَا
سَنَدَ لَهُ يَا كَنْزَ مَنْ لَا كَنْزَ لَهُ يَا حَسَنَ الْبَلَاءِ يَا عَظِيمَ
الرَّجَاءِ يَا عِزَّ الضُّعْفَاءِ يَا مُنْقِذَ الْغَرَقَى يَا مُنْجِي الْهَلَكَى
يَا مُنْعِمُ يَا مُجْمِلُ يَا مُفَضِّلُ يَا مُحْسِنُ أَنْتَ الَّذِي سَجَدَ لَكَ
سَوَادُ اللَّيْلِ وَنُورُ النَّهَارِ وَضَوْءُ الْقَمَرِ وَشُعَاعُ الشَّمْسِ

وَدَوِي الْمَاءِ وَحَفِيفُ الشَّجَرِ يَا اللَّهُ لَا شَرِيكَ لَكَ اللَّهُمَّ
اجْعَلْنَا خَيْرَ أُمَّةٍ يُظَنُّونَ وَاعْفِرْ لَنَا مَا لَا يَعْلَمُونَ وَلَا
تُؤَاخِذْنَا بِمَا يَقُولُونَ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ
وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ أَمَّا بِهِ كُلُّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا
يَذْكُرُ إِلَّا أُولَ الْأَلْبَابِ رَبَّنَا لَا تَجْعَلْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا
وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ

و نماز اول بر ماه رادراین روز بخواند چنانکه در ص ۱۸۲ این کتاب آمده

و منتهای العارفین است که این تحمیدات رادراین روز بخواند تا سال دیگر خدا
اورا از آفات سالم بدارد و الحمد لله الذی تواضع کل شیء لعظمته
والحمد لله الذی خضع کل شیء لملکته والحمد لله الذی
استسلم کل شیء بقدرته والحمد لله الذی دل کل شیء
بعزته أسأله بعزته وعظمته وملکته فی هذه السنة
الجديدة الأمن والإیمان والعافیة والغفران والعصمة
من الشیطان - و نیز روایت نموده که خواندن این تسبیحات رادراین روز
بر حوض آب یا ظرف آب غسل نمودن از آن برای سلامتی از ناخوشیها و بیماریها

در سال مفید است سُبْحَانَ اللَّهِ مِلًّا الْمِيزَانِ سُبْحَانَ اللَّهِ
مُنْتَهَى الْحَلِيمِ سُبْحَانَ اللَّهِ مَبْلَغَ الرِّضَا سُبْحَانَ اللَّهِ زِينَةَ

الْعَرْشِ - و نیز از خواص الآیات برای حفظ از مار و گزوم و افعی و هر جانوری
گزنده و اذیت کننده نقل نموده که این آیه را روز اول ماه محرم بر کاغذی نوشته

و آنرا بشویند و در گوشه های صحن خانه بپاشند بامر خدا محفوظ خواهد ماند و آمِن
أَهْلُ الْقُرَى أَنْ يَأْتِيَهُمْ بَأْسُنَا ضُحًى وَهُمْ يُلْعَبُونَ أَفَأَمِنُوا
مَكْرَ اللَّهِ فَلَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ

و باید در این عشره بسوگاری و اقامه مجالس مصائب حضرت سید الشهداء
علیه السلام اهتمام کرد و بر آنحضرت و اهل بیت جنابش گریست و تفرین برداشتن
آنان نمود - امام محمد باقر علیه السلام از پدر بزرگوارش حضرت امام زین العابدین
علیه السلام روایت نمود که فرمود هر که چشمانش از برای کشته شدن حسین
بن علی قطره اشک بریزد و بر گونه اش جاری شود خدا او را در قصرهای بهشت
جاودانه جای دهد - حضرت امام رضا علیه السلام فرمود کسی که یاد کند مصائب
مار و بکرید برای ما از جهت ستم و رنجی که بر ما وارد شد در قیامت در رجه ما خواهد بود
و نیز بفرزند شعیب فرمود ای پسر شعیب اگر بر چری گریان شدی پس گریه کن

بر حسین بن علی غدر بستیک گشتند و او را چنانیکه گو سفند را میکشند - و گشتند با او
 از اهل بیت او بیجده تن مردانی که در روی زمین شبیه و مانند داشتند - و تحقیق
 گریستند آسمانهای هفتگانه و زمینها از برای گشته شدن حسین غ و پس از گشته
 شدن وی چهار هزار فرشته^ع برای یارش فرود آمدند و ولیده نموی و کرد آلوده و روی
 مجاور قبر او گشتند تا گاهی که قائم آل محمد صل ظاهر شود - پس در رکاب او از
 یاوران او باشند و شعار آنان یا لثارات الحسین باشد - ای فرزند
 شیب روایت کرد مرا پدرم از پدر خود از جدش گاهی که جدم حسین شهید شد
 آسمان خون و خاک شمرخ باریدن گرفت - ای پسر شیب اگر گریه کنی بر حسین
 چندانکه اشکهای تو بر گونه های تو جاری شود خدای بخشد از تو هر گناه کوچک و بزرگ
 و محم و زیاده را آنگاه فرمود ای پسر شیب اگر خوش داشته باشی که ملاقات کنی
 خدای عز و جل را در حالتیکه از هر گناه پاکیزه باشی پس زیارت کن حسین را - پس
 با اینحال بر شیعیان لازم است که آیام عشره را بفراداری و اندوه بگذرانند -
 حضرت امام رضا علیه السلام فرمود چون ماه محرم داخل می شد کسی پدرم را
 خندان نمیدید اندوه و حزن پیوسته بر او غالب میشد تا روز دهم چون روز عاشورا
 میشد آن روز روز مصیبت و حزن و گریه او میبود و میفرمود امروز روزی است که

حسین علیه السلام شهید شده است - پس باید تأستی با آنحضرت نمود و باید در
 عزاداری قانون شرع را ملحوظ داشت مخصوصاً از آوردن نماز و اهتمام بان کوتاهی
 نباید کرد - چه او امر اسلامی به هم مربوطند - اگر امر با قامة عزرا شده است امر
 با قامة نماز بیشتر گردیده است - پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود الصلوة
 عمود الدین ان قبلت قبل ماسویها وان سرقت رد ماسویها
 (یعنی نماز ستون دین است اگر پذیرفته شود همه اعمال نیز پذیرفته خواهد شد
 و اگر قبول نشود باقی اعمال نیز مردود گردد) - و باید در شب عاشورا تأستی با امام
 حسین ع نمود پس هم چنانیکه در این شب عزاداری میشود از احیاء آن شب
 و نماز در آن کوتاهی نشود - و در این شب چند نماز وارد است .

اول: سید بن طاووس در اقبال از ابن عباس از رسول خدا
 صلی الله علیه و آله روایت نموده که آنحضرت فرمود کسیکه شب عاشورا چهار
 رکعت نماز در آخر شب بجا آورد در هر رکعتی یک حمد و ده آیه الکرسی و ده مرتبه
 قل هو الله احد و ده مرتبه قل اعوذ برب الخلق و ده مرتبه قل اعوذ برب الناس
 بخواند پس چون سلام دهد صد مرتبه قل هو الله احد بخواند انگاه آنحضرت
 فضیلت بسیار برای این عمل نقل نموده که جای بیان آن نیست

دوم: از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت نموده کسیکه در شب
عاشورا صد رکعت نماز بجا آورد و در هر رکعت الحمد یک مرتبه و قل هو الله احد
سه مرتبه بخواند پس چون از نماز ای خود فارغ شود هفتاد مرتبه بگوید سُبْحَانَ
اللهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَاللهُ أَكْبَرُ وَلَا حَوْلَ وَلَا
قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ. در روایت دیگر هفتاد مرتبه استغفار نیز
وارد شده.

سوم: از رسول خدا صلی الله علیه وسلم روایت نموده است که آنحضرت
فرمود در این شب چهار رکعت نماز بجا بیاورد هر دو رکعت بیک سلام در هر رکعت
الحمد یک مرتبه و پنجاه مرتبه قل هو الله احد چون از نماز فارغ شوی خدا را بسیار
یاد کن و بسیار بر رسول خدا صلی الله علیه وآله درود بفرست و باندازه که ممکن باشد
بر دشمنان آنها لعن کن - میگویم این نماز مطابق است با نماز حضرت امیرالمؤمنین
علیه السلام که فضیلت بسیار برای آن وارد شده.

روز عاشورا که روز مصیبت بزرگ است باید ثناتی با اهل بیت شود
و بدون آنکه در سحر چیزی خورده شود و بدون نیت روزه از خوراک و آب امساک
نمود و روز عاشورا را بفاقد گذرانید و در عصر عاشورا چنانیکه اهل بیت را آب داد

بآب یا تربت و یا غیر آن افطار کرد مخصوصاً در روز عاشورا باید ترک کار و حوائج
 و خرید و فروش نمود - حضرت امام رضا علیه السلام فرمود کسیکه ترک کند در
 روز عاشورا سنی در حوائج خود را خداوند حوائج دنیا و آخرت او را بر آورد و هر که روز
 عاشورا را روز اندوه و گریه خویش قرار دهد خدا قیامت را روز فرح و سرور او گرداند
 و دیده اش بسبب مادر بهشت روشن شود و کسیکه روز عاشورا را روز برکت نامد
 و از برای منزل خود در آن روز چیزی ذخیره کند خدا آن ذخیره را بر او مبارک گرداند
 و در روز قیامت بایزید و عبید الله بن زیاد و عمر بن سعد محشور شود - صالح بن
 عقبه از پدر خود از امام باقر ع روایت نموده که آنحضرت فرمود اگر توانی در آن
 روز برای حاجت خود نروی پس ترک کن چه آن روز روز نحسی است که حاجت
 مؤمن در آن بر آورده نمیشود و هرگاه حاجت بر آورده شود مبارک نخواهد بود
 و در آن کار رشد نخواهد بود و نباید کسی از شما در آن روز در منزل خود ذخیره کند
 پس کسیکه در آن روز چیزی ذخیره کند از برای او و اهل او مبارک نخواهد بود - حضرت
 ابرو ثواب زیارت و ترک سنی حوائج در روز عاشورا را بیان میفرماید و در کتب مبسوطه
 مشروح آمده است.

پس بر مسلمانان لازم است که روز عاشورا را روز کار ندانند و از کار کناره گیرند

و مشغول عزاداری شوند و اهل خانه خود را نیز امر بعزاداری کنند مخصوصاً دوستان
 اهل بیت را لازم است بقسسی مشغول عزاداری شوند که در ماتم عزیزترین اولاد و اقارب
 خود قیام میکنند - بدون قصد روزه در آن روز از خوردن و آشامیدن امساک کنند
 و پس از عصر تبرت یا آب و یا غیر آن افطار نمایند - و اما روزه روز عاشورا بقصد
 تبرک و خوشنودی چنانیکه رویت بنی امیه بود حرام است

در بیان اعمال روز عاشوراء

از برای روز عاشورا چند عمل است که بجا آوردن آن مستحب است اول
 امساک نمودن تا بعد از عصر بدون نیت روزه چنانیکه بآن اشاره رفت هنگام
 عصر تبرت یا آب افطار کنند - و بعد از عصر بود که عمر بن سعد برای اهل بیت رسالت
 و اطفال کوچک آنان که از گرمی هوا تشنگی میبوختند آب را باز کرد - پس
 چقدر مناسب است که در هنگام نوشیدن آب از تشنگی آنحضرت یاد شود و بر
 کشندگان آنحضرت لعنت فرستند - در کامل الزیارة تألیف ابن قولویه (۱)

(۱) ابن قولویه صاحب کامل الزیارة در ۳۶۳ صفحہ وفات نموده و در کاظمین پائین پای حضرت
 موسی بن جعفر علیهم السلام مدفون است و در جانب او است قبر شیخ مفید که در ۱۳۱۱
 وفات نموده و اما ابن قولویه که در قم نزدیک بقعه علی بن بابویه مدفون است پس پدر این
 شیخ بزرگوار محمد بن قولویه است .

ابوالقاسم جعفر بن محمد بن جعفر بن موسی قولویه القمی استاد شیخ مفید طاب الله
 راهما سند را بداد و در قتی میرساند که او گفت - بودم نزد امام صادق ع که
 آنحضرت آب طلب نمود و آشامید - پس از آشامیدن دیدم که چشمان آنحضرت
 مملو از اشک گردیده و سر از پر شد پس از آن حضرت فرمود خدا لعنت کند
 کشتندگان حسین را پس غیبت هیچ بنده که بیا شامد آب را و حسین را یاد کند و لعنت
 کند کشتندگان او را مگر آنکه خداوند مینویسد برای او صد هزار نیکی و از او دور میکند
 صد هزار گناه و بلند میکند برای او صد هزار درجه و چنان است که آزاد نموده باشد
 صد هزار بنده و محشور نماید خدا او را در روز قیامت خوشدل.

دوم: هزار مرتبه بر قاتلان آنحضرت لعنت فرستادن و بگوید **اللَّهُمَّ
 الْعَنْ قَتْلَةَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ** - و در حدیث صحیح از حضرت امام
 رضا ع وارد شده که آنحضرت فرمود اگر خوابی که در غرفهای بهشت با حضرت
 رسول و آل او باشی پس لعنت کن بر قاتلان حسین ع و اگر خوابی ثواب
 شهیدان کربلا را داشته باشی هرگاه مصیبت آنحضرت را یاد کنی بگو **يَا لَيْتَنِي
 كُنْتُ مَعَهُمْ فَاَفُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا** یعنی ای کاش میبودم با آنها
 پس استغفار میبدم بپستکاری بزرگ.

تسوم: تعزیت دادن بیکدیگر در آن روز به زبانى که ممکن شود مستحب است
 از حضرت امام محمد باقر ع روایت شده که در مصیبت آنحضرت بگوید عَظَّمَ
 اللَّهُ أَجُورَنَا وَأَجُورَكُمْ بِصَابِنَا بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ
 وَجَعَلْنَا وَإِيَّاكُمْ مِنَ الطَّالِبِينَ لِثَارِهِ مَعَ وَلِيِّهِ الْإِمَامِ
 الْمَهْدِيِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ. مؤلف گوید اگر کسی
 نتواند الفاظ آنرا بگوید بهر جهت آن اکتفا میتوان کرد و اگر تمام را نمیتواند بگوید بهر
 اندازه که ممکن باشد عمل بآن مستحب است.

چهارم: خواندن هزار مرتبه سوره توحید است که در حدیث وارد گردیده
 که هر کس در این روز هزار مرتبه سوره توحید بخواند خداوند بسوی او نظر نماید بنظر رحمت.
 پنجم: دعائی است که سید بن طاووس و اقبال آنرا نقل نموده که در
 صبح عاشورا آنرا بخوانی سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ
 وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ
 سُبْحَانَ اللَّهِ أَنَاءَ اللَّيْلِ وَأَطْرَافَ النَّهَارِ سُبْحَانَ اللَّهِ
 بِالْغَدْرِ وَالْأَصَالِ سُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ
 تُصْبِحُونَ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَعَشِيًّا

وَحِينَ تَظْهَرُونَ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ
مِنَ الْحَيِّ وَيُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَكَذَلِكَ تُخْرَجُونَ
سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى
الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ
مِنَ الدُّنْيَا وَكَثِيرُهُ تَكْبِيرًا عَدَدُ كُلِّ شَيْءٍ وَمِلَادُ كُلِّ شَيْءٍ
وَأَضْعَافُ ذَلِكَ أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً أَبَدًا سَمَدًا كَمَا يَذَّبْنِي
لِعَظَمَتِهِ سُبْحَانَ ذِي الْمُلْكِ وَالْمَلَكُوتِ سُبْحَانَ ذِي الْعِزَّةِ
وَالْجَبَرُوتِ سُبْحَانَ الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ سُبْحَانَ الْقُدُّوسِ
سُبْحَانَ الْقَائِمِ الدَّائِمِ سُبْحَانَ الْحَيِّ الْقَتُّومِ سُبْحَانَ الْعَلِيِّ
الْأَعْلَى سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى سُبْحَانُ اللَّهِ سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ
الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَصْبَحْتُ فِي مَنَّةٍ وَنِعْمَةٍ
وَعَافِيَةٍ فَاتِمِّمْ عَلَيَّ نِعَمَتَكَ يَا اللَّهُ وَمَنَّكَ وَعَافَيْتَكَ
وَارْزُقْنِي شُكْرَكَ اللَّهُمَّ بِنُورِ وَجْهِكَ اهْتَدَيْتُ وَبِفَضْلِكَ
اسْتَعْنَيْتُ وَبِنِعْمَتِكَ أَصْبَحْتُ وَأَمْسَيْتُ أَصْبَحْتُ

أَشْهَدُكَ وَكَفَى بِكَ شَهِيدًا وَأَشْهَدُ مَلَائِكَتَكَ وَحَمَلَةَ
 عَرْشِكَ وَجَمِيعَ خَلْقِكَ وَسَمَائِكَ وَأَرْضِكَ وَجَنَّتِكَ وَنَارِكَ
 بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ
 وَأَنْ مَا دُونَ عَرْشِكَ إِلَى قَرَارِ أَرْضِكَ مِنْ مَعْبُودٍ وَنَاكِ
 بَاطِلٍ مُضْمَحِلٍّ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ
 وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّكَ بَاعِثُ مَنْ فِي
 الْقُبُورِ اللَّهُمَّ فَارْتَبِ شَهَادَتِي هَذِهِ عِنْدَكَ حَتَّى الْقَائِمِ
 بِهَا وَقَدْ رَضِيتَ عَنِّي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ فَلْيَاخُذْ
 حَمْدًا تَضَعُ لَكَ السَّمَوَاتُ كَنَفِيهَا وَتُسَبِّحُ لَكَ الْأَرْضُ
 وَمَنْ عَلَيْهَا حَمْدًا يَصْعَدُ وَلَا يَنْفَدُ حَمْدًا يَزِيدُ وَلَا يَنْبُذُ
 حَمْدًا سَمَدًا لَا انْقِطَاعَ لَهُ وَلَا نَفَادَ حَمْدًا يَصْعَدُ أَوَّلُهُ
 وَلَا يَفْنَى آخِرُهُ وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَيَّ وَفَوْقِي وَمَعِي وَأَمَامِي
 وَقَبْلِي وَوَلَدِي وَإِذَا مِتُّ وَقُنَيْتُ وَبَقَيْتُ يَا مُؤَلَّيْ وَلَكَ
 الْحَمْدُ بِجَمِيعِ مَحَامِدِكَ كُلِّهَا عَلَى جَمِيعِ نِعَائِكَ كُلِّهَا
 وَلَكَ الْحَمْدُ فِي كُلِّ عِرْقٍ سَاكِنٍ وَفِي كُلِّ أَكْلَةٍ وَشَرِبَةٍ

وَلِبَاسٍ وَقُوَّةٍ وَيَطِيشٍ وَعَلَى مَوْضِعِ كُلِّ شَعْرَةٍ أَللَّهُمَّ
لَكَ الْحَمْدُ كُلُّهُ وَلَكَ الْمُلْكُ كُلُّهُ وَبِيَدِكَ الْخَيْرُ كُلُّهُ
إِلَيْكَ يَرْجِعُ الْأَمْرُ كُلُّهُ عَلَانِيَتُهُ وَسِرُّهُ وَأَنْتَ مُنْتَهَى
الشَّأْنِ كُلُّهُ أَللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى جِلَّتِكَ بَعْدَ عَلَيْكَ وَلَكَ الْحَمْدُ
عَلَى عَفْوِكَ بَعْدَ قُدْرَتِكَ أَللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ يَا بَاعِثَ
لِلْحَمْدِ وَلَكَ الْحَمْدُ يَا وَارِثَ الْحَمْدِ وَبِذِيْعِ الْحَمْدِ وَمُنْتَهَى
الْحَمْدِ وَمَبْدَأِ الْحَمْدِ وَفِي الْعَهْدِ صَادِقِ الْوَعْدِ عَزِيزِ
الْبَعْدِ وَقَدِيمِ الْمَجْدِ أَللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ رَفِيعِ الدَّرَجَاتِ
مُجِيبِ الدَّعَوَاتِ مُنْزِلِ الْآيَاتِ مِنْ فَوْقِ سَبْعِ سَمَوَاتٍ
مُخْرِجِ مَنْ فِي الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ مُبَدِّلِ السَّيِّئَاتِ
حَسَنَاتٍ وَجَاعِلِ الْحَسَنَاتِ دَرَجَاتٍ أَللَّهُمَّ لَكَ
لَكَ الْحَمْدُ غَافِرِ الذَّنْبِ وَقَابِلِ التَّوْبِ شَدِيدِ الْعِقَابِ
ذَا الطُّوْلِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ إِلَيْكَ الْمَصِيرُ أَللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ
فِي اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى وَفِي النَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى وَلَكَ الْحَمْدُ فِي
الْآخِرَةِ وَالْأُولَى أَللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَدَدُ كُلِّ نَجْمٍ فِي السَّمَاءِ

وَلَكَ الْحَمْدُ بَعْدَ كُلِّ مَلَكٍ فِي السَّمَاءِ وَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدُ كُلِّ
قُطْرَى فِي الْبَحْرِ وَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدُ أَوْرَاقِ الْأَشْجَارِ وَلَكَ الْحَمْدُ
عَدَدُ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ وَعَدَدُ الْبَهَائِمِ وَالسَّبَاعِ وَالطَّيْرِ وَلَكَ
الْحَمْدُ عَدَدُ مَا فِي جَوْفِ الْأَرْضِ وَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدُ مَا وَجْه
الْأَرْضِ وَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدُ مَا أَحْصَى كِتَابُكَ وَأَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ
وَزِينَةُ عَرْشِكَ حَمْدًا كَثِيرًا مُبَارَكًا فِيهِ اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ
عَدَدُ مَا تَقُولُ وَعَدَدُ مَا تَعْلَمُ وَعَدَدُ مَا يَعْمَلُ خَلْقُكَ
كُلُّهُمْ الْأَوَّلُونَ وَالْآخِرُونَ وَبِزْنَةِ ذَلِكَ كُلِّهِ وَعَدَدُ مَا
سَمَّيْنَا كُلَّهُ وَإِدَامَتَنَا وَفُنَيْنَا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ
لَا شَرِيكَ لَهُ وَلَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ عَلَى
كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ أَنْكَاهُ مِكُونِي أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ ذَا مَرْتَبَةٍ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ
ذَا مَرْتَبَةٍ يَا رَحْمَنُ يَا رَحْمَنُ ذَا مَرْتَبَةٍ يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ ذَا مَرْتَبَةٍ يَا حَنَّانُ
يَا مَنَّانُ ذَا مَرْتَبَةٍ يَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ذَا مَرْتَبَةٍ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ
إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ ذَا مَرْتَبَةٍ أُمِّينَ أُمِّينَ ذَا مَرْتَبَةٍ بِسْمِ
اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ذَا مَرْتَبَةٍ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَسَلَّمَ

اَللّٰهُمَّ اَنْتَ ثَقِيٌّ فِي كُلِّ كَرْبٍ وَرَجَائِي فِي
 كُلِّ شَدِيدَةٍ وَاَنْتَ لِي فِي كُلِّ اَمْرٍ نَزْلٌ بِي ثِقَةٍ وَعَدَةٌ لِّكُمْ
 مِنْ كَرْبٍ يَضَعُ فِيهِ الْفُؤَادُ وَتَقِلُّ فِيهِ الْحِيلَةُ
 وَيُخَذَلُ فِيهِ الْقَرِيبُ وَيُسْمَتُ فِيهِ الْعَدُوُّ وَانْزَلْتَهُ
 بِكَ وَشَكْوَتُهُ اِلَيْكَ رَغْبَةٌ فِيهِ اِلَيْكَ عَمَّنْ سِوَاكَ
 فَفَرَّجْتَهُ وَكَشَفْتَهُ وَكَفَيْتَنِيهِ فَاَنْتَ وَلِيُّ كُلِّ نِعْمَةٍ
 وَصَاحِبُ كُلِّ حَسَنَةٍ وَمُنْتَهَى كُلِّ رَغْبَةٍ فَلَاكَ الْحَمْدُ
 كَثِيرًا وَاِلَيْكَ اَلْمُنُّ فَاصْلًا اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ
 مُحَمَّدٍ وَسَهِّلْ لِي مَخْرَجِي وَتَسِّرْ لِي رَادَّتِي وَبَلِّغْنِي
 اَمْنِيَّتِي وَاَوْصِلْنِي اِلَى بُغْيَتِي سِرًّا عَاجِلًا وَاَقْضِ
 عَنِّي دَيْنِي يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ

ششم : از اعمال روز عاشورا همی است که بسند صحیح از عبد الله
 سنان روایت شده و از صباح شیخ طوسی نقل گردیده و مجلسی در مزار
 بحار نیز آن را روایت نموده که در روز عاشورا حضرت صادق بوی فرمود بهترین
 کاری که در این روز بکنی آنست که جامه ای پاکیزه بپوشی و بند را بگشائی

و استین بار تا مرقی بالا کنی بروش مصیبت زده گان - پس بیرون شوی بری
 بیابان تا جائی که کسی تورانه بیند و یا آنکه در خانه خالی و جای خلوتی باشد پس
 چون روز بالا آید چهار رکعت نماز با خشوع و خضوع و رکوع نیکو بجا آور و بعد
 از هر دو رکعت سلام بگویی و در رکعت اول بعد از حمد قل یا ایها الکافرون راجعاً
 و در دوم بعد از حمد قل هو الله احد و در سوم بعد از حمد سوره احزاب و در چهارم
 بعد از حمد سوره اذاجانک المنافقون راجعاً و اگر اینها را ندانی هر سوره که
 خواهی بخوان پس بگردان روی خود را بجانب روضه مقدسه آنحضرت
 و بخاطر آور شهادت آن امام مظلوم و اقارب و اصحاب آنجناب را نگاه سلام
 میکنی براو و صلوات بفرستی براو و لعنت کن قاتلان ایشان را - آنگاه
 فرمود از آنجا نیکه استاده چند گام پیش زد و بهفت مرتبه بگو انا لله
 و انا الیه راجعون رخصاً بقضائیه و تسلیماً لامیره و فرمود
 در جمیع احوال باید محزون و غمناک باشی پس چون فارغ شوی بجای خود باز شو
 و بگو اللهم عذب الفجوة الذین شاقوا رسولا و حاربا و اولیاءک و عبد و غیرک و استحلوا محارمک و العین القادة
 و الاتباع و من کان منهم فحبت و اوضع منهم او رضی

بِفَعْلِهِمْ لَعْنًا كَثِيرًا اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ
 صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ وَاسْتَنْقِذْهُمْ مِنْ أَيْدِي الْمُنَافِقِينَ
 الْمُضِلِّينَ وَالْكَافِرَةِ الْجَاهِدِينَ وَافْتَحْ لَهُمْ فَتْحًا يَسِيرًا
 وَافْتَحْ لَهُمْ رُوحًا وَفَرَجًا قَرِيبًا وَاجْعَلْ لَهُمْ مِنْ لَدُنْكَ
 عَلَى عَدُوِّكَ وَعَدُوِّهِمْ سُلْطَانًا نَاصِرًا بِسُورَةِ بَدَا
 بِرِوَايَةِ وَقَدْ كُنْ وَثَمَانِ آلِ مُحَمَّدٍ وَكَو اللَّهُمَّ إِنَّ كَثِيرًا مِنَ الْأُمَّةِ
 نَاصَبَتِ الْمُسْتَحْفِظِينَ مِنَ الْأَيْمَةِ وَكَفَرَتْ بِالْكَلِمَةِ
 وَعَكَفَتْ عَلَى الْقَادَةِ الظَّالِمَةِ وَهَجَرَتِ الْكِتَابَ وَالسُّنَّةَ
 وَعَدَلَتْ عَنِ الْحَبْلَيْنِ الَّذِينَ آمَرَتْ بِطَاعَتِهِمَا وَالتَّمَسُّكِ
 بِهِمَا فَأَمَاتَتْ الْحَقَّ وَخَادَتْ عَنِ الْقَصْدِ وَمَا لَيْتِ
 الْأَحْزَابَ وَحَرَفَتْ الْكِتَابَ وَكَفَرَتْ بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهَا
 وَتَمَسَّكَتْ بِالْبَاطِلِ لَمَّا اعْتَرَضَهَا وَضَيَّعَتْ حَقَّكَ
 وَأَضَلَّتْ خَلْقَكَ وَقَتَلَتْ أَوْلَادَ نَبِيِّكَ وَخَيْرَةَ عِبَادِكَ
 وَحَمَلَتْ عَلَيْكَ وَرَثَةَ حِكْمَتِكَ وَرَحِيكَ اللَّهُمَّ فَرِّزْ لَنَا أقدامَ أعدائكِ
 أعداءِ رَسُولِكَ وَأَهْلَ بَيْتِ رَسُولِكَ اللَّهُمَّ وَأَخْرِبْ دِيَارَهُمْ

وَأَقْلُلْ سِلَاحَهُمْ وَخَالَفَ بَيْنَ كَلِمَتِهِمْ وَفُتَّ فِي أَعْضَادِهِمْ
 وَأَوْهِنَ كَيْدَهُمْ وَاضْرِبْهُمْ بِسَيْفِكَ الْقَاطِعِ وَأَرْمِهِمْ
 بِحَجَرِكَ الدَّامِغِ وَطُمَّهُمْ بِالْبَلَاءِ طَمًّا وَغَمًّا هُمْ بِالْبَلَاءِ
 غَمًّا وَعَذِّبْهُمْ عَذَابًا تُكْرَأُ وَخُذْهُمْ بِالسِّنِينَ وَالْمَثَلَاتِ
 الَّتِي أَهْلَكْتَ بِهَا أَعْدَاءَكَ إِنَّكَ ذُو نِقْمَةٍ مِنَ الْمُجْرِمِينَ
 اللَّهُمَّ إِنَّ سُدَّتَكَ ضَائِعَةٌ وَأَحْكَامَكَ مُعْطَلَةٌ وَعِثْرَةٌ
 نَبِيِّكَ فِي الْأَرْضِ هَائِمَةٌ اللَّهُمَّ فَأَعِنِ الْحَقَّ وَأَهْلَهُ
 وَأَقْمِعِ الْبَاطِلَ وَأَهْلَهُ وَمُنِّ عَلَيْنَا بِالنَّجَاةِ وَاهْدِنَا إِلَى الْإِيمَانِ
 وَعَجِّلْ فَرَجَنَا وَأَنْظِمْنَا بِفَرَجِ أَوْلِيَاءِكَ وَاجْعَلْهُمْ لَنَا وَدًّا
 وَاجْعَلْنَا لَهُمْ وَفْدًا اللَّهُمَّ وَأَهْلِكَ مَنْ جَعَلَ يَوْمَ قَتْلِ ابْنِ
 بَيْتِ مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَخَيْرَتِكَ عِيدًا وَاسْتَهْلَ بِهِ فَرْحًا
 وَمَرَحًا وَخُذْ آخِرَهُمْ كَمَا أَخَذْتَ أَوَّلَهُمْ وَضَاعِفًا لَهُمُ
 الْعَذَابَ وَالتَّنْكِيلَ عَلَى ظَالِمِي أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ وَأَهْلِكَ
 أَشْيَاءَهُمْ وَقَادَتَهُمْ وَأَبْرَحِمَاتَهُمْ وَجَاعَتَهُمْ اللَّهُمَّ
 ضَاعِفْ صَلَوَاتِكَ وَرَحْمَتِكَ وَبَرَكَاتِكَ عَلَى عِثْرَةِ نَبِيِّكَ

الْعِثْرَةَ الضَّائِعَةَ الْخَائِفَةَ الْمُسْتَذِلَّةَ بِقِيَّةٍ مِنَ الشَّجَرَةِ
 الطَّيِّبَةِ الرَّكِيَّةِ الْمُبَارَكَةِ وَأَعْلِ اللَّهُمَّ كَلِمَتَهُمْ وَأَفْلَحْ
 حُجَّتَهُمْ وَاكْشِفْ الْبَلَاءَ وَاللَّوَاءَ وَحَنَادِسَ الْآبَاطِيلِ
 وَالْعَمَى عَنْهُمْ وَثَبِّتْ قُلُوبَ شَيْعَتِهِمْ وَحِزْبِكَ عَلَى
 طَاعَتِكَ وَلَا يَتِيهِمْ وَنُصْرَتِهِمْ وَمُؤَالَاتِهِمْ وَأَعِزَّهُمْ
 وَأَمْنَحُهُمُ الصَّبْرَ عَلَى الْأَذَى فِيكَ وَاجْعَلْ لَهُمْ أَيَّامًا
 مَشْهُودَةً وَأَوْقَاتًا مَحْمُودَةً مَسْعُودَةً تُوشِكُ فِيهَا
 فَرَجُهُمْ وَتُوجِبُ فِيهَا تَمْكِينَهُمْ وَنُصْرَهُمْ كَمَا صُمِنْتَ
 لِأَوْلِيَائِكَ فِي كِتَابِكَ الْمُنَزَّلِ فَإِنَّكَ قُلْتَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ
 وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ
 فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ
 لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ
 خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا اللَّهُمَّ
 فَاكْشِفْ عَنْهُمْ يَا مَنْ لَا يَمْلِكُ كَشْفَ الضَّرِّ إِلَّا هُوَ يَا
 وَاحِدُ يَا أَحَدُ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ وَأَنَا يَا إِلَهِي عَبْدُكَ الْخَائِفُ مِنْكَ

وَالرَّاجِعُ إِلَيْكَ السَّائِلُ لَكَ الْمُقْبِلُ عَلَيْكَ الْآخِرُ إِلَى
فَنَائِكَ الْعَالِمُ بَآئِنُهُ لَا مَلْجَأَ مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ اللَّهُمَّ فَاقْبَلْ
دُعَائِي وَاسْمَعْ نِدَائِي يَا إِلَهِي عَلَانِيَتِي وَخُجْوَايَ وَاجْعَلْنِي
مِمَّنْ رَضِيتَ عَمَلَهُ وَقَبِلْتَ لُسُكَهُ وَنَجَّيْتَهُ بِرَحْمَتِكَ
إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْكَرِيمُ اللَّهُمَّ وَصِلْ أَوَّلًا وَآخِرًا عَلَى مُحَمَّدٍ
وَالْحُجَّامِدِ وَارْحَمْ مُحَمَّدًا وَالْحُجَّامِدِ بِأَكْمَلِ وَأَفْضَلِ مَا
صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَى أَنْبِيَآءِكَ وَرُسُلِكَ وَمَلَائِكَتِكَ
وَحَمَلَةَ عَرْشِكَ يَا إِلَهَ الْآلَاءِ أَنْتَ اللَّهُمَّ وَلَا تُفَرِّقْ بَيْنِي
وَبَيْنَ مُحَمَّدٍ وَالْحُجَّامِدِ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ وَاجْعَلْنِي
يَا مُوَلَايَ مِنْ شِيعَةِ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنِ
وَالْحُسَيْنِ وَذُرِّيَّتِهِمُ الطَّاهِرَةِ الْمُتَجَبَّةِ وَهَبْ لِي التَّمَسُّكَ
بِحَبِّهِمُ وَالرِّضَا بِسَيِّدِيهِمُ وَالْأَخْذَ بِطَرِيقَتِهِمُ إِنَّكَ
جَوَادُ كَرِيمٌ بِسْمِجْدِهِ بَرُو وَطَرْفِ رُؤْيِ خُودِهِ بِرَخَاكِ بَلْدَارِ وَبُكْوِي
يَا مَنْ يَحْكُمُ مَا يَشَاءُ وَيَفْعَلُ مَا يُرِيدُ أَنْتَ حَكَمْتَ فَلَكَ
الْحَمْدُ مُحَمَّدًا مُشْكُورًا فَعَجِّلْ يَا مُوَلَايَ فَرَجَهُمْ وَفَرَجَنَا بِهِمْ

فَإِنَّكَ ضَمِنْتَ إِعْزَازَهُمْ بَعْدَ الدِّلَّةِ وَتَكْثِيرَهُمْ بَعْدَ الْقِلَّةِ
وَأَظْهَرَهُمْ بَعْدَ الْخُمُولِ يَا أَصْدَقَ الصَّادِقِينَ وَيَا أَرْحَمَ
الرَّاحِمِينَ فَاسْأَلْكَ يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي مُتَضَرِّعًا إِلَيْكَ
بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ بِسَطَا مَلِي وَالْتِجَاؤِ زَعْنِي وَقَبُولِ قَلِيلِ
عَمَلِي وَكَثِيرِهِ وَالزِّيَادَةِ فِي آيَاتِي وَتَبْلِيغِي ذَلِكَ الْمَشْهَدِ
وَأَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ يُدْعَى فَيُجِيبُ إِلَى طَاعَتِهِمْ وَمُؤَالَاتِهِمْ
وَنَصْرِهِمْ وَتُورِيَنِي ذَلِكَ قَرِيبًا سَرِيعًا فِي عَافِيَةٍ إِنَّكَ
عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ پس سرخو را بسوی آسمان بلند کن و بگو آعوذُ بِكَ
أَنْ أَكُونَ مِنَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ آيَاتَكَ فَأَعِذْنِي يَا إِلَهِي
بِرَحْمَتِكَ مِنْ ذَلِكَ

چون چنین کنی این عمل بهتر است برای تو از جهای بسیار و عمره های
بسیار که مال بسیار و آن صرف نمائی و بدن خود را در اینها بتعب افکنی و از
اهل و عیال و فرزندان خود جدا شوی و بدان کسی که این نماز را در این روز بکند
و این دعا را از روی اخلاص بخواند و این عمل را با یقین و تصدیق بجا آورد
خداوند خلعت باو عطا کند که از جمله اینها نیست که او را از مردنهای بد حفظ کند

مانند غرق شدن و سوختن و زیر عمارت ماندن و امثال اینها و تا مردن دشمنی
بر او مسلط نگردد و نگاه دارد او را از خوره و دیوانگی و پستی درخوش و فرزندانش
تا چهار پشت - و شیطان را مسلط نگرداند بر او و نگاه دارد او را از شیطان
و یادورانش را بر او مسلط نگرداند تا چهار پشت

هفتم: از اعمال روز عاشورا زیارت است و فضیلت زیارت آنحضرت
در همه وقت وارو است - در کامل الزیارة ابن قولویه قمی ص ۱۱ روایت است
که حسین ع از جد خود رسول خدا ص سوال نمود که چیست ثواب کسی که زیارت
کند تو را بعد از موت تو فرمود ای فرزند من کسی که پس از مردن من بیاید مرا
زیارت کند از برای اوست بهشت و کسی که پدر تو را زیارت کند بعد از مردن او
از برای اوست بهشت و کسی که برادر تو را زیارت کند بعد از مردن او از برای
اوست بهشت و کسی که تو را زیارت کند بعد از مردن تو از برای اوست
بهشت - در وسائل الشیعه ج ۲ سند بحضرت امام موسی ع میرساند که
آنحضرت فرمود "من اتی الحسین عارفاً بحقه غفر الله له ما
تقدم من ذنبه و مات آخر" و نیز از عبد الرحمن بن کثیر از امام صادق
روایت نمود که آنحضرت فرمود اگر یکی از شما تمام روز کار خود را حج کند و حسین بن علی

رازيارت نكند هر آينه حقی از حقوق رسول خدا را ترك نموده است برای آنكه حقی
 حسین فریضه ایست از خدا كه واجبست بر هر مسلم نظر باین گونه روایت است
 كه بعضی از علما گفته اند زیارت امام حسین غ برای کسیكه مقتدر است در عمری
 يك مرتبه واجب است و تخلف از آن جائز نیست - در وسائل است امام
 صادق غ میفرماید منرا و از نیست تخلف از زیارت حسین بیشتر از چهار سال
 باز حضرت صادق غ بسیف بن عمیره میفرماید کسیكه زیارت نكند قبر حسین را
 و او گمان میکند كه شیعه می باشد تا بمیرد - پس او شیعه مانیت اگر از بهشتیان
 باشد پس در بهشت ضایع است - و نیز حضرت باقر غ میفرماید کسیكه حسین
 زیارت نكند ناقص الایمان است و نیز در وسائل سند بخرون بن خارجه میرسد
 كه از امام صادق غ سوال نمود از کسیكه بدون سبب ترك زیارت قبر حسین غ
 نماید این شخص از اهل آتش است - علی بن میمون میگوید از امام صادق غ شنیدم
 فرمود اگر هر آينه یکی از شما هزار حج نماید و قبر حسین بن علی زیارت نكند هر آينه
 حقی از حقوق رسول خدا ص را ترك نموده - و باز فرمود حقی حسین واجب است
 بر هر مسلمان حضرت رضا غ میفرماید کسیكه زیارت كند قبر ابی عبد الله حسین را
 بشطرفات می باشد مانند کسی است كه زیارت نموده است خدا را بروی عرش

باز در وسائل الشیعه از محمد بن مسلم از امام باقر ع روایت نمود امر کنید شیعیان
 را از زیارت قبر حسین پس بدستیکه زیارت کردن قبر حسین ع سبب زیادتی
 روزی و طول عمر می باشد و دیدن باراد و می کند و زیارت نمودن قبر آنحضرت واجب
 است بر هر مومنی که اقرار نماید بامامت او - و نیز در روایت دیگر امام صادق
 است میفرماید کسیکه ترک کند زیارت قبر حسین را و عسورتیکه قدرت داشته
 باشد بر آن هر آینه عاق رسول خدا و عاق ما است - و فرمود کسیکه زیارت کند
 حسین را برای او است ثواب حج و عمره مقبوله - و در روایت دیگر است که
 آنحضرت فرمود کسیکه حسین را زیارت کند و نسبت بحق آنحضرت عارف باشد
 از برای او نوشته میشود ثواب هزار حج و هزار عمره مقبوله و آمرزیده میشود و گناهان
 گذشته و آینده او - و باز از رسول خدا ص روایت شده است که ثواب
 زیارت حسین برای کسیکه عارف بحق وی باشد هزار حج و هزار عمره است و نیز
 فرمود کسیکه حسین را زیارت کند چنان است که مر از زیارت کرده است و کسیکه
 مر از زیارت کند پس چنانست که خدا از زیارت نموده است و بر خدا است آن که
 او را آتش دوزخ عذاب نکند آنگاه فرمود "الاوان الاجابة تحت
 قبته والشفاء فی تربته والائمة من ولده" و ممکن است

که اختلاف روایات در بیان اندازه ثواب از جهت اختلاف معرفت زیارت کنندگان
باشد - و محمد بن مسلم از امام باقر ع روایت نموده که آنحضرت فرموده شیعیان
ما را آفر زیارت حسین بن علی نماید پس بدرستی که زیارت او نگاه میدارد انسان
را از هدم و غرق و سوختن و از خورده شدن درنده گان - و زیارت او واجب
است بر هر کسی که اقرار کند برای حسین ع بامامت وی از جانب خدای عز و جل
و روایت دیگر که در فضیلت زیارت آنحضرت وارد گردیده باندازه ایست که
نقل آن از گنجایش این مختصر خارج است و مفاد آن جمله تنها بیان رجحان
و استحباب نیست بلکه رویم فرقه و جوب زیارت بخوبی فهمیده میشود چه در بعضی
از آن روایات که تبارک زیارت در صورت توانائی عاق رسول خدا و عاق ما است
و در برخی دیگر تبارک زیارت تبارک حقی از حقوق رسول خدا است و در روایت
دیگر است که تبارک زیارت از شیعه مانیت و در جای دیگر است که تبارک
زیارت بی جهت از اهل آتش است - و باز در جای دیگر است زیارت حسین
حقی است از حقوق رسول خدا و ترک آن ترک حقی از حقوق آنحضرت است
و حق حسین فریضه است از خدا که واجب است بر هر مسلمان - در کامل الزیاره
ص ۱۲۷ فرمایش امام صادق ع بام سعید آنست که فرمود زیارت قبر حسین

واجب است بر هر مرد و زن - پس روی هم رفته انصافاً وجوب زیارت آنحضرت
 ازین روایات بخوبی فهمیده میشود چنانکه بعضی از علما نیز بر آن رفته اند مجلسی در
 مزار بحار مینویسد (زیارت صلوات الله علیه واجبة مفترضة
 مامورین بها) و نیز در مزار ص ۱۰۹ (ثم اعلم ان ظاهراً اکثر اخبار
 هذا الباب وكثير من اخبار الابواب الاُتية وجوب
 زیارت صلوات الله علیه بل كونها من اعظم الفرائض
 والاكد ها ولا یبعد القول بوجوبها فی العمر مرة مع القدرة
 والیه کان یعیل الوالد العلام نور الله ضریحه) از این جهت
 مناسب است کسانی که دم از تشیع میرتند و خود را دوست خانوادۀ رسالت
 میدانند در صورت اقتدار ترك زیارت آنحضرت را در عمری یک مرتبه ننمایند
 و هرگاه ممکن شود زیاده از آن اهتمام زیارت کنند البته بهتر خواهد بود و قیام
 بحقوق رسول خدا ص شده است خصوصاً بعد از ملاحظه قسمتی از روایات که مدت
 ترك زیارت در آن محدود گردیده - در بعضی از آن است که امام غنی میفرماید
 بر غنی است سالی دو مرتبه و بر فقیر است سالی یک مرتبه - و در جای دیگر
 است بر غنی است هر چهار ماه یک مرتبه و بر محسر چیزی نیست برای آنکه

لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا - و در بعضی روایات دیگر است
 که بزرگوار است که آنحضرت را اقلای یک مرتبه زیارت نماید و بزرگوار است
 هر سه سال یک مرتبه پس با وجود این روایات و امثال آن تارک زیارت
 آنحضرت ترکب امر عظیمی گردیده چه انصافاً روی هم رفته وجوب زیارت آنحضرت
 در صورت اقتدار از روی این روایات بخوبی فهمیده میشود - و لذا در هنگام
 امکان توان گفت ترک زیارت آنحضرت خصوصاً در عمری یک مرتبه جائز
 نخواهد بود از آن گذشته قیام باین امر مهم که از بزرگترین شعار مذہب شیعه
 و دین اسلام است بهترین وسیله حکمانه است که شیعه را قوی مینماید
 و در نتیجه اجتماع در آن محل روحانی فرق مختلف شیعه بهم ارتباط می یابند
 و اگر اهتمام شیعه زیارت نبود این علاقه مندی کنونی بین فرق مختلف شیعه
 ممکن نمیشد - پس امر زیارت امریست حکمانه روحیات و یانیت و آثار
 توحید بسبب آن زنده خواهد ماند و زنده داشتن آن احیاء اسلام
 و مذہب است.

و فضیلت زیارت روز عاشورا است

سید بن طاووس و اقبال از امام صادق ع روایت نموده هر که

حضرت امام حسین را در روز عاشورا زیارت کند بهشت برای او واجب میشود
و نیز از زید شحام از امام صادق روایت نموده که آنحضرت فرمود کسی که قبر
حسین را در روز عاشورا زیارت کند و عارف بحق او باشد می باشد مانند کسی که
زیارت کرده است خدا را بر عرش او - و در کمال الزیارة روایت شده که
هر کس در آن روز نزد قبر امام حسین آب دهد مانند کسی است که سپاه آنحضرت را
آب داده باشد - و در کمال الزیارة جعفر بن محمد بن قولویه قمی زیارتی روایت
نموده که مجلسی در زاد المعاد نیز آن را نقل کرده است - و خلاصه آن آنست که
مالک جعفی از امام محمد باقر ع روایت نموده که آنحضرت فرمود هر که زیارت کند حسین
را در روز و نهم محرم نزد قبر آنحضرت گریان شود و خدا را ملاقات کند در روز قیامت
با ثواب دو هزار هزار حج و دو هزار هزار عمره و دو هزار هزار جهاد که با رسول خداست
و با ائمه راشدین صلوات الله علیهم اجمعین نموده باشد مالک گفت خدای تو
شوم چه ثواب است برای کسی که در شهرهای دور باشد و ممکن نباشد برای رفتن
بسوی قبر آنحضرت فرمود چون روز عاشورا شود بصره بیرون رود یا بر بام خانه
رود و اشاره بسوی قبر آنحضرت بسلام و جهد کند و در نفرین کردن بر قاتل آنحضرت
و بعد از آن دو رکعت نماز بجا آورد و این کار را در اول روز پیش از ظهر نماید

(نگاه حضرت در این روایت بملک محضی امر بخراداری در آن روز نماید و میفرماید)
 پس ندبه و نوحه و گریه و زاری کند بر حسین و امر کند هر که در خانه او است و از او
 تقیّه نکند بگریه کردن بر آنحضرت و در خانه خود مصیبتی برپا کند با طهارت و جزع بر
 آنحضرت و ملاقات کنند یکدیگر را بگریه کردن و تعزیت گفتن بیکدیگر
 بمصیبت آنحضرت پس من ضامنم از برای کسی که این کار را بکند خدا آن ثوابها
 را بایشان عطا فرماید. مالک گوید که با آنحضرت عرض کردم فدای تو گردم ای
 تو ضامنی از برای ایشان باین ثواب اگر این کار را بکنند فرمود بلی من
 ضامنم از برای آنها مالک پرسید که چگونه یکدیگر را تعزیت بگویند فرمود بگویند
 عَظَّمَ اللَّهُ أَجُورَنَا بِمُصَابِنَا بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَجَعَلْنَا
 وَإِيَّاكُمْ مِنَ الظَّالِمِينَ بِشَارِهِ مَعَ وَلِيِّهِ الْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ
 مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ و اگر توانی در آن روز از برای هیچ
 کاری از خانه بیرون مرو که آن روز روز نحسی است که حاجت هیچ مؤمنی در آن روز
 برآورده نمیشود و اگر برآورده شود از برای او مبارک نیست و در آن رشدی و خیری
 نیست و از برای منزل خود چیزی و خیره منما که هر که در این روز چیزی و خیره
 کند آن چیز برای او مبارک نخواهد بود پس کسی که چنین کند نوشته شود برای

او ثواب هزار هزار حج و هزار هزار عمره و هزار هزار جهاد که همه را بار رسول خدا ص کرد
 باشد و از برای او خواهد بود ثواب مصیبت هر پیغمبری و رسولی و صدیقی که مرده
 باشد یا گشته باشد از روزی که خدا دنیا را آفریده است تا روز قیامت - علقه
 بن محمد خضرمی گفت من گفتم بحضرت امام محمد باقر که تعلیم نما بمن دعائی را که بخوانم
 در این روز هرگاه خواهم آنحضرت را زیارت کنم از نزدیک و دور و دعائی که هرگاه
 در شهرهای دور خواهم که اشاره کنم و آنحضرت را زیارت کنم فرمود ای علقه
 هرگاه این دو رکعت را بجا آوری و بجانب قبر آنحضرت اشاره کرده باشی بسلام
 و بگوئی بعد از اشاره و نماز آن احوال را که مذکور خواهد شد پس دعا کرده
 خواهی شد بدعائی که ملائکه میخوانند در وقتیکه زیارت آنحضرت کنند و میگوید
 خدا برای تو بان زیارت هزار هزار حسنه و محو کند از تو هزار هزار گناه و بلند کند
 برای تو در بهشت هزار هزار درجه و خوابی بود از آنها نیکه شهید شده باشند با
 حسین بن علی ع تا آنکه شرک شوی با ایشان در درجات ایشان و نشانه
 تو را مگر از آنها نیکه با حضرت شهید شده باشند و نوشته شود برای تو ثواب
 هر پیغمبری و رسولی و ثواب زیارت هر که آنحضرت را زیارت کرده است از
 روزی که شهید شده است و میگوئی السَّلامُ عَلَیْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ أَمِيرِ
 الْمُؤْمِنِينَ وَابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ
 فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ
 اللَّهِ وَابْنَ ثَارِهِ وَالْوَثْرَ الْمَوْتُورَ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْأَرْوَاحِ
 الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ عَلَيْكُمْ مِنِّي جَمِيعًا سَلَامُ اللَّهِ أَبَدًا
 مَا بَقِيَتْ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ لَقَدْ عَظُمَتْ
 الْوَزِيرَةُ وَجَلَّتْ وَعَظُمَتْ الْمُصِيبَةُ بِكَ عَلَيْنَا وَعَلَى
 جَمِيعِ أَهْلِ الْإِسْلَامِ وَجَلَّتْ وَعَظُمَتْ مُصِيبَتُكَ فِي
 السَّمَوَاتِ عَلَى جَمِيعِ أَهْلِ السَّمَوَاتِ فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً
 اتَّسَتْ أَسَاسَ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ وَلَعَنَ
 اللَّهُ أُمَّةً رَفَعَتْكُمْ عَنْ مَقَامِكُمْ وَأَنزَلَتْكُمْ عَنْ مَرَاتِبِكُمْ الَّتِي
 رَفَعَكُمْ اللَّهُ فِيهَا وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكُمْ وَلَعَنَ اللَّهُ
 الْمُتَهْدِينَ لَهُمْ بِالْتَّمِكِينَ مِنْ قِتَالِكُمْ بَرِئْتُ إِلَى اللَّهِ وَالْيَوْمِ
 مِنْهُمْ وَأَشْيَاعِهِمْ وَاتِّبَاعِهِمْ وَأَوْلِيَائِهِمْ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ
 إِنِّي سَلِّمٌ لِمَنْ سَأَلَكَمُ وَحَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ إِلَى يَوْمِ

الْقِيَّةَ وَلَعَنَ اللَّهُ آلَ نُرَيْدٍ وَآلَ مَرْوَانَ وَلَعَنَ اللَّهُ بَنِي
أُمَيَّةَ قَاطِبَةً وَلَعَنَ اللَّهُ ابْنَ مَرْجَانَةَ وَلَعَنَ اللَّهُ عُمَرَ
بْنَ سَعْدٍ وَلَعَنَ اللَّهُ شِمْرًا وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَةً أَسْرَجَتْ
وَالْحَمَتِ وَتَنَقَّبَتْ لِقَتَالِكَ يَا بَنِي أَنْتَ وَأُمِّي لَقَدْ عَظُمَ
مُصَابِي بِكَ فَاسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَكْرَمَ مَقَامَكَ وَأَكْرَمَنِي
أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِكَ مَعَ إِمَامٍ مَنْصُورٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ
مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي عِنْدَكَ وَجِيهًا
بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ
إِنِّي اتَّقَرُّبُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَى رَسُولِهِ وَإِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَإِلَى
فَاطِمَةَ وَإِلَى الْحَسَنِ وَإِلَيْكَ بِمُؤَالَاتِكَ وَيَا لِبَرَاءَةِ مِمَّنْ
قَاتَلَكَ وَنَصَبَ لَكَ الْحَرْبَ وَيَا لِبَرَاءَةِ مِمَّنْ أَتَسَّسَ آسَاسَ
الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ عَلَيْكُمْ وَأَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَى رَسُولِهِ مِمَّنْ أَتَسَّسَ
آسَاسَ ذَلِكَ وَبَنَى عَلَيْهِ بُنْيَانَهُ وَجَرَى فِي ظُلْمِهِ وَجُورِهِ
عَلَيْكُمْ وَعَلَى أَشْيَاعِكُمْ بَرِئْتُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَيْكُمْ مِنْهُمْ وَاتَّقَرَّبُ
إِلَى اللَّهِ ثُمَّ إِلَيْكُمْ بِمُؤَالَاتِكُمْ وَمُؤَالَاةٍ وَإِلَيْكُمْ وَيَا لِبَرَاءَةِ

مِنْ أَعْدَائِكُمْ وَالنَّاصِبِينَ لَكُمْ الْحَرْبَ وَالْبِرَاءَةَ مِنْ
 أَشْيَاعِهِمْ وَاتِّبَاعِهِمْ إِنِّي سَلَمٌ لِمَنْ سَأَلَكَمُ وَحَرْبٌ
 لِمَنْ حَارَبَكُمْ وَوَلِيٌّ لِمَنْ وَالَاكُمْ وَعَدٌ لِمَنْ عَادَاكُمْ
 فَاسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَكْرَمَنِي بِمَعْرِفَتِكُمْ وَمَعْرِفَةِ أَوْلِيَائِكُمْ
 وَرَزَقَنِي الْبِرَاءَةَ مِنْ أَعْدَائِكُمْ أَنْ يَجْعَلَنِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا
 وَالْآخِرَةِ وَأَنْ يُثَبِّتَ لِي عِنْدَكُمْ قَدْ مَصِدَّقِي فِي الدُّنْيَا
 وَالْآخِرَةِ وَأَسْأَلُهُ أَنْ يُبَلِّغَنِي الْمَقَامَ الْحَمُودَ لَكُمْ عِنْدَ
 اللَّهِ وَأَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِي مَعَ إِمَامٍ هُدَى ظَاهِرٍ نَاطِقٍ
 بِالْحَقِّ مِنْكُمْ وَأَسْأَلُ اللَّهَ بِحَقِّكُمْ وَبِالشَّانِ الَّذِي لَكُمْ
 عِنْدَهُ أَنْ يُعْطِيَنِي بِمَصَابِي بَكُمْ أَفْضَلَ مَا يُعْطِي مُصَابَا
 بِمُصِيبَتِهِ مُصِيبَةً مَا أَعْظَمَهَا وَأَعْظَمَ رِزْقَهَا فِي
 الْإِسْلَامِ وَفِي جَمِيعِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي
 فِي مَقَامِي هَذَا مِنْ تَنَالِهِ مِنْكَ صَلَوَاتٌ وَرَحْمَةٌ وَمَغْفِرَةٌ
 اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَحْيَايَ مَحْيَا مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَمَمَاتِي مَمَاتَ
 مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا يَوْمٌ تَبَرَّكَتْ بِهِ

بَنُو أُمَيَّةَ وَابْنُ أَكْلَةَ الْأَكْبَادِ اللَّعِينُ بْنُ اللَّعِينِ عَلَى لِسَانِكَ
وَلِسَانِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي كُلِّ مَوْطِنٍ وَمَوْقِفٍ
وَقَفَ فِيهِ نَبِيُّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اللَّهُمَّ الْعَنُ أَبَا
سُفْيَانَ وَمُعَوِيَةَ وَيزِيدُ بْنُ مُعَوِيَةَ عَلَيْهِمْ مِنْكَ اللَّعْنَةُ
أَبَدًا الْأَيْدِينَ وَهَذَا يَوْمُ فَرَحَتْ بِهِ آلُ زِيَادٍ وَآلُ مَرْوَانَ
بِقَتْلِهِمُ الْحُسَيْنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ اللَّهُمَّ فَضَاعِفْ
عَلَيْهِمُ اللَّعْنَ مِنْكَ وَالْعَذَابَ الْأَلِيمَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَنْتَقَرَبُ
إِلَيْكَ فِي هَذَا الْيَوْمِ وَفِي مَوْقِفِي هَذَا وَأَيَّامِ حَيَوَتِي بِالْبَرَاءَةِ
مِنْهُمْ وَاللَّعْنَةِ عَلَيْهِمْ وَبِالْمُؤَالَاتِ لِنَبِيِّكَ وَآلِ نَبِيِّكَ
عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ پس گوئی صدم مرتبه اللَّهُمَّ الْعَنُ أَوَّلَ
ظَالِمٍ ظَلَمَ حَقَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَخِرَتَابِعْ لَهُ عَلَى ذَلِكَ
اللَّهُمَّ الْعَنُ الْعِصَابَةَ الَّتِي جَاهَدَتْ الْحُسَيْنِ وَشَابَعَتْ
وَبَايَعَتْ وَتَابَعَتْ عَلَى قَتْلِهِ اللَّهُمَّ الْعَنُكُمْ جَمِيعًا
پس میگوئی صدم مرتبه السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَعَلَى
الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفَنَائِكَ عَلَيْكَ مِنِّي سَلَامُ اللَّهِ أَبَدًا

مَا بَقِيَتْ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَلَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ
 مِنِّي لِزِيَارَتِكُمْ السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ وَعَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ
 وَعَلَى أَوْلَادِ الْحُسَيْنِ وَعَلَى أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ پس میگوئی
 اللَّهُمَّ خُصَّ أَنْتَ أَوَّلَ ظَالِمٍ بِاللَّعْنِ مِنِّي وَأَبْدَأُ بِهِ أَوَّلًا
 ثُمَّ الثَّانِي وَالثَّالِثَ وَالرَّابِعَ اللَّهُمَّ الْعَنْ يَزِيدَ خَامِسًا
 وَالْعَنْ عُبَيْدَ اللَّهِ بْنِ زِيَادٍ وَابْنَ مَرْجَانَةَ وَعُمَرَ بْنَ سَعْدٍ
 وَشِمْرًا وَآلَ أَبِي سُفْيَانَ وَآلَ زِيَادٍ وَآلَ مُرْوَانَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ
 پس سجده میروی و میگوئی اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدَ الشَّاكِرِينَ لَكَ
 عَلَى مُصَابِهِمُ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى عَظِيمِ زُرِّيَّتِي اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي
 شِفَاعَةَ الْحُسَيْنِ يَوْمَ الْوُرُودِ وَثَبِّتْ لِي قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَكَ
 مَعَ الْحُسَيْنِ وَأَصْحَابِ الَّذِينَ بَدَلُوا مَهْجَمَهُمْ دُونَ الْحُسَيْنِ
 عَلَيْهِ السَّلَامُ علقه گفتم که حضرت امام محمد باقر فرمود که اگر توانی هر روز
 حضرت را با این کیفیت زیارت کنی که جمیع ثوابها برای تو خواهد بود - و روایت
 کرد محمد بن خالد طایلسی از سیف بن عمیره که گفت من با صفوان جمال بن
 خالد با جماعتی از اصحاب خود رفتم بسوی نجف بعد از آن که حضرت صادق

بیرون رفته بود از حیره بمدینه پیش از ما پس چون از زیارت حضرت امیر المؤمنین
 فارغ شدیم صفوان روی خود را گردانید بسوی قبر حضرت امام حسین گفت
 که زیارت کنید حضرت امام حسین را از این مکان بالای سر امیر المؤمنین
 که حضرت امام جعفر صادق چنین کرد در وقتیکه من در خدمت آنجناب
 در این مکان شریف آمده بودم پس صفوان خواند آن زیارت را که علقه
 از حضرت امام محمد باقر برای روز عاشورا روایت کرده است پس دو رکعت
 نماز کرد نزد سر امیر المؤمنین غ و وداع کرد بعد از نماز حضرت امیر المؤمنین با
 و رو بجانب قبر حضرت امام حسین کرد و آنحضرت را نیز وداع کرد و از جمله دعاها
 که بعد از آن دو رکعت خواند این دعا بود - يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا
 مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ يَا كَاشِفَ كُرْبِ الْمَكْرُوبِينَ
 يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ يَا صَرِيحَ الْمُسْتَصْرِحِينَ وَيَا مَنْ هُوَ
 أَقْرَبُ إِلَيَّ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ وَيَا مَنْ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ
 وَيَا مَنْ هُوَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى وَبِالْأُفُقِ الْمُبِينِ وَيَا مَنْ هُوَ الرَّحْمَنُ
 الرَّحِيمُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى وَيَا مَنْ يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ
 وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ وَيَا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ خَافِيَةٌ يَا مَنْ لَا

تَشْتَبِهُ عَلَيْهِ الْأَصْوَاتُ وَيَا مَنْ لَا تُغْلِطُهُ الْحَاجَاتُ وَيَا
مَنْ لَا يُبْرِمُهُ الْحَاحُ الْمُلِحِّينَ يَا مُدِيرَ كُلِّ فَوْتٍ وَبِاجَامِعِ
كُلِّ شَيْءٍ وَيَا بَارِيَّ النَّفُوسِ بَعْدَ الْمَوْتِ يَا مَنْ هُوَ كُلُّ يَوْمٍ فِي
شَأْنٍ يَا قَاضِيَ الْحَاجَاتِ يَا مُنْقِصَ الْكُرْبَاتِ يَا مُعْطِيَ السُّؤْلَاتِ
يَا وَلِيَّ الرَّغَبَاتِ يَا كَافِيَ الْمُهَمَّاتِ يَا مَنْ يَكْفِي مِنْ كُلِّ شَيْءٍ
وَلَا يَكْفِي مِنْهُ شَيْءٌ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ أَسْأَلُكَ بِحَقِّ
مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَعَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَبِحَقِّ فَاطِمَةَ
بِنْتِ نَبِيِّكَ وَبِحَقِّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ فَإِنِّي بِهِمْ أَتَوَجَّعُ إِلَيْكَ
فِي مَقَامِي هَذَا وَبِهِمْ أَتَوَسَّلُ وَبِهِمْ أَتَشْفَعُ إِلَيْكَ وَبِحَقِّهِمْ
أَسْأَلُكَ وَأُقْسِمُ وَأَعِزُّكَ عَلَيْكَ وَبِالشَّيْءِ الَّذِي لَهُمْ عِنْدَكَ
وَبِالْقَدْرِ الَّذِي لَهُمْ عِنْدَكَ وَبِالَّذِي فَضَّلْتَهُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ
وَبِأَسْمِكَ الَّذِي جَعَلْتَهُ عِنْدَهُمْ وَبِهِ خَصَصْتَهُمْ دُونَ
الْعَالَمِينَ وَبِهِ أَبْنَيْتَهُمْ وَأَبْنَيْتَ فَضْلَهُمْ مِنْ فَضْلِ الْعَالَمِينَ
حَتَّى فَاقَ فَضْلَهُمْ فَضْلَ الْعَالَمِينَ جَمِيعًا أَسْأَلُكَ أَنْ
تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُكْشِفَ عَنِّي غَمِّي وَهَمِّي

وَكُرِّبِي وَتَكْفِينِي الْمُهَمَّ مِنْ أُمُورِي وَتَقْضِي عَنِّي دِينِي
وَتُجِيرَنِي مِنَ الْفَقْرِ وَتُجِيرَنِي مِنَ الْفَاقَةِ وَتُعِينَنِي عَنِ
الْمَسْئَلَةِ إِلَى الْخُلُوقِينَ وَتَكْفِينِي هَمَّ مَنْ أَخَافُ هَمَّهُ
وَعَسْرَ مَنْ أَخَافُ عُسْرَهُ وَحُزْنَ مَنْ أَخَافُ حُزْنَهُ
وَشَرَّ مَنْ أَخَافُ شَرَّهُ وَمَكْرَ مَنْ أَخَافُ مَكْرَهُ وَبَغْيَ مَنْ
أَخَافُ بَغْيَهُ وَجَوْرَ مَنْ أَخَافُ جَوْرَهُ وَسُلْطَانَ مَنْ
أَخَافُ سُلْطَانَهُ وَكَيْدَ مَنْ أَخَافُ كَيْدَهُ وَمَقْدَرُ مَنْ
أَخَافُ مَقْدَرَتَهُ عَلَيَّ وَتَرُدَّنِي عَنِّي كَيْدَ الْكَيْدَةِ وَمَكْرَ
الْمَكْرَةِ اللَّهُمَّ مَنْ أَرَادَنِي فَارِدُهُ وَمَنْ كَادَنِي فِكْدُهُ وَأَصْرَفَ
عَنِّي كَيْدَهُ وَمَكْرَهُ وَأَسْأَلُكَ وَأَمَانِيَّةً وَأَمْنَعُهُ عَنِّي كَيْفَ
شِئْتَ وَأَنِّي شِئْتَ اللَّهُمَّ اشْغَلْهُ عَنِّي بِفَقْرٍ لَا تَجْبِرُهُ
وَبِلَاءٍ لَا تَسْتُرُهُ وَبِفَاقَةٍ لَا تَسُدُّهَا وَبِسُقْمٍ لَا تُعَافِيهِ
وَذُلٍّ لَا تُعِزُّهُ وَبِمَسْكَنَةٍ لَا تَجْبِرُهَا اللَّهُمَّ اضْرِبْ بِالذُّلِّ
نَصَبَ عَيْنِيهِ وَأَدْخِلْ عَلَيْهِ الْفَقْرَ فِي مَنْزِلِهِ وَالْعِلَّةَ
وَالسُّقْمَ فِي بَدَنِهِ حَتَّى تَشْغَلَهُ عَنِّي بِشُغْلٍ شَاغِلٍ لَا قَرَاغَ

لَهُ وَأَنَسِهِ ذِكْرِي كَمَا أَنَسِيتهُ ذِكْرَكَ وَخَذَعَنِي بِسَمْعِهِ وَبَصَرِهِ
وَلِسَانِهِ وَيَدَيْهِ وَرِجْلَيْهِ وَقَلْبِهِ وَجَمِيعَ جَوَارِحِهِ وَأَدْخَلَ عَلَيْهِ
فِي جَمِيعِ ذَلِكَ السُّقْمَ وَلَا تَشْفِيهِ حَتَّى تَجْعَلَ ذَلِكَ لَهُ شُغْلًا
شَاغِلًا بِهِ عَنِّي وَعَنْ ذِكْرِي وَأَكْفِيَنِي يَا كَافِي مَا لَا يَكْفِي سِوَاكَ
فَإِنَّكَ الْكَافِي لَا كَافِي سِوَاكَ وَمُفَرِّجُ لَا مُفَرِّجَ سِوَاكَ وَمُغِيثُ
لَا مُغِيثَ سِوَاكَ وَجَارُ لَا جَارَ سِوَاكَ خَابَ مَنْ كَانَ جَارُهُ سِوَاكَ وَ
مُغِيثُهُ سِوَاكَ وَمُفَرِّعُهُ إِلَى سِوَاكَ وَمُهْرَبُهُ إِلَى سِوَاكَ وَمَلْجَأُهُ إِلَى
غَيْرِكَ وَمَنْجَاهُ مِنْ مَخْلُوقٍ غَيْرِكَ فَأَنْتَ ثِقَتِي وَرَجَائِي وَمُفَرِّعِي وَمُغِيثِي
وَمَلْجَأِي وَمَنْجَايَ فَبِكَ اسْتَفْتِيحُ وَبِكَ اسْتَنْجِحُ وَبِالْحَمْدِ أَتَوَجَّهُ
إِلَيْكَ وَأَتَوَسَّلُ وَأَتَشْفَعُ فَأَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ فَلَكَ الْحَمْدُ
وَالشُّكْرُ وَإِلَيْكَ الْمَشْتَكِي وَأَنْتَ الْمُسْتَعَانُ فَأَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ
بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَكْشِفَ عَنِّي غَمِّي وَهَمِّي وَكَرْبِي
فِي مَقَامِي هَذَا كَمَا كَشَفْتَ عَنْ نَبِيِّكَ هَمَّهُ وَغَمَّهُ وَكَرْبَهُ
وَكَفَيْتَهُ هَوْلَ عَذْرِهِ فَاكْشِفْ عَنِّي كَمَا كَشَفْتَ عَنْهُ وَفَرِّجْ
عَنِّي كَمَا فَرَّجْتَ عَنْهُ وَأَكْفِيَنِي كَمَا أَكْفَيْتَهُ وَأَصْرِفْ عَنِّي هَوْلَ

مَا أَخَافُ هَوْلَهُ وَمَوْنَهُ مَا أَخَافُ مَوْنَتَهُ وَهَمَّ مَا أَخَافُ هَمَّهُ
 بِأَلَامُونَةٍ عَلَى نَفْسِي مِنْ ذَلِكَ وَأَصْرِ فَنِي بِقَضَاءِ حَوَائِجِي
 وَكَفَايَةِ مَا أَهَمَّنِي هَمُّهُ مِنْ أَمْرِ أَخْرَجَنِي وَدُنْيَايَ يَا أَمِيرَ
 الْمُؤْمِنِينَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْكَ مِنِّي سَلَامُ اللَّهِ أَبَدًا
 مَا بَقِيْتُ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَلَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِخْرًا لِعَهْدِي
 مِنْ زِيَارَتِكُمَا وَلَا فَرَّقَ اللَّهُ بَيْنِي وَبَيْنَكُمَا اللَّهُمَّ أَحْيِنِي
 حَيَوَةَ مُحَمَّدٍ وَذُرِّيَّتِهِ وَأَمِتْنِي مِمَّا تَهْتَمُّ وَتَوَقُّفِي عَلَى مِلَّتِهِمْ
 وَأَحْشُرْنِي فِي زُمْرَتِهِمْ وَلَا تُفَرِّقْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ طَرْفَةَ عَيْنٍ
 أَبَدًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ
 أَتَيْتُكُمَا زَائِرًا وَمَتَوَسَّلًا إِلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكُمَا وَمُتَوَجِّهًا
 إِلَيْهِ بِكُمَا وَمُسْتَشْفِعًا بِكُمَا إِلَى اللَّهِ فِي حَاجَتِي هَذِهِ فَاشْفَعَا
 لِي فَإِنَّ لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ وَالْجَاهَ الْوَجِيهَ
 وَالْمَنْزِلَ الرَّفِيعَ وَالْوَسِيلَةَ إِنِّي أَنْقَلِبُ عَنْكُمَا مُنْتَظِرًا
 لَتَنْجِزَ الْحَاجَةَ وَقَضَائِهَا وَنَجَاحِهَا مِنْ اللَّهِ بِشَفَاعَتِكُمَا
 لِي إِلَى اللَّهِ فِي ذَلِكَ فَلَا أَخِيبُ وَلَا يَكُونُ مُنْقَلَبِي مُنْقَلَبًا

خَائِبًا خَاسِرًا بَلْ يَكُونُ مُنْقَلَبِي مُنْقَلَبًا رَاجِعًا مُفْلِحًا مُنْجِحًا
مُسْتَجَابًا بِقَضَاءِ جَمِيعِ حَوَائِجِي وَتَشَفُّعِي إِلَى اللَّهِ أَنْقَلَبْتُ
عَلَى مَا شَاءَ اللَّهُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ مُفَوِّضًا أَمْرِي
إِلَى اللَّهِ مُلْجَأٌ ظَهَرِي إِلَى اللَّهِ مُتَوَكِّلًا عَلَى اللَّهِ وَأَقُولُ حَسْبِيَ
اللَّهُ وَكَفَى سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ دَعَى لَيْسَ لِي وَرَاءَ اللَّهِ وَرَاءَكُمْ
يَا سَادَتِي مُنْتَهَى مَا شَاءَ رَبِّي كَانَ وَمَا لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ وَلَا
حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ أَسْتَوْدِعُكُمْ اللَّهُ وَلَا جَعَلَهُ اللَّهُ أُخْرَ
الْعَهْدِ مِنِّي إِلَيْكُمْ أَنْصَرَفْتُ يَا سَيِّدِي يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ
وَمَوْلَايَ وَأَنْتَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَا سَيِّدِي وَسَلَامِي عَلَيْكُمْ
مُتَّصِلُ مَا اتَّصَلَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَاصِلُ ذَلِكَ إِلَيْكُمْ غَيْرُ
مُحْجُوبٍ عَنْكُمْ سَلَامِي أَنْشَاءُ اللَّهُ وَأَسْأَلُهُ بِحَقِّكُمْ
أَنْ يَشَاءَ ذَلِكَ وَيَفْعَلَ فَإِنَّهُ حَمِيدٌ مُجِيدٌ أَنْقَلَبْتُ يَا سَيِّدِي
عَنْكُمْ تَائِبًا حَامِدًا لِلَّهِ شَاكِرًا رَاجِعًا لِلْإِجَابَةِ غَيْرَ آسِئٍ
وَلَا فَائِظٍ أَتِبًا عَائِدًا رَاجِعًا إِلَى زِيَارَتِكُمْ غَيْرَ مُرَاعِبٍ عَنْكُمْ
وَلَا مِنْ زِيَارَتِكُمْ بَلْ رَاجِعٌ عَائِدٌ أَنْشَاءُ اللَّهُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ

إِلَّا بِاللَّهِ يَا سَادَتِي رَغِبْتُ إِلَيْكُمَا وَإِلَى زِيَارَتِكُمَا بَعْدَ أَنْ نُرْهِدَ
فِيكُمَا وَفِي زِيَارَتِكُمَا أَهْلَ الدُّنْيَا فَلَا خِيَابَ بَيْنِي وَاللَّهِ مَا رَجَوْتُ
وَمَا أَقْلْتُ وَفِي زِيَارَتِكُمَا إِنَّهُ قَرِيبٌ مُجِيبٌ

ماه صفر

صفر که دومین ماه اسلامی است استهلال در شب اول و خواندن
دعای بلال وارد است - مستحب است که نماز روز اول همراه مادر روز اول
آن بخواند و تصدق کند و بلای ماه را دور نماید و در مفاتیح است کسیکه خواهد
محفوظ ماند از بلاهای نازله در این ماه هر روزه مرتبه بخواند چنانکه محدث فیض و غیره
فرموده یَا شَدِيدَ الْحَالِ یَا عَزِيزُ یَا عَزِيزُ ذَلَّتْ
بِعَظَمَتِكَ جَمِيعُ خَلْقِكَ فَاکْفِنِي شَرَّ خَلْقِكَ یَا مُحْسِنُ
یَا مُجْمِلُ یَا مُنْعِمُ یَا مُفْضِلُ یَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ
إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِینَ فَاسْتَجِبْ نَالَہُ وَتَجِنَّاہُ مِنَ الْغَمِّ
وَكَذَلِكَ نُبْحِي الْمُؤْمِنِینَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِینَ
الطَّاهِرِینَ - و در ۳۷ هجری روز اول صفر جنگ صفین شروع گردید
پس از یحده ماه پایان رسید - و در این روز یازدهم حضرت زید فرزند

امام زین العابدین علیه السلام شهید گردید. سید بن طاووس برای روز سوم این ماه
 نازی نقل نموده که مستحب است خوانده شود و آن دو رکعت است
 رکعت اول بعد از حمد یا فاتحنا و در دوم بعد از حمد قل هو الله احد بخواند پس
 از سلام صد مرتبه صلوات بفرستد و صد مرتبه بگوید **اللَّهُمَّ احْنِ آلَ**
آبِي سَفِيَّانَ و صد مرتبه استغفار کند آنگاه حاجت خود را طلب نماید.
 روز هفتم ماه صفر ۲۸ هجری ولادت حضرت امام موسی کاظم علیه السلام
 واقع گردید، و در احوالات آنحضرت بیان شد. و در هفدهم ماه صفر ۲۳
 شهادت حضرت امام رضا علیه السلام در خراسان واقع گردید. روز بیستم ماه صفر
 که چون عاشورای ثانی است اهل بیت عصمت و طهارت از شام مراجعت نمود
 و در کربلا شدند بروایت سید بن طاووس در اقبال سید مقدس سید الشهدا
 را با خود آورده ملحق به بدن شریف نمودند. در این روز جابر بن عبد الله انصاری
 با همراهان که زیارت امام حسین علیه السلام آمده بود با اهل بیت در کربلا ملاقات
 شد مجلس سوگواری عظیمی برپا شد. در این روز زیارت اربعین مستحب
 است. امام حسن عسکری علیه السلام فرمود علامت مؤمن پنج چیز
 است. پنجاه و یک رکعت نماز فریضه و نافله شب روز گذاردن. زیارت

اربعین نمودن - انگشته در دست راست کردن - و جمین را در مجده بر خاک
 گذاشتن - و بسم الله الرحمن الرحیم را (در نماز) بلند گفتن - روز دوشنبه
 بیست و هشتم صفر^{۲۸} سالیه وفات حضرت خاتم الانبیاء رسول خدا صلی الله
 علیه و آله واقع گردید - آن روز را باید بسوگواری و اقامه شعار وین گذرانید
 و نیز وفات امام حسن مجتبی علیه السلام در ۲۸ صفر^{۲۹} هجری روایت شده

ماه ربیع الاول

ماه سوم سال اسلامی است، استهلال و خواندن دعای بلال و نماز
 روز اول همراه و تصدق دادن برای سلامتی را نباید از دست داد - شب
 اول ماه ربیع الاول سال چهارم بعثت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم
 هجرت مدینه نمود و در قار^{۳۰}ه روز ماند و علی علیه السلام بجای آنحضرت در
 آنشب خوابید و بر کفار قریش که در صد و شصتن پیغمبر صلی الله علیه و آله بودند
 رفتن آنحضرت مخفی ماند - نسبت به این خداکاری آیه شریفه وَمَنْ
 يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ (سورة البقرة آیه ۴۰) در باره
 علی ع نازل شد. از جمله علماء سنت که این آیه را در باره علی ع روایت نموده
 اند غزالی است که در احیاء العلوم جلد سوم ص ۱۷۷ بطور تفصیل و نزول جبرئیل

و میکائیل را برای حراست علی ع با مرپروردگار نقل نموده - روز چهاردهم
 رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از غار بیرون و روانه مدینه شد - در
 روز ششم^{۲۶} امام حسن عسکری علیه السلام در سامراء وفات نمود
 و در خانه آنجناب ضریح حضرتش واقع گردید - روز نهم^{۲۹} روز اول
 امامت حضرت حجة الله صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه میباشد
 روز مبارکی است - و در آن روز مختار بن ابی عبید ثقفی عمر بن سعد
 رئیس لشکر ابن زیاد را بقتل رسانید - روز دهم^{۲۸} سال قبل از هجرت
 زفاف رسول خدا صلی الله علیه و آله با خدیجه کبری واقع شد روز دوازدهم^{۱۲}
 رسول خدا ص از مکه به قمارسید و در آنجا ماند تا علی علیه السلام و همراهان
 جنابش از مکه رسیدند و با آنحضرت ملحق شدند و روز هفدهم^{۱۷} روانه مدینه
 گردیدند و در این اثنا حکم نماز جمعه فرود آمد رسول خدا ص با صد نفر نماز جمعه
 را و قبیل بنی سالم بن عوف بجا آورد و در روز دوازدهم^{۱۲} دو رکعت نماز
 وارد است رکعت اول بعد از حمد سه مرتبه قل یا ایها الکافرون
 و در رکعت دوم سه مرتبه قل هو الله احد بخواند و در همین روز دوازدهم^{۱۲}
 خلافت بنی عباس شروع شد - اولین خلفای آنها عبد الله سفاح^{۱۳۲}

فرزند محمد بن علی بن عبد الله بن عباس عموی پیغمبر حق بخلافت رسید - روز
 چهاردهم ۱۴۴۰ هجری یزید بن معاویه بدرک واصل گردید سی و هفت سال
 عمر نمود مدت خلافت وی سه سال و هشت ماه و چند روز بود برای اوستان
 اهل بیت روز خوشنودی است و در یمن روز عشاء مختار بن ابی عبید ثقفی
 خروج کرد و بسیاری از قتل حضرت امام حسین علیه السلام گشت - شب
 جمعه هفدهم ۱۴۴۰ هجری قبل از هجرت ولادت رسول خدا صلی الله علیه و آله واقع
 گردید و آن سال را بناسبت بلاء شدن آبرهه و شکروی و فیلان که
 برای خرابی کعبه آمده بودند عام اخیل گفتند - و نیز در طلوع فجر جمعه هفدهم ربیع
 الاول ۸۳۰ هجری ولادت رئیس مذهب امامیه امام ششم حضرت صادق
 جعفر بن محمد علیم السلام در مدینه واقع شد و در این روز غسل مستحب است
 روزه آن ثواب یک سال روزه را دارد - زیارت رسول خدا ص نیز در این
 روز مستحب است - زیارت امیر المؤمنین علی علیه السلام در نجف اشرف
 مستحب است - و مستحب است که چون روز بالا آید دو رکعت نماز بخواند
 و رکعت اول بعد از حمد ده مرتبه آنا انزلناه و ده مرتبه سوره توحید را بخواند و
 بعد از نماز دعائی را که سید و اقبال نقل نموده بخواند چون مفصل است نقل نشد

ماه ربیع الثانی

استهلال در شب اول و نماز روز اول و دادن صدقه برای سلامتی
 ماه مانند ماههای گذشته موجب ثواب و سلامتی ماه است. روز هشتم^{۱۱}
 و یازدهم آن^{۲۳} هجری حضرت امام حسن عسکری علیه السلام متولد گردید -
 و روزه آن را در اقبال ص^{۸۹} مستحب دانسته و دعائی را نیز روایت نموده که
 در غره ربیع الثانی خوانده میشود

ماه جمادی الاول

استهلال و دعا و نماز اول ماه و صدقه دادن برای سلامتی تمامی ماه
 وارد است. بنابر روایت وقوع وفات حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا^{۷۵}
 بنهاد و پنج روز بعد از وفات رسول خدا صلی الله علیه و آله بواسطه تمام بایان^{۱۵}
 بودن ماهها روز^{۱۳} نهم^{۱۴} یا چهاردهم^{۱۵} و یا پانزدهم جمادی الاول واقع گردید
 پس اقامه مجالس عزاء آنحضرت در این سه روز مناسب است و روز^{۱۵}
 پانزدهم ماه^{۳۸} هجری (برخی^{۳۷} نیز نوشته اند) ولادت امام چهارم
 حضرت علی بن الحسین علیهما السلام واقع گردیده آن روز روز محترمی است
 و زیارت آنحضرت در آن مناسب است.

ماه جمادی الثانی

چون ساز ماهها است هلال و خواندن دعای هلال و نماز اول هر ماه
و تصدق دادن برای سلامتی ماه ترک نشود. روز بیستم پنج سال بعد از بعثت
در کوه معقل صدیقه طاهره فاطمه زهرا و دختر رسول خدا قس متولد گردید روز بیست
روزه و خیرات و زیارت آنحضرت در روز مناسب است. و در این ماه^{۳۶}
هجری جنگ جمل در بصره واقع گردید عایشه زوجه رسول خدا صلی الله علیه و آله
بر حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام خروج نمود و به شکست وی جنگ پایان
رسید. روز دوشنبه بیست و ششم^{۲۵۶} هجری در سامراء وفات امام
علی نقی ع واقع گردید. سوگواری و زیارت آنحضرت در این روز مناسب است
و از اعمال این ماه نماز است که سید بن طاووس در ص ۹۷ اقبال آرا
نقل نموده که در هر وقت میتواند بخواند و آن چهار رکعت هر دو رکعت بیک سلام
رکعت اول بعد از حمد یک مرتبه آیه الکرسی و بیست و پنج مرتبه انا انزلناه
و در رکعت دوم بعد از حمد یک مرتبه سوره الفلک و بیست و پنج مرتبه
قل هو الله احد و در رکعت سوم بعد از حمد یک مرتبه قل یا ایها الکافرون
و بیست و پنج^{۲۵} قل اعوذ برب الفلق و در رکعت چهارم بعد از حمد یک مرتبه

اِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَبِئْسَ وَبِئْسَ مَرْتَبٌ لِّمَنْ كَفَرَ ۚ وَبِئْسَ مَرْتَبٌ لِّمَنْ كَفَرَ ۚ
 از نماز بگوید سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ
 أَكْبَرُ بِقَاءُ مَرْتَبِ و بگوید سَ مَرْتَبِ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ
 وَالْمُؤْمِنَاتِ و بعد از آن سجده رود و بگوید در سجده سَ مَرْتَبِ يَا حَيُّ يَا
 قَيُّوْمُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ يَا
 أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ نگاه حاجت خود را بنحوا بد که برآورده است

اعمال هر ماه

از جمله اعمال هر ماه دو رکعت نماز است که در اول هر ماه خواندن آن
 مستحب است و سبب دفع بلا است و کیفیت آن در ص ۱۸۲ آمد
 و دیگر خواندن دعای چهل و سه صحیفه کامله است که در ص ۳۱۳ آمده و خواندن
 هفت مرتبه سوره حمد که برای دفع درویشم منقول است و از جمله سنتهای موعده
 بر ماه سَ روز روزه است که رسول خدا ص بان مواظبت فرمود تا از دنیا
 رفت مشهور خپشبه اول و پنجمشنبه آخر و چهارشنبه اول و هفتم و دهم است
 در روایت شده است که ثواب این روزه برابر است با روزه تمام سال
 و دوسوسه های شیطان را از سینه دور میکند و از جمله روزه های مستحبی هر ماه

روزه آیام البیض است یعنی سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم هر ماه که از طرق صحت
و شیعه روایات معتبره بسیار در فضیلت آن وارد شده و نیز برای کسیکه
حاجتی داشته باشد در هر ماهی که باشد روزه روز چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه
را گرفتن وارد شده.

عمل آب نیسان در ماه رومی

خوردن آب نیسان بر حسب بعضی روایات خواص بسیاری دارد
برای شفای بیمار و دور شدن صداع و صحت یافتن از هر مرض و برطرف
شدن درد استخوانها و درد شکم و غیره که بتفصیل علامه مجلسی در زاد المعاد
نقل نموده وارد شده است کیفیت آن بر حسب روایت مجلسی در زاد المعاد
از حضرت امام جعفر الصادق ع از این قرار است فرمود میخوانی بر آب نیسان
فاتحه الكتاب و آیه الكرسی و قل یا ایها الکافرون و سبج اسم ربک الا علی
و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل هو الله احد
هر یک را هفتاد مرتبه و میگوئی هفتاد مرتبه لا اله الا الله و هفتاد مرتبه
الله اکبر و هفتاد مرتبه اللهم صل علی محمد و آل محمد
و هفتاد مرتبه سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر

و بصورت دیگر از سید جلیل ابن طاووس بروایت عبد الله بن عمر نقل شده
 و خواص بسیاری برای خوردن آن برای هر گرفتاری و مرض و سختی و بلا روایت
 گردیده و بحجت اختصار باین اندازه اکتفا شد. و کلیه خوردن آب باران
 برای طلب شفا در حدیث وارد شده. در زاد المعاد مجلسی است که در
 حدیث معتبر از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که فرمود بایشان
 آب آسمان را که پاک کننده بدن شماست و در دوار و دفع میکند چنانچه
 حق تعالی میفرماید وَيُنَزِّلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لِيُطَهِّرَ بِهِ
 وَيُذْهِبَ عَنْكُمْ رِجْزَ الشَّيْطَانِ وَلِيَرْبِطَ عَلَى قُلُوبِكُمْ
 وَيُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ (سورة الانفال آیه ۱۱) یعنی میفرستد خدا بر
 شما از آسمان آبی را که بسبب آن پاک کند شما را و دور کند از شما وسوسه شیطان
 را و دلهای شما را محکم گرداند و ثابت گرداند بسبب آن قدمهای شما را.

ماابلیگهی

نیمان ماه دوم بهار است از سال رومی شروع ماههای رومی در
 سال از تشرین اول است و آن ازین قرار است. تشرین اول ۳۱ روزه
 تشرین دوم ۳۰ روزه. کانون اول و کانون دوم هر کدام ۳۱ روزه است.

شباط ۲۸ روز و در سال کبیسه شباط ۲۹ روز میشود. آذر ۳۱ روز.
 نيسان ۳۰ روز. ايار ۳۱ روز. خريزان ۳۰ روز. تموز ۳۰ روز. آب
 ۳۱ روز. ايلول ۳۰ روز میباشد و آن ماه آخر سال رومی است
 و در نصاب بنظم آمده

دوشهرين و دو کانون پس آنکه شباط اند و نيسان ايار است
 خريزان و تموز و آب و ايلول خداوند آنکه در شش که از من یادگار است
 بهار از روز ۲۰ آذر شروع میشود تا میستم خريزان تمام میگردد و تابستان
 از ۳۱ خريزان تا ۳۱ ايلول است پانيز از ۲۲ ايلول تا ۲۰ کانون بپایان
 میرسد زمستان از ۲۱ کانون اول است تا نوزدهم آذر تمام میشود پس
 نيسان ماه دوم بهار است که هر وقت بارش آید در آن اعمال آب نيسان
 چنانکه نوشته شده گرفته میشود
 اوقات نيک و بد

احکام ایام هفته

یکشنبه متوسط است برای هر کاری و مخرج وی اقوی است. دوشنبه
 راخس نوشته اند و در بعضی روایات است که دوشنبه مبارک است

و نیز وارد است که اعمال امت روز دوشنبه بر حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله
 عرض میشود. دوشنبه روزی است که آهمن برای داود نرَم شد. از امام صادق
 علیه السلام روایت است که فرمود کسیکه حاجتی طلبد روز سه شنبه را اختیار کند
 چه آهمن در آن روز برای داود غ نرَم شد. چهارشنبه را خمس نوشته اند
 و و خوردن در آن وارد گردیده. پنجشنبه روز مبارکی است برای هر کاری ^{حیث} صلا
 دارد. از رسول اکرم ص و وارد است که فرمود **اللَّهُمَّ بَارِكْ لِمَتِي يَوْمَهَا**
يَوْمَ سَبْتِهَا وَخَمِيسِهَا یعنی بار پروردگار مبارک گردان روز شنبه و پنجشنبه
 را برای امت من. امام صادق علیه السلام فرمود تاخن گرفتن روز پنجشنبه
 و یکی را برای جمعه گذاردن خدا فقر را از او دور نمایند. سفر در روز پنجشنبه و شنبه
 مبارک است. جمعه روز مبارکی است چنانکه در اعمال جمعه بیان شد شب
 و روز جمعه برای عقد و زفاف خوب است. سفر قبل از نماز جمعه مکروه است.
 روز شنبه برای مسافرت و تمامی کارها خوبست چنانکه در حدیث وارد شده است

احکام آیام شهور

اول ماه. برای طلب حوائج و طلب علم و تزویج و غیره مبارک است
 دوم روز مبارکیت برای منازل و سفر و تزویج و طلب حوائج ^{سوم} سوم ^{نخس} نخس نوشته

اند چهارم نیک است برای تزویج و سفر و زراعت نمودن پنجم را نیک نوشته
 اند ششم را مبارک نوشته اند و در آن تزویج و شکار و خرید و فروش و طلب
 معاش و حوائج خوبست هفتم از امام صادق علیه السلام رسیده است
 که از برای تمامی امور خوب است هشتم از امام صادق ع وارد است که
 روز خوبی است برای هر حاجت نهم و دهم برای طلب حاجت و برخی کارهای
 دیگر خوبست یازدهم برای جمیع حوائج مگر برای سفر نیک نوشته اند دوازدهم
 برای طلب حوائج و تزویج صالح است سیزدهم نیک است چهاردهم از
 امام صادق ع وارد شده که برای هر چیز خوبست پانزدهم از آنحضرت وارد
 شده است برای حاجت و سفر نیک است شانزدهم را نیک نوشته اند
 هجدهم از امام صادق ع وارد شده است که برای جمیع حوائج و بیع و شراء و تزویج
 و غیره خوبست هیجدهم را فرمود روز مبارک است نیک است برای سفر و تزویج
 و طلب حوائج و گرفتن علم خوبست بیستم فرمود برای بنا و تزویج و طلب حوائج
 و سفر نیک است بیست و یکم نیک است بیست و دوم نیک است برای

هر کاری بیست و سوم برای هر کاری خوبست خصوصاً برای تزویج ^{بیست و چهارم} بیست و چهارم
 و بیست و پنجم را خمس نوشته اند بیست و ششم برای هر حاجت دارد و گردیده
 امام صادق ع فرموده است "یصلح لكل حاجة ما خلا التزویج
 والسفر" یعنی برای هر کار صلاحیت دارد مگر تزویج و سفر ^{بیست و هفتم} بیست و هفتم
 و بیست و هشتم برای طلب حوائج خوبست ^{بیست و نهم} بیست و نهم و سی ام ایام محاق
 است که ماه در شب آن دیده نمیشود نسبت بآن مختلف نقل شده است البته
 در آن عقد نکاح و تزویج مکرر است.

اوقات نحس

از جمله اوقات نحس قمر در عقرب و ایام و لیالی آخر ماه است که آنرا محاق
 گویند و ماه در آن دیده نمیشود و شبهای آن تاریک است و آن دو شب است
 اگر ماه ۲۹ روز باشد. و اگر ماه ۳۰ روز باشد لیالی محاق سه شب میشود
 و از اوقات نحس کواحل است و آن هفت روز است چنانکه در نصاب نظم آورده
 هفت روز نحس دارد هر نمی + زو حذر کن تانیایی هیچ رنج
 سه و پنج و شش و هفت و هشت و نه
 بیست و یک با بیست و چهار و بیست و پنج

قمر در عقرب و طریق شناختن آن

ماه ذوقعد خود را در مدت ۲۹ یا ۳۰ روز پایان میرساند و در هر روز
 شبانه روز و شش و یکی از برج دوازده گانه (حمل، ثور، جوزا، سرطان،
 اسد، سنبله، میزان، عقرب، قوس، جدی، دلو، حوت) میباشد
 پس برای آنکه شناخته شود که قمر در چه برجی است قواعدی وضع شده است
 و چون قمر در عقرب از اوقات نحس است قاعده شناختن ماه را در آن باین
 قسم بیان نموده اند که هر چه از ماه گذشته باشد آن را دو برابر کن و پنج بر آن زیاد
 نما پس نظر نما که آفتاب در کدام برج دوازده گانه است و از همان برج که آفتاب
 در آن است شماره نمود پنج پنج طرح کن و در مقابل هر برجی که عدد تمام شود ماه
 در آن برج است مثلاً امروز که روز نهم شوال است میخواهیم بدانیم که ماه چه
 برجی است آن را دو برابر نموده بیحده میشود پنج بر آن اضافه نموده بیست
 و سه میگردد و چون آفتاب در برج سرطان است از آن برج پنج پنج
 طرح مینمائیم و میگوییم سرطان پنج، اسد پنج، سنبله پنج، میزان پنج، سنبله
 عدد که میماند آن را هم پنج فرض نموده در مقابل آن عقرب میشود پس باین اعتبار
 قمر در برج عقرب است و برای آنکه دانسته شود که قمر در کدام درجه عقرب است

باقی مانده که دو باشد ضرب در شش مینائیم حاصل ضرب که دوازده میشود شماره
 درجه ایست که قمر در آن درجه است. پس باین اعتبار روز نهم سوال قمر در
 دوازدهمین درجه برج عقرب میباشد. نسبت شیخ الحکماء خواجه نصیر الدین
 طوسی متوفی ۶۷۲ هجری طاب ثراه داده شده است که برای شناختن قمر در
 عقرب و درجه آن فرموده است ..

آنچه از ماه شد مضاعف کن * پنج دیگر فرای بر سر آن
 پس بر جی که آفتاب در اوست * بکن آغاز و پنج پنج بر آن
 هر کجا منتهی شود عددش * ماه آنجا بود یقین میدان
 هر چه ماند در آخرین منزل ضرب کن در شش و مابج آن
 آنگهی .. اگر چه انسان باید مقید باین قواعد تا یک اندازه باشد لایقی
 منافی است با زندگی حکمانه. ولی گاه میشود که انسان مجبور است که صرف نظر
 از قواعد نموده در اوقات نحس آنچه را که ممنوع است از سفر و ازدواج و غیره بیاورد
 شرع اسلام که نسبت بجامعه مهربان و مال بین است برای دور شدن اثر
 نحس و دعا و صدقه را بیان فرموده که از دادن صدقه و دعا نمودن بلا دفع میشود
 عزیزا دیگردد امیر المؤمنین علی علیه السلام میفرماید بپایه های خود را علاج کنید

بدادن صدقه و دور کنید بآرا بوسیله دعا - پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود
 چیزی زیاد نمی نماید عمر را مثل صدقه دادن و دور نمیکند بآرا چیزی مثل دعا و چیز
 چیزی بنده را نورانی نمیکند مثل خلق نیک و دور نمیکند گناه را مگر استغفار صدقه
 پرده ایست که نگه میدارد از آتش جهنم و سبب گذشتن از صراط و امان از
 عذاب است

در احکام زکوة

زکوة در اسلام برای پاک شدن مال و همراهی با فقرا و اصلاح حال
 بیچارگان و فراهم گردیدن وسائل اداره شدن امورات اجتماعی مسلمانان
 و اصلاح معاش افتادگان و غیره مقرر گردیده - راستی اگر امروزه زکوة در میان
 مسلمانان چنانیکه وارد گردیده جاری میبود و دادن خیرات و مدد نمودن فقرا
 و افتادگان عمومیت میداشت و هر کس با اندازه خود دستگیری از نیازمندان
 مینمود و موااسات چنانیکه شریعت اسلام بآن امر نموده عملی میشد هرگز این
 بدبختی و هجرت و این اختلاف و این تدابیر دشمنان بنام طرفداری از شیطان و ضحاک
 برای منزلهل ساختن عقائد ملت و از بین بردن دیانت در میان مسلمانان باین
 اندازه تولید نمیشد و این انقلابات سیاسی که بنامهای مختلف روزانه وسعت

پیدا میکند و بنام ظلم سرمایه داری فقر را بر اغنیا چیره مینماید بوجوهی آمد - با آنکه
 حقیقت سرمایه داری را دولتهای بزرگ علمی و نقدین (طلا و نقره) عالم را
 اختراش نموده اند و به او راقی بشر را مشغول ساخته اند - اگر بنا شود که باین
 اندازه مقدار که بشر بواسطه تجارت و تحصیل این اوراق دارا است آن هم
 بسم سرمایه داری از زمین برود و تمام مردم در فقر کمیشان شوند دیگر برای کسی
 قدرت همراهی با فقر و ضعف نخواهد ماند و برای صلوات رحم - دادن زکوة و صدقات
 و ایفاء خمس، و بذل خیرات، و همراهی از بیچارگان، و دادن قرض الحسنه
 محلی نخواهد ماند و باین صورت همه مردم کمیشان و حیران خواهند شد - غلام
 محض و بنده خاص مقدرین سیاسی جهان خواهند بود - پس لازم است
 که مسلمانان از تدابیر مخالفین اسلام غفلت نکنند و در پیروی دین حنیف
 اسلام اهتمام نمایند و در مقابل قانون اسلام سر خم کنند و تعلیمات اسلام را پیروی
 کنند و کوشش کنند فقر را سرمایه دار نمایند و ضعف را با اندازه خود نیازمند کنند
 کوشش کنند که این فقر مفراطیه عمومیت پیدا نموده در اثر معاونت
 بیکدیگر از زمین ببرند -

خوانندگان کرامی! بهر اندازه که فقر در میان ملت زیاد شود دین

ضعیف خواهد شد اقتدار ملت از بین خواهد رفت کوشش کنید دست بیکار
را بکار بندنمائید و عجزه را همراهی کنید و یکدیگر را حتی کو و کان را بدو ن پول
و همراهی با افتادگان عادت دهید

بنی آدم اعضای یکدیگرند که در آفرینش زیک گوهرند
چو عضوی بدرد آورد روزگار دیگر عضو را نماند قرار

بهر حال شریعت اسلام برای حفظ اقتدار ملت و قانون دیانت
امر بدادن زکوة نمود و صاحب شریعت اسلام فرمود منکر زکوة مثل
منکر نماز است و از اسلام خارج است. رسول خدا صلی الله علیه و آله
فرمود "زکوة اموال خود را بدهید تا که نماز شما قبول شود" و فرمود "صانِعُ
الزَّكَاةِ فِي النَّارِ" علی علیه السلام فرمود "هیچ مالی نیست که
در صحراء و دریا نابود شود مگر آنکه زکوة آن را نداده باشد" انگاه فرمود
"اموال خود را بزکوة حفظ کنید، بپاران خود را بصدقه علاج نمائید، و بلا
را بدعا از خود دور کنید".

بهر حال زکوة واجب میشود بر کسی که بالغ و عاقل و آزاد باشد مالک
قدر نصاب باشد. و مراد از نصاب اندازه ایست که چون مال بآن

اندازه رسد زکوة واجب میشود - و زکوة واجب است بر نه چیز (۱) طلا
 (۲) نقره (۳) گندم (۴) جو (۵) خرما (۶) مویز (۷) شتر (۸) گاو
 (۹) کوسفند - گاو و میش حکم گاو را دارد و بز حکم کوسفند را - و طلا و نقره
 وقتی زکوة واجب میشود که سکه دار باشد اگر چه آن سکه رواج نداشته
 باشد و دیگر آنکه سال بر آن بگذرد پس بر غیر مسکوک و یا قبل از گذشتن سال
 زکوة تعاقب نمیکرد - و نیز باید بحد نصاب رسیده باشد -

نصاب طلا بمیت مثقال^(۱) شرعی است پس زکوة آن نیم مثقال
 است و پس از آن (یعنی بعد از بمیت) در هر چهار^(۲) مثقال شرعی ده
 یک مثقال باید زکوة داده شود و اگر کمتر از چهار مثقال باشد زکوة در آن نیست
 و زکوة نقره در هر دو بیت^(۳) و در نیم پنج درهم است و در کمتر از دو بیت

(۱) مثقال شرعی پنجاه نخود است و بحساب هند دوازده دال است و نیز موازیت با سی و شش رقی
 و یا سی و نیم و عشر باشد - و ایضا نصاب طلا بحساب تول که آرموازی هند است شش تول است برای آنکه
 تول شصت نخود است که سه مثقال و ثلث مثقال شرعی میشود پس هر شش تول طلا که موازی با بمیت مثقال شرعی
 است شش دال طلا که نیم مثقال شرعی است باید زکوة بدهد (و هر دالی یک نخود و نیم است) -

(۲) چهار مثقال موازیت با یک تول و ثلث دال یا یک تول و بمیت و چهار رقی - و یا یک تول و دو دال و دو
 خمس باشد

(۳) دو بیت در هر موازی با چهل تول است چه پنج درهم یک تول است و چون بدو پیله موازی یک تول میباشد
 و بیت در هر موازی چهل دو پیله است پس هر دو بیت در هر یک پنج درهم باید داد بحساب روپیه هر چهل یک
 پیله زکوة میباشد

درهم زکوة نیست و پس از آن هر حمل^(۱) و درهم یک^(۲) و درهم باید زکوة داده شود
و در کمتر از آن زکوة نیست.

و اما زکوة اجناس چهارگانه گندم، جو، خرمای و مویز پس وقتی
واجب میشود که شخص آن را کاشته باشد و یا قبل از آنکه گندم جو انکوره و آن
بندد و خرمای زرد و منرخ شود بملک شخص دایم و دادن زکوة بر مالک واجب
میکردد ولی بشرط آنکه باندازه نصاب برسد و نصاب آن پنج و سق است
و هر سقی شصت صاع است و هر صاعی شصت و چهارده مثقال صیرفی^(۳)
و شش نخود است و در کمتر از آن زکوة نیست و در بیشتر آن بهر اندازه که باشد
زکوة باید داد پس هرگاه غلات چهارگانه نام برده بحد نصاب رسید واجب
است که ده یک آن بعنوان زکوة داده شود اگر بآب باران و یا جاری بعمل
آمده باشد - و اما اگر بآب چاه و کشیدن گاو و امثال آن بعمل آمد پس
زکوة آن نصف ده یک است و اگر بهر دو حاصل شده باشد باید اغلب را
گرفت.

(۱) هشت توله میشود.

(۲) یک درهم سوز است، بنیم مثقال شرعی و عشر مثقال شرعی که مساوی است با دو ماس و ثمن تقریباً.

(۳) مثقال صیرفی است و چهار نخود است و ایضا صاع شش طل یعنی پنج توله و نیم و هشت وال میشود.

وزکوة حیوانات سه گانه شتر، گاو، گوسفند از این قرار است - زکوة
 شتر وقتی واجب است که سال بر آن بگذرد و بنصاب برسد و قوت او از
 چریدن باشد پس زکوة آن تا بمیت و پنج شتر در هر پنج شتر یک گوسفند
 است و اگر کمتر از بمیت و پنج شتر باشد چیزی بر آن نیست - وزکوة
 بمیت و شش شتر یک شتر ماده ایست که یک سال تمام نموده و در^{۲۴}
 سال دوم شده باشد - و در سی و شش شتر یک شتر ماده ایست
 که در اخل سال سوم شده باشد - و در چهل شتر یک شتر ماده ایست
 که در سال چهارم داخل شده باشد - و در شصت و یک شتر یک شتر
 ماده ایست که در سال پنجم داخل شده باشد - و در هفتاد و شش^{۶۶} شتر
 ماده ایست که در اخل سال سوم شده باشد - و در نود و یک^{۹۱} شتر و شتر ماده
 ایست که در اخل سال چهارم شده باشد - و چون ب یکصد و بمیت و یک^{۱۲۱}
 شتر رسد زکوة آن در هر چهل شتر یک شتر ماده ایست که در اخل سال سوم
 شده باشد و یا در هر پنجاه شتر یک شتر ماده ایست که در اخل سال چهارم
 شده باشد.

و اما گاو چون عمرش بشی سال رسد زکوة او واجب میشود و آن یک

گو ساله ایست که در سال دوم شده باشد و چون بسن چهل رسد یک
 گو ساله ایست که در سال سوم داخل شده باشد

و اما گو سفند تا چهل نرسد زکوة ندارد و چون بچهل رسد زکوة آن یک
 گو سفند است و چون به یکصد و هشتاد و یک رسد زکوة آن دو گو سفند و چون
 به دو سست و یک رسد زکوة آن سه گو سفند و چون به سیصد و یک
 رسد زکوة آن چهار گو سفند است و چون به چهار صد و بالآخر رسد در هر صد
 گو سفند یک گو سفند باید زکوة داد و گو سفندی که بعنوان زکوة داده میشود
 کمتر از هفت ماه نباشد. بیمار و معیوب نباشد. و بعضی از علما گفته اند
 احوط آنست که کمتر از یک سال نباشد.

و اما زکوة سنت در چند چیز است یکی هر چیزی که از زمین برود
 و بخیل و یا وزن درآید مانند برنج، نخود، عدس، ماش و امثال آن پس
 نصاب آن مثل نصاب گندم وجود و غرما و سوز است که بیان شد. و نیز در
 مال التجاره زکوة سنت است.

و اما مصرف زکوة پس آن در چند مورد است که از آن جمله فقرا، مساکین
 اداء قرض کسانی که عاجز باشند از دادن آن. و نیز از مصارف آن

فی سبیل الله است و مراد از آن تولید هر چیزیست که عامه مسلمانان از آن
 انتفاع برند چون مسجد، مدرسه، دارالبحرۃ، دارالایام، تاسیس بل و قنطر
 بیمارستان و آنچه را که محل استفادۀ شرعی مسلمانان است و مخصوصا کسانی که
 مشغول تحصیل علم دین میباشند و یا در راه دین خدمت نمایند و از مصارف
 زکوٰۃ همراهی با ابن السبیل و آن کسی است که در سفر پریشان گردیده و نمی تواند
 خود را بوطن برساند پس باید از زکوٰۃ بوی داد اگر چه در وطن خود دارا باشد
 خداوند کریم در کتاب آسمانی خود (قرآن) زکوٰۃ را در سوره توبه آیه شصت بیان
 نموده و فرموده: **إِنَّمَا الصَّدَقَتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ**
عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي
سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ
حَكِيمٌ (اینست جز این نیست صدقات برای نیازمندان و درماندگان
 و برای کسانیست که صدقات را جمع آورمی نمایند و برای کسانیست بدست

(۱) و آنها جمعی از اشراف و مطلق کفار بودند که رسول خدا صلی الله علیه و آله سهمی از زکوٰۃ بدیشان میداد و تا بدین
 اسلام الفت گیرند کثرت اتباع و قبایله خود و استعانت ایشان نمایند بر قتال دشمنان و منع کفار نمایند از داخل شدن
 دیگر مسلمانان - و در روایت آمده که صفوان بن امیه گفت که رسول خدا ص را عطا میداده و اول در همه جهان کسی
 دشمن تر از او نداشتم پس او چندان چیز بمن عطا داد که از او و کس دیگری در جهان نداشتم. خلاصه المنهج

آورده شده و لهاشان و دوازده کردن گردنهای او و قرض مغلان و دادن
 در راه خدا و کسانی که در سفر بازمانده و بی چیز شده باشند (اگرچه در وطن خود
 دارا باشند) فریضه ایست از خدا - و خدا دانا است با حکمت - و باید دانست
 که زکوة واجب که از غیر باشمی است بهمانشی دادن جایز نیست و برعکس
 جایز است - و نیز زکوة اشمی بهمانشی دادن جایز است - و مراد از اشمی
 اولاد حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام و عقیل و جعفر و عباس است.

در بیان زکوة فطره

دادن زکوة فطره سبب تکمیل روزه ماه صیام است و ترکش گناه کبیره
 است و آن واجب است بر هر بالغ و عاقل و آزادی که قدرت بر دادن آن
 داشته باشد پس از طرف خود و هر کس که در عیالات او باشد از زن و فرزند
 و خادم و خادمه و غیره واجب است که زکوة دهد - و زکوة فطره بر مال و بیوه
 و نابالغ نیست - و بر میزبان است که فطره معان خود را بدهد بشرط آنکه قبل از
 غروب روز آخر ماه رمضان وارد شده باشد خواه چیزی بخورد یا نخورد - و در
 صورتیکه بعد از دیدن هلال شوال حاضر شود زکوة فطره او بر خودش میباشد -
 اهمیت زکوة فطره باندازه ایست که حق تعالی آن را مقدم بر نماز در این آیه شریفه

ذکر نموده فرمود "قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى" سوره اعلی
 آیه ۱۴، ۱۵ (رستگاری یافت کسیکه پاک شد یعنی عطا کرد زکوة فطره را
 و یاد کرد نام پروردگار خود را پس متوجه شد بمصلتی و نماز عید گذارد) و دادن
 زکوة فطره سبب دفع بلائی سال است - حضرت امام جعفر صادق ع
 بویکل خرج خود معتب میفرمود که فطره جمیع عیال و غلامان و کنیزان مارا بده
 و هیچ یک را ترک مکن چه اگر یکی از آنها را ندی میسرسم در عرض سال ببرد
 و باید دانست که فطره غیر باشمی را بهاشمی نمی توان داد ولی اگر از باشمی باشد
 بهاشمی داده میشود -

اما جنس زکوة فطره گندم، جو، خرما، مویز، برنج، کشک، بشیر،
 و یا آنچه که در اغلب خوراک سال واقع میشود - و باید عوض هر نفری یک صاع
 که ششصد و چهارده مثقال و شش نخود است و تقریباً مطابق شش
 رطل بمبئی و شش توله میباشد داده شود و دادن پول عوض آنچه بیان شد
 جایز است و کسیکه زکوة فطره بوی داده میشود باید مؤمن باشد مستحق باشد
 و زکوة چند نفر را بیک نفر میتوان داد و بجهت عادل و یا نائب وی داده شود
 کافی بلکه افضل است و وقت بیرون کردن زکوة فطره از شام شب عید است

الی ظهر عید - و حرام است تا خیران و اگر تا خیر شود پس تا شام عید بقصد قربت
 دهد و اگر از روز عید گذشت واجب است که آن را با هشت برساند و در موقع
 دادن قصد قربت کند - و مراد از قصد قربت نیت کند که برای خشنودی خدا و
 نزدیک شدن بر رحمت وی (تعالی شانه) زکوة را میدهد

در احکام خمس

یکی از واجبات دین اسلام دادن پنج یک مال است بشرایط ^{محدوده}
 که بیان خواهد شد و در زبان عرب آن را خمس گویند - کسیکه توانا براداری
 خمس باشد و ندهد در زمره غاصبین حقوق آل محمد صلی الله علیه و آله وسلم
 داخل خواهد شد - خمس در هفت چیز تعلق میگیرد اول غنائم دارالحرب بشرط آنکه
 جنگ باذن امام واقع شده باشد دوم معادن مثل طلا و نقره مس آهن
 جیوه و سرب فقط و غیر کبریت و گوگرد زریخ و آبک نمک و امثال آن
 و سنگهای قیمتی مانند یاقوت زبرجد زمرد عقیق الماس و غیره از چیزهایی که
 از زمین بیرون آورند و آن را معدن نامند - پس بعد از دادن خرج نمونه
 بیرون آوردن و تصفیة آن اگر بقدر نصاب بماند خمس باید داد - و نصاب
 معدن باندازه قیمت بیست مثقال شرعی است ^{یکم} سوم گنج است و آن

مالی است که زیر زمین یافت میشود پس باید خمس آن داده شود و نصاب آن
بیشتر دینار یا دینار و نیم است چهارم غوص است و آن فرو بردن
در دریا است برای بیرون آوردن مروارید و مرجان و غیره و نصاب آن یک
دینار یا زیاده از یک دینار است پنجم مال حلال مخلوط بحرام است بشرط
آنکه اندازه حرام و مالک آن معلوم نباشد پس اگر اندازه حرام معلوم نباشد
ولی مالک معلوم باشد او را باید راضی نمود و اگر مقدار مال معلوم باشد
و مالک معلوم نباشد بحاکم شرع رجوع شود و در صورتیکه نه مالک معین است
و نه مقدار مال در این صورت باید خمس آن را داد ششم زمینی که بعنوان
بیع و غیره از مسلم منتقل بکافر وقتی شود بهفتم فوائدیست که از کسب خواه تجارت
باشد زراعت باشد صنعت باشد اجاره و یا غیر آن باشد برای شخصی حاصل
شود پس بعد از مؤنه سال و خرج عیال آنچه زیاده بماند باید خمس آن داده
شود و خمس دو قسمت میشود نصف آن بعنوان حق امام علیه السلام به
مجتهد عادل داده میشود و نصف دیگر حق بنی هاشم است که از ذریه عیبه^{المطلب}
باشند از اولاد امیر المؤمنین علی علیه السلام و عقیل و جعفر و عباس عموی
پنجم بر خمس بآنها میرسد و گیرند خمس مرو باشد یا زن باید شیعته ای

اثنی عشری مستحق باشد و کسانی که مستحق میباشند زیاده از موند سال
نمیخواهند بگیرند

در احکام قربانی

قربانی در اسلام سنت مؤکداست - از امام جعفر صادق ع مرویست که
فرمود "هُوَ وَاجِبٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ اِلَّا مَنْ لَمْ يَجِدْ" (یعنی
قربانی واجب است بر هر مسلمان مگر آنکه نیابد) ام سلمه پسر رسول خدا صلی الله علیه
وآله عرض کرد که عید قربان میرسد و من دارای پول قربانی نیستم حضرت فرمود
قرض نمابد رستیکه قرضی است که ادا میشود - و هرگاه جمعی قادر نباشند بر قربانی
جداگانه جازاست بایکدیگر شریک شوند هفت نفر تا هفتاد نفر میتوانند یک
حیوان قربانی نمایند و هر چه کمتر باشند بهتر است - و بهتر آنست که قربانی
در روز عید که دهم ذالحجه واقع شود و هرگاه ممکن نشود در روز یازدهم و دوازدهم
ذالحجه میتوان قربانی نمود - و کسانی که برای حج در منی میباشند تا روز سیزدهم
نیز قربانی میتوانند نمایند.

و اما حیوان قربانی شتر، گاو، گوسفند و بز میباشند اما شتر
باید پنج سال تمام یا بیشتر باشد - گاو و بز یک سال تمام و دو نخل سال و دم

شده باشد و اگر داخل سال سوم شده باشد بهتر است و گو سفند باید هفت ماه
وی تمام شده و باید در ماه هشتم داخل شده باشد و اگر یک سالش تمام باشد
بهتر است. و مستحب است که قربانی اگر شتر یا گاو باشد ماده باشد
و گو سفند و بزرگ باشد.

و باید حیوان قربانی نقص در اعضایش نباشد گوشش بریده نباشد
منعزشاخش شکسته نباشد کور، لنگ، بیمار، خایه بریده نباشد و اگر بخیر از
خصی دست بهم نرسد آن را میتوان قربانی کرد. پیر و لاغر نباشد بلکه سفت
است که فربه باشد. و در وقت قربانی مستحب است که این دعا را بخواند

دعای قربانی: این دعا را سه مرتبه خوانده و هر مرتبه بدین گو سفند:

و در عین فصح نیز بخواند اللَّهُمَّ إِنَّ هَذِهِ الشَّاةَ لَكَ وَمِنْ فَضْلِكَ
وَكَرَمِكَ وَصَلِّ إِلَيَّ وَأَنَا أَفْدِيهَا بِعَبْدِكَ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ
(بجای فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ اسم شخص آورده شود) اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا فِدَاؤُهُ
لِحُمَةٍ بِلَحْمِهِ وَدَمَةٍ بِدَمِهِ اللَّهُمَّ فَتَقَبَّلْ مِنِّي كَمَا
تَقَبَّلْتَ مِنْ خَلِيلِكَ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ حِينَ فِدَا
لَوْلَدِهِ إِسْمَاعِيلَ بِحُرْمَةِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

اللَّهُمَّ هَذَا فِدَاؤُهُ وَتَقَبَّلْهُ مِنِّي بعد از آن سه مرتبه بگوید
 اللَّهُ أَكْبَرُ سه مرتبه بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ودرج نماید
 در احکام عقیقه است

مستحب است که روز هفتم ولادت کوک از برای وی عقیقه نماید
 و هرگاه ممکن نشود - بر پدر مستحب است که هر وقت ممکن شود عقیقه ویران نماید
 و پس از رسیدن بحد بلوغ بر شخص لازم است که تا آخر عمر هر وقت ممکن شود عقیقه
 بکند - و هرگاه حیوان عقیقه پیدا نشود پول آن را میگذرانند تا وقتی که بدست
 بیاید عقیقه نمایند - و همان شرائط که در حیوان قربانی گفته شد در حیوان عقیقه
 نیز وارد است - و مستحب است که قسمتی از گوشت گوشت عقیقه را به فقرا
 دهند - و از برای پدر و مادر طفل و هر کس که در عیال آنها است خوردن گوشت
 عقیقه مکروه است - و مستحب است که گوشت عقیقه را پخته و بخوراند
 و کمتر از ده نفر خورندگان نباشند و هرگاه بیشتر باشد افضل است و شکرستن
 استخوانهای حیوان عقیقه مکروه است - بلکه اعضای آن را از نیم جدا نمایند
 بهتر است و مستحب است که حیوان عقیقه فربه باشد - و با مولود و زکوة و
 و انواریت مساوی باشد و چون حیوان عقیقه را میکشند مستحب است

این دعا را بخوانند یا قَوْمِ اِنِّیْ بِرِیِّ مِمَّا تُشْرِكُوْنَ اِنِّیْ وَجْهَتْ
وَجْهَیْ لِلَّذِیْ فَطَرَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ حَنِیْفًا مُّسْلِمًا
وَمَا اَنَا مِنَ الْمُشْرِکِیْنَ اِنَّ صَلَوٰتِیْ وَنُسُکِیْ وَمَحِیَّایِ وَمَمَاتِیْ
لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ لَا شَرِیْکَ لَهٗ وَبِذٰلِكَ اُمِرْتُ وَاَنَا
اَوَّلُ الْمُسْلِمِیْنَ اَللّٰهُمَّ مِنْكَ وَلَکَ بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ
وَاللّٰهُ اَکْبَرُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَتَقَبَّلْ
مِنْ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ بَجای فُلَانِ بْنِ فُلَانِ نام مولود و پدر او را برده و
در سجده کنند.

ترجمه : ای قوم بدستیکه من بیزارم از آنچه را که شرک میاورید
بدستیکه من توجه دارم روی خود را بطرف آن چنان کسیکه ایجاد نمود آسمانها
وزمین را و میباشم مسلمان پابرجا و مستقیم من از شرک آورندگان بخدا و در
حقیقت نماز و عبادت من زنده و مرده من از برای خدا پروردگار عالمیان است
نیست شرکی برای او و باین امر کرده شده ام و میباشم اولین مسلمان خدایا
از تو است و برای تو است بنام خدا (این عقیقه را مینمایم) و خدا بزرگتر است
(از اینکه وصف کرده شود - خداوند او و فرست بر محمد و آل محمد و قبول کن (این

عقیقه را) از فلان فرزند فلان و بجای فلان نام کسی که برای او عقیقه میشود
و نام پدر او را بیاورد

در تذکیر حیوان است

بدانکه مقصود از تذکیر حیوان حلال گوشت کشتن آنست مطابق قانون
شرع پس در کشتن گاو و گوسفند و بز و غیره پنج چیز شرط است اول آنکه
کشته شده مسلمان باشد خواه مرد باشد یا زن دوم آنکه باید رو بقبله باشد
سوم آنکه کشته در وقت کشتن نام خدا را ببرد چهارم آنکه در وقتیکه
ممکن است باید با آهین باشد خواه کار و یا چاقو یا غیر آن پنجم آنکه
باید قسمی حیوان را بکشد که چهارگ گلوی او بریده شود و لی بقسمیکه سر از بدن
جدا نشود و چهارگ کی نمری است که آن مجرای آب و خوراک است
و دیگر حلقوم است که آن راه نفس است و دورگ کردن است باید
حیوان قسمی زنح شود که پس از کشتن حرکت نکند و در کشتن شتر نحر شرط
است و مراد از نحر زدن چاقو یا کار و یا غیر آنست در گودی گلوی شتر
بشرطیکه زنده مسلمان باشد رو بقبله باشد و نام خدا را در وقت نحر ببرد
و پس از تذکیر حیوان بچپه که از شکم حیوان مرده بیرون آورده میشود حلال

میشود گوشت او - و باید دانست که کشتن حیوان در شب مکروه است
 و هم چنین مقابل حیوان و گیر که نگاه میکند کشتن حیوان مکروه است و نیز
 کشتن حیوان در روز جمعه مکروه است و بعضی کراهت را مقید بقبل از ظهر
 نموده اند - و پس از کشتن حیوان حلال گوشت چند عضو آن حرام است
 و خوردن آن جائز نیست یکی طحال که سپرز باشد - قضیب (یعنی مجرای
 بول)، مثانه که آن را شاشش دان گویند، انگشبین که خایه است - مراره
 که زهره است - شمرگاه و شیمه که غلافیست بچه در آن میباشند - و هم چنین
 حرام است خوردن آنچه از حیوان پلید می باشد مثل خون، سرکین
 و بعضی از مجتهدین حرام دانسته اند دورگ کردن را که پهن میباشند و تا
 آخر پشت کشیده شده اند و هم چنین دانه که وسط مغز سروده میشود
 و تقریباً باندازه نخودی میباشند و نیز دانه چشم که حیوان بآن می بیند
 و نخاع است و آن چون ریسمان سفید است که داخل استخوان گردن
 و فقرات پشت تا پائین کشیده شده است و غذاها تکیه در گوشت
 و یا چربی بدن حیوان میباشند

در احکام ماهی است

هر ماهی که مسلمان آن را از آب زنده بیرون آورد و یا آنکه مسلمان
 به بیند که از آب زنده بیرون آورده شده است پس خوردن آن حلال است
 و شرط است در ماهی آنکه پولک دارد باشد پس خوردن ماهی که پولک ندارد
 نباشد جائز نیست و در صورتیکه پولک ماهی برل یا غیر آن سائیده شود
 خوردن آن جائز است چنانکه یک قسم ماهی است که از لطافت پولک
 آن سائیده میشود آنگاه باز بیرون میآید و خوردن سگ ماهی و مار ماهی
 حرام است خواه پولک داشته باشد یا نداشته باشد و هم چنین خوردن
 غوک که آنرا بترکی قُرْبَاغَه و بفارسی غوک گویند و کاسه پشت و خرچنگ
 و غیره حرام است.

در بیان پرندگان حلال گوشت

باید دانست که هر حیوان پرند که صَف زدن بال وی بیشتر از هم
 زدن آن باشد حرام گوشت است - و هرگاه بهم زدن بال بیشتر
 باشد و یا با صَف زدن مساوی باشد پس آن حیوان حلال گوشت است
 و نیز حرام است از جانوران پرند که دارای چنینه دان که آن را حوصله گویند

نباشد (و حوصله کیسه ایست طبیعی که زیر گوی حیوان است و در آن دانه جمع میشود چنانکه در مرغ و کبوتر میباشند) و نیز حرام است گوشت جانور پرنده که دارای صیغه نباشد و آن خاریست پشت پای حیوان پرنده و جانور پرنده که دارای مخالب میباشد چون باز و عقاب و کرکس و سایر جانوران پرنده شکاری پس گوشت آنها حرام است و مخالب ناخن است که در بعضی از پرندگان موجود است و بآن شکار مینمایند.

در حیوان شکار شده

گوشت حیوان شکار شده حلال است بشرط آنکه حیوان حلال گوشت باشد و مسلمان آن را شکار نموده باشد و در وقت شکار و راه کردن سگ شکاری شکار کننده مسلمان نام خدا را آورده باشد پس هرگاه مسلمان سگ تعلیم یافته را برای شکار بکند و سگ شکار خود را بکشد گوشت آن حیوان حلال خواهد بود و هم چنین حلال است گوشت جانور حلال گوشتی را که بتیر و نیزه و یا شمشیر و امثال آن شکار کنند و در وقت شکار نام خدا را آورند و در این صورت اگر شکار کشته شود گوشت او حلال خواهد بود.

در احکام نکاح است

برای بقاء نوع بشر و حفظ نواله و تناسل خداوند تعالی نکاح را برای
 فرزندان آدم شروع گردانید و فرمود **وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ**
وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَآمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ
يَغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ یعنی تزویج نماید
 زنان و مردان بی جفت خود را و نیکوکاران از غلامان و کنیزان خود را اگر باشند
 بی چیز هر آینه غنی می سازد و خداوند آمان را از فضل خود بدستیکه خدا رحمت و
 واسع و دانا است بهر چیز پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود **النَّكَاحُ**
سُنَّتِي فَمَنْ رَغِبَ عَنْ سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي یعنی نکاح (زناشویی)
 از سنت من است و کسیکه رُو گردان شود از سنت من پس نیست او از
 من - و فرمود **تَنَاحُوا تَنَاحُوا تَكْثُرُوا فَإِنِّي أَبَاهِي بِكُمْ**
الْأُمَمَ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَلَوْ بِالسَّقَطِ یعنی زناشویی را در میان خود جاری
 کنید که در اثر آن تولید نسل خواهید نمود و زیاد خواهید شد پس بدستیکه
 من مباهات میکنم بشما بر امتحای دیگر در روز رستاخیز اگر چه بسقط یعنی بضعایع
 شدن فرزند باشد - و فرمود دو رکعت نماز از شخص زن دار بهتر است نزد خدا

از شخص عزیزی که شب را بعبادت و روز را بروزه بگذراند و فرمود اکثر اهل
 النار العذاب یعنی بیشترین دوزخیان کسانی هستند که تزویج نکرده
 اند. و فرمود چه میشود مؤمن را اینکه اختیار زنی نماید شاید خدا با و اولاد
 دهد و بسبب آن زمین سنگین شود از گوینده لا اله الا الله و نمی
 نمود که زنهای تنبلی اختیار کنند یعنی ترک شوهر نمایند. بهر حال غروبت در اسلام
 مکروه است بلکه گاه حرام میشود. و از دواج مستحب مؤکد است و گاهی
 واجب میشود. و مستحب است کسیکه اراده از دواج کند دو رکعت نماز
 حاجت بخواند و طلب خیر از خدا کند تا که او را امداد نماید که موفق بزوجه صالحه
 شود و مستحب است که اختیار کند زنی را که عقیقه باشد و زن اختیار
 کند مردی را که کفو وی باشد و مراد از کفو هم مذہب وی باشد و بتواند بواجبات
 وی قیام کند. و لازم است که اولیاء باندازه قدرت خود کوشش در ازدواج
 آنها کنند و در صورتیکه زن بکر باشد از ولی وی که پدر یا پدر پدراست نصبت
 گیرند. و زن بیوه اگر چه خود مختار است ولی اجازه ولی برای وی مستحب
 است. و نیز مستحب است که مهر کم باشد و باندازه مهر باشند باشد
 و مهر الشانه منواری پانصد دریم است.

و البته برای نکاح و زفاف وقت نیک اختیار کنند مخصوصاً از موقع
 قمر و عقرب و شبهای محاق که شبهای تاریک آخر ماه است پرهیز نمایند
 و مستحب است که برای عروسی ولیمه در روز دوا ده شود - و باید از اسراف
 و تکلفات بیجا اجتناب کنند و اسباب خانه خرابی و دلتنگی فقر و ضعف را
 فراهم نکنند و پیروی عادات جاهلان و هم چینی که نتیجه آن پریشانی و فقر و بدبختی
 ملت است نمایند - و برای سیکه میخواهد زنی را تزویج کند نظر نمودن بصورت
 و دستها و مو و سایر محاسن عادی وی قبل از نکاح جائز است بلکه مستحب
 است - و مستحب است که اجراء عقد نکاح در شب واقع شود و مستحب
 است قبل از جاری شدن عقد نکاح خطبه خوانده شود - و چنانکه جائز است که
 زن و شوهر خود صیغه نکاح بخوانند هم چنین جائز است که طرفین وکیل قرار دهند
 و در حقیقت توکیل در این امر برای حفظ شرافت و مقام طرفین و عزت زن و شوهر
 است - و باید وکیل بالغ و عاقل باشد - و بدون گواه در موقع خواندن عقد
 واجب نیست بلکه سنت است و البته برای رفع تهمت ترك نشود - و باید
 در موقع اجراء عقد قصد انشاء یعنی ایجاد عقد کند - و ایجاب از طرف
 زن و یا وکیل او واقع شود ولی قبولی از طرف مرد یا وکیل او واقع میگردد

پس وکیل زن گوید اَنْكَحْتُ مَوْكَلَتِي مَوْكَلَكَ عَلَى الْمَهْرِ الْمَعْلُومِ
 یعنی وکیل کنسندۀ خود را بزنت وکیل کنسندۀ تو را و دم بھریہ معین کہ معلوم
 است۔ آن وقت وکیل مرد در جواب گوید قَبِلْتُ النِّكَاحَ لِمَوْكَلَّتِي
 عَلَى الْمَهْرِ الْمَعْلُومِ یعنی قبول نمودم نکاح را برای مَوْکَل خودم بھریہ کہ معلوم
 شد۔ و اگر تصریح بنام طرفین شود نیز خوبست۔ تکرار در صیغہ نکاح ایجاباً
 و قبولاً چنانکہ در کتب مبسوطہ آمدہ بسیار خوبست و اگر تکرار نشود عقد صحیح است
 و ہر گاہ ایجاب و قبول بچین زن و شوہر واقع شود زن میگوید اَنْكَحْتُكَ نَفْسِي
 عَلَى الْمَهْرِ الْمَعْلُومِ یعنی بزنت تو را و دم بھریہ کہ معلوم شد۔ مرد
 در جواب میگوید قَبِلْتُ النِّكَاحَ لِنَفْسِي عَلَى الْمَهْرِ الْمَعْلُومِ یعنی
 قبول نمودم نکاح را برای خودم بھریہ معلوم۔ و بجای اَنْكَحْتُ نَزَوَّجْتُ
 میشود گفت و بجای قَبِلْتُ النِّكَاحَ قَبِلْتُ الزَّوْاجَ نیز صحیح است
 و نیز بجای عَلَى الْمَهْرِ الْمَعْلُومِ عَلَى الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ گفتہ شود بای نیست
 پس چون عقد واقع شد زنا شوئی شرعی ثابت میشود۔ و حقوقی برای زن بر
 مرد و برای مرد بر زن لازم میگردد کہ برخلاف آن رفتن خلاف شرع و انسانیست
 است مگر برضایت طرفین۔ و باید اوقاتی را در نظر داشتہ باشند کہ بسبب

اجتماع طبیعی زناشویی اگر اولاد تولید شود گرفتار دیوانگی، فقر، بدبختی، نقص در
اعضا و تولید صفات بد در او نگردد. لذا است اوقاتی را که شرع نهی از مباشرت
در آن نموده باید از آن تجنب کنند مانند شبها و روزهای قمر و عقرب و محاق
و کواحل و غیره. و بر مرد واجب است که هر چهار شب یک شب در خانه زوجه
خود بسربرد. و در صورتیکه چهار زن داشته باشد هر شبی در خانه یکی از آنها
سربرد. قیام بنفقه زن از پوشاک و مکان و خوراک و سایر حوائج وی
مطابق شأن وی واجب است پس باید مرد بآن قیام نماید و بر زن است
که بدون اجازه شوهر از خانه بیرون نرود و تصرف در مال وی بدون رخصت نکند
و بدون رضایتش دیگری را در خانه او راه ندهد و با اهل و عیال وی بخوبی برسد
و از مال و دارائی وی نگاهداری نماید. و در ایام حمل مستحب است که برای حفظ
مولود و نمو طبیعی وی که خوش بار آید بعضی از امور را منظور دارند مخصوصاً مادر
که نتیجه خوبی آثار فرزند با و خواهد رسید باید زیاده در ایام حمل و ولادت فرزند
از خوراک و غیره ملاحظه کند. و چون فرزند متولد شود در گوش راست وی
ارام اذان گویند و در گوش چپ وی اقامه گویند. و در روز هفتم نام
نهادن کودک مستحب است و مستحب است که در آن روز برای وی عقیقه

کنند و سر کودک را برآشند و مقابل سنگینی آن نقره یا طلا صدقه بفقیر دهند
 و مستحب است که پسر را در آن روز ختنه نمایند و در صورتیکه ختنه نشود بعد از بلوغ
 بر او واجب است ختنه کند - و باید مراعات شیر کودک را نمایند - مدت
 رضاع را که دو سال است منظور دارند تا ممکن است کمتر از آن نمایند
 و هرگاه مادر نتواند شیر دهد کوشش کنند که شیر دهند و بی بد خلق، احمق،
 بد ترکیب، کثیف نباشد و اگر غیر مسلم است او را از خوردن مشکرات منع
 کنند تا که از آن شیر فرزند تربیت نشود - و باید پدر و مادر و مربیان کودک
 در پاکیزگی گفتار و نیکوئی رفتار خود در مقابل کودک اهتمام نمایند - و همیشه او را
 پاک و پاکیزه و در مکان خوب باندازه اقتدار خود نگاه دارند تا نور و حی و جسمی
 وی نیکو گردد - و باید دانست که حقوق فرزند بر والدین بسیار عظیم است
 و ترک آن سبب عقوق است خداوند همه را توفیق عطا فرماید که از عهده
 ادای حقوق اولاد برآیند ان شاء الله تعالی

در احکام متعه

و چون این معنا مفطریست که انسان گاه گرفتار سفر و دوری از
 زوج خود یا بیماری و یا عوارض دیگر میگردد و مجبوراً محتاج بزناشویی کوتاه میگردد

اینست که اسلام برای آنکه انسان گرفتار سوء اخلاق و بیماریهای زشت نشود
 امر زناشویی کوتاه نمود و حقیقه این دین مقدس جامع دارای این قانون یعنی
 متعه نبود جامعیت وی متزلزل میگردد بهر حال در موقعیکه مرد و زن خواسته
 باشند خود عقد را بخوانند قبلاً باید مدت و مهر را معین کنند. آنگاه
 زن میگوید مَتَّعْتُكَ نَفْسِي فِي الْمُدَّةِ الْمَعْلُومَةِ عَلَى الْمَبْلَغِ
 الْمَعْلُومِ یعنی بزینت تو را آوردم خود را باندازه وقت و مهری که معین شد
 مرد میگوید قَبِلْتُ لِنَفْسِي یعنی من قبول نمودم برای خود. پس از اینکه
 صیغه جاری شد باین مرد و زن تولید زناشویی کوتاه همان اندازه که وقت
 معین شده میشود و چون وقت تمام شد زن از مرد جدا میگردد و حکم طلاق
 را دارد. و باید زن بعد از جدائی چهل و پنج روز یا دو حیض عده بگیرد و اگر زن
 شرط نفقه نماید دادن آن بر مرد واجب میشود و آئانه و هرگاه اولاد
 شود اولاد طرفین است از هر دو ارث میگیرد ولی زن و مرد از یکدیگر
 ارث نمیبرند مگر آنکه بنا بر شهود در ضمن عقد شرط کرده باشند.

در احکام طلاق

طلاق در اسلام بسیار زشت و منکر است رسول اکرم صلی الله علیه و آله

میفرمود همیشه خبر نسل مرا سفارش در باره زنان باندازه نمود که گمان نمودم که حرام
است طلاق آنان و فرمود نسبت بآنها نیکی ننمائید پس بد رستیکه اینان در
قید نمایند - بهر حال توجه از زن و ملاحظه از وی در اسلام بسیار تاکید شده است
ولی باین حال اختلاف بین زن و مرد امر نیست طبیعی که گاه واقع میشود البته
در این صورت اگر ممکن شود بین آنها را صلاح نمود - باید با صلاح آنها را بهم
نزویک گردانید - و هرگاه ممکن نشود و صلاح طرفین در جدائی باشد پس طلاق
جاری میشود - و در صورتیکه مرد میتواند خود طلاق دهد بزوج خود بگوید اَنْتِ
طَالِقٌ يٰ اَنْزُوجَتِی طَالِقٌ یعنی تو را از قید زنیت من میباشی یا زوج
من از قید زنیت من را است - و واجب است طلاق در مقابل دو
نفر شاهد عادل واقع شود و در صورتیکه مرد و زن در شهر و گیر نباشند و در
یک شهر باشند باید زن خالی از حیض و نفاس باشد - و در طهری واقع
شود که مرد و زن خود را در آن ملاقات نموده باشد پس با ملاحظه این شرایط
طلاق صحیح واقع میشود - و اگر یکی از این شرایط کم شود طلاق باطل خواهد بود -
و در صورتیکه مرد دیگری را وکیل کند برای طلاق دادن زن خود پس وکیل بگوید
نَرْجُوکَی طَالِقٌ یعنی زن موکل من از قید زوجیت پله و را است

و اگر بنام تصریح کند بگوید نَزْوَجَةً مُوَكَّلِي فَلَانَةَ طَالِق و بجای فلانة
 نام زن را بگوید آن هم جائز است پس اگر چنین نمود زن آزاد میشود و ولی پس
 از طلاق باید عده بگیرد و عده وی گذشتن سه خون است اگر عادتش
 درست باشد و الا باید سه ماه بگذرد تا آنکه زن از عده بیرون آید ولی اگر حمل
 داشته باشد بعد از وضع حمل از عده بیرون میرود و ولادت آن بسیار کم
 باشد و بعد از خارج شدن زن از عده نسبت بخود صاحب اختیار است -
 و هرگاه در ایام عده مرد خواسته باشد بزن خود رجوع کند میتواند اگر طلاق وی
 رجعی باشد و تفصیل وی در کتب فقهیه آمده است.

وَصِيَّةُ بِيَّارِي عِيَّادَت

بدان که مرگ امریت حتمی الهی و چاره از آن نیست پس سزاوار است
 که انسان همیشه مرگ را در نظر گیرد و از آن غفلت ننماید و انجام نیکیات خود را
 از خدا طلب کند و سزاوار است که انسان ناامید از رحمت حق نگردد و
 ناامیدی از گناهان کبیره است بلکه باید همیشه انسان بخدای خود خوش گمان
 باشد بجهت آن که اوست بخشنده مهربان و چون مرگ امریت ناگهانی و بیخبر
 عارض انسان میشود مناسب است که شخص هیچگاه از وصیت خود غفلت نکند

برای خود وصی معین نماید که قابل اعتبار باشد و باید مسلمان و موثق باشد و وصیت خود از رویه شرع خارج نشود و هرگاه وصیت کننده مالدار است باید حقوق مردم و خویشان و کیفیت صرف ثلث خود را معین نماید، و مخصوصاً بخیرات و صدقات و مبرات وصیت کند، وصیت در اسلام از لوازم ایمان است از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده که وصیت لازم است بر هر مسلمان، و سزاوارست برای مسلمان آن که شب بگذراند مگر آنکه وصیت او نوشته و نزد سزاوار باشد، و نیز پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود کسیکه در موقع مرگ وصیت خود را نیکونه نماید عیاشی این (موجب نقص در مروت و عقل او و فرمود کسیکه بر وصیت نیکو از دنیا رود و شهید از دنیا رفته است

و چون انسان بیمار شود سزاوار است که صبر و شکیبائی را پیشه کند تا اجر او ضایع نشود و از گناهان خود توبه کند، پیغمبر اکرم صلی فرمود که ثواب یک شب تب افضل است از یک سال عبادت، و در روایت دیگر است کسیکه بیمار شود و شکر خدا را نماید برای اوست مثل شصت سال عبادت و سنت است که چون شخصی مرضی شود، دوستان و برادران بعبادت وی روند، و از او

دلجوئی کنند و برای او دعا نمایند و نیز شکر است که برای بیمار بخندند و مخصوصاً
 برای عیادت کننده اجر و ثواب بسیار است و سزاوار است که بیمار از آن
 دهد که برادرانش برای پرسش احوال وی حاضر شوند، چنانکه از امام صادق
 روایت شده است و البته از برای بیمار و عیادت کننده اجر بسیار است
 و در این باب روایات وارده شده است که گنجایش بیان آن نیست و غرض
 از این اوامر و تأکیدات و امر بعیادت و غیره راهنمایی و فائده رسانیدن به انسان
 است، راستی اگر هر آئینه ما مسلمانان باین قوانین اجتماعی که شریعت اسلام
 برای ما محقق نموده بطور درستی برمی خوریم باین اندازه جامعاً ما از دست
 نیرفت و پراکنده گی در میان مسلمانان ظاهر نمی شود، و باید دانست که عیادت
 کننده باید ملاحظه حال بیمار را نماید و زیاده از اندازه ننشیند، مگر آن که مریض
 خود خواسته باشد چه شستن عیادت کننده خارج از اندازه گاه گرانتر میشود
 از بیماری بر بیمار

احکام اموات

چون آثار مرگ ظاهر شود و موقع جان کندن رسد واجب است که مختصر
 را رو بقبله نمایند بقسبیکه باطن پای وی رو بقبله واقع شود و مستحب است

که نزد مختصر سوره یس و الصافات را بخوانند، چه خواندن آن موجب
 آسانی جان کردن است، و اورا تلقین شهادتین و اقرار به امامت دوازده
 امام علیهم السلام دهند، و سزاوار است که بیمار یا تلقین کننده بخواند و اگر
 نتواند بادل خواندن گیرد و کلام **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ** بر زبان وی جاری نمایند،
 چه وارد شده است کسی که آخر گفته وی **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ** باشد البته داخل
 بهشت میشود، و مستحب است که کلمات فرج را بوی تلقین کنند، و کلمات
 فرج این است:

**لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ
 الْعَظِيمُ سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ وَرَبِّ
 الْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَمَا فِيهِنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ وَرَبِّ الْعَرْشِ
 الْعَظِيمِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ**

ترجمه: نیست خدائی مگر خدای حلیم کریم، نیست خدائی مگر خدای

بلند عظیم منزّه است خدائی که پروردگار آسمانهای هفت گانه

و پروردگار زمینهای هفت گانه است و پروردگار است آنچه را که در

آنهاست و آنچه را که بین آنهاست و پروردگار عرش بزرگ است

و تمام تعریف از برای خدائی است که پروردگار عالمیان است)

و نیز جهت آسانی جان کردن این دعا را تلقین میت نمایند یا مَنْ يَقْبَلُ

الْيَسِيرَ وَيَعْفُو عَنِ الْكَثِيرِ اِقْبَلْ مِنِّي الْيَسِيرَ وَاعْفُ

عَنِّي الْكَثِيرَ اِنَّكَ اَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ (ترجمه ای

کسی که قبول میکند از من اندک را و می بخشد از من زیاد را قبول کن از من کم را

و عفو نما از من زیاد را بدرستی که می باشی تو بخشنده مهربان)

و هرگاه جان کردن دشوار شود، مختصر را بجای نقل کنند که همیشه در آنجا

نماز میخوانده است تا جان با آسانی سپارد و خواندن دعای عدلیه و آنچه میسر

شود از قرآن نزد وی سزاوار است و در نزد مختصر حرف زدن بسیار و گریه

کردن بسیار مکرره می باشد و هم چنین مکرره است دست گذاردن بر او

چه بر او سخت و دشوار میگردد، و چون روح از بدن مفارقت کند چشم و دامنش

را ببندند، و دستهایش را به پهلوش بکشند، و پاها می او را نیز بکشند. آنگاه

او را به پارچه به پوشانند و نزد وی قرآن بخوانند، و اگر شب مرده باشد چراغ

نزد وی روشن کنند، و مکرره است حاضر شدن جنب و حیض نزد میت

و نیز مکرره است که میت را تنها گذارند، و چون موت محقق شود تعجیل در تجسیر وی

مستحب است گمرا که شک در مرگ وی باشد که واجب است صبر کنند تا
 فوت وی محقق شود، و سنت است که مؤمنین را برای تشییع جنازه خبر کنند
 و تشییع جنازه در اسلام سنت است، و از برای تشییع کننده اجر بسیار و
 ثواب بسیار است، و در تشییع حکمتها است، و در حقیقت بهترین چیز است
 برای دلجوئی بازماندگان میت و سبب علاقمندی و حفظ صورت اجتماع و تقویت
 قومیت و تولید محبت و پایدار ماندن آشنائی و باقی ماندن روابط است
 هر انسان بالطبع محتاج است به انسان دیگر، مُردن از لوازم زندگانی است
 هر کسی می میرد و نیز محتاج میشود که دیگران همراهی نمایند در برداشتن مُرده وی
 پس باید برادران اسلامی از این امر غفلت نکنند و در تشییع مردگان خود حاضر
 شوند، و بر صاحب میت است که مردم را خبر نماید، از امام صادق ع روایت
 است که سزاوار است برادران مؤمن را خبر نمایند از مُردن او تا بجنازه حاضر
 شوند، و برای آنرا بکنند استغفار نمایند و میت و ایشان ثواب ببرند
 و حدیث دیگر وارد شده که اول تنه که مؤمن در قبر میدهند آن است که
 میامرزند هر کسی را که همراه جنازه او بوده است، و برداشتن جنازه میت
 اسباب اجر و ثواب است و شرکت در آن سنت است، باید یک دیگر را

به حمل جنازه یاری نمایند و برداشتن چهار طرف جنازه میت مستحب است
و در روایت وارد شده است کسی که چهار طرف جنازه را بردارد از گناه بیرون
میآید مثل روزی که از مادر متولد شده است و بهتر آنست که باین ترتیب بردارد
اول دست راست میت را بدوشش راست خود بردارد پس پای راست
میت را بدوشش راست خود بردارد پس از طرف پای میت بطرف دیگر جنازه
روند و پای چپ میت را بطرف چپ خود گیرند، پس دست چپ میت را
بطرف چپ خود بردارد و بعضی بر عکس نیز گفته اند اگر هر دو بجا آورده شود
البته ثوابش بیشتر است، و در وقت برداشتن جنازه و گرفتن آن بگویند
بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَاعْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ

(ترجمه: بنام خدا و بخدا، خداوند درود فرست بر محمد و آل محمد

و بیامرز مردان مؤمن و زنان مؤمنه را)

و باید تشییع کنندگان جنازه عقب جنازه یا در دو طرف آن راه روند

و در پیش جنازه راه نروند، اگر چه در بعضی روایات نیز وارد گردیده است

و از برای زنان تشییع نمودن جنازه نیست، و در وقت تشییع خندیدن و یا

حرف پیوده زدن کرده است و از حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم
وارد است که بخانه را به بیند این دعا را بخواند

اللَّهُ أَكْبَرُ هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ ، وَصَدَّقَ
اللَّهُ وَرَسُولُهُ . اللَّهُمَّ زِدْنَا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا الْحَمْدُ
لِلَّهِ الَّذِي تَعَزَّزَ بِالْقُدْرَةِ وَقَهَرَ عِبَادَهُ بِالْمَوْتِ

(ترجمه) خدا بزرگتر است - ایست چندی که وعده داد ما را

خدا و رسول او و راست گفت خدا و رسول او ، خدا یا زیاد کن ایمان

و تسلیم را ، تمام تعریف برای خدای انجنانست که متعز است بقدرت

و دلیل نمود بندگان خود را بزرگ

و نیز وارد است بخواند الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَجْعَلْنِي مِنَ

السَّوَادِ الْمُخْتَرِمِ

(ترجمه) : تمام تعریف برای خدای انجنانست که قرار نداد مرا از

بمکان مشدگان

و از حضرت امام جعفر الصادق علیه السلام روایت شده است که

فرمود چون مؤمن به میرود در خانه او چهل نفر از مؤمنان حاضر شوند بگویند

اللَّهُمَّ لَا تَعْلَمُ مِنْهُ إِلَّا خَيْرًا وَأَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنَّا

(ترجمہ : خدایا ہمیں انیم از او مگر نیکی و تو دانا تری از ما بہ او)

حق تعالیٰ فرماید، کہ من شہادت ترا قبول کروم و آمرزیدم گناہانی را کہ
من میدانم و تو نمیدانی۔

در احکام غسل میت است

واجب است غسل دادن ہر میت مسلمان را خواہ میت زن یا شہ
یا مرد، بالغ باشد یا نابالغ حتی آنکہ کہ در ک سقط شدہ چار ماہہ را نیز باید غسل داد
و ہر گاہ کہ از چار ماہہ باشد بدون غسل اورا در پارچہ پچیدہ دفن می نمایند
و غسل میت واجب کفائست، پس بروی میت واجب است کہ خود
یا دیگری با جازہ وی میت را غسل دہد و واجب است کہ مرد را مرد و زن را
زن غسل دہد مگر زن و شوہر کہ از برای آنها جازہ است کہ ہر یک دیگری را غسل
دہد و بہتر آنست کہ از روی جامہ غسل دہند، و نیز جازہ است غسل دادن مرد
و دختر ۳ سالہ را، و غسل دادن زن ۳ سالہ را، و نیز واجب است
در وقت غسل دادن میت عورتین اورا بہ پوشانند و پس از دوزن نمودن سبب
از بدن وی اورا بہ آب غسل دہند، اول بہ آب سرد پس غسل دہند

چنین میت کند که غسل میدهم این میت را به آب سدر برای آن که واجب است
 تقریب بخدا نگاه شروع بغسل دادن نماید، اول سر و گردن میت را غسل دهند
 پس از آن جانب راست میت را نگاه جانب چپ او را غسل دهند، و طریقی
 آن مثل غسل جنابت است و چون از آب سدر فارغ شوند، مرتبه دوم میت
 را به آب کافور غسل دهند، بهمان طریقی که در آب سدر گفته شد، و مستحب است
 که اندازه کافور سه نیر و نیم و ثلث باشد و کمتر از آن چهار و نیم و کمتر از آن یک
 مثقال و ثلث و کمتر از آن یک مثقال است و بعد از آب کافور واجب است که
 آب خالی میت را غسل دهند بمیکه در آب سدر و کافور گفته شد، و باید دانست
 که سدر و کافور با اندازه باید باشد که آب را مضاف نکند، و هرگاه سدر و کافور
 یافت نشود عوض آن دو نوبت به آب خالی غسل دهند، و مستحب است
 چون لباس میت را از او جدا کنند پیراهن او را از طرف پائین بیرون کنند، و اگر
 تنگ باشد باذن و رضایت پاره کنند، و مستحب است که غسل دهند
 و نفر باشند کمی آب بریزد و دیگری میت را بگرداند، و نیز مستحب است
 که در وقت غسل دادن پای میت بطرف قبله باشد، مثل وقت احتضار

سه نیر و نیم تقریباً مطابق است با سه توله و هر توله موازی است با دو مثقال و نیم

بعضی از علماء آن را واجب می دانند، و واجب است آب غسل طاهر باشد،
 مضاف نباشد، غصبی نباشد، نیز باید جای غسل پاک باشد غصبی نباشد
 و مستحب است در وقت غسل دادن میان میت و آسمان عاظمی باشد مانند
 سقف یا سایبان و یا غیر آن، و نیز مستحب است که میت را قبل از غسل
 بزرگش وضوئی زندگان وضو دهند، و مستحب است که غسل دهند طرف راست
 میت باشد و قبل از هر یک از غسل غسل دهند دست خود را تا آرنج بشوید
 و نیز مستحب است اگر میت جنب باشد قبل از غسل یا بعد از آن غسل جنابت
 دهند و سنت است که در وقت غسل هر مرتبه که میت را از جانبی بجانب
 دیگر میگردانند این دعا را بخوانند

اللَّهُمَّ هَذَا بَدَنُ عَبْدِكَ الْمُؤْمِنِ وَقَدْ أَخْرَجْتَ رُوحَهُ
 وَفَرَّقْتَ بَيْنَهُمَا فَعَفْوِكَ عَفْوُكَ

(ترجمه: خدایا این بدن بنده مؤمن تو است و تحقیق بیرون

نمودی روح او را و جدا کردی بین آنها پس آمرزشش تو را آمرزشش تو را

(امیدوارم).

و هرگاه میت زن باشد بگوید

اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا بَدَنُ أَمَتِكَ الْمُؤْمِنَةِ قَدْ أَخْرَجَتْ
رُوحَهَا وَفَرَّقَتْ بَيْنَهُمَا فَعَفُوكَ عَفُوكَ

ترجمہ : خدایا بدستیکہ این بدن کنیز مؤمنہ تواسست و تحقیق

بیرون آوردی روح او را و جدا نمودی بین آنها پس آمرزشش تورا

آمرزشش تورا (اُمیدوارم)

مستحب است کہ غسل در ہر حال بگوید رَبِّ عَفُوكَ عَفُوكَ

ترجمہ : ای پروردگار! آمرزشش ترا۔ آمرزشش ترا (می طلبم) تا خدا او را بیا مرزد

و باید غاسل در غسل دادن و کفن نمودن دانا باشد، بروی اعتماد باشد،

و قصد قربت نماید و باید آنچه را کہ از میت بیاید مثل انگشتری و غیرہ بہ وارث

برساند، و باید عیوب میت را بہ پوشاند تا کہ خداوند عیبهای او را ستر کند

چہ وارد است کسیکہ عیبهای میت را بہ پوشاند خدا گناہان او را می آمرزد

مثل آنکہ از مادر متولد شدہ باشد، و چون از غسل فارغ شود مستحب است

کہ بدن میت را خشک کند، مکروه است غسل دادن میت را بہ آب گرم

کردن در حال ضرورت، و نیز مکروه است ناخن میت را بگیرند و یا موی او را شانہ

کنند، و ہر گاہ میت منجزم با حرام حج یا عمرہ باشد حرام است کہ او را

به آب کافور غسل دهند، بلکه عوض آب کافور به آب خالص غسل میدهند و نیز
 جائز نیست که تمیم را حنوط کنند، و چون از غسل میت فارغ شوند واجب
 است که او را حنوط کنند و مقصود از حنوط آنست که بعد از غسل کافور را
 بر هفت عضوی که بر آن سجده نماز واقع میشود بگذارند و آن هفت عضو پیشانی
 و کف دو دست و دو زانو و دو انگشت بزرگ پاها است و اگر چیزی از کافور
 نیاویساید بر سینه میت گذارند، و باید دانست که هرگاه آب یافت نشود
 میت را سه مرتبه تمیم دهند، یکی عوض آب سرد و دیگری عوض آب
 کافور و تمیم سومین عوض آب خالص است و طریق تمیم همان قسم است
 که شخص بدل از غسل بجا میآورد.

در احکام کفن است

چون از غسل و حنوط میت فارغ شوند واجب است او را کفن
 نمایند، و واجبات کفن سه پارچه است
 اول: لنگ است که آن را بنزد گویند که باید بین ناف و زانوی میت
 را بپوشانند، ولی مستحب است که از سینه تا بقدم را بپوشانند.
 دوم: پیراهن است که آن را قمیص گویند و باید تا به نصف ساق

برسد، و اگر تا بقدم برسد افضل است.

سوم: پارچه سراسر میت که آن را از راولفافه گویند و میت را
و آن می چسبند سراسر پای میت را فرا میگیرند، و مستحب است که این پارچه
باندازه بلند باشد که ممکن شود از طرف سرو پای میت آن را به بندند، و در
وقت چسبیدن لفافه جانب چپ لفافه را بطرف راست آنگاه جانب راست
لفافه را بر جانب چپ اندازند، و مستحب است که علاوه بر آن سه پارچه
مذکور عامه برای میت بندند، و طول آن باندازه مناسب که تحت الحنک
داشته باشد و دو طرف عامه را بر خلاف یکدیگر بر سینه میت گذارند،
و عرض پارچه عامه نیز باید باندازه مناسب باشد، و از برای زن بجای عمامه
سنت است مقنعه بر سر وی چسبند، و نیز پارچه پهنی بر سینه زن بندند
که پستانهای وی را بگیرد، و دو سر پارچه را به پشت او بهم به بندند، و نیز
پارچه که طول آن سه ذراع و نیم و عرضش نیم ذراع الی یک ذراع باشد
بر رانهای میت باین طریق به چسبند که اول سر پارچه را بشکافند، باندازه
که ممکن شود آن را بر کمر میت بندند، آنگاه باقی پارچه از عقب سر میت از میان
دو پای او بیرون آورند، و از زیر کمر بندوی بیرون کنند پس از آن باقی را بر

رانهای میت به چپند، و مستحب است که پنبه بسیار بر عورتین میت بگذارد
 آنگاه آن پارچه را به چپند، و نیز مستحب است که جیره بینی که پارچه ایست
 از زمین آورده میشود به کفن میت اضافه کنند و میت را در آن به چپند،
 و هرگاه جیره بدست نیاید لفاغه دیگری عوض آن به چپند، پس تمامی این
 پارچه های کفن برای مرد شش پارچه و برای زن هفت پارچه گردید، ولی همان
 سه پارچه اول واجب و باقی مستحب است، و در صورتیکه پارچه تمام
 پیدا نشود بهر قدری که ممکن است میت را بآن کفن نمایند، و مستحب است
 که کفن خوش قماش باشد، و قیمتی باشد، و در قیمت کفن مضائقه
 و سخت گیری نکنند، و نیز مستحب است که میت را کفن کنند و پیراهنی که
 در آن نماز کرده است، و نیز مستحب است که در جامه باشد که در آن احرام
 و حج یا عمره نموده باشد و باید که کفن حریر محض نباشد و بهتر آنست که از ششم
 و مونی باشد بلکه مستحب است که کفن از پنبه سفید باشد و مکرده است که کفن
 از کتان باشد، و واجب است که کفن پاک باشد غصبی نباشد، و مکرر
 است که پیراهن میت استنین دار باشد ولی اگر پیراهن خود میت او را
 کفن کنند بدون استنین مکرر نیست و هرگاه کفن محتاج بدو ختن باشد

ریمان کفن را مستحب است از خود آن بیرون آورند، و کرده است که کفن
 را باهن بر بزند و چون غسل دهند خواسته باشد میت را کفن کند مستحب
 است که اول غسل بر میت نماید آنگاه مرده را کفن کند و یا آنکه وضو بگیرد
 و هرگاه ممکن نشود سه مرتبه دستهای خود را تا دوشش یا مرفق بشوید، آنگاه
 کفن نماید و اگر غیر غسال میت را کفن کند بهتر آنست که با طهارت باشد
 و مستحب است آنکه بر عامه و پیراهن و لفافه شهادتین و اقرار به امامت ائمه
 دوازده گانه را به تربت امام حسین علیه السلام بنویسند و از جمله مستحبات
 میت جریقین است و آن دو قطعه چوب تراست که از درخت خرمایاکنار
 یا اناریا بیدی باشد و اگر ممکن نشود از هر درخت ترومازه دیگر گرفته شود
 باکی نیست و طول هر یک از آن دو چوب بقدر یک ذراع دست میت
 و یا بقدر یک وجب باشد شهادتین و نامهای ائمه را بر آن بنویسند،
 یکی از آن دو چوب را بر پهلوی راست میت بین پیراهن و بدن میت بقبمی
 گذارند که تا چنبره گردن برسد و دیگری را طرف چپ میت میان پیراهن و سر
 تا سری بقبمی گذارند که سر آن تا بالای چنبره گردن برسد، و کفن زن بر شوهر
 اوست اگر چن زن و آرا باشد، و هرگاه مرد قدرت نداشته باشد بر او چیزی

نیست، و شهید را با همان لباس وی بعد از نماز بر او دفن نمایند غسل و کفن
برای شهید واجب نیست.

نماز میت

از جمله واجبات میت بعد از کفن نمودن نماز بر اوست و باید دانست
که نماز بر میتی واجب است که شش سال و بیشتر داشته باشد، ولی اگر از
شش سال کمتر باشد نماز بر آن مستحب است و نماز میت واجب کفائیست
یعنی هرگاه یک شخص آن را بگذارد از دیگران ساقط میشود و سزاوارترین مردم
نماز میت وارث است پس هرگاه ولی میت دیگری را از طرف خود برای
نماز کند کافیست، و در این نماز وضو و غسل شرط نیست بلکه جنب و حیض و
بی وضو نیز میتواند این نماز را بجا آورد، و مستحب است که با وضو این نماز بجا
آورده شود، و هرگاه ممکن نشود تیمم کنند، و نیز مستحب است که نماز را در
جائی بر میت گذارند که مقرر شده است برای خاندان نماز بر میت و این
نماز را بجماعت و افراد میتوان کرد و واجب است که در حال قدرت این
نماز ایستاده خوانده شود، و نیز واجب است که روبرو بقبله باشد و باید سر میت
را بطرف دست راست نماز خوان گذارند و مستحب است اگر مرد میت باشد

امام مقابل وسط جنازه بایستد، و اگر زن باشد مقابل سینه او ایستاده
شود، انگاه شروع به نماز نماید و ویران بوی افتد آکنسند و در خواندن متابعت

او نمایند، و شرکت در نماز میت ثواب عظیم دارد که در روایت وارد شده

است هر که بر جنازه مؤمنی نماز کند بهشت برای او واجب مگر آنکه منافق و

عاق والدین باشد، و وقت خواندن نماز کفشها را از پا بیرون کنند و نیز سنت

است که امام تکبیرات بلکه اذکار نماز را بلند بخواند، و در هر تکبیر مستحب است که

دست را تا مقابل گوش بلند کند و طریق نماز میت اقل واجب آن پنج

تکبیر است، بعد از تکبیر اول شهادتین بخواند: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا

اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ

(توجه: گوای میدهم اینکه نیست خدائی مگر خدا و گوای میدهم

اینکه محمد فرستاده خدا است)

بعد از تکبیر دوم درود بفرستد: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

وَأَلِ مُحَمَّدٍ

(توجه: خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد)

و بعد از تکبیر سوم گوید: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ

(توجه : خدایا بیا مردان مؤمن و زنان مؤمن را)

و بعد از تکبیر چهارم بگوید : **اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِهَذَا الْمَيِّتِ**

(توجه : خدایا بیا مرز این مُرده را)

انگاه تکبیر پنجم را بگوید از نماز فارغ است، و مستحب است که بعد از

تمام شدن نماز بخواند : **رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي**

الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ

(توجه : ای پروردگار ما بما عطا نما در دنیا نیکی و در آخرت نیکی

و نگهدار ما را از آتش دوزخ)

و مستحب است که امام و غیر او هر که باشد بجای خود بایستد تا که

بخانه روبرو آید، و موافق مشهور بهتر آنست که بعد از نیت نماز میت را

پسین بجا آورند :

اقُلْ

اللَّهُ أَكْبَرُ - أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا

شَرِيكَ لَهُ - أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ أَرْسَلَهُ

بِالْحَقِّ بِشِيرَاءٍ وَنَذِيرًا بَيْنَ يَدَيِ السَّاعَةِ پس بگوید **اللَّهُ**

أَكْبَرُ - اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَارْحَمَ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ
 وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ
 مُجِيدٌ وَصَلِّ عَلَى جَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ پس گوید
 اللَّهُ أَكْبَرُ - اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ
 وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ تَابِعْ
 بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ بِالْخَيْرَاتِ إِنَّكَ مُجِيبُ الدَّعَوَاتِ إِنَّكَ
 عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ پس گوید اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا عَبْدُكَ وَابْنُ
 عَبْدِكَ وَابْنُ أُمَّتِكَ تَزَلَّ بِكَ وَأَنْتَ خَيْرُ مَنْزُولٍ بِهِ اللَّهُمَّ
 إِنَّا لَا نَعْلَمُ مِنْهُ إِلَّا خَيْرًا وَأَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنَّا اللَّهُمَّ إِنْ
 كَانَ مُحْسِنًا فَزِدْ فِي إِحْسَانِهِ وَإِنْ كَانَ مُسِيئًا فَتَجَاوَزْ
 عَنْهُ وَاعْفُ لَهُ اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِنْدَكَ فِي أَعْلَى عِلِّيِّينَ
 وَاخْلُفْ عَلَى أَهْلِهِ فِي الْغَائِبِينَ وَارْحَمْهُ بِرَحْمَتِكَ يَا
 أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ پس گوید اللَّهُ أَكْبَرُ - فارغ میشود.

و اگر زن باشد بعد از تحمیر چهارم گوید

اللَّهُمَّ إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكَ وَابْنَةُ عَبْدِكَ وَابْنَةُ أُمَّتِكَ

نَزَلَتْ بِكَ وَأَنْتَ خَيْرُ مَنْزُولٍ بِهِ اللَّهُمَّ إِنَّا لَا نَعْلَمُ مِنْهَا
 إِلَّا خَيْرًا وَأَنْتَ أَعْلَمُ بِهَا مِنَّا اللَّهُمَّ إِنْ كَانَتْ مُحْسِنَةً
 فَزِدْ فِي إِحْسَانِهَا وَإِنْ كَانَتْ مُسِيئَةً فَتَجَاوَزْ عَنْهَا
 وَاعْفُ رَحْمَتُهَا اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا عِنْدَكَ فِي أَعْلَى عِلِّيِّينَ
 وَأَخْلَفْ عَلَى أَهْلِهَا فِي الْغَابِرِينَ وَارْحَمْهَا بِرَحْمَتِكَ
 يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

و اگر میت طفل نابالغ باشد بعد از تجوید چهارم گوید :
 اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِأَبَوَيْهِ وَلِنَاسِلَفٍ وَفَرَطٍ وَأَجْرًا

(ترجمه : خدا بزرگتر است گواهی میدهم که نیست خدای مگر خدا
 یگانه است و نیست شریکی او را و گواهی میدهم بدوستیکه محمد بنده او
 و فرستاده اوست ، فرستاده است او را بحق مرده و بنده و ترسانند
 است پیش از روز مستحضر خدایا بزرگتر است خدایا رحمت فرست بر محمد و آل
 محمد و برکت ده بر محمد و آل محمد و رحم کن محمد و آل محمد را مثل بهتر آنچه
 رحمت فرستادی و برکت دادی و رحم کردی بر ابراهیم و آل ابراهیم
 بدوستیکه توئی ستوده بزرگوار و رحمت فرست بر همه پیغمبران

و فرستادگان، خدا بزرگتر است، خدایا بیا مرز مردن و زنان
نومن، و مردان مسلمان و زنان مسلمانان را زنده از ایشان و مرده
آنهارا برسان میان ما و میان ایشان بکنی یا بدستی که توفی اجابت
کننده خواهی شد بدستی که تو بر هر چیز توانائی، خدایا بزرگتر است،
خدایا بدستی که این بنده تو و پسر بنده تو است و پسر کنیز تو است
نازل شده بتو و تو بهتر قرارگاہی برای او خدایا بدستی که ما امید داریم از او
گم کنی و تو داناتری بجال او را، خدایا اگر میباشد نیکو کار پس بیفز
بر نیکی او و اگر میباشد بد کردار پس بد کند از او و بیا مرز او را، خدایا
گمردان او را نزد خود در بلندترین درجات و قرار ده بر خویشان او، در
نیکو کاران و رحم کن او را بر رحمت خود، ای بخشنده ترین بخشندگان
خدا بزرگتر است.

(ترجمه قسمت چهارم راجع بزن) خدایا بدستی که این زن کنیز
تو و دختر بنده تو و دختر کنیز تو است، فرود آمده بتو و تو بهترین قرارگاه
برای او، خدایا بدستی که ما امید داریم از این گم کنی و تو داناتری با او، خدایا اگر میباش
نیکو کار پس بیفزاد نیکی او و اگر میباشد بد کردار پس بد کند از او، و بیا مرز او را، خدایا

بگردان او را نزد خود در بلندترین درجات و قرار دهد بر خویشان او
 و نیکوکاران و رحم کن او را بجهت خود ای بخشندترین بخشندگان) -
 (ترجمه ۱۱۵) خدایا بگردان او را برای پدر و مادر و برای ماسلف
 و مزدواجها).

احکام دفن

سنت است که تاهیت را در قبر نگذارند نه نشینند، و دفن میت واجب
 کفایت یعنی اگر کسی مقصدی دفن او شود از دیگران کفایت میکند و قدر
 واجب دفن آنست که میت را زیر خاک پنهان نمایند که بوی او از مردم
 پوشیده شود و بدش از زندگان محفوظ بماند، ولی مستحب است که
 گودی قبر تا چیره گردن یا بقدر قامتی باشد، و سنت است کندن نخ
 از طرف قبله و مستحب است که فراخی آن باندازه باشد که ممکن شود شستن
 در آن و هرگاه ممکن نشود نخ پس قبر را شق کنند یعنی میان قبر برای خوابانیدن میت
 گود کنند، آن قدر که توان شست بقسمیکه دو طرف داشته باشد، که
 خشت بروی آن توان گذاشت تا که خاک بر میت ریخت نشود و واجب
 است که زمین قبر غصبی نباشد، و مسلمان را نمیتوان در مقبره غیر اهل اسلام

دفن نمود، و چون میت برای دفن برند مستحب است بفاصله دو ذراع
یا سه ذراع پائین قبر گذارند، و اندک اوارا گذارند تا که مٹیای قبر شود و در
زاد المعاد علامه مجلسی است که سه مرتبه میت را نقل می کنند، و در مرتبه
چهارم به قبر میگذارند، و چون میت را نزدیک قبر گذارند سنت است بگویند
اللَّهُمَّ عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ وَابْنُ أَمَتِكَ نَزَلَ بِكَ وَأَنْتَ
خَيْرُ مَنْزُولٍ بِهِ

(توجه : خدایا این بنده تو است پسر بنده تو است و پسر کنیز
تو است فرود آمده است نزد تو و تو بهترین کسی هستی که فرود آمده شده
است نزد او).

آنگاه از طرف پای قبر میت را از سر سر ازیر بقبر نمایند و مستحب است
در این موقع بگویند :

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
وَالِهِ اللَّهُمَّ إِلَى رَحْمَتِكَ لَا إِلَهَ إِلَّا عَذَابُكَ، اللَّهُمَّ افْضَحْ لَهُ
فِي قَبْرِهِ وَلَقِّنْهُ حُجَّتَهُ وَثَبِّتْهُ بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ وَقِنَا وَإِيَّاهُ
عَذَابَ الْقَبْرِ

(توجه : بنام خدا و بخدا و برکت رسول خدا ص درود خدا بر او
و بر آل او، خدایا بسوی رحمت تو نه بسوی عذاب تو است، خدایا گشاده
کن برای او قبر او را و تلقین نما با وحجت او را و پابرجا کن او را بقول ثابت
و نگهدار ما را و او را از عذاب قبر).

و اگر میت زن باشد مستحب است که او را بطرف قبله قبر در کنار او بگذارد
و بعرض داخل قبر نمایند. آنگاه آن دعا را بخوانند - و در زاد المعاد است که
اگر میت زن باشد احوط آنست که محرم او را بقبر برود، و اگر محرم نباشد
زن صالحه و اگر زن نباشد مرد صالح او را بقبر برود، و سنت است شخصی
که بقبر میرود که میت را بقبر گذارد و با سرو پای برهنه بقبر رود و بندای قبا را بکشد
و بالا پوشش و در او را بیندازد، و از طرف پای قبر داخل شود و بگوید
اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا رُوضَةً مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ وَلَا تَجْعَلْهَا
حُفْرَةً مِنْ حُفْرِ النَّارِ

(توجه : خدایا قرار ده آن را (یعنی قبر را) روضه از روضهای

بهشت و قرار ده آن را گودی از گودی دوزخ)

آنگاه میت را که داخل قبر نمایند از طرف سر او را بگیرند، و مستحب است

و این حال بگویند:

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ اللَّهُمَّ اِيْمَانًا
بِكَ وَتَصْدِيْقًا بِكِتَابِكَ هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ
وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ اللَّهُمَّ زِدْ اِيْمَانَنَا وَتَسْلِيْمًا

(توجه: بنام خدا و بخدا بر طریق فرستاده خدا، خدایا ایمان

آورنده ام تو و تصدیق کننده ام بکتاب تو اینست چیزی را که

وعدده داد و با خدا و فرستاده او، و راست گفت خدا و فرستاده

او، خدایا زیاد کن ایمان و تسلیم ما را).

آنگاه میت را بجانب راست رو بقبله بخوابانند و زیر سر او را از خاک

بلند کنند و خشتی بر پشت او گذارند که نیفتد، و بند پای کفن را از جانب سر و پا

بکشایند و صورت میت را بر خاک گذارند، و در این حال او را تلقین کنند

و بهتر آنست که بدست راست شانه راست میت و بدست چپ شانه

چپ او را گرفته حرکت دهند و تلقین دهند و در زاویه المعاد علامه مجلسی است

که تلقین را این قسم دهند:

اِسْمَعُ اَفْهَمُ يَا فُلَانُ بْنُ فُلَانٍ بِجَايِ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ نَامِ مِيتِ

و نام پدراورا گویند :

هَلْ أَنْتَ عَلَى الْعَهْدِ الَّذِي فَارَقْتَنَا عَلَيْهِ مِنْ شَهَادَةِ
 أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا
 صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ سَيِّدُ النَّبِيِّينَ
 وَخَاتَمُ الْمُرْسَلِينَ وَأَنَّ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَسَيِّدُ
 الْوَصِيِّينَ وَإِمَامُ افْتَرَضَ اللَّهُ طَاعَتَهُ عَلَى الْعَالَمِينَ
 وَأَنَّ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَعَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدَ ابْنَ
 عَلِيٍّ وَجَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ وَمُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ وَعَلِيَّ بْنَ مُوسَى
 وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ وَعَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ وَالْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ وَالْقَائِمَ
 الْمُنْتَظَرَ الْمَهْدِيَّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَيْمَةً الْمُؤْمِنِينَ
 وَحُجَجُ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ وَأَيْمَتِكَ أَيْمَةً هُدًى
 أَبْرَارٍ يَا فَلَانُ بْنُ فَلَانٍ إِذَا آتَيْكَ الْمَلِكُ كَانَ الْمُقَرَّبَانِ
 الرَّسُولَانِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَسَأَلَاكَ
 عَنْ رَبِّكَ وَعَنْ نَبِيِّكَ وَعَنْ دِينِكَ وَعَنْ كِتَابِكَ وَعَنْ
 قِبْلَتِكَ وَعَنْ أَيْمَتِكَ فَلَا تَخَفْ وَلَا تَحْزَنْ وَقُلْ فِي

جَوَاهِرُهَا اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ رَبِّي وَمُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَبِيِّي
 وَالْإِسْلَامُ دِينِي وَالْقُرْآنُ كِتَابِي وَالْكَعْبَةُ قِبْلَتِي وَأَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ
 عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ إِمَامِي وَالْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ الْمُجْتَبَى إِمَامِي
 وَالْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ الشَّهِيدُ بِكَرْبَلَاءَ إِمَامِي وَعَلِيٌّ بْنُ زَيْنٍ
 الْعَابِدِ بْنِ إِمَامِي وَمُحَمَّدٌ بَاقِرُ عِلْمِ النَّبِيِّينَ إِمَامِي وَجَعْفَرُ
 الصَّادِقُ إِمَامِي وَمُوسَى الْكَافِمُ إِمَامِي وَعَلِيُّ الرِّضَا إِمَامِي
 وَمُحَمَّدُ الْجَوَادُ إِمَامِي وَعَلِيُّ الْهَادِي إِمَامِي وَالْحَسَنُ الْعَسْكَرِيُّ
 إِمَامِي وَالْحُجَّةُ الْمُنْتَظَرُ إِمَامِي هَؤُلَاءِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ
 أَجْمَعِينَ أَتَمَّتْ سَادَتِي وَقَادَتِي وَشُفَعَائِي بِمَا تَوَكَّلْتُ
 وَمِنْ أَعْدَائِهِمْ أَتَبَرَّءُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ثُمَّ أَعْلَمُ يَا قُلَانِ
 بَنَ فُلَانٍ أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى نِعَمَ الرَّبِّ وَأَنَّ مُحَمَّدًا
 صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نِعَمَ الرَّسُولِ وَأَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ
 عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ وَأَوْلَادَهُ الْأَيْمَّةَ الْأَحَدَ عَشَرَ نِعَمَ
 الْأَيْمَةِ وَأَنَّ مَا جَاءَ بِهِ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَقٌّ
 وَأَنَّ الْمَوْتَ حَقٌّ وَسُئُالَ مَنْكَرٍ وَنَكِيرٍ فِي الْقَبْرِ حَقٌّ

وَالْبَعْثَ حَقٌّ وَالنَّشُورَ حَقٌّ وَالصِّرَاطَ حَقٌّ وَالْمِيزَانَ حَقٌّ
وَقَطَايِرَ الْكُتُبِ حَقٌّ وَالْجَنَّةَ حَقٌّ وَالنَّارَ حَقٌّ وَأَنَّ السَّاعَةَ
آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ
أَفَهِمْتَ يَا فُلَانُ در حدیث است که میت در جواب میگوید بی
فهمیدم پس بگو ثبَّتَكَ اللَّهُ بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ وَهَذَا يَكُنِي اللَّهُ
إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ عَرَفَ اللَّهُ بَيْنَكَ وَبَيْنَ أَوْلِيَائِكَ
فِي مُسْتَقَرٍّ مِنْ رَحْمَتِهِ پس بگو اَللّٰهُمَّ جَافِ الْأَرْضَ عَنْ
جَنْبَيْهِ وَأَصْعِدْ رُوحَهُ إِلَيْكَ وَلِقِّهِ مِنْكَ بُرْهَانًا
اَللّٰهُمَّ عَفْوَكَ عَفْوَكَ

(ترجمه : بشنو بفهم ، بشنو بفهم ، ای فلان فرزند
فلان آیامی باشی بران عهدی که جدا شدی از ما برآن از گواهی براین
که نیست خدائی ، مگر خدای یگانه که نیست شرکی برای او و گواهی
براین که محمد که رحمت خدا بر او و آل او بنده او و فرستاده او است
و بزرگ پیغمبران و آخرین فرستاده گان است و اینکه علی پادشاه
ایمان آورندگان و بزرگ اوصیاء و پیشوایان است که فرض کرده است

خدا فرماید اوری او را بر جهانیان و بد رستیکه حسن و حسین و علی پسر
 حسین و محمد پسر علی و جعفر پسر محمد و موسی پسر جعفر و علی پسر موسی
 و محمد پسر علی و علی پسر محمد و حسن پسر علی و قائم منتظر مهدی که رحمتها
 خدا بر ایشان باد پیشوایان ایمان آورندگان و حجتهای خدا پسند بر
 آفرینش، همه پیشوایان تو پیشوایان را بنمایند ای فلان پسر
 فلان چون می آیند ترا در ملک مقرب فرستاده از نزد خدای تبارک
 و تعالی و می پرسند ترا از پروردگار تو و از پیغمبر تو و از دین تو و از کتاب
 تو و از قبله تو و از امامهای تو پس مترس و اندوه مکن مشو و بگو در
 جواب آنها خدای جل جلاله پروردگار منست و محمد که رحمت خدا بر او
 و آل او پیغمبر منست و اسلام دین منست و قرآن کتاب منست و
 کعبه قبله منست و امیر المؤمنین علی پسر ابوطالب امام منست
 و حسن مجتبی پسر علی امام منست و حسین پسر علی شهید کربلا امام منست
 و علی زین العابدین امام منست و محمد باقر امام منست و جعفر صادق
 امام منست و موسی کاظم امام منست و علی رضا امام منست و محمد جواد
 امام منست و علی اودی امام منست و حسن عسکری امام منست و حجت

فقط امام هست این گروه که رحمتهای خدا برایشان باد همه امامهای من
 و بزرگان من و پیشروان من و شیعیان من می باشند بایشان
 دوستی میجویم و از دشمنان ایشان بیزارم و دنیا و آخرت باز بدان
 ای فلان پسر فلان بدستیکه خدای تبارک و تعالی نیکو پروردگار است
 و بدستیکه محمد که رحمت خدا بر او و آل او نیکو فرستاده است و بدستیکه
 امیر المؤمنین علی پسر ابوطالب و فرزندان او امامان یازده گانه پیشوایانند
 و بدستیکه آنچه را که آورد آن را محمد که رحمت خدا بر او و بر آل او باد حق
 است، و بدستیکه مرگ حق است و پریشش منکر و کفر در قبر حق
 است و برای نجات حق است و شرع حق است و صراط حق است
 و ترازو حق است و احکام کتابها حق است و بهشت حق است و
 آتش حق است و بدستیکه قیامت آینده است نیست شکلی در آن
 و بدستیکه خدای انگیز و هر که در قبرها است آیا فهمیده می ای فلان ثابت
 دارد ترا خدا بگفتار درست و راه نماید ترا خدا بسوی راه راست بشناساند
 خدا میان تو و میان دوستان تو در قرارگاه از رحمت او خدایا کشاده
 کن زمین را از دو طرف او و بلند کن روح او را بسوی خود و پرسان

اورا از تو را همنامی خدا یا در گذر در گذر

پس خشت برآلحد بگذارو، و خشت خام بهتر است و خشت‌ها را
بقسمی گذارند که خاک بر میت نه ریزد و کسیکه داخل قبر رفته استحت است
از طرف پای ای قبر بیرون آید، آنگاه خاک در قبر بریزد و سه مرتبه ریختن
سنت است و در حال ریختن بگویند:

إِنَّا لِلّٰهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ هَذَا مَا وَعَدَنَا اللّٰهُ
وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللّٰهُ وَرَسُولُهُ أَللّٰهُمَّ زِدْنَا إِيمَانًا
وَتَسْلِيمًا

(ترجمه: بدرستی که ما برای خدایم باشیم و بدرستی که ما بسوی

خدا بر میگرددیم، انیست چیزی که وعده داد ما را خدا و فرستاده او

و راست گفت خدا و فرستاده او، خدایا زیاد کن ایمان و تسلیم ما را)

و مکرود است خویشان میت خاک در قبر بریزند که سبب نختی دل میشود

و نیز مکرود است که غیر از خاک قبر در قبر ریخته شود که بار است بر میت و سخت

است که صورت قبر را بقدر چهار انگشت کشاده یا یکت و جب بلند کنند و پهن

نمایند، آنگاه آب بر قبر بریزند در حدیث وارد شده است که تا تری قبر هست

میت را غدا بزن کنند و سنت است آب ریزند و رو بقبله بایستد و از پیش
سر قبر شروع در ریختن آب نماید و بر یکت جانب قبر بریزد تا پیش پا انگاه بگردد
بجانب دیگر قبر بریزد تا پیش سر و باقی آب را در وسط بریزد، و سنت است
که وقت ریختن آب را قطع نکند و متصل بریزد تا تمام شود، و بعد از آب ریختن
سجده است که دست بر قبر گذارند بقسمیکه آثار انگشتان بر گل بماند، و رو
بقبله نزد سر او نشینند و از برای میت طلب مغفرت کنند و بخوانند:

اللَّهُمَّ جَافِ الْأَرْضَ عَنْ جَنْبَيْهِ وَاصْعِدْ إِلَيْكَ
رُوحَهُ وَلِقِّهِ مِنْكَ رِضْوَانًا وَاسْكِنْ قَبْرَهُ مِنْ رَحْمَتِكَ
مَا تُغْنِيهِ بِهَا مِنْ سِوَاكَ

(توجه : خدایا آرام نما زمین را از دو طرف او و بلند کن بسوی خود

روح او را و برسان او را از تو بخشش و ساکن کن قبر او را از رحمت خود

چیزی که بسبب آن بی نیاز نمائی او را از غیر تو)

و نیز هفت مرتبه سوره اِنَّا أَنْزَلْنَاهَا بَخوانند، و سنت است بعد از رفتن

مردم ولی میت یا دیگری از طرف او نزد سر قبر بنشیند و با او بلند آن تلقین را

که گذشت بخواند و سجد است که مصیبت زده گان را قبل از وفات و بعد از آن

تعزیت و دلاری دهند و آنها را بصبر و شکیبائی امر نمایند و نیز سنت است تا
 سه روز خصوصاً همسایگان برای مصیبت زده گان خوراک برند، و زیاده از
 سه روز ماتم نگذارند، و برزن واجب است که چهار ماه و ده روز عده وفات
 شوهر خود را بگیرد و ترک زینت و جامه های رنگین کند، و برای آسایش روان
 میت مستحب است که در شب اول دو رکعت نماز وحشت را بجا آورند.

نماز شب اول دفن

نماز شب اول دفن دو رکعت است رکعت اول بعد از آنکه بخوانند
 آیه الکرسی یک مرتبه و در رکعت دوم بعد از آنکه سوره انا انزلناه فی لیل القدر
 ده مرتبه چون سلام نماز دهد بگوید :
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَابْعَثْ ثَوَابَهَا إِلَى
 قَبْرِ فُلَانٍ و بجای فلان نام میت را برود.

(ترجمه : خدایا بفرست درود بر محمد و آل محمد و روانه کن ثواب آنرا بقبر فلان)

نماز دیگر است

در مفاتیح ارستید بن طائوس نقل شده که رسول خدا م فرمود نمی گذرد
 ساعتی سخت تر بر میت از شب اول قبر پس رحم کنید مردگان خود را بصدقه

و اگر نیافتی چیزی را که صدقه دهی پس یکی از شما با دو رکعت نماز بجا آورد و بخواند
 در رکعت اول اَلْحَمْدُ لَكَ رَبِّهِ وَقُلْ هُوَ اللهُ اَحَدٌ وَوَرْتَبَهُ وَدَرْ رَكْعَتِ دَوِّمِ اَلْحَمْدُ
 لَكَ رَبِّهِ وَ اَلْحَمْدُ لَكَ رَبِّهِ وَوَرْتَبَهُ وَوَرْتَبَهُ وَوَرْتَبَهُ وَوَرْتَبَهُ وَوَرْتَبَهُ
 اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ اَبْعَثْ ثَوَابَهَا
 اِلٰى قَبْرِ ذٰلِكَ الْمَيِّتِ فَلَانِ بْنِ فَلَانِ

(ترجمه : خدایا بفرست درود بر محمد و آل محمد در روانه کن ثواب آنرا

بسوی آن میت نام میت و پدر میت را برو).

و بر زندگانست که مُردگان را فراموش نکنند و آنها را بخیر و خوبی یاد
 کنند، زیرا که دست ایشان از دنیا کوتاه گردیده و چشم براهند که تا فرزندان
 و برادران و خویشان و دوستان آنها را یاد کنند، در روایت وارد شده است
 که چه بسا فرزندیست که پدر و مادر او را عاق نموده باشند و بعد از مُردن ایشان
 بواسطه نیکوکاری و اعمال خیری که برای آنها می نماید از او درگذرند، و گاهی نیز
 برعکس میشود پس بر زندگان لازم است که حقوق مُردگان را فراموش
 نکنند و آنها را یاد نمایند و برای آنها خیرات کنند، و از نماز و دعا و صدقات
 و میراث خود داری نکنند تا که در اثر آن ارواح آنان خوش شوند و دعا نمایند

مخصوصاً در روایات وارد است که در موقع زیارت ارواح مردگان مانوس
 میشوند و زیارت اموات برای مردان در اسلام تحب است و سنت است
 روز شنبه یا دوشنبه و یا عصر پنجشنبه و یا روز جمعه باشد، مستحب است
 چون شخص وارد قبرستان شود اموات را باین قسم زیارت کند

زیارت اموات

السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ الدِّيَارِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُسْلِمِينَ
 أَنْتُمْ لَنَا فَرَطٌ وَنَحْنُ أَنْشَاءُ اللَّهُ بِكُمْ لَاحِقُونَ

طریق دیگر

السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ الدِّيَارِ مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُؤْمِنِينَ
 رَحِمَ اللَّهُ الْمُسْتَقْدِمِينَ مِنَّا وَالْمُسْتَأْخِرِينَ وَإِنَّا
 أَنْشَاءُ اللَّهُ بِكُمْ لَاحِقُونَ

طریق دیگر

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الدِّيَارِ مِنْ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ وَرَحِمَهُ
 اللَّهُ وَبَرَكَاتُهُ أَنْتُمْ لَنَا سَلَفٌ وَنَحْنُ لَكُمْ تَبَعٌ رَحِمَ اللَّهُ
 الْمُسْتَقْدِمِينَ مِنْكُمْ وَالْمُسْتَأْخِرِينَ وَإِنَّا لِلَّهِ وَإِلَيْهِ

إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

(توجه : سلام بر شهابادای اهل دیاری که از جماعت ایان
آورندگان می باشید ، رحمت پرور و کار و برکت های او (بر شهاباد)
شما نیز برای ما پیش رو - و ما نیز برای شما پیرو ، رحمت کند خدا
پیش رونندگان از شما را (و رحمت کند) پس رونندگان (از شما را)
و بدرستی که ما از برای خدای بشارت و بدستیکه ما بسوی او از برشتگانیم
و سفت است که این وعده قبرستان خوانده شود.

اللَّهُمَّ جَافِ الْأَرْضَ عَنْ قُبُورِهِمْ وَصَاعِدِ إِلَيْكَ
أَرْوَاحَهُمْ وَلَقِّنْهُمْ مِنْكَ رِضْوَانًا وَأَسْكِنِ إِلَيْهِمْ مِنْ
رَحْمَتِكَ مَا تَقْصِلُ بِهِ وَجَدْتَهُمْ وَلَوْ لَيْسَ بِهِ وَحِشْتَهُمْ
إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

(توجه : خدایا آروم کن زمین را از قبرهای ایشان و طین نما
بسوی خود از واج ایشان را و برسان بآنها بخشش خود را و ساکن
نما بسوی آنها از رحمت خود چیزی را که بسبب آن دور کنی تنهایی
آنها را ، و آنوس نمائی به سبب آن وحشت آنها را بدرستی که

میباشی تو بر هر چیز توانا).

و خواندن یازده مرتبه قل هو الله احد و بخشیدن ثواب آنرا به تمامی
 اموات قبرستان است است چه از رسول خدا ص روایت است
 که خداوند بعد از آن مردگان بخوانده اجر و ثواب عطا میفرماید، و در
 احادیث بسیار وارد شده است، هر که نزد قبر برادر مؤمن هفت مرتبه
 اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ نَحْنُ اَنْزَلْنَاهُ بخواند از ترس روز قیامت ایمن گردد، و سنت است که
 در وقت خواندن دست بر قبر گذارند، و نیز مستحب است نزد قبر سوره
 الحمد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل هو الله
 احد و آیه الکرسی هر یک را سه مرتبه بخوانند و نیز هر اندازه که ممکن
 شود از خواندن قرآن مخصوصاً سوره یس خود داری نکنند چه در حدیث
 از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است هر که در قبرستان
 در آید و سوره یس بخواند خدای عز و جل عذاب اموات را تخفیف دهد
 و جهت او باشد بعد و ایشان حسنات و نیز از طلب مغفرت و اذن صید
 و خیرات در آن موقع کوتاهی نکنند و ارواح مردگان را خوشنود نمایند که البته
 نتیجه ثواب آن در دنیا و آخرت بخود شخص خواهد رسید ان شاء الله تعالی

امر بمعروف ونهی از منکر

وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ

بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

(سوره آل عمران آیه ۱۰۴) یعنی و باید بوده باشد از شما جمعی که بخوانند

بسوی خیر و امر کنند بسوی خوبی و منهی کنند از بدی و آن جماعت آنانند

استگاران. یکی از فروع مهمه در اسلام که ترک آن گناه کبیره

است امر بمعروف و نهی از منکر است. و مقصود از آن راهنمایی

و ارشاد و گیران است بپیکلی و احکام شرع و نهی نمودن از کارهای

ناستوده و رفتار برخلاف شرع. امر بمعروف و نهی از منکر یگانگی

قانونی است که اگر عملی شود و مرد و زن بآن ملتزم گردند ملت تو بنا

شود مسلمانان خوش نام گردند. صفات پاک در میان مردم

رواج گیرد. خانها آباد گردند. اولاد شریفانه بار آید. عالمه از زندگی

خود برخوردار گردند. اجنبی نتواند در مملکت نفوذ کند. امر بمعروف و نهی

از منکر بفرمایش امام صادق علیه السلام رویه انبیاء و کرده صلحا است.

فرائض بسبب آن پابرجا شود. امن و امان سراسر مملکت را گیرد.

انصاف و میانه روی در میان مردم عملی گردد. نادار و ضعیف بحقوق خود
برسند. دارندگان در امان زندگی کنند. اشرار را خیار گردند و یا
بصورت آنان ورایند. کسب و تجارت بر اصول صحیح در میان مردم
رواج گیرد. و کلیه خصوصیات زندگانی انسان راجع بامر معاشش
و معاد اصلاح شود. در مجمع البیان طبری است که پیغمبر اکرم صلی الله
علیه و آله وسلم فرمود کسیکه امر معروف و نهی از منکر کند خلیفه خدا است
در زمین و خلیفه رسول خدا و خلیفه کتاب او است. مردی از پیغمبر اکرم
صلی الله علیه و آله وسلم است سوال نمود یا رسول الله من خیر الناس
یعنی کیست بهترین مردم فرمود کسانی که امر معروف و نهی از منکر کنند
و پرهیزگارتر باشند در احکام خدا. و فرمود خدای عز و جل دشمن میدارد
مؤمن ضعیفیکه دین ندارد و عرض کردند کیست مؤمن ضعیفیکه دین ندارد
فرمود آن کسیکه نهی از منکر نمیکند. پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرمود
امر معروف و نهی از منکر کنید و الا خدا مستلط مینماید بدان شما را بر نیکیان شما.
پس در آن موقع است که هر چه دعا کنید مستجاب نشود. و شرط است
در کسیکه امر معروف میکند و انما باشد با آنچه را که امر و یا نهی مینماید و نیز

خوف ضرر نداشته باشد و بماند که ممکن است اثر نماید و مناسبست موقع را و نظر
گیر و و بدارانی و حکمت اقام با مرو نمی نماید - خدا میفرماید اذْعِ إِلَى
سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ (سوره نحل
آیه ۱۲۶) یعنی بخوان براه پروردگارت بحکمت و پند نیکو و در صورتیکه
قدرت بر آن نداشته باشد باید منکر را در دل انکار کند و معروف را یعنی
نیک را دوست دارد البتّه خداوند ثواب امر معروف و نهی از منکر
با وعطا خواهد نمود - در کتاب آسمانی خود فرمود وَالَّذِينَ جَاهَدُوا
فِيْنَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ (سوره
عنکبوت آیه ۶۹) یعنی و آنانکه مجاهده نمودند در راه راسته را بنماییم آنان را
راههای خود را و بدرستی که خدا با نیکوکارانست

حج در اسلام

حج در اسلام یکی از فرائض مهم الهی است که بر هر شخص بالغ عاقل
از اوستطیع و عمری یک مرتبه واجب میشود - و استطیع کسی است که
قدرت بر رفتن حج و آمدن بقسمی داشته باشد که تولید ضرر و جان و مال
و بازماندگان وی نشود و مانعی در راه نباشد و باندازه حیثیت خود

توانا بر نفقه و مخارج خود باشد و یا آنکه دیگری او را توانا بر نفقه و خرج
 نماید. پس چون شرایط استطاعت جمع شود واجب است که
 همان سال حج رود. و باختیار خود میتواند حج را تا خیر اندازد و اگر
 چنین کند مرتکب گناه کبیره شده است. و در موقع مسافرت حج
 مستحب است که مقدمات سفر خود را فراهم کند. و راجع بأمورات
 خود سفارش نماید و تا ممکن است طلب کاران و صاحبان حق را راضی
 نماید. و باید چنان تصور کند که مهتبیای سفر آخرت میشود. و از برای حاجی
 است از شروع مقدمات سفر حج تا انجام آن ثوابهای بسیار که این
 رساله گنجایش بیان آنرا ندارد. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم
 برودی فرمود نظر کن بکوه ابوقبیس اگر این کوه از تو باشد و طلای احمر گردد
 و همه آنرا در راه خدا انفاق نمائی و صدقه و همی نمیری بآن ثواب و درجه
 که حاجی بآن میرسد. و باید دانست که یکی از شرایط قبولی حج آنست
 که مال حلال باشد. اگر خمس و زکوة بآن تعلّق گرفته باشد باید داده
 شود. و باید حاجی نظری در حج خود بجز اطاعت پروردگار و آوردن
 حکم شریعت نداشته باشد بیا و شهرت فخر و خودنمائی و غیره از صفات

بد در حج منظور نباشد که موجب وبال و خرابی حج می شود - و باید حاجی
 و اما بمسائل خود باشد و اگر نداند بقدر امکان و اما شود و بر غیر مجتهد است
 آنکه تقلید مجتهد عادل امامی اثنی عشری را نماید - و در وقت مسافرت استحباب
 است که غسل کند و دو رکعت نماز بخواند و بعد از نماز این مختصر دعا را بخواند
 اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَوْدِعُكَ نَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي وَذُرِّيَّتِي
 وَدُنْيَايَ وَآخِرَتِي وَأَمَانَتِي وَخَاتِمَةَ عَمَلِي أَكْشَاهُ تَبِيعَ حَضْرَتِ
 قَاطِمَةُ زَهْرَا عَلِيهَا سَلَام رَا بخواند و در و فرستد و دعا برای اهل و عیال
 و فرزندان و باز ماندگان خود کند - آنها را بخدا سپارد - صدقه بار باب حاجت
 دهد - ارحام خود را در نظر داشته باشد - فقرای آنها را مدد کند - چون از
 خانه بیرون رود آیه الکرسی و سوره حمد و چهار قل و بعضی دعای داورده
 اگر در نظر داشته باشد بخواند و از خدا سلامتی هکلی خود و متعلقین خود را بخواند
 و روانه شود - و در راه با حسن اخلاق و بر و باری با مردم سلوک کند و بقدر
 قوه خود در خرج کوتاهی نکند که مستحب است در سفر حج بذل نمودن و بسیار
 صرف کردن که البته برای او است در نتیجه فایده دنیا و آخرت - و مستحب
 است برای مسافر که عصا و تربت با خود داشته باشد -

در احکام حج است

بدانکه حج بر قسم است حج تمتع - حج قرآن و حج افراد ولی بر سیکه
منزلش از مکه باندازه چهل و هشت میل یا زیاده دُور است بر او واجب
است که حج تمتع نماید و آنرا حجه الاسلام گویند - و حجه الاسلام و عمل
است - عمره تمتع و حج تمتع و شروع عمره تمتع از میقات است.

میقات

جائیست که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آنرا معین نمود که
حاجی از آنجا باید احرام بندد و روانه گشت و بدون احرام جائز نیست
تجاوز از آن نماید - و میقاتگاه پنج است - اول مسجد شجره که در مدینه
که سه میلی مدینه است واقع شده پس کسیکه از مدینه طایفه پنج می رود باید
از آنجا احرام بندد - دوم ذوالحجّه است که برای کسانیست که
از راه عراق می آیند - سوم ذیحجه است برای کسانی است که از راه
شام می آیند - چهارم ذی القعدة است که برای اشخاصی که
از راه طائف می روند - پنجم یلملم برای کسانی است که از راه مین حج
نمایند و نیز کسانی که از طریق دریای هند و عرب از بحر احمر بطرف حج می روند

یکنم میقات آنها است - و در صورتیکه شخصی نمیتواند از میقات احرام
ببندد از محاذی آن باید احرام نماید - و مراد از محاذی آنست که چون شخص
رو بطرف مکه روانه میشود میقات طرف راست و یا چپ وی واقع شود
از این جهت است که برای حاجی دریائی جایز است که از جده احرام ببندد
برای آنکه محاذی است بایکم - و بهتر آنست که چون به جده رسد و آن
منزلیست بین مکه و جده نیت را دوباره تجدید نموده و تلبیه گوید

در بیان احرام عمره تمتع

چون حاجی میقات و یا محاذی آن رسد واجب است که احرام
ببندد و احرام سه عمل است اول - پوشیدن دو پارچه احرام که پاک
باشد و دوخته نباشد سفید باشد بهتر است - یکی را مانند لنگ ببندد
و دیگری را روی شانه خود بپا ندازد - وزن در لباس خود محرم می شود -
پوشیدن دو پارچه احرام بر او نیست و لباسی که در آن محرم میشود ابرشی
نباشد بهتر است - دوم - از اعمال احرام نیت است پس واجب
است که حاجی نیت احرام عمره تمتع برای حجه الاسلام ببندد واجب
قرینه الی الله نگاه مقارن نیت تلبیه گوید - سوم - از اعمال احرام

تلبیه است - مُراد از تلبیه گفتن چهار تلبیک باین طریق لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ
 لَبَّيْكَ - لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ إِنَّ الْحَمْدَ
 وَالنِّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ - مستحب است

که مرد در موقع تلبیه آواز خود را بلند نماید وزن آهسته پس چون حاجی این
 سه عمل را بجا آورد مُحَرَّم میشود ولی مستحب است قبل از احرام غسل
 نماید و احرام بعد از نماز واجب و یا نماز مستحبی واقع شود و نماز مستحبی شش رکعت
 هر دو رکعت بی یک سلام و اقل آن دو رکعت است چون حاجی مُحَرَّم شود بیست
 و چهار امر بر او حرام میگردد و چنانکه بعد از این بیان خواهد شد.

و چون حاجی از احرام فارغ گردید روانه کعبه میشود و چهار عمل دیگر
 که از اعمال عمره است بجا میآورد اول - طواف و مقصود از آن
 پیر خیدن با طواف خانه کعبه است بطریقی که بیان میشود - و باید حاجی
 با طهارت و وضو وارد مسجد الحرام گردد زیرا که بدون وضو طواف واجب
 صحیح نیست - مستحب است که با غسل وارد گردد و در وقت ورود مسجد
 الحرام بخواند بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ
 صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ و چون وارد شود متوجه بسوی کعبه گردد

وَبُيِدَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَظَّمَكَ وَشَرَّفَكَ وَكَرَّمَكَ
وَجَعَلَكَ مَثَابَةً لِلنَّاسِ وَأَمْنًا مَبَارَكًا وَهُدًى
لِلْعَالَمِينَ - و طریقی طواف آنست که مقابل حجر الاسود قسمی بایستد
که شانزده چرخ محاذی آن باشد و باین قسم نیت کند که من طواف عمره تمتع
برای حجه الاسلام بجا میآورم قریباً الی الله پس شروع بطواف میکند
و هفت مرتبه باطراف کعبه دؤر میزند از حجر الاسود شروع نموده و بحجر الاسود
تمام نماید - و هر مرتبه را یک شوط میگویند پس هر طوافی هفت شوط است
و اگر بواسطه از وحام نتواند محاذی حجر بایستد برای نیت قبل از رسیدن
بحجر الاسود همین قسم که میرود نیت کند بقسمیکه از حجر الاسود شروع بطواف
شود - و باید در وقت طواف بدن انسان از محاذی کعبه بیرون نرود
و دست بدیوار کعبه نکشد و در وقت طواف سبّحت است بخواند اللَّهُمَّ
إِنِّي فَقِيرٌ وَآلِيكَ مُسْتَجِيرٌ فَلَا تُغَيِّرْ جِسْمِي وَلَا
تُبَدِّلْ إِسْمِي.

عمل دوم - نماز طواف است پس چون حاجی از طواف فارغ

گردد واجب است که نزدیک مقام ابراهیم دو رکعت نماز طواف بجا آورد

مستحب است در رکعت اول بعد از حمد قل هو الله احد و در رکعت دوم
قل یا ایها الکافرون بخواند پس از فراغت از نماز حمد و ثنای الهی را بجا
آورد و صلوات فرستاده طلب قبولی و استجاب دعا از خدا نماید.

عمل سوم .. سعی است که حاجی چون از نماز طواف فارغ گردید برای
سعی از مسجد الحرام خارج گردد و بین صفا و مروه سعی کند یعنی هفت مرتبه
رفت و آمد از صفا بروه و از مروه بصفا نماید. و شروع سعی از صفا میشود
و شوط هفتم بروه تمام میگردد. و چون حاجی بصفا رسد مستحب است
هفت مرتبه الله اکبر و هفت مرتبه الحمد لله و هفت مرتبه لا
إله إلا الله گوید. و در حال سعی چون مناره رسد تا مناره دیگر برای
مردان مستحب است که بطور هروله برود. و چون از سعی فارغ گردد عمل
چهارم را بجا آورد.

عمل چهارم .. تقصیر است. و مراد از تقصیر آنست که حاجی قدری
از ناخن و یا از موی خود ولو کم باشد بقیچی یا غیر آن بگیرد خواه از موی سر
یا ریش یا سبیل و یا از کیسو باشد. پس چون حاجی تقصیر نمود از
احرام عمره تمتع فارغ میشود و آنچه حرام شده بود براو حلال میشود مگر

کندن گیاه حرم - و احرام عمره متع جایز است که در سوال فوقه و الفع شود

در بیان محرمات احرام است

چون حاجی مُحَرَّم گردید بیست و چهار امر بر او حرام میشود و باید آنرا
تُرک کند عقد نکاح و گواه شدن بر آن، شکار، استعمال بوی خوش، سوزاندن
نظر نمودن در آینه، پوشانیدن مرد سر خود را اگر چه زیر آب نمودن سر باشد
وزن روی خود را اگر قبضه میکرده معمول است، پوشیدن دوخت و شبیه
دوخت برای مردان، پوشیدن چیزی که پشت پارا به پوشانده باشد کفش
و جوراب، کشتن و یادور نمودن حیوانات بدن مانند شیش و غیره، پوشیدن
انگشتر و امثال آن برای زینت، موارس بر بدن جدا نمودن، در حال مسافرت
زیر سایه رفتن برای مردان نه زنان، کندن دندان، گرفتن ناخن، روغن
بیدن مالیدن، کندن گیاه و درختان حرم، پوشیدن سلاح، اُموراتیکه بین زن
و شوهر واقع میشود از قبیل لمس تقبیل و طی نظر بشهوت، استمناء نمودن بمی
محرقتن از چیزهای بدبو، فسوق یعنی دروغ بر خدا و رسول بستن، جدال نمودن
یعنی لا والله، و بلی والله گفتن و خون از بدن بیرون آوردن، پس آوردن
برکت ازین محرمات سبب واجب شدن کفاره میشود.

در احکام حج تمتع است

چون شخص از عمره تمتع فارغ گردد باید مھتیا برای حج تمتع شود پس در روز هشتم ذیحجه که آنرا یوم ترویہ گویند احرام برای حج تمتع می بندد و از مکہ بمنی میرود و باین سنت عمل میکند و شب نهم را در منی میماند و روز نهم از منی بعرفات میرود و غروب از عرفات کوچ نموده بشعر الحرام میآید و شب را در شعر الحرام که آنرا مزدلفه گویند میماند و صبح روز دهم برای تقیة اعمال بطرف منی روانه میشود و تفصیل آن از این قرار است :-

اول - احرام حج بمان قسیمکه در احرام عمره تمتع بیان شد - و مستحب است که این احرام نیز بعد از غسل و نماز چنانیکه گفته شد واقع گردد و اگر بعد از نماز ظہیرین باشد بهتر است و در موقع احرام چنین نیت کند که برای حجۃ الاسلام احرام حج تمتع می بندم واجب قرئہ الی اللہ پس چون احرام بست تمامی آن بیست و چهار امری که سابق بآن اشاره شد بر او حرام میشود و میقات این احرام مکہ معظمه و ہر جای آن کہ باشد اگر چه در منزل باشد ولی افضل در مسجد الحرام و افضل تر زیر تاوان کعبه است و چون سنت است کہ حاجی شب عرفہ (نهم ذیحجه) در منی باشد روز هشتم ذیحجه احرام بندد و روانہ بمنی شود و شب را در منی بماند و روز نهم ذی حجه

برای وقوف در عرفات روانه گرد و او افضل آنست که تا طلوع آفتاب توقف
نمائی نماید و بعد از آن از منی متوجه عرفات شود.

احکام عرفات

دوم. - از اعمال حج وقوف یعنی ماندن در میدان عرفات است
بانیت از زوال ظهر روز نهم ذیحجه تا غروب آفتاب بلکه تا مغرب و نیت
چنین کند که از برای حج تمتع حجت الاسلام در عرفات میمانم تا شام برای
آنکه واجب است قریباً الی الله - مستحب است که در موقع روانگی بعرفات
تکبیر گویان برود - و مستحبات وقوف عرفات بسیار است از جمله سنت
است که چون بعرفات رسد مقارن زوال ظهر غسل کند با وضو و طهارت زیر
آسمان رو بقبله در میدان بسر برد و نماز ظهر و عصر خود را بیک اذان و دو
اقامه بجا آورد - و مستحب است که با همراهان خود مجتمعاً در زمین هموار
پائین کوه عرفات وقوف کنند و بعد از نماز بایستند و مشغول دعا شوند
در هر حال صلوات بر محمد و آل محمد فرستند و از تسبیح و استغفار و ذکر
پروردگار و سعی در طلب حاجات و دعا برای والدین و برادران و خواهران
و علاقه مندان کوتاهی نکنند مؤمنین رازنده و مرده اقلاً چهل نفر را در دعا یاد

کند گناہان خود را در درگاه حق یاد نموده و توبه کند و مستحب است که هر یک
 از الله اکبر، الحمد لله، سبحان الله، لا اله الا الله، آیه الکرسی، انا
 انزلناه، قل هو الله احد، لا حول ولا قوه الا بالله و صلوات بر محمد
 و آل محمد را صد مرتبه بگوید و عاای وارده از معصوم مانند عای امام حسین ع
 که در زاد المعاد و مفاتیح و دعای امام زین العابدین که در صحیفه کامله
 است بخواند. چون مغرب شود واجب است که بطرف مشعر الحرام
 روانه گردد و هرگاه کسی قبل از غروب از عرفات بیرون آید باید یک شتر
 در منی ذبح کند و اگر نتواند باید هجده روز روزه بگیرد.

احکام مشعر الحرام

سوم. - از اعمال حج مانند در مشعر الحرام است در شب هم ذبح
 چون حاجی از عرفات رو مشعر الحرام آورد و مستحب است که در موقع رو
 مشغول استغفار شود و بگوید اللهم اغتق رقبتي
 مِنَ النَّارِ و چون مشعر الحرام رسید نیت کند که از این وقت تا طلوع
 آفتاب در مشعر الحرام برای حج تمتع میمانم واجب قرینه الی الله و مستحب
 است که غسل کند و نماز مغرب و عشاء را بیک اذان و دو اقامه بجا آورد

با وضو تا صبح بماند مشغول عبادت و نماز و تلاوت قرآن و ذکر پروردگار و استغفار
 باشد و سنگ ریزه که برای رمی جمره برداشته میشود باید از حرم باشد
 ولی مستحب است که از مشعر الحرام جمع کنند و اگر نشد بعد از آن افضل
 منی است و باید ریگها غیر مستعمل باشد چون صبح روز دهم ذیحجه یعنی عید
 اضحی شود بعد از طلوع آفتاب یا مقارن آن از مشعر الحرام روانه منی شود
 و اعمال آنرا بجا آورد.

اعمال منی

چهارم. - از احکام حج اعمال منی است و آن سه عمل است اول
 رمی نمودن جمره عقبه و در موقع رمی یعنی پر تاب نمودن سنگ نیت قربت
 کند که آنرا بهفت سنگ ریزه میزنند قرئۀ اِلی الله و مستحب است که
 در آن موقع با وضو و پیاده رود و بجره و پشت بقبله باشد و در موقع رمی
 اللَّهُ أَكْبَرُ بگوید و بفاصله پانزده یا ده ذراع از ستون دور باشد و مستحب
 است که ریگها را بدست چپ گرفته و بدست راست زند و در موقع پر تاب
 نمودن سنگ بخواند اللَّهُمَّ هَذِهِ حَصِيَّاتِي فَأَحْصِهِنَّ لِي
 وَارْفَعْهُنَّ فِي عَمَلِي و بعد از رمی در موقع برگشتن بگوید اللَّهُمَّ

بِكَ وَثِقْتُ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ فَنِعْمَ الرَّبُّ وَنِعْمَ
 الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ. دوم. - از اعمال منی قربانی است باید
 حیوان قربانی ناقص نباشد و مستحب است که فربه باشد چنانکه در احکام
 قربانی ص ۷۷ این کتاب آمده و مستحب است که خود و یا نائبی
 قربانی نماید و اگر دست بردست قصاب نهد و او ذبح کند کفایت است
 نیت قربانی با قصد قربت واجب است. سوم. - از اعمال منی
 تقصیر است که بعد از قربانی بانی نیت و قصد قربت آورده میشود و مراد
 از تقصیر چنانکه در احکام عمره متشع بیان شد گرفتن ناخن یا مو است
 از صورت و یا گیسو ولی حاجی ضروری یعنی کسیکه حج اول است تقصیر
 او متره کشیدن است و مستحب است که در موقع تقصیر رو قبله باشد
 و نام خدا را بیاورد و بر زن متره کشیدن نیست پس چون حاجی از این
 اعمال فارغ گردید محل میشوید و آنچه که براو حرام شده بود حلال میگردد
 کمزین و کندن گیاه و درخت حرم. پس از فراغت اعمال منی واجب است
 که حاجی برای سه کار بمکه رود و افضل آنست که همان روز بمکه رود
 و اگر ممکن نشود روز یا زو هم رود.

اعمال مکة

چون حاجی مکه رسیده باید سه عمل را بجا آورد اول طواف زیارت
و نماز طواف است چنانکه در عمره تمتع بیان شد و مستحب است که
قبل از دخول مکه و مسجد الحرام غسل کند شارب و ناخن بگیرد و در موقع ورود
به مسجد الحرام دعا های وارده را بخواند و چون حجر الاسود را ببوسد
و اگر ممکن نشود دست بمالد و اگر ممکن نباشد بدست اشاره کند پس
از آن شروع بطواف نماید بعد از طواف پشت مقام ابراهیم دو رکعت نماز
بجا آورد و آنگاه حجر الاسود را ببوسد اگر نشد شمس و آله بدست اشاره نماید
آنگاه قدی از آب زمزم بپاشد و برای عمل دوم که سعی بین صفا و مزده
است از باب الصفا بیرون رود و سعی کند چنانکه در عمره تمتع بیان
شد و پس از فراغت از سعی برای عمل سوم که طواف نساء باشد
به مسجد الحرام میرود و طواف نساء را مانند طواف عمره و حج بجا آورد و نماز
طواف را بخواند و این طواف نساء و نماز طواف نساء بر مرد و زن واجب
است و بعد از فراغت از آن تمام محرمات حلال میشود مگر کندن گیاه حرم
آنگاه پس از فراغت از این اعمال حاجی باید بمنی برگردد و شب یازدهم

و دو از دهم را در منی باند و نیت کند که میانم در منی برای حج تمتع واجب
 قرینه الی الله و باید قبل از غروب آفتاب نیت کند و ماندن حاجی در شب
 یازدهم و دو از دهم واجب است و در شب سیزدهم بر کسی واجب است
 که در حرم شکار نموده باشد و یا در حال احرام از زن پرهنیز نموده باشد
 و یا آنکه روز دوازدهم در منی باند تا آفتاب غروب کند چه در این صورت
 ماندن در منی برای شب سیزدهم واجب میشود و در این دو روز یا سه
 روز که آنرا ایام تشریق گویند باید سه جمره اولی و وسطی و عقبه را رمی کند
 و شروع از اولی و بعد وسطی و پس از آن عقبه را رمی کند و هر کدام را هفت
 سنگ ریزه بزند و مستحب است که رمی در موقع زوال باشد و دعاهای
 وارده را بخواند و حاجی باید بعد از ظهر روز دوازدهم از منی خارج شود
 و قبل از ظهر بیرون نیاید و پس از فارغ شدن حاجی از این اعمال حج
 وی تمام میشود هر جا که میخواهد برود میتواند روانه شود و مستحب است
 حاجی بکمره رفته و دایع خانه کعبه را نماید و بعضی اعمال مستحبه را بجا آورد
 و از جمله مستحبات در ایام حج خواندن یک ختم قرآن است در کعبه معظمه
 و البته تا اندازه که ممکن است از آوردن مستحبات کوتاهی ننماید و تصدیق

دهد. ثواب آنرا برای والدین و اقرباء و خویشان و حق داران بلکه برای
معصومین صلوات الله علیهم اجمعین نماید و از دعا کوتاهی نکند امید است
که ان شاء الله برآورده شود

در احکام مدینه طیبه

یکی از وظائف لازم دینی مسلمانان زیارت حضرت رسول خدا
و ائمه هدی است صلوات الله علیهم اجمعین در مدینه طیبه مخصوصا
برای کسی که حج می رود و به مدینه طیبه مشرف میشود قبل از حج یا بعد از آن
چه در روایت معتبره وارد است که آنحضرت فرمود هر که بسوی مکه رود برای
حج و زیارت نکند مرا در مدینه جفا کنیم او را در روز قیامت و هر که زیارت
من بیاید واجب شود شفاعت من برای او تا آنکه فرمود بهشت او را
واجب گردد و فرمود کسی که مرا زیارت کند در حیات من یا بعد از موت
من پس بتحقیق خدا را زیارت کرده است. و در لزوم زیارت ائمه
علیهم السلام روایت از حضرت امام رضا ع است که فرمود از برای
هر امامی عهدیست برگردن دوستان و شیعیان وی و از تمامی وفای عهد
زیارت نمودن قبرهای آنها است پس کسیکه با رغبت زیارت نماید آنها را

و تصدیق کند آنچه را که رغبت داده اند بآن شفاعت کنندگان آنها
خواهند بود و قیامت - در کتاب وسائل الشیعه روایت از امام محمد باقر
است که فرمود اگر یکی از شما حج کند به پایان برساند حج خود را زیارت ما
برای آنکه تمام شدن حج و کمال آن زیارت ما است و در ثواب زیارت
حضرت صدیق طاهره صلوات الله علیها وارد است که بهشت
واجب میشود برای سلام کننده بر آن حضرت - محمد ابن ابی نصر از حضرت
امام رضا ع روایت نموده که حضرت فاطمه علیها سلام در خانه خود مدفون
گردید - پس چون بنی امیه مسجد را وسعت دادند قبر آن سیده در مسجد
واقع گردید - و در برخی روایات است که قبر آن حضرت در بقیع است
و در روایت دیگر آمده که بمن قبر رسول خدا ص و منبر آن حضرت آن سیده
مدفون است چنانکه روایت شده که فرمود بمن قبر و منبر من روضه ایست
از روضهای بهشت بهر حال روایت در ثواب زیارت چهارده حصوم
صلوات الله علیهم اجمعین و ثمره آن از قبیل شفاعت و واجب
شدن بهشت برای زیارت کننده بسیار واروده.

زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله

چون اراده زیارت رسول خدا نمودی غسل کن با وضو و پاکیزه گی جا
و بدن و توجه خاطر و دل روانه روضه آنحضرت شو و چون بدر مسجد
اذین دخول بخوان و وارو شو و بهتر آنست از دری که مشهور بدر جبرئیل
است واروشوی در موقع دخول بخوان اللَّهُمَّ إِنِّي قَدْ وَقَفْتُ
عَلَى بَابِ بَيْتٍ مِنْ بُيُوتِ نَبِيِّكَ وَإِلَيْكَ عَلَيْهِ
وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَقَدْ مَنَعْتَ النَّاسَ الدُّخُولَ إِلَى
بُيُوتِهِ إِلَّا بِإِذْنِ نَبِيِّكَ فَقُلْتُ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا
لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ اللَّهُمَّ
وَإِنِّي أَعْتَقِدُ هَاهُنَا فِي غَيْبَتِهِ كَمَا أَعْتَقِدُ هَاهُنَا فِي حَضَرَتِهِ
وَأَعْلَمُ أَنَّ رَسُولَكَ وَخُلَفَاءَكَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَحْيَاءُ
عِنْدَكَ يَرْزُقُونَ يَرَوْنَ مَقَامِي وَيَسْمَعُونَ كَلَامِي
وَيُرَدُّونَ سَلَامِي وَأَنَّكَ حَجَبْتَ عَنِّي سَمْعِي كَلَامَهُمْ
وَفَتَحْتَ بَابَ فَهْمِي بَلَدِيذِ مُنَاجَاتِهِمْ وَإِنِّي
أَسْتَأْذِنُكَ يَا رَبِّ أَوَّلًا وَأَسْتَأْذِنُ رَسُولَكَ صَلَّى اللَّهُ

عَلَيْهِ وَالْإِلَهَ ثَانِيًا وَاسْتَأْذِنُ خَلِيفَتَكَ الْإِمَامَ
 الْمُفْتَرَضَ عَلَى طَاعَتِهِ وَالْمَلَأَيْكَةَ الْمُؤَكَّلِينَ
 بِهَذِهِ الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ ثَالِثًا أَدْخُلُ يَا رَسُولَ اللَّهِ
 أَدْخُلُ يَا حُجَّةَ اللَّهِ أَدْخُلُ يَا مَلَأَيْكَةَ اللَّهِ الْمُقَرَّبِينَ
 الْمُقِيمِينَ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ فَأَذِّنْ لِي يَا مَوْلَايَ فِي
 الدُّخُولِ أَفْضَلَ مَا أَذِنْتَ لِأَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِكَ فَإِنْ
 لَمْ أَكُنْ أَهْلًا لِذَلِكَ فَأَنْتَ أَهْلٌ لِذَلِكَ چُونِ دَاخِلِ حَرَمِ
 شَوِیْ مُتَقَدِّمِ دَارِ پَایِ رَاسِتِ رَاوِرِ وَقْتِ دُخُولِ بَکُو بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ
 وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
 وَالْإِلَهَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَتُبْ عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ
 التَّوَّابُ الرَّحِيمُ پس تَصَدَّقْ بِهِنَّ اللَّهُ أَكْبَرُ بَکُو وَبَعْدَ اَزَانِ دُورِ کَعْتِ
 نَمازِ تَحْمِیْتِ مَسْجِدِ رَا بَجا اَوْرَا نَگاهِ بِسْمِتِ حَجْرَةِ شَرِیْفِهِ رَوَانِهْ شَوِو دُوسْتِ بَرَّانِ
 بِاَلِ وَبِوَسْ اَنزَاوِ بَکُو اَلْسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ اَلْسَّلَامُ
 عَلَیْكَ يَا نَبِیَّ اللَّهِ اَلْسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ
 اَلْسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا خَاتَمَ النَّبِیِّیْنَ اَشْهَدُ اَنَّكَ قَدْ

بَلَغْتَ الرِّسَالَةَ وَأَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ
 وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَعَبَدْتَ اللَّهَ
 مُخْلِصًا حَتَّى آتَيْتَكَ الْيَقِينَ فَصَلَّوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ
 وَرَحْمَتُهُ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ الطَّاهِرِينَ بِسَبِيلِ
 نَزْوَسْتُونَ بِشَيْءٍ كَمَا مِنْ جَانِبِ رَاسِ قَبْرِ رُؤُوسِهِ كَمَا دُونَ شَيْءٍ
 بِجَانِبِ قَبْرِ رَاسِهِ وَرَاسِ جَانِبِ مَنْبَرِهِ وَجَوَّ شَهِدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا
 اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ
 وَرَسُولُهُ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ رَسُولُ اللَّهِ وَأَنَّكَ مُحَمَّدُ بْنُ
 عَبْدِ اللَّهِ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ رِسَالَاتِ رَبِّكَ
 وَنَصَحْتَ لِأُمَّتِكَ وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَعَبَدْتَ
 اللَّهَ حَتَّى آتَيْتَكَ الْيَقِينَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ
 وَأَدَّيْتَ الَّذِي عَلَيْكَ مِنَ الْحَقِّ وَأَنَّكَ قَدْ رُفِّقْتَ بِالْمُؤْمِنِينَ
 وَغُلِّقْتَ عَلَى الْكَافِرِينَ فَبَلَغَ اللَّهُ بِكَ أَفْضَلَ شَرَفٍ مَحَلِّ
 الْمَكْرَمِينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اسْتَنْقَذَنَا بِكَ مِنَ الشِّرْكِ
 وَالضَّلَالَةِ اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ صَلَوَاتِكَ وَصَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ

الْمُقَرَّبِينَ وَأَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ وَعِبَادِكَ الصَّالِحِينَ
 وَأَهْلَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِينَ وَمَنْ سَبَّحَكَ يَا رَبِّ
 الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ
 وَنَبِيِّكَ وَامِينِكَ وَنَجِيِّكَ وَحَبِيبِكَ وَصَفِيِّكَ وَخَاصَّتِكَ
 وَصَفْوَتِكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ اللَّهُمَّ اعْطِ الدَّرَجَةَ
 الرَّفِيعَةَ وَأَتِ الْوَسِيلَةَ مِنَ الْجَنَّةِ وَابْعَثْهُ مَقَامًا مَحْمُودًا
 يَغُطُّهُ بِهِ الْأَوَّلُونَ وَالْآخِرُونَ اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ وَلَوْ
 أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ
 لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا وَإِنِّي أَتَيْتُكَ مُسْتَغْفِرًا
 تَائِبًا مِنْ ذُنُوبِي وَإِنِّي أَتُوجِّهُ بِكَ إِلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكَ
 لِيَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي الْكَاهِ بِرَأْيِ تَلْبِيسِ حَاجَتِ رُؤُوسِهِ كُنْ وَدَسْتَهُارَا
 بر دار و حاجت های خود را بطلب پس از آن مقام نبی صلی علیه و آله میروی
 و نماز میکنی و در مسجد پیغمبر صلی الله علیه و آله نماز بسیار کن که نماز در آن معادل
 است با ده هزار نماز و نزد منبر شریف آنحضرت رفته و دست بر آن بمال
 و بر صورت و چشمهای خود بگردان که در آن شفای چشم است و در نزد منبر

حمد و ثنای الهی را نموده و حاجت طلب کن و هرگاه داخل مسجد میشوی
 و یا بیرون میروی بر آن حضرت صلوات فرست و در مقام جبرئیل برو و بگو
 اَسْأَلُكَ أَيُّ جَوَادٍ أَيْ كَرِيمٍ أَيْ قَرِيبٍ أَيْ بَعِيدٍ أَنْ
 تَرُدَّ عَلَيَّ نِعْمَتَكَ و در موقعی که خواستی از مدینه بیرون آئی غسل
 کن و آن حضرت را زیارت نموده و چنین وואع کن اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
 رَسُولَ اللَّهِ اأَسْتَوْدِعُكَ وَأَسْتَرْعِيكَ وَأَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلَامَ
 أَمَنْتُ بِاللَّهِ وَبِمَا جِئْتَ بِهِ وَدَلَّلْتَ عَلَيْهِ االلَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ
 آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي لِزِيَارَةِ قَبْرِ نَبِيِّكَ فَإِنْ تَوَفَّيْتَنِي قَبْلَ ذَلِكَ
 فَإِنِّي أَشْهَدُ نِيَّ مَمَاتِي عَلَى مَا شَهِدْتُ عَلَيْهِ فِي حَيَاتِي أَنْ لَا
 إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
 وَآلِهِ وَتَصَدَّقْ دَادَنْ دَر مَدِينَةُ طَيْبَةٍ بَرَابَرِ اسْتِ بَادَه هَزَارِ كِه در جای دیگر
 تصدق میشود مخصوصاً بسادات و ذریه رسول صلی الله علیه و آله و سلم
 همراهی نمودن ثواب جبرئیل و اجر عظیم دارد و دور کعبه نماز خواندن و نزد
 ستون ابی لبابه استحب است که آنرا ستون توبه گویند و از مکانهای
 شریف مسجد است مخصوصاً توبه نمودن و طلب حاجت در درگاه پروردگار

نمودن مستحب است

زیارت حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا صلوات الله علیها

بر زائر است که با طهارت بدن و لباس پس از غسل و وضو برای

زیارت حاضر شود و حمد کند خدا را که باین نعمت او را موفق فرمود چون مقابل

روضه طاهره آن حضرت رسیدی در زیارت آن سیده میگوئی

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

بِنْتَ نَبِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ حَبِيبِ اللَّهِ

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ خَلِيلِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ

صَفِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ أَمِيرِنِ اللَّهِ السَّلَامُ

عَلَيْكَ يَا بِنْتَ خَيْرِ خَلْقِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ

أَفْضَلِ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَمَلَائِكَتِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ

يَا بِنْتَ خَيْرِ الْبَرِيَّةِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ

مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا زَوْجَةَ وَلِيِّ اللَّهِ

وَخَيْرِ خَلْقِ اللَّهِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَّ

الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ سَيِّدَتِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ السَّلَامُ

عَلَيْكَ آيَتُهَا الصِّدِّيقَةُ الشَّهِيدَةُ السَّلَامُ عَلَيْكَ آيَتُهَا
 الرِّضْيَةُ الْمَرْضِيَّةُ السَّلَامُ عَلَيْكَ آيَتُهَا الْفَاضِلَةُ الزَّكِيَّةُ
 السَّلَامُ عَلَيْكَ آيَتُهَا الْخَوَرَاءُ الْإِنْسِيَّةُ السَّلَامُ عَلَيْكَ
 آيَتُهَا التَّقِيَّةُ النَّقِيَّةُ السَّلَامُ عَلَيْكَ آيَتُهَا الْمُحَدَّثَةُ
 الْعَلِيَّةُ السَّلَامُ عَلَيْكَ آيَتُهَا الْمَظْلُومَةُ الْغَصُوبَةُ السَّلَامُ عَلَيْكَ
 آيَتُهَا الْمُضْطَهَدَةُ الْمُقَهَّورَةُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَاطِمَةُ
 بَدَتْ رَسُولِ اللَّهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ
 وَعَلَى رُوحِكَ وَبَدَنِكَ أَشْهَدُ أَنَّكَ مَضَيْتِ عَلَى يَدَيْنِي
 مِنْ رَبِّكَ وَأَنَّ مَنْ سَرَّكَ فَقَدْ سَرَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ
 عَلَيْهِ وَآلِهِ وَمَنْ جَفَاكَ فَقَدْ جَفَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ
 عَلَيْهِ وَآلِهِ وَمَنْ أَذَاكَ فَقَدْ أَذَى رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ
 عَلَيْهِ وَآلِهِ وَمَنْ وَصَلَكَ فَقَدْ وَصَلَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ
 عَلَيْهِ وَآلِهِ وَمَنْ قَطَعَكَ فَقَدْ قَطَعَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ
 عَلَيْهِ وَآلِهِ لِأَنَّكَ بِضْعَةٌ مِنْهُ وَرُوحُهُ الَّذِي بَيْنَ جَنْبَيْهِ
 أَشْهَدُ اللَّهُ وَرُسُلُهُ وَمَلَائِكَتُهُ أَنِّي رَاضٍ عَنْ رَضِيَّتِ عَنْهُ

سَاخَطَ عَلَى مَنْ سَخَطَ عَلَيْهِ مُتَبَرِّءٌ مِمَّنْ تَبَرَّثَ مِنْهُ
 وَالْإِيمَانُ وَالْإِيْتِ مُعَادِلِمَنْ عَادَيْتَ مُبْغِضُ مَنْ أَبْغَضْتَ
 مُحِبٌّ لِمَنْ أَحْبَبْتَ وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا وَحَسِيدًا وَجَارِيًا
 وَشَهِيدًا پس از آن صلوات میفرستی و دو رکعت نماز زیارت میخوانی
 و طلب حاجت از درگاه پروردگار نمایی امید است که خدا نا امید نفرماید
 ان شاء الله تعالی

ور زیارات ائمه یقع علیهم السلام

بدانکه زیارت چهار امام ع که روضه آنها در یقع است مستحب مؤکده
 است و موجب ثواب عظیم و اجر جزل و خیر دنیا و آخرت و نجات از جهنم
 و دخول جنت است ان شاء الله تعالی و آن چهار بزرگوار امام دوم حضرت
 امام حسن مجتبی و امام چهارم حضرت علی بن حسین و امام پنجم حضرت امام محمد باقر
 و امام ششم حضرت امام جعفر الصادق علیهم السلام میباشد پس چون
 اراده زیارت آنها نمایی با غسل و وضو و طهارت لباس و استعمال بوی خوش
 و آدن و دخول آنها را زیارت کن پشت بقبله و روبرو بقبور آنها نموده بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّمَّةَ الْهُدَى السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ النَّفْوَى

السَّلامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الْحُجَّجُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا السَّلامُ عَلَيْكُمْ
 أَيُّهَا الْقَوَّامُ فِي الْبَرِّيَّةِ بِالْقِسْطِ السَّلامُ عَلَيْكُمْ أَهْلُ الصَّفْوَةِ
 السَّلامُ عَلَيْكُمْ أَلْ رَسُولُ اللَّهِ السَّلامُ عَلَيْكُمْ أَهْلُ النَّجْوَى
 أَشْهَدُ أَنَّكُمْ قَدْ بَلَغْتُمْ وَنَصَحْتُمْ وَصَبَرْتُمْ فِي ذَاتِ اللَّهِ وَلَدَيْكُمْ
 وَأُسْبَى إِلَيْكُمْ فَغَفَرْتُ وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ الْأَيْمَةُ الرَّاشِدُونَ
 الْمُهْتَدُونَ وَأَنَّ طَاعَتَكُمْ مَفْرُوضَةٌ وَأَنَّ قَوْلَكُمْ الصِّدْقُ
 وَأَنَّكُمْ دَعَوْتُمْ فَلَمْ يُجَابُوا وَأَمَرْتُمْ فَلَمْ تُطَاعُوا وَأَنَّكُمْ دَعَايُمُ
 الدِّينِ وَأَرْكَانُ الْأَرْضِ لَمْ تَزَلُوا بَعِيدِينَ اللَّهُ يَلَسَّخُكُمْ مِنْ
 أَصْلَابِ كُلِّ مَظْهَرٍ وَيَنْقُلُكُمْ مِنْ أَرْحَامِ الْمُطَهَّرَاتِ لَمْ
 تَدْنِسْكُمْ الْجَاهِلِيَّةُ الْجَهْلَاءُ وَلَمْ تُشْرِكْ فِيكُمْ فَتَنُ
 الْأَهْوَاءِ طِبْتُمْ وَطَابَ مَنبَتُكُمْ مَنْ يَكُمُ عَلَيْنَا دَيَّانُ
 الدِّينِ فَجَعَلَكُمْ فِي بُيُوتِ آذِنِ اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا
 اسْمُهُ وَجَعَلَ صَلَواتَنَا عَلَيْكُمْ رَحْمَةً لَنَا وَكَفَّارَةً لذنُوبِنَا
 إِذَا خَافَ اللَّهُ لَنَا وَطِيبَ خَلْقَنَا بِمَا مَنَّ عَلَيْنَا مِنْ لَوْلَايَتِكُمْ
 وَكُنَّا عِنْدَهُ مُسَمِّينَ بِعِلْمِكُمْ مُعْتَرِفِينَ بِتَصَدِيقِنَا إِيَّاكُمْ

وَهَذَا مَقَامٌ مِنْ أَسْرَفٍ وَأَخْطَا وَأُسْتَكَانَ وَاقْرَبَ بِمَا جَنُ
وَرَجِي بِمَقَامِهِ الْخَلَاصَ وَأَنْ يَسْتَنْقِذَهُ بِكُمْ مُسْتَنْقِذُ
الْهَلَكِ مِنَ الرَّدَى فَكُونُوا إِلَى شُفْعَاءِ فَقَدْ وَفَدْتُ إِلَيْكُمْ
إِذْ رَغِبَ عَنْكُمْ أَهْلُ الدُّنْيَا وَاتَّخَذُوا آيَاتِ اللَّهِ هُزُوءًا
وَأَسْتَكْبَرُوا عَنْهَا يَا مَنْ هُوَ قَائِمٌ لَا يَسْهُو وَدَائِمٌ لَا يَلْهُو
وَمُحِيطٌ بِكُلِّ شَيْءٍ لَكَ الْمَنْ بِيَا وَفَقْتَنِي وَعَرَّفْتَنِي بِمَا
أَقَمْتَنِي عَلَيْهِ إِذْ صَدَّعَنِي عِبَادُكَ وَجَهِلُوا مَعْرِفَتَهُ
وَأَسْتَخَفُّوا حَقِّهِ وَمَالُوا إِلَى سِوَاهُ فَكَانَتْ الْمِنَّةُ مِنْكَ
عَلَيَّ مَعَ أَقْوَامٍ خَصَصْتَهُمْ بِمَا خَصَصْتَنِي بِهِ فَلَكَ الْحَمْدُ
إِذْ كُنْتُ عِنْدَكَ فِي مَقَامِي هَذَا مَذْكُورًا مَكْتُوبًا فَلَا
تُخْرِمْ نِي مَا رَجَوْتُ وَلَا تُخَيِّبْنِي فِيمَا دَعَوْتُ بِحُرْمَةِ مُحَمَّدٍ
وَالِهِ الطَّاهِرِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

پس دعا کن برای خود هر چه خواهی و هشت رکعت نماز زیارت کن
از برای هر امامی دو رکعت و چون خواهی آنها را وداع کن بگو اَلسَّلَامُ عَلَيْنَکُمْ
اَیْمَةَ الْهُدَى وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَکَاتُهُ اَسْتَوْدِعُکُمْ اللَّهُ

وَأَقْرَبُ عَلَيْكُمُ السَّلَامُ آمِنًا بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ وَبِمَا جِئْتُمْ
 بِهِ وَدَلَّلْتُمْ عَلَيْهِ اللَّهُمَّ فَالْتَبِنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ
 پس دعا بسیار کن و از خدا استوال نما که دیگر بار تو را بزیارت ایشان
 برگرداند و آخر عهد تو نباشد.

زیارت ابراهیم فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله
 میایستی نزویک قبر و میگوئی السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ
 السَّلَامُ عَلَى نَبِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى حَبِيبِ اللَّهِ السَّلَامُ
 صَفِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى فَحِّیِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ
 عَبْدِ اللَّهِ سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ وَخَاتِمِ الْمُرْسَلِينَ وَخَيْرَةِ
 اللَّهِ مِنْ خَلْقِهِ فِي أَرْضِهِ وَسَمَائِهِ السَّلَامُ عَلَى جَمِيعِ
 أَنْبِيَائِهِ وَرُسُلِهِ السَّلَامُ عَلَى الشُّهَدَاءِ وَالسُّعَدَاءِ
 وَالصَّالِحِينَ السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ
 السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الرُّوحُ الزَّكَاةُ السَّلَامُ عَلَيْكَ
 أَيُّهَا النَّفْسُ الشَّرِيفَةُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا السُّلَالَةُ
 الظَّاهِرَةُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّسَمَةُ الزَّكَاةُ السَّلَامُ

عَلَيْكَ يَا بَنَ خَيْرِ الْوَرَى السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ النَّبِيِّ الْمُحْتَبِ
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْمُبْعُوْثِ إِلَى كَافَّةِ الْوَرَى السَّلَامُ
 عَلَيْكَ يَا بَنَ الْبَشِيرِ النَّذِيرِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ السِّرَاجِ
 الْمُنِيرِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْمُؤَيَّدِ بِالْقُرْآنِ السَّلَامُ
 عَلَيْكَ يَا بَنَ الْمُرْسَلِ إِلَى الْإِنْسِ وَالْجَانِّ السَّلَامُ
 عَلَيْكَ يَا بَنَ صَاحِبِ الرَّايَةِ وَالْعَلَامَةِ السَّلَامُ عَلَيْكَ
 يَا بَنَ الشَّفِيعِ يَوْمَ الْقِيَمَةِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ مَنْ جَاءَهُ
 اللَّهُ بِالْكَرَامَةِ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ
 أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ اخْتَارَا اللَّهُ لَكَ دَارُ رِئَاسَةٍ قَبْلَ أَنْ
 يَكْتُبَ عَلَيْكَ أَحْكَامَهُ أَوْ يُكَلِّفَكَ حَلَالَهُ وَحَرَامَهُ
 فَنَقَلَكَ إِلَيْهِ طَيِّبًا زَاكِيًّا مُرْضِيًّا طَاهِرًا مِنْ كُلِّ نَجَسٍ
 مُقَدَّدًا مِنْ كُلِّ دَنَسٍ وَبَوَّأَكَ جَنَّةَ الْمَأْوَى وَرَفَعَكَ
 إِلَى الدَّرَجَاتِ الْعُلَى صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ صَلَوةً تَقَرُّبًا
 عَيْنِ رَسُولِهِ وَتَبْلِيغُهُ أَكْبَرُ مَا مَوْلَاهُ اللَّهُ مَا جَعَلَ
 أَفْضَلَ صَلَواتِكَ وَأَنْزَلَهَا وَأَنْحَى بَرَكَاتِكَ وَأَوْفَاهَا عَلَى

رَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ
 وَعَلَى مَنْ نَسَلَ مِنْ أَوْلَادِهِ الطَّيِّبِينَ وَعَلَى مَنْ خَلَفَ مِنْ
 عَثَرَتِهِ الطَّاهِرِينَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي
 أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ صِفَتِكَ وَإِبْرَاهِيمَ نَجْلِ نَبِيِّكَ أَنْ
 تَجْعَلَ سَعْيِي بِهِمْ مَشْكُورًا وَذَنْبِي بِهِمْ مَغْفُورًا وَحَيَاتِي
 بِهِمْ سَعِيدَةً وَعَاقِبَتِي بِهِمْ حَمِيدَةً وَحَاجَتِي بِهِمْ مُقْضِيَةً
 وَأَفْعَالِي بِهِمْ مُرْضِيَةً وَأُمُورِي بِهِمْ مُسْعُودَةً وَشُؤْنِي
 بِهِمْ مُحْمُودَةً اللَّهُمَّ وَأَحْسِنْ لِي التَّوْفِيقَ وَنَقِّسْ عَنِّي كُلَّ
 هَمٍّ وَضِيقٍ اللَّهُمَّ جَنِّبْنِي عِقَابَكَ وَأَمْنَحْنِي ثَوَابَكَ
 وَأَسْكِنْنِي جَنَّاتَكَ وَأَرْزُقْنِي رِضْوَانَكَ وَأَمَانَكَ وَأَشْرِكْ
 فِي صَلَاحِ دُعَائِي وَالِدَيَّ وَوَلَدَيَّ وَجَمِيعَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ
 الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ إِنَّكَ وَلِيُّ الْبَاقِيَاتِ الصَّالِحَاتِ
 آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ

پس حاجت‌های خود را می‌خواهی و دور رکعت نماز می‌گذاری.

زيارت جناب فاطمة بنت اسد والدة حضرت امير المؤمنين عليه السلام
 زد قبر آن محمده يساستى وميلو فى السلام على نبي الله
 السلام على رسول الله السلام على محمد سيد المرسلين
 السلام على محمد سيد الاولين السلام على محمد سيد
 الآخرين السلام على من بعثه الله رحمة للعالمين
 السلام عليك ايها النبي ورحمة وبركاته السلام
 على فاطمة بنت اسد الهاشمية السلام عليك
 ايها الصديقة المرضية السلام عليك ايها
 النقية النقية السلام عليك ايها الكريمة الرضية
 السلام عليك يا كافلة محمد خاتم النبيين السلام
 عليك يا والدة سيد الوصيين السلام عليك يا
 من ظهرت شفقتها على رسول الله خاتم النبيين
 السلام عليك يا من تريتها الولي الله الامين
 السلام عليك وعلى روحك وبدنك الظاهر السلام
 عليك وعلى ولدك ورحمة الله وبركاته اشهد

أَنْكَ أَحْسَنْتِ الْكِفَالََةَ وَأَدَيْتِ الْأَمَانَةَ وَاجْتَهَدْتِ
 فِي مَرْضَاتِ اللَّهِ وَبَالِغْتِ فِي حِفْظِ رَسُولِ اللَّهِ عَارِفَةً
 بِحَقِّهِ مُؤْمِنَةً بِصِدْقِهِ مُعَارِفَةً بِذُنُوبِهِ مُسْتَبْصِرَةً
 بِنِعْمَتِهِ كَانِلَةً بِتَرْبِيَّتِهِ مُشْفِقَةً عَلَى نَفْسِهِ وَاقِفَةً
 عَلَى خِدْمَتِهِ مُخْتَارَةً رِضَاهُ وَمُؤَثِّرَةً هَوَاهُ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ
 مَضَيْتِ عَلَى الْإِيمَانِ وَالتَّمَسُّكِ بِأَشْرَفِ الْأَدْيَانِ رَاضِيَةً
 مَرْضِيَةً طَاهِرَةً زَكِيَّةً تَقِيَّةً نَقِيَّةً فَرَضِيَ اللَّهُ عَنْكَ وَارْضَاكَ
 وَجَعَلَ الْجَنَّةَ مَنْزِلَكَ وَمَا وَبِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
 وَآلِ مُحَمَّدٍ وَانْفَعْنِي بِزِيَارَتِهَا وَثَبِّتْنِي عَلَى مُحَبَّتِهَا
 وَلَا تَحْرِمْنِي شَفَاعَتِهَا وَشَفَاعَةَ الْأَئِمَّةِ مِنْ ذُرِّيَّتِهَا
 وَارْزُقْنِي مُرَافَقَتَهَا وَاحْشُرْنِي مَعَهَا وَمَعَ أَوْلَادِهَا الطَّاهِرِينَ
 اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِي إِيَّاهَا وَارْزُقْنِي
 الْعُودَ إِلَيْهَا أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي وَإِذَا تَوَفَّيْتَنِي فَاحْشُرْنِي
 فِي زُرْمَرَتِهَا وَأَدْخِلْنِي فِي شَفَاعَتِهَا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ
 الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ بِحَقِّهَا عِنْدَكَ وَمَنْزِلَتِهَا لَدَيْكَ

اغفر لي ولو الذي وجميع المؤمنين والمؤمنات
 واتينا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقبنا
 برحمتك عذاب النار وبعد ان دورعت نماز يارت ميخواني
 ودعا مسكني بآنچه را که ميخواهي.

زيارت حضرت حمزه عموي رسول خدا صلي الله عليه وآله وراحد
 ودر باب زيارت حضرت حمزه واروشده که حضرت رسول خدا
 صلي الله عليه وآله فرمود که هر که زيارت کند مرا وزيارت نکند عموي من
 حمزه را همانمرا جفا کرده است پس در زيارت حمزه که قبرش در اُحد
 واقع گر ويده ميگوئي السَّلامُ عَلَيْكَ يَا عَمَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى
 اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَ الشُّهَدَاءِ السَّلامُ
 عَلَيْكَ يَا أَسَدَ اللَّهِ وَأَسَدَ رَسُولِهِ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ
 جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَجَدْتَ بِنَفْسِكَ وَنَصَحْتَ
 رَسُولَ اللَّهِ وَكُنْتَ فِيمَا عِنْدَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ رَاغِبًا بِأَبِي
 أَنْتَ وَأُمِّي أَتَيْتُكَ مُتَقَرِّبًا إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِزِيَارَتِكَ
 وَمُتَقَرِّبًا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِذَلِكَ

رَاغِبًا إِلَيْكَ فِي الشَّفَاعَةِ أَسْتَغِي بِزِيَارَتِكَ خَلَاصَ نَفْسِي
 مَتَعَوِّذًا بِكَ مِنْ نَارِ اسْتَحَقَّهَا مِثْلِي بِمَا جَنَيْتُ عَلَى
 نَفْسِي هَارِبًا مِنْ ذُنُوبِي الَّتِي اخْتَطَبْتُهَا عَلَى ظَهْرِي
 قَرَعًا إِلَيْكَ رَجَاءَ رَحْمَةِ رَبِّي أَتَيْتُكَ مِنْ شُقَّةٍ بَعِيدَةٍ
 طَالِبًا فَكَالَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَقَدْ أَوْقَرْتُ ظَهْرِي
 ذُنُوبِي وَآتَيْتُ مَا اسْتَخَطَّ رَبِّي وَلَمْ أَجِدْ أَحَدًا أَفْزَعُ
 إِلَيْهِ خَيْرًا إِلَيَّ مِنْكُمْ أَهْلَ بَيْتِ الرَّحْمَةِ فَكُنْ لِي شَفِيعًا
 يَوْمَ فَقْرِي وَحَاجَتِي فَقَدْ سِرْتُ إِلَيْكَ مُحْزِنًا وَأَتَيْتُكَ
 مَكْرُوبًا وَسَكَبْتُ عَذْرَتِي عِنْدَكَ بِأَكْيَافٍ صِرْتُ إِلَيْكَ
 مُفْرَدًا وَأَنْتَ مِمَّنْ أَمَرَنِي اللَّهُ بِصَلَاتِهِ وَحَثَّنِي عَلَى بَرِّهِ
 وَدَلَّنِي عَلَى فَضْلِهِ وَهَدَانِي لِحُجَّتِهِ وَرَغَّبَنِي فِي الْوَفَادَةِ
 وَالْهَمَمِ طَلَبَ الْحَوَائِجِ عِنْدَهُ أَنْتُمْ أَهْلُ بَيْتٍ لَا يَشُقُّ
 مَنْ تَوَلَّاهُمْ وَلَا يَحْجُبُ مَنْ آثَاهُمْ وَلَا يَخْسِرُ مَنْ يَهْوِيَهُمْ
 وَلَا يَسْعَدُ مَنْ عَادَاهُمْ

انگاہ دور کعت نماز بجایاوری و بعد از نماز دعا میکنی.

زیارت شهداء رضوان الله علیهم وراحمهم

در زیارت ایشان بگوئی السَّلامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ السَّلامُ
عَلَى نَبِيِّ اللَّهِ السَّلامُ عَلَى مُحَمَّدٍ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ السَّلامُ
عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ السَّلامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الشُّهَدَاءُ
الْمُؤْمِنُونَ السَّلامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ الْإِيمَانِ وَالنُّوحِ
السَّلامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ دِينِ اللَّهِ وَأَنْصَارَ رَسُولِهِ عَلَيْهِ
وَالِهِ السَّلامُ سَلامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ
أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ اخْتَارَكُمْ لِدِينِهِ وَأَصْطَفَاكُمْ لِرَسُولِهِ
وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ قَدْ جَاهَدْتُمْ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ وَذَبَبْتُمْ
عَنْ دِينِ اللَّهِ وَعَنْ نَبِيِّهِ وَجَدْتُمْ بِأَنْفُسِكُمْ دُونَهُ وَأَشْهَدُ
أَنَّكُمْ قُتِلْتُمْ عَلَى مِنْهَاجِ رَسُولِ اللَّهِ فَجَزَاكُمْ اللَّهُ عَنْ
نَبِيِّهِ وَعَنْ الْإِسْلَامِ وَأَهْلِهِ أَفْضَلَ الْجَزَاءِ وَعَرَّفْنَا
وَجُوهَكُمْ فِي مَحَلِّ رِضْوَانِهِ وَمَوْضِعِ إِكْرَامِهِ مَعَ النَّبِيِّينَ
وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ
رَفِيقًا أَشْهَدُ أَنَّكُمْ حُرِبَ اللَّهُ وَأَنَّ مَنْ حَارَبَكُمْ فَقَدْ حَارَبَ

اللَّهُ وَأَنْتُمْ لِمَنِ الْمُقَرَّبِينَ الْفَائِزِينَ الَّذِينَ أَنْجَاكُمْ
 عِنْدَ رَبِّهِمْ يَرْزُقُونَ قَعْلِي مَنْ قَتَلَكَ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ
 وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ أَتَيْتُكُمْ يَا أَهْلَ التَّوْحِيدِ زَائِلًا بِحَقِّكُمْ
 عَائِرًا وَبِزِيَارَتِكُمْ إِلَى اللَّهِ مُتَقَرِّبًا وَمَا سَبَقَ مِنْ شَرِيفِ
 الْأَعْمَالِ وَمَرْضِي الْأَفْعَالِ عَالِمًا فَعَلَيْكُمْ سَلَامُ اللَّهِ
 وَرَحْمَتُهُ وَبَرَكَاتُهُ وَعَلَى مَنْ قَتَلَكَ لَعْنَةُ اللَّهِ وَغَضَبُهُ
 وَسَخَطُهُ اللَّهُمَّ أَنْفَعْنِي بِزِيَارَتِهِمْ وَثَبِّتْنِي عَلَى قَصْدِهِمْ
 وَتَوَفَّنِي عَلَى مَا تَوَفَّيْتَهُمْ عَلَيْهِ وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ فِي
 مُسْتَقَرِّ دَارِ رَحْمَتِكَ أَشْهَدُ أَنَّكُمْ لَنَا قُرْطُ وَنَحْنُ
 بِكُمْ لِأَحَقُّونَ . وَيُخَوَّانِي سُورَةُ إِنَّمَا أَنْزَلْنَاهُ رَأً أَنْجُو كَمَا يَخَوَّابِي بَخْوَانِ
 و دو رکعت نماز زیارت بخوان و دعا نموده منصرف شو.

خاتمه

در بیان باقی اموری که آوردن آن در مدینه طیبه مستحب است -
 بدانکه از جمله امور مستحبه در مدینه طیبه روزه گرفتن است روزی است خواه قصد
 عشره نموده باشد یا نه نموده و افضل اوقات این سه روز چهارشنبه

و پنجشنبه و جمعه است و نیز بسیار نماز خواندن در مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله مستحب است و تا ممکن است نمازهای واجب را در مسجد آنحضرت بجا آورد که همیشه ممکن شدنی نیست و نیز نماز خواندن در مسجد قبا و سایر مساجد مدینه طیبه مثل مسجد فضیخ که نزدیک مسجد قبا است و آنرا مسجد رؤس شمس نیز گفته اند و مسجد فتح که آن را مسجد احزاب نیز گفته اند و در مشرب اقم ابراهیم یعنی غرقه مادر ابراهیم که آن مسکن و محل نماز حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله بود و در مسجد امیر المؤمنین که محاذی قبر حمزه است و مسجد مباهله و مسجد سلمان و خانه حضرت امام زین العابدین و خانه حضرت امام جعفر الصادق علیهم السلام که نزدیک مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله مستحب است.

مسجد قبا اولین مسجدی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله بعد از هجرت در آن نماز خواند و باره این مسجد آیه شریفه لَمْ يَجِدُ أُنْسًا عَلَى النَّفْسِ مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ (سوره توبه آیه ۱۰۹) یعنی هر آینه مسجدی که بنانها ده شد بر پهنی کاری از اوّل روز نماز او اثر راست که بایستی در آن خواندن دو رکعت نماز در این مسجد ثواب عمره را دارد و بعد از نماز تسبیح حضرت زهرا و بخوان و دعا کن - و در مسجد فتح چون از نماز فارغ شدی

این دعا را بخوان یا صریح المکر و بدین و یا مجیب دعوة
المضطربین و یا مغیث المهمومین اکشف عني ضري
و همي و کربی و غمی کما کشفْتَ عن نبيک صلی الله
عليه و آله هممه و کفیته هول عدوه و اکفینی ما
أهمني من أمر الدنیا و الآخرة یا ارحم الراحمین

و در این مساجد و سائر مقامات مقدسه هر چه ممکن شود نماز بخوان برای خود
و دیگران و عانا و رفقا به بقیع و زیارت قبور بزرگان و اهل آن از جمله وظایف
زائر مدینه است که در این قبرستان بسیاری از صحابه که حضرت امام
زین العابدین علیه السلام در صحیفه دوم آنها را بطور اجمال یاد نموده و بر
آنها درود فرستاده مدفون میباشند و چه بسیاری از صلحاء و امام
زادگان در آن مدفون میباشند و قبور زوجات رسول خدا ص غیر از
حضرت خدیجه و غیر از میمونه در بقیع میباشند و نیز قبر دختران رسول خدا
و قبر جناب عقیل برادر حضرت امیر المؤمنین علیه السلام و قبر عبدالله بن
جعفر و قبر صفیه عمه رسول خدا ص و غیره که جای تفصیل بیش ازین نیست
پس رفتن به بقیع برای زیارت قبور بزرگان و اسلاف اسلام چه آثار

دیده شود یا نشود یکی از وظایف زائر مدینه است مخصوصاً مسجد حضرت
 فاطمه زهرا، صلوات الله علیها که بیت الاحزان آنحضرت میبود و بعد
 از رسول خدا ص در آنجا حاضر میشد و میگرفت و در بقیع واقع است آثار
 آن باقی است یا خیر معلوم نیست بهر حال رفیقان به بقیع و نماز و زیارت
 خواندن در آن و سلام کردن بر آن ارواح مقدسه و یاد نمودن آنها
 از امورات راجحه مشروعه است که خداوند در اثر آن خیر دنیا و آخرت را خواهد داد
 و آنها را به نتایج اعمال نیک آنها خواهد رسانید خدا همه را در آن و خواهد
 دینی را موفق باین امور خیر نماید و مرا از دعای نیک آنها محروم ننماید
 ان شاء الله تعالی

زیارت دوره حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام
 برگاه اراده زیارت آنحضرت را نمائی مستحب است که غسل کنی
 و جامه پاک بپوشی و بوی خوش استعمال کنی و چون بدر رواق رسی بگو
 السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ آمِينَ اللَّهُ عَلَى وَحْيِهِ وَعَزَائِمِ
 أَمْرِهِ الْخَاتِمِ لِمَا سَبَقَ وَالْفَاتِحِ لِمَا اسْتَقْبَلَ وَالْمُهَيِّمِ عَلَى
 ذَلِكَ كُلِّهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَى صَاحِبِ

السَّكِينَةِ السَّلَامُ عَلَى الْمَدْفُونِ بِالْمَدِينَةِ السَّلَامُ عَلَى
 الْمَنْصُورِ الْمُؤَيَّدِ السَّلَامُ عَلَى أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ
 وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ پس داخل رواق شو و بر در حرم ایستاده
 بخوان أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ
 أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ جَاءَ بِالْحَقِّ مِنْ عِنْدِهِ وَصَدَّقَ
 الْمُرْسَلِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ
 يَا حَبِيبَ اللَّهِ وَخَيْرَتَهُ مِنْ خَلْقِهِ السَّلَامُ عَلَى أَمِيرِ
 الْمُؤْمِنِينَ عَبْدِ اللَّهِ وَأَخِي رَسُولِ اللَّهِ يَا مَوْلَايَ يَا أَمِيرَ
 الْمُؤْمِنِينَ عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ وَابْنُ أُمَّتِكَ جَاءَكَ
 مُسْتَجِيرًا بِدِمَّتِكَ قَاصِدًا إِلَى حَرَمِكَ مُتَوَجِّهًا إِلَى مَقَامِكَ
 مُتَوَسِّلًا إِلَى اللَّهِ تَعَالَى بِكَ أَدْخُلُ يَا مَوْلَايَ أَدْخُلُ
 يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَدْخُلُ يَا حُجَّةَ اللَّهِ أَدْخُلُ يَا أَمِينَ
 اللَّهِ أَدْخُلُ يَا مَلَأْتَكَ اللَّهُ الْمَقِيمِينَ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ
 يَا مَوْلَايَ أَتَأْذِنُ لِي بِالدُّخُولِ أَفْضَلَ مَا أَذِنْتَ لِأَحَدٍ
 مِنْ أَوْلِيَائِكَ فَإِنْ لَمْ أَكُنْ لَهُ أَهْلًا فَأَنْتَ أَهْلٌ لِذَلِكَ

پس عقبه را بسوس و داخل شو و در وقت داخل شدن بخوان بِسْمِ اللَّهِ
 وَ بِاللَّهِ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ
 عَلَيْهِ وَآلِهِ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَتُبْ عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ
 التَّوَّابُ الرَّحِيمُ و برو تا محاذی قبر مطهر و توقف نما پیش از رسیدن
 بقبر رو بقبزنوده و بگو السَّلَامُ مِنَ اللَّهِ عَلَى مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ
 آمِينَ اللَّهُ عَلَى وَجْهِهِ وَرِيسَالَاتِهِ وَعَزَائِمِ أَمْرِهِ وَمَعْدِنِ
 الْوَحْيِ وَالتَّنْزِيلِ الْخَاتِمِ لِمَا سَبَقَ وَالْفَاتِحِ لِمَا اسْتَقْبَلَ
 وَالمُهَيِّمِ عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ الشَّاهِدِ عَلَى الْخَلْقِ السِّرَاجِ الْمُنِيرِ
 وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
 وَآهِلِ بَيْتِهِ الْمَظْلُومِينَ أَفْضَلَ وَأكْمَلَ وَارْفَعَ وَاشْرَفَ
 مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَأَصْفِيَائِكَ
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَبْدِكَ وَخَيْرِ خَلْقِكَ بَعْدَ
 نَبِيِّكَ وَآخِي رَسُولِكَ وَوَصِيِّ حَبِيبِكَ الَّذِي أَنْجَبْتَهُ
 مِنْ خَلْقِكَ وَالدَّلِيلِ عَلَى مَنْ بَعَثْتَهُ بِرِسَالَتِكَ وَ
 دَيَّانِ الدِّينِ بَعْدُكَ وَفُضِّلَ قَضَائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ وَالسَّلَامُ

عَلَيْهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْأَئِمَّةِ مِنْ
 وَلَدِهِ الْقَوَّامِينَ بِأَمْرِكَ مِنْ بَعْدِهِ الْمُطَهَّرِينَ الَّذِينَ
 ارْتَضَيْتَهُمْ أَنْصَارًا لِدِينِكَ وَحَفَظَةً لِسِرِّكَ وَشُهَدَاءَ
 عَلَى خَلْقِكَ وَأَعْلَامًا لِعِبَادِكَ صَلِّ وَأَتَكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ
 السَّلَامُ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَصِيِّ
 رَسُولِ اللَّهِ وَخَلِيفَتِهِ وَالْقَائِمِ بِأَمْرِهِ مِنْ بَعْدِهِ سَيِّدِ
 الْوَصِيِّينَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَى فَاطِمَةَ بِنْتِ
 رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ
 السَّلَامُ عَلَى الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ سَيِّدَي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ
 مِنَ الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ السَّلَامُ عَلَى الْأَئِمَّةِ الرَّاشِدِينَ السَّلَامُ
 عَلَى الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ السَّلَامُ عَلَى الْأَئِمَّةِ الْمُسْتَوْدَعِينَ
 السَّلَامُ عَلَى خَاصَّةِ اللَّهِ مِنْ خَلْقِهِ السَّلَامُ عَلَى الْمُتَوَشَّعِينَ
 السَّلَامُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ قَامُوا بِأَمْرِهِ وَوَارَثُوا أَوْلِيَاءَهُ
 اللَّهُ وَخَافُوا بِخَوْفِهِمُ السَّلَامُ عَلَى الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ السَّلَامُ
 عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَرُوَيْقِرُوشْتُ بِقَبْلِهِ كُنْ وَبِكَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفْوَةَ
اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِمَامَ الْهُدَى السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عِلْمَ التُّقَى
السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَصِيُّ الْبِرُّ التَّقِيُّ النَّقِيُّ الْوَفِيُّ السَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا أَبَا الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمُودَ الدِّينِ
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الْوَصِيِّينَ وَأَمِيرَ رَبِّ الْعَالَمِينَ
وَدَيَّانِ يَوْمِ الدِّينِ وَخَيْرَ الْمُؤْمِنِينَ وَسَيِّدَ الصِّدِّيقِينَ
وَالصَّفَوَةَ مِنْ سُلَالَةِ النَّبِيِّينَ وَبَابَ حِكْمِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
وَخَازِنَ وَحْيِهِ وَعَيْبَةَ عَلَيْهِ وَالنَّاصِحَ لِأُمَّةِ نَبِيِّهِ وَالتَّالِيَّ
لِرَسُولِهِ وَالْمُؤَاسِيَّ لَهُ بِنَفْسِهِ وَالنَّاطِقَ بِحُجَّتِهِ وَالِدَّاعِيَ إِلَى
شَرِيعَتِهِ وَالْمَاضِيَ عَلَى سُنَّتِهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّهُ قَدْ
بَلَغَ عَنْ رَسُولِكَ مَا حُمِّلَ وَرَعَى مَا اسْتُحْفِظَ وَحَفِظَ مَا
اسْتُودِعَ وَحَلَّلَ حِلَالَكَ وَحَرَّمَ حَرَامَكَ وَأَقَامَ أَحْكَامَكَ
وَجَاهَدَ النَّكَاثِينَ فِي سَبِيلِكَ وَالْقَاسِطِينَ فِي حُكْمِكَ

وَالْمَارِقَيْنِ عَنْ أَمْرِكَ صَابِرًا مُحْتَسِبًا لَا تَأْخُذْهُ فِيمَكَ لَوْمَةٌ
لَا نِمْ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ
أَوْلِيَائِكَ وَأَصْفِيائِكَ وَأَوْصِيَاءِ أَنْبِيَائِكَ اللَّهُمَّ هَذَا
قَبْرُ وَلِيِّكَ الَّذِي فَرَضْتَ طَاعَتَهُ وَجَعَلْتَ فِي أَعْنَاقِ
عِبَادِكَ مُبَايَعَتَهُ وَخَلِيفَتِكَ الَّذِي بِهِ تَأْخُذُ وَتُعْطِي بِهِ
تَثِيبٌ وَتُعَاقِبُ وَقَدْ قَصَدْتُهُ طَمَعًا لِمَا أَعْدَدْتَهُ
لِأَوْلِيَائِكَ فَبِعَظِيمِ قُدْرِهِ عِنْدَكَ وَجَلِيلِ خَطَرِهِ لَدَيْكَ
وَقُرْبِ مَنْزِلَتِهِ مِنْكَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بِي مَا
أَنْتَ أَهْلُهُ فَإِنَّكَ أَهْلُ الْكَرَمِ وَالْجُودِ وَالسَّلَامِ عَلَيْكَ يَا
مَوْلَايَ وَعَلَىٰ صَحْبِكَ أَدَمَ وَنُوحَ وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ
پس صریح را بوس و در جانب سراپست و بگو یا مولا ای الیک
و فودی و بیک اتوسل الی ربی فی بلوغ مقصودی و اشد
ان المتوسل بک غیر خائب و الطالب بک عن معرفه
غیر مرد و دلای بقضاء حوائجہ فکن لی شفیعاً الی الله
و بک و ربی فی قضاء حوائجی و تیسیر اموری و کشف

شِدَّتِي وَغُفْرَانِ ذَنْبِي وَسَعَةِ رِزْقِي وَتَطْوِيلِ عُمْرِي
 وَأَعْطَاءِ سُؤْلِي فِي آخِرَتِي وَدُنْيَايَ اللَّهُمَّ الْعَنْ قَتْلَةَ
 أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ اللَّهُمَّ الْعَنْ قَتْلَةَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ
 اللَّهُمَّ الْعَنْ قَتْلَةَ الْأَيْمَةِ وَعَذِّبْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا لَا
 تُعَذِّبُهُ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ عَذَابًا كَثِيرًا إِلَّا أَنْقِطَاعَ لَهُ
 وَلَا أَجَلَ وَلَا أَمَدٍ بِمَا شَاقُّوا وَلَا أَمْرًا وَاعِدْ لَهُمْ عَذَابًا
 لَمْ تَحْلَلْهُ بِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ اللَّهُمَّ وَأَدْخِلْ عَلَى قَتْلَةِ أَنْصَارِ
 رَسُولِكَ وَعَلَى قَتْلَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَعَلَى قَتْلَةِ الْحَسَنِ
 وَالْحُسَيْنِ وَعَلَى قَتْلَةِ أَنْصَارِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَقَتْلَةِ مَنْ
 قُتِلَ فِي وَلَايَةِ آلِ مُحَمَّدٍ أَجْمَعِينَ عَذَابًا أَلِيمًا مُضَاعَفًا فِي
 أَسْفَلِ دَرَكٍ مِنَ الْحَجِيمِ لَا يُخَفِّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَهُمْ فِيهِ
 مُبْلِسُونَ مُلْعُونُونَ نَاكِسُونَ سِوَاهُ سَبِيلِهِمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ قَدْ عَابَنُوا
 النَّدَامَةَ وَالْخِزْيَ الطَّوِيلَ لِقَتْلِهِمْ عِثْرَةَ أَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ
 وَاتِّبَاعَهُمْ مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ اللَّهُمَّ الْعَنْهُمْ فِي
 مُسْتَسْتَرِ السِّرِّ وَظَاهِرِ الْعَلَانِيَةِ فِي أَرْضِكَ وَسَمَائِكَ اللَّهُمَّ

اجعل لي قدم صدق في أوليائك وحبب إلي مشاهدهم
 ومستقرهم حتى تلحقني بهم وتجعلني لهم تبعاً
 في الدنيا والآخرة يا أرحم الراحمين پس صريح راجوس
 وپشت بقبله باليست ورو بجانب قبر امام حسين عليه السلام كن بگو
 السلام عليك يا أبا عبد الله السلام عليك يا بن رسول الله
 السلام عليك يا بن أمير المؤمنين السلام عليك يا بن
 فاطمة الزهراء سيدة نساء العالمين السلام عليك يا
 أبا الأئمة الهادين المهديين السلام عليك يا صريح
 الدمعة الساكية السلام عليك يا صاحب المصيبة
 الراتبة السلام عليك وعلى جدك وأبيك السلام
 عليك وعلى أمك وأخيك السلام عليك وعلى الأئمة
 من ذريتك وبنيك أشهد لقد طيب الله بك التراب
 وأوضح بك الكتاب وجعلك وأباك وجدك وأخاك
 وبنيك عبدة لأولى الأبواب يا بن الميامين الأطياب
 التالين الكتاب وجمعت سلامي إليك صلوات الله

وَسَلَامُهُ عَلَيْكَ وَجَعَلَ أَفِيدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْكَ
مَا خَابَ مَنْ تَمَسَّكَ بِكَ وَلَجَا إِلَيْكَ بِسَ بَرُو زُو پَا ی قَبْر بَا یست
وَكَبُو السَّلَامُ عَلَى أَبِي الْأَيْمَةِ وَخَلِيلِ النَّبُوءَةِ وَالْمَخْصُوصِ
بِالْأُخُوَّةِ السَّلَامُ عَلَى يَعْسُوبِ الدِّينِ وَالْإِيمَانِ وَكَلِمَةِ
الرَّحْمَنِ السَّلَامُ عَلَى مِيزَانِ الْأَعْمَالِ وَمُقَلِّبِ الْأَحْوَالِ
وَسَيْفِ ذِي الْجَلَالِ وَسَاقِي السَّلَسِيلِ الزُّلَالِ السَّلَامُ
عَلَى صَالِحِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ عِلْمِ النَّبِيِّينَ وَالْحَاكِمِ يَوْمَ
الدِّينِ السَّلَامُ عَلَى شَجَرَةِ النُّقُوى وَسَامِعِ السِّرِّ وَالنَّجْوَى
السَّلَامُ عَلَى حُجَّةِ اللَّهِ الْبَالِغَةِ وَنِعْمَتِهِ السَّابِغَةِ وَنِقْمَتِهِ
الدَّامِغَةِ السَّلَامُ عَلَى الصِّرَاطِ الْوَاضِحِ وَالنَّجْمِ اللَّائِحِ
وَالْإِمَامِ النَّاصِحِ وَالزَّنَادِ الْقَادِحِ وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ
بِسْمِ اللَّهِ صَلِّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ
أَخِي نَبِيِّكَ وَوَلِيِّهِ وَنَاصِرِهِ وَوَصِيِّهِ وَوَزِيرِهِ وَمُسْتَوْدِعِ
عَلَيْهِ وَمَوْضِعِ سِرِّهِ وَبَابِ حِكْمَتِهِ وَالنَّاطِقِ بِحُجَّتِهِ
وَالدَّاعِي إِلَى شَرِيعَتِهِ وَخَلِيفَتِهِ فِي أُمَّتِهِ وَمُفَرِّجِ الْكُرْبِ

عَنْ وَجْهِهِ قَاصِمِ الْكُفْرِ وَمُرْغِيمِ الْفَجْرِ الَّذِي جَعَلْتَ مِنْ
 نَبِيِّكَ بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ
 وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَأَنْصُرْ مَنْ أَنْصَرَهُ وَأَخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ وَالْعَنْ
 مَنْ نَصَبَ لَهُ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَصَلِّ عَلَيْهِ أَفْضَلَ
 مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْصِيَائِ أَنْبِيَائِكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ

پس برگرد بجانب سر از برای حضرت آدم و نوح و در زیارت آدم گو
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفِيَّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ
 يَا أَبَا الْبَشَرِ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى رُوحِكَ وَبَدَنِكَ وَعَلَى
 الظَّاهِرِينَ مِنْ وَلَدِكَ وَذُرِّيَّتِكَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ صَلَوةً
 لَا يُحْصِيهَا إِلَّا هُوَ وَرَحْمَةً اللَّهُ وَبَرَكَاتُهُ ودر زیارت نوح
 علیه السلام گوید السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ
 يَا صَفِيَّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ
 يَا حَبِيبَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَيْخَ الْمُرْسَلِينَ السَّلَامُ

عَلَيْكَ يَا أَمِينُ اللَّهُ فِي أَرْضِهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ
 عَلَيْكَ وَعَلَى رُوحِكَ وَبَدَنِكَ وَعَلَى الظَّاهِرِينَ مِنْ وَلَدِكَ
 وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ پس شش رکعت نماز بخوان هر دو رکعت
 بیک سلام دو رکعت آن هدیه برای امیرالمؤمنین علی علیه السلام و دو
 رکعت برای آدم و دو رکعت برای نوح علیهما السلام هدیه کن.

زیارت امام حسین علیه السلام

از آنجمله زیارتیست که صفوان جمال از حضرت صادق ع روایت
 نموده است قبل از زیارت زائر غسل کند بادل خاشع و دیده
 گریان برای زیارت حاضر شود پس چون بدر حاضری رسید بگوید
 اللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيرًا وَسُبْحَانَ اللَّهِ بُكْرَةً
 وَأَصِيلًا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ
 لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ پس
 بگو السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ
 اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَاتَمَ النَّبِيِّينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
 سَيِّدَ الْمُرْسَلِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ السَّلَامُ

عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الْوَصِيِّينَ
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قَائِدَ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ
 فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى
 الْأَنْثَمَةِ مِنْ وَلَدِكَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَصِيَّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ
 السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الصِّدِّيقُ الشَّهِيدُ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ
 يَا مَلَائِكَةَ اللَّهِ الْمُقِيمِينَ فِي هَذَا الْمَقَامِ الشَّرِيفِ السَّلَامُ
 عَلَيْكُمْ يَا مَلَائِكَةَ رَبِّي الْمُحْدِقِينَ بِقَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ
 السَّلَامُ عَلَيْكُمْ مَنِّي أَبَدًا مَا بَقِيتُ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ
 بِسْ يَكُونُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ
 يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ
 عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ وَابْنُ أَمَّتِكَ الْمُقَرَّبُ بِالرَّقِّ وَالتَّارِكُ
 لِلْخِلَافِ عَلَيْكُمْ وَالْمُوَالِي لَوَلِيِّكُمْ وَالْمُعَادِي لِعَدُوِّكُمْ
 قَصْدُ حَرَمِكَ وَاسْتِجَارُ بِمَشْهَدِكَ وَتَقَرُّبُ إِلَيْكَ بِقَصْدِكَ
 ءَاَدْخُلُ يَا رَسُولَ اللَّهِ ءَاَدْخُلُ يَا نَبِيَّ اللَّهِ ءَاَدْخُلُ يَا
 أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ءَاَدْخُلُ يَا سَيِّدَ الْوَصِيِّينَ ءَاَدْخُلُ يَا

فَاِطْمَئِنَّ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِيْنَ اَدْخُلْ يَا مَوْلَايَ يَا بَنَ
 رَسُوْلِ اللهِ پَس اَكْرَمَتْ خَاشِعٌ وَوَيْدِهَاتِ كَرِيْمٍ شَدِيْصٍ عَلَامَتِ
 رَحْمَتِ اسْتِپَس وَخَلْ شَوْوَكُو الْخَمْدُ لِلّٰهِ الْوَاحِدِ الْاَحَدِ الْفَرْدِ
 الصَّمَدِ الَّذِي هَدَانِيْ لَوْلَا يَتِيْكَ وَخَصَّنِيْ بِزِيَارَتِكَ
 وَسَهَّلَ لِيْ قَصْدَكَ پَس مِيْرُوْى تَادِرْقَبَةُ مَطْمَئِنَةٍ وَبَايَسَتْ مَحَاوِيْ
 بِالْاِيْ سِرُّوَكُو السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَاِثْرَ اَدَمَ صِفْوَةِ اللهِ
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَاِثْرَ نُوحٍ نَّبِيِّ اللهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
 وَاِثْرَ اِبْرَاهِيْمَ خَلِيْلِ اللهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَاِثْرَ مُوسَى
 كَلِيْمِ اللهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَاِثْرَ عِيْسَى رُوْحِ اللهِ السَّلَامُ
 عَلَيْكَ يَا وَاِثْرَ مُحَمَّدٍ حَبِيْبِ اللهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَاِثْرَ
 اَمِيْرِ الْمُؤْمِنِيْنَ عَلِيٍّ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ مُحَمَّدٍ وَالْمُصْطَفَى
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ عَلِيٍّ الْمُتَّقِي السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ
 فَاِطْمَةَ الزَّهْرَاءِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ خَدِيْجَةَ الْكُبْرَى
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللهِ وَابْنَ ثَارِهِ وَالْوَتْرَ الْمُؤْتَمِرَ اَشْهَدُ
 اَنَّكَ قَدْ اَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ وَامَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ

وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَطَعْتَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ حَتَّى آتَيْكَ الْيَقِينَ
 فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً ظَلَمَتْكَ وَلَعَنَ
 اللَّهُ أُمَّةً سَمِعَتْ بِذَلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا عَبْدِ
 اللَّهِ أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي الْأَصْلَابِ الشَّامِخَةِ وَالْأَرْحَامِ
 الْمُطَهَّرَةِ لَمْ تُنَجِّسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِأَنْجَاسِهَا وَلَمْ تُلْبِسْكَ مِنْ
 مَدْلِهِمَاتِ ثِيَابِهَا وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مِنْ دَعَائِمِ الدِّينِ وَأَرْكَانِ
 الْمُؤْمِنِينَ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمَامُ الْبَرُّ الشَّقِيُّ الرَّضِيُّ الرَّكِيُّ
 الْهَادِي الْمُهْدِي وَأَشْهَدُ أَنَّ الْأَئِمَّةَ مِنْ وَلَدِكَ كَلِمَةُ
 النَّقْوَى وَأَعْلَامُ الْهُدَى وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقَى وَالْحُجَّةُ عَلَى
 أَهْلِ الدُّنْيَا وَأَشْهَدُ اللَّهُ وَمَلَائِكَتُهُ وَأَنْبِيَائُهُ وَرُسُلُهُ
 أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَيَا أَيُّهَا بَنُو بَنِي إِسْرَافِيلَ بِشَرَايِعِ دِينِي وَخَوَاتِيمِ
 عَمَلِي وَقَلْبِي لِقَلْبِكُمْ سَلَامٌ وَأَمْرِي لِأَمْرِكُمْ مُسَبِّحٌ صَلَوَاتُ
 اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَعَلَى أَرْوَاحِكُمْ وَعَلَى أَجْسَادِكُمْ وَعَلَى أَجْسَامِكُمْ
 وَعَلَى شَاهِدِكُمْ وَعَلَى غَائِبِكُمْ وَعَلَى ظَاهِرِكُمْ وَعَلَى بَاطِنِكُمْ
 پس بیانداز خود را بر قبر و بسوس آنرا و بگو یا بی آنست و امی یا بن

رَسُولِ اللَّهِ يَا بَنِي آدَمَ وَأُمِّي يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ لَقَدْ عَظُمَتِ
 الرِّزْيَةُ وَجَلَّتِ الْمَصِيبَةُ بِكَ عَلَيْنَا وَعَلَى جَمِيعِ أَهْلِ السَّمَوَاتِ
 وَالْأَرْضِ فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أَسْرَجَتْ وَأَلْجَمَتْ وَقَهَّيَاتُ
 لِقَتَاكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ تَصَدُّتُ حَرَمَكَ
 وَاتَّيْتُ إِلَى مَشْهَدِكَ أَسْأَلُ اللَّهَ بِالشَّانِ الَّذِي لَكَ
 عِنْدَهُ وَبِالْمَحَلِّ الَّذِي لَكَ لَدَيْهِ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ
 مُحَمَّدٍ وَأَنْ يَجْعَلَ لِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ بِسَبْعِينَ
 وَدُورِ كَعْتِ نَمَازٍ وَبِالْإِسْمِ سَبْعِينَ نَحْوَانِ دَرَانِ وَدُورِ كَعْتِ بِسُورَةِ كَه
 خَوَاهِي بِسُورَةِ نَمَازٍ فَارَغْتُ شَدَى كَبُورِ اللَّهُمَّ إِنِّي صَلَّيْتُ وَرَكَعْتُ
 وَسَجَّدْتُ لَكَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لِأَنَّ الصَّلَاةَ وَالزُّكُوعَ
 وَالسُّجُودَ لَا يَكُونُ إِلَّا لَكَ لِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَابْلِغْهُمْ عَنِّي أَفْضَلَ
 السَّلَامِ وَالنَّجَاةِ وَارْزُقْهُمْ عَلَيَّ مِنْهُمْ السَّلَامَ اللَّهُمَّ وَ
 هَاتَانِ الرَّكَعَتَانِ هَدِيَّةٌ مِنِّي إِلَى مَوْلَايَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ
 عَلَيْهِمَا السَّلَامُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَيْهِ وَتَقَبَّلْ

مَنِّي وَأَجْرُنِي عَلَى ذَلِكَ بِأَفْضَلِ أَمَلِي وَرَجَائِي فِيكَ وَفِي
وَلِيِّكَ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ پس برخیز و برو پائین قبر آنحضرت
و بایست نزد سر علی بن حسین علیهما السلام و بگو السَّلَامُ عَلَيْكَ
يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ نَبِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا بْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ الْحُسَيْنِ
الشَّهِيدِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الشَّهِيدُ السَّلَامُ عَلَيْكَ
أَيُّهَا الْمَظْلُومُ وَابْنَ الْمَظْلُومِ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ وَلَعَنَ
اللَّهُ أُمَّةً ظَلَمَتْكَ وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً سَمِعَتْ بِذَلِكَ وَخَفِيَتْ
بِهِ پس بگوین خود را بر قبرش و بپوش آن را و بگو السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
وَلِيَّ اللَّهِ وَابْنَ وَلِيِّهِ لَقَدْ عَظُمَتِ الْمُصِيبَةُ وَجَلَّتِ
الرَّزِيئَةُ بِكَ عَلَيْنَا وَعَلَى جَمِيعِ الْمُسْلِمِينَ فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً
قَتَلَتْكَ وَابْرَأُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَيْكَ مِنْهُمْ پس بیرون بیا از
دری که پائین پای علی بن حسین علیهما السلام است و متوجه شو
بسوی شهداء و بگو السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ وَاجِبَاتِهِ
السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَصْفِيَاءَ اللَّهِ وَآوْدَاءَهُ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ

يَا أَنْصَارَ دِينِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ رَسُولِ اللَّهِ
 السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا
 أَنْصَارَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا
 أَنْصَارَ أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَلِيِّ النَّاصِحِ السَّلَامُ
 عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ يَا بَنِي أَنْتُمْ وَأُمِّي طِبْتُمْ
 وَطَابَتِ الْأَرْضُ الَّتِي فِيهَا دَفِنْتُمْ وَفُتُّمُ قَوْمًا عَظِيمًا
 فَيَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَكُمْ فَأَفُوزَ مَعَكُمْ بِسِرِّ

حضرت امام حسين عليه السلام و دعا کن از برای خود و اهل و اولاد و پدر
 و مادر و برادران و اقرباء و ارحام و خویشان و صاحبان حق امید است
 که دعا رد گردد و حوائج مستجاب شود ان شاء الله تعالی

زیارت حضرت عباس علیه السلام

شیخ اجل ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه قمی متوفی ۳۶۷ هجری
 در کامل الزیارة روایت نموده که ابو حمزه ثمالی از حضرت امام صادق
 علیه السلام روایت کرده است که چون اراده نمائی زیارت قبر
 عباس بن علی علیه السلام که بر کنار شط فرات محاذی حائر واقع گردید

است بر در روضه بايست و بگو سلام الله و سلام ملائكتيه
 الْمُقَرَّبِينَ وَأَنْبِيَآئِهِ الْمُرْسَلِينَ وَعِبَادِهِ الصَّالِحِينَ وَجَمِيعِ
 الشُّهَدَاءِ وَالصِّدِّيقِينَ وَالزَّكَايَاتِ الطَّيِّبَاتِ فِيمَا
 تَغْتَدِي وَتَرْوُحُ عَلَيْكَ يَا بَنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ أَشْهَدُ لَكَ
 بِالنُّسْلِ وَالنَّصْدِيقِ وَالْوَفَاءِ وَالنَّصِيحَةِ لِخَلِيفِ النَّبِيِّ صَلَّى
 اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْمُرْسَلِ وَالسَّبْطِ الْمُنْتَجَبِ وَالِدِ لَيْلِ الْعَالَمِ
 وَالْوَصِيِّ الْمُبْلَغِ وَالْمُظْلَمِ الْمُهْتَظَمِ فَجَزَاكَ اللَّهُ عَنْ رَسُولِهِ
 وَعَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَعَنْ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ
 عَلَيْهِمْ أَفْضَلَ الْجَزَاءِ بِمَا صَبَرْتَ وَاحْتَسَبْتَ وَأَعْنَتَ فَنِعْمَ
 عُقْبَى الدَّائِرِ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ جَهِلَ
 حَقَّكَ وَاسْتَخَفَّ بِحُرْمَتِكَ وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ حَالَ بَيْنَكَ
 وَبَيْنَ مَا أَلْفَرَاتِ أَشْهَدُ أَنَّكَ قُتِلْتَ مُظْلُومًا وَأَنَّ اللَّهَ
 مُنْجِزٌ لَكُمْ مَا وَعَدَكُمْ جُنَّتُكَ يَا بَنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَافِدًا
 إِلَيْكُمْ وَقَلْبِي مُسَلِّمٌ لَكُمْ وَتَابِعٌ وَأَنَا لَكُمْ تَابِعٌ وَنُصْرَتِي
 لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتَّى يَحْكُمَ اللَّهُ وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ فَمَعَكُمْ

مَعَكُمْ لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ إِنِّي بِكُمْ وَبِأَيَّامِكُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَبِمَنْ
 خَالَفَكُمْ وَقَتْلَكُمْ مِنَ الْكَافِرِينَ قَتَلَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلْتُمْ
 بِالْأَيْدِي وَالْأَلْسُنِ بِسِوَا خَلِ رَوْضَهُ شَوْوَنُورِ الْبَصْرِ بِحَسْبِ
 وَبِجَوِّ السَّلَامِ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ الْمُطِيعُ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ
 وَلِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْحُسَيْنِ صَلَّي اللَّهُ عَلَيْهِمْ
 وَسَلَّم السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ وَمَغْفِرَتُهُ
 وَرِضْوَانُهُ وَعَلَى رُوحِكَ وَبِدَنِكَ أَشْهَدُ وَأَشْهَدُ اللَّهُ
 أَنَّكَ مَضَيْتَ عَلَى مَا مَضَى بِهِ الْبَدْرِيُّونَ وَالْمُجَاهِدُونَ
 فِي سَبِيلِ اللَّهِ الْمُنَاصِحُونَ لَهُ فِي جِهَادِ أَعْدَائِهِ الْمُبَالِغُونَ
 فِي نُصْرَةِ أَوْلِيَائِهِ الَّذِينَ أَبُون عَنْ أَحِبَّائِهِ فجزاك الله
 أَفْضَلَ لجزاءٍ وَأَكْثَرَ لجزاءٍ وَأَوْفَرَ لجزاءٍ وَأَوْفَى لجزاءٍ
 أَحَدٍ مِمَّنْ وَفَى بِبَيْعَتِهِ وَأَسْتَجَابَ لَهُ دَعْوَتُهُ وَأَطَاعَ
 وَلاَةَ أَمْرِهِ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ يَأْتِ فِي النَّصِيحَةِ وَأَعْطَيْتَ
 غَايَةَ الْمَجْهُودِ فَبَعَثَكَ اللَّهُ فِي الشُّهَدَاءِ وَجَعَلَ رُوحَكَ
 مَعَ أَرْوَاحِ السُّعَدَاءِ وَأَعْطَاكَ مِنْ جَنَانِهِ أَفْسَحَهَا مَنَزِلًا

وَأَفْضَلُهَا غُرْفًا وَرَفَعَ ذِكْرَكَ فِي عِلِّيِّينَ وَحَشَرَكَ مَعَ النَّبِيِّينَ
وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ
رَفِيقًا أَشْهَدُ أَنَّكَ لَمْ تَهِنْ وَلَمْ تَنْكُلْ وَأَنَّكَ مَضَيْتَ عَلَى
بَصِيرَةٍ مِنْ أَمْرِكَ مُقْتَدِيًا بِالصَّالِحِينَ وَمُتَّبِعًا لِلنَّبِيِّينَ
فَجَمَعَ اللَّهُ بَيْنَنَا وَبَيْنَكَ وَبَيْنَ رَسُولِهِ وَأَوْلِيَائِهِ فِي
مَنَازِلِ الْمُحِبِّينَ فَإِنَّهُ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ پس برو بسمت بالا
سرود و رکعت نماز بخوان و بعد از نماز بگو اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَالْحَمْدُ وَلَا تَدْعُ لِي فِي هَذَا الْمَكَانِ الْمَكْرَمِ وَالْمَشْهُدِ
الْعَظِيمِ ذَنْبًا إِلَّا اغْفِرْتَهُ وَلَا هَمًّا إِلَّا فَرَجْتَهُ وَلَا مَرَضًا
إِلَّا شَفَيْتَهُ وَلَا عَيْبًا إِلَّا سَتَرْتَهُ وَلَا يَرْزُقًا إِلَّا بَسَطْتَهُ وَلَا
خَوْفًا إِلَّا أَمِنْتَهُ وَلَا شَمْلًا إِلَّا جَمَعْتَهُ وَلَا غَائِبًا إِلَّا حَفِظْتَهُ
وَأَدْنَيْتَهُ وَلَا حَاجَةً مِنْ حَوَائِجِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ لَكَ فِيهَا
رِضًى وَلِي فِيهَا صَلاَحٌ إِلَّا قَضَيْتَهَا يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
پس برگرو بسوی صریح و نزویا یا بایست و بگو السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
أَبَا الْفَضْلِ الْعَبَّاسَ بْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ

يَا بَنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ أَوَّلِ الْقَوْمِ إِسْلَامًا
وَأَقْدَمِهِمْ إِيْمَانًا وَأَقْوَمِهِمْ بِدِينِ اللَّهِ وَأَحْوَطِهِمْ عَلَى الْإِسْلَامِ
أَشْهَدُ لَقَدْ نَصَحْتَ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ وَلِإِخِيكَ فَنِعْمَ الْآخُ
الْمُوَاسِي فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً ظَلَمَتْكَ
وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً اسْتَحَلَّتْ مِنْكَ الْمَحَارِمَ وَأَنْتَهَكْتَ
حُرْمَةَ الْإِسْلَامِ فَنِعْمَ الصَّابِرُ الْمُجَاهِدُ الْمُحَامِي النَّاصِرُ
وَالْآخُ الدَّافِعُ عَنْ أَخِيهِ الْمُجِيبُ إِلَى طَاعَةِ رَبِّهِ الرَّاعِبُ
فِيمَا نَزَهَ فِيهِ غَيْرُهُ مِنَ الثَّوَابِ الْجَزِيلِ وَالشَّانِءِ الْجَمِيلِ
وَالْحَقِّكَ اللَّهُ بِدَرَجَةِ آبَائِكَ فِي جَنَّاتِ النِّعِيمِ اللَّهُمَّ
إِنِّي تَعَرَّضْتُ لِنِزَارَةِ أَوْلِيَائِكَ وَرَغْبَةٍ فِي ثَوَابِكَ وَرَجَاءٍ
لِمَغْفِرَتِكَ وَحَزِيلِ إِحْسَانِكَ فَاسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَأَنْ تَجْعَلَ رِزْقِي بِهِمْ دَارًا وَعَيْشِي
بِهِمْ قَارًا وَنِزَارَتِي بِهِمْ مَقْبُولَةً وَحَيَاتِي بِهِمْ طَيِّبَةً
وَأَذْرَجْنِي إِدْرَاجَ الْمُكْرَمِينَ وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ يَنْقَلِبُ مِنْ
نِزَارَةِ مُشَاهِدِ أَحِبَّائِكَ مُفْلِحًا مُنْجَا قَدْ اسْتَوْجَبَ

غُفْرَانَ الذُّنُوبِ وَسَتْرَ الْعُيُوبِ وَكَشَفَ الْكَرُوبِ إِنَّكَ
 أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ وَچون خواهی و دل کنی آنحضرت را
 پس برو بنزد قبر شریف و بگو این را که در روایت ابو حمزه ثمالی است علماء
 نیز ذکر کرده اند اَسْتَوْدِعُكَ اللَّهُ وَأَسْتَرْعِيكَ وَأَقْرِعُ عَلَيْكَ
 السَّلَامَ أَمَّا بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ وَبِكِتَابِهِ وَبِمَا جَاءَ بِهِ
 مِنْ عِنْدِ اللَّهِ فَالْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ
 إِخْرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِي قَبْرِ ابْنِ أَخِي رَسُولِكَ صَلَّى
 اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَارْزُقْنِي زِيَارَتَهُ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي
 وَأَحْشُرْنِي مَعَهُ وَمَعَ آبَائِهِ فِي الْجَنَانِ وَعَرِّفْ بَيْنِي
 وَبَيْنَهُ وَبَيْنَ رَسُولِكَ وَأَوْلِيَّائِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى
 مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَوَفَّنِي عَلَى الْإِيمَانِ بِكَ وَالتَّصَدِّقِ
 بِرَسُولِكَ وَالْوَلَايَةِ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَالْإِمَامَةِ مِنْ
 وَلَدِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَالْإِبْرَاءَةَ مِنْ عَدُوِّهِمْ فَإِنِّي قَدْ
 رَضَيْتُ يَا رَبِّي بِذَلِكَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

پس دعا کن از برای خود و برادران و خواهران خود و وابستگان

و مؤمنین کہ برآورده است انشاء اللہ تعالیٰ

زیارت امام موسی کاظم علیہ السلام

چون بدرحرم رسی بگو **اَللّٰهُ اَكْبَرُ اَللّٰهُ اَكْبَرُ لَا اِلَهَ اِلَّا اَللّٰهُ**
وَاللّٰهُ اَكْبَرُ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلٰی هِدَايَتِهِ لِدِينِهِ وَالتَّوْفِيقِ لِمَا
دَعَا اِلَيْهِ مِنْ سَبِيلِهِ اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ اَكْرَمُ مَقْصُودٍ وَّاَكْرَمُ
مَا تَنِيَّ وَقَدْ اَتَيْتُكَ مُتَقَرِّبًا اِلَيْكَ يَا بَنِي بَيْتِ نَبِيِّكَ صَلِّ عَلَى
عَلِيٍّ وَعَلَى اَبَائِهِ الطَّاهِرِينَ وَابْنَائِهِ الطَّيِّبِينَ اَللّٰهُمَّ
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَّآلِ مُحَمَّدٍ وَلَا تُحَيِّبْ سَعْيِي وَلَا تَقْطَعْ
رَجَائِي وَاجْعَلْنِي عِنْدَكَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَاٰخِرَةِ وَمِنْ
الْمُقَرَّبِينَ پس داخل شو و مقدم دار پای راست خود را و بگو **يَسْلَمُ اَللّٰهُ**
وَبِاللّٰهِ وَفِي سَبِيلِ اَللّٰهِ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُوْلِ اَللّٰهِ صَلَّى اَللّٰهُ
عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيْ وَلِوَالِدَيَّ وَلِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِيْنَ
وَالْمُؤْمِنَاتِ پس بمینکه رسیدی بدرتبه شریفه بایست و اذن
طَلَبِ كُنْ وَبُكُوءَ اَدْخُلْ يَا رَسُوْلَ اَللّٰهِ اَدْخُلْ يَا نَبِيَّ اَللّٰهِ
اَدْخُلْ يَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اَللّٰهِ اَدْخُلْ يَا اَمِيْرَ الْمُؤْمِنِيْنَ

ءَاَدْخُلْ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ الْحَسَنَ ءَاَدْخُلْ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنَ
 ءَاَدْخُلْ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ ءَاَدْخُلْ يَا أَبَا جَعْفَرٍ
 مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ ءَاَدْخُلْ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ
 ءَاَدْخُلْ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ ءَاَدْخُلْ
 يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا جَعْفَرٍ ءَاَدْخُلْ يَا مَوْلَايَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ

پس داخل شود چهار مرتبه بگو الله اكبر پس بایست مقابل
 قبر و قبله را پشت کتف خود قرار بده پس بگو السَّلامُ عَلَيْكَ يَا أَلِيَّ
 اللَّهُ وَابْنِ وَلِيِّهِ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَابْنَ حُجَّتِهِ
 السَّلامُ عَلَيْكَ يَا صَفِيَّ اللَّهِ وَابْنَ صَفِيَّتِهِ السَّلامُ عَلَيْكَ
 يَا أَمِيرَ اللَّهِ وَابْنَ أَمِيرِهِ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ
 فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا إِمَامَ الْهُدَى
 السَّلامُ عَلَيْكَ يَا عَلَمَ الدِّينِ وَالشُّفَى السَّلامُ عَلَيْكَ
 يَا خَازِنَ عِلْمِ النَّبِيِّينَ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا خَازِنَ عِلْمِ
 الْمُرْسَلِينَ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا نَائِبَ الْأَوْصِيَاءِ السَّابِقِينَ
 السَّلامُ عَلَيْكَ يَا مَحْدِنَ الْوَحْيِ الْمُبِينِ السَّلامُ عَلَيْكَ

يَا صَاحِبَ الْعِلْمِ الْيَقِينِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَيْبَةَ عِلْمِ
الْمُرْسَلِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الصَّالِحُ السَّلَامُ
عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الزَّاهِدُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ
الْعَابِدُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ السَّيِّدُ الرَّشِيدُ
السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُقْتُولُ الشَّهِيدُ السَّلَامُ عَلَيْكَ
يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَابْنَ وَصِيَّتِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ
مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ أَشْهَدُ أَنَّكَ
قَدْ بَلَغْتَ عَنِ اللَّهِ مَا حَمَلَكَ وَحَفِظْتَ مَا اسْتَوْدَعَكَ
وَحَلَلْتَ حَلَالَ اللَّهِ وَحَرَّمْتَ حَرَامَ اللَّهِ وَأَقَمْتَ أَحْكَامَ
اللَّهِ وَتَلَوْتَ كِتَابَ اللَّهِ وَصَبَرْتَ عَلَى الْأَذَى فِي جَنْبِ
اللَّهِ وَجَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ حَتَّى أَتَيْكَ الْيَقِينُ
وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مَضَيْتَ عَلَى مَا مَضَى عَلَيْهِ آبَاؤُكَ الطَّاهِرُونَ
وَأَجْدَادُكَ الطَّيِّبُونَ الْأَوْصِيَاءُ الْهَادُونَ الْأَئِمَّةُ الْمُهْدِيُّونَ
لَمْ تُؤْثِرْ عَمَى عَلَى هُدًى وَلَمْ تَمِلْ مِنْ حَقِّ إِلَى بَاطِلٍ وَأَشْهَدُ
أَنَّكَ نَصَحْتَ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ وَلِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَأَنَّكَ

أَدَيْتَ الْأَمَانَةَ وَاجْتَنَبْتَ الْخِيَانَةَ وَأَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَآتَيْتَ
الزَّكَاةَ وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَعَبَدْتَ اللَّهَ
مُخْلِصًا مَجْتَهِدًا مُحْتَسِبًا حَتَّى آتَيْكَ الْيَقِينَ فَجَزَاكَ اللَّهُ
عَنِ الْإِسْلَامِ وَأَهْلِيهِ أَفْضَلَ الْجَزَاءِ وَأَشْرَفَ الْجَزَاءِ أَتَيْتُكَ
يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ نَرَاتُ عَارِفًا بِحَقِّكَ مُقَرَّرًا بِفَضْلِكَ مُحْتَمِلًا
لِعِلْمِكَ مُحْتَجًّا بِذِمَّتِكَ عَائِدًا بِقَبْرِكَ لَا نِدَاءَ بِضَرِيحِكَ
مُسْتَشْفِعًا بِكَ إِلَى اللَّهِ مُوَالِيًا لِأَوْلِيَائِكَ مُعَادِيًا
لِأَعْدَائِكَ مُسْتَبْصِرًا بِشَأْنِكَ وَبِالْهُدَى الَّذِي أَنْتَ
عَلَيْهِ عَالِمًا بِضَلَالَةِ مَنْ خَالَفَكَ وَبِالْعَمَى الَّذِي هُمْ
عَلَيْهِ بِأَبْيَ أَنْتَ وَأُمِّي وَنَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي وَوَلَدِي
يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَتَيْتُكَ مُتَقَرِّبًا بِزِيَارَتِكَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى
وَمُسْتَشْفِعًا بِكَ إِلَيْهِ فَاشْفَعْ لِي عِنْدَ رَبِّكَ لِغُفْرَانِي
ذُنُوبِي وَيَعْفُو عَن جُرْمِي وَيَتَجَاوَزَ عَن سَيِّئَاتِي وَيَحْوِ عَنِّي
خَطِيئَاتِي وَيُدْخِلْنِي الْجَنَّةَ وَيَتَفَضَّلَ عَلَيَّ بِمَا هُوَ أَهْلُهُ
وَيَغْفِرَ لِي وَلِأَبَائِي وَلِأَخَوَاتِي وَأَخَوَاتِي وَكُلِّ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ

فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا بِفَضْلِهِ وَجُودِهِ وَمِنْهُ پَس
 بِيَانِ نَزْدِ خُودِ اَبْرِ قَبْرِ وِ بَوَسِ اَن رَا وِ بَكَدَارُ وِ وِ طَرَفِ رُوىِ خُودِ رَا بَرَا كُن
 وِ دَعَا كُن بَا نَحْه مِخْوَاهِ پَس بَرُ كَرْدِ بَجَانِبِ سِرُ وِ بُوَا السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
 مَوْلَايَ يَا مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ أَشْهَدُ
 أَنَّكَ الْإِمَامُ الْهَادِي وَالْوَلِيُّ الْمُرْتَشِدُ وَأَنَّكَ مُعَدِّنُ
 التَّنْزِيلِ وَصَاحِبُ التَّأْوِيلِ وَحَامِلُ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ
 وَالْعَالِمُ الْعَادِلُ وَالصَّادِقُ الْعَامِلُ يَا مَوْلَايَ أَنَا أَبُوءُ إِلَى
 اللَّهِ مِنْ أَعْدَائِكَ وَاتَّقَرُّبُ إِلَى اللَّهِ بِمُؤَالَاتِكَ فَصَلِّ
 اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَى آبَائِكَ وَأَجْدَادِكَ وَأَبْنَائِكَ وَشِيعَتِكَ
 وَمُحِبِّتِكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ پَس دُورِ كَحْتِ نَا زِيَارَتِ بَحْوَا

زِيَارَتِ اِمَامِ مُحَمَّدِ تَقِيِّ عَلَيْهِ السَّلَام

چُونِ زَا ئِمَا نَزِيَارَتِ حَضْرَتِ اِمَامِ مُوسَى كَا ظِمِ عِ فَا رَغِ كَرُوِيْدِ نَزْدِ قَبْرِ
 حَضْرَتِ اِمَامِ مُحَمَّدِ جَوَادِ اِسْتَاوَدَه وَبُوِيْدِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اَبَا جَعْفَرٍ
 مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْبَرِّ التَّقِيِّ الْإِمَامِ الْوَفِيِّ السَّلَامُ عَلَيْكَ
 أَيُّهَا الرِّضِيُّ الزَّكِيُّ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ السَّلَامُ

عَلَيْكَ يَا نَجِيَّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَفِيرَ اللَّهِ السَّلَامُ
 عَلَيْكَ يَا سِرَّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ضِيَاءَ اللَّهِ السَّلَامُ
 عَلَيْكَ يَا سَنَاءَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا كَلِمَةَ اللَّهِ السَّلَامُ
 عَلَيْكَ يَا رَحْمَةَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النُّورُ السَّاطِعُ
 السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْبَدْرُ الظَّالِعُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا
 الطَّيِّبُ مِنَ الطَّيِّبِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الظَّاهِرُ مِنَ الْمُظْهَرِّينَ
 السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْآيَةُ الْعُظْمَى السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا
 الْحُجَّةُ الْكُبْرَى السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُطَهَّرُ مِنَ الزَّلَّاتِ
 السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُنَزَّهُ عَنِ الْمُعْضَلَاتِ السَّلَامُ عَلَيْكَ
 أَيُّهَا الْعَلِيُّ عَنْ نَقْصِ الْأَوْصَافِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الرَّحْمَنُ
 عِنْدَ الْأَشْرَافِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمُودَ الدِّينِ أَشْهَدُ أَنَّكَ رَئِيسُ
 اللَّهِ وَحُجَّتُهُ فِي أَرْضِهِ وَأَنَّكَ جَنْبُ اللَّهِ وَخَيْرُهُ اللَّهُ
 وَمُسْتَوْدَعُ عِلْمِ اللَّهِ وَعِلْمِ الْأَنْبِيَاءِ وَرُكْنُ الْإِيمَانِ
 وَتَرْجَمَانُ الْقُرْآنِ وَأَشْهَدُ أَنَّ مَنْ اتَّبَعَكَ عَلَى الْحَقِّ
 وَالْهُدَى وَأَنَّ مَنْ أَنْكَرَكَ وَنَصَبَ لَكَ الْعَدَاوَةَ عَلَى

الصَّلَاةَ وَالرَّذَى أَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَيْكَ مِنْهُمْ فِي الدُّنْيَا
 وَالْآخِرَةِ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ مَا بَقِيَتْ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ
 وَكِبُورُ صَلَوَاتِ بَرٍّ أَنْحَضَتْ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ
 وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ النَّزِيِّ النَّقِيِّ وَالْبَرِّ الْوَفِيِّ وَالْمُهَذَّبِ
 النَّقِيِّ هَادِي الْأُمَّةِ وَوَارِثِ الْأَيْمَةِ وَخَازِنِ الرَّحْمَةِ
 وَيَنْبُوعِ الْحِكْمَةِ وَقَائِدِ الْبَرَكَةِ وَعَدِيلِ الْقُرْآنِ فِي الطَّاعَةِ
 وَوَاحِدِ الْأَوْصِيَاءِ فِي الْإِخْلَاصِ وَالْعِبَادَةِ وَحُجَّتِكَ الْعُلَمَاءِ
 وَمَثَلِكَ الْأَعْلَى وَكَلِمَتِكَ الْحُسْنَى الدَّاعِي إِلَيْكَ وَالذَّالِّ
 عَلَيْكَ الَّذِي نَصَبْتَهُ عَلَمًا لِعِبَادِكَ وَمُتَرَجِّمًا لِكِتَابِكَ
 وَصَادِعًا بِأَمْرِكَ وَنَاصِرًا لِدِينِكَ وَحُجَّةً عَلَى خَلْقِكَ وَتَوْمَرًا
 تَحْرِقُ بِهِ الظُّلْمَ وَقُدُورَةً تُدْرِكُ بِهَا الْهَدَايَةَ وَشَفِيعًا
 تُنَالُ بِهِ الْجَنَّةَ اللَّهُمَّ وَكَمَا أَخَذَنِي خُشُوعُهُ لَكَ حَظَّهُ
 وَأَسْتَوْفِي مِنْ خَشْيَتِكَ نَصِيبَهُ فَصَلِّ عَلَيْهِ أضعافَ
 مَا صَلَّيْتَ عَلَى وَلِيِّي أَرْتَضِيَتْ طَاعَتُهُ وَقَبِلْتَ خِدْمَتَهُ
 وَبَلَّغَهُ مَنَاجِيحَهُ وَسَلَامًا وَاتِّنَانِي مُوَالاتِهِ مِنْ لَدُنْكَ

بَيْنَ خَلْقِكَ وَالْمُهَيَّمِينَ عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى فَاطِمَةَ بِنْتِ نَبِيِّكَ وَزَوْجَتِ وَلِيِّكَ وَأُمِّ السَّبْطَيْنِ
 الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ سَيِّدَي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ الطَّاهِرَةِ
 الطَّاهِرَةِ الْمُطَهَّرَةِ النَّقِيَّةِ الرَّضِيَّةِ الزَّكِيَّةِ سَيِّدَةِ
 نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ أَجْمَعِينَ صَلَوةً لَا يَقْوَى عَلَى إِحْصَائِهَا
 غَيْرُكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ سِبْطَي نَبِيِّكَ
 وَسَيِّدَي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ الْقَائِمِينَ فِي خَلْقِكَ
 وَالذَّلِيلِينَ عَلَى مَنْ بَعَثْتَ بِرِسَالَتِكَ وَدَيَانِي الدِّينِ
 بَعْدَكَ وَفُضِّلِي قَضَائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ
 عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَبْدِكَ الْقَائِمِ فِي خَلْقِكَ وَالذَّلِيلِ
 عَلَى مَنْ بَعَثْتَ بِرِسَالَتِكَ وَدَيَانِ الدِّينِ بَعْدَكَ وَفُضِّلِ
 قَضَائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ سَيِّدِ الْعَابِدِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى
 مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَبْدِكَ وَخَلِيفَتِكَ فِي أَرْضِكَ بِأَقْرَبِ عِلْمِ
 النَّبِيِّينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ عَبْدِكَ
 وَوَلِيِّ دِينِكَ وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ أَجْمَعِينَ الصَّادِقِ الْبَارِئِ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَبْدِكَ الصَّالِحِ وَلِسَانِكَ
 فِي خَلْقِكَ النَّاطِقِ بِحُكْمِكَ وَالْحُجَّةِ عَلَى بَرِيَّتِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ
 عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا الْمُتَّقِي عَبْدِكَ وَوَلِيِّ دِينِكَ
 الْقَائِمِ بَعْدَ لِكَ وَالِدَاعِي إِلَى دِينِكَ وَدِينِ آبَائِهِ الصَّادِقِينَ
 صَلَوةً لَا يَقْوَى عَلَى إِحْصَائِهَا غَيْرُكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
 بْنِ عَلِيٍّ عَبْدِكَ وَوَلِيِّكَ الْقَائِمِ بِأَمْرِكَ وَالِدَاعِي إِلَى سَبِيلِكَ
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَوَلِيِّ دِينِكَ
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَالْعَامِلِ بِأَمْرِكَ الْقَائِمِ
 فِي خَلْقِكَ وَحُجَّتِكَ الْمُؤَدِّي عَنْ نَبِيِّكَ وَشَahِيدِكَ عَلَى
 خَلْقِكَ الْمَخْصُوصِ بِكَرَامَتِكَ الدَّاعِي إِلَى طَاعَتِكَ وَطَاعَةِ
 رَسُولِكَ صَلِّوا ثَكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى
 حُجَّتِكَ وَوَلِيِّكَ الْقَائِمِ فِي خَلْقِكَ صَلَوةً تَامَّةً نَامِيَةً
 بَاقِيَةً تُعْجِلُ بِهَا فَرَجَهُ وَتَنْصُرُهُ بِهَا وَتُجَحِّلُنَا مَعَهُ فِي
 الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ اللَّهُمَّ ارِنِي اقْتَرَبُ إِلَيْكَ بِعِبَادَتِهِمْ وَأَوَالِي
 وَلِيَّتِهِمْ وَأَعَادِي عَدُوَّهُمْ فَارْزُقْنِي بِهِمْ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

وَأَصْرِفْ عَنِّي بِمَنِّ شَرِّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَهْوَالِ يَوْمِ الْقِيَمَةِ
 يَا شَيْئَنِي زِدْ سِرًّا خُضْرَتَ وَمِكُونِي السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ فِي
 ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عُمُودَ الدِّينِ السَّلَامُ
 عَلَيْكَ يَا وَارِثَ آدَمَ صِفْوَةَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ
 نُوحٍ نَبِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ إِسْمَاعِيلَ ذِي بَيْتِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ
 يَا وَارِثَ مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِيسَى رُوحِ
 اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ
 عَلَيْكَ يَا وَارِثَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ وَلِيِّ اللَّهِ وَوَصِيِّ
 رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ سَيِّدَيَّ شَبَابِ
 أَهْلِ الْجَنَّةِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ زَيْنِ
 الْعَابِدِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ بَاقِرِ عِلْمِ
 الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ

الصَّادِقُ الْبَارُّ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ
 السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الصِّدِّيقُ الشَّهِيدُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا
 الْوَصِيُّ الْبَارُّ التَّقِيُّ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَآتَيْتَ
 الزَّكَاةَ وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَعَبَدْتَ اللَّهَ
 مُخْلِصًا حَتَّى آتَيْتَكَ الْيَقِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا الْحَسَنِ وَرَحْمَةُ
 اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ پَسْ خُورِ الْبُزْجِ مَحْشِيَانِي وَيَكُونِي اللَّهُمَّ إِلَيْكَ
 صَدَدْتُ مِنْ أَرْضِي وَقَطَعْتُ الْبِلَادَ رَجَاءً رَحْمَتِكَ فَلَا
 تُخَيِّبْنِي وَلَا تُرَدِّدْنِي بِغَيْرِ قَضَاءٍ حَاجَتِي وَأَرْحَمُ تَقَلُّبِي عَلَى
 قَبْرِ ابْنِ أَخِي رَسُولِكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَا بِي أَنْتَ وَآئِي
 يَا مُوَلَايَ آتَيْتُكَ زَائِرًا وَافِدًا عَائِدًا مَاجِدًا جَنَيْتُ عَلَى نَفْسِي
 وَاحْتَطَبْتُ عَلَى ظَهْرِي فَكُنْ لِي شَافِعًا إِلَى اللَّهِ يَوْمَ فَقْرِي
 وَفَاقَتِي فَلَكَ عِنْدَ اللَّهِ مَقَامُ مُحَمَّدٍ وَأَنْتَ عِنْدَهُ وَجِيهٌ
 پَسْ دِسْتِ رَاسْتِ رَابِلَنْدِ مِيكُنِي وَدِسْتِ چَپِ رَابِرِ قَبْرِ مِيكَدَارِي وَيَكُونِي
 اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِحُبِّهِمْ وَيُؤَلِّقُ يَتِيمَهُمْ أَتَوَلَّى اخِرَهُمْ بِمَا
 تَوَلَّيْتُ بِهِ أَوَّلَهُمْ وَأَبْرَأُ مِنْ كُلِّ وَلِيحَةٍ دُونَهُمْ اللَّهُمَّ

الْعَيْنِ الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَكَ وَاتَّهَمُوا نَبِيَّكَ وَحَدُّوْا بِأَيَانِكَ وَ
 سَخَّرُوا بِإِمَامِكَ وَحَمَلُوا النَّاسَ عَلَى أَكْثَافِ الْإِمْحَادِ اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي
 اتَّقَرُّبُ إِلَيْكَ بِاللَّعْنَةِ عَلَيْهِمُ وَالْبَرَاءَةِ مِنْهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
 يَا رَحْمَنُ پس بر میگردی و بنزد پای آنحضرت میروی و میگوئی صَلَّی اللَّهُ عَلَيْكَ
 يَا أَبَا الْحَسَنِ صَلَّی اللَّهُ عَلَى رُوحِكَ وَبَدَنِكَ صَبَرْتَ وَأَنْتَ الصَّادِقُ
 الْمُصَدَّقُ قَتَلَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ بِالْأَيْدِي وَالْأَلْسُنِ پس تضرع و مبالغه کن در
 لغت بر شنده امیر المؤمنین و قاتلان حسن و حسین علیهم السلام و قاتلان جمیع
 اهل بیت رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ پس از پشت قبر برو و نزد سر آنحضرت دو
 رکعت نماز کن در رکعت اول سوره یس و در رکعت دوم سوره الرحمن بخوان
 و جهد کن در دعا و تضرع و بسیار دعا کن از برای خود و پدر و مادر خود و جمیع برادران
 ثمن خود و آنچه خواهی نزد سر آنحضرت بان و باید که نمازی خود را نزد قبر بجای.

زیارت حضرت امام علی النقی و امام حسن عسکری علیهما السلام
 پس از غسل و بعد از رعایت آداب دخول حرم باتمانی روانه شود تا به
 حرم پس اذن دخول را خوانده داخل حرم شود و نزد صریح بایستد نزد
 صریح آن دو بزرگوار و بگوید السَّلامُ عَلَیْکُمَا يَا وَلِیَّی اللَّهُ السَّلامُ عَلَیْکُمَا
 يَا حُجَّتَی اللَّهُ السَّلامُ عَلَیْکُمَا يَا نُورَی اللَّهِ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ

السَّلامُ عَلَيْكُمَا يَا مَنْ بَدَأَ اللَّهُ فِي شَانِكُمَا اتَيْتُكُمَا زَائِرًا عَارِفًا
 بِحَقِّكُمَا مُعَادِيًّا لِأَعْدَائِكُمَا مُوَالِيًّا لِوَلِيَّائِكُمَا مُؤْمِنًا
 بِمَا آمَنْتُ بِهِ كَافِرًا بِمَا كَفَرْتُ بِهِ مُحَقِّقًا لِمَا حَقَّقْتُ مَا مُبْطِلًا
 لِمَا أَبْطَلْتُ مَا أَسْأَلُ اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمَا أَنْ يَجْعَلَ حِطِّي مِنْ
 زِيَارَتِكُمَا الصَّلَاةَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَنْ يَرْزُقَنِي مُرَافَقَتِكُمَا
 فِي الْجَنَّةِ مَعَ آبَائِكُمَا الصَّالِحِينَ وَأَسْأَلُهُ أَنْ يُعْتِقَ رَقَبَتِي
 مِنَ النَّارِ وَيَرْزُقَنِي شِفَاعَتِكُمَا وَمُصَاحَبَتِكُمَا وَيُعَرِّفَ
 بَيْنِي وَبَيْنَكُمَا وَلَا يُسَلِّبَنِي حُبَّكُمَا وَحُبَّ آبَائِكُمَا
 الصَّالِحِينَ وَأَنْ لَا يَجْعَلَهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِكُمَا
 وَيُحْشِرَنِي مَعَكُمْ فِي الْجَنَّةِ بِرَحْمَتِهِ اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي حُبَّهُمَا
 وَتَوْفَنِي عَلَى مِلَّتِهِمَا اللَّهُمَّ الْعَنْ ظَالِمِي إِلْحَمْ حَقَّهُمْ
 وَأَنْتَقِمْ مِنْهُمْ اللَّهُمَّ الْعَنْ الْأَوَّلِينَ مِنْهُمْ وَالْآخِرِينَ
 وَضَاعِفْ عَلَيْهِمُ الْعَذَابَ وَأَبْلُغْ بِهِمْ بِأَشْيَاعِهِمْ وَنَجَبِيهِمْ
 وَمُسَبِّحِيهِمْ أَسْفَلَ دَرَكٍ مِنْ الْحَجِيمِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
 اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَ وَلِيِّكَ وَابْنِ وَلِيِّكَ وَاجْعَلْ فَرَجَنَا مَعَ

فَرَحِهِمْ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَجهد میکنی در دعا کردن از برای خود و پدر
 و مادر خود و هر دعا که خواهی بکنی و اگر توانی بنزدیک قبر ایشان بروی و دو
 رکعت نماز نزد قبر بکنی و اگر نتوانی داخل مسجد شو و دو رکعت نماز بکنی
 و هر دعا که خواهی بکنی که مستجابست و این مسجد پهلوی خانه ایشان است
 و حضرت امام علی نقی و امام حسن عسکری علیهما السلام در آن نماز کرده اند
 زیارت ربس خاتون و والده حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه
 و زیارت والده امام غائب عجل الله تعالی فرجه که قبر آن مطهران
 سیده پشت ضریح امام حسن عسکری علیه السلام واقع گردیده میگوئی
 السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الصَّادِقِ
 الْأَمِينِ السَّلَامُ عَلَى مَوْلَانَا أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامُ عَلَى
 الْأَنْبِيَاءِ الظَّاهِرِينَ الْحُجَّجِ الْمَيَامِينِ السَّلَامُ عَلَى وَالِدَةِ
 الْإِمَامِ وَالْمُودَعَةِ أَسْرَارِ الْمَلِكِ الْعَلَامِ وَالْحَامِلَةِ لِأَشْرَفِ
 الْأَنْبِيَاءِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الصِّدِّيقَةُ الْمَرْضِيَّةُ السَّلَامُ
 عَلَيْكَ يَا شَبِيبَةَ أُمِّ مُوسَى وَابْنَةَ حَوَارِيِّ عِيسَى السَّلَامُ
 عَلَيْكَ أَيَّتُهَا النَّقِيَّةُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الرِّضِيَّةُ

الْمَرْضِيَّةُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْمَنْعُوتَةُ فِي الْإِنْجِيلِ الْخَطْلِيَّةُ
 مِنْ رُوحِ اللَّهِ الْأَمِينِ وَمَنْ رَغِبَ فِي وَصْلَتِهِ أَتَمَّ سَيِّدُ
 الْمُرْسَلِينَ وَالْمُسْتَوْدَعَةُ أَمْرَ رَبِّ الْعَالَمِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ
 وَعَلَى آبَائِكَ الْكَوَاوِثِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى بَعْلِكَ وَوَلَدِكَ
 السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى رُوحِكَ وَبَدَنِكَ الظَّاهِرِ أَشْهَدُ أَنَّكَ
 أَحْسَنْتِ الْكِفَالََةَ وَأَدَيْتِ الْأَمَانَةَ وَاجْتَهَدْتِ فِي مَرْضَاتِ
 اللَّهِ وَصَبَرْتِ فِي ذَاتِ اللَّهِ وَحَفِظْتِ سِرَّ اللَّهِ وَحَمَلْتِ
 وَلِيَّ اللَّهِ وَبَالِغْتِ فِي حِفْظِ حُجَّةِ اللَّهِ وَرَغَبْتِ فِي وَصْلَةِ
 أَبْنَاءِ رَسُولِ اللَّهِ عَارِفَةً بِحَقِّهِمْ مُؤْمِنَةً بِصِدْقِهِمْ مُعْتَرِفَةً
 بِمَنْزِلَتِهِمْ مُسْتَبْصِرَةً بِأَمْرِهِمْ مُشْفِقَةً عَلَيْهِمْ مُؤَثِّرَةً هَوَاهُمْ
 وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مَضَيْتِ عَلَى بَصِيرَةٍ مِنْ أَمْرِكَ مُقْتَدِيَةً بِالْحَقِّ
 رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً نَقِيَّةً نَقِيَّةً زَكِيَّةً فَرَضِيَ اللَّهُ عَنْكَ وَأَخْبَاكَ
 وَجَعَلَ الْجَنَّةَ مَنْزِلَكَ وَمَاوِيكَ فَلَقَدْ أَوْلَاكَ مِنَ الْخَيْرَاتِ مَا
 أَوْلَاكَ وَأَعْطَاكَ مِنَ الشَّرَفِ مَا بِهِ أَغْنَاكَ فَهَنَّاكَ اللَّهُ بِمَا
 مَنَحَكَ مِنَ الْكَرَامَةِ وَأَمَّا كَيْسٌ بِالْأَمِيْنِ بِخُودِرَاوِي كُوْنِي

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَمَدْتُ وَلِوِضَاكَ طَلَبْتُ وَبِأَوْلِيَاؤِكَ إِلَيْكَ
 تَوَسَّلْتُ وَعَلَى غُفْرَانِكَ وَحِلْمِكَ أَتَكَلَّمْتُ وَبِكَ اعْتَصَمْتُ
 وَبِقَبْرِ أُمِّ وَلِيِّكَ لُذْتُ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَانْفَعْنِي
 بِزِيَارَتِهَا وَثَبِّتْنِي عَلَى مَحَبَّتِهَا وَلَا تَحْرِمْ نِي شَفَاعَتَهَا وَشَفَاعَةَ
 وَلَدِهَا وَارْزُقْنِي مُرَافَقَتَهَا وَاحْشُرْنِي مَعَهَا وَمَعَ وَلَدِهَا
 كَمَا وَفَّقْتَنِي لِزِيَارَةِ وَلَدِهَا وَزِيَارَتِهَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَوَجَّهُ
 إِلَيْكَ بِالْأَثَمَةِ الطَّاهِرِينَ وَأَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِالْحُجَجِ
 الْمِيَامِينَ مِنْ آلِ طَهٍّ وَلَيْسَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
 الطَّيِّبِينَ وَأَنْ تَجْعَلَنِي مِنَ الْمُطْمَئِنِّينَ الْفَائِزِينَ الْفَرِحِينَ
 الْمُسْتَبَشِّرِينَ الَّذِينَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ
 وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ قَبِلَتْ سَعِيَّةٌ وَلَيَّزَتْ أَمْرُهُ وَكُشِفَتْ ضُرُّهُ
 وَأَمِنَتْ خَوْفُهُ اللَّهُمَّ مَحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
 وَآلِ مُحَمَّدٍ وَلَا تَجْعَلْهُ أَخْرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِي إِيَّاهَا وَارْزُقْنِي
 الْعُودَ إِلَيْهَا أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي وَإِذَا تَوَفَّيْتَنِي فَاحْشُرْنِي فِي
 زُمرَتِهَا وَأَدْخِلْنِي فِي شَفَاعَةِ وَلَدِهَا وَشَفَاعَتِهَا وَاعْفِرْ لِي

وَلِوَالِدَيَّْ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَاتِّنَانِي الدُّنْيَا حَسَنَةً
وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا بِرَحْمَتِكَ عَذَابَ النَّارِ وَالسَّلَامُ
عَلَيْكُمْ يَا سَادَاتِي وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

زیارت جناب حکیمہ خاتون دختر حضرت امام محمد تقی علیہ السلام
پس در زیارت آنحضرت آنچه را که در زیارت عترت کرامت شریف حضرت

معصومه فاطمه بنت موسی بن جعفر علیہ السلام واروده است میگوئی
رُوْبِقْبَلَهُ اِسْتَاوَهُ بَوِ السَّلَامُ عَلٰی اَدَمَ صَفْوَةِ اللّٰهِ السَّلَامُ عَلٰی
نُوحٍ نَّبِيِّ اللّٰهِ السَّلَامُ عَلٰی اِبْرَاهِيْمَ خَلِيْلِ اللّٰهِ السَّلَامُ
عَلٰی مُوسٰى كَلِيْمِ اللّٰهِ السَّلَامُ عَلٰی عِيْسٰى رُوحِ اللّٰهِ السَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَ خَلْقِ اللّٰهِ
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفِيَّ اللّٰهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ
عَبْدِ اللّٰهِ خَاتَمَ النَّبِيِّيْنَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اَمِيْرَ الْمُؤْمِنِيْنَ
عَلِيَّ بْنَ اَبِي طَالِبٍ وَصِيَّ رَسُوْلِ اللّٰهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
يَا فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِيْنَ السَّلَامُ عَلَيْكُمَا يَا سَبْطِي
الرَّحْمَةِ وَسَيِّدِي شَبَابِ اَهْلِ الْجَنَّةِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ سَيِّدِ الْعَابِدِينَ وَقُرَّةِ عَيْنِ النَّاطِرِينَ السَّلَامُ
 عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ بَاقِرَ الْعِلْمِ بَعْدَ النَّبِيِّ السَّلَامُ عَلَيْكَ
 يَا جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ الصَّادِقَ الْبَارَّ الْأَمِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
 مُوسَى بْنَ جَعْفَرَ الظَّاهِرَ الظُّهْرَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَلِيَّ بْنَ
 مُوسَى الرِّضَا الْمُتَّضِي السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ التَّقِيَّ
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ النَّقِيَّ النَّاصِحَ الْأَمِينَ السَّلَامُ
 عَلَيْكَ يَا حَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ السَّلَامُ عَلَى الْوَصِيِّ مِنْ بَعْدِهِ اللَّهُمَّ
 صَلِّ عَلَى نُورِكَ وَسِرَاجِكَ وَوَلِيِّ وَلِيِّكَ وَوَصِيِّ وَصِيِّكَ
 وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ فَاطِمَةَ وَخَدِيجَةَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
 بِنْتَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ وَلِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُخْتَ وَلِيِّ
 اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمَّةَ وَلِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
 بِنْتَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ التَّقِيِّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ السَّلَامُ
 عَلَيْكَ عَرَفَ اللَّهُ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ فِي الْجَنَّةِ وَحَشَرَنَا فِي

نُزْمَتِكُمْ وَأَوْفَرِدْنَا حَوْضَ نَبِيِّكُمْ وَسَقَانَا بِكَامِرِ جَدِّكُمْ مِنْ يَدِ
 عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ أَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يُرِينَا
 فِيكُمْ الشَّرَّ وَالْفَرَجَ وَأَنْ يَجْمَعَنَا وَإِيَّاكُمْ فِي نُزْمَةِ جَدِّكُمْ
 مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأَنْ لَا يَسْلُبَنَا مَعْرِفَتَكُمْ إِنَّهُ
 وَلِيٌّ قَدِيرٌ أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ بِحُبِّكُمْ وَالْبَرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِكُمْ
 وَالتَّسْلِيمِ إِلَى اللَّهِ رَاضِيًا بِهِ غَيْرُ مُنْكَرٍ وَلَا مُسْتَكْبِرٍ وَعَلَى
 يَقِينٍ مَا أَتَى بِهِ مُحَمَّدٌ وَبِهِ رَاضٍ نَطْلُبُ بِذَلِكَ وَجْهَكَ يَا
 سَيِّدِي اللَّهُمَّ وَرِضَاكَ وَالْدَّارَ الْآخِرَةَ يَا حَكِيمَهُ اشْفَعْ عِنْدَكَ
 فِي الْجَنَّةِ فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ شَأْنًا مِنْ الشَّأْنِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
 أَنْ تَخْتِمَ لِي بِالسَّعَادَةِ فَلَا تَسْلُبْ مِنِّي مَا أَنَا فِيهِ وَلَا حَوْلَ
 وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ اللَّهُمَّ اسْتَجِبْ لَنَا وَتَقَبَّلْهُ
 بِكَرَمِكَ وَعِزَّتِكَ وَبِرَحْمَتِكَ وَعَافِيَتِكَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ
 وَآلِهِ أَجْمَعِينَ وَسَلَامٌ تَسْلِيمًا يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

در آداب سر و اب مطهر و زیارت حضرت حجة الله الامام المهدی
عجل الله تعالی فرجه

زیارت های مختلف برای آنحضرت واروده است از اینجمله زیارتیست
که در مفتاح که از سید بن طاووس نقل نموده و برای اختصار بهمان زیارت
اکتفا میشود. پس میگوئی السَّلامُ عَلَى الْحَقِّ الْبَدِيدِ وَالْعَالِمِ الَّذِي
عِلْمُهُ لَا يَبِيدُ السَّلامُ عَلَى مُحَبِّي الْمُؤْمِنِينَ وَمُبْغِي الْكَافِرِينَ
السَّلامُ عَلَى مُحَمَّدٍ الْأُمِّ وَجَامِعِ الْكَلِمِ السَّلامُ عَلَى خَلْفِ
السَّلَفِ وَصَاحِبِ الشَّرَفِ السَّلامُ عَلَى حُجَّةِ الْمَعْبُودِ وَكَلِمَةِ
الْحَمْدِ السَّلامُ عَلَى مُعِزِّ الْأَوْلِيَاءِ وَمُذِلِّ الْأَعْدَاءِ السَّلامُ
عَلَى وَارِثِ الْأَنْبِيَاءِ وَخَاتِمِ الْأَوْصِيَاءِ السَّلامُ عَلَى الْقَائِمِ
الْمُنْتَظَرِ وَالْعَدْلِ الْمُسْتَهْرَبِ السَّلامُ عَلَى السَّيْفِ الشَّاهِرِ وَالْقَمَرِ
الزَّاهِرِ وَالنُّورِ الْبَاهِرِ السَّلامُ عَلَى شَمْسِ الظَّلَامِ وَبَدْرِ اللَّيْلِ
السَّلامُ عَلَى رَبِّيعِ الْأَنَامِ وَفَضْرةِ الْآيَاتِ السَّلامُ عَلَى صَاحِبِ
الْقَمَصَامِ وَفَلَّاقِ الْهَامِ السَّلامُ عَلَى الدِّينِ الْمَأْثُورِ وَالْكِتَابِ
الْمُسْطُورِ السَّلامُ عَلَى بَقِيَّةِ اللَّهِ فِي بِلَادِهِ وَحُجَّتِهِ عَلَى عِبَادِهِ

الْمُنْتَهَى إِلَيْهِ مَوَارِيثُ الْأَنْبِيَاءِ وَلَدَيْهِ مَوْجُودُ أَشْرَافِ
الْأَصْفِيَاءِ الْمُؤْتَمَنِ عَلَى السِّرِّ وَالْوَلِيِّ لِلْأَمْرِ السَّلَامِ عَلَى الْمُهَدِي
الَّذِي وَعَدَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ الْأُمَّمَ أَنْ يَجْمَعَ بِهِ الْكَلِمَ
وَيُلِمَّ بِهِ الشَّعْثَ وَيَمْلَأَ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا وَيُمْكِّنَ
لَهُ وَيُنْجِزَ بِهِ وَعْدَ الْمُؤْمِنِينَ أَشْهَدُ يَا مُوَلَايَ أَنَّكَ الْإِثْمَةُ
مِنْ أَبَائِكَ أَيْمَتِي وَمَوَالِي فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهُادُ
أَسْأَلُكَ يَا مُوَلَايَ أَنْ تَسْأَلَ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فِي صَلَاحِ
شَأْنِي وَقَضَاءِ حَوَائِجِي وَغُفْرَانِ ذُنُوبِي وَالْأَخْذِ بِيَدِي فِي
دِينِي وَدُنْيَايَ وَآخِرَتِي لِي وَلِإِخْوَانِي وَإِخْوَانِي الْمُؤْمِنِينَ
وَالْمُؤْمِنَاتِ كَأَنَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِحَاوِرِ زِيَارَتِ رَا
بِخَوَلِيكَ بِشِيشِ زَيْنِ ذَكَرْ نَمُودِيمِ يَعْنِي دَوَا زَوْهَ رَكَعَتْ بَعْدَ زَهْرٍ دَوْرَكَعَتْ سَلَامِ
وَهْدِ وَتَسْبِيحِ زَهْرَاءَ عَلَيْهَا السَّلَامُ بِكُودِ وَهْدِيهِ كُنْدِ بِسُورِ أَنْخَضَرَتْ وَچُونِ زِنَارِ
زِيَارَتِ فَاغْ شَدِي بِكُودِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى حُجَّتِكَ فِي أَرْضِكَ
وَخَلِيفَتِكَ فِي بِلَادِكَ الدَّاعِي إِلَى سَبِيلِكَ وَالْقَائِمُ بِقِسْطِكَ
وَالْقَائِمُ بِأَمْرِكَ وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ وَمُبْدِي الْكَافِرِينَ وَمُجَلِّي الظُّلْمَةِ

وَمِنْهُ الْحَقُّ وَالصَّادِقُ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةُ الْحَسَنَةُ وَالصِّدْقُ
 كَيْمَنِكَ وَعَيْبَتِكَ وَعَيْنِكَ فِي أَرْضِكَ الْمَتَرِيقِ الْخَائِفِ
 الْوَلِيِّ النَّاصِحِ سَفِينَةِ النِّجَاةِ وَعِلْمِ الْهُدَى وَتَوْفِيرِ الْوَرَى
 وَخَيْرِ مَنْ تَقَمَّصَ وَأَرْتَدَى وَالْوَثْرِ الْمُتَوَثَّرِ وَمُفْرِجِ الْكَرْبِ
 وَمُزِيلِ الْهَمِّ وَكَاشِفِ الْبَلَاءِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَعَلَى
 آبَائِهِ الْأَيْمَةِ الْمَهَادِينَ وَالْقَادَةِ الْمِيَامِينَ مَا صَلَّعَتْ
 كَوَاكِبُ الْأَسْحَارِ وَأُورِقَتْ الْأَشْجَارُ وَأَيْبَعَتْ الْأُثْمَارُ
 وَاخْتَلَفَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَغَرَّدَتْ الْأَطْيَارُ اللَّهُمَّ أَنْفَعْنَا
 بِحُبِّهِ وَأَحْشُرْنَا فِي زُمْرَتِهِ وَتَحْتَ لَوَائِهِ إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ
 رَبَّ الْعَالَمِينَ

مناجات أمير المؤمنين علي عليه السلام

لَكَ الْحَمْدُ يَا ذَا الْجُودِ وَالْمَجْدِ وَالْعُلَى	تَبَارَكَتْ تُعْطِي مَنْ تَشَاءُ وَتُمْنَعُ
إِلَهِي وَخَلَاةِي وَجُزْئِي وَمَوْلَايَ	إِلَيْكَ لَدَى الْأَعْسَارِ وَالْيُسْرِ أَفْرَعُ
إِلَهِي لَنْ جَلَّتْ وَجَمَّتْ خَطِيئَتِي	فَعَفُوكَ عَنْ ذَنْبِي أَجَلٌ وَأَوْسَعُ
إِلَهِي لَنْ أَعْطَيْتَ نَفْسِي سُؤْلَهَا	فَهَا أَنَا فِي رَوْضِ النَّدَامَةِ أَمْرَعُ

إِلَهِي تَرَى حَالِي وَفَقْرِي وَفَاقَتِي
 إِلَهِي فَلَا تُفْطَعْ رَجَائِي وَلَا تُزْعِ
 إِلَهِي أَجْرِي مِنْ عَذَابِكَ إِنِّي
 إِلَهِي فَأَنْسِنِي بِتَلْقِينِ حُجَّتِي
 إِلَهِي لَنْ عَذَّبْتَنِي أَلْفَ حِجَّةٍ
 إِلَهِي أَذَقْتَنِي طَعْمَ عَفْوِكَ يَوْمَ لَا
 إِلَهِي لَنْ لَمْ تَرْعِنِي كُنْتُ ضَائِعًا
 إِلَهِي إِذَا لَمْ تَعْفُ عَنْ غَيْرِ مُحْسِنٍ
 إِلَهِي لَنْ فَرَطْتُ فِي طَلَبِ التَّقِي
 إِلَهِي ذُنُوبِي بَذَّتْ لَطُورِي وَاعْتَلَتْ
 إِلَهِي لَنْ أَخْطَأْتُ جَهْلًا فُطِلًا
 إِلَهِي يُنَحِّي ذِكْرَ طَوْلِكَ لَوْ عَقِي
 إِلَهِي أَقْلَبْنِي عَثَرَتِي وَأَمَحْ حَوْبَتِي
 إِلَهِي أَنْلَنِي مِنْكَ رَوْحًا وَرَحْمَةً
 إِلَهِي لَنْ أَقْضَيْتَنِي وَأَهْنَيْتَنِي

وَأَنْتَ مُنَاجَانِي الْخَفِيَّةَ تَسْمَعُ
 فَوَادِي قَلْبِي فِي سَبَبِ جُودِكَ مَطْمَعُ
 أَسِيرُ ذَلِيلُ خَائِفُ لَكَ اخْضَعُ
 إِذَا كَانَ لِي فِي الْقَدْرِ مَشْوَى وَفُجِعُ
 تَحْبَلُ رَجَائِي مِنْكَ لَا يَنْقَطِعُ
 بَنُونَ وَلَا مَالُ هُنَا لِكَ يَنْفَعُ
 وَإِنْ كُنْتَ تَرْعَانِي فَلَسْتُ أَصْبَحُ
 فَمَنْ لِمُسِيئِي بِالْهَوَى يَتَمَتَّعُ
 فَهَا أَنَا إِثْرُ الْعَفْوِ أَقْفُوا وَاتَّبِعُ
 وَصَفْحَكَ عَنْ ذَنْبِي أَجْلُوا وَارْفَعُ
 حُجُوبَكَ حَتَّى قِيلَ مَا هُوَ يَخْرُجُ
 وَذَكَرَ الْخَطَايَا الْعَيْنُ مِنْ يَدِ مَعِ
 فَإِنِّي مُقِرُّ خَائِفٌ مُتَضَرِّعُ
 فَلَسْتُ سِوَى أَبْوَابِ فَضْلِكَ أَقْرَعُ
 فَمَنْ ذَا الَّذِي رَجَّوْا وَمَنْ ذَا الشَّفَعِ

إِلَهِي لَنْ خَيِّبَتَنِي أَوْ طَرَدْتَنِي
 إِلَهِي حَلِيفُ الْحُبِّ بِاللَّيْلِ سَاهِرُ
 وَكَلَامُ رَجَوَانِوَالِكَ رَاجِيَا
 إِلَهِي مَنِّينِي رَجَائِي سَلَامَةٌ
 إِلَهِي فَإِنْ تَعَفَّوْا فَحَفُّوْا مُنْقِذُ
 إِلَهِي بِحَقِّ الْمَاشِئِمْي وَالِإِ
 إِلَهِي فَأَنْشِرْنِي عَلَى دِينِ أَحْمَدَ
 وَلَا تَحْزِمْنِي يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي
 وَصَلِّ عَلَيْهِ مَا دَعَاكَ مُوَحِّدُ

فَمَا حِيلَتِي يَا رَبِّ أَمْ كَيْفَ أَصْنَعُ
 يُنَاجِي وَيَدْعُو وَالْغَفْلُ فَجَعُ
 بِرَحْمَتِكَ الْعُظْمَى فِي الْخُلْدِ بَطْمَعُ
 وَقَبْحُ خَطِيئَتِي عَلَيَّ يُشْنَعُ
 وَالْإِنْبَالُ الذَّنْبِ الْمُدْمِرُ أَصْرَعُ
 وَحُرْمَةُ أَبْرَارِهِمْ لَكَ خُسْعُ
 مُنِيبَاتُفِيَّا فَإِنَّا لَكَ أَخْضَعُ
 شَفَاعَتُهُ الْكُبْرَى فَذَلِكَ الْمُسْتَفْعُ
 وَنَاجَاكَ أَحْيَا رَبِّابِكَ رُكْعُ

ترجمہ مناجات امیر المؤمنین علی علیہ السلام

مرتور احمدی کہ صاحب جودی و مجدد و علا
 بارالہا خالتی من ای پناہ و مرجع
 بارالہا گرچہ میباشد گناہم بس عظیم
 بارالہا گرچہ بخشیدم بنفس خود مراد
 بارالہا حال من یعنی و فقر و فاقہ ام

عالمی ہر چیز را خواہی کنی منع و عطا
 سوی تو یمنالم اندر حالت فقر و غنا
 عفو و آفرین است و اعظم از گناہ و از خطا
 میکنم اکنون بہ بہستان پشیمانی چرا
 ہم مناجات نہان را بشنوی وقت دعا

بار آلهه قطع امید مکن مایل مساز
 بار آلهه من پناهم از عذابت ده که من
 بار آلهه انس ده تلقین حجت را بمن
 بار آلهه اگر بسوزانی هزاران ساله ام
 بار آلهه لذت عفو و چنان روزی کنی
 بار آلهه اگر تو تنائی رعایت ضایع
 بار آلهه اگر نیا مرزی بغیر از نیک کار
 بار آلهه اگر چه در تقوی نمودم کوتاهی
 بار آلهه اگر ذنوبم هست افزون تر ز کوه
 بار آلهه اگر چه بد کردم ولی دارم امید
 بار آلهه یا د الطافت تسلی میدهد
 بار آلهه عفو فرما لغرض و مجرم بخش
 بار آلهه بروی من رحمت و راحت رسان
 بار آلهه اگر مرا دورا فکنی خوار و بوسیل
 بار آلهه اگر کنی خوارم و گرانانی زود

نور دل را از آنکه دارم و تو بس امید
 بنده بس خوار ترسانم خضوع آرم تو را
 چونکه باشد بهر من در قبر منظر نگاه و جا
 رشته امید من از تو نمی گردد جدا
 مال و فی قریب آنجا نفع بخشد و جزا
 گرم را عاظم کنی ضایع نکردم دایما
 کیست کار مزد گناه صاحب نفس و هوا
 بر نشان عفو اکنون میروم راه بد
 عفو افزون است از وسع از گناه و جرم
 تا بان غایت که گویند من ترسد از خدا
 یا دعویانها برین اندر چشم اشکها
 من مقیم بر گناه خویش ترسان در دعا
 چون نیارم بجز درگاه لطف التها
 پس کجا آخر امید آرم شفیع آرم کما
 چاره کو بهر من یارب چه سازم در بلا

بارالها دوستت شب ننده داری میکند
 جحشان هستند اندر نعمت امیدوار
 بارالها آرزو مندم کند امیدوار
 بارالها اگر بخشائی تو عفو تو یا دوست
 بارالها حرمت پیغمبر و آل کرام
 بارالها حشر فرمایم بدین احمدی
 ای خدای من کمن محرومم ای آقای من
 بارالها بر رسول باشی رحمت فرست

در دعا و غافل اندر خواب دار و متکا
 در عظیم رحمت پانیده ات روز لقا
 رستی جرم و گناه هم می کند تشنیهها
 ورنه اندر معصیتها خواهیم افتادن ز پا
 حرمت نیکان که ایشان بر تو کردند لقا
 پاک پاکیزه که باشم در دعا خاضع ترا
 از شفاعات بزرگ و شافع روز جزا
 که بدرگاهت رکوع آورند با صدق و صفا

خاتمه کتاب ارمان اسلام

پس از فراغت از مقاصد کتاب به پایان رسیدن مطالب آن برای
 مزید فایده و رسیدن به برخی از اخلاق حکمانه و پی بردن بقسمتی از حقوق
 اجتماعی و انفرادی و تکالیف بشری که از صاحب شرع اسلام صلوات الله
 علیه و آله رسیده چهل حدیث در خاتمه کتاب نقل گردید تا که علاوه بر رسیدن
 بقوائد مذکوره در اثر حفظ آن خواننده مشمول مفاد حدیث اربعین گردد و در
 قیامت در زمره علماء محشور شود ان شاء الله تعالی

حديث اول قال رسول الله صلى الله عليه وآله من حفظ
 على اثماني اربعين حديثا يذنبون بها في امر دينهم بعث الله
 يوم القيمة فقيها عالما حديث ٢ وم قال رسول الله صلى الله
 عليه وآله العباد سبعة سبعة اجزاء افضلها طلب الحلال حديث
 سوم قال رسول الله صلى الله عليه وآله والذي نفسي بيده
 لا يزول قدم عبد يوم القيمة حتى يسئل عن عمره فيما افناه
 وعن ماله مما كسب وفيما انفق وعن جنات اهل البيت
 حديث ٤ عن النبي صلى الله عليه وآله قال من امر بالمعروف
 ونهى عن المنكر فهو خليفة الله في ارضه وخليفة رسول الله
 وخليفة كتابه حديث ٥ قال رسول الله صلى الله عليه وآله
 اَنْ لِّكُلِّ مُسْلِمٍ لَّا يَجْعَلْ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ يَوْمًا يَتَفَقَّهَ فِيهِ امْرُؤٌ مِنْهُ
 ويسئل عنه حديث ٦ قال رسول الله صلى الله عليه وآله
 اعلموا ان الله فرض عليكم الجمعة الى يوم القيمة حديث ٧
 قال رسول الله صلى الله عليه وآله صلاة الرجل في
 جماعة خير من صلاته في بيته اربعين سنة حديث ٨

قال رسول الله صلى الله عليه وآله لا تزال امتي بخير ما تحابوا
 وتهادوا وأدّوا الأمانة واجتنبوا الحرام وراقروا الضيف أقاموا
 الصلاة وأتوا الزكاة فإذا لم يفعلوا ذلك ابتلوا بالحق والسنين
 حديث ٩ قال رسول الله صلى الله عليه وآله ما بين مسلم
 وبين أن يكفر إلا ترك الصلوة الفريضة متعمداً أو يتهاون بها
 فلا يصليها حديث ١٠ قال رسول الله صلى الله عليه وآله
 الصوم جنة من النار حديث ١١ قال رسول الله صلى الله
 عليه وآله ارفعوا أصواتكم بالصلوة علي فافها تذهب
 بالنفاق حديث ١٢ قال النبي صلى الله عليه وآله

رفع صوته

يا علي من خاف الناس لسانه فهو من أهل النار
 حديث ١٣ قال رسول الله صلى الله عليه وآله ما من ذنب
 أجدر أن يحجل الله لصاحبه العقوبة في الدنيا مع ما أدخره
 في الآخرة من البغي وقطيعة الرحم حديث ١٤ قال رسول
 الله صلى الله عليه وآله لا يدخل حظيرة الفردوس المتكبر
 حديث ١٥ قال رسول الله صلى الله عليه وآله ما هلك

مال في بر ولا يحرج الا يمنع الزكوة حصنوا اموالكم بالزكوة وداو
 مرضاكم بالصدقة ورقوا ابواب البلاء بالدعاء حديث ١٤ قال
 رسول الله صلى الله عليه وآله من اكثر الاستغفار جعل
 الله له من كل هم فرجا ومن كل ضيق مخرجا ويرزقه من حيث
 لا يحتسب حديث ١٥ قال رسول الله صلى الله عليه وآله
 من مات على وصية حسنة مات شهيدا حديث ١٦ قال
 رسول الله صلى الله عليه وآله من تواضع لله رفعه الله
 حديث ١٧ قال رسول الله صلى الله عليه وآله لا يموت
 احدكم حتى يحسن الظن بالله عز وجل فان حسن الظن بالله
 ثمن الجنة حديث ١٨ قال رسول الله صلى الله عليه وآله
 من احب ان يكون من اطول الناس عمرا فليبر والديرو ليصل
 رحمه وليحسن الى جاره حديث ١٩ قال رسول الله صلى
 الله عليه وآله البر وحسن الجوار زيادة في الرزق وعمارة
 في الدار حديث ٢٠ قال رسول الله صلى الله عليه وآله
 ما نزل جبرئيل يوصيني بامر النساء حتى ظننت انه سيحرم

طلاقهن حديث ٢٣ عن النبي صلى الله عليه وآله قال
 لا تؤذى المرأة حتى تؤذى حتى تؤذى حتى تؤذى حتى
 حديث ٢٤ قال رسول الله صلى الله عليه وآله من كان له
 ثلاث بنات أو اخوات فصبر على والائهن وضرائهن أدخله
 الله الجنة بفضل رحمته إياهن فقال رجل واثنان
 يا رسول الله فقال واثنان فقال رجل أو واحدة فقال
 أو واحدة حديث ٢٥ قال صلى الله عليه وآله اكرموا
 اولادكم وحسنوا دابهم حديث ٢٦ قال رسول الله صلى
 الله عليه وآله علموا ابنائكم الرمي والتباعد حديث ٢٧
 قال صلى الله عليه وآله من مشى إلى مسجد من مساجد
 الله فله لكل خطوة خطاها حتى يرجع إلى منزله عشر حسنات
 ومحي عنه عشر سيئات ورفع له عشر درجات حديث ٢٨
 قال رسول الله صلى الله عليه وآله من شيع جنازة فله لكل
 قدم يرفعه مائة الف حسنة ويرفع له مائة الف درجة
 ويحي عنه مائة الف سيئة وان صلى عليها صلى عليه في

الرمي والتباعد

جنازته مائة الف ملك كلهم يستغفرون له حتى يدفن فان
 شهد دفنها وكل به اولئك الملائكة المائة الف كلهم
 يستغفرون له حتى يبعث من قبره حديث ٢٩ قال
 رسول الله صلى الله عليه وآله ثلاث خصال من علامات
 المنافق اذا حدثت كذب واذا اؤتمن خان واذا وعد اخلف
 حديث ٣٠ قال رسول الله صلى الله عليه وآله سيأتي
 زمان على امتي يفرون من العلماء كما يفرون من الذئب فاذا
 كان كذلك ابتلاهم الله بثلاثة اشياء الاول يرفع الله
 البركة عن اموالهم والثاني سلطان الله عليهم سلطانا جائرا
 والثالث يخرجون من الدنيا بلا ايمان حديث ٣١ قال
 النبي صلى الله عليه وآله يا علي نوم العالم افضل من الف
 ركعة يصلونها العابد حديث ٣٢ قال رسول الله
 صلى الله عليه وآله من اعان طالب العلم فقد احب الانبياء
 وكان معهم ومن ابغض طالب العلم فقد ابغض الانبياء
 فجزاؤه جهنم حديث ٣٣ قال رسول الله صلى الله عليه

وأله إذا أراد الله بأهل بيتٍ خيراً أفقّهم في الدين ورفقهم
 الرفق في معاشهم والقصد في شأنهم ووقر صغيرهم
 كبيرهم وإذا أراد بهم غير ذلك تركهم هملاً ^{عماً} حيث ^{علاً}
 قال رسول الله صلى الله عليه وآله من قضا هرت عليه
 النعم فليقل الحمد لله رب العالمين ومن ألح عليه الفقر
 فليكثر من قول لاحول ولا قوة الا بالله العلي العظيم فإنه
 كنز من كنوز الجنة وفيه شفاء من اثنين وسبعين داء
 ادناهم لهم حيث ^{هـ} قال رسول الله صلى الله عليه
 وآله سبعة أشياء تكتب للعبد ثوابها بعد وفاته رجل
 غرس نخلاً وحضر بئراً واجرى نهراً أو بنى مسجداً أو كتب
 مصحفاً أو ورث علماً أو خلف ولداً صالحاً يستغفر له
 حديث ^{هـ} قال رسول الله صلى الله عليه وآله يا علي
 لا ولية الا في عرس أو خرس أو عذير أو وكار أو ركاز
 فالعرس التزويج والخرس النفاس بالولد والعذير الختان
 والوكار في بناء القدار وشرائها والركاز الرجل يقدم من

حدیث ۳۷ قال رسول الله صلى الله عليه وآله يا بني

عبد المطلب اطعموا الطعام واطيبوا الكلام وانشوا السلام

وصلوا الارحام واسجدوا والناس نيام تدخلوا الجنة بسلام

حدیث ۳۸ قال النبي صلى الله عليه وآله خياركم

وابراركم وافاضلكم من تعلم القرآن وعلمه حدیث ۳۹

عن النبي صلى الله عليه وآله انه قال اشرف امتي حملة

القرآن واصحاب الليل حدیث ۴۰ قال رسول الله صلى

الله عليه وآله من اكرام جلال الله اكرام ذي الشيبه المسلم

خلاصه ترجمه چهل حدیث را بدون تفسیر ترجمه لفظی برای فارسی زبانان

نقل معنی میشود تا که خوانندگان از این گفتار ای پرمعانی صاحب شریعت

صلوات الله علیه وعلی آله بهره گیرند و دیگران را هدایت نمایند انشاء الله تعالی

حدیث اول فرمود رسول خدا صلی الله علیه وآله کسی که چهل

حدیث برای فائده است من حفظ کند تا که در اثر آن منفع در امر دین

خود شوند خدا و قیامت او را محشور نماید فقیه و عالم و قوم و فرمود حق مراتب

عبادت و بندگی هفتاد و هفت است برترین آنها بدست آوردن روزی

حلال است ستوم و فرمود حق قسم بان کسیکه جان من در دست
 قدرت او است، هیچ بنده در قیامت قدم از قدم بر نمیدارد مگر آنکه از
 عمرش سؤال میشود که در چه راهی آنرا بپایان رسانید و از مالش که از چه
 راهی آنرا بدست آورد و در چه راهی صرف نمود و از محبت ما اهل بیت
 ع و فرمود حق کسیکه راهنمایی نماید مردم را به نیکی و از رشتی و بدی بپوشی کند
 او است خلیفه خدا در روی زمین و خلیفه رسول خدا و خلیفه کتاب و پی
 (قرآن) ۵ و فرمود حق اُف بر آن مسلمانی که در هفته یک روز را برای
 گرفتن احکام دین خود و سؤال از آن مقرر ننماید و فرمود حق بدانید
 که خداوند بر شما واجب گردانیده است نماز جمعه را تا روز قیامت ۷
 و فرمود حق بجا آوردن نماز را با جماعت بهتر است برای شخصی از آنکه
 چهل سال نماز را در خانه خود (فراوا) گذارد ۸ و فرمود حق امت من
 همیشه در خیر و خوبی خواهند بود و صورتیکه محبت بیکدیگر کنند و هدیه
 برای یکدیگر دهند و امانت را با مالش رونمایند و از حرام دوری کنند
 و محمان نوازی نمایند و نماز برپا کنند و زکوة دهند پس اگر ترک آن
 کنند گرفتار بخشک سالی و قحط خواهند شد ۹ و فرمود حق نیست

بین مسلمان بودن و بین آنکه کافر شود مگر ترک نماز واجب عمدا یا سستی
 نمودن بآن پس آن را بجا نیاورد ۱۰ و فرمود حق روزه سپری است
 از آتش جهنم ۱۱ و فرمود حق آواز خود را بدو و بر من بلند نماید پس
 بدستیکه نفاق را از دل میرود (مؤلف گوید در این شک نیست که در رو
 فرستادن با آواز رحمان شرعی دارد ولی باید موقع آنرا منظور داشت
 و اندازه آواز را نیز در نظر گرفت که از حد تجاوز نکند ۱۲ و فرمود حق
 یا علی کسیکه مردم از زبان او برترسند پس او از اهل دوزخ است
 ۱۳ هیچ گناهی مثل سرکشی بر مردم و قطع رحم نیست که تعجیل میشود
 برای حسابش در دنیا از عقاب با آنکه ذخیره شده است برای او در
 آخرت از عذاب ۱۴ و فرمود حق داخل بهشت نمیشود مگر ۱۵
 و فرمود حق هیچ مالی در دنیا و صحرا نابود نمیشود مگر از جهت ندادن زکوة
 پس اموال خود را حفظ نمائید بدادن زکوة و بپایان خود را بدادن کنید
 بدادن صدقه و دور نمائید اقسام بلا را بدعا ۱۶ و فرمود کسیکه مداومت
 بر استغفار کند خدا او را از هر همتی نجات میدهد و کشایش نماید برای
 او از هر شدت و تنگی و روزی او را میرساند از راهی که گمان بآن نمی برد

- ۱۷ و فرمود حق کسیکه با وصیت نیکو از دنیا رود شهید مُرده است
- ۱۸ و فرمود حق کسیکه برای خدا فروتنی کند خدا او را (در میان مردم) بلند خواهد نمود
- ۱۹ و فرمود حق (کوشش کنید) که نیر و کسی از شما مگر اینکه نیکو نماید گمان خود را بخدای عز و جل چه گمان نیک بخدای بجهای بهشت است
- ۲۰ و فرمود حق کسیکه دوست دارد و عمرش درازترین عمر باشد پس باید بپدر و مادر خود نیکی کند و صلوات رحم نماید (مقصود پیوندی و خوبی با خویشان و اقرباء است) و باید با همسایگان خود به نیکوئی سلوک کند
- ۲۱ و فرمود حق نیکی نمودن و نیکوئی با همسایگان بر برون سبب زیاده‌تری روزی و آبادی خانه‌ها است
- ۲۲ و فرمود حق همیشه جبرئیل سفارش می‌نمود مراد باره زنان باندازه که گمان نورم که حرام خواهد شد طلاق آنها
- ۲۳ و فرمود حق زن نمی‌تواند ادا کند حق خدای عز و جل را مگر آنکه ادا نماید حق شوهر خود را
- ۲۴ و فرمود کسیکه سه خیر و یا سه خواه داشته باشد پس صبر کند بر تکالیف و رحمت آنها خدا او را بفضل و رحمت خود داخل جنت خواهد نمود پس مردی عرض کرد اگر چه دو نفر باشند یا رسول الله پیغمبر حق فرمود اگر چه دو نفر باشند

مرد دیگری عرض کرد اگر چه یک باشد پیغمبر حق فرمود اگر چه یک باشد
 ۲۵ و فرمود حق اولاد خود را گرامی دارد ادب و تربیت آنها را نیکو
 نماید ۲۶ و فرمود حق یاد دهد پسران خود را بتر اندازی و شناگری
 ۲۷ و فرمود کسیکه بسوی مسجدی از مساجد خدا رود پس برای او است
 در هر قدمی که میکند او و بر میدارد تا آنکه برگردد بمنزل خود ده حسنه و محو
 میشود از او ده گناه و بلند میشود برای او ده درجه ۲۸ و فرمود حق
 کسیکه شمع جنازه نماید پس برای او است در هر قدمی که بر میدارد
 صد هزار حسنه و بلند میشود برای او صد هزار درجه و محو میشود از او صد
 هزار گناه و اگر بخواند نماز بر آن میت میخواند نماز بر جنازه او صد هزار ملک
 که تمام آنها طلب مغفرت برای او میکنند تا که بنحاک سپرده شود
 پس اگر حاضر شود و دفن آن جنازه را خداوند مومل میکند آن ملائکهای
 صد هزار را که برای او است تحفان نمایند تا روزی که (قیامت) از قبر خود
 برانگیخته شود ۲۹ و فرمود حق سه خصلت است که از علایم است
 منافق است چون میگوید دروغ میگوید و در امانت خیانت میکند
 و چون وعده میدهد برخلاف آن میرود ۳۰ و فرمود حق میساید

زمانی که اُمت من فرار میکنند از علما چنانیکه گوسفند از گرگ فرار نماید
 پس چون چنین شود گرفتار خواهد نمود خدا آنها را بسبب چیز - اول
 آنکه برکت را از اموال آنها بگیرد دوم مسلط کند خدا بر آنها حکومت ظالم
 سوم بدون ایمان از دنیا میروند ۳۱ و فرمود حق یا علی خواب عالم
 افضل است از هزار رکعت نمازی که عابد بجا میآورد ۳۲ و فرمود حق
 کسیکه بدو کند طالب علم دین را پس تحقیق دوست داشته است
 انبیار او میباشد با آنها و کسیکه دشمن داشته باشد طالب علم دین را پس
 دشمن داشته است انبیار او جزای او جحیم خواهد بود ۳۳ و فرمود حق
 چون خدا برای خانواده خیر و نیکی را خواسته باشد موفق نماید آنها را که
 در احکام دین خود و انما شوند و روزی نماید آنها را که در معیشت معاشرت
 خود برمی سلوک کنند و دشمنی است خود میان روی را اختیار نمایند
 و کوچکتر آنها بزرگتر خود را احترام نکنند و اگر اراده نماید خدا برای آنها
 آنرا آنها را بجال خود و اگذار میکند ۳۴ و فرمود حق کسیکه نعمتهای
 پروردگار بر او روا گرد و پس گوید الحمد لله رب العالمین و کسیکه
 بر او فقر و تنگدستی زیاد شود پس زیاد گوید لا حول ولا قوة الا بالله

اعلیٰ العظیم بدستیکه (این گفتار) خزینه است از خزان بهشت
 و در اوست شفاء از هفتاد و دو بیماری که کترین آنها اندوه است
 ۳۵ و فرمود حق هفت چیز اند که پس از مرگ ثواب آن برای بنده
 نوشته خواهد شد یکم درختی بکار و یا چاهی بکند یا نهری جاری نماید
 یا مسجدی را بنا کند یا قرآنی نویسد یا علمی را بعد از خود گذارد یا فرزند
 صالحی بعد از وی بماند که طلب مغفرت برای او کند ۳۶ و فرمود حق
 یا علی نیست و لیمه که سنت باشد در اسلام مگر در پنج موقع یکی در موقع
 زناشویی و از دواج و در موقع ولادت فرزند نرینه و در موقع ختنه نمودن
 فرزند و دیگری در موقع بنا کردن خانه و خریدن آن و در موقعیکه شخص از
 مکه مراجعت نماید ۳۷ و فرمود حق ای فرزندان عبدالمطلب بخورید
 مردم را و نیکنمائید گفتار خود را و افشا کنید سلام را (یعنی همه کس
 چون بر خورید سلام نمائید) و وصل نمائید ارحام خود را (یعنی خویشان
 و اقربای خود نیکی و پیوندی کنید) و سجده نمائید خدا را در موقعیکه مردم
 بخواب باشند که در اثر آن بسلامتی داخل بهشت خواهید شد
 (مؤلف گوید مراد از آن سجده نمودن در دل شب است و ممکن است که

اشاره بعبادت و نافله شب باشد ۳۸ و فرمود حق بهترین شما
 و نیکوترین شما و فاضلترین شما کسی است که قرآن را یاد گیرد و یاد دهد
 ۳۹ و فرمود حق اشرف امت من کسانی هستند که حلقه قرآن و اصحاب
 شب اند (مؤلف گوید مراد از حلقه قرآن علماء هستند که عمل کنندگان
 احکام قرآنند و هدایت کنندگان مردم اند و مراد از اصحاب شب کسانی
 هستند که پابند شب زنده داری و نافله شب میباشند) . عم
 و فرمود حق از گرامی داشتن جلال پروردگار گرامی داشتن پیر مرد
 مسلمان است (یعنی کسیکه گرامی دارد پیر مرد مسلمانی را گرامی داشته
 است عظمت و جلال پروردگار را) .

بحمد الله تعالی کتاب ارمغان اسلام به پایان رسید و تا جاییکه توفیق مساعد گردید اتمام در
 تألیف و تحت حسن خط و کاغذ آن شد امیدوار از مراجع پروردگار چنانم که مقبول و گاه خضرش
 گردد و از خطا و اشتباهات آن در گذر فرماید و روان والدین مواد را شرآن خوشنود نماید

بخت به دآله الطاهرین صلوات الله علیهم اجمعین
 بمبئی پرنس بیلدینگ شماره ۱۸ نجفی

چون این دعا از قلم افتاده بود لذا در آخر کتاب آن را درج نمودیم
 از حضرت امام صادق و امام کاظم علیهما السلام منقولست که بعد از
 هر نماز در ماه مبارک رمضان این دعا را بخوانند یا علی یا عظیم یا غفور
 یا رحیم أنت الرب العظیم الذی لیس کمثلہ شیء و هو السميع
 البصیر و هذا شهر عظمته و کرمته و شرفته و فضلتہ علی
 الشهور و هو الشهر الذی فرضت صیامہ علی و هو شهر
 رمضان الذی أنزلت فیہ القرآن هدی للناس و بینات
 من الهدی و الفرقان و جعلت فیہ لیلة القدر و جعلتها
 خیرا من ألف شهر فیا ذا المن لا یمن علیک من علی
 فیکاک ربی من النار فیمن تمن علیه و ادخلنی الجنة
 برحمتک یا ارحم الراحمین

آنگهی

خوانندگان گرامی را مستحضر نمایم

استباهاتیکه در موقع نوشتن از کاتب و در چاپ رخ داده بود بعد از چاپ
تا آنجا شیکه ممکن بود با کمال دقت مقابله و تصحیح گردید.

هر کتابی که امضاء اینجانب نداشته باشد تقلب دارنده آن طبق
قانون تعقیب خواهد شد.

محمد جواد کاشانی رحمی

maablib.org

— ۱۱ —

بسنعی و ابراهام محمد اسماعیل جهری زاده

در مطبع قادری مدینه طبع گردید

غلط نامه کتاب ارمغان اسلام

صفحه	سطر	غلط	صحیح	صفحه	سطر	غلط	صحیح
۱۲	۱۰	و آخر این	در اول این	۷۵	۴	مست	مست
۱۹	۱۱	نبی باشد	نبی است	۷۵	۸	اللهم اجعلنی	اللهم اجعلنی
۴۹	۴	نعم	بسم	۸۱	۶	لازم نیست	بجایز نیست
۵۳	۱۳	الرا د علیه	الرا د علیهم	۸۱	۱۴	و نیمه اخرا ه	و نیمه و اخرا ه
۵۸	۲	بخوانان	بخواندن	۸۹	۱۰	پسرا قل	پسرا اقل
۶۱	۳	واجب است	واجبی است	۹۰	۱۱	و برای	برای
۶۱	۴	میگرد که	گردیده و	۹۲	۸	هر کار برا	هر کار یرا که
۶۱	۴	هر که ام را عمل	هر که ام را میخواند عمل	۱۱۰	۷	شهادة مولا	شهادة مولا
۶۱	۱۳	که شخصی	که شخص	۱۱۱	۳	مشا	مشا
۶۳	۱	تا که گرفتاریها	تا که از گرفتاریها	۱۱۱	۱۳	راه	براه
۶۳	۲	بماند	بمانند	۱۱۴	۱۷	شفاعته	شفاعته
۶۴	۹	یا مستطیل	یا مربع مستطیل	۱۲۷	۷	مملکتیه	مملکتیه
۶۷	۱۱	که از دهن	که در دهن	۱۲۹	۱۱	مشغول تعقیب شود	مشغول تعقیب شود
۶۷	۱۱	انسان بیرون آمد	انسان آمد و	۱۳۶	۱۲	القائم	القائم
۷۰	۷	آشامیدن	آشامیدن	۱۳۷	۳	و السیده	و السیده
۷۰	۱۴	که از مقعد	که از مرتبه از مقعد	۱۳۷	۴	المنجیان	المنجیان

صفو	سطر	غلط	صحیح	صفو	سطر	غلط	صحیح
١٣٧	٨	فَمَعَكُمْ لَامَع	فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَع	١٧٨	٣	جَعَلْتُهُ	جَعَلْتَهُ
١٣٧	١١	أَرْعَمُ	أَرْعَمُ	١٧٨	٧	تَدْخُلْنِي	تَدْخُلْنِي
١٣٨	١٣	تَلَجَلُجُهُ	تَلَجَلُجُهُ	١٧٨	٨	أَل	أَل
١٣٩	١٥	السُّوءُ	السُّوءُ	١٧٨	٩	أَل	أَل
١٤١	١٧	إِلَى حَيْثُ	إِلَى حَيْثُ	١٨٤	٩	أَل	أَل
١٤٢	١	أَتَرَانِي	أَتَرَانِي	١٨٥	١٤	فَلَا يَغِيْبَنَّ	فَلَا يَغِيْبَنَّ
١٤٢	١	حَيْثُ	حَيْثُ	١٨٨	٣	شِمَاتَةٍ	شِمَاتَةٍ
١٤٢	٧	فَوَاهَا	فَوَاهَا لَهَا	١٨٨	٧	مَا خَرِيفَتُهُ	مَا خَرِيفَتُ مَرَّتَهُ
١٤٢	١٧	عَمَّا	عَمَّا كُنْتُ	١٨٩	١	شِمَاتَةٍ	شِمَاتَةٍ
١٤٣	١	رَدَانِي	رَدَانِي	١٩٣	٤	أَل	أَل
١٤٣	١٥	الْمَحُولِ	الْمَحُولِ	١٩٥	٢	وَلَمْ يُجَانِرْ	وَلَمْ يُجَانِرْ
١٥٠	١٠	أَوْغِيْبَةٍ	أَوْغِيْبَةٍ	١٩٧	٧	وَدُو	وَدُو
١٥١	١١	يَزِيدُنِي	يَزِيدُنِي	١٩٩	٤	السَّبِيحِ	السَّبِيحِ
١٥٢	١٥	وَلَا يَخْصِي	وَلَا يَخْصِي لَهُ	١٩٩	١٠	الْأَعْظَمِ	الْأَعْظَمِ
١٥٣	١١	رَغْبَتِي فِي	رَغْبَتِي فِي	٢٠٢	١١	الْجَاوِرِ	الْجَاوِرِ
١٥٤	٩	أَسْتَشْفَعُ	أَسْتَشْفَعُ	٢٠٣	١٣	بعد از حمد و قل	بعد از حمد و قل
١٥٤	١٠	رَأَى يَافَتَكَانَ	بَايَتِ يَافَتَكَانَ	٢٠٤	٨	وَلَا كَانَ	وَلَا كَانَ
١٧٦	٧	وَدِيمٌ دَوَقُنُوتِ	وَدِيمٌ قُنُوتِ	٢٠٤	٩	أَقْدِيرُ	أَقْدِيرُ

صفحة	سطر	نقطة	صحيح	صفحة	سطر	نقطة	صحيح
٢٠٧	٤	وَيَقْدَرْتَهُ	وَيَقْدَرْتَهُ	٢٣٥	٩	جَوَارِكُ	جَوَارِكُ
٢٠٧	١٠	صاحب	.	٢٣٨	١٥	تول	تول
٢٠٩	١٣	مُواخَذَهُ	مُواخَذَهُ	٢٣٩	٧	تَجْمُوعُ	تَجْمُوعُ
٢١٠	١	رَأَيْشُ	رَأَيْشُ	٢٤٠	١٢	بِأَمْنٍ	بِأَمْنٍ
٢١١	٧	خَيْرُهُ	خَيْرُهُ	٢٤٥	١٤	عَدَدُ	عَدَدُ
٢١١	٩	خَيْرُهُ	خَيْرُهُ	٢٤٦	١	كَلِمَتُ	كَلِمَتُ
٢١٧	٩	يَقُومُ	يَقُومُ	٢٤٦	١١	مَغَارِبُهَا	مَغَارِبُهَا
٢١٨	١٣	تُنَزَّلُ	تُنَزَّلُ	٢٥٠	٩	فُلَانِ بْنِ	فُلَانِ بْنِ
٢١٩	١	أَقْرَبُ	أَقْرَبُ	٢٥٢	٣	عَمْدَانِ	عَمْدَانِ
٢١٩	١٥	حَاجَتُهُ	حَاجَتُهُ	٢٥٢	١٣	مُنْزِلُ	مُنْزِلُ
٢٢٠	٢	خَفِيَ	خَفِيَ	٢٥٣	٣	أَشْرَقَتْ	أَشْرَقَتْ
٢٢٢	١٣	تَزْيِينُ	تَزْيِينُ	٢٥٣	٤	السَّمَوَاتِ	السَّمَوَاتِ
٢٢٣	١١	مُنْكَسَرًا	مُنْكَسَرًا	٢٥٣	١٢	بَحْرَهَا عَنِّي	بَحْرَهَا عَنِّي
٢٢٦	١٣	جَلِيلُ	جَلِيلُ	٢٥٤	٧	الْمُتَشَبِّهِينَ	الْمُتَشَبِّهِينَ
٢٢٩	٩	بِخَالَفَتِهِ	بِخَالَفَتِهِ	٢٥٤	٨	الْمُتَشَبِّهِينَ	الْمُتَشَبِّهِينَ
٢٣٠	١٧	الْمَعْرُوفُ	الْمَعْرُوفُ	٢٥٥	٢	وَأَحْيَى	وَأَحْيَى
٢٣٢	١٣	وَأَخْفَيْتُهُ	وَأَخْفَيْتُهُ	٢٥٥	٩	يَجِدُ	يَجِدُ
٢٣٣	١٣	مَالِكُ	مَالِكُ	٢٥١	١	عَلَى بْنِ	عَلَى بْنِ

صفر	سفر	غلط	صح	صفر	سفر	غلط	صح
۲۶۱	۸	حَسَنُ بْنُ	حَسَنُ بْنُ	۲۹۶	۷	هَشِي	هَشِي
۲۶۱	۱۲	عَبْدُ اللَّهِ	عَبْدُ اللَّهِ	۳۰۱	۱۵	اَشْتَغَالَ	اَشْتَغَالَ
۲۶۱	۱۲	حُسَيْنُ بْنُ	حُسَيْنُ بْنُ	۳۰۸	۴	يَكْتُدُ كُنْدَمَ	يَكْتُدُ كُنْدَمَ
۲۶۲	۱	عَلِيُّ بْنُ	عَلِيُّ بْنُ			وَدُوْدُ كُنْدَمَ	وَدُوْدُ كُنْدَمَ
۲۶۲	۵	مُحَمَّدُ بْنُ	مُحَمَّدُ بْنُ	۳۱۲	۱۰	وَقْتَهَا اسْتَ	وَقْتَهَا اسْتَ
۲۶۲	۹	جَعْفَرُ بْنُ	جَعْفَرُ بْنُ			مَرْدَمَ	مَرْدَمَ
۲۶۲	۱۳	مُوسَى بْنُ	مُوسَى بْنُ	۳۱۳	۸	يَمْتَوَانُ	يَمْتَوَانُ
۲۶۳	۲	عَلِيُّ بْنُ	عَلِيُّ بْنُ	۳۱۴	۳	نَوْرُكَ بِكَ الظُّلَمَ	نَوْرُكَ بِكَ الظُّلَمَ
۲۶۳	۶	مُحَمَّدُ بْنُ	مُحَمَّدُ بْنُ	۳۱۴	۳	التَّدْوِيرُ	التَّدْوِيرُ
۲۶۳	۱۰	عَلِيُّ بْنُ	عَلِيُّ بْنُ	۳۱۴	۵	الزَّمَانُ	الزَّمَانُ
۲۶۳	۱۴	حَسَنُ بْنُ	حَسَنُ بْنُ	۳۱۴	۸	عَمَّا عَجَبَ	عَمَّا عَجَبَ
۲۷۰	۱۰	أَلِيَّ	أَلِيَّ	۳۲۱	۱۳	نَبَاشِدُ مَرْتَبَةِ	نَبَاشِدُ مَرْتَبَةِ
۲۷۰	۱۱	وَنَوَالِدُنَ	وَنَوَالِدُنَ			صَدْرُ مَرْتَبَةِ	صَدْرُ مَرْتَبَةِ
۲۷۸	۷	وَرِيْسِيْلُ	وَرِيْسِيْلُ	۳۲۲	۱۵	أَلْعِيْلُ	أَلْعِيْلُ
۲۷۹	۱	جَعَلْتُ	جَعَلْتُ	۳۲۶	۵	لَا تَنْبَغِي	لَا تَنْبَغِي
۲۸۱	۱۳	قُرَّةُ	قُرَّةُ	۳۲۶	۵	وَأَيْتُ بِهِ عَلِيَّ	وَأَيْتُ بِهِ عَلِيَّ
۲۸۹	۳	مَصْدَرُ جَلَالِ	مَصْدَرُ جَلَالِ	۳۳۱	۹	لَكُنْتُ	لَكُنْتُ
۲۹۲	۱۵	لَهُ	لَهُ	۳۳۲	۱۵	وَأَقْعُ كَرْدِيْدَ	وَأَقْعُ كَرْدِيْدَ

صفر	سطر	غلط	صح	صفر	سطر	غلط	صح
۳۳۵	۵	واین	واین ماه	۳۵۷	۷	قَدْ	مَدَّعُطَانِي
۳۳۹	۴	عَلَى مَا	عَلَى مَا نَشَاءُ	۳۵۸	۳	لِنَهْتِدِي	لِنَهْتِدِي
۳۴۱	۱۵	غَائِمِينَ	غَائِمِينَ	۳۵۸	۱۲	صَفْوَتِكَ	صَفْوَتِكَ
۳۴۵	۱۰	بازدم	بازدم	۳۶۰	۲	يَسْتَخْفِي	يَسْتَخْفِي
۳۴۷	۱۳	فَكْسَل	فَكْسَل	۳۶۰	۱۰	عَسْرَتَنَا	عَسْرَتَنَا
۳۴۸	۳	اَيْتَاءَ	اَيْتَاءَ	۳۶۰	۱۳	وَاذْهَبْ	وَاذْهَبْ
۳۴۹	۱	سَعِيًّا	سَعِيًّا	۳۶۱	۱۲	بِمَهَائِكَ	بِمَهَائِكَ
۳۵۲	۱۴	خوابیم	خوابیم بود	۳۶۲	۱۱	رَحْمَةً	رَحْمَةً
۳۵۳	۶	وهر کسی	کسی	۳۶۵	۹	مَقَام	مَقَام
۳۵۴	۱۱	وَأَيَقَنْتَ	وَأَيَقَنْتَ	۳۷۰	۱	كُلِّ	كُلِّ
۳۵۵	۸	الظَّاهِرُ	الظَّاهِرُ	۳۷۴	۷	اَسِيكَ	اَسْمُكَ
۳۵۵	۱۴	وَسِتْرَكَ	وَسِتْرَكَ	۳۸۸	۱۱	غسل	وَدَانَ غَسْل
۳۵۶	۱۰	أَسْأَلُكَ	أَسْأَلُكَ	۳۹۰	۲	بِه	بِه
۳۵۶	۲	رَزَقْتَنِي	رَزَقْتَنِي	۳۹۲	۳	بهرمان	بهرمان
۳۵۶	۵	أَبْطَأَ	أَبْطَأَ	۳۹۵	۱۳	برای	برای او
۳۵۶	۵	أَبْطَأَ	أَبْطَأَ	۴۰۷	۴	يُبَاهِي	يُبَاهِي
۳۵۶	۱۳	الْعَالَمِينَ	الْعَالَمِينَ	۴۰۹	۱۱	كُلِّ	كُلِّ
۳۵۷	۵	يَشَاءُ	يَشَاءُ	۴۱۸	۱۰	الْقَتُومِ	الْقَتُومِ

صفحہ	سطر	غلط	صحیح	صفحہ	سطر	غلط	صحیح
۴۲۰	۷	عَزِيزُ	عَزِيزُ	۴۴۲	۱۱	اَصْحَابِ	اَصْحَابِ الْحُسَيْنِ
۴۲۰	۱۱	اللّٰهُمَّ لَكَ	اللّٰهُمَّ لَكَ	۴۴۵	۸	وَتَوَدَّعَنِي	وَتَوَدَّعَنِي
۴۲۱	۴	عَلَى مَا وَجَّعَ	عَلَى مَا وَجَّعَ	۴۴۷	۴	عَلَيْكَ	عَلَيْكُمَا
۴۲۲	۴	وَيَخْذُلُ	وَيَخْذُلُ	۴۴۸	۹	يَا سَيِّدِي	يَا سَيِّدِي
۴۲۲	۴	وَأَنْزَلْتَهُ	وَأَنْزَلْتَهُ	۴۴۹	۵	ماہ اسلامی	ماہ سال اسلامی
۴۲۴	۸	الْكِتَابِ	الْكِتَابِ	۴۴۹	۱۰	جَمِيعُ	جَمِيعُ
۴۲۴	۸	وَالسَّنَةِ	وَالسَّنَةِ	۴۵۱	۹	چہارم	چہار دہم
۴۲۴	۹	الَّذِينَ	الَّذِينَ	۴۵۳	۵	علیہ السلام	علیہ السلام را
۴۲۴	۱۴	وَوَرَقَةٍ	وَوَرَقَةٍ	۴۵۳	۱۴	در رکعت اول	در ہر رکعت
۴۲۵	۱۳	وَأَهْلِكَ	وَأَهْلِكَ	۴۵۴	۴	وہا زدہم	وہا روز وہم
۴۲۶	۲	أَفْلَحَ	أَفْلَحَ	۴۵۴	۱۲	عزاء	عزاء و زیارت آنحضرت
۴۲۷	۴	فَنَائِكَ	فَنَائِكَ	۴۵۵	۱۱	چہار رکعت	چہار رکعت است
۴۲۸	۴	بَسْطَ	بَسْطَ	۴۵۸	۸	وَلِيَرَبِّطَ	وَلِيَرَبِّطَ
۴۲۸	۸	مُصِيبَتِكَ	مُصِيبَتِكَ	۴۶۰	۱۵	سومِ خمس	سومِ رخص
۴۲۸	۱۴	وَأَشْيَاعِهِمْ	وَمِنْ أَشْيَاعِهِمْ	۴۷۳	۲	شدہ ہا	شدہ ہا
۴۲۹	۵	أَكْرَمَنِي	أَكْرَمَنِي بِكَ	۴۷۳	۳	دارا ہا	دارا ہا
۴۳۱	۴	مُعَاوِيَةَ	مُعَاوِيَةَ بْنِ	۴۷۳	۵	وہا داز ہا	وہا داز ہا
			أَبْنَى سَفِيَّانَ	۴۷۳	۶	وہا ہا	وہا ہا

صفحه	سطر	فعل	صحیح	صفحه	سطر	فعل	صحیح
۴۷۷	۱۱	ذالْحِجَّةِ	ذالْحِجَّةِ است	۵۱۰	۴	واجب	واجب میشود
۴۷۷	۱۴	فِدَا	فَدَا	۵۱۲	۵	تَابِعَ	تَابِعَ
۴۷۹	۱	وَتَقَبَّلَهُ	فَتَقَبَّلَهُ	۵۱۶	۱	مِيتَ	مِيتَ را
۴۸۲	۱	میشود	است	۵۱۷	۱۲	حُفِرَ	حُفِرَ
۴۸۵	۳	وَانْكَحُوا	وَانْكَحُوا	۵۱۸	۴	اللَّهُمَّ زِدْنَا	اللَّهُمَّ زِدْنَا
۴۸۸	۱۱	الزَّوْجَ	التَّزْوِيجَ	۵۱۹	۵	خَاتَمُ	خَاتَمُ
۴۹۱	۲	حَقِيقَةً	حَقِيقَةً اگر	۵۲۸	۲	برای مردان	برای مردگان
۴۹۱	۱۳	بنا بر شهود	بنا بر مشهور	۵۴۵	۱۴	فَأَحْصَيْنَ	فَأَحْصَيْنَ
۴۹۲	۵	انهارا اصلاح	انهارا اصلاح	۵۴۶	۹	اول راست	اول اوست
۴۹۲	۱۱	در طهری	و طلاق در طهری	۵۵۲	۲	طَاعَتُهُ	طَاعَتُهُ
۴۹۲	۱۲	که مرد وزن	که مرد زن	۵۵۴	۷	يَغِیْطُهُ	يَغِیْطُهُ
۴۹۷	۱۴	نزومیت	نزوم محض	۵۵۹	۱۱	مَنْبَتُكُمْ	مَنْبَتُكُمْ
۴۹۸	۱۱	بجنازه	بجنازه او	۵۶۲	۹	دَارَ	دَارَ
۴۹۹	۱۱	و بخدا	و باستغانت خدا	۵۶۴	۶	و رَحْمَةُ اللَّهِ	و رَحْمَةُ اللَّهِ
۵۰۱	۱	اللَّهُمَّ لَا	اللَّهُمَّ إِنَّا لَا	۵۶۴	۱۴	الظَّاهِرِ	الظَّاهِرِ
۵۰۴	۶	که غسل	که غسل	۵۶۵	۵	مُؤَثَّرَةً	مُؤَثَّرَةً
۵۰۹	۹	نماز کند	نماز معین کند	۵۷۶	۱۴	اَسْتَوْدِعَ	اَسْتَوْدِعَ
۵۰۹	۱۲	خاندان	خواندن	۵۷۷	۱۰	فَضَّيْعِكَ	فَضَّيْعِكَ

صفحة	سطر	غلط	صحیح	صفحة	سطر	غلط	صحیح
٥٧٨	٥	تُعَذِّبُهُ	تُعَذِّبُهُ	٦٠٧	٨	يَسْلُبْنِي	يَسْلُبْنِي
٥٧٩	١٣	وَإِخَاكَ	وَإِخَاكَ وَأُمَّكَ	٦٠٨	٧	كَهْرَانٍ	كَهْرَانٍ
٥٨٠	١٥	مُفَرِّجٍ	مُفَرِّجٍ	٦١١	١٤	سَيِّدَةٍ	سَيِّدَةٍ
٥٨٤	١	سَيِّدَةٍ	سَيِّدَةٍ	٦١٧	١١	وَفَطَالِمَا	وَفَطَالِمَا
٥٨٤	١١	عَلَيْهِ السَّلَامُ	وَلِيِّ اللَّهِ	٦١٧	١٢	طُولِكَ	طُولِكَ
٥٨٥	١١	خَوَاتِيمَ	خَوَاتِيمَ	٦١٧	١٤	أَبْوَابُ	أَبْوَابُ
٥٨٧	٩	بَرْقَشٍ	بَرْقَشٍ	٦١٧	١٥	أَقْصَيْتَنِي	أَقْصَيْتَنِي
٥٩٢	١١	جَزِيلٍ	جَزِيلٍ	٦٢٢	٣	بِالْحَقِّ	بِالْحَقِّ
٥٩٤	٨	مُحِبِّ	مُحِبِّ				



maablib.org